وظایف دانشجویان انقلابی در قبال اقشار و طبقات اجتماعی

در شماره قبل دیدیم که دانشجویان انقلابی بعنوان بخشی از روشنفکران متعهد جامعه باید در امر آگاه کردن و سازمان دادن خلق، نقش ویژه خود را بعهده بگیرند و یادآور شدیم که طبعاً "بدلیل شرایط تاریخی موجود، پرداختن به طبقه کارگر و سازمان دادن مبارزات کارگری در این میان اهمیت درجه اول را دارد. در این شماره می‌خواهیم ببینیم انجام این وظیفه را از کجا باید آغاز کرد؟

بدون شک شناخت و درک قانونمندیهای حرکت هر پدیده اولین و اساسی‌ترین گام برای برخورد صحیح و موفقیت آمیز است، وطبعاً وقتی صحبت از شناخت می‌کنیم منظورمان یکسری اطلاعات کلی و پراکنده نیست. چه بسیار عدم موفقیتها و یا حتی تاثیر گذاریهای منفی که ممکن است در اثر نداشتن شناخت صحیح ببار آید. در بسیاری از موارد دیده شده که وقتی روشنفکران بدون مسلح شدن به درک صحیح طبقاتی و مخصوصاً" بدون شناخت خصوصیتهای ویژه کارگران یک کشور خاص به میان آنها می‌روند، نه تنها نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، بلکه ذهن خود آنها نیز فاسد میشود. معمولاً" اطلاعات کلی در دسترس همه است و بهمین علت خیلی زود ممکن است با مطالعه چند کتاب به کلیاتی در باره طبقه کارگر و مبارزات طبقاتی دست یافت. اینجاست که اگر صرفاً" با تکیه به این کلیات به میان کارگران برویم حتی ممکن است بدلیل عدم موفقیتها مایوس بشویم. مثلاً" در دوره دیکتاتوری وقتی روشنفکران ویژگیهای جامعه ایران و ضرورت گذار از مراحل مقدماتی لازم (بسیج اقشارمیانی جامعه) برای رسیدن به مرحله جوشش همه جانبه کارگران را درک نمی‌کردند، نه تنها از رفتن به انجام نتیجه‌ای جز بی‌عملی وتئوری بافی‌های دورودراز درباره "حزب طبقه کارگر" ویادرست و غلط بودن "تقدم مبارزه مسلحانه بر تشکیل حزب" نداشت.

گاهی از اوقات دیده شده که برخی روشنفکران وقتی به میان کارگران می‌روند به جای اینکه جنبه های درست و غلط اندیشه و اخلاق حاکم بر این طبقه را تمیز داده، وجوه غلط آن را نفی و وجوه صحیح آنرا جذب نمایندبه یکباره خود را تسلیم فرهنگ طبقه‌ای می‌کنند که هنوز نتوانسته است آثار حاکمیت سرمایه‌داری و نفوذ فرهنگ آنرانفی نماید.

از دیگر نمونه‌های برخورد غیرعلمی با طبقه کارگر، رفتن به میان این طبقه با پیشداوریهای رمانتیک از کارگران می‌باشد. بدین معنیٰ که روشنفکر با مطالعه داستان مبارزات کارگری و دلاوریهای آنها بدون توجه به جریان رشد کارگران و اوجگیری مبارزاتشان با مسئله برخورد می‌کنند و ناگهان شکافی عمیق بین ذهنیتهایش و واقعیات ملموس ایجاد می‌شود و طبعاً "مایوس میگردد. گاهی نیز تعمیم نمونه‌های منفرد به کل طبقه می‌تواند گمراه کننده باشد؛ مثلاً" تعمیم دادن انگیزه‌ها و آگاهی یک کارگر آگاه به‌کل طبقه کارگر و تحلیل کردن با این پیش فرض.

ضرورت شناخت کلی و عمومی درباره طبقه کارگر

بهر حال با توجه به مطالب فوق برای رفتن به میان توده‌ها و منجمله طبقه کارگر ابتدا بایدتا حدی به شناختی صحیح دسترسی پیدا کنیم و همچنین شیوه‌های علمی برخورد با کارگران را بیاموزیم. در سرفصلهائی که باید موردمطالعه و آموزش قرار گیرد را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱ ـ اولین بخش آموزش و مطالعات ما باید در زمینه شناخت کلی و عمومی طبقه کارگر باشد. همچنانکه می‌دانیم پدیده‌های مختلف جهان صرفنظر از ویژگیهای خاص در محدوده‌های مشخصی‌دارای مشابهت‌های عام نیز می‌باشند. جامعه و منجمله طبقه کارگر هم از این قاعده مستثنی نیستند. کارگران که درجریان شکل‌گیری سرمایه‌داری به عنوان یک طبقه موجودیت یافتند، در تمام‌کشورهای سرمایه‌داری مشترکاتی دارند. بعبارت دیگر حرکت طبقه کارگر در سراسر جهان‌از قوانین عامی تبعیت می‌کند. برای درک این قوانین عام باید دانش طبقاتی خود را با مطالعه تاریخ‌شکل گیری طبقات و مبارزات طبقاتی و مخصوصاً" با مطالعه نظام سرمایه داری، چگونگی شکل‌گیری ورشد آن ارتقاء بخشیم. در این زمینه درک عمیق مفهوم استثمار جای خاصی دارد. مطالعه تاریخ مبارزات‌طبقه کارگر در سراسر جهان نیز برای‌ارتقا دانش طبقاتی لازم و ضروری است.

اهمیت شناخت ویژگیهای طبقه کارگر ایران

۲ ـ پس از کسب حداقل معلومات در باره جنبه‌های عام خصوصیات این طبقه می‌بایست ویژگیهای طبقه کارگر را در ایران مورد بررسی قرار دهیم. برای این منظور باید اولا "ویژگیهای طبقه کارگر ایران رابلحاظ اجتماعی خوب بشناسیم. مثلاً" باید بتوانیم تفاوت های کارگران بخش خصوصی و عمومی کارگران کارخانه‌های بزرگ وکوچک،

بقیه ازصفحه اول

لایه‌ها را بخوبی بشناسیم. ثانیا "به لحاظ سیاسی باید سابقه مبارزاتی کارگران را در ایران مورد بررسی قرار داد تا ضمن آن بتوانیم موقعیت فعلی کارگران را از این‌نظر به خوبی درک کنیم. در همین رابطه است که می‌توان بطور واقع‌بینانه انگیزه‌های صنفی و سیاسی کارگران را باز شناخت و در نتیجه با انتظارات واقع بینانه در زمینه‌درجه‌تشکل‌پذیری کارگران‌ونیزباشعارهای متناسب با آنها برخوردکرد. مطالعه تشکل‌های خاص کارگری و سابقه آنها و نیز مبارزات کارگران در سالهای اخیرو نیروها واحزاب و سازمانهای دست اندرکار و درجه نفوذ آنهادرکارگران، در همین زمینه باید مطالعه شود. ثالثا "باید به بررسی ویژگیهای فرهنگی طبقه کارگر در ایران پرداخت. در این زمینه بنظر ما اصلی‌ترین کلید درک نقش فرهنگ اسلام انقلابی در انتقال مفاهیم انقلابی به کارگران می‌باشدکه بدون توجه به این کلید حتما" موفقیت چندانی نصیب روشنفکران نخواهد شد. علاوه بر این عامل باید با زبان خاص طبقه کارگر آشنائی داشت. اگر بدون توجه به این‌مسئله و با فرهنگ رایج در میان روشنفکران باکارگران روبرو شویم‌موفقیت‌چندانی نخواهیم داشت. پرهیز از سخن گفتن به زبان پیچیده روشنفکری و استفاده از اصطلاحات مغلق نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

ارتباط مبارزه ضد امپریالیستی ومبارزه‌طبقاتی کارگران

۳ـ مسئله دیگری که بایدمورد مطالعه قرار گیرد، رابطه مبارزه طبقه کارگر با محتوای اصلی مبارزه یعنی مبارزه رهایی بخش ضد امپریالیستی (که راهگشای اهداف نهائی توحیدی‌ماست) است. این نکته را بارها یادآور شده‌ایم که مبارزه طبقاتی در جامعه ما که سالها زیر سلطه امپریالیزم بوده و هنوز هم در ابعادی می‌باشد، فقط و فقط در چارچوب مبارزه تمام‌اقشار

پیکار

شماره ۲۹
اول بهمن ۵۸

گزارشی از راهپیمایی و تحصن دانش‌آموزان زاهدان

(نقل از نشریه بلوچ شماره ۹)

به دنبال اطلاعیه "انجمن دانش‌آموزان بلوچ" مبنی بر اعلام راهپیمایی، در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۶ دانش‌آموزان اقدام به راهپیمایی نمودند و اعتراض شدید به دستگیری تعدادی دانش‌آموز و معلم در ایرانشهر می‌نمایند. این راهپیمایی از دبیرستان دکتر شریعتی (ایرانشهر) آغاز می‌گردد. دانش‌آموزان پس از آنکه چند خیابان را طی میکنند و شعارهایی علیه "هیئت حاکمه" و "خوانین" می‌دهند در اداره آموزش و پرورش اجتماع کرده و به منظور رسیدگی هرچه سریعتر به خواسته‌هایشان در این اداره متحصن می‌شوند. دانش‌آموزان طی قطعنامه‌ای خواسته‌های خود را به شرح ذیل اعلام میدارند:

۱- کلیه زندانیانی که به خاطر منافع زحمتکشان بلوچ در ایرانشهر دستگیر شده‌اند باید آزاد شوند.

۲- ما خواهان اخراج و محاکمه معلمین و محصلینی که با رژیم گذشته همکاری داشته‌اند، هستیم.

۳- ما خواهان به رسمیت شناخته شدن انجمن دانش‌آموزان بلوچ و آزادی فعالیتهای سیاسی و صنفی و استفاده از امکانات دبیرستانها مثل مکان انتشارات، وسایل ورزشی و غیره میباشیم.

ضمناً بوسیله عوامل وابسته به رژیم سعی میشود این تحصن شکسته شود که با مخالفت دانش‌آموزان روبرو میشود. مولوی عبدالملک (پسر مولوی عبدالعزیز) به اداره آموزش و پرورش آمده و تلاش میکند دانش‌آموزان را قانع سازد تا به تحصن خود خاتمه دهند. ولی دانش‌آموزان هرچند اجازه سخنرانی به وی می‌دهند ولی در پایان با شعارهایی مخالفت خود را با او ابراز میدارند. شعارهایی که داده می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از:

"عزالدین رهبر کرد و بلوچ"، "خودمختاری زحمتکشان آری، خودمختاری ارتجاع نه"، "بلوچستان ... ملک است"، خودمختاری (اتوواجهی) حق است (بلوچستان سرزمین ماست، خودمختاری حق ماست)"، "تا بوی اساسی با حق است (تا بوی اساسی با حق است)" و ....

ضمناً شماری از دانش‌آموزان دبیرستانهای مختلف زاهدان پشتیبانی خود را از این تحصن اعلام داشتند. به دنبال مصاحبه تلویزیونی "پاسداران" و اعلام اینکه "عزیزالله بلوچ" یکی از دستگیرشدگان ساواکی بوده است و اینکه دانش‌آموزان با آگاهی به این تحصن نموده‌اند. دانش‌آموزان طی ۳ اطلاعیه مقاصد و اهداف پاسداران را در این زمینه افشاء نمودند. در قسمتی از اطلاعیه شماره ۳ دانش‌آموزان متحصن آمده است: چرا سپاه پاسداران در برابر اعترافات وطنفروشانه دانش‌آموزان در برابر بلوچستان پس از مدتها سکوت اقدام به افشاگری نمود.... چرا سپاه پاسداران "عزیزالله بلوچ" را قبلاً افشاء نکردند...؟ چرا در مورد بقیه دستگیرشدگان مهر سکوت بر لب میزنند؟... اعتقاد داریم که این عمل پاسداران نه در جهت عملی کردن یکی از خواستهای ما یعنی افشاء ساواکی ها، بلکه در جهت مخدوش ساختن چهره یاران دستگیر شده است توسط دانش‌آموزان مبارز (۱) (نقل بمعنی). تا این تاریخ ۵۸/۱۰/۲۳ هنوز تحصن دانش‌آموزان ادامه دارد.

قابل یادآوری است که در روز یکشنبه ۱۰/۲۲/ توسط هواداران دانش‌آموزان متحصن راهپیمائی صورت گرفت.

(۱)- در پاسخ به افشاگری "انجمن دانش‌آموزان بلوچ" مبنی بر اینکه اکثر واقعاً پاسداران فعلی بلوچستان از مزدوران امپریالیسم و عمال ساواک است چرا "نبی خان ریگی" و یا "خداداد ریگی" و ... که وابستگان به رژیم سابق هر کس آنها را میشناسد، را افشاء و دستگیر نمی‌نمایند. چرا روشنفکران خودفروخته‌ای چون "غلامرضا حسین بر" و "ملک بخش باکراد" و ... را افشاء نمی‌کنند و به پای میز محاکمه نمی‌کشانند؟ چرا "مهدی میربکار" که سند خیانتش بخلق بوسیله دانشجویان دانشسرای عالی به اطلاع عموم رسید، همچنان مشغول بکار است، آنهم در آموزش و پرورش (توضیح اینکه این شخص هم‌اکنون در دبیرستان طالقانی زاهدان مشغول بخدمت! میباشد. نامبرده را بجای اینکه به پای میز محاکمه بکشند و از کار برکنار نمایند، از ایرانشهر به زاهدان منتقل نمودند) آری اینان نیز مانند آنهنگام به افشاء خائنین بخلق همت می‌گمارند که توسط آن بتوانند ذهن توده‌ها را نسبت به نیروهای مبارز مسموم نمایند و به اهداف انحصارگرانه خود جامه عمل بپوشانند. آیا مزدورانی چون "امیرانتظام" و "مقدم مراغه‌ای" که پس از ۹ ماه خیانت بخلق افشاء میشوند، خود گواه حقانیت ما و خیانت آنان نیست؟ آیا گواه این نیست که هیئت حاکمه به اصطلاح انقلابی تنها آن هنگامی به افشاء وابستگان خود میپردازد که دیگر نتوانند یکدیگر را تحمل نمایند. آری آنان نه از منافع توده‌ها بلکه از منافع انحصارگرانه خود حرکت مینمایند و این برکسی پوشیده نمانده!

افشاء و محاکمه کلیه مزدوران رژیم گذشته خواست کلیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی است

اخباری از مبارزات دانش‌آموزی

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

به دانش‌آموزان دبیرستانی!

گروه دانش‌آموزان دبیرستانی جنوب روسیه در ماه مه ۱۹۰۲ تشکیل یافت. در اوت ۱۹۰۲ گروه اولین کنگره‌اش را که اعلامیه زیر را صادر کرد، برگزار نمود. این کنگره وظایف گروه را عبارت از کار و فعالیت انقلابی ـ فرهنگی در میان دانش‌آموزان و پخش نوشتجات غیرقانونی تعیین کرد. کمیته مرکزی گروه تمام دانش‌آموزان را به حمایت از تعهدات گروه دعوت کرد تا آنکه آنها به هنگام ترک مدارس بتوانند در زیر پرچم پرافتخار سرخ به اهتزاز درآمده "سوسیال دموکراسی روس" صف‌آرائی کنند. گروه را کمیته دن DON حزب سوسیال دموکرات روس رهبری میکرد. این گروه نوشتجات سوسیال دموکرات منجمله روزنامه‌های ایسکرا و زاریا و آثار مارکس، انگلس، پلخانف و دیگران را دریافت و پخش میکرد.

عنوان اعلامیه زیر توسط لنین بر نسخه‌ای از آن که به دفتر انتشارات ایسکرا فرستاده شده بود نوشته شده و به این ترتیب این اعلامیه در شماره ۲۹ ایسکرا اول دسامبر ۱۹۰۲ بچاپ رسید.

به دانش‌آموزان دبیرستانی

با استقبال صمیمانه از پیشقدمی فعال و کاری دانش‌آموزان، ما هم بسهم خود به آنها راهنمائیهای رفیقانه زیر را می‌نمائیم. برای اینکه سوسیال دموکراتهای معتقد، ثابت قدم و پیگیر گردید، سعی کنید که تلاشهایتان را روی خودآموزی بمثابه هدف عمده سازمانتان متمرکز سازید. صریح‌ترین خط ممکنه را بین این کار مقدماتی بی‌نهایت مهم و ضروری، و فعالیت عملی مستقیم بعنوان حد و مرز بکشید. هنگام پیوستن (و قبل از پیوستن) به صفوف گروهها در ناحیه، سعی کنید تا نزدیکترین (و مخفی‌ترین) تماسها را با سازمانهای سوسیال دموکراتیک محلی یا سراسری، (برای اینکه تا در به ادامه آنچه که قبلا انجام می‌دادید، باشید، نه اینکه تماماً از اول شروع کنید. برای اینکه محلتان را فوراً در دستتان بگیرید، برای به پیش بردن جنبش و ارتقاء آن به یک مرحله عالیتر) برقرار سازید.

ایسکرا شماره ۲۹
۱ دسامبر ۱۹۰۲

(نقل با کمی تغییر از کتاب دو مقاله از لنین. [...] انتشارات دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر ـ تبریز).

بقیه از صفحه ۲

در کارخانه دورندگی ...

که حاج موسوی (*) برای چندمین بار با وعده‌های توخالی و ادعای اینکه به نمایندگی از کارگران است به کارخانه آمده و [...] با چندتن از نمایندگان کارگران و اعضاء شوراهای منحل [...] که برای حمایت و اعلام همبستگی با ما آمده بودند و به وجود آنها در کارخانه ما اعتراض نمود که با عکس‌العمل شدید کارگران روبرو شد. هنگام خروج آنها از کارخانه مأمورین گشتی کمیته ۳ منطقه ۸ بدستور حاج موسوی به آنها حمله کردند و آنها را برای بازجوئی به کمیته بردند. بعد از آنکه از جریان مطلع شدیم به محل ستاد منطقه ۸ رفتیم و گفتیم "شما کسانی را دستگیر کرده‌اید که به دعوت خودمان برای راهنمائی و کمک به ما آمده بودند ما گروگانهایمان را میخواهیم" پاسداران با قسم به قرآن و ... سعی داشتند ثابت کنند که کارگران دستگیر شده در آنجا نیستند و در ضمن با توهین و تحقیر به زنان کارگر میگفتند شما حسابی نیستید، مردان شما غیرت ندارند وگرنه این وقت شب نمی‌گذاشتند شما به کمیته بیائید. ما می‌خواهیم بدانیم آیا غیرت مردان ما یعنی اینکه بگذارند سرمایه‌داران و عمال آنها هر غلطی که خواستند بکنند. یعنی اینکه بگذارند برادران ما [...]

بقیه در صفحه

(*) ـ حاج سید موسوی از مسئولین کمیته ۳ منطقه ۸ و یکی از عناصر ضدکارگر و طرفدار سرمایه‌دار است.

منشور "جمعیت ملی استادان دانشگاههای ایران"

انقلاب شکوهمند ایران با مبارزات سرسختانه و پیگیر مردم، و رهبری قاطع امام خمینی رژیم خودکامه و وابسته به بیگانه را سرنگون کرد. مردم قهرمان ما با حفظ وحدت کلمه و عمل، و تنها با تکیه بر نیروی لایزال خویش توانستند ضربهٔ مرگباری بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد کنند و دولتی ملی و مردمی را بنیان نهند. اینک با وجود همهٔ فراز و نشیبها و علیرغم توطئه‌های امپریالیست‌های شرق و غرب و وابستگان داخلی آنها این جنبش بزرگ و تاریخساز در جهت رساندن ایران به استقلال کامل به پیش میرود.

در طول سالهای اختناق استادان استقلال طلب و آزادیخواه هیچگاه تسلیم وابستگیهای فکری و فرهنگی نشده و همواره همدوش سایر طبقات مردم علیه استبداد و استعمار مبارزه کرده و در جهت بنیان گذاردن ایرانی مستقل و متکی بخود گام برداشته‌اند. مبارزات پراکنده استادان در این سالها که بعضا" با سختی‌ها، زندانها و شهادت همراه بوده است گواه این ادعاست و بی‌جهت نبود که مردم در اوج مبارزات سالهای ۵۶–۵۷ آگاهانه اطراف دانشگاهها را برای ضربه زدن به پایه‌های رژیم استبدادی و وابسته برگزیده و صحنه مبارزات خونین خود کردند. در همین سالها استادان استقلال طلب و آزادیخواه برای نخستین بار در شکل سازمان صنفی خود بطور فعال و دستجمعی دست به مبارزه سیاسی زدند و سازمان ملی دانشگاهیان را بوجود آوردند. این سازمان توانست عده‌ای از استادان را بسیج کند و تا آنجا که در توان داشت در جهت سوق نیروها به سوی وحدت گام بردارد. دربهای دانشگاه را بر روی همه اقشار مردم بگشاید و محیط دانشگاه را به محل مهمی برای افشاگری جنایات رژیم وابسته بدل سازد. از همین رو مردم دلیر ایران بحق دانشگاه را "سنگر آزادی" نام نهادند. با قیام بهمن ماه که به سقوط کامل رژیم منحوس پهلوی انجامید فضائی دموکراتیک بوجود آمد و جنبش مردم ایران بیش از پیش اوج گرفت. از آن پس سازمان ملی دانشگاهیان نتوانست با حرکت انقلابی توده‌های میلیونی همگام شده و در جهت تداوم و تعمیق انقلاب گام بردارد و به تدریج رکودی چشمگیر آنرا فرا گرفت. این رکود عده‌ای از استادان را که اکثرا" عضو سازمان ملی دانشگاهیان بودند بر آن داشت که برای ایجاد حرکتی فعالتر که در قالب نیازهای کنونی کشور باشد قدم به پیش گذارند.

اکنون که نیروهای ملی و مردمی به رهبری امام خمینی امور کشور را در دست دارند و می‌رود که وابستگی‌ها به امپریالیست‌های شرق و غرب بکلی قطع شود ضرورت تداوم انقلاب و خصلت اساسی آن که همانا قطع وابستگی کامل از امپریالیستها و اتکای بخود است وظایف جدیدی را در مقابل استادان مبارز قرار میدهد. آنها میباید همگام و همسو با مردم ایران علیه کلیه کشورهائی که بخواهند سلطهٔ نظامی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی بر ایران داشته باشند و بویژه بر علیه دو ابرقدرت امپریالیستی و وابستگان آنها مبارزه کنند.

برای ادامه و تعمیق انقلاب باید بر وحدت همه نیروهای آزادی خواه و استقلال طلب با ایدئولوژیهای مختلف پافشاری کرد و مشی وحدت طلبی و نه انحصارطلبی و گروه گرائی را در پیش گرفت.

استادان مبارز باید در امر احیاء جامعه و سازندگی کشور در همهٔ سطوح ممکن خدمت کنند و برای ایجاد ایرانی مستقل، آزاد، شکوفا و متکی بخود به طور فکری و عملی در این جهاد بزرگ شرکت نمایند.

استادان باید در فعالیتهای صنفی، سیاسی خویش همواره رو به مردم زحمتکش و مستضعف داشته باشند و در جهت رفاه زندگی و بویژه اعتلای فرهنگی آنها بکوشند.

...ور به کنار رفتن شده‌اند. زیرا مبارزه برای کسانی است که مبارزه کرده و خون ...داده‌اند. و اگر مبارزه را کسانی شروع کنند که مبارزه را به قهقرا می‌کشانند و ...اد عدم رضایت در جامعه میکنند، یکی از چیزهائی‌است که مبارزه را از مسیر ...ی منحرف میکند و باعث نارضایتی میشود..."

بله، وقتی مرزها در هم بریزد و مخدوش شود، خیلی طبیعی است که‌ضد ...لاب و انقلاب، قاعدین و مجاهدین، مبارزین صدیق و منافقین، یکشبه ...یشان عوض شود.

شده بود و از چشمانش نیز اشک جاری بود گفت: گندمم سیاه دانه است!!

آری اکنون در فضای مورد بحث ما قلب مفاهیم شکست و پیروزی چیزی مشکلتر از قلب مفاهیم مجاهد و منافق و چیزی مشکلتر از میوه‌چینی از ثمرات خونهای دیگران و کنار گذاشتن و تهاجم به صاحبان واقعی خونها نیست. و همه میدانیم که: چونکه صد آید نودهم پیش ماست!

و چنین است که در رابطه با روغنی‌ها و امیر انتظام‌ها، مار در آستین یک انقلاب پرورانده میشود.

...نشگاه و انقلاب (۸)

بقیه از صفحه اول

...یروهائیکه طالب وحدتند و نیروهائیکه اجباراً تن به وحدت میدهند

...کت در مبارزهٔ ضد امپریالیستی ...ت، به این ترتیب وقتی دشمن ...لی مشخص شد و میدان اصلی ...رزه تعیین گردید تمام نیروهائی که ...ن و صلاحیت شرکت در این مبارزه ... دارند، می‌توانند با برخورد صحیح ... وحدت در میدان عمل ونبرد دست ...ند.

آیا نقش‌اقشار و طبقات ...روهای مختلف اجتماعی و صلاحیت ...ها در مبارزهٔ ضدامپریالیستی یکسان ...ت؟: هرگز! همچنانکه بارها در ...ین نوشته‌ها اشاره کرده‌ایم درزمان ... بدلیل رشد سرمایه‌داری جهانی و ...یدن آن به نهایت رشدخود، ...رگران که بیشترین ستم را در ...ورهای تحت سلطه از حاکمیت ...مایه‌داوی جهانی و وابستگان آن ...ی سرمایه‌داری وابسته تحمل ...کنند و بطور تاریخی خواستار نفی ...ل استثمار هستند در محور مبارزه بر ...یه امپریالیزم قرار دارند. سایر ...ستکشان بر حسب شدت وضعف ...می که بر آنها روا می‌شود به این ...ور نزدیک یا از آنها دورند. به ...ارت دیگرکارگران ودهقانان چون تا ...ی کامل استثمار در میدان نبرد ...ضور دارند اصیل‌ترین نیرو در نبرد ...دامپریالیستی هستند.

و درست بهمین دلیل در بین ...روهای اجتماعی، نیروهای نافی ...ستثمار و در رأس آنها معتقدین به ...حید ناب، اصیل‌ترین نیروهائی ...ستند که موفق خواهند شد، در ...رزهٔ، ضدامپریالیستی پیش روند ...ایر نیروهارا نیز بر پایهٔ صلاحیت ...ها در کنار خود داشته باشند.

...رک "نسبی بودن وحدت" گام دوم ...در دسترسی به شناخت علمی و اصولی از وحدت

برخی افراد یا نیروها بدلیل ...ک نکردن نسبیت وحدت، وقتی ...حبت از وحدت با فلان نیرو در ...رزهٔ ضدامپریالیستی می‌شود ...ی‌توانند موضعگیری صحیح بکنند، ...ن گونه افراد باید توجه کنند که

هرچندممکن است نیروهای متفاوت در جبهه‌ای واحد بر علیه امپریالیزم مبارزه کنند ولی این بدان معنی نیست که این نیروها از جمیع جهات یکسان هستند و وحدت دارند، بلکه این نیروها اگر حول محور مبارزه با امپریالیزم متحد شده باشند، آنگاه در این چهارچوب و در این محدوده می‌توانند مشخص کنند که در چه وجوهی اختلاف دارند، از چه نیروهائی دورتر و در داخل جبهه به‌چه نیروئی نزدیکتر هستند، طبیعی است که اینجا پای معیارها و ملاک‌های دوری ونزدیکی و وحدت و تضاد بمیان می‌آید که هرنیروی خاص اجتماعی برای خود در این زمینه ملاکهای ویژه‌ای دارد که از ماهیت سیاسی ـ اجتماعی و فلسفی آن نیروی خاص ناشی می‌شود، مثلاً" سازمان ما با بررسی عمیق و گستردهٔ این مسأله در مباحث مفصل آموزشی، ملاکهای دوری و نزدیکی خود را نسبت به نیروهای مختلف اجتماعی در چهارچوب مبارزه با امپریالیزم بحث کرده و مرزهای دقیق وحدت و تضاد را درک کرده‌است.

ولی در اینجا یک نکتهٔ مهم را باید متذکر شد وآن اینکه در درون یک سازمان یا حزب انقلابی نمی‌توان جز بر پایهٔ وحدت همه جانبهٔ سیاسی ـ اجتماعی و فلسفی قرار گرفت، یعنی درداخل‌یک سازمان انقلابی‌همه‌عناصری که عضو آن سازمان محسوب‌میشوند باید دارای وحدت کامل ایدئولوژیک ـ سیاسی و تشکیلاتی باشند، یعنی عقاید فلسفی‌ـ اجتماعی و سیاسی آنها یکی بوده و در قبال اصول مشخص تشکیلاتی متعهد باشند و الا آن سازمان محکوم به متلاشی شدن و یا حداقل تجزیه است.

نیروهای اصیل و انقلابی و در راس آنها معتقدین به توحید ناب مسئول ترین نیرو در قبال حفظ وحدت اصولی

همچنانکه قبلاً" نیز اشاره کردیم نیروهای اصیل انقلابی که لامحاله باید معتقد به‌نفی استثمارباشند بدلیل دارا بودن بیشترین صلاحیت درتداوم انقلاب، در این مرحله بیش از همه در قبال کلیهٔ مسائل مربوط به انقلاب و مخصوصاً" حفظ اصل وحدت ضدامپریالیستی متعهد هستند، برای این منظور:

اولاً": باید با اصرار هرچه بیشتر در فعالیتهای سیاسی و مخصوصاً" مطرح کردن شعارها، با تاکید هرچه بیشتر بر مطرح شدن امپریالیزم بعنوان دشمن اصلی و مبارزه با امپریالیزم بعنوان شعار اصلی اصرار ورزند.

ثانیاً": در این مسیر باید در وحدت پیشتاز باشند یعنی‌هرگز نقض اصل وحدت نباید از جانب آنها آغاز شود، طبیعی است که در میان نیروهای انقلابی معتقدین به توحید ناب‌بدلیل قرار گرفتن در بالاترین نقطه ازسلسله مراتب ترقیخواهی (پیام مجاهد: اسلام چپ تر از مارکسیسم.) باز هم بار بیشتری در پیشتازی در وحدت بر دوش دارند (مراجعه شود به پیام به دانشجویان مبارز مسلمان).

به این ترتیب نیروهای انقلابی چون می‌خواهند تا پایان راه بروند و امپریالیزم را همراه با پایگاههای داخلی اجتماعیش کاملاً" از بین ببرند و می‌دانند که این راه صعب جز با کمک تمام اقشار و طبقات ضدامپریالیست امکانپذیر نیست، بیش ازهمه بر وحدت اصولی اصرار دارند و طالب وحدتند، آنها می‌دانند که بدون شکل گرفتن یک جبههٔ واحد ضدامپریالیستی از نیروهای معتقد به مبارزه با امپریالیزم بعنوان دشمن اصلی، هرگز نمی‌توان بر امپریالیزم پیروزشد، بعبارت دیگر شکست دادن امپریالیزم از عهدهٔ هیچیک از نیروها" به‌تنهائی" برنمی‌آید. این نیروها چون مفهوم نسبی وحدت را درک می‌کنند، و به صلاحیت نسبی نیروها اعتقاد دارند واحترام می‌گذارند هرگزبابرداشتهای‌غیراصولی مانند وحدت شکلی، یا با انحصارطلبی بامقولهٔ وحدت برخورد نمی‌کنند، بنا بر این اگر طالب وحدتند در عمل هم می‌توانند به چنین خواستی جامهٔ عمل بپوشانند.

نگاهی به تاریخ شورانگیز مبارزهٔ ضدامپریالیستی خلقها نشان می‌دهد که: همهٔ آنها در یک مرحله از مبارزات خود جبههٔ واحد ضدامپریالیستی را تشکیل دادند و مبارزات بی‌امان خود را برعلیه امپریالیزم در همین چهارچوب ادامه داده وبه پایان رساندند.

ولی بدون شک سایر نیروها که دارای صبغه‌های شرک آلود و ارتجاعی هستند فقط آنگاه که عملاً" تهدید امپریالیزم را از نزدیک حس می‌کنند تن به وحدت می‌دهند و به مجرد اینکه قدری این تهدید مستقیم فروکش کرد، بلافاصله با عملکردهای ارتجاعی و تفرقه افکنانه خود وحدت را نقض می‌کنند و دیگر بار سلاحها و قلمهایشان را از نشانه‌رفتن بطرف امپریالیزم به نشانه رفتن به‌سمت سایر نیروها برمی‌گردانند.

ازطرف دیگر نیروهای مرتجع چون در جریان عمل احساس می‌کنند که‌هرچه بیشتر تداوم یافتن مبارزهٔ ضدامپریالیستی و حرکت خلق در این مسیر اصولی و تکاملی آنها را از گردونه خارج کرده و با آگاه شدن توده‌ها دیگر جای چندانی برای آنها باقی نمی‌ماند، همیشه از افتادن همه جانبهٔ مبارزه به مسیر اصولی ضد امپریالیستی وحشت دارند، یعنی عملاً" علیرغم هرادعائی نمی‌توانند عمیقاً" طالب وحدت باشند. اینست که این روزها می‌بینیم باوجود اینکه سازمان ما با پذیرفتن تمام ضوابط و در کمال فروتنی با وحدت طلبی عمیق در مبارزهٔ ضدامپریالیستی شرکت می‌کند مرتجعین و تفرقه افکنان در اولین فرصت به تهاجم علیه سازمان ما ونهادهای وابسته به آن می‌پردازند، گوئی اصلاً" گوش آنها توان شنیدن پیامهای مکرر امام را ندارد و اصلاً" چنین بنظر می‌رسد که ناگهان پس از مدتی سکوت وحدت ضدامپریالیستی چون خاری بچشم آنها می‌خلدو با تمام کینه به تا ختن‌علیه انقلابیون می‌پردازند. در اینجاست که برای حفظ وحدت صفوف خلق چاره‌ای جز افشاگری نیست و نیروهای اصیل انقلابی باید بر علیه این جریانهای ارتجاعی به افشاگری دست بزنند تا از گمراهی توده‌های ناآگاه و هرز روی نیروها جلوگیری کنند ومجدداً" صفوف خلق را در مبارزه بر علیه امپریالیزم وحدت بخشند. طبیعی است که بر حسب شدت وضعف گرایشهای ارتجاعی این نیروهاپایبندی آنها به وحدت ضد امپریالیستی و نیز تلاششان بر علیه

بقیه در صفحه ۶

مجاهد - سال اول - شماره ۵ - 15 ...

حرفه استادی

دکتر محمد علی کاتوزیان

بقیه از شمارهٔ قبل

من از بعضی افراد شنیده‌ام که نظام تعلیماتی دانشگاههای ما در دوره لیسانس رفته رفته بیش از اندازه مطلوب متوجه هدف های صرفا و مطلقا علمی گردیده است و باین ترتیب برای تربیت استاد دانشگاه و معلم دبیرستان بیشتر از تربیت افراد تحصیل کرده غیر دانشگاهی، کارمندان روشن بین دولت و صاحبان پیشرو صنایع آمادگی دارد. طبق این نظر دانشگاههای ما اذهان دانشجویان خویش را بیشتر به مسائل صرفا علمی معطوف میدارند. و باین ترتیب شاگردان دوره لیسانس خود را طوری بار میآورند که در درجه اول برای تحقیق و پژوهش (بمنظور اخذ درجه دکتری) آمادگی داشته باشند. این روش در تعیین سرنوشت دانشجویان نیز بی‌تاثیر نیست زیرا آن دانشجویانی که امتحانات را با درجات بسیار خوب میگذرانند طبیعتاحس میکنند که قدم بعدی نام‌نویسی برای دوره دکتری است. البته این موضوعی است که بویژه در زمان ما که بهترین مغزهای اندیشمند لاجرم متوجه پژوهش های علمی میگردد، بر سر آن بحث و گفتگو بسیار است. تردیدی نیست که بهترین مغزهای علمی میباید در راه پژوهش و تفحص بکار افتد لیکن باید امیدوار بود که حتی این اندیشمندان نیز بیش از اندازه دچار خشکی و کم نظری علمی نگردند. با تمام این اوصاف من نمیتوانم چنین وانمود کنم که با نظامی که نیرومندترین مغزهای کشور را دوباره بعالم تدریس و پژوهش باز میگرداند موافق دارم. ما باید جهانی برای خود بسازیم که در آن اندیشمندان طراز اول وجود داشته باشند بدون آنکه الزاما در زمره استادان و پژوهشگران دانشگاهی در شمار آیند. حتی شاید بتوان ادعا کرد که نظام دانشگاهی و آموزشی کشور بایستی در درجه نخست تربیت چنین اندیشمندانی را هدف قرار دهد.

مطابق تجربیاتی که من در دانشگاه کمبریج داشته‌ام اتخاذ شیوه هائی برای جلوگیری از خطرات مورد بحث هم ضروری و هم ممکن است. در نخستین سالهای استادی من در کمبریج هنگامیکه در شورای دانشکده تاریخ سخن از تنظیم محتوی مواد درسی بمیان میآمد بیشتر همکاران من نه بعنوان «عضو هیئت آموزشی دانشکده» بلکه بعنوان «سرپرست تاریخ در این یا آن کالج» مساله را مورد شور و مطالعه قرار میدادند. بعبارت دیگر آنان در درجه اول نیازمندیهای شاگردان جوان خود را ـ که رشد فرهنگی و آموزشی آنان مستقیما بکوشش سرپرستان بستگی داشت ـ در نظر میگرفتند. اگر چه بعید نیست که من بر اثر نگرانی زیاد گزافه بگویم لیکن حس میکنم که امروزه هنگامیکه محتوی دروس را در شورای دانشکده به بحث و گفتگو میگذاریم، هر یک از ما بیشتر بعنوان استاد و عضو دانشکده سخن میگوید وبیش از پیش نگران سرنوشت آن بخشی از تاریخ است که خود در آن تخصص دارد. این تجربیات مرا برآن داشته است که برای پرهیز از خطر تدریس در یک چارچوب خشک وتنگ نظرانه علمی بایستی بیش از هرچیز دیگر صلاح دانشجویان را در نظر گرفت واز تمرکز قوای علمی دریک موضوع کوچک ومحدود دوری گزید. بهمین منظور است که در دانشگاه کمبریج به استاد راهنما (که نقش وی با استاد راهنما در دانشگاه آکسفورد متفاوت است) تا بدین پایه اهمیت داده میشود. استاد راهنما موظف است که بطور کلی ـ وبدون توجه برشته تحصیلی دانشجو نگران رشد وبلوغ فکری واجتماعی ومشکلات دانشگاهی وغیر دانشگاهی وی باشد ودرست بهمین دلیل قادر است که تمام وجود جهان دانش را بررسی نماید ودر جلوگیری از بعضی انحرافات کسانی که صرفا بجنبه‌های تخصصی میپردازند بکوشد. وجود استاد راهنما یادآور وتاکید کننده این نکته است که در مسائل آموزشی باید هرگز دانشجو را از نظر دور نداشت وصرفا برشد وتوسعه رشته محدود ومورد علاقه خویش نپرداخت.

با این همه صرف وجود استاد راهنما کافی نیست وبهترین طریق آنست که همه اعضا حرفه ای دانشگاه در پاسداری از ایدآل کلی تربیتی سهیم باشند وآن را در صدر برنامه خویش قرار دهند. اتخاذ چنین شیوه‌ای برای رشته‌های تخصصی دانش نیز زیانی دربر نخواهد داشت زیرا تنها بدین وسیله است که میتوان عمومیت ووسعت دید لازم را در مطالعات علمی بدست آورد. سرنوشت ایدآل بزرگ ... بکار آموزش اشتغال دارند.

بنابراین مختصرا باید گفت که مهمترین وظیفه حرفه استادی توجه به ایدآل آموزشی، حفظ معائیر وارزش‌های تربیتی ودفاع از آزادی است.

در زمان جوانی من مد شده بود که مردم، بخاطر اینکه آلمانی‌ها استاد دانشگاه را خیلی جدی میگرفتند ودر همه جوانب بنظریات وعقاید او وقع بسیار میگذاشتند، آنان را بمسخره بگیرند. من خود بیاد دارم که در حدود ده بیست سال پیش یک بعد از ظهرم به این امید تلف شد که یک نفر آلمانی را قانع سازم که گرفتن درجه دکتری از دانشگاه کمبریج راه ورود او را به جهان سیاسی انگلستان هموار نخواهد کرد. البته امروز چرخ‌ها را گردشی دیگر است ولی من هنوز هم از اینکه میبینم در کشورهای خارج استادان دانشگاه در قلب فعالیت های دولتی قرار دارند نگران میشوم زیرا باین ترتیب ما دست در کار آفریدن جهانی هستیم که فقط استادان دانشگاه قادر به اداره آن خواهند بود. البته در ظاهر حتی دانشگاه هایمان نیز از انعطاف وطراوت وتازگی بسیار بی نصیب نمانده اند، وشاید من تنها کسی باشم که در ورای این ظاهر آراسته فشار روز افزون خشکی‌ها وکوته بینی هایی را که سرانجام طاقت فرسا خواهد گردید با گوشت وپوست خود حس میکنم. اگر کار بر همین اساس ادامه یابد زمانی خواهد رسید که برای تعیین سرنوشت هرکس وهرچیز به امتحان وکنکور توسل جوئیم. همان نظامی که در چین باستان چنان اهمیت یافت که توانست حتی در تعیین طرز تفکر مردم دخیل باشد، وبار دیگری بر بارهای ناشی از نظم وسیره معمولی بیفزاید.

اگر قرار باشد که حرفه استادی را ترقی وتعالی بخشیم ناگزیر میباید درباب خطرات ناشی از طرز تفکر علمی ودانشگاهی به تفحص پردازیم. منظور من آن عادات خشک ورسمی وآن فصل فروشی‌های بیجا نیست که در روزگار گذشته علما وفضلا را مورد تمسخر مردم قرار میداد.

در زمان ما، برخلاف گذشته، کار بجایی رسیده است که مردمان از ناسازگاری استادان دانشگاه با رسوم وعادات کهن در خشم میشوند. باوجود این، تاریخ حرفه استادی ـ با آن که از لحظات الهام بخش ومراحل مهیج بی نصیب نبوده است ـ چندان اطمینان بخش نیست. اگر استادی بتواند بکلی از بیماریهای ناشی از فعالیتهای آموزشی پرهیز کند توفیقی استثنایی یافته است: بیماریهای شناخته شده ای از قبیل چسبیدن بیک برنامه خاص درسی، اتکاء وتوجه زیاد به «مراجع معتبر»، نظریات کهن! علاج این بیماریها برای کسانی میسر است که شغل تدریس را جزیی از زندگی روزمره در شمار میاورند وآموزش بجوانان را جزیی از فعالیت های مغزی خود محسوب میدارند.

در گذشته نقش دانشمند غیر حرفه ای در رشته هایی مانند فلسفه سیاسی، تاریخ وعلوم طبیعی بسیار حساس بود، زیرا این افراد در خارج از چارچوب مواد مشخص ومعین دانشگاهی بکوشش وپژوهش میپرداختند ودر نتیجه راههای نکوبیده را هموار میساختند. هرچه جهان اندیشه وتفکر بیشتر حرفه ای شود بهمان نسبت نیز اتکاء ووابستگی علم ودانش به دانشگاه افزایش خواهد یافت واز اهمیت نقش پژوهشگران غیر حرفه ای کاسته خواهد شد. در نظر دانشور غیر حرفه‌ای جهان دانش هنوز جوان ونارسیده است وبا اینکه کوره راههایی برای ره بردن به حقیقت احداث گردیده شاهراه اصلی هنوز نامکشوف مانده است. برعکس، پژوهشگر حرفه‌ای را عقیده برآن است که دنیای علم تقریبا به سنین کمال رسیده ودیگر چیزی بپایان راه باقی نیست. بنظر اینان جهان کهنه‌تر ومسائل علمی پیچیده‌تر از آن است که بازگشت اصول ابتدایی را ممکن سازد. طراوت وهیجانی که در عصر ما در کوشش های علمی مشاهده میشود محل انکار نیست، لیکن میترسم دچار این توهم شویم که تنها مفهوم پیشرفت علمی ادامه راههای دانسته وشناخته شده است. اگر به تاریخ سیر وپیشرفت علوم از طریق دانشگاهها وموسسات تربیتی توجه کنیم در میابیم که در اغلب موارد نتیجه ای جز ایجاد سیستم های پیچیده وخشک، علمی وکند وکاو روز افزون آن نبوده است، بدون آن که بمضار ناشی از قانون بهره نزولی وقعی گذاشته شود، وبدون اینکه سیر عادی کوشش های علمی بازگشت وتامل درباره مسائل نامکشوف را ممکن سازد. در حقیقت فقط جنبش هائی نظیر جنبش رنسانس، انقلاب علمی، وعصر برهان ـ که در خارج از محیط دانشگاه آغاز شده اند ـ میتوانند در مراحل گوناگون تاریخی این سلسله مراتب را بشکنند وعصر جدیدی را در تفکر و پژوهش بنیاد گذارند.

از همه بالاتر این خطر وجود دارد که مواد ومحتوی دروس، بویژه در دانشگاههای کهنسال، انعطاف ناپذیر وتغییر دادن آن دشوار گردد. میتوان تصور کرد که یک تن استاد با کوششهای شخصی خود در تغییر وتطابق محتوای آموزشی نوعی «رنسانس» محدود در رشته خود ایجاد کند وچنان اوضاع را برهم زند که ناگزیر همکاران خود ومقامات رسمی را نیز تحت تاثیر قرار دهد. لیکن هنگامیکه تغییر برنامه درسی در چارچوب کلی وبطور کاملا آگاهانه مطرح میشود آنقدر مشکلات ومسائل مورد اختلاف بمیان میاید که در نتیجه حاصل کار محدود وکم ارزش خواهد بود.

بنظر میآید که تنها دانشگاههای نوبنیاد امکان آنرا دارند که تغییراتی در نظام آموزشی ایجاد نمایند وحتی به تجربیاتی نو وبدیع دست زنند. در جائیکه دانشگاههای قدیمی بمناسبت دلبستگی زیاد به تجربیات موجود توانائی چندانی برای بدعت ونوآوری ندارند، یکی از جالبترین جنبه های نهضت آموزشی زمان ما فرصت خلاقی است که دانشگاههای نوبنیاد میتوانند از آن برخوردار باشند.

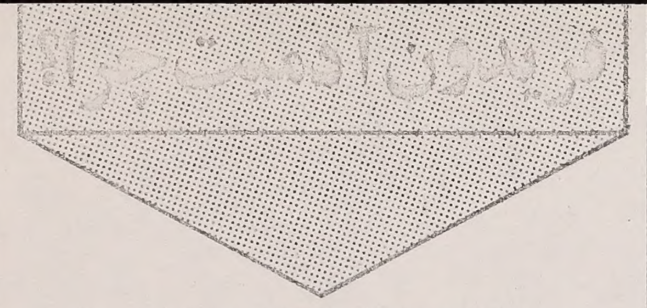
(۸) اصطلاح مرکب استاد راهنما را در برابر لغت انگلیسی Tutor بکار برده‌ام که البته ارتباطی به مساله راهنمائی در نوشتن رسالهٔ دکتری ـ یعنی مفهومی که در فارسی از آن مستفاد میشود ندارد.

فریدون آدمیت چرا؟

در میان افرادی که از وزارت امورخارجه اخراج شدند نام دکتر فریدون ادمیت بچشم می‌خورد، فریدون آدمیت سالها قبل و ظاهرا بخاطر اختلافات بامسائل سیاسی رژیم سابق و عدم همکاری با کارگردانان وزارت امورخارجه از مقام سفارت چشم پوشید و بازنشسته شد. آنچه به فریدون آدمیت شخصیت می بخشد و او را در سطح یک فرد مورد احترام در محافل علمی و دانشگاهی و اجتماعی انگشت شمار می کند تحقیقات با ارزش او در تاریخ معاصر ایران است.

او را میتوان بی‌شک پایه گذار مکتب تاریخنویسی ایران در دوران جدید ایران دانست: قلم او در نقد اسناد و مدارک تاریخ و شیوه او در تحلیل و تجزیه جریانهای تاریخی دوران معاصر به ایجاد آثار گرانقدری انجامیده که امروز بصورت مواخذ و مراجع تاریخنویسی کلاسیک ایران در آمده است. ممکن است دید اجتماعی او در این گونه بررسی‌ها موافق طبع برخی از افراد و گروهها نباشد اما آیا جرم او در اینکه درکنار کارمندانی که کاری جزخدمت به رژیم سابق واطاعت ازدستور افرادی چون اردشیرزاهدی نداشتند در حال بازنشستگی از تنها ممر زندگی خود محروم شود آنهم بدین صورت موهن همین است؟. آیا گناه او اینست که عقاید و جهان بینی اجتماعی او در تاریخ نویسی موافق مسیر کسانی که مزد خدمات بزرگ فرهنگی اورا بدینگونه دادند،نبوده است. آیادکتر ادمیت درارزیابی پرونده اداری باید در کفه فراریانی قرار گیرد که با سالها خیانت اکنون با خیال راحت در اروپا و آمریکا زندگی می کنند؟. آیا قرار بر اینست که هیچکس هنگامی که مورد داوری قرار می گیرد هیچگاه وسیله دفاع از خود را نداشته باشد و نتواند بپرسد که معیار و ضابطه قضاوت درباره پرونده و اعمال او چیست؟. معیار پاکسازی فقط خیانت در خدمت است یا اختلاف عقیده نیز میتواند سلاحی برای پاکسازی باشد؟

سرنوشت افرادی نظیر دکتر ادمیت میتواند همیشه پاکسازی یکی از بزرگترین محققین تاریخ معاصر ایران را بدینگونه مورد بیعدالتی قرار می دهند مورد سئوال قرار گیرد. امیدواریم پاکسازان با آنچنان مدارکی در پرونده استخدامی دکتر آدمیت روبه رو شده باشند که بتوانند در داوری وجدان و انصاف براحتی جوابگوی عمل خود باشند. اگر این پرونده پاک است و نیازی به پاکسازی ندارد توقع ما تجدید نظر فوری در آنست زیرا هر انسانی مخصوصا اهل علم و تحقیق میتواند با بی نیازی و چشم‌پوشی از بسیاری از ضروریات و تجملات زندگی را به قناعت سپری کند. اما مسئله بر سر زخمی است که از اینگونه بیعدالتی های هولناک بر دامن اجتماع و بر جبین انقلاب ما باقی می‌ماند و گردی که از رهگذر سرخوردگی و ناامیدی اینگونه بی حرمتی ها بر قلوب اهل تحقیق می‌نشیند.



بقیه از صفحه اول

نمود و ماهیت

... [illegible] ... ولی در فردای تاریخ ... [illegible] ... اسلام و انقلاب گذاشته شود

مثلاً آنجا که عده‌ای گمان میکردند " خواست " خدا نظیر خواست‌های بشری محتاج به همان وسایل و آلات و ابزار بشری است و یا آنجا که به دلیل عدم درک فلسفهٔ تغییر قبله یا ازدواج پیامبر با دختر عمه‌اش زینب یا چگونگی آفرینش انسان، مسائلی را با سادهسازیهای کوتاه بینانهٔ ذهنی خود قیاس به نفس نموده و درنتیجه امر برآنها "مشتبه" میشد و نهایتاً " دچار لغزش و گناه و یا شرک میشدند.

اینجاست که می‌بینیم قرآن در ابتدای سورهٔ آل عمران (آیه۷) تأویل متشابهات را کار خدا میداند و رسوخ‌کنندگان در علم (یعنی صاحبان دانش عمیق) که بطور همه‌جانبه و در کلیت و تمامیت قضایا ایمان آورده و گرویده‌اند، و الا تأویل و تفسیراین مسایل پیوسته از جانب کوتاه بینان و آنانکه در قلبشان "کجی و انحراف" وجود دارد اسباب فتنه جوئی و خطاکاری میشود. کما اینکه اکنون در قرن حاضر روشن شده است که حرکت تنها یکی از مظاهر " حیات " میباشد. و " حیات " در عمق معنای خود به هیچ وجه به حرکت ظاهری و مکانیکی محدود نشده و بطور کلی و همه جانبه در آداپتاسیون (انطباق) فعال با محیط پیرامون خلاصه میشود.

حال اگر این دریافت‌ها را به صحنهٔ اجتماع و سیاست بکشانیم با مثالهائی از قبیل آنچه ذیلاً میآید روبرو خواهیم شد.

مثال ۱ـ شباهت ظاهری مخالفت علی(ع) و معاویه با خوارج در عین اختلاف ماهوی: چنانکه میدانیم خوارج هم با علی(ع) و هم با معاویه مخالف بودند که طبعا " بایستی مخالفت متقابل هم علی و هم معاویه را برانگیزد. اما علی(ع) از موضع پرچمداری اسلام راستین خوارج را دگماتیست های قشری و هرج و مرج طلبی میدید که مانع راه او شده‌اند، حال آنکه معاویه در جهت و بخاطر استقرار نظام سلطنتی طاغوتی‌اش با خوارج برخورد میکرد.

مثال ۲ ـ ادعای شاه خائن راجع به شباهت مواضع امام خمینی و فئودالها درجریان اصلاحات ارضی و انقلاب "شاه و ملت":

چنانکه میدانیم در حالی که اصلاحات‌ارضی‌و رفراندوم شش ماده‌ای شاه ظاهری ترقی‌خواهانه داشت لکن در باطن و ماهیت‌امر میهن و مردم ما را تقدیم امپریالیست‌های آمریکائی می‌نمود وعلیهذا این اصلاحات مضمون و جوهر امپریالیستی داشت وبهمین‌دلیل‌مورد مخالفت روحانیت‌مجاهد و مبارز وقت و در راس همه امام‌خمینی قرار گرفت. البته همه میدانستند که امام خمینی مدافع زمین داران بزرگ نبوده و از موضع ضد سلطنتی بر شاه میتاختند. ولی چون فئودالهای دست نشاندهٔ انگلیس نیز میدیدند که شاهشان آنها را رها کرده و به آغوش ارباب جدیدی پناه میبرد آنها نیز با او مخالفت‌ورزیده و در برابر اصلاحات کارشکنی میکردند و اینجا بود که شاه‌و دستیارانش و بخصوص رسنجانی" روحانیت مبارز را شریک خانها و فئودالها جلوه میداد و میخواست به این وسیله "امر" را " مشتبه" سازد.

۳ـ ادعای شاه در مورد "وحدت امپریالیزم شرق‌و غرب"، سرخ و سیاه و مخالفین داخلی علیه خودش:

همه‌میدانیم که پس از روی کار آمدن کارتر و ایجاد " فضای به‌اصطلاح باز سیاسی "! در بیرون، شاه که گذشته ازداخل از جانب یک جناح از اربابان امپریالیست خودش نیز (باز برای اینکه بیش از پیش انفجار ضد امپریالیستی ایران را تسریع نکند) زیر فشار قرار گرفته بود، مدعی شد که استعمار سرخ و سیاه دست به دست هم داده و با ایادی داخلیشان مزاحم شاهنشاه آریامهر (که گویا یکتا مظهر مجسم وطن دوستی و اسلام پناهی‌هستند!) میشود. و در همین رابطه نیز بود که آن نامهٔ کذائی علیه شخص امام خمینی منتشر گردید که وقیحانه امام را از طریق هندوستان به انگلیس منتسب میکرد. همچنین به یاد داریم که شبی نبود که رادیو و تلویزیون از دست استعمار سرخ و سیاه ننالند و شاهنشاه آریامهر را به عنوان یکتامظهر ضد استعماری و ضد امپریالیست ایران

بعکس عمده‌ترین گلایه‌ها و شکایت‌ها در اینست که چرا دشمن امپریالیست هنوز در این کشور بطور قاطع ریشه‌کن نشده و یا در نص قانون بگور سپرده نشده است.

ثالثاً : ما سرمایه‌داری متوسط لیبرال و روبه‌وابستگی را که منجمله باشتاب هرچه تمامتر در صدد تجدید سازمان ارتشی نظیر همان ارتش گذشته است را نمایندگی نمی‌کنیم وبه همین‌دلیل ازآن موضع نیز برخورد نمی‌کنیم.

رابعاً : ما با شعار محدود نمودن مرزهای مالکیت در حدود "کار" هرکس از موضع محروم‌ترین و درعین حال بالنده‌ترین طبقات جامعه سخن میگوئیم و کلاه شرعی مالکیت استثمارگرانه را هرگز در اصول عقیدتی‌مان نمیپذیریم، حتی در حد سرمایه‌داری کوچک و لواینکه در مرحلهٔ تاریخی کنونی از سرمایه‌داری ملی نیز دفاع کنیم.

خامساً : ما مسلمانیم و از یک موضع ناب توحیدی که جامعهٔ بی طبقه توحیدی را در پیش رو دارد، و رسالت سنگین مکتبی جهانشمول و فراگیر را نهایتاً " بدوش کشیده و به‌تمامی بشریت انقلابی وعده داده است برخورد میکنیم

سادساً : ....

اکنون ملاحظه میشود که با آنچه فوقاً گذشت به هیچ وجه نمیبایستی مرزهای خاص سیاسی، اجتماعی و عقیدتی ما بر کسی مشتبه شده و نادیده گرفته شود. به همین دلیل بازهم در نهایت خلوص اعلام میکنیم که در خطوط انقلابی ضد امپریالیستی تا پای جان در کنار امام خمینی باقی خواهیم بود. به نحوی که هیچ شبهه و نیروئی را توان آن نخواهد بود که در این مسیر ما را از سر گذاشتن به قدوم امام باز بدارد.

و هم چنین چنانکه درفردای انقلاب (برسرمزاردکترمصدق)اعلام کردیم:

" لازم به تذکر نیست که عملکرد انقلابی با هرج و مرج‌طلبی، به اصطلاح آنارشیسم و با ماجراجوئی (آوانتوریسم) هیچ مشابهتی ندارد.

ماخودمان رادرهر اقدام سازنده،مثبت،انقلابی، مردمی دولت‌حاضر، طبعاً سهیم وتائیدکننده میدانیم

حد فاصل کیفی عظیمی میان برخوردهای هرج ومرج طلبانه یا ماجراجویانه و احیاناً " خرابکارانه با برخورد مسئول و سازندهٔ انقلابی، وجود دارد. البته رژیم شاه، طبیعتاً " عمد داشت که این تفاوت‌های عظیم را نادیده بگیرد و ما را خرابکار قلمداد کند. حال اینکه جنگ ما، نهایتاً به خاطر صلح و سازندگی است و عقدهٔ مبارزه به خاطر نفس درگیری و مبارزه را هم نداریم.

به عکس، مطابق نقطه‌نظرهای توحیدی، هدف ما از مبارزه، نهایتاً " استقرار هماهنگی و وحدت هرچه بیشتر در همهٔ زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و عقیدتی است، بنابراین مبارزه‌فی‌نفسه هدف نیست بلکه تکاپوئی است برای راندن اختلافات و تضادها به سمت وحدت.بنابراین خودمان را در هر اقدام سازنده، مثبت، انقلابی و مردمی دولت حاضر، طبعا " سهیم و تایید کننده میدانیم البته به شرط اینکه به اصطلاح خرده کاری و اتلاف وقت باعث عدم توجه به واجبات مهمتر و اساسی تر که قبلا "آنها را اعلام کرده‌ایم نباشد.

حالا با این تفاصیل بگذارید افراد و عناصر معلوم‌الحال و روزنامه‌ها و احزاب شناخته شده دست راستی ضدانقلابمان بدانند، منافق خطابمان کنند، شریک آمریکا و انگلیس بدانندمان و حمایت بی‌بی‌سی را به رخمان بکشند...

لکن جواب ما همان جواب قرآن است:

" ....فاماالزبد فیذهب جفاء و اما ماینفع الناس فیمکث فی‌الارض ... "

(آیه ۱۷ سوره رعد)

... پس کف (باطل و آنچه در خلاف جهت منافع مردم است) به‌کناری میرود (از دور خارج میشود) وآنچه در خدمت منافع تودهها است(در زمین) باقی میماند....

دانشگاه، دانشگاه سنگر آزادگان

بقیه از

دانشجویان با خلق ستمکشیده‌مان"

" با بزرگداشت خاطره اولین شهدای سنگر آزادی، پرچم آزادی را برافراشته‌تر سازیم."

" ما با تمام امکانات هر حرکت ضد امپریالیستی ـ ضد امریکائی را حمایت میکنیم"

دانشجویان، دانش آموزان و دیگر اقشاریکه برای گرامیداشت خاطره شهدای ۱۶ آذر در دانشگاه گرد آمده بودند، با شعارهای خود خاطره مبارزات ضد امپریالیستی این شهدا را که بخاطر آزادی جان باختند گرامی داشتند. آنها یکصدا فریاد میزدند:

" درود خلق ایران بر شهدای آذر"

و در شعارهای دیگر خود از دانشگاه بعنوان سنگر آزادی و آگاهی یاد میکردند.

آنها میگفتند:

" دانشگاه، دانشگاه‌سنگرآزادگان"

" "شانزدهم‌آذرماه‌گواه‌خونین‌آن"

" دانشجو، دانشگاه سنگر آزادگان"

" دشمن امپریالیسم یاورزحمتکشان"

در برنامه روز پنج‌شنبه که با تلاوتی از آیات قرآن آغاز گردید، سرود"میهن شهیدان"از مجموعه سرود-های سازمان مجاهدین خلق و چند سرود فلسطینی در بین سخنرانیها پخش گردید.

تمامی سخنرانیهای روز پنجشنبه بر وحدت نیروهای خلق در برابر امپریالیسم و هرچه عمیقتر کردن مبارزات ضد امپریالیستی خلقمان تاکید داشتند.

دکتر لاهیجی سخنان خود را با اشاره به مبارزات دکتر محمد مصدق آغاز کرد. وی در این رابطه گفت:

" مبارزات ملی جاودان مرد تاریخ ایران دکتر محمد مصدق طومار استعمارگران و جهانخواران را درهم نوردید. و کاخهای آرزوهای امپریالیسم را واژگون ساخت. ولی سوداگران بین المللی و دلالان شرکتهای چند ملیتی و غلامان حلقه بگوش امپریالیسم که در راس آنها شاه‌سابق بود، از پای ننشستند و به یاری سیا و اربابان انگلیسی خود توطئه کودتای‌ننگین ۲۸ مرداد را طراحی کردند. و حکومت

ملی دکتر مصدق را ساقط [...]
استعمارگران بخوبی میدانست[...]
سنگر نهضت ملی ایران بر [...]
است و حکومت ملی مصدق قو[...]
دارد آرزوی سلطه مجدد[...]
ثروتهای مردم ایران را به گو[...]
برد."

لاهیجی در ادامه سخ[...]
تحلیل از شهدای ۱۶ آذر [...]
وقایع ۱۶ آذر و حمله [...]
دانشگاه در بهمن ۴۰ و مبارز[...]
دانشجوئی پرداخت. وسخنا[...]
با این حملات به پایان [...]

" ما امروز دراین مکان[...]
این دژ استوار استقلال و آز[...]
گرد آمده‌ایم تا ضمن [...]
خاطره آن‌قهرمانیها و جان[...]
ایثارها میثاق دیرین خود ر[...]
به خون خفته و گلگون کفنما[...]
نمائیم و به‌ارواح مقدس[...]
میفرستیم (جمعیت :درود[...]

پس از دکتر لاهیجی [...]
اعضای سازمان مجاهدین [...]
تریبون قرار گرفت. وی [...]
مقدمه‌ای ضمن تحلیل از [...]
آذر و نقش آنها در حرکت[...]
جنبش دانشجوئی سخنان [...]
حول ۴ محور زیر ادامه داد:

۱ ـ تعهد و مسئول[...]
آگاه از کجا ناشی میشود و [...]
توده‌های تحت ستم جست[...]

۲ـ این تعهد دانش[...]
سنگر آزادی و آگاهی . به [...]
و رهائی توده‌ها تبدیل[...]

۳ ـ سوءبرخورد ظاهها[...]
شناخت ماهیت آن سیستم‌ها[...]
تنها سیستمی میتواند مساله [...]
حل کند که در جهت جامعه[...]
استثمار و ستم طبقات [...]

۴ـ وضعیه دانشگاه و [...]
مرحله کنونی انقلاب.

وی در پایان سخنان [...]
دانشجو و دانشگاه را در [...]
انقلاب این چنین [...]

۱ـ هرچه بیشتر این [...]
امپریالیستی را توده‌ای ک[...]
مبارزه را به میان مردم [...]

بقیه

۱۶ آذر اولین ترکش انقلابی خشم خلق بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد (۲)

بقیه

یکدست چماق و در دست دیگر "آب نبات" را پیش گرفته بود. اما آیا این سیاستها توانست رژیم را از گزند خروش انقلابی دانشجویان متعهد و آگاه [...]

وابسته به امپریالیسم همچنانکه نقطهٔ عطفی در تاریخ مبارزات این میهن محسوب میشود تأثیر قاطعی هم بر جنبش دانشجوئی و پروسهٔ تکاملی آن میگذارد از اینجا به [...]

مسلمان و مسلمان سهم مبارزات دانشجویان مذهبی را در جنبش دانشجوئی ارتقاء کیفی بخشیدند، و نیروی عظیمی را آزادکرد و به [...]

می‌توان از نام شریر یادک[...]
جوانان بخش عمده را در [...]
آن متعهد داشتند.

سانزده آذر امسا[...]

نقش جنبش دانشجوئی

به دانش‌آموزان

در جنبش انقلابی معاصر، دانشجویان و دانش‌آموزان نقش مهمی را ایفا نموده‌اند. در سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد این جنبش در صحنه مبارزات ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی نقش با ارزشی را ایفا کرده و همواره سنگر مبارزه را مستحکم نگاه داشته‌است. در دهه اخیر این جنبش با شعارهای انقلابی "سرنگونی رژیم شاه" و "قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم" و همبستگی با جنبش زحمتکشان و با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" همپای و همگام با خلقهایمان به درون خیابانها آمده و سنگرشهای خونین شاهد بر این مدعاست؛ دانش‌آموزان خصوصاً در یکسال و نیم اخیر سهم چشمگیری در پیشبردن انقلابمان داشتند. در ماههای قبل از قیام ما شاهد موج عظیم این جنبش و وحشت و هراس رژیم شاه از این جوانان غیور بودیم. یکی از ضعفهای اساسی جنبش عظیم دانش‌آموزان فقدان یک سازمان سرتاسری دمکراتیک و ضد امپریالیستی برای جاری کردن این سیل خروشان در مجرائی واحد و حفظ و تداوم آن بوده است؛ و امروزه که این نیروی عظیم میباید که برای حفظ دستاوردهای مبارزات مردم و رشد و تکامل انقلاب نیمه تمام ایران کوشش و مجاهدت نماید، این ضعف بیش از هر زمان بچشم میخورد. ما دانش‌آموزان امروزه از این درد رنج فراوان میبریم.

نگاهی مختصر به گذشته این جنبش دو مسئله مهم را در رابطه با قشر دانش‌آموز نشان میدهد؛ اول اینکه جنبش دانش‌آموزان جنبشی است سیاسی و از این زاویه حرکتی است ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی. دانش‌آموزان بطور کلی از میان اقشار و طبقات گوناگون می آیند و خود نیز بیان کننده منافع و خواسته‌های مختلف اقشار و طبقات گوناگونند و از این نظر اکثریت عظیمی از آنان در تضاد با منافع مرتجعین و امپریالیستها بوده و قادر به مبارزه‌ای انقلابی علیه آنان میباشند. جنبش دانش‌آموزان میتواند و باید که در قبال مسائل سیاسی ـ اجتماعی که در جامعه میگذرد از خود حساسیت نشان دهد و آنهم حساسیتی فعال؛ و ما این حساسیت را در حرکت این قشر در گذشته بوضوح دیده‌ایم. دوم اینکه این جنبش توده‌ای و دمکراتیک بوده و باید باشد. اکثریت قاطع دانش‌آموزان در اهداف انقلابی این مرحله از انقلاب وحدت اراده و عمل دارند. اتحاد آنان را ما در گذشته در عرصه عمل انقلاب دیده‌ایم و باید که در آینده نیز برای آن بکوشیم. و برای اینکار نیاز به تشکیلاتی منضبط با مشی ای دمکراتیک و انقلابی و متحد کننده داریم. مسئله ما بسیج و تشکل صرفاً تعدادی از پیشروان در محافل محدود نباید باشد و بلکه ما نیاز به آنچنان سیاست و برنامه ای داریم که توده وسیعی از دانش‌آموزان را بسیج و متشکل نموده و بحرکت در آورد و اینکار جدیت و کوشش همه‌مان را میطلبد. نباید که مانند برخی به بسیج و تشکل چند نفر در خدمت گروهی دل خوش کنیم. باید با دیدی وسیع باین جنبش نگاه کنیم.

در شرایط حساس کنونی جنبش دانش‌آموزان میتواند و باید که نقش خود را بازی کند. این جنبش باید برای بسرانجام رسانیدن انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم میهنمان متحد و یکپارچه گردد. دوستانی که با مرزبندیهای ایدئولوژیک دانش‌آموزان را از هم پراکنده میکنند باید توجه داشته باشند که معیار مبارزه متحد ما در گذشته ایدئولوژی مشخصی نبوده و حال نیز نباید باشد. ما در گذشته برای سرنگونی شاه متحدانه مبارزه کردیم و حال نیز برای تداوم انقلاب نیمه کاره میهن میتوانیم متحدانه مبارزه نمائیم. و شرایط عینی برای این امر بسیار آماده است.

امروزه با یورش مرتجعانه مشروعه طلبان بر انقلاب و کوششهای مذبوحانه لیبرالها برای سد کردن راه انقلاب و دسیسه‌ها و توطئه‌های امپریالیستها، زمینه بیش از پیش برای مبارزه‌ای متحدانه آماده میشود. صاحب قدرتان کنونی نیز این مسئله را درک کرده‌اند. آنها هم بقدرت و توان ما دانش‌آموزان پی برده اند و از آن هراس دارند و از همین روست که بخشنامه صادر میکنند که بحث سیاسی در کلاسهای درس ممنوع است.

دانش‌آموزان آزاده و میهن‌پرست!

برای تداوم انقلاب، برای مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم، برای مبارزه با سازشکاران و مشروعه طلبان، در مرزبندی با جریانات ارتجاعی همچون حزب توده و سازمان انقلابی و نیز سیاستهای مرتجعانه‌ای که اینان عامل پیاده کردنش هستند، در دفاع از مبارزات تمامی اقشار و طبقات خلق، در راه خدمت به زحمتکشان میهن، برای دفاع از حقوق خلقها برای تعیین سرنوشت خودشان، و دفاع از کلیه حقوق دمکراتیک و سیاسی خلقهای میهن همچون آزادی بیان و قلم و اجتماعات، و در پشتیبانی از مبارزات استقلال طلبانه و آزادیبخش کلیه خلقهای جهان برعلیه ارتجاع و امپریالیسم جهانی، و جهت دفاع از کلیه حقوق سیاسی و صنفی دانش‌آموزان و برپائی شوراهای انقلابی ـ شان، صفوف خود را متحد کرده و در سازمانی واحد و سرتاسری متشکل شویم!

ما مواضع و معیارهای خود را در جزوه "ما چه میگوئیم..." اعلام داشته‌ایم و دست همه شما را برای اتحاد و همکاری میفشاریم.

دانش‌آموزان ـ برای پیشبرد مبارزه بصفوف "ستاد" بپیوندید!

پیش بسوی ایجاد سازمان سرتاسری و واحد دانش‌آموزان و دانشجویان ایران!

ستاد —

سازمان توده انقلابی دانشجویان و دانش‌آموزان

تهران – ۵۸/۸/۲

خبر و گزارش ستاد

* تظاهرات دانش‌آموزان دبیرستانهای فردوسی و ولی‌الله نصر:

۲۴/ ۷/ ۵۸ – ساعت ۱۱/۳۰ دانش‌آموزان ابتدا در خیابان فلسطین تجمع کردند. تعداد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر بود که راهپیمائی با دادن شعار از خیابان طالقانی بسوی خیابان صبا آغاز گشت. عده‌ای ناآگاه متعصب و نیز مرتجع همراه بافحشهای رکیک و توسل بهر بهانه‌ای برای درگیری سعی در بهم زدن این تظاهرات را داشتند ولی دانش‌آموزان بآنها اعتنائی نکردند. دانش‌آموزان هنگامی که بجلوی دبیرستان جاویدان رسیدند در مقابل مدرسه اجتماع کرده و از دانش‌آموزان این مدرسه دعوت کردند که بآنها ملحق شوند. شعار آنها در این هنگام "خواسته‌ء ما برحق است بما ملحق شوید" بود. اما مدیر دبیرستان با قفل کردن درهای مدرسه و محبوس نمودن دانش‌آموزان مانع از بیرون آمدن آنها شد. سپس دانش‌آموزان وارد خیابان انقلاب شدند و بطرف میدان انقلاب حرکت کردند. در طی مسیر دانش‌آموزان همه‌جا بنوشتن شعارهای خود بروی دیوارها میپرداختند. آنگاه وارد خیابان وصال شیرازی شدند و در مقابل دبیرستان پازند اجتماع کرده و به شعار دادن پرداختند. اینبار نیز با قفل کردن در کلاسها و مدرسه روبرو شدند. دانش‌آموزان وارد خیابان طالقانی شدند. عده‌ای نیز سعی داشتند آنها را از تظاهرات باز دارند اما دانش‌آموزان با دادن شعار "تظاهر و اعتصاب حق مسلم ماست" براه خود ادامه میدادند. هنگامیکه در مقابل دبیرستان دخترانه هشترودی اجتماع کرده بودند و شعار میدادند درگیری بین یکی از دانش‌آموزان و عناصر مرتجعی که به تظاهرکنندگان فحاشی میکردند پیش آمد. بالاخره صف تظاهرکنندگان بمقابل وزارت آموزش و پرورش رسید و همگان شعار میدادند "مرگ براین سیستم آموزشی". آنگاه دانش‌آموزان قطعنامه‌ای صادر کرده و خواستهای خود را بشرح زیر بیان داشتند: ۱– لغو شهریه کلیه مدارس ۲– آزادی فعالیت سیاسی در سطح جامعه و مدارس ۳– دادن اطاقهائی در مدارس بگروههای سیاسی دانش‌آموزی برای فعالیت ۴– تغییر متون درسی کتابها و جانشین کردن متون انقلابی ۵– آزادی فعالیت صنفی در مدارس ۶– مدارس خصوصی نابود باید گردد ۷– تشکیل شوراها در مدارس از طرف دانش‌آموزان نه از طرف دولت و از بالا ۸– از اخراج معلمان و دانش‌آموزان مبارز جلوگیری شود.

آنگاه با قرار اینکه فردای آنروز دوباره ساعت ۸ بازهم آنجا تجمع کنند متفرق شدند. برخی از شعارهای تظاهرات اینروز عبارت بودند از: "مدارس خصوصی دکان سرمایه دار"، "معلم معلم ما درس آزادی میخواهیم"، "مرگ برارتجاع زنده باد آزادی"، "مرگ بر این فرهنگ استعماری"، "اتحاد اتحاد علیه سرمایه دار"، "معلم بپاخیز ارتجاع پابرجاست" و "درود برمعلم مبارز".

* دبیرستان دخترانه آناژ

چهارشنبه ۲۵/ ۷/ ۵۸ – صبح اینروز یکی از اعضاء شورا اعلام داشت که بخاطر خواستهای بحق دانش‌آموزان و بخاطر همبستگی با مدارس مرجان و البرز و هشترودی شورا تصمیم بیک تحصن دوساعته (۸ تا ۱۰ صبح) گرفته است. تعداد زیادی از دانش‌آموزان در این تحصن شرکت کردند.

شنبه ۲۸/ ۷/ ۵۸ – بشورای دانش‌آموزان خبر رسیده بود که بچه‌های مرجان و هشترودی و خوارزمی قراراست جلوی اداره آموزش و پرورش جمع شوند. پس از تحقیقات شورا روشن گشت که چنین برنامه‌ای در این روز نیست، و با اینحال شورا تصمیم گرفت که خود ابتکار عمل را در دست گیرد. پس از اعلام راهپیمائی نزدیک به ۷۰۰ نفر از دانش‌آموزان در ساعت ۱۰/۳۰ صبح در صفوف منظم [illegible] برخی از شعارها عبارت بودند از: ۱– شهریه مدارس الغاء باید گردد ۲– آموزش یکسان در سراسر کشور اجرا باید گردد ۳– هزینه تحصیلی برای زحمتکشان ۴– مرگ براین فرهنگ استعماری ۵– اخراج معلم مبارز بهر شکل محکوم است ۶ – اخراج محصل مبارز بهر شکل محکوم است [illegible]

هنگامیکه بچه‌ها باداره آموزش و پرورش واقع در خیابان کاخ رسیدند چهار نماینده از طرف شورا انتخاب شد و برای صحبت با کفیل آموزش و پرورش آقای رجائی بداخل اداره رفتند، ولی گویا ایشان نبودند و دیگر مسئولین نیز آنها راسردواندند. بالاخره قرار شد که اگر تا روز سه‌شنبه نسبت بخواستهای بحق آنان توجه نشود باز در آنجا جمع شده و دست بتظاهرات زنند. سپس قطعنامه هفت ماده‌ای زیر قرائت شد: ۱– الغاء شهریه مدارس ۲– یکسان شدن آموزش در سراسر کشور ۳– آزاد شدن فعالیتها و [illegible] ۴– جلوگیری از اخراج معلمین مبارز و دانش‌آموزان [illegible] ۶ [illegible] آموزشی [illegible] کشور.

[illegible] آزادی [illegible] !

دانش‌آموزان آزاده با طرح شعارها و خواسته‌های زحمتکشان میهن همبستگی خود را با آنان اعلام دارید!

هم اکنون ۱۳ تن از کارگران مبارز کارخانه نخ زرین بجرم مبارزه با ارتجاع در زندان هستند. ما خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی و بویژه ۱۳ کارگر مبارز نخ زرین هستیم برای آزادی آنان مبارزه کنیم!

%%%%%%%%%%%%%%%%%%%%

برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر سالروز ۱۳ آبان، که جنبش دانشجوئی ما به بهترین وجهی قابلیت خود را نشان داد، خود را آماده کنیم.

%%%%%%%%%%%%%%%%%%%% (ستـــاد) ۵۸/۸/۲

اخباری از: جنبش دانش آموزی



تهران

شهریه، شهریه مشکل زحمتکشان

روزشنبه ۵۸/۷/۲۱ گروهی از دانش آموزان دبیرستان البرز برای اعتراض به باقی ماندن مدارس خصوصی و عدم لغو شهریه دست به تظاهرات زدند. شعارهائی که در این تظاهرات داده میشد عبارت بودند از: "مدارس خصوصی، دکان سرمایه دار، نابود باید گردد"، "شهریه، شهریه مشکل زحمتکشان"، "شوراهای واقعی مدارس ایجاد باید گردد"، "مرگ بر این فرهنگ استعماری" ...

کارگری که ساعتی ۲۵۰ تومان مزد میگیرد

روز شنبه ۲۱ مهر ماه در یکی از کلاسهای دبستان راهنمای کودک، سر کلاس ریاضی، معلم مسئله‌ای را بصورت زیر طرح میکند: "کارگری هفته‌ای ۷ روز و هر روز ۵ ساعت کار میکند و ساعتی ۲۵۰ تومان مزد میگیرد مزد هفتگی او چقدر است؟" دانش آموزی بحالت اعتراض میگوید: "خانم، این مسئله اشتباه است چون بیشتر کارگران روزی ۱۰ ساعت کار میکنند و معمولا ساعتی ۵۰ ریال مزد می‌گیرند!" و خانم معلم که لیاقت تدریس به این نسل پرخروش و مبارز را ندارد، میگوید: "بشین زیاد حرف نزن!" در اینموقع، دانش‌آموز دیگری میگوید: "خانم، دوست من درست میگوید، همینطور است!" خانم معلم بار دیگر بی شعوری خود را بنمایش می‌گذارد و میگوید: "هر دوتون بروید بیرون پای دفتر بایستید!" ساعت بعد که بچه ها به کلاس برگشتند، دستهایشان کبود شده بود و چشماشون اشک آلود، آنها به رفقایشان گفتند: "مدیر کتک مفصلی بما زد و پرسید، کی توی توالت شعار به طرفداری خلق کرد نوشته؟ و ما گفتیم نمی دانیم!". آری این واقعه در زمان حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی صورت میگیرد و نه رژیم شاه جلاد. رژیم شاه اکنون بیش از هفت ماه است که سرنگون شده است ولی بلطف سازشکاران و میوه چینانی که قدرت را قبضه کرده‌اند حتی در مدارس ما و درمقابله با حق گویی کودکان ما اینطور عمل میشود. و چه کوردل و تنگ نظر است آن مدیر که فکر میکند با کتک زدن کودکانی که فقط بیان واقعیت کرده‌اند میتواند بر واقعیات سرپوش بگذارد و کوردل تر و کودن تر از این نوع مدیران رژیمی است که با اعمال ضد انقلابی وضد خلقی خود در مقابل زحمتکشان به این منصوبینش رهنمود عملی میدهد.

★ ★ ★

اهواز

چندی پیش در دبیرستان "محبوبه متحدین" بر روی دیوارها شعارهایی بنفع خلق کرد و هواداری از شیخ عزالدین حسینی (مانند "درود بر عزالدین حسینی رهبر مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق کرد") نوشته میشود، پس از اینکه اولیاء دبیرستان از این امر آگاه میگردند، دانش‌آموزان را به صف کرده و از آنها و بخصوص دانش‌آموزان مسلمان میخواهند که این افراد را معرفی نمایند، ولی دانش‌آموزان متحداً از این کار خودداری میکنند.

خلق بپا می خیزد، جلاد خون می ریزد

تظاهرات دانشجویان مبارز در تهران

به منظور حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی - ضدصهیونیستی خلق فلسطین و همچنین در رابطه با اعتصاب غذای ۵۰۰۰ زندانی سیاسی فلسطینی در زندانهای اسرائیل، روز سه شنبه ۵۸/۷/۲۴ مراسمی از طرف دانشجویان مبارز، طرفدار آزادی طبقه کارگر در آمفی تاتر دانشکده فنی برگزار گردید.

در ابتدای مراسم پیام دانشجویان مبارز قرائت شد، وآنگاه مطالبی در رابطه با جنگ داخلی لبنان و خیانت سازمان امل و مصطفی چمران، به خلقهای فلسطین و لبنان ایراد گردید. بعد از آن گوشه هایی از ادبیات فلسطین بیاد رزمندگان شهید و اسیر فلسطینی خوانده شد. در پایان صف منظمی از دانشجویان به تظاهرات پرداختند و با حرکت در محیط دانشگاه ضمن حمایت از خلق فلسطین و افشای حمایت ظاهری و عوامفریبانه هیئت حاکمه شعار می دادند که: "فلسطین پیروز است، اسرائیل نابود است"، "حمایت ظاهری از فلسطین، فریب و نیرنگ خلق". آنها، همچنین به نشانه همبستگی با مبارزات دمکراتیک وضد امپریالیستی خلق کرد و افشای جنایات دولت ضد انقلابی در کردستان و بندر انزلی شعار می‌دادند که: "خلق کرد پیروز است، ارتجاع نابود است"، "خلق کرد تنها نیست، ایران بپا خیز"، "جلاد تل زعتر، جلاد خلق ما شد"، "خلق بپا میخیزد، جلاد خون میریزد" و نیز شعاری با مضمون "کشتار در انزلی، توطئه ارتجاع".

تظاهرکنندگان در مسیر خود، در برابر دانشکده‌های پزشکی، ادبیات و هنرها مدتی توقف

بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۶

ارتجاع رسوا میشود ...

که آیا شما به اندازه آقای بهادران هم، که شده قادر نبودید راجع به این "ماجرا"ها حرفی بزنید؟ آیا امکاناتش را نداشتید یا "مصلحت گرائی" اجازه نمی‌دهد؟ تمام خلق کرد و همه کمونیستها هم می‌گویند که "آیت الله خمینی برتمام ماجرا (که در کردستان می‌گذرد) وقوف کامل دارد" (همانجا) اما آنها بدنبال این نشان می‌دهند که ماهیت واقعی این "ماجرا"ها چیست ونقش آیت الله را هم در این "ماجرا"ها نشان می‌دهند. اما این نوع حرف زدن شما در واقع برای هیچ نگفتن است و این را در جاهای دیگر نامه هم می‌بینیم.

مجاهدین راه حلی را که در حرف همه نیروهای دمکرات قبول دارند یعنی "به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت" (همانجا) تکرار می‌کنند. ولی حاضر نیستند در عمل از این "حق" خلقها دفاع کنند وماهیت ارتجاعی کسانی را که با صدای بلند مخالفت خود را با این "حق" اعلام می‌کنند - که آیت الله خمینی هم جزو همین هاست چراکه قادر به درک مسائل خلقها نیست - افشا سازند وقادر نیستند به جای "مصلحت گرائی"ها به توده‌ها توضیح دهند که لشکرکشی هیئت حاکمه به کردستان اساساً برای سرکوب همین خلقی بود که همین "تعیین حق سرنوشت" را می‌خواست. اما مجاهدین در مقابل تمام وظایفی که بدان عمل نمی‌نمایند، یک کار می‌کنند وآن اینکه از آیت الله خمینی درخواست می‌کنند که به کردستان بروند "... ومبلغ عواطف پدرانه..." "ایشان را شناخته" (همانجا) اما دوستان قدری دیر آمده‌اند. چراکه قبل از این چمران وفرماندهان جلاد ارتش وپاسداران وتکاوران اعزامی "مبلغ" این "عواطف" بوده‌اند. وخلق کرد نیز جواب این "عواطف" را با مقاومت وپایداری بی‌نظیر خود داده است. ودوستان مجاهد بهتر است بعوض ناراحت شدن از اینکه "...ما می‌دانیم به مجرد دریافت نامه حاضر عده‌ای حتمی در محضر خودشما بسیاری چیزها به ما نسبت خواهند داد..." (همانجا) به چیز دیگری فکر کنند که خواهیم گفت. چراکه امروز دیگر تلاشهای نجات "انقلاب" و "رهبر" را نزدیکان وی نیز آغاز کرده‌اند. آری بعوض ناراحت شدن از این که "سوء تفاهم" دیگری بر "سوء تفاهمات" قبلی افزوده شود، بدین حقیقت فکر کنند که اگر ارتجاع بیش از این قدرت داشت واگر خلق کرد پوزه ارتجاع را در کردستان برخاک نمالیده بود واگر تلاشهای افشاگرانه کمونیستها ودفاع آنان از آرمانهای خلق کرد نبود چه بسا امروز این نامه را هم نمی‌توانستند به محضر امام بنویسند. چراکه پایه‌های اصلی قدرت حاکمه فعلی مناسبات خود را با تمام نیروهای خلقی از جمله مجاهدین نه براساس "سوء تفاهم" بلکه براساس محاسباتی که غرائز طبقاتی آنان حکم می‌کند وبراساس توانی که در لحظه مفروض دارند، معین می‌کند! (*)

(*) - مسلما استنباط این نیروها از "حق تعیین سرنوشت" استنباطی محدود است و با استنباط پرولتری تفاوت اساسی دارد همچنان که در عمل نیز شاهد آنیم.

پیغام امروز ۲۴ر۴ر۵۸

معلمان مبارز به‌انتقال اجباری یا اخراج تهدید می‌شوند

نامه سرگشاده کانون مستقل معلمان تهران به نخست‌وزیر

کانون مستقل معلمان تهران که در حساسترین روزهای انقلاب تاریخ‌ساز و شکوهمند مردم ستم‌کش ایران با شرکت معلمین مسئول و متعهد شکل سازمانی یافت همچنان که در گذشته، قبل و بعد از انقلاب، در برابر حملات مرتجعانه فرصت‌طلبان مقاومت نمود امروز مصمم‌تر از همیشه در جهت انجام وظایف ملی خود بدون توجه به تمام مشکلاتی که فراهم خواهد شد راه‌راستین خود را تا دست‌یابی به‌یك محیط سالم سیاسی، اجتماعی و آموزشی ادامه خواهد داد.

سال تحصیلی ۵۸ــ۵۷ یعنی سال انقلاب ملت ایران که با اعتراض و فریاد دانش‌آموزان و معلمان متعهد همراه مردم زحمتکش ایران اوجی‌تازه یافت و با مقاومت وشهادت تا کسب پیروزی ادامه یافت با درد و رنج فراوان بپایان رساندیم. روزهای غرورانگیزی که هر دقیقه‌اش سرنوشت‌ساز بودو مردان افتان و خیزان زیر شلیك مسلسلها سرود پیوستن را زمزمه میکردند. روزهای دلهره‌آور حوادث‌تلخ و شیرین که با غروب خورشید پایان نمی‌یافت و بطورکلی روزهائی که خون زنان و مردان مبارز «با عقاید گوناگون» درهم آمیخت، و سرود باید یکی شویم را سر داد، تا در صبحدم بهمن جوانه انقلاب شکوفا شد، حکومت شاه جلاد را متلاشی کرد و با سرعت هرچه تمامتر دژهای استبداد یعنی پادگانها و مراکز جاسوسی، شکنجه‌گاههای ساواك، کلانتریها، رادیو تلویزیون و قصرهای فرعونی را تصرف و همه مظاهر استبداد و استعمار را چنان بلرزه درآورد که اگر فرصت‌طلبان بظاهر انقلابی در مسیر حرکت توفنده ملت مانع نمی‌ساختند چه‌بسا که امروز حتی از نهادهای امپریالیسم اثری نبود. امروز نزدیك به پنج ماه از حکومت دولت موقت میگذرد، در این مدت مردم جز اینکه «شاه» خون‌آشام و شناخته شده را بالای سر خود نمی‌بینند، عملا تغییر محسوسی‌را در زندگی خود ازنظر اقتصادی،اجتماعی، آموزشی و آزادیهای سیاسی احساس نمیکنند چرا که ازیك طرف منحنی نمایش‌گرانی همچنان سیر صعودی طی میکند و از طرف دیگر ادارات که توسط همان مهره‌های فاسد گذشته اداره میشوند قادر به حل کوچکترین مشکل مردم نیستند. در مسایل سیاسی با آنکه شعار آزادی همه سازمانها و احزاب داده میشود، عوامل اخلالگر و سرسپرده استعمار و ارتجاع، آزادی مطبوعات مستقل را هم با اشکال روبرو کرده‌اند.

برنامه آموزشی دولت

از طرفی هرچه جلوتر میرویم تناقض‌گوئی و لفاظی، تغییر کلمات و توجیه لغات، سرگردانی و بیکاری، تفرقه‌اندازی و سعی د رجداسازی صفوف ملت، نگرانی مردم را از آینده افزایش داده است. در قسمت آموزشی دولت‌برنامه مشخصی را ارائه نداده است. زیرا با آن که فصل ثبت‌نام شروع شده، دولت نه‌تنها وضع مدارس غیردولتی رامشخص نکرده و در حل مشکل آموزشی رهنمودی ارائه نداده بلکه سردرگمی خود را با تناقض‌گوئی به جامعه انتقال داده به طوری که مسئولان مدارس و مردم را در بلاتکلیفی نگه داشته است، دیدیم و شنیدیم که یکروز وزیر آموزش و پرورش شعار آموزش رایگان را طرح کرد که خیلی سریع بوسیله رئیس دولت با طرح تشویق سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی بصورت مبهم رها شد، طولی نکشید که زمزمه آموزش یکسان بگوش رسید بدون اینکه توضیح داده شود چطور ممکن است بتوان بدون آموزش رایگان به آموزش یکسان رسید. وضع کتابهای درسی و عدم اطلاع معلمین‌در تهیه و تدوین آنها سوال دیگری است که هیچ معلمی قادر به پاسخ به آن نیست زیرا نه تنها از معلمین آگاه در طرح و برنامه‌ریزی مسائل آموزشی استفاده نمیشود، بلکه عملا از شرکت آنها در پیشبرد اهداف انقلابی جلوگیری میشود.

رویدادهای ضد خلقی

جناب نخست وزیر شما را معلمی متعهد میشناسیم لذا میخواهیم صراحتا نظر خود را نسبت به رویدادهای‌ضد خلقی که بوسیله افراد جاه‌طلب یا بوسیله اخلالگران‌حرفه‌ای صورت میگیرد از قبیل سانسور در رادیوو تلویزیون و ژستهای مستبدانه سرپرست آن، تصویب قانون اساسی‌بدون مجلس موسسان، تبعیض بین زنان و مردان که در مراسم تحلیف زنان کارآموز قضائی جلوه کرد، دستگیری عناصر انقلابی که «بشهادت ملت ایران» در جهت بثمر رساندن انقلاب شکوهمند مردم، بزرگترین‌فداکاریها نمودند وسالها سنگفرش خیابانها را با خون پاك خود گلگون کردند،چون: حماد شیبانی و محمد رضا سعادتی. دستگیری و تعقیب عده‌ای از نفتگران اهواز و آبادان و کارگران نورد ـاخراج معلمین گچساران و عده‌ای از معلمین تهران، جلوگیری از اجتماع اعضاء کانون مستقل معلمان نواحی تهران و شهرستانهائی چون آبادان اصفهان.. کتاب سوزان‌چنگیزوار در شهرستانها را تائید میکنید؟ آیا شما دخالت اخلالگران در مطبوعات و حمله بدفاتر آنها، حمله به اجتماعات دمکراتیك ــ و مضروب کردن پسرك روزنامه فروش را که بزعم عده‌ای از «مستکبرین» بوده و از همه مهمتر بی‌خبر گذاشتن ملت ایران را از آنچه در پشت پرده اتفاق میافتد تائید میکنید؟

ادامه دارد

۱.این قوانین محکوم شناخته شده‌اند و یا مرزهای آبهای یك سرزمین ملی که بازهم توسط این قوانین به رسمیت شناخته شده‌اند.

بنابراین هنگامیکه ازفضای‌ملی سخن میگوئیم اشارهٔ ما به این فضای سه‌بعدی است که طبق قوانین ملی‌و بین‌المللی‌حدود وثغور آن‌قابل تشخیص و تعیین است. برای اینکه کار برنامه‌ریزی برای فضای ملی امکان‌پذیر باشد ما ناچار از تقسیم این فضا براساس ضوابط و معیارهائی هستیم. این فضاها علاوه بر اینکه بعد فضائی یا جغرافیائی دارند، دارای ابعاد دیگری نیز هستند که با معیارهای‌اجتماعی اقتصادی اداری و سیاسی سنجیده می‌شوند. علوم فضائی و منطقه‌ای برای‌تقسیم فضا پیشنهادهای متعددی ارائه کرده‌است ولی هیچکدام از این پیشنهادها قاطعیت و عمومیت ندارند. تقسیمات فضائی‌بویژه آنجا که مربوط به خصوصیات قومی،آداب و سنتها، زبان و سایر عوامل فرهنگی میشود از یك‌کشور به‌کشور دیگر فرق میکند. رویهمرفته میتوان گفت بهترین تقسیم‌بندی فضائی آنست که بتوان‌آنرا برای منظورهای مختلف از قبیل جمع‌آوری آمار، انجام انتخابات تشکیل حکومت محلی و ادارهٔ امور، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گزاری اقتصادی بکار برد.

تقسیم‌بندی‌فضائی در ایران سابقه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ممتد دارد و ...ه‌های تجربه‌های گذشته، تقسیمات زیر برای فضای ایران‌پیشنهاد می‌شود. واحدهای فضائی- بدون تعیین محدوده‌های واقعی- که هر کدام بعنوان یك سیستم پیشنهاد شده‌اند دارای کلیه خصوصیات سیستمهای عمل‌کننده هستند وکلیه‌ضوابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره رامی‌توان برای تعیین حدود آنها بکار برد.این

دلخواه خود بگزینند و بالاخره در فضائی

سیستم توازن فضائی کشور بهم خورده

سیاستهای حفظ محیط‌زیست.

تعیین تقسیمات منطقه‌ای مهمتر از آن غلط و عدم قدرت جذب این قطبها فراتر رفته و به شهرهای بزرگ منتهی شده است.

بنابراین برای‌یك برنامه‌ریزی‌فضائی ملی یکی از نخستین گامها شناخت این قابلیت‌های مکانی است.

یکی از ایرادهائی که بطور عمومی به کلیه برنامه‌ریزیهای اقتصادی- اجتماعی بدون در نظر گرفتن بعد فضائی برنامه‌ریزی، وارد است عدم انجام مطالعات‌مکان‌یابی برای تصمیم در استقرار فعالیتهای اقتصادی است.

برای جبران این نقیصه، علم مکان‌یابی فعالیتهای اقتصادی، نمونهائی(مدل‌هائی) بوجود آورده است که بانیان آن بر- اساس تجربه‌هائی که در سطح کشورهای مختلف داشته‌اند بدون شك تحت تاثیر سیستم‌های اقتصادی- اجتماعی- فضائی‌آن کشورها در توسعه این‌نمونها قرارداشته‌اند. بدین جهت ابلاغ این نمونه‌ها متاسفانه به شرایط تمام کشورهای دنیا که تفاوتهائی با سیستم‌های کشورهای مورد تجربه داشته‌اند معقول و مناسب نبوده است.

در ایران، برای‌نمونه،، این‌سیستمها بدون توجه به مرحله گسترش اقتصادی کشورها، بدون در نظر گرفتن ساختار اجتماعی ما و حتی بدون توجه به‌ساختار صنایع گوناگون (صنایع بطور اعم) ما در این مرحله از توسعه به شرایط کشورما تحمیل شده‌اند. برای مثال دو تجربهٔ ناموفق «قطبهای صنعتی»و «مراکزتوسعه روستائی» را میتوان نام برد که اولی ازفرانسه و دومی احتمالا از هند نمونه‌برداری شده بودند.

بنابراین آنچه‌در اینجا مورد توجه ماست نمونه‌برداری از هیچ یك از کشورهای دیگر نیست بلکه در ضمن دانائی از

بقیه در صفحه ۷

فارغ التحصیلان دانشگاهها را نمی توان رها کرد

بر اساس یك آمار غیر رسمی حدود ۷۰ هزار ایرانی در دانشگاه‌های مختلف‌ایالت متحد آمریکا به تحصیل اشتغال دارند، گفته می‌شودکه‌بیش‌ازاین تعداد دانشجوی ایرانی نیز در کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپائی و برخی از کشورهای آسیا و خاورمیانه تحصیل می‌کنند. در گذشته بسیاری از این دانشجویان امکان آن را داشتند که در صورت تمایل و با تطبیق دادن وضع خود بامقررات کشورهای مزبور در آن‌کشورهااقامت‌کنند، اما باتوجه به بالا رفتن رشد بیکاری در کشورهای اروپائی و بخصوص آمریکا ونیز باتوجه‌به اینکه روابط ایران وآمریکا در مسیر تازه‌ای قرار گرفته واین امراجازه اقامت‌غیردانش‌جوئی را مشکل می‌کند از همه مهمتر علاقه مفرط دانشجویان ایرانی به‌بازگشت به‌وطن پس از انقلاب، این نوید را می‌دهد که روزبروز بر تعداد دانشجویان ایرانی فارغ التحصیل باز گشته به وطن افزوده شود.

دانشجویانی که دردوران گذشته‌به‌ایران می‌آمدند اگر ازصافی ساواك می‌گذشتند مشکلی برای اشتغال نداشتند نه به این دلیل که واقعا کاری مولد برای آنها وجود داشت بلکه این در واقع یکی از ابزار- تبلیغاتی رژیم بود تا هر چه بیشتر افراد دراستخدام دولت باشند و کارکاذب بوجود آید نتیجه این بیکاری پنهان چیزی نبود جز آنکه دانشجویان مزبور یا پس از چند صباحی در سیستم حل می‌شدند ویاآنکه اگر طاقت پول گرفتن و بیکار بودن رانداشتند، به هر ترتیب شده به کشورهای محل تحصیل‌خود برای‌همیشه برمیگشتند. درحال حاضر دولت در برخورد با مساله فارغ التحصیلان خارج از کشور و حتی فارغ‌التحصیلان دانشگاههای داخل با دو مشکل اساسی روبروست. در درجه اول برای آنهائیکه در ماهها و یا چند سال گذشته به استخدام در آمده‌اند واقعا کار زیادی وجود ندارد و استعدادهای خلاق و نیروهای جوان که مشتاقانه آماده خدمت و بهره دهی به انقلاب هستند هرز می‌رود و در درجه دوم آنهائی که بازگشته‌اند و امکان استخدام نیافته‌اند نیز بتدریج مایوس و ناامید می‌شوند و برسیل این گروه باید دانشجویانی را که در چند ماه آینده از دانشگاههای داخلی فارغ‌التحصیل می‌شوند نیز افزود.

آنها هنگامی که به ادارات مراجعه می‌کنند، می‌پرسند مگر این همه کارشناس خارجی اخراج نشده است؟ اگر جواب‌مثبت باشد می‌گویند پس مارا بجای آنها بکار گیرید. ولی این پاسخ دلیلی براشتغال آنها نیست چرا که دولت احتیاج به برنامه‌ریزی صحیح و ارزیابی طرحهای مختلف عمرانی خود دارد تا بداند کدامیك ازطرح‌های گذشته را ادامه می‌دهد و کدامیك را متوقف می‌سازد و در ضمن با کارمندان زائد خود در بخشهای تعطیل شده چه باید بکند اما این مشکل را هم نمی‌توان نادیده گرفت که اگر واقعا در ظرف یکسال ۱۲هزار تن فقط از خارج به‌ایران برگردند وحدود ۳ هزار تن نیز از دانشگاهها و مدارس‌عالی کشور فارغ‌التحصیل شوند این ۱۵ هزار تن جوان آماده اشتغال را نمی‌توان به امید کارمندانی است که بیش از ۳۰ سال‌خدمت کرده‌اند و بعد باید جای خالی آنها را به تدریج با فارغ‌التحصیلان جوان پر کند.

اما این تنها راه چاره نیست و در نهایت دولت به همان راه خواهد رفت که درگذشته بیهوده طی می‌شد. باید برای اشتغال در سطوح تحصیل بالا برنامه‌های صحیح و تنظیم شده بوجود آید. دولت از قبل باید بداند که در سال آینده به چند دانشجوی مثلا، مکانیك شیمی، الکترونیك و غیره احتیاج دارد و آنها را در کدامیك از سازمانها می‌خواهد به‌کار گیرد دولت حتی در امر تنظیم برنامه‌های درازمدت اقتصادی باید دورنمای اشتغال در ۵ تا ده سال آینده را نیز تنظیم کند و بطورتقریب اعلام دارد که به چه فارغ‌التحصیلانی در آینده نیازمند است آنگاه با توجه به این برنامه‌ریزی رشته‌های مزبور را در دانشگاهها و مدارس عالی کشور تاسیس کند و یاتنها اجازه خروج بدانشجویانی بدهد که رشته‌های تحصیل آنها در آینده مورد نیازکشور است و در برنامه پیش‌بینی شده است ویا آنکه با ضوابطی به‌آنها قول استخدام‌بدهد در صورتی که در رشته‌های مورد نیاز، تحصیل کنند. دولت برای حل نابسامانی ادارات چاره‌ئی نداردکه برای کارمندان‌زائد نیز فکری بکند البته برای آنکه بخواهد با هرگونه عکس‌العملی بر مشکل بیکاری و احیانا نارضایتی بیافزاید. تنظیم سیاست صحیح اشتغال، دولت را در آینده‌به هدف‌های اقتصادی خود خواهد رساند و این موثرترین ابزار برای رشد اقتصادی‌خواهد بود.

● باید بجای کارشناسان خارجی اخراج شده‌از فارغ‌التحصیلان استفاده‌شود

لازم نیست گفته شود چه استعدادهای خلاق ومؤثری در میان این فارغ‌التحصیلان یافت می‌شود و همچنین دور از ذهن نیست که بدانیم مهندسان شیمی و مکانیك و الکترونیك و کامپیوتر و دارندگان مدارك اقتصاد و مدیریت و حسابداری و جامعه‌شناسی و غیره... همه و همه می‌توانند مهره‌های موثر و بازوهای ارزنده چرخهای ناتوان اقتصاد ما باشند.

خدا رها کرد و همچنان به آنها کمك‌هزینه که برای بعضی‌ها چندان خوشایند هم‌نیست داد، در صورتی که بخش خصوصی با صددرصد نیروی خود دوباره شروع به کار کند، بسیاری از این‌جوانان جذب می‌شدند ولی دولت نیز ناگزیر است فکری کند. نخستین کاری که دولت برای رهائی از مشکل طاقت فرسای بیکاری و افزون به درجه اشتغال خواهد کرد بازنشسته کردن

رضا

فرهنگ انقلابی بجای انقلاب فرهنگی

... دو وزارتخانهٔ «فرهنگ وهنر» و «علوم و اموزش عالی» قطعی شد و ازاین ... این دو با نام واحد وزارت «فرهنگ وعلوم» بکار خود ادامه خواهد داد. درنتیجهٔ ... اینك وزارت فرهنگ و هنر ... یکی از معاونت‌های وزارت«علوم» ... است و طبعا اختیارات و امکانات کار آن نیز به همین صورت کم شده است.

در مورد ادغام این دو وزارتخانه ویا بهتر بگوئیم «انحلال» وزارت فرهنگ وهنر دولت تاکنون هیچ دلیل موجهی ارائه‌نکرده است. اما به خوبی می‌توان فهمید که از نظر دولت، وزارت فرهنگ‌وهنر کاربرداجتماعی ... را ندارد و بسیاری از فعالیت‌های آن را ... توان تعطیل کرد، که بود و نبود این ... جائی لطمه نمی‌زند و اصولا ... جامعه‌ای‌که می‌خواهد مرحله‌ای‌سازنده را در دوره‌ای جدید آغاز کند فرهنگ یا ... ضروری نیست.

جالب اینکه انچه امروز دولت دربارهٔ ... و هنر در ایران بعداز انقلاب‌مطرح می‌کند ... حسی عمل می‌کند. براساس نوعی ... اجتماعی یا نیاز مردم در موقعیت‌امروز ایران نیست، بلکه آنجه رخ می‌دهد وهی‌... دقیقا براساس کاربرد فعالیت‌ها در گذشته است، یعنی مثلا اگر تلویزیون‌پیش از این نمی‌توانست خواست ملتی را از نظرهای فرهنگی برآورده کند. باید تمام عوامل سازنده‌اش را خراب کرد و متاسفانه چون تازه‌ای نیست که جای خالی همـــان برنامه‌های بد گذشته را پر کند، ناچار به سرهم‌بندی کرد ن‌برنامه‌هایی می‌شوند که همان ویژگی «بی‌فرهنگی» را با خود دارد، اما شکل‌ظاهری‌اش عوض شده و همینطور است بخش فرهنگی مملکت‌در وزارت‌فرهنك و هنر به روشنی در قیاس با کاربرد این مرکز در گذشته زائد و دور انـــداختنی شناخته شده است. چه اگر جبر این می‌-بود، بجای از میان برداشتن آن درصدد برمی‌آمدند تا شیوه‌های درست اشاعـــهٔ فرهنگ و مفاهیم اجتماعی فرهنگ را از این طریق گسترش دهند که به گمان من به اندازهٔ خوراك و پـــوشاك ومسکن و در بسیاری موارد بیش‌از آنها ضروری است.

شاید انقلاب در ایران کم‌کم در کلمهٔ «انقلاب» خلاصه می‌شود و بار فرهنگی و کیفیت هایی که این کلمه در مـــوقعیت اجتماعی و آینده سازی مملکتی باخود دارد نیز به فراموشی می‌رود. در حالیکه واقعیت این است که انقلاب سیاسی در هیچ‌مملکتی نمی‌تواند بدون آنکه انقلاب فرهنگی درکنار خود داشته باشد به ثمر رسد.

اما انقلاب فرهنگی چیست؟ و آیـــا دولت موقت انقلابی ایران که امروز باید زیربنای آیندهٔ این ملك را پایه‌گزارد، برای این مهم چه اندیشیده است؟

انقلاب فرهنگی در وهلهٔ اول یعنـــی برنامه‌ریزی دقیق و مشخصی برای رساندن سطح دانش عمومی به حدی که تمام مردم جامعه بتوانند از طریق وسایل ارتباطی‌با یکدیگر در تماس باشند و در کنار این باید مردم بتوانند معنی و مفهوم فرهنگ وسنت و روابط انسانی را از طریق تبادل فکر و اندیشه درك کنند. انقلاب فرهنگی یعنـــی شناخت تاریخ و شیوه‌های زندگی اقـوام گوناگونی که یك ملت را می‌سازند. انقلاب فرهنگی یعنی ارج نهادن به زبان کــــه نخستین امکان ارتباط انسانها را می‌سازد و بالاخره توجه به فرهنگ یعنی راه‌یابی برای دیگر مسائل مملکت، چرا که مثـــلا مساله کشاورزی در ایران را مگر می‌توان بدون شناخت و راه‌گشائی از طریق‌کیفیت های فرهنگی و سنتی حل کرد؟

اما در این زمینه، در ایران چه‌کرده‌ایم؟ کدام برنامهٔ سوادآموزی را در پیش‌داریم؟ کجا صحبتی از شیوه‌های تازهٔ آموزش در مدارس و دانشگاهها کرده‌ایم؟ در کدامیك از مسائل اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و تجاری راه حل را در فرهنگ قومی‌مـــان جستجو کرده‌ایم؟ و بالاخره چه معیار و ضابطه‌ای پیش کشیده‌ایم که بتواند درمورد چاپ کتاب و مجله، یا کیفیت‌های هنــری و دستاوردهای انقلاب وضعیت و موقعیـت روشنی بدست دهد؟

اما دولت حاضر بجای اندیشیدن به تمام مسائل و مشکلاتی که هرروز بیشتر از روز پیش جلب توجه می‌کند، و به جای‌آنکه راه حل‌ها را در چگونگی فرهنگ این ملك. وگسترش فرهنگ در ایران بجوید، وبه جای آنکه همین مراکز موجود فرهنگی را رونق دهد، با تلویزیون چنان کرده است که بازگفتنش نیز کسالت می‌آورد. وبالاخره آموزش و پرورش را بسیار کم اهمیت‌تر از آنکه هست جلوه‌گر کرده است و دست آخر نیز تنها مرکز رسمی پی‌گیری امور فرهنگی را نیز به نابودی کشانده است.

بنابراین باید نگران باشیم برای از دست دادن همان اندك هنری که داشتیم و نگران باشیم برای از دست دادن بهترین و بزرگترین وسیلهٔ پیام‌رسانی و تبادل‌فکر یعنی «هنر» در ایران، چراکه دولت انقلابی ظاهرا تصور می‌کند انقلاب بدون آفرینش و رابطه میان مردم مملکت نیز می‌توانـــد موفق شود، در حالیکه ایـن فرضی است محال! و اگر امروز براین مشکل چـــاره نیابیم هرگز نخواهیم توانست به پیشرفتی که می‌خواهیم دست یابیم. چنانکه آنچه امروز در ترویجش کوشش می‌شود و به مردم تلقین می‌شود فرهنگ انقلابی بـودن است و این عاطفه‌ای است از میان رفتنی، در حالیکه انقلاب فرهنگی در ایران می‌باید اساس و بنیاد اجتماع‌آیندهٔ ایران رابسازد.

روزنامه جان‌دارد

فاجعه مدت‌ها بود که‌از پشت‌دیوار-های شهرسرمی‌کشیدفاجعه‌به‌سراغ‌مطبوعات رفت- نام اختناق را- بـــعد از آن سیل خونی که سراسر ایران را شست- شما جز فاجعه چه می‌گذارید؟...

یکی از بدبختی‌های آن ابله‌کبیر این بود که خیال می‌کرد نبوغ خدادادە دارد و تخصصی عالمگیر در تمام زمینه‌های‌علمی و فنی و هنری و سیاسی و اقتصادی. این بود که کار را به دست کاردان نسپرد، «خاندان جلیل»گرفته شد؟به‌گواهی تیراژ-های سرسام‌آور، مردم مـــی‌خواستند این عکس‌ها را ببینند. اما از انتشار آن‌هـــا جلوگیری شد، چون ترمیم یك خواست ناسالم و یك کنجکاوی نادرست‌و یك توجه گمراه‌کننده مطرح بود.

آقایان بدانند و به‌یاد بیاورند که فحش دادن و هتاکی بدون دلیل و مدرك‌هم کار همان ابله‌کبیر بود. بلندگوی ملی‌کشور حق ندارد روزنامه یا مجله‌یی را که‌سئوال

> صفحه روزنامه ازحرف حق، ازپرسش وقضاوت، و ازفریاد وهشدار «ننگین» نمی‌شود.

این بود که هرگز نگفت نمی‌دانم، این‌بود که هرگز اعتراف نکرد کسی هم هست که از او بهتر می‌داند. علامه دهر برای همه چیز و همه‌کس تعیین تکلیف کرد، خط‌مشی داد، فلسفه‌بافت و کلمات قصار ساخت.

یادش امروز تن مرده و زنـده این ملت را می‌لرزاند. مردان ما برحذرباشند تا پیرامون پاره‌یی‌مسائل تخصصی، پاره‌یی اصول جهانی و کاملا روشن و شناختـــه شده، عقیده یا راهنمایی نادرست و بی منطقی ارائه نکنند. پاره‌یی اصول‌تخصصی، مانند حقایق علمی‌همه‌جا یك‌جورو یك‌شکل هستند، شرقی و غربی هم ندارند. درهمه جای دنیا دو دوتا چهارتاست. در همه جای دنیا فرمول اسید سولفوریك Suuhs می‌کند، خبر می‌دهد و پیشنهاد مـــی‌کند «ننگین» لقب بدهد. صفحه روزنامه ازحرف حق، از پرسش و از قضاوت ننگین نمی-شود. صفحه روزنامه از فریاد بیدارکننده و هشداردهنده ننگین نمی‌شود. ایـن را باور کنید که هر تداعی تلخی از آن یاغی افسارگسیخته، تن‌مرده و زنده این ملت‌را می‌لرزاند.

روزنامه آینه نیست که تمام نمای رخ‌داده‌ها باشد. آینه‌جامد است. روزنامه جان دارد. کار روزنامه معنا دادن است. کار روزنامه قضاوت کردن‌است. خبرگزاری و بازگویی حوادث نه روزی فلسفه اساسی وجود مطبوعات بود، امروز گوشهٔ کوچکی از وظایف آن است. روزنامهٔ امروز به‌دلیل

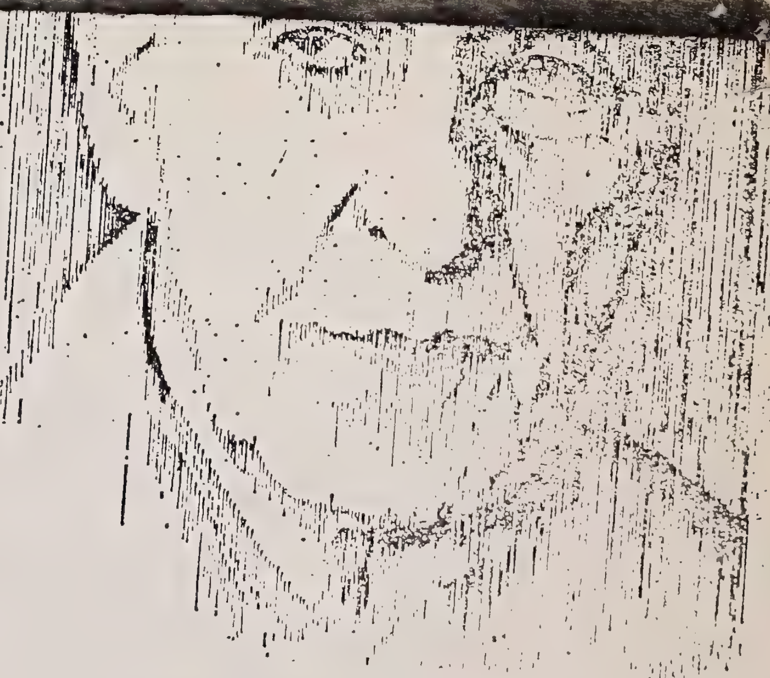
> درهیچ سرزمین آزادی عقیده برای

راه‌پیما

ای دلبر بلند بالایم
ای سیه چشم راه‌پیمایم
یاد داری که دست در دست

ای سیه چشم راه‌پیمایم
شهر آشفته است چون «دیروز»
بانگهای آتشین خلق و عالم‌سوز

همتای مردم بودن ...



«راهنمای کتاب» مجلهٔ زبان و ادبیات و تحقیقات ایران‌شناسی و انتقاد کتاب، آخرین شماره‌های خود را (۸–۱۲) در یك مجموعهٔ هشتصد و پنجاه و یك‌صفحه‌ای به چاپ رسانیده است. این شماره که هنوز انتشار نیافته، بویژه از اینجهت ارزش و اهمیت دارد که این بار «راهنمای کتاب» بخش مهمی از صفحاتش را به چاپ‌اسناد و مدارك درباره شخصیت «مصدق» و چگونگی اوضاع سیاسی و اجتماع دوره‌ای از تاریخ معاصر ایران که تا بحال بدلیل وجود سانسور در ایران امکان چاپ آنها نبود اختصاص داده است. دکتر ایرج‌افشار در نخستین مقالهٔ «راهنمای کتاب» باعنوان «مصدق در تاریخ» پیشنهاد کرده است‌که اسناد مربوط به این شخصیت بزرگ‌ملی و مدارك مربوط به دوران سیاستمداری‌او جمع‌آوری شود تا ملت ایران نیزبتواند این بخش ازتاریخ معاصررا بهتربشناسد: «مصدق در تاریخ ایران مقامی خاص و برگزیده یافته، او پردازندهٔ دوره‌ای از تاریخ ایران است که علی‌القاعده به‌علت کثرت وسایل خبری وانتشاراتی وبیداری ملت‌ها، امکان مطالعه و تحقیق در افکار و نام او را می‌توان برزبان آورد باید به جستجو در احوال و کارهای او پرداخت، بمنظور آنکه هم برشخصیت او وقوف‌کامل و دقیق حاصل شود و هم‌آنکه قسمتی‌از تاریخ ایران که او در تغییرات وتحولات سیاسی و فکری آن دوره موثر بود، بهتر و دقیق‌تر شناخته شود.»

در بخش دیگری از این‌مقاله درتوصیف مصدق آمده‌است: «مصدق ازلحاظ شخصیت‌و حیثیت در تاریخ ایران کم‌نظیرست. او جامع صفات ممتاز بود. یعنی هوش، وطن پرستی، ملت‌دوستی، کمال‌سیاسی، پاکی و تقوی، شهامت، دقت‌نظر، بینش‌وتوانائی، قوهٔ بیان وخطابه، دانش اکتسابی، نکته‌بینی و حاضرجوابی را باهم داشت. بالاتر از همهٔ اینها نیروی کم‌همتای با مردم بودن و از آنها سخن گفتن را درنهانخانه‌وجود داشت.»

در دیگر صفحات راهنمای کتاب «گفتار در رام به کاربردن طنز» در دیگر بخش‌های این نشریه مقالاتی از «محمد ابراهیم باستانی پاریزی»، «غلام فاروق»، «احمد تابش»، «محمد تقی دانش پژوه»، «غلامرضا ستوده» و دیگران به چاپ‌رسیده است.

آموزش وپرورش وسیاست تعطیل

وزارت آموزش و پرورش ازآموزشگاه های آزاد خواست تا در تابستان ازتشکیل کلاسهای مختلط خودداری کنند و به‌عبارتی دیگر آموزش و پرورش پس ازمدتها مطالعه تصمیم اخیر را گرفته است که آموزشگاه‌های زبان و یا کانونهای تقویت دروس را از تشکیل کلاسهای پسر و دختر منع کند و موسسات ناگزیر باشند برای هرچندپسر یا دختر دو کلاس مختلف برپاکنند.

بحث مجزا کردن پسر و دختر را برای بعد می‌گذاریم که جای گفتگوی مفصل دارد آنچه مهم است مواردی است که‌وزارت آموزش و پرورش برآنها انگشت نهاده تصمیم می‌گیرد و مدتها – بطور یقین –وقت صرف بررسی جوانب آن می‌کند و اگرشروع دوره تازه را از اواخر بهمن‌ماه بدانیم کمتر از چهار ماه از تشکیل دولت انقلابی می‌گذرد و بیشتر فرصت آموزش و پرورش به مسائل جنبی تلف شده است. در حالی که مشکلات کلاسهای ۷۰ نفری و سه‌نوبتی در خود پایتخت وجود دارد و شهرهای دور دست از نعمت نشستن روی صندلی به جای زمینهای نمناك محروم هستند ودر بعضی روستاها اصولا مدرسه وکلاسی یافت نمی‌شود،

در تهران تنها به فکر تعطیل مدارس خصوصی یا اجازه ندادن به مدارس بین‌المللی برای ثبت نام کودکان ایرانی بودن نمی‌تواند آنطور که لازمه انقلاب یا نهضت است مفید باشد.

آنها که فرصتهای بیشمار داشتند، سعی در ویرانی کردند که البته استثناهائی هم شاید بتوان یافت و اینك که فرصتها محدود است و سازندگی شروع شده، راه‌های انتخابی با گامهای اصولی و منطقی مطابقت نمی‌کند. آموزش و پرورش نیاز به اقدامهای بنیادی دارد، نحوه شروع سوادآموزی، ریشه‌کن کردن بیسوادی در جامعه و با فرصت – و به کوشش و خودیاری مردم – آموزش بزرگسالان را بنحوشایسته از سرگرفتن هدفهای آموزش و پرورش‌می‌باید باشد و مجزا کردن دختر و پسر در آموزشگاههای‌آزاد براستی باید دریك‌بررسی طولانی قرار گیرد و در فرصتی مناسب که بر همه مسائل و مشکلات غلبه کرده باشیم و زمان را برای کارهای جنبی مناسب دیده باشیم.

آموزش و پرورش می‌تواند کلاس‌های آزاد را تعطیل اعلام کند و پروانه آنها را لغو کند ولی با توجه به داوطلبان کم برای آموزش دیدن در تابستان و مجزا کردن کلاسها، تعطیل این آموزشگاهها پس از ورشکستگی بیشتر امکان اتفاق دارد که در این کلاسها در عین وقت‌کشی، داوطلبان می‌توانستند تا حدی از معلومات کسب شده سود جویند.

باید تاکید شودکه بحث براین نیست که مجزا بودن دختر و پسر، داوطلب‌کمتری را برای کلاسها تدارك می‌بیند، لیکن عدم توانائی برای برپائی کلاسهای جدا برای چند شاگرد مطرح است که نمی‌تواندمخارج آموزشگاههای آزاد را تامین کند و امکان ترقی و بالا رفتن حق تدریس در کلاسها وجود دارد و یا مانند دوره گذشته‌که بیشتر کتابفروشیها براثر نداشتن کالای خوب‌برای عرضه، روی به مشروب فروشی آوردند و کتابفروشیها به کاست فروشی و اغذیه فروشی تبدیل شد شاید اگر همین سیاست آموزش و پرورش پیش رود و بیشتر وقت این وزارتخانه برای مسائلی نظیر تعطیل مدارس خصوصی – بدون تجهیز مدارس دولتی – اجازه ندادن به ایرانیان برای شرکت در مدارس بین‌المللی – بدون‌داشتن مدارس تحت استاندارد در همه نواحی آموزش و پرورش – و در آخر مجزا کردن پسر و دختر در آموزشگاههای آزاد بگذرد، در آینده شاهد خواهیم بود که آموزشگاه‌های آزاد هم امکانات خود را در اختیار مکانهائی قرار خواهند داد که دست کمی از مشروب فروشی ندارد و بعضی دانش‌آموزان هم که در تابستان‌هیچگونه سرگرمی دلخواه نمی‌یابند شاید به مکان تازه‌آموزشگاه های آزاد دل خوش کنند.

سر زمین آزادی عقیده بر این نیست که مطبوعات باید دنباله روی مردم باشند و همان را به ملت بدهند که ملت می‌خواهد.

آقایان بدانند که مطبوعات در صف مرشدان، در صف راهنمایان و در صف

مطبوعات درصف مرشدان، در صف طبیبان جامعه جای دارند. داروی تلخ پزشك راناچارید بخورید، حقیقت تلخ روزنامه راهم ناچارید بپذیرید.

طبیبان جامعه ایستاده‌اند. پزشك به شما داروی تلخ می‌دهد و شما محکومید بخورید. مطبوعات هم حقیقت تلخ را پیش‌رویتان می‌گذارد و شما ناچارید بپذیرید. مطبوعات را باکاباره و بساط خیمه شب بازی و اسباب طرب به‌اشتباه نگیرید. نویسنده‌نه رقاص است نه عروسك خیمه‌شب‌بازی که به‌ساز مردم برقصد. توده اشتباه هم می‌کند. مطبوعات اگر در توده غرق باشد که می‌شود لولوی سرخرمن، می‌شود مطرب روحوضی...

اگر مطبوعات باید همان چیزهایی را به ملت بدهند که ملت می‌خواهد، چرا جلو چاپ و انتشار عکس‌های خصوصی آهنگ بودند. ؛ پوزش صمیمانه یاران ارجمند، برای این یادآوری تلخ–باید گفت همه‌یك‌چیز می‌گفتند، چون همه جز اعلامیه دولتی و بولتن عمومی ساواك چیز دیگری نبودند. و آقایان بدانند،روزی که باز این یك رنگی و یك صدایی پیش بیاید مردم از ورای هر سطر و هرکلمه سایه‌سیاه استبداد را خواهند دید که‌دارد برای آن‌ها دروغ و اباطیل سرهم می‌کند. نخواهید که بازترس و تعصب برماحکمفرما شود. نویسنده ماشین انتقال وقایع‌نیست. اگر ایران براستی آزاد است نخواهیدکه چنین باشد. نویسنده دستگاه هضم فکر و اندیشه است. او نمی‌تواند بدون ایمان، بدون بستگی، بدون خشم، بدون شادی، بدون لذت و بدون رنجش‌از محیط‌وحوادث محیط با مردمش سخن بگوید. نویسنده را در پایگاهی سست و متزلزل قرارندهید. زوال مطبوعات آزاد، زوال حق و حقیقت است. بیهوده سنگ نیندازید...

جبهه ملی ایران

صاحب امتیاز: مهندس حسین اخوان

سردبیر: پروانه فروهر

زیر نظر شورای نویسندگان

خیابان سپند شماره ۲۶ – طبقه سوم

تلفن: ۸۹۲۰۲۱

چاپ خوشه ۵–۳۱۸۵۶۴

بعدازظهر روز گذشته بیش ۴۰۰ تن از ارامنه تهران بعنوان اعتراض به شورای خلیفه گری ارامنه تهران در کلیسای ارامنه خیابان ویلاگرد آمدند. آنان در حالی که شعار می‌دادند، خواستار استعفای شورای فعلی و انتخاب شورای جدید شدند.

ارامنه خواستار تجدید نظر درمتن کتاب‌های درسی، انتخابات آزاد خلیفه گری وتدوین اساسنامه جدید شدند و اعمال ارتجاعی و فرصت طلبانه حزب داشناکیسون را محکوم کردند.

دانشجویان پیشگام ارمنی:

دوران قیمومیت خلیفه گری سپری شده است

بورژوازی ارمنی برای حفظ منافع اختصاصی‌اش بازخوش رقصی وخوش خدمتی راآغازکرده

درجریان گردهمائی دیروز ارامنه دانشجویان پیشگام ارمنی نیز با انتشار اعلامیه‌ای فعالیت سازمان خلیفه گری ارامنه تهران را محکوم کردند. در قسمتی از اعلامیه می‌خوانیم:

بر ارامنه رنج کشیده ایران ستمی مضاعف رفته است. علاوه بر استبداد و اختناق آریامهری ارتجاع و بورژوازی وابسته ارمنی نیز برای حفظ منافع طبقاتی خود که با منافع سرمایه داری وابسته ایران عجین بوده است، با استفاده رذیلانه و نامشروع از کلیه نهادهای قوی مذهبی، فرهنگی واقتصادی ارامنه کوشید این مردم زحمتکش را به بی‌تفاوتی صرف ومطلق سیاسی دچار کرده واز هر گونه فعالیت ودخالت در امور سیاسی کشور بازدارد از این طریق با تبدیل آنان بمردمی سربراه، مطیع و غیر سیاسی، خوش رقصی و خوش خدمتی خود رابه استبداد آریامهری ثابت کرده وبا اخذ امتیازهای اقتصادی ومالی بیشتر میدان چپاول وغارت امپریالیستی خود را وسعت دهد.

در قسمت دیگری از اعلامیه آمده است:

چندی پیش ارامنه با کمال حیرت شاهد بودند که رئیس شورای خلیفه گری با آن همه سابقه مشعشع در تلویزیون ظاهر شده وارامنه را بدادن رای مثبت به جمهوری اسلامی تشویق کرد و بدین ترتیب ثابت شد که بورژوازی ارمنی به مقتضای اوضاع و احوال سیاسی برای حفظ منافع اختصاصی اش باز خوش رقصی و خوش خدمتی را آغاز کرده ودر حال آویزان شدن بدامان دولت اسلامی است ولی دیگر دوران قیمومت خلیفه گری بر ارامنه ستم دیده ایران گذشته است.

دانشجویان دانشگاه صنعتی تهران نمایندگان خودرا معرفی خواهند کرد.

انتخابات در روز ۲۸ اسفند ماه گذشته باشرکت ۱۶۰۰ دانشجو برگذار شده است. دراین انتخابات درمقابل هر ۱۰۰ رأی یک نماینده برای شرکت در شورای در نظر گرفته شده بود.

در پایان رأی گیری نتیجه به این ترتیب اعلام شد:

ازطرف دانشجویان مذهبی ۱۱ نماینده، دانشجویان پیشگام ۴ نماینده ودانشجویان مبارز ۱ نماینده به شورا خواهد رفت.

رئوس کلی مطالب موردنظر وتوافق کلیه گروهها عبارتند از، اخراج ساواکی‌ها وعناصر ناباب، تدوین اساسنامه و طرح استقلال دانشگاهها، اداره موقت دانشگاه وبعد انتخابات برای شورای دائمی.

درگفتگوئی که بایکی از دانشجویان داشتیم گفت: به‌نظر من شوراهای دانشگاهی باید در طرح قانون اساسی نقش داشته باشند چراکه دانشگاهیان بایستی بعنوان یک گروه اجتماعی شناخته شده باید درسطح جامعه نقش داشته باشند. بنظر من تشکیل این شوراها، درصورتیکه قانون اساسی ازبالا دیکته شود درحد یک بازی خواهد بود.»

مجاهدین خلق به جنبش مسلمانان مبارز تبریک گفتند

مجاهدین خلق ایران اعلام کردند: از نقطه نظرهای اسلامی وانقلابی جنبش مسلمانان مبارز ازطریق روزنامه کیهان آگاه شده و مواضع ضد امپریالیستی این گروه برادر را به آنها تهنیت می‌گوئیم. پیشنهاد ایجاد یک جبهه واحد ضد استعماری، ضد استبدادی وضدارتجاعی، متشکل ازتمام انقلابیون مسلمان نیز، ...

در مسائل سیاسی و اجتماعی بالا ... ببرند. زیرا اگر طبقهٔ کارگر ... خود را اعلام میکنند».

... نفوذ کرده بودند با نظرات و پیشنهادات کتبی در جلسه فعالانه شرکت نمایند.

آگهی

تخلیه و خسارت آن بروز ...

۱۳۰ر۵۷ مدنی

«آگهی ابلاغ به‌آقایان منوچهر رفیعی کاری ۲ـ پروین دخت‌علی مددی فرزند محمد ۳ـ حسن رفیعی کاری ٤ـ نعمت‌اله رفیعی کاری فرزندان عبدالحسین ٥ـ رمضان آقائی فرزند اصغر» اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی تهران قائم‌مقام الکساندر بلین دادخواستی بخواسته ابطال معامله مربوط به‌اسناد ۱۲۲۵۰ـ ۳۰ر۳ر٤۷ دفترخانه ۳۲۹ تهران و۱۳٥۸٤ ـ ۳ر٥ر٤۹ دفتر ۲۷۷ تهران و ۳۸۸۳ ـ ۲۲ر۷ر٥۳ دفتر ۲۱۰ کرج و ۱٥٤۳۹ ـ ۲۱ر۱۱ر٥۲ دفتر ۳ کرج و خلع ید وقلع‌بنا بخواسته ۲۰۰ر٥۰۰ر ریال علیه آقایان فوق ارسال که‌توضیح داده است بموجب رای مورخ ۱۳۱ر۱۳۰ ـ ۱٦ر۲ر٤۸ شعبه ٥ دیوان کشور معامله بانك اصناف (بانك‌ایرانشهر) نسبت‌به قطعه‌زمین پلاك ۸۲ر۱٥٥ موضوع سند انتقال شماره ۱۱۱۱ـ٥ر۱۲ر٤۲ دفتر شماره ۱۸۷ باطل گردید وچون بانك خوانده قطعه زمین مذکور را باقای حسین موسوی واگذار و نامبرده نیز ضمن تفکیك آن باقرار ـ متعددی معادله نموده که از آن جمله قطعه فوق را بشما انتقال داده وچون در آدرس اعلامی شناخته نشده‌اید و اداره تصفیه تقاضای انتشار آگهی مرا نموده لذا بموجب دستور دادگاه مراتب در سه نوبت متوالی بتجویز ماده ۱۰۰ و ۱۱۱ قانون آئین دادرسی مدنی در روزنامه رسمی ویکی ازجراید کثیر‌الانتشار آگهی میشود تاظرف مدت سه‌ماه پس‌از نشر آخرین آگهی باین‌دفتر جهت دریافت نسخه‌دوم دادخواست وضمائم وپاسخ در دونسخه اقدام والا پس‌از انقضاء مدت مزبور دادخواست وضمائم ابلاغ‌شده محسوب و پرونده امر جهت اتخاذ تصمیم بدادگاه تقدیم خواهد شد چنانکه بعدا ابلاغ وسیله آگهی لازم باشد فقط یك نوبت بوده و مدت آن ده روز خواهد بود.

م الف ۱۷۱

مدیر دفتر شعبه ۲ دادگاه کرج

۳-۲

آگهی حصر وراثت

آقای غلامحسین باقرصمن‌آبادی بشناسنامه ٦۸۸۳ بشرح دادخواست کلاسه ۳۱٦ر٥۷م شورای دادرسی حوزه ۸ توضیح داده شادروان فاطمه کرابی بشناسنامه ٤٥۱ در تاریخ ۱۹ر۷ر۱۳٥۷ در تهران اقامتگاه دائمی خود فوت کرده و وارث حین‌الفوت آنمرحومه عبارتست‌از ۱ـ متقاضی شوهر وی ۲ـ محمد باقرصمن‌آبادی پسر متوفیه وارث ...

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه درروزنامه رسمی‌ومحلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از گذشته نزد اشخاصی باشدظرف سه‌ماه‌از نشراولین آگهی بشورا تقدیم‌دارد والاگواهی‌صادرخواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی وسری که بعد از این موعدابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

شورای دادرسی حوزه ۸ تهران

۳ ۲

آگهی

بانك‌صادرات‌ایران باستناد سفته‌هاوواخواستنامه‌هاو دلیل مدیریت دادخواستی که بشماره ٦٥/۳۷ ثبت دفتر گردیده بخواسته‌مطالبه ۲٥۰۰۰۰ ریال اصل و خسارت آن و صدور تامین خواسته بطرفیت آقای محمد رضا مولائی و شرکت کابلیست بدادگاه شهرستان تهران تقدیم که جهت رسیدگی باین شعبه ارجاع گردید وچون آقای مولائی شناخته نشده‌لذا بدستور دادگاه طبق ماده ۱۰۰ آئین دادرسی مدنی مفاد دادخواست ومدارك سه‌نوبت‌متوالی درروزنامه‌رسمی‌ایران‌وروزنامه کثیرالانتشار محلی‌منتشرمیشود که آقای مولائی از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف سه‌ماه با مراجعه بدفتر نسخ‌ثانی دادخواست و مدارك را اخذ و جهت‌رسیدگی‌در روز چهارشنبه ۱۳٥۸/۴/۳۷ ساعت ۸/٥ صبح در شعبه ۹٥ دادگاه شهرستان تهران واقع در خیابان جنوب پارك شهرحاضرشودوالا دادگاه تصمیم شایسته اتخاذ خواهد نمود چنانچه بعدالازم باشدفقط یکنوبت در روزنامه منتشر و مدت آن ده روز است.

مدیردفتر شعبه ۹٥ دادگاه شهرستان تهران ـ ستاری

۱٦٥ م- الف ۱ - ۱

یادداشت

«من نمیدانم این دانشجوها در کارخانه چه کار می کنند؟ دانشجو باید برود سر درس و مدرسه خودش» بدینگونه، آقای بازرگان باردیگر دریك پیام رادیو تلویزیونی ، نگرانی خودرا ازتماس دانشجویان باکارگران بیان داشتند.

این که آیا دانشجو بنابرعلاقه و ذوق آقای نخست وزیر «فقط باید برود سردرس ومدرسه خودش» خود بحثی جداست ویادآور گذشته‌یی نه‌چندان دور، اما چرا باید از رفتن دانشجویان به‌کارخانه و روستا وحشت داشت ؟ مگر دانشجویان جزآشنایی بازندگی کارگران و دادن آگاهی‌های سیاسی بدانان کار دیگری انجام میدهند. اصلا چه اشکالی داردکه کارگران سواد سیاسی داشته باشند. مگر بـد است کارگران بدانندکه انباشت سرمایهٔ کارخانه‌داران بابهره‌کشی روز افزون ازآنان رابطهٔ مستقیم دارد؟ خوب اگر کارفرما جواب بدهد، خواهدگفت «بلی چون درآن‌صورت موی دماغ من خواهند شد». ولی «دولت انقلابی» که‌نماینده کارفرما نیست، خودش بارها تأکید کرده است‌که طرفدار «مستضعفین» است.

چگونه است‌که آقـای بازرگان از اهانت اینجا و آنجادرحق کسانیکه‌درمدح حزب‌رستاخیز سخنرانی کرده‌اند، رنجیده خاطرند ولی بازداشت یك‌گروه تحقیقاتی ۱۵نفری دانشجویان را در زابل‌که اکنون درحال اعتصاب غذا بسر میبرند، نادیده میگیرند؟ واعتراض به‌توقیف کتاب کارگر به‌پیش و شکنجه هوادار فدائـی و بـازداشت تنی چند از زندانیان سیاسی سابق را دربیجار نمی‌شنوند ویاازکنارش بی‌تفاوت می‌گذرند؟ لابـد ازنظر ایشان‌گروه اول جـزو موافقانند وگروه دوم ازشمار منافقان! ولی همینجابگوئیم که‌بقولی «بدترین کشورهای‌دیکتاتوری‌هم کسی جلوفعالیت موافقان را نمیگیرد. وبه‌کسانی‌هم‌که اعتراض نمی‌کنند، کاری ندارند، بلکه فقط جلوصداهای‌مخالف‌را می‌گیرند.» وما از «دولت موقت انقلاب» انتظار داریم‌که لااقل چنین نباشد.

بادا که چنین مباد

ارامنه‌تهران اعمال ارتجاعی حزب دشناکسیون رامحکوم کردند

بعدازظهر روز گذشته بیش ۳۰۰ تن از ارامنه‌تهران‌بعنوان ... شورای جدید شدند. ارامنه خواستار تجدید نظر د... متن کتاب‌های‌درسی، انتخابات

جلسه هفتگی کانون‌مستقل‌معلمان

بعدازظهر دیروزجلسه‌هفتگی کانـون مستقل معلمان باشرکت گروهی ازمعلمان درمحل باشگاه فرهنگیان تهـران تشکیل شد در این جلسه پس‌از تشریح واهداف کانون توسط یکـی از اعضاء ، ترجمه چند شعر از برشت ،هوشی مین ودوشعردرباره تبعیض‌نژادی قرائت شد. آنگاه اخبار نواحی آموزش‌وپرورش‌تهران‌وشهرستانها باطلاع‌شرکت کنندگان‌درجلسه‌رسید.

در پایان تغییر پـاره‌ای از مطالب کتابهای درسی موردبحث و تبادل نظر تنی چند از شرکت کنندگان قرارگرفت.

کمیسیون تصفیه‌دانشکدهٔ فنی:

عناصرساواکی‌را معرفی کنید

کمیسیون‌تصفیه دردانشکده فنی دانشگاه‌تهران طی‌اطلاعیه‌ای ازکلیه دانشجویان خواسته‌است که اگر مـدرك و یا شواهدی از وابستگی افراد به‌ساواك دارندبه اطلاع‌کمیسیون برسانند.

ایـن کمیسیون از شورای هماهنگی دانشکده تشکیل یافته است.

تصفیه دردانشکده علم‌وصنعت

باتشکیل‌کمیسیون تصفیه‌در دانشکده علم و صنعت‌که اخراج عناصر وابسته را بعهـده دارد، رئیس سابق آن دانشکده از کار برکنار شد.

معرفی نمایندگان در دانشگاه صنعتی

یـکشنبه ۱۹ فـروردین دانشجویان‌دانشگاه صنعتی‌تهران نمایندگان‌خودرامعرفی خواهندکرد.

چرا دانشجویان به‌کارخانه میآیند؟

«سازمان رزمندگان آزادی‌طبقه کارگر» با انتشار اعلامیه‌ای‌سعی دارد که به سئوال فوق پاسخ گوید . قسمت‌هائی از اعلامیه را درزیر می‌آوریم : «برای اینکه انقلاب ما به پیروزی برسد طبقه کارگر بایستی به شکل‌یك‌طبقه متشکل و مستقل رهبری‌مبارزات خلق را بدست بگیرد . طبقهٔ کارگر برای اینکه‌ازعهدهٔ‌رهبری کردن برآید باید دو سلاح داشته باشد :

اول - سلاح تشکیلات .

دوم - سلاح آگاهی و دانش سیاسی .

سلاح اول مورد بحث ما در اینجا نیست ولی درباره‌سلاح‌دوم کارگران باید از هرکس وهر وسیله‌ای که به بالابردن آگاهی آنها کمك می‌کنداستفاده کنند. حال به‌بینیم آمدن دانشجویان‌به کارخانه چه کمکی به کارگران میکند ؟

مدتی است که دانشجویان مبارز دستجمعی به کارخانه ها می‌آیند و با کارگران صحبت می‌کنند . هـدف دانشجویـان چیست ؟ مهمترین هـدفهـای دانشجویان سه‌تا است .

اول - از نزدیك با وضع زندگی و شرایط سخت کار کارگران آشنا شوند .

دوم-ازمبارزات حق‌طلبانه‌صنفی وسیاسی کارگران‌پشتیبانی کنند.

سوم- به‌کارگران کمك‌کنند تاآگاهی و دانش سیاسی خودرا در مسائل سیاسی و اجتماعی بالا ببرند . زیرا اگر طبقهٔ کارگر آگاه شود با توجه به قدرت عظیمی که در طبقهٔ کارگر وجود دارد می‌تواند پشت سرمایه‌داران ودیگر دشمنان خود را به لرزه درآورد .

طی چند مـدت گـذشته دانشجویان مبارز و انقلابی پس از آگاهی از اینکه بسیاری از سرمایه‌داران زالوصفت‌تعدادی‌از رفقای‌کارگرما رااخراج کرده‌اند وبعضی از آنها قصد دارند از پرداخت‌حقوق کارگران‌خودداری کنند با شعار «حقوق کارگر پرداخت گردد ، نباید کارگر اخراج گردد» به کارخانه‌هاوارد میشدند . در جلسه مشترك .ما کارگران درباره ظلم‌ستمی که سرمایه‌دار ونوکران وجاسوسان او طی سال های‌سال برکارگران روا می داشتند و هنوز هم دارند صحبت میشود و از سرمایه‌داران مواخذه میگردید.در این‌جلسات کارگران نمایندگان قلابی‌وخود فروخته سندیکا رابه محاکمه‌می کشند و اقدامات ضد کارگری آنها را محکوم میکنند .

در این جلسات کارگران توانسته‌اند با اتحادو مبارزه‌بعضی از خواسته های صنفی خود را مثل پرداخت حقوق ایام بیکاری واخراج نکردن کارگران را از کارفرمابگیرند و در این کار دانشجویان تا حد امکان به‌آنها کمك کرده‌اند . در پایان جلسه کارگران ضمن اعلام پشتیبانی خود از مبارزات خلق ایران خواسته های صنفی - سیاسی خود را اعلام میکنند».

کوهنورد شهید

هـاشم احمد زاده دوست کوهنوردما، واستادیار دانشکده پزشکی‌دانشگاه ارومیه درخانه خـود در شهـر ارومیه بطـور وحشیانه‌ای بدست عناصر پلید و ارتجاعـی استعمـار بـه قتل رسید.

مرحوم احمدزاده‌به هنگام تحصیل در دانشگاه تهران از کـوهنوردان بـرجسته گـروه کوهنوردان دانشگاه بود.

مـا دانشجویان سابـق و کوهنورد دانشگاه تهران ایـن واقعه تاسف‌بـار بـه دوستمان عبدالباقی و خانواده آن‌مرحوم تسلیت می گوئیم و ضمن ابراز تنفر و انزجار از چنین جنایات هولناك‌خواستار مجازات‌عاملین و مسبین میباشم.

یاد آن یار دیرین‌گرامی و روحش قرین رحمت‌باد.

فارغ‌التحصیلان کوهنورد دانشگاه تهران

دعوت عمومی ۱۲ سازمان کوهنوردی از کوهنوردان

از کلیه علاقمندان بورزش کوهنوردی دعوت بعمل آمده که در گرد همآیی روز ۵۸/۱/۲۱ ساعت ۵/۳۰ بعدازظهر در محل استودیوم امجدیه‌سالن بدمینتون شرکت نمـایند . اعلامیه سازمانهای کـوهنوردی از کلیه علاقمندان دعوت مینماید که جهت تـویه عوامل سرسپرده و فرصت طلب که درار... این‌ورزش نفوذ کرده بودند با ... ات و پیشنهـادات کتبی در جلسه

طرح ریزی شده مجموعه ... بودند که خلق ترکمن ... گنبد وارد جنگی ناخواسته و تحمیلی ساختند.

دربخش دیگری ازاعلامیه آمده است:

علیرغم درخواست های پیامی رزمندگان خلق ترکمن برای انجام آتش بس، عوامل مرتجع و مشکوک در درون کمیته‌های امام به دفعات آتش بس را نقض کرده و می کوشند با تحریك و ادامه جنك وفراهم نمودن دخالت ارتش، مشعل جنك را برافروخته دارند که همه چیز برای دخالت ارتش وبدنبال

مسکن ، بیمه‌های درمانی ، کمك هزینه و ..... خدمات درمانی دانشجویان بـه چـه مرحله‌ای رسیده است ؟

اگـر نمایندگان دست بـه اقدام عملی نزنند ، دانشجویان خود اقدام خواهند کرد ...

پیغام امروز

صاحب امتیاز: عبدالرسول عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

ناشر: پیغام نو

خیابان ویلا ـ خیابان خوشبین

شماره ۶۰ طبقه ۲

تلفن ۸۲۰۵۹۶

کسانی که خود را دربشت سنگر دین پنهان کرده و به نفاق افکنی میپردازند ، همچنین آمده است:

این محیط که مدرسه‌ها فراهم گردید ، جائی نیست برای زندگی . تفاهم و دوستی ، جائی که آدم نتواند حرفش رابزند . جائی که به بهترین و زحمتکش ترین معلمان توهین مستقیم میشود جائی برای درس خواندن نیست کـه اینجا جای پر از تشنج ، تحریك ، افترا و توهین است .

در بیانیه به چند مورداز توطئه های نفاق افکنانه گروهی که با شایعه‌سازی و فعالیت های تفرقه‌افکنانه سعی در از هم پاشیدن اتحاد و همبستگی دانش‌آموزان دارند ، اشاره شده است .

مادر اینجا شرح مختصری از آنها را می‌نویسیم :

برادری که در حدودشاهچراغ شیراز اعلامیه کانون را بـه مدرسه‌ای میبرد مورد هجوم سه نفر که خود را عضو کمیته می‌نامیدند قـرار گرفت . آنها به اعلامیه‌ها برچسب کمونیستی زده

ماند . ریك آدم مسئول نیامد که به فریاد های حق‌طلبانه برادران وخواهران ما جواب قاطعی بدهد وجالب اینجاست که گروهی این عمل برادران و خواهران را تقبیح کردند و اشتباه نامیدند که بله بگذارید که ما ... می‌خواهیم بکنیم ، هرچه افترا و توهین در کیسه داریم نثار هرچه آدمی که خواست صادقانـه عقیده‌اش را اعلام کند ، بکنیم اختلافات عقیدتی را دامن بزنیم و هرکس هم که فریاد حق‌طلبانه‌اش رابلند کند ضد انقلابی است.می‌خواهد کار نکند و باصطلاح چوب لای چرخ انقلاب بگذارد .

در پایان بیانیه ضمن اشاره به اینکه آزادی عقیده و آزادی بیان وقلم و آزادی کار ابتدائی‌ترین حقوق هرانسان است بـه همـه دورویانی که خود را پشت سنگر دین پنهان کرده و می‌خواهند در سنگرتازه به مفتخوری و فساد بپردازند اخطار شده است کـه به‌این‌گونه بست‌نشینی ها مارك سیاسی اخلال‌گرانه نزنند .

مسئولیت محدود

در تاریخ ۵ر۱۰ر۱۳۵۷ تحت شماره ۳۴۳۹۵ دراین اداره به‌ثبت رسیده وخلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

۱ـ موضوع شرکت: تاسیس کـارخانه بافنـدگی و تهیه وتولید تریکوتاژ و بهره‌برداری ازآن و واردات ماشین آلات و مواد اولیه مربوطه و فروش محصولات و مصنوعات حاصله ودر صورت لزوم صدور آن بخارج از کشور.

۲ـ مرکز اصلی شرکت: تهـران خیابان کـاخ بین میدان کاخ وبزرگمهر ساختمان ۱۱۰ طبقـه چهـارم ۳ـ سرمایه شرکت: مبلغ شانزده میلیون ریال ٤ـ مدیـران و دارندگان حق امضاء: آقایان میـرعلی هاشمی شبستـری ـ ابراهیم تاراجی ـ محمد فیضی‌زاده وجواد فیض‌زاده بسمت مدیران شرکت برای مدت نامحدود تعیین وامضاء اوراق عادی ومکاتبات اداری و اموریکه تعهد مالی نداشته باشد با هریك از مدیران شرکت منفردا وامضاء اوراق رسمی و بهادار ازقبیل چك، سفته، برات، قراردادهای تعهدآور و اسناد رسمی با هریك ازآقایان میر علی‌اکبرهاشمی‌شبستری و ابراهیم تاراجی منفردا وبا مهر شرکت ویاباآقایان محمد فیض‌زاده وجواد فیض‌زاده متفقا وممهورشرکت خواهدبود.

مدیرکل ثبت شرکتها ومالکیت صنعتی ـ یحیی مدنی

م الف ۱۸۹

آگهی انحلال شرکت آرمنیس با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۳۲۷۳۹

طبق صورتجلسه مورخ ۵۷/۹/۸ مجمع عمومی شرکت آرمنیس بـا مسئولیت محدود شرکت نامبرده منحل شـده و ... ان لوسیك هایراهتیان مراد یانس و نازنیك ترسرکیسیان بـه نشانی خیابان شاه عباس کبیـر خیابان شاهین شماره ۱۴ بسمت مدیران تصفیه تعیین شدند ومحل تصفیه به نشانی مدیران تصفیه میباشد.

مدیرکل ثبت شرکتها ومالکیت صنعتی ـ یحیی مدنی

۲۰۵ م الف

آگهی افزایش سرمایه شرکت ساختمانی و خـانه سازی جی.ای.آی. شرکت بـا مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۲۳۸۷۹

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۷ (٤ دسامبر ۱۹۷۸) سرمایه شرکت از محل مطالبات حـال شده از مبلغ یـك میلیون ریـال تـا مبلغ ۱۲۵ر۶۶۶ر۰۰۰ ریال افزایش یافته و ماده ۵ اساسنامه به شرح زیر اصلاح گردید:

ماده ۵ اصلاحی: سرمایه‌شرکت بالغ بر ۱۲۵ر۶۶۶ر۰۰۰ ریال می باشدکه تمام آن نقدا توسط شرکاءشرکت پرداخت گردیده است . مضافا میزان سهم‌الشرکه شرکاء در سرمایه

آگهی تغییرات شرکت جی.اس.سی ایران با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۳۲۶۵٤

برابر صورتجلسه مجمع شرکـاء مـورخ ۵ر۱۲ر۵۷ تغییرات ذیل در شرکت نامبرده بعمل آمد ۱ـ خانم هربسیه اراکلیان وآقایان زارمیك وهندریك قراخان هریك بادریافت مبلغی از صندوق شرکت سهم‌الشرکه های خود را بترتیب بمبلغ ده هزار ریال ـ بیست هزار ریال و پنجاه هزارریال تقلیل دادند ۲ـ خانم صداآراکلیان بشناسنامه شماره ۵۱۲ صادره از مسجدسلیمان فرزند آندرانیك مبلغ نهصدو بیست هزارریال بصندوق شرکت پرداخت نمودندودر ردیف شرکاء شرکت قرار گرفتند ۳ـ آقای رناتوموسخالیس بسمت مدیر عامل شرکت انتخاب گردیدند وحق امضاء کلیه اوراق واسناد بهادار چك و سفته و برات وقراردادها با مدیر عامل ومهر شرکت خواهد بود ٤ـ عبارت (تعمیرات ونصب سیستمها) ... شرکت اضافه شد و ماده ۳ اساسنامه بشرح فوق

آگهی تغییرات شرکت بالنگو بامسئولیت محدود ثبت شده بشماره (۱۹۸٤۰)

برابر صورتجلسه مجمع شـرکاء مورخ ۱۰ر۱۰ر۵۷ شرکت نامبرده آقای سیدحمید میررسالت‌پناهی مبلغ هفتصد و پنجاه هزار ریال از صندوق دریافت نمود واز شـرکت خارج گردیـد و آقای سیـدعلی سمیع دولتشاهی متولـد ۲۱ر۹ر۱۳۵۳ شناسنامه شماره ۳۶۳۸ صادره از تهـران فرزند سیدرضا باولایت پدرش مبلغ هفتصد وپنجاه هزار ریال بصندوق شرکت پرداخت نمود ودر ردیف شرکاء قرار گرفت درنتیجه در سرمایه شرکت تغییـری حاصل نشـد و سهم‌الشرکه هریك ازشرکاء آقایان سیدعلی سمیع دولتشاهی و سیدرضا سمیع دولتشاهی مبلغ هفتصدوپنجاه هزار ریال میباشد ضمنا آقای سیدرضا سمیع دولتشاهی بعنوان مدیرعامل انتخاب گردید وکلیه اوراق واسناد بهادار شرکت از قبیل چك سفته برات بامضاء مدیرعامل همراه بامهر شرکت ضمنا عقد قراردادهای عادی و اوراق عادی نیز بعهده‌ایشان میباشد.

مدیرکل ثبت شرکتها ومالکیت صنعتی ـ یحیی مدنی

م الف ۱۸۳

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن:

نفوذ عمال ساواک در کمیته امام خلق ترکمن را وارد جنگی ناخواسته و تحمیلی نمود

* ترکمنها همواره مورد ستم ملی و اقتصادی بوده است

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بدنبال رویدادهای خونین گنبد که هزاران شهید بخون خفته را بهمراه داشت اعلامیه‌ای تحت عنوان در گنبد چه می‌گذرد صادر کرده‌اند. در این اعلامیه ضمن اشارهٔ به نفوذ عمال ساواک در کمیته امام گنبد و دخالت خونین آنها در سرکوب خلق تحت ستم ترکمن که منجر به جنگی ناخواسته و تحمیلی شده آمده است:

اکنون برای همه روشن است که در روز ۵۸/۱/۵ افراد کمیته امام (که نفوذ عمال ساواک در آن برکسی پوشیده نیست) در گنبد با اعمال وحشیانه‌ای که از خود نشان دادند یک نفر را کشتند و در روز بعد به میتینگ بیش از ۲۰ هزار نفری مردم گنبد حمله کردند ودست به کشتار و تخریب زدند ولی صدا و سیمای انقلاب اسلامی بیش از ۲۰ هزار نفر مردم ترکمن را ضد انقلابی معرفی کرده و اعمال وحشیانه کمیته امام را بحق میداند. این

آن کشتار هرچه بیشتر مردم زحمتکش آماده گردد.

خلق ترکمن در دوران سیاه دیکتاتوری پهلوی همواره مورد ستم، اقتصادی، فرهنگی قومی و مذهبی قرار گرفته و زمینهای این منطقه توسط شاهپوها و سرمایه‌داران زالو صفتی چون هژبر یزدانی و... با اعمال شکنجه و کشتار تصرف گردیده و کشاورزان را آواره و بیخانمان نموده‌اند.

دانشجویان دانشکده علوم ارتباطات:

ابقای نهادهای فاسد در دانشکده

دانشجویان دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، سه شنبه صبح نمایندگان خود را در شورای هماهنگی استیضاح کردند.

در خبر آمده است: «چند هفته‌ای از تشکیل شورای هماهنگی می‌گذرد: در حالیکه نهاد های فاسد قبلی همچنان دست نخورده باقی است.

ما می‌خواهیم بدانیم که تصفیه عناصر ناباب در دانشکده ...

کانون محصلین شیراز:

اولیای خوش خدمت در پشت سنگر دین به نفاق افکنی مشغولند.

* کانون جای انحصار طلبی و قلدری نیست.
* آزادی عقیده، بیان وقلم، ابتدائی ترین حقوق هر انسان است.

کمیته مشترک موسس کانون محصلین شیراز که در جهت ایجاد محیطی آزاد و بدور از هرگونه انحصارطلبی و قلدوری برای کاروشکوفائی استعدادهای دانش آموزان فعالیت می‌کند. بیانیه‌ای صادر کرده است. در قسمتی از این بیانیه آمده است: با این اعتقاد که پانصد ششصد نفری که در یک مدرسه جمع میشوند و باید دستکم سه، چهارسالی همدیگر را در کنار یک میز و بایک معلم تحمل کنند، توهین به یکدیگر، مهر وبرچسب زدن به همدیگر را زمینه هیچگونه تفاهم و صمیمیت نمی دانیم، برعکس معتقدیم که این تحریکات دشمنیها را زیادتر کرده و زمینه را برای آدمهای بیکاره وهوچی فراهم میسازد. اعلام کردیم که کانون نباید جائی برای انحصار-طلبی و قلدوری باشد. این سوغات های شوم رژیم منفور شاهنشاهی را به گورستان تاریخ بفرستیم تا با هم دست به کار ساختن ایرانی مستقل و آزاد بشویم و صراحتا اعلام می‌کنیم این کانون جای جوشش بیکارگی و ارضای خودخواهی فردی یا گروهی نیست. محفل دوستی و کار است.

در بیانیه کمیته مشترک موسس کانون محصلین شیراز ضمن ...

وپخش کننده اعلامیه را در خارج ازشهر با چوب فلکش کردند.

از طرف دیگر در یکی از کلاسهای درس به معلمی که درس اتحاد و یگانگی به دانش آموزان میداد، برچسب کمونیستی زده وپس از یک سلسله توطئه- چینی برچسب ساواکی را نیز عنوان نموده‌اند.

جالب این است که در مدرسه رازی عشایری شیراز، همانند بسیاری مدارس دیگر عده‌ای از اولیاء خوش خدمت که خود را در پشت سنگر دین پنهان کرده و به نفاق افکنی پرداختند و با این پوشش شروع به توهین به برادرانی که می خواستند زمینه‌ای فراهم سازند که درحد امکان سایر برادران و خواهران از آراء و افکار دنیای جدید باخبر گردند (مثلا کتابخانه‌ای باتنها کتابهای متنوع) یا صادقانه از عقاید خود دفاع کردند. به بیرون کردن از مدرسه تهدید نمودند.

ودر قسمتی ازبیانیه تحت عنوان ونتیجه چه شد چنین آمده است: برادران و خواهران دبیرستان عشایری ضمن اعلامیه‌ای به معلمین و محصلین و دانشجویان وهنرجویان اعلان کردند که از تاریخ ۵۷٫۲٫۲۰ در اطاق مدیر مدرسه بست می‌نشینند و فریاد برآوردند و فریادشان بی‌جواب

محصلین شیراز:

شوراهای سراسری دانش آموزان را تشکیل دهیم

محصلین شیراز اعلام کرده‌اند که پیروزیها و دستاوردهای انقلاب حفظ نخواهد شد مگر با ایجاد وحدت وتشکل به منظور حفظ آن. آنان عقیده دارند؛ برای ایجاد این تشکیلات که درحدعالی خود، ایجاد سازمان سراسری دانش آموزان ایران می‌باشد که باید دانش آموزان مبارز بسیج شوند.

آنها هدف از شوراهای دانش آموزی را اینگونه بیان داشته‌اند:

۱- همکاری و همگامی محصلین تحت رهبری این شورا باشورای دبیران.

۲- وحدت بین دانش آموزان در راه مبارزات پیگیر خود ودر نهایت درسراسر استان وکشور.

۳- انجام خواستهای صنفی ازقبیل: ایجاد شرکت تعاونی، کتابخانه دانش آموزی، اتاقهای کوهنوردی، کلاسهای فوق برنامه و تقویتی وغیره.

۴- رأی گیری ازدانش آموزان توسط شورابرای انتخاب مدیر منتخب از میان دبیران با همکاری شورای دبیران.

۵- شرکت شورا درمشکلات ومسایل دیگر در طی سال تحصیلی بخصوص درطرح برنامه امتحانات.

۶- درصورتیکه دانش آموزی مرتکب تخلف درمحیط مدرسه شود در ابتدا با شرکت خود دانش آموز در شورا، وبعد در صورتی که شورانتوانست مشکل راحل کند با همکاری نماینده شورای دبیران به این مسئله رسیدگی خواهد کرد.

۷- مسئول دبیرستان بی تصویب این شورا حق اخراج هیچیک ازدانش آموزان را ولو بطور موقت ندارد.

۸ - به مشکل عدم تفاهم دبیر و دانش آموز، این شورا رسیدگی خواهدکرد.

جمهوری دموکراتیک خلق

دانشجویان مبارز. امروز ده صبح درباره جمهوری دموکراتیک خلق در انستیتو عالی علوم بیمارستانی، خیابان ویلا - اراک. سخنرانی خواهند داشت.

سیر تحولات کاریکاتور در ایران

نمایشگاهی درباره سیر تحولات ۷۰ ساله کاریکاتور در ایران شروع شده و تا چهاردهم اردیبهشت از ۱۰ صبح تا ۷ بعد از ظهر دایر خواهد بود.

آدرس: خیابان تخت - جمشید - نبش بندر پهلوی شماره ۳۰

قسمتی از متن تلگراف خانواده رفیق شهید هاشم احمدزاده به سازمان دانشجویان پیشگام

" بار دیگر فاجعه شهادت استاد نجات اللهی تکرار شد و استاد دیگری در از و میه بخاک و خون کشانده شد و یکی از بهترین فرزندان این مملکت تازه از بند رسته را در خون خود غوطه ور گردانید. با این مختصر تفاوت که این بار رسانه های گروهی بعللی قاجعه ترور استاد را مسکوت گذاشته و نامی از شهادت این فرزند دلیر خلقهای ستمدیده و رزمنده مبارز مان که چه در زمان رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم منفور پهلوی و چه بعد از آن در راه به تحقق رساندن آرمانهای مردمیش دمی نیاسود.... .... خانواده شهید ترور ناجوانمردانه استاد شهید را به همه شما مبارزین واقعی و راستین خلقهای تحت ستم در سنگر دانشگاهی اعلام نموده و انتظار دارد از هیچ کوششی بمنظور جلوگیری از سرپوش نهادن به این عمل بیشرمانه ضد مردمی دریغ نورزیده و صدای حق طلبانه ما را بگوش همه آزادمردان و آزاد اندیشان ایران و جهان برسانند تا مسببین و عاملین این توطئه ناجوانمردانه بسزای اعمال ننگین خود برسند.

این قسمتی از نامه خانواده استاد شهید به دانشجویان پیشگام میباشد. سازمان دانشجویان پیشگام ایمان دارد که سرانجام این گونه توطئه های رسوای امپریالیسم نیز نقش برآب خواهد شد و خلق ایران هرگونه وابستگی خود را به امپریالیسم قطع خواهد کرد.

یاد استاد شهیدمان را گرامی می داریم و به خانواده اش اطمینان میدهیم دردی را که از شهادت این رفقا در قلبمان می نشیند به نیروی مبارزه تبدیل کنیم و همگام و همراه توده های ستمدیده میهنمان به نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه دهیم تا روزی که خلق ستمکش ما از قید سلطه و توطئه و امپریالیسم رهایی یابد تا آنگاه که ایرانی آزاد و دموکراتیک بنا شود.

با ایمان به پیروزی راه خلق

* در دانشگاه پلی تکنیک تهران شورای دمکراتیک صنفی در حال شکل گیری است این شورا هماهنگ نمودن فعالیتهای صنفی دانشجویان را بعهده خواهد داشت

* اولین شماره پیشگام نشریه سازمان دانشجویان پیشگام در ۶۰ صفحه منتشر شد. این نشریه شامل مطالب زیر است :

لزوم انتشار نشریه
مختصری درباره جنبش دانشجویی و تاریخچه تشکیل سازمان دانشجویان پیشگام
مختصری درمورد فعالیت کمیته کارگری پیشگام
وحدت و تشکیلات
در اطراف شعار
پیرامون شعار برقراری حاکمیت خلق
تحلیلی از تظاهرات نیروهای مسلح انقلابی
پیام دانشجویان پیشگام به دانش آموزان
سخنان یک دانش آموز
منشاء انقلاب ترجمه
شرایط پیروزی انقلاب (ژوزف استالین) ترجمه
۲۹ اسفند سالروز ملی شدن نفت را گرامی میداریم
در باره کردستان
گروه منشعب و داو و دسته حزب توده .

کلاسهای آموزشی در دانشگاهها

دانشجویان پیشگام دانشگاهها ، به منظور آشنایی دانشجویان با علم مارکسیسم ـ لنینیسم کلاسهایی بدین منظور در برخی از دانشگاهها برپا کرده اند .

در این کلاسها ، اقتصاد سیاسی ، ماتریالیسم تاریخی ، اقتصاد سیاسی و ..... آموزش داده می شود .

بقیه " نمایشگاه در علم و صنعت " از صفحه ۳ ستون ۲ وضع تشکیل شود تا این هیئت بتواند کلیه کسانی را که در جهت منافع سیستم عمل می کرده اند و اینک براحتی در محیط دانشگاه ورفت و آمد می کنند ، اخراج کرده و آنها را برای پاسخگویی به اتهامات شان روانه دادگاههای خلق کنند .

تهران ـ تحصن غذای دانشجویان دانشکده هنرهای دراماتیک

فشار برای سرکوب اندیشه در دانشگاهها و مدارس عالی فزونی میگیرد و بار دیگر دانشجویان، مقامات آموزش عالی دانشگاهها را در مقابل خود می‌بینند. یکی از این نمونه ها، برخورد غیرمسئولانه مقامات دانشکده هنرهای دراماتیک در مقابل خواستهای دانشجویان میباشد. بدنبال این برخورد دانشجویان دانشکده هنرهای دراماتیک دست به تحصن و اعتصاب غذای ۳ روزه زده و بیانیه‌ای منتشر کرده اند. خواستهای دانشجویان که در بیانیه آمده عبارتند از:

۱ـ تفویض قدرت اجرایی دفتر موسسات آموزش عالی به شورای استادان و دانشجویان که زیر نظر کمیته موقت سرپرستی و هماهنگی تشکیل خواهد گردید. (این شورا تدوین اساسنامه برنامه ریزی و اداره دانشکده را بعهده خواهد داشت).

۲ـ تصویب فوری ساختمان فعلی دانشکده با محلی متناسب با نیازهای آموزشی این دانشکده.

۳ـ اختصاص محلی بعنوان خوابگاه برای دانشجویان واجد شرایط (تذکر: اکنون عده ای از دانشجویان بعلت نداشتن مسکن، شبها را در محل فعلی دانشکده می خوابند).

۴ـ مدت تحصن ما ۳ روز خواهد بود از ۲۵ فروردین ۵۸ تا ۲۸ فروردین. با اینکه اطمینان داریم انجام این خواستها محتاج زمانی بیش از یک روز نیست لذا یادآور می شویم اگر در پایان روز ۲۸ ـ فروردین ۵۸ مشکلات حیاتی ما مرتفع نگردد وزارت فرهنگ و علوم و آموزش عالی مستقیماً" مسئول خواهد بود.

ارومیه ـ یک دختر در جلوی دانشگاه کشته شد

دو دختر که در روز دوشنبه ۲۰ فروردین در جلوی دانشگاه مشغول پخش اعلامیه بودند، مورد تیراندازی پاسداران انقلاب قرار گرفتند و یکی از آنان به شهادت رسید و دیگری به شدت مجروح شد.

همچنین دانشجویی که در دانشگاه مشغول فروش بلیط یک برنامه هنری بود، توسط افراد کمیته، امام بازداشت گردید.

از خواستهای بحق دانشجویان دانشکده هنرهای دراماتیک پشتیبانی کنیم

دانشجویان هنرهای دراماتیک از روز ۲۵ فروردین برای رسیدن به خواستهای بحق خود تحصن کرده اند. دوستان دانشجوی ما میخواهند امور دانشکده توسط شورای منتخب استادان، دانشجویان و کارمندان اداره شود، میخواهند ساختمانی متناسب با نیازهای آموزشی دانشکده در اختیارشان قرار گیرد، میخواهند خوابگاه مناسبی داشته باشند و علاوه بر اینها میخواهند روابط بوروکراسی قدیمی از محیط دانشگاه زدوده شده تا در محیطی آزاد و دموکراتیک دانشجویان بتوانند با خلاقیت خود و با فعالیتهای سازنده آموزشی، صنفی و سیاسی عناصر مفید برای اجتماع باشند. ما با اعتقاد به حقانیت این خواستها پشتیبانی خود را از تحصن دانشجویان دانشکده هنرهای دراماتیک اعلام می کنیم.

سازمان دانشجویان پیشگام
۵۸/۱/۲۵

نمایشگاه در علم و صنعت

گارد دانشگاه بعنوان یکی از مظاهر رژیم وابسته به امپریالیسم، همواره نقش فعالی در سرکوب نیروهای مترقی دانشجوئی داشته است. افشاگری پیرامون فعالیت این ارگان پلیسی همیشه یکی از اهداف مبارزین دانشجوئی بوده که هیچگاه در برابر یورشهای ضد دانشجویی گارد دانشگاه سرفرود نیاوردند.

در پی قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن، مرکز فساد دانشجویی مورد حمله دانشجویان واقع گردید که ضمن آن مدارکی از گارد دانشگاه بدست دانشجویان افتاد. از این که این مدارک میتوانند در جهت پاکسازی محیط دانشگاهی عمل نمایند و اینکه کمیته های تصفیه نتوانسته اند بدرستی وظایف خود را عملی نمایند دانشجویان پیشگام دانشگاه علم و صنعت برآن شدند، تا نه تنها با بنمایش گذاردن جنایات گارد دانشگاه و عوامل سرسپرده اش تصویر واقعی آنرا نشان دهند بلکه ضرورت پیگیری تصفیه و پاکسازی محیط دانشگاه را از عوامل مزدور خاطرنشان سازند. آنها از این طریق اصرار دارند که هیئتی مرکب از دانشگاهیان برای رسیدگی به این

اصفهان - شهادت یک دانشجوی کارگر در جریان تظاهرات کارگران.

در جریان تظاهرات کارگران بیکار در اصفهان، یک دانشجوی کارگر بنام (ناصر توفیقیان) توسط عوامل ضدکارگری به شهادت رسید. بدنبال این حادثه عده ای از دانشجویان اصفهان بعنوان اعتراض دست به تحصن زدند که تحصن آنان با یورش همان عواملی که باعث شهادت کارگر شدند بهم پاشیده شد. گروهی از دانشجویان اصفهان ضمن اعلامیه ای این قبیل اعمال را محکوم کرده و آنرا افشا نمودند.

سازمان دانشجویان پیشگام نیز ضمن اعلامیه ای این عمل را محکوم کرد. در این اعلامیه آمده است. "... اتفاقاتی نظیر آنچه در اصفهان و ارومیه گذشت، بار دیگر شهدایی از دانشگاه، این سنگر آزادی گرفت. .... سازمان دانشجویان پیشگام دانشگاهها و مدارس عالی ضمن محکوم کردن برخورد سرکوبگرانه کمیته های امام در مقابل حرکتهای مسالمت آمیز کارگران از تمام نهادهای دمکراتیک میهنمان انتظار دارد، این قبیل اقدامات ضدخلقی را شدیداً" محکوم نمایند."

۳۱ فروردین را گرامی میداریم

سازمان دانشجویان پیشگام در برنامه ای که روز جمعه ۳۱ فروردین ساعت ۱۰ صبح در زمین چمن دانشگاه تهران از طرف خانواده شهدا برگزار میشود شرکت خواهد نمود.

۳۱ فروردین سالروز شهادت ۹ رزمنده دلاور خلق بیژن جزنی، کاظم ذوالانوار، مشعوف کلانتری، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، مصطفی خوشدل، احمد جلیل افشار، محمد چوپانزاده، عزیز سرمدی شهید مبیبا که در ۳۱ فروردین ۵۴ توسط عناصر رژیم مزدور پهلوی بشهادت رسیدند.

۲۹ فروردین سالروز شهادت چریک فدائی خلق محمدرضا کامیابی میباشد.

یادش را گرامی میداریم.

اهواز - تحصن و اعتصاب غذای دانشجویان و هنرجویان پیشگام انستیتوتکنولوژی اهواز

دانشجویان و هنرجویان پیشگام انستیتوتکنولوژی اهواز دست به تحصن زده اند. این دانشجویان خواستار مکانی مشخص جهت فعالیتهای فوق برنامه و فرهنگی آموزشی هستند. دانشجویان پیشگام اهواز در نامه سرگشاده ای به نخست وزیر، خواهان رسیدگی به این وضع شده اند، آنان در قسمتی از نامه خود نوشته اند:

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت چیزی که ما را بنوشتن این سطور واداشت تحصن و اعتصاب غذای دانشجویان و هنرجویان پیشگام انستیتو تکنولوژی اهواز میباشد. این عده بخاطر ابتدایی ترین خواستها که از مسلم ترین حقوق هر فرد است به تحصن و اعتصاب غذا دست زده اند و اکنون خطرات جانی آنها را تهدید میکند. آنها خواستار داشتن مکانی مشخص جهت فعالیتهای فوق برنامه و فرهنگی و آموزشی هستند، رئیس و معاون آموزش و پرورش خوزستان گفته اند: اگر شما خود را هم بکشید با خواسته هایتان موافقت نمیکنیم. آیا این برخورد مسئولانه یک رئیس آموزش و پرورش دولت انقلابی است؟ آیا بعد از مبارزات خونین و قهرمانانه جهت نابودی مظاهر ارتجاع و امپریالیسم این سخنان از جانب یک مقام مسئول چیزی جز تلاش برای حفظ دیکتاتوری و ایجاد خفقان نیست؟"

آخرین اخبار رسیده از اهواز حاکی از آن است که در شب ۲۴ فروردین به دانشجویان متحصن حمله شده و ۲ نفر مجروح گردیده اند. در روز ۲۵ فروردین دانشجویان متحصن به آموزش و پرورش نقل مکان کردند عده ای از دانش آموزان نیز به تحصن آنها پیوستند. در حدود ساعت ۹ عده ای مرتجع با شیشه چاقو و ساطور به آنان حمله کردند.

... جهالتی نیست؟ که رژیم گذشته روزی صدبار بخورد دانشجویان میداد؟ تحصن دانشجویان پیشگام انستیتوتکنولوژی اهواز، دانشجویان و استادان دانشکده هنرهای دراماتیک تهران و دانشجویان دانشگاه اصفهان عکس العملی است از جانب نیروهای دانشجویی مقابل نیروهایی که با اقدامات ضدخلقی خویش آگاهانه یا ناآگاهانه آب به آسیاب امپریالیسم میریزند. افشاء و مقابله با اینگونه اعمال را وظیفه همه نیروهای مترقی آزادیخواه میدانیم. سازمان دانشجویان پیشگام

۱۶ آذر

شماره اول - ۲۷ فروردین ۵۸

سازمان دانشجویان پیشگام

سرمقاله

عدم تشکل و سازماندهی همواره یکی از ضعفهای دانشجویی بوده و مبارزات دانشجویی از این امر لطمات فراوانی خورده است. بی شک علل فراوانی از جمله سرکوب مداوم جنبش دانشجویی در ایجاد این ضعف تاثیر بسزایی داشته است.

اما اینک که با قیام قهرمانانه توده‌ها سالهای سیاه دیکتاتوری بپایان رسیده است، وظایف نوینی در برابر جنبش دانشجویی قرار گرفته است.

یکی از این وظایف تشکل و سازماندهی نیروهای دانشجویی در جهت تحقق بخشیدن به اهداف جنبش میباشد. سازمان دانشجویان پیشگام نیز که اینک بخش بزرگی از نیروهای دانشجویی را شامل میشود، در این جهت گام برمیدارد.

اکنون هماهنگ کردن فعالیتهای دانشجویان، آگاهی از آنچه که در محیطهای آموزش عالی کشور میگذرد و اتخاذ موضع خود در هر زمان بیشتر مبرم میباشد.

با توجه به اینکه تاکنون عدم وجود یک نشریه مستقل دانشجویی که در برگیرنده خواستهای واقعی نیروهای دانشجویی بوده باشد همواره به چشم می خورده است مبادرت به انتشار یک نشریه خبری که پاسخگو به اهداف فوق باشد، کردیم.

چهارچوب کلی این نشریه درحال حاضر بصورت یک نشریه خبری خواهد بود. و تا آنجایی که در توانمان باشد، سعی در تحلیل آنچه که در درون دانشگاهها میگذرد نیز خواهیم کرد.

انتخاب عنوان "۱۶ آذر" برای این نشریه یادآور مبارزات همیشه قطع نشدنی دانشجویان در سالهای خفقان و هم چنین یادآور "روز دانشجو" میباشد.

* ... گیریهای مشترک و همچنین شناخت صحیح از خط حرکت سازمان دانشجویان پیشگام در این مقطع ضرورت

بکوشیم تا دانشگاه سنگر آزادی را حفظ کنیم

هنوز خون شهدای خلق بر دیوارها و کوچه‌ها و خیابانها خشک نشده است که بار دیگر شاهد حمله به [illegible] کارگران و زحمتکشان، تحت فشار گذاردن نیروهای مترقی، تهمت و افترا به سازمانهای انقلابی و حتی بی حرمتی به شهدای خلق هستیم. این اعمال نگران کننده که اینک در شکل سیستماتیک در جامعه تشدید شده است خطری است که حفظ و گسترش دستاوردهای انقلابیمان را تهدید می کند.

دانشگاه این سنگر مبارزات دانشجویی [illegible] زمانی است که از این قبیل اعمال برکنار نمانده است. قتل و جرح دخترانی که در مقابل دانشگاه ارومیه مشغول پخش اعلامیه بودند، ایجاد مانع در راه فعالیتهای سیاسی - صنفی دانشجویان دانشگاه انستیتو تکنولوژی اهواز و هنرهای دراماتیک، بستن درهای دانشگاه بر روی دانشجویان و مردم در روزهای پنجشنبه و جمعه گذشته، [illegible] در دانشگاه تهران و ... وقایع دیگری است که اگر عوامل اصلی و واقعیتش بموقع افشاء نشود و آگاهانه در صدد جلوگیری از آن برنیائیم مجددا [illegible] فضای اختناق آمیز گذشته را بر دانشگاه حاکم کنند.

اینگونه اعمال فشار بر نیروهای مترقی دانشجویی بجز نشانه عقب ماندگی و [illegible] در جهت جلوگیری از بیان هرگونه عقیده مخالف و نتیجتا "ساختن انسانهایی خشک اندیش و یک بعدی هیچ هدف دیگری را نمیتوانند دنبال کنند. آیا آن رسالت دانشجویی که خلق ما در جریان مبارزات خویش بر آن ارج نهاده اینک فراموش گشته است؟ آیا وظیفه دانشجو در این شرایط متلاطم جامعه تنها و تنها در کلاس درس نشستن و آموختن همان "علم" زنگ زده ایست که [illegible] خود را از دست داده است؟ پس چگونه است که آقای نخست وزیر در یکی از مصاحبه های تلویزیونی اش خواهان قطع ارتباط دانشجویان با توده های [illegible] شده و میگوید که دانشجویان را با کارخانه چه کار؟ دانشجو باید سر کلاس بنشیند و درسش را بخواند! آیا این حملات به گوش ما آشنا نیست؟ آیا این همان ...

بقیه در صفحه ۲ ستون دوم

خبرهای دانشجویی خود را برای درج در نشریه ۱۶ آذر به دفاتر دانشجویان پیشگام دانشگاهها [illegible]

کلیه استادان ، دانشجویان و کارکنان دانشگاه مسئول این تصمیمات می‌باشد .

ماده ۱ـ افرادی که باید تصفیه گردند و از محیط دانشگاه کنار گذاشته شوند .

الف ـ کسانی که عضو ساواك ، حقوق‌بگیر ساواك و یا مورد حمایت ساواك بوده‌اند .

ب ـ وزراء ، وکلای مجلس شورا ، سناتورها و صاحبان مشاغل مشابه بعد از بهمن ۲۱ داشته‌اند ، عموما بازنشسته هستند و در غیر اینصورت پرونده آنان بررسی خواهد شد .

ماده ۲ـ افرادی که بارسیدگی به پرونده های آنان و تعیین تکلیف برای ایشان ، از احراز هرگونه پست مدیریت در دانشگاه محروم خواهند بود .

الف ـ افرادی که بعنوان نماینده ، سخنگو ، مسئول یا گرداننده در سازمان‌های فرمایشی حزب ایران نوین ، حزب مردم ، گروه بررسی مسائل ایران ، یا رستاخیز شرکت داشته‌اند .

ب ـ اشخاصی که در مجامع بین‌المللی یا اجتماعات داخلی به دفاع از رژیم سابق پرداخته و در دموکراتیك نشان دادن آن کوشیده‌اند . اشخاصی که به مناسبت روابط خود با دربار و خاندان منفور سلطنت از مزایای شغلی یا مادی استفاده کرده‌اند

د ـ اشخاصی که به مناسبت تملق و چاپلوسی ، شرکت در فساد و یا در اثر روابط مذکور دربند ج مقامها یا شغلهائی را احراز کرده‌اند که بطور معمول صلاحیت آنرا نداشته‌اند و یا باعث محرومیت و تقبیح و پایمال شدن حقوق کسانی شده‌اند که برای آن مشاغل استحقاق داشته‌اند .

هـ ـ افرادی که با استفاده از فساد چندین شغل و سمت را اشغال کرده و ضمن غصب حقوق از انجام کار موثر خودداری کرده وفقط از مزایای آنها استفاده کرده‌اند .

و ـ افرادی که متهم به داشتن موضع ضد دانشجوئی و ضد دانشگاهی هستند .

ز ـ کسانی که با احراز مشاغل یا عناوین افتخاری نظیر آجودان کشوری یا ریاست دفاتر خاندان پهلوی شریك جرائم سابق بوده‌اند و از مواهب آن استفاده کرده‌اند .

ح ـ افرادی که با قلم یا بیان ، خدمات ارزنده‌ای در تثبیت استحکام با رژیم ، در تعیین مجازات آنان مورد توجه قرار میگیرد .

ماده ۳ . عناصری که رفتار غیر انسانی یا ضد مردمی یا مخالف شئون دانشگاهی داشته و یا در انجام وظایف دانشگاهی قصور کرده‌اند ، باید مورد بررسی واصلاح و تزکیه قرار گیرند و چنانچه اصلاح‌پذیری نشان دادند ، شایستگی داشتند مجددا وارد فعالیت دانشگاهی شوند ولی در هرصورت از امور اجرائی به‌دور خواهند ماند .

خواستهای دانشجویان دراماتیك

دانشجویان دانشکده هنرهای دراماتیك برای پافشاری دراجرای خواستهایشان اعلام سه‌روز تحصن در دانشکده کرده‌اند . این تحصن که از ۲۵ فروردین شروع شده تافردا ادامه خواهد داشت . در قطعنامه‌ای که دانشجویان منتشر کرده‌اند ۳ماده بعنوان خواست دانشجویان ، بدین شرح ، مطرح شده است :

۱ـ تفویض قدرت اجرایی دفتر موسسات آموزش عالی به‌شورای استادان و دانشجویان که‌زیرنظر کمیته موقت سرپرستی‌وهماهنگی تشکیل خواهد گردید (این شورا ـ تدوین اساسنامه‌برنامه ـ ریزی واداره دانشکده را بعهده خواهد داشت) .

۲ـ تعویض فوری ساختمان فعلی دانشکده با محلی متناسب نیاز های آموزشی این دانشکده

۳ـ اختصاص محلی بعنوان خوابگاه برای دانشجویان واجد شرایط (تذکر : اکنون عده‌ای از دانشجویان بعلت نداشتن مسکن شبها را در محل فعلی دانشکده می‌خوابند) .

در دانشکده ادبیات

شورای ادبیات و علوم‌انسانی مرکب از ٦ دانشجو ، ۳ کارمند و۳ استاد از مدتی قبل شروع به فعالیت کرده است .

این شورا دکتر نگهبان (استاد باستانشناسی) ، دکتر بهزادی (استاد ادبیات فارسی) ، دکتر اختیار (استاد زبان انگلیسی) و لبافی (کارمند آموزش) را از کار برکنار کرد .

در رابطه با مسائل رفاهی شورا هزینه تحصیلی را فقط به‌کسانی میدهد که استحقاق دارند وشرط معدل راحذف کرده است . رئیس جدید دانشکده به انتخاب شورا دکتر قمشه‌ای می‌باشد .

وام گرفته شده ، ولی در اینجا با بدعت‌گذاریها وآمیزه‌ها و خصیصه های‌قومی ومحلی آمیختگی میبابدورنگ‌ولم‌بوی اسجایی‌بخود میگیرد .

طرحهای ملانصرالدین ، بعنوان اولین هنر تصویری مردمی در ایران بارسنگین حساس تاریخی‌رابیش از دیگر دوره‌ها ـ بخصوص دوران اخیر ـ ایفامیکند .

طراحانی که کارشان به نمایش عرضه شده ، اکثرشان به‌امر معاش توجه داشته‌اند تا «کیفیت» وچندوچونی طرحها وگاهی‌بچشم می‌آید ، که با نزدیك کردن فرم بیانی و مضمون کاریکاتور به سطح دید و درك هنری عامه باعث درجا زدن اذهان ووقفه در ایجاد حرکت ذهنی مردم میشود .

وبعض‌شان اصلا در اندك زمانی با امحاء مصایب و مشکلات روزمره خنثی ، بی‌فایده بجای می‌ماند .

درهر اثرهنری ، درست که باید به مردم نزدیك شدولی نباید حرکات اصلی تاریخ‌رانادیده گرفت ، وبه سطحی‌نگری و عوام‌فریبی دچار گشت . آنچنان که ذهن خلاق واندیشه ورزهنرمندرا به طاق نسیان میسپرد . نگریستن به انسانی گرفتار در چمبرهٔ درگیریهای‌جاری بی‌چشمداشتی‌به انسان واقعی و تاریخ‌ساز فردا ، جز یکسویه‌نگری و تنگ‌نظری هنرمند چه‌چیز دیگری را می‌رساند .

درکل ، طرحهای دوران مشروطه خواهی چه خوب ازپشت‌پرده بودنهای قضایا و مسایل‌پرده برمیگیرد . وبا تیزبینی واقع‌بینانه اینرا میشکافاند : «درخون تو خون حرام قاطی شده ، خون مشروطه» و این ، حرف تمامی کسانی‌ست که در هربرههٔ‌زمانی‌با افکارپیشروندگان جامعه مخالفت می‌کنند .

ونصایح کذائی واپس‌زده قرون وسطایی : «آدم اگررنج و مشقت نکشه ، تا آخر عمرش صاحب علم و معرفت نمیشه» .

نمایشگاه با دقت فراوان زمان‌بندی شده و درباره هریك‌ازدوره‌ها باسبك‌کار نشریه و طراح مشخص ومعلوم گردیده است .

کوتاه سخن ، گردانندگان سعی‌تمام‌مبذول داشته‌اند تایکدستی نمایشگاه را فراهم آورند . منتظریم نمایشگاه ، در آتیه نزدیك با وقت وزمان بیشتر و فرم وبیانی‌نو وجدیدتر و تکامل‌یافته‌تر عرضه‌شود. همت‌بدرقه‌راهشان‌باد.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای نصرالله مقدم مراغه‌ای مالك دودانگ‌ازششدانگ یکبابخانه بانضمام‌راهرو شماره بمساحت متر مربع پلاك فرعی از ۲۵ اصلی بخش دوتهران مفروز ومجزا شده از پلاك که سند مالکیت آن‌ذیل‌شماره ٤۰۸۲ دفتر۱۳٦املاك صفحه۱۰۹ بشماره‌چاپی‌بنام‌آقای‌سرهنگ‌امیرقاسم‌خان صادروتسلیم‌گردیده است‌ومع‌الواسطه دودانگ‌ازششدانگ‌پلاك‌فوق‌برابر سند صلح شماره ۱۹٦٦ـ۲۲ر۹ر٤٥ دفترخانه ۱۸۷ تهران باشرط براینکه منافع دودانگ مورد صلح تا ده‌سال ازتاریخ تنظیم سند متعلق به‌مصالح است بنامبرده صلح قطعی گردیده وبرابر سندرهنی شماره ۵۳٤۰۳ـ۲۵ر۵ر۵۷ دفتر ۹۵ تهران درقبال مبلغ یك‌میلیون و هفتصدهزار ریال در رهن بانو فاطمه زمردیان قرارگرفته ومالك باستناد دو برك استشهاد محلی که امضاء آن بگواهی دفتر ۲۱۱ تهران رسیده است مدعی گردیده است که سند مزبور در اثر اسباب‌کشی مفقود گردیده ودرخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب‌باستنادتبصره یك اصلاحی موزخ۲۰ر۱۰ر۱۳۵۳ الحاقی بماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت در دونوبت بفاصله هر ده روز یکبار آگهی میشود تاچنانچه کسی مدعی انجام معامله‌نسبت بملك مرقوم با وجود سند مالکیت نزد خود میباشد مراتب را از تاریخ نشر دومین (آخرین) نوبت آگهی ظرف ده روز باین‌ناحیه اعلام واعتراض خود راضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله باین ناحیه تسلیم ورسید اخذ نماید اولا پس از انقضاء مدت‌مزبور ونرسیدن واخواهی مبادرت به‌صدور سند مالکیت المثنی خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۲۷ر۱ر۵۸

تاریخ انتشار نوبت دوم ۸ر۲ر۵۸

سرپرست نواحی شمال ثبت تهران

٦۸۱ ـ م الف

کانون نویسندگان در ترازو

بازگردیم ، کانون نویسندگان را نگاه کنیم، به آزادی بیان بیاندیشیم و آزادی قلم . کانون را در ترازو بگذاریم . به‌جامعه بنگریم و حرکتهایش را دگرباره مرور کنیم . آیا کانون نویسندگان ایران ازبدوتاسیس تا امروز همیشه در سنگر مبارزه برای دفاع از قلم ، بیان و اجتماعات پابرجا و استوار مانده است ؟ آیا در این مدت ، اتفاق افتاده است که حرمت قلم و بیان دریده شود و کانون ساکت مانده باشد ؟

خوشبختانه ، بسیاری از حقایق‌جامعه آنقدر سریع‌منتشر میشوند و آنقدر افشاگرانه‌اند که دیگر لازم نیست به‌چند وچون‌مکتبی و مدرسه‌ای بپردازیم .

رادیوتلویزیون و مطبوعات آزادی بیان و قلم را بزیرپا گرفته‌اند . رادیو و تلویزیون فقط سرود ها و ترانه‌هایش متفاوت با دوران طاغوتی است. بازهم روزنامه ها را هرچه زیرورو کنی بیش از پنج دقیقه مطلب خواندنی (!)ندارند .

بارهاو بارهابه‌جرم اعلامیه خواندن وروزنامه پخش کردن، کمیته‌ها اسیر گرفته‌اند و اسیران فریادشان‌به دیوار سکوت خورده است . یکبار حتی ماموران مسلح کمیته ،به‌چاپخانه‌ای هجوم بردند و «کارگربه‌پیش»را توقیف کردند .

کانون دارد می‌رود که گزارش‌یکساله‌اش را بدهد و انتخاباتش‌راتجدیدکند.فکرمیکنیددر گزارش یکساله، موضع کانون چه خواهد بود ؟ ...

دانشگاهیان تزکیه میشوند

در جلسه شورای‌انقلابی‌تزکیه دانشگاه تصمیمات زیر بعنوان ضوابط تزکیه افراداتخاذ گردید. کلیه استادان ، دانشجویان و کارکنان دانشگاه مسئول این تصمیمات میباشند .

ماده ۱ـ افرادی که‌بایدتصفیه گردند و از محیط دانشگاه کنار گذاشته شوند .

الف ـ کسانی که عضوساواک، حقوق‌بگیر ساواک و یامورد‌حمایت ساواک بوده‌اند .

ب‍ـ وزراء ، وکلای مجلس [illegible] رژیم سابق انجام داده‌اند .

تبصره ماده ۲ـ کسانی که‌در ۲مورد یا بیشتر از موارد ماده ۲ شرکت داشته باشند ، مشمول ماده ۲میشوند ضمنا خودشیرینی وخوش‌رقصی مجرمین درهمکاری با رژیم ، در تعیین مجازات آنان مورد توجه قرار میگیرد .

ماده ۳. عناصری که رفتار غیر انسانی یا ضد مردمی یا مخالف شئون دانشگاهی داشته و یا در انجام وظایف دانشگاهی قصور کرده‌اند،باید موردبررسی واصلاح‌وتزکیه قرار گیرند و چنانچه اصلاح‌پذیری نشان‌دادند، شایستگی داشتند مجددا وارد [illegible]

دیداری از نگارخانه تخت جمشید :

کاریکاتور تاریخ هفتادساله ایران‌را باز می‌گوید

مروری برنمایشگاه «کاریکاتور های روزنامه‌ای» ۷۰ساله‌ی‌ایران در تالار نقش ، آدمی را به «تاریخ» و «گذشته» پیوند می‌دهد . اما پیوندی که‌درحد گذشته‌فکری بسنده کندو برک‌وپی وعمق‌کاری نداشته باشد ؛ نمی‌تواند ونباید در راستای تاریخ فردا جا و پایگاه صحیحی داشته باشد .

ممکن است ، جانمایه‌ی انسانی و مردمی در آنها باشد ـ که هست ـ اما بعلل ضعف و درک‌ناقص و نادرستی از تاریخ ، وانسان را به مثابه ابزاری ستمکش ، توسری‌خور ودم‌برنیاور پنداشتن و به سبب‌سازها و بنیاد های اصلی جامعه کاری نداشتن ، نمی‌تواندریشه‌یاب وکارساز باشد .

چیزی که در وهله نخست ، بیننده را بخود مشغول می‌دارد ، همانا حرکت سازنده و رشد یابنده مردم است که به وضوح نشان نشده و هرچه هست ، تضییقات و ستمگری و ستمبری انسان در تخمیق‌ها، تعصبات‌کورکورانه و ابتلائات جاری وساری رو بنایی و نه اساسی واستخوانداز می‌باشد .

نمایشگاه به ترتیب توالی‌زمانی به ۷ مرحله تقسیم‌بندی شده، از کاریکاتور های ملانصرالدین تا اینکه می‌رسد به سالهای اخیر.

طرحهای ملانصرالدین با طنزی رئالیستی انتقادی که در تک‌تک آنها می‌توان چهره واقعی جامعه را بازشناخت . رخ می‌نماید . از گرفتگی خورشید و متوسل‌شدن مردم‌به‌دعاواذکارتاتدریس مکتب‌خانه های «مراداز معادبیان معاداست» و در همین حال واحوالها غارت و چپاول فقر و فاقه و تنگدستی ملت .

به‌زعم‌اینکه ، این هنرمردمی ، در پایه و اساس از خارج مرزها وام گرفته شده ، ولی در اینجا با بدعت‌گذاریها وآمیزه‌ها و خصیصه های‌قومی ومحلی آمیختگی میپابدورنگ‌ولهجه اسجایی‌بخود میگیرد .

طرحهای ملانصرالدین ، بعنوان اولین هنر تصویری مردمی در ایران بارسنگین حساس تاریخی‌رابیش از دیگر دوره‌ها ـ بخصوص دوران اخیر ـ ایفامیکند .

طراحانی که کارشان به نمایش عرضه شده ، اکثرشان به‌امر معاش توجه داشته‌اند تا «کیفیت» وچندوچون. طرحها وگاهی‌بچشم می‌آید ، که با نزدیک کردن فرم بیانی و مضمون کاریکاتور به سطح دید و درک هنری عامه باعث درجا زدن اذهان ووقفه در ایجاد حرکت ذهنی مردم میشود .

در دانشکده حقوق

دانشکده حقوق روز دوشنبه انتخابات مجددی برای شورای هماهنگی برگزار خواهد کرد . برگزاری انتخابات مجدد بخاطر اعتراض دانشجویان غیر مذهبی به شورای قبلی بوده است ،زیرا در آن شورا فقط دانشجویان مذهبی نماینده داشته‌اند.

دانشجویان این دانشکده‌دکتر بهنمی (استاد منطق)،دکترمبشری (رئیس سابق دانشکده) ، دکتر مظلومان (استاد جرم‌شناسی) ، دکتر علومی (استاد حقوق جزا)، دکتر نبوی (استاد علوم سیاسی) ودکترباهری (استاد حقوق جزا) را ممنوع‌الورود اعلام کرده‌اند.

رئیس جدیداین دانشکده‌دکتر عراقی است .

همچنین آنهادوتن‌ازدانشجویان بنامهای مستجاب‌الدعوه و شام‌حسینی را بعلت‌فعالیت دراتحادیه دانشجوئی (وابسته به رژیم سابق که نشریه‌ای نیزبنام اتحادمنتشر میکرد) ونوشتن مقاله درروزنامه رستاخیز ،تا اطلاع ثانوی‌ممنوع‌الورود اعلام کردند .

دانشجویان در رابطه با فعالیت های آموزشی ، فرصت «ه» ترم گذشته را حذف کرده و۱۰واحد برای‌ترم تابستانی‌درنظر گرفته‌اند.

در دانشکده علوم

امروز انتخابات نمایندگان دانشکده علوم در آمفی‌تئاتر این دانشکده برگزار میشود .

دانشجویان این دانشکده‌دکتر شیبانی رئیس سابق دانشگاه و دانشکده حقوق‌را برکنار کردند. یکی از دانشجویان در این مورد گفت : «شیبانی تمام استادان مرتجع را در کادر آموزشی [illegible]

بزرگداشت ۷ مجاهدشهید

سازمان مجاهدین خلق ایران برای‌شرکت‌در مراسم بزرگداشت سالگشت ۷ تن‌از شهدای‌سازمان با انتشار اعلامیه‌ای از عموم‌دعوت کرده است . این مراسم ساعت ٤ بعداز ظهر پنجشنبه ۳۰فروردین در بهشت‌زهرا برگزار میشود . متن اعلامیه چنین است :

«بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

ولاتقولوا لمن یقتل‌فی‌سبیل‌الله امواتا بل احیاء ولکن لاتشعرون

به کسانیکه در راه خدا کشته میشوند مرده نگوئید (که) آنها زنده‌اند ولی شما این واقعیت را در نمی‌یابید

در آستانه سالگرد شهادت پیشتازان مبارزات خونبارمیهنمان مجاهدین شهید، ناصر صادق ـ علی میهندوست. محمدبازرگانی ـ علی باکری ـ علی‌اصغر منتظر حقیقی ـ مصطفی جوان خوش‌دل وکاظم ذوالانوار. ازهمه‌هم‌میهنان بخصوص خانواده های مجاهد ـ پرور شهدا دعوت میشود در مراسمی که جهت بزرگداشت شهدای سالهای اخیر سازمان مجاهدین خلق ایران بر مزار بنیانگزاران سازمان برگزارمی‌شود شرکت کنند تا بدینوسیله بار دیگر میثاق خونینمان را با آرمانهای برحق مجاهدین خلق تجدید کنیم.»

در بوشهر

چهارشنبه گذشته نمایشگاه های عکس و کتاب دانش‌آموزان هواداران سازمان چریکهای فدایی [illegible]

جمعیت دفاع از حقوق خلق کرد

ارومیه ـ خبرنگار پیغام امروز ـ جمعیت دفاع ازحقوق خلق کرداعلام موجودیت کرد. این جمعیت که‌دردانشگاه ارومیه مستقر است دفاع از خلق کرد را هدف اصلی خود قرار داده و در نخستین گام خواستهای دهقانان متحصن در شهرداری ارومیه را منتشر کرده است.

گردهمایی حزب جمهوریخواه برهم زده شد

میتینگ حزب جمهوریخواه که‌دیروز درپارک ملت (شاهنشاهی سابق) برگزارشده بود بادخالت ماموران مسلح بهم خورد.

به‌گروهـی که برای شنیدن نقطه‌نظرهای جمهوری‌خواهان جمع شده بودند، گفته شدکه چون پارك تفریحگاه‌عمومی است حق‌ندارند میتینگ‌تشکیل دهند وبایدمتفرق شوند.

اعتراض کانون مستقل معلمان

کانون مستقل معلمان‌تهران در یك تماس تلفنی باخبرنگار پیغام‌امروز، به‌اقدام کمیته امام درمورد دستگیری یك‌معلم بجرم کمونیست بودن اعتراض کرد.

کانون همچنین خواستار ترمیم حقوق معلمان زندانی که دوباره به‌سر کارهای خود بازگشته‌اندشد.

کانون معلمان توضیح داد که چندی پیش یکی ازمعلمین که تست تربیتی بین دانش آموزان پخش میکرد به بهانـه اینکـه تست‌ها، مضمون‌کمونیستی دارد دستگیر وتحت‌پیگرد قرارگرفت.

همچنین وزارت آموزش و پرورش به‌معلمانی که زندانـی سیاسی بـوده و دوباره به‌سر کار بازگشته‌اند اطلاع دادکه باید با همان حقوق‌قبل‌از دستگیری‌به‌کار ادامه دهند. اعتراض‌کانون‌مستقل معلمان دراین مورد تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است.

درخواست‌سازمان مجاهدین خلق

اهواز ـ پانا ـ سازمـان مجاهدین‌خلق ایران‌شعبه‌خوزستان طی اعلامیه‌ای دیروز درسطح‌شهر پخش شد، خـواستار سفر هرچه سریعتر حضرت‌آیت‌الله طالقانـی به‌خوزستان شد دراین اعلامیه از دولت خواسته شده است که چون براساس گزارشهای‌واصله‌خوزستان آبستن حوادثی ازنوع کردستان وگنبد می‌باشد برای جلوگیری‌از هرگونه خونریزی و مخاصمه و برای عقیم مانـدن توطئه‌ها و امپریالیزم در اولین فـرصت و هرچه سریعترمقدمات سفرآیت‌الله طالقانی را به‌خوزستان تـدارك ببینند.

یك‌سرگرددرشیرازتیرباران‌شد

شیرازـخبرنگارپیغام‌امروز سرگردهوشنگ‌طوطیان افسرسابق شهربانی‌شیراز ورئیس کلانتری۶ دیروز در دادگاه اسلامی شیراز محکوم باعدام‌شد وحکم‌بلافاصله به‌ا[illegible]ا درآمد.

...می‌ریزند.

دانشجویـان مبارز ضمن محکوم‌کردن‌این‌عمل‌غیردمکراتیك دانشجویـان مسلمان، مصراً از شورا می‌خواهند هرچه زودتریك محل مناسب جهت تشکیل دفتر دراختیارشان قراردهد.

آغاز انتخابات شورای سنندج

سنندج ـ پانـا ـ انتخابات شورای ۱۱ نفری‌اداره‌شهرسنندج در۶۸حوزه‌این شهردیروزبرگزار شد. هزاران تن از زنان ومردان سنندجی بپای صندوق‌های اخـذ آراء رفتند تا کاندیداهای مورد علاقه‌خودرابرای‌اداره‌شهرسنندج‌در شش ماه‌آینده برگزینند. آخرین آمار حاکی ازآنست که ۳۴هزار و ۶۰۰ تن طی دوهفته گذشته برای دادن رای نـام نـویسی کرده‌اند.

پس‌از پایان انتخابات۵۰ نفرکار شمارش‌آراء را بلافاصله شروع خواهندکرد.

*دیروز ازسنندج گزارش‌رسید که حوالی ظهر گروهی در حدود ۶۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر وپسر درشهر اعلام می‌کنندکـه انتخابات را تحریم‌کرده‌انـد و برای‌تحصن به‌مسجد جامع‌میروند، یکی ازمتحصنین به خبرنگارما اظهار داشت: «مردم را برخی‌از دستجات‌بزوراسلحه بپای‌صندوق رأی‌می‌برند ومی‌خواهندانتخابات را برهم زنند.»

شورای‌پنج‌نفری‌موقت‌سنندج اعلام‌کردکه انتخابات را تحریم نکرده ووضع‌درسنندج آرام‌است، تنها دریکی از حوزه‌ها برخورد لفظی گزارش شده است.

...شدید کردند.

کـارگـران از خبرنگـار تلویزیون خواستندکه باتك‌تك کارگران مصاحبه شود تاملت ایران بدانند که‌اینهاضدانقلابی و اخلالگر نیستند.

خبرنگار از مصاحبه‌طولانی‌تر با کـارگـران بعنوان نداشتن امکانات سرباز زد اما قول‌داد که پنجشنبه با امکانات‌بیشتری برای یـك مصاحبه طولانی‌تـر خواهد آمد.

روزپنجشنبه مصاحبه‌دیگری با کارگران انجام میشود کـه عصرهمانروز از تلویزیون‌پخش شد.

کارگران‌به‌سانسورمصاحبه خود، اعتراض‌کردند و گفتند: «آقای‌طومارزاده را وادار می کنیم حرفهایمان را پخش‌کند». وشعاردادند «مرگ‌برسانسورچی» ازآنجائیکه دولت‌درباره تصویب طـرح پیشنهادهای کارگـران

کارگران لقب اخلالگر داده است باید عذر خواهی‌کند.

دوما: مصاحبه کامل ما از رادیو وتلویزیون پخش‌شود

سوماً: دولت طرح ما را جهت تصویب، بررسی کند.

ظهر روز جمعه عـده‌ای ناشناس کـه خود را از حزب جمهوری‌اسلامی‌معرفی‌میکردند، مقابل‌کاخ دادگستری‌تظاهرات کردند. این عده‌گفتند: اینهاکه در دادگستری تحصن کرده‌اند کارگر نیستند واخلالگرهستند.

این افراد شعار میدادند:

ـ مسئله بیکاری نیست، توطئه شرق و غرب

ـ اسلام پیروز است، کمونیسم نابود است.

کارگران متحصن اعـلام کردندکه این یك دسیسه است برای ترساندن ما همچنین گفتند کـه تـا پـای جان، درتحصن خواهند ماند.

[illegible] در تماس تلفنی‌با پیغام امروز، خبر بازداشت‌فرزندان‌آیت‌الله‌طالقانی را تـکذیب کـرد وگفت اینها شایعاتی است که پخش شده.

اما کمیته منطقه یوسف آباد، خبر را تائیدکرد وگفت: دستگیری فرزندان آیت‌الله یك سوءتفاهم بوده است و بهمین دلیل بلافاصله آزاد شده‌انـد.

آیت‌الله زنجانـی نیز بـه خبرنگار پیغام امروز گفت:من از ماجرا خبرندارم، اما ازصبح هر چـه خواسته‌ام بـا آیت‌الله طالقانی‌تماس‌بگیرم‌موفق‌نشده‌ام، ممکنست ایشان بـرای حل و بررسی اوضاع گنبد به‌این‌منطقه رفته باشند.

وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلمه

سخنگوی دولت

بقیه از صفحه ۱

قرار داد... ما میخواهیم که حتی [illegible] آوردن چرخهای اقتصاد مملکت

کشورفرارکرده‌اند. حتماخودشان بهتر می‌دانندکه علت فرارشان چیست. دولت برای به حرکت درآوردن چرخهای اقتصاد مملکت

شدکه مدیرانشان فرارکرده‌اند. دراینصورت به پرونده کار ایـن قبیل شرکتها رسیدگی می شود [illegible] حسابها پاك بود، تبرئه می

کارگری مشکل مالی با کمك های دولت حل میشود. نیروی‌کار هم با رفتن کارگران وطن‌پرست به سر کار حل است.

کارگران‌وطن‌پرست به‌سرکار خواهند رفت. البته عده‌ای وطن فروش هستندکه نه خود به‌سر کار می‌روند و نه می گذارند کارگران به کار مشغول شوند. اگر اینها به‌کار شکنی ادامـه دهند دولت مجبورشان خواهدکرد به کار باز گردند. درباره مسئله مدیریت هم باید بگوئیم نیـروی کافی داریم‌که بـه مـدیـریت کارخانجات‌بی‌سرپرست بگماریم.

قوالی [illegible] هنوز محترم است:

وحشت دارند که به‌کارگاهها و کارخانجات خود بـازگردنـد. اعلامیه‌ای ازسوی دولت و پیامی از سوی امام برای بسیج آنها به کار فرستاده خواهد شد.

اختیارات فلسطینی‌ها درایران

در پاسخ به‌این سئوال که گفته می‌شودایران‌از فلسطین کارشناس نظامی خواسته است ودولت‌ایران هم قول داده انبارهای اسلحه را بروی آنان باز بگـذارد، امیر انتظام گفت: هردومورد راتکذیب می‌کنم. با همه احترامی که‌برای فلسطینی ها داریم تنها درمجامع بین‌المللی ازآنها پشتیبانی‌خواهیم کرد.

سئوال شدکه چه اختیاراتی به

را ندارد. اگرموردی بوده‌متوقف خواهد شد.

خبرنگاری درمورد رابطه‌ایجاد دفتر سازمان آزادیبخش‌فلسطین در جنوب و دامن زدن به مسئله پان عربیسم تـوضیح خواست. نماینده دولت اظهار داشت دولت هم متوجه چنین رابطه‌ای هست. تصمیماتی گرفته شده است کـه نظر شما را تامین خواهدکرد.

امیر انتظام خبر رژه ارتش را در هفته آینده تاییدکرد وگفت این رژه برای اینست که نشان دهیم ارتش ملی داریم و ارتش ما مضمحل نشده است.

[illegible] فروش نفت:

سخنگوی دولت‌در موردسیاست

پیغام امروز ۲۵/۱/۵۸

پیغام امروز

جریان روز

نهاوندی و مجیدی در جنگل‌های شمال مخفی شده‌اند.

خبرگزاری فرانسه گزارش داد کمیته‌های امام درصدد هستند برای تعقیب ودستگیری سه‌تن از مقامات بلند پایه رژیم سابق که درجنگلهای نزدیک به‌ساحل دریای خزر مخفی شده‌اند، گروهی رابآن نواحی بفرستند. دوتن از این مقامات عبدالمجید مجیدی وهوشنگ نهاوندی هستند. هویت فراری سوم فاش نشده است.

سه‌نفر فراری دوماه است که درناحیه «گزنه صحرا»، درجنوب آمل مخفی شده‌اند.

اجتماع پارک‌شهر بهم خورد

دیروز قرار بود میتینگی بدعوت «سازمان انقلابی» در پارک‌شهر برگزار شود وبگفته یکی از اعضای «سازمان انقلابی» اجازه نامه از کمیته و وزارت کشور هم گرفته شده ... گروهی با شعار «اسلام پیروزاست، منافق نابود است» جلسه را بهم زدند.

اما مخالفان می‌گفتند «سازمان انقلابی» مشی خود را اعلام نکرده و ثانیا ازاسم دکتر علی صادقی (سخنران مذهبی رادیو) سوء استفاده کرده است (در میتینگ دیروز قرار بود شخصی بنام دکترعلی صادقی مواضع سازمان را اعلام کند) در گوشه و کنار میدان پارک‌شهر درگیری‌های متعددی پیش آمد و با بالاگرفتن هیجان مخالفان، یکی ازاعضای کمیته پشت میکروفن رفت و از مسلمانان خواست تا جلسه را ترک کنندو اجازه دهند «سازمان انقلابی» برنامه‌اش را اجرا کند، امابه خواست نماینده کمیته توجهی نشد و هنگامیکه سخنران «سازمان انقلابی» پشت میکروفن رفت، آشوب بالاگرفت و گروهی قصد حمله به او را داشتند که پاسداران کمیته شروع به تیراندازی هوایی کردند. سخنران اعلام داشت بخاطر جلوگیری از آشوب میتینگ برگزار نخواهد شد.

اعتراض دانشجویان مبارز ساری

دانشجویان مبارز دانشکده کشاورزی ساری، دراعتراض به حمله به‌دفتر موقتشان این اطلاعیه را منتشر کرده‌اند: «روزیکشنبه ۵۸/۱/۱۹ تعدادی ازدانشجویان مسلمان دانشکده کشاورزی ساری درمحل دفتر موقت دانشجویان مبارز جمع میشوند وپس ازپرخاش از آن‌ها می‌خواهند دفتر موقت خویش‌را تعطیل نمایند درهمین حین دوتن از اعضای شورای دانشجوئی (شورا تماماً از دانشجویان مسلمان می‌باشد) در محل حاضر میشوند و بجای جلوگیری ازاین عمل غیراصولی دانشجویان مسلمان خود نیز به مسئله دامن می‌زنند وتمام کتب و نشریات دانشجویان مبارز را از محل دفترموقت بیرون می‌ریزند.

دانشجویان مبارزکه ازیک ماه پیش چندین‌بار از شورای دانشکده تقاضای اتاق کرده‌بودند وهربار شورا بابهانه‌جوئی‌های مختلف باوجود امکانات ازدادن اتاق سرباززده (درصورتیکه فعلا ۲ اطاق در اختیار دانشجویان مسلمان و ۲ اطاق در اختیار دانشجویان پیشگام می‌باشد) و عملا مانع فعالیت این‌گروه در دانشکده شده است و زمانی که دانشجویان مبارز مجبورمیشوند جهت گذاشتن کتاب وجزوه‌خویش بطورموقت ازگوشه‌ای ازکتابخانهٔ دانشکده که هیچگونه مزاحمتی برای هیچ گروهی نداشت استفاده نمایند، وحشیانه به‌آنها حمله‌ور شده و چون مزدوران آریامهری کتاب ونشریات آنان را بیرون

بحران را جدی بگیریم

بقیه از صفحه ۱

ما برآنیم که‌سازمانهای انقلابی درتشکل وسازماندهی عالیتر وگسترده‌تر است که میتوانند به‌همکاری و وحدت عمل مشترک برسند، نه‌درانحلال وتعطیل یک سازمان وتحلیل رفتن در سازمان دیگر، باید بمبارزات ایدئولوژیک ادامه دهند، این مبارزه وبحث را بصورت یک حرکت داخلی مطرح در درون نهضت، نه دربیرون که مورد استفاده ضد انقلاب قرارگیرد.

ما به‌تمام نیروها هشدار میدهیم، ارتجاع و ضد انقلاب، شدیداً تدارک می‌بینند. گروههای مسلح و مخفی سازمان میدهد و اولین هدف ضد انقلاب سرکوبی وازمیان برداشتن سازمانها وتشکیلات انقلابی است وجدائی وتفرقه درمیان این سازمانها موقعیت طلائی وبی‌نظیری دراختیار دشمن قرار میدهد. ضدانقلاب برای‌شروع همه جانبه تهاجم ضد انقلابی گوش خوابانده. وبه تفرقه و برادرکشی بین نیروهای انقلابی امید بسته است. تظاهرات چندروزگذشته را درپهنای کشورمان درنظر بیاورید وحتی برخی‌مسلحانه باصدورقطعنامه اعلان جنگ میدهند. درچنین‌شرایطی تاختن بیک‌دیگر، بمعنای آب به‌آسیاب دشمن ریختن نیست؟اگر انقلابی هستید، اگرمصالح خلق را دربرابر دارید، هشیاری وبینش انقلابی شماکجا رفته است؟ ضد انقلاب‌را دربرابر خود نمی‌بینیدکه چگونه باشتاب‌وتوان سازمان میدهد وبا تفرقه‌ای‌که بین‌ما انداخته، ما را (بجای خود) در برابر همدیگر قرار میدهد. آیا تشخیص دوست ازدشمن این چنین دشوار است؟

مابنام دموکراسی، بنام‌خواست مبرم زحمتکشان، ازتمام نیروهای انقلابی میخواهیم‌که دربرابر همدیگرقرار نگیرند. تضادهای درونی وکوچک را مطلق نکنند و دشمن زخمی را از یاد نبرند، مسائل داخلی نهضت انقلابی را، بامسائل عام و اساسی انقلاب نیامیزند و درشرایط فعلی فقط، آتش‌ها را متوجه ضدانقلاب سازند وبدینگونه‌وحدت عمل بین نیروهای انقلابی را بوجودآورند و در راه توسعه وگسترش دائم وحدت عمل بکوشند درغیر اینصورت آگاه یا ناآگاه در برابر خلق مسئولیت دارند و باید بدانندکه باتفرقه افکنی ونفاق به‌صف دشمن پیوسته‌اند، نه‌انقلاب.

کارگران بیکارشده

مکوت کامل اختیارکرده است

کارگران اعلام کردند

بقیه از صفحه ۱

که زده شده است، اعتراض

اولا: امیر انتظام که در مصاحبه تلویزیونی خود به

بازداشت فرزندان

بقیه از صفحه ۱

کمیته امداد و دفتر آیت‌الله طالقانی دیروز به‌حال تعطیل درآمده بود و صدها نفر که برای کسب‌خبر به‌منزل آیت‌الله مراجعه کرده بودند، بی‌نتیجه بازگشتند. یکی از افراد کمیته امدادآیت‌الله درپاسخ خبرنگاران ماگفت این خبرها را نه‌تکذیب می‌کنیم و نه تایید. او حاضر نشد در باره اینکه کمیته‌امداد و دفتر آیت‌الله تا اطلاع ثانوی تعطیل‌شده است اطلاع بیشتری در اختیارخبرنگاران مابگذارد.

اعتراض آیت‌الله

یک منبع مطلع بخبرنگار ما چنین گفت: مجتبی طالقانی بدست افراد کمیته دستگیر و بازجویی شده است. او که به همراه برادر و خواهرزنش از دفتر الفتح خارج می‌شد همگی بمدت یکشب بازداشت بوده و توسط‌غروی یکی ازاعضای کمیته از آنها بازجوئی شده‌است گفته‌میشود عده‌یی از اعضای دفتر الفتح از جمله هانی‌الحسن شاهد این دستگیری بوده‌اند.

مجتبی طالقانی درسازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر عضویت دارد. این منبع افزود: آیت‌اله طالقانی به عنوان اعتراض به این عمل دفاترش راتعطیل وتهران‌را ترک کرده‌است

تایید وتکذیب ...ها

کمیته مرکزی ...

بابل، شاهی و آمل در طی نشستی با تبادل نظر، کمیته "استان مازندران وابسته به اتحادیهٔ انقلابی دانش‌آموزان ایران" را تشکیل دادند. این کمیته، گسترش اتحادیه در دیگر شهرهای استان مازندران را جزو برنامهٔ خود قرار داده و برای تحقق آن گام برمیدارد.

ما کوشش دوستان را صمیمانه تبریک میگوئیم. راه آسان در تحقق خواستهای بحق دانش‌آموزان، چراغ راه ما نیز خواهد بود.

به امید موفقیت
هیئت مرکزی اتحادیه انقلابی
دانش‌آموزان ایران

● پیام

سر ویـ خرداد ۵۷ سعید معینی در... تان کردستان عراق به دست رژیم فا... شیستی حاکم بر ایران به شهادت رسید. جمعیت کردها و میهن پرست به منا... سبت بزرگداشت این شهید راه... سـرداده در داستان سعید جلسه‌ای برپا داشتند. اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان ایران با فرستادن پیامی همدردی خود را با ملت کرد و خانواده "معینی" ابراز داشت. این پیام به علت... خوانده شده ولی به صورت اعلامیه در... گردید. متن پیام را در... می‌خوانید:

بقیه در صفحه ۴

...عی نیز برخوردار نیستند. در این محله معمولاً هر خانواده‌ای را پدر و مادر و هشت کودک تشکیل شده و این کودکان از زندگانی که چشم باز می‌کنند با خانه‌های کثیف و خالی از وسایل ابتدائی زندگی و فقر و ناراحتی روبرو می‌شوند و هنگامی که سنشان اقتضا کند باید سر کار رفته و کمکی در چرخیدن اقتصاد خانواده بکنند. حال که تا اندازه‌ای با این محله آشنا شدیم به اصل مطلب یعنی گفتگو با فرزند یکی از زحمتکشان میهنمان می‌پردازیم:

بعد از ظهر جمعه ۳/۲۵ بود. داشتم توی پارک ۲۸ مرداد سابق (فدائیان اسلام جدید) قدم می‌زدم. هوا خیلی گرم بود به طوری که مغز آدم از گرما سوت می‌کشید. کمی آب خوردم ولی باز تشنگی و عطشم رفع نشد. یکدفعه چشمم به پسرکی افتاد که جلوی در دانشگاه... می‌فروخت. رفتم جلو و... خریدم. بعد توی سایه‌ای نشستم که بستنی را بخورم. در حین خوردن پسر را نگاه می‌کردم. دیدم که او هم سن و سال خودم است. دوباره رفتم جلو و... کردم سر صحبت را باز کنم، چونکه در توی پارک تنها بودیم یعنی کسی همراهمان نبود. گفتم:

اسمت چیه؟ گفت: "حسن" منم اسم خودم را بهش گفتم و پرسیدم:

"چرا تو این گرما خودت اینجا... راه می‌ری و آلاسکا می‌فروشی؟"

- راستش من... می‌دونم می‌...

دو دوچرخه‌ای که دارم برای... چون می‌... می‌خوام با خودم ببرم آنجا و به بچه‌هامون ده نشون بدم".

- مگه از فروش این آلاسکاها چقدر گیرت می‌یاد که بتونی با اون دوچرخه بخری؟"

- والله من این آلاسکاها رو دونه‌ای سه زار روده‌شاهی از کارگاهی که اینها رو می‌سازه می‌خرم و برای فروشش از صبح تا شب باید توی کوچه‌ها بگردم تا چند تاشو بفروشم. من اونها رو دونه‌ای... می‌فروشم. بعضیها خیال می‌کنند که این کاسبی روزی کلی کاسبی می‌کنم. اما راستشو بخواهید اینطور نیست، اصل سود رو صاحب کارگاهی هست که اینها رو می‌سازه آخه اون این آلاسکاها رو از کمی آب و... و مقدار خیلی کمی شکر درست می‌کنه، که اینها هم خرجی نداره ولی با این حساب بستنی‌ها رو دونه‌ای سه زار روده‌شاهی به من بدبخت می‌فروشه، ولی من از صبح تا شب باید توی خیابونها دنبال مشتری بگردم تا شاید چند تائی رو بفروشم، ... کمی کاسبی کنم. تا... شدوم... قرون وده شاهی میبرم با دارهٔ از این... قرون وده شاهی باید بدم... دیسه هم پول بدم که تقریباً... برام می‌مونه".

- مگه بابات چیکاره است؟"

- آتاهم ورقه‌های آلومینیوم رو از کارخونه‌ای که می‌سازه... به ارتفا... هائی که از اینها برای ساختن لوله... بخاری و کولر، استفاده می‌کنن می‌بره

بقیه در صفحه ۵

جای سپاه دانش را گرفتند ۵ کلاسه شد که این پنج کلاس اتاقهای محقر و تنگی هستند. این مدرسه دارای نیمکتهای قدیمی میباشد. درضمن در کلاسها بخاری نفتی نیز موجود بوده که این بخاریها بسیار خطرناک است و هر لحظه امکان آتش گرفتن دارد (درسال گذشته در یکی از شهرهای مازندران، آمل، همین بخاری نفتی بود که باعث آتش‌سوزی شد و در نتیجه آن چند نفر از دانش‌آموزان دبیرستان زنده زنده در آتش سوختند). با تمام تنگی جا پنجاه الی شصت نفر دانش‌آموز در هر کلاس مشغول درس خواندن هستند و تازه نباید فراموش کرد که بسیاری از فرزندان روستایی ده ما از تحصیل کردن محروم هستند و علت آن این است که پدران این بچه‌ها از فرزندان خود برای کارهای زراعتی و دامپروری استفاده میکنند و ترجیح میدهند که آنها را به مدرسه نفرستند. دانش‌آموزانی هم که تحصیل می‌کنند اغلب تا کلاس پنجم به مدرسه می‌روند و درضمن آن همدوش مادران و پدران خود کشاورزی کنند و در نان آوری با آنان سهیم هستند. بعلاوه چون کلاسهای بالا

بقیه در صفحه ۵

توجه

مقالات، انتقادات، نظریات
و پیشنهادات خود را به آدرس پستی زیر
ارسال نمایید: تهران، منطقه ۱۶،
صندوق پستی ۶۴/۹۳۵

تشکیل مجلس موسسان تنها راه حفظ دستاوردهای انقلاب است

★گزارش....

تشکیل کمیته استان مازندران وابسته به اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان ایران را بتمام دوستان تبریک میگوئیم •

دوستان دانش‌آموز ما در محمود آباد مدتها بود که تشکیلات کوچکی از هواداران اتحادیه را در آن شهر بوجود آورده و صمیمانه در جهت پیشبرد امور اتحادیه به ما ... میرسانیدند. لذا موقعیت را برای اعلام موجودیت مساعد دیده و نمایندگان اتحادیه را در استان مرکزی، به جلسه خود دعوت نمودند. این جلسه در روز پنجشنبه ۵۸/۳/۳۱ ساعت ۳ بعدازظهر در محمودآباد برگزار گردید و نمایندگان در مورد اتحادیه و نحوه مبارزات آن در شرایط موجود توضیحاتی دادند و فیلمی به نمایش گذاشته شد که مورد استقبال واقع گردید. ولی این برنامه اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان بخش محمودآباد موجودیت خود را اعلام و متذکر شد که در آینده نیز با کوشش هرچه بیشتر در جهت مبارزات اتحادیه خود گام برخواهد داشت. و فردای آنروز نمایندگان دیگر شهرهای استان مازندران از جمله ساری، بابل، شاهی و آمل در طی نشستی با تبادل نظر، کمیته "استان مازندران وابسته به اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان ایران" را تشکیل دادند. این کمیته، ...

گفتگویی با یک آلاسکا فروش

● "...چه حرف مفتی! مگه با قناعت میشود پولدار شد؟ ..."

● "... این پولهایی که توی دستهای آنهاست همه‌اش مال ماست چون آنها نه کار می‌کنند و نه زحمتی را که ما می‌کشیم احساس می‌کنند ..."



میدان خراسان محله‌ای در جنوب تهران است که اکثراً اهالی آن از زحمتکشان، رنجبران و اعیان میهمانان بوده و از معمولی‌ترین امکانات اجتماعی نیز برخوردار نیستند. در این محله معمولاً هر خانواده‌ای از پدر و مادر و شش هفت کودک تشکیل شده و این کودکان از زندگانی که چشم باز می‌کنند با خانه ...

... دوچرخه داشته باشم. یعنی به این ... ردیفه اینکه برای کمک به ننه و ... ما ... بونه وخونواده‌ام دارم آلاسکا می فروشم. ... تابستون هم می خوام برم دهات ... ودوچرخه را ... دارم ... چون می کنم ... می خوام باخودم ببرم آنجا و به بچه‌ها ... ده نشون بدم".

— مگه از فروش این آلاسکا ها چقدر ... درمی‌آد ...

★ نامه‌ها

● **جواب نامهٔ دوست ما از بروجرد**

زهرهٔ عزیز از نقاشی که فرستادی خیلی خیلی تشکر میکنیم. باز هم برای ما نقاشی و طرح بفرست. اما دوست عزیز چون اتحادیه نمیتواند سازمانهای خاصی را تبلیغ کند، بنابراین ما قادر به چاپ نقاشیت نیستیم.

● **نامه‌ای از "تیرکلا"**

گزارشی که در زیر نقل میکنیم از ده ما میباشد که در آن قبلاً مشغول تحصیل بوده‌ام.

موقعیت ده

در اطراف ساری دهات سرسبز فراوان وجود دارد. یکی از این دهات که در قسمت شمالی ساری در دوازده کیلومتری آن با ۱۵۰ خانوار جمعیت موجود است و بهترین دهات اطراف ساری نیز میباشد. ده ما "تیرکلا" است. مدرسه ما از ابتدای تشکیل، کلاس درسی نداشت بلکه درسهایمان را در "تکیه" می خواندیم تا اینکه بعداز دوسال مدرسه دو کلاسه بهمت مردم ساخته شد که پایه‌های یک و دو و سه با هم در یک کلاس و چهار و پنج باهم در یک کلاس دیگر باهم درس می خواندند.

البته این مدرسه از سال ۵۵ به بعد یعنی همزمان با موقعی که معلمان دانشجوی سپاه دانش را گرفتند کلاسه شد که این پنج کلاس تا تا قهای محقر و تنگی هستند. این مدرسه دارای نیمکتهای قدیمی میباشد. درضمن در کلاسها بخاری نفتی هم موجود بوده که ...

- "چطور ؟"

- "مدرسه ما یك آزمایشگاه و كارگاه كوچك داره كه هرچند جز و درسها مونه ولی ما نه قبل از انقلاب و نه بعد از انقلاب رنگ اینجاها رو ندیدیم . سخت گیری - هم همون سختگیری هاست ."

- "تو اصلاً از درسهایی كه می خونی خوشت میاد ؟"

- "نه بابا ، اصلاً چیزی ازش نمی - فهمیم فقط اونها را باید حفظ كردو - امتحان داد ."

- "خوب ، تو غیر از این كتابها ، كتا - بهای غیردرسی هم می خونی ؟"

- "خیلی كم . چندروز پیش از كتا - بخونه یه كتابی گرفتم كه نمی دونم نویسنده اش كی یه ؟ همینكه دو صفحه خوندم دیگه از خوندنش خسته شدم ."

- بعد از اون كتابهای دیگه ای - نخوندی ؟"

- "چرا . خوندم . تا حالا دو تا كتاب از صمد بهرنگی خوندم كه اسم یكی شون " ماهی سیاه كوچولو " بود ولی اسم اون یكی یادم نیست ."

- "وقتی كه این كتابها رو خوندی - مثل كتابای اولی كه گفتی خسته شدی ؟"

- "اصلاً خسته نشدم اتفاقاً خیلی هم خوشم اومد ."

- "پس چرا بازم كتابهاشو نمی خونی ؟"

- "آخه كلاً من كتاب خوندن رو دوست ندارم واصلاً وقتشو هم ندارم ."

- "خوب بریم سر مدرسه و خونه ها - محله شما و خونه ها و مدرسه های بالای شهر بنظر تو چه فرقی بین این خونه ها و مدرسه ها وجود داره ؟"

- تا اونجایی كه من می دونم این پولها كه توی دستهای اونهاست همه اش حق ماهست . چونكه اونها نه كار می كنند و نه زحمتی رو كه ما می كشیم احساس می كنن . ولی یه عده می گن اونها از اول زندگی شون قناعت كرده اند .

- "آیا بنظر تو این حرفها درسته ؟ شما هم می تونید با قناعت و پس انداز - كردن پولدار بشین ؟"

- "عجب حرفهایی می زنی ما چقدر پول درمیاریم كه كمی شو جمع كنیم ؟ اگر بخواهیم كمی شم جمع كنیم دیگه از گرسنگی می میریم همه اینها حرف مفته ، آخه كی می تونه با قناعت پول - دار بشه ؟"

دیدم كه دیگه حرفی برای گفتن نداریم . با او دست دادم و خداحافظی كردم . او هم جوابم را داد و من ازش دور شدم كه از دور صداشو شنیدم كه داد می - زد " بازم بهم سر بزن " ، گفتم : " حتماً ، ....."

" سیامك ، الف "

توجه .

به اطلاع دوستان می رساند كه نشست عمومی اتحادیه به ۴/ ۵۸ موكول شد .

دوستان عزیز :

كتابها و پیام ارسالی شما را با كمال خوشحالی دریافت داشتیم همانگونه كه مطلعید كتابخانه "جمعیت دفاع از حقوق خلق كرد" در اشنویه توسط ضد انقلابیون و دست نشاندگان رژیم منفور و مخلوع پهلوی برای دومین بار به آتش كشیده شده است .

آیا با به آتش كشیدن كتابخانه ها و دوختن لبها میتوان جلوی حركت تاریخ تكامل افكار خلقها را گرفت ؟

ما معتقدیم كه آتش افروزیها و براه انداختن جنگهای خانمانسوز و دوختن لبها و توطئه چینی ها و سانسور ها و ..... هیچكدام را یارای مقاومت و پایداری در - مقابل حركت تاریخ و تكامل جوامع بشری نیست . همانطور كه فاشیسم هیتلری را با تمام قدرت شیطانی خود یارای مقاومت در مقابل جنبش عظیم خلقهای جهان نبود ، همانطور كه رژیم فاشیستی شاه خونخوار در مقابل خیزش عظیم خلقهای قهرمان ایران خورد شده و از بین رفت ، بازماندگان و وابستگان به این خونخوار زمان نیز با تداوم بخشیدن به مبارزه خلقها نابود و ریشه كن خواهند شد . مرتجعین و وابستگان به رژیم مخلوع فكر كردند كه با به آتش كشیدن كتابخانه جمعیت خواهند توانست هراسی در دل اعضا و هواداران جمعیت ایجاد كنند و - آنها را از مبارزه با هرگونه اعمال ضد انقلابی و ارتجاعی ، و از مبارزه برای به - تحقق بخشیدن اهداف خود باز دارند ، ولی ایشان در افكاری بیهوده و خائنانه بسر میبرند . تجربه نشان داد كه هر بار پس از سوزاندن كتابخانه به تعداد اعضا و هواداران جمعیت افزوده شد و رابطه ما با زحمتكشان كرد در منطقه تحكم - بیشتری یافت . و ما پیامهای همبستگی و پشتیبانی كه اقصی نقاط ایران و از طرف سازمانها و جمعیت های مترقی دریافت داشتیم .

پیام و كتابهای اهدائی شما دوستان عزیز نیز ما را در راهی كه در پیش داریم استوارتر كرده و باعث دلگرمی ما شد . و ما نیز امیدواریم كه همكاری بین نیروهای مترقی تا رسیدن به اهداف انقلابی آنها همواره برقرار باشد.

(((مستحكم باد همبستگی خلقهای ایران)))

جمعیت دفاع از حقوق خلق كرد - اشنویه

جمعیت دفاع از حقوق خلق كرد اشنویه

برقرار باد پیوند بین نیروهای مترقی و خلقهای ایران

بقیه گفتگوی بابک ....

واین میون چیزی‌هم گیرآقام می یاد تا بستونهاهم ، آقام وهمه‌مون می‌ریم ده ،کارکنیم .

ـ "کلاس‌چندی؟ کدوم مدرسه‌می ری."

ـ "چی بگم؟ حالا که‌کلاس‌سوّم راهنمائی هستم ومدرسه‌ٔ مهرگان می‌رم که‌همین دوکوچه پائین تره . اونم شدمدرسه؟"

ـ "چطورمگه؟"

ـ "امسال غیرازدوسه جلسه‌اول‌معلم ریاضی وزبان نداشتیم یعنی فقط چندصفحه‌ٔ اول کتابوخوندیم و بقیه‌درسهاشم پای‌خودمون بود ولی آخرسال یك‌امتحانی ازما گرفتن که همه‌اش ازقسمتهایی بودکه‌نخونده‌بودیم ، واسه‌ٔ همینم امسال‌حتماً تجدیدی می‌یارم ."

ـ "حالا اگریك‌کلاس تجدیدی مجانی گیرت‌بیاد ،می‌ری‌سرکلاس؟"

ـ "همونطوری که‌گفتم آقام واهل خونه‌وا ده ،تابستون می‌رن ده برای‌همین منم مجبورم باهاشون برم ،واسه‌ٔ همین نمی‌تونم‌برم سرکلاس ."

ـ "وضع مدرسه‌تون باقبل ازانقلاب چه فرقی کرده؟"

ـ "هیچی ، همون وضع سابقه ."

ـ "چطور؟"

ـ "مدرسه‌ما یك‌آزمایشگاه‌وکارگاه کوچك‌داره‌که‌هرچندجزودرسهامونه‌ولی مانه‌قبل ازانقلاب ونه‌بعدازانقلاب رنگ‌اینجاها روندیدیم . سخت گیری‌هم همون سختگیری‌هاست ."

ـ "راستش‌یك‌روزی یادم نیست واسه‌چی به‌اون بالای‌شهرسری زدم وتعجب کردم ."

ـ "واسه‌چی؟"

ـ "مدرسه‌های اونجاخیلی قشنگ‌بودن همه‌دیوارهای بیرونش مرمری بود . همینطوری که‌داشتم ساختمون مدرسه‌رونگاه می کردم بچه‌ها رومی دیدم که‌بالباسهای اتو‌شده‌وکیف‌وکفش تمیز وسرووضع آراسته‌به مدرسه می رفتن وقتی که‌به‌چیزهایی که دستشون بودوباخودشان به‌مدرسه‌می بردن دقت‌کردم ،دیدم توی دستشون قابلمه‌های سه‌طبقه‌ای هست که‌حتماً توش پرازغذای‌خوش‌مزه‌است ."

ـ "خونه‌هاشون چطوربود؟"

ـ "خونه‌هاشون ازخونه‌های ماخیلی قشنگ‌تروبزرگتربودند . خونه‌ماحدود ۳۰ ، ۴۰ متره‌درحالیکه‌خونه‌های اونها چندین برابرخونه‌های ماهست . خونه ما فقط دوتااتاق داره‌که‌توی‌این دوتا اتاق هشت نفرزندگی می کنن ."

ـ "بنظرتوچراخونه‌های اونهابه‌این قشنگی وخونه‌های شمابه‌این خرابیست؟"

ـ "آخه اونها پول دارن ولی ما‌نداریم ."

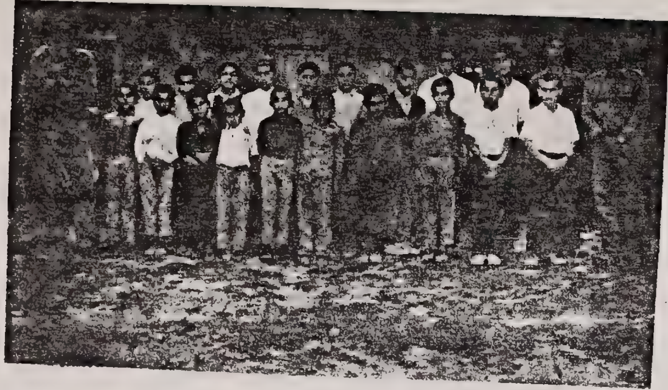
ـ "خوب‌آخه‌این پولهاروازکجاآوردن؟"

ـ "تااونجایی که‌من می دونم این پولهاکه توی دستهای اونهاست همه‌اش حق ماهست . چونکه‌اونها نه‌کار می کنندونه‌زحمتی روکه‌ما می کشیم احساس می کنن . ولی یه‌عده می گن اونهاازاول زندگی شون قناعت‌کرده‌اند."

ـ "آیا بنظرتواین حرفها درسته؟"

... ما هم می‌ تونیم با قناعت وپس اندا ز ...

نامه‌ها...



تردرده‌وجودندارد ، برای‌ادامه‌تحصیل بایدبه شهررفت . ولی اکثریت قادر بلینکارنیستند ، که‌علت‌اصلی آن درد‌رجه‌ٔ اول وضع بدمادی‌است . درمورددخترها علاوه‌برآن ، خانواده‌مانع تحصیل آنان درشهرمیشود . درنتیجه‌بچه‌ها ترك تحصیل کرده ، اغلب کارپدروما درشان رادنبال میکنند . دورانی که‌سپاهیان‌دانش‌برای درس‌دادن میامدندوضع بهتربود ،آنان به‌روستازادگان باعلاقه‌وعشق خاصی که ناشی ازمحبت وانسان دوستی بوده ، درس میدادندوارتباطشان با بچه‌ها بسیارخوب بود ویاحداقل درده‌مااینطوری بود . ولی الان که‌بجای سپاهی دانش ، معلم برایمان میفرستند طوری شده‌که‌معلمها در بعضی از روزها سر کلاس نمیروند و وقتی که میروند بعد از دو ساعت بچه‌ها را به خانه میفرستند و موقع امتحان با پول گرفتن از مردمی که وضع مادی آنها خوب نیست ،بچه‌های آنها را قبول میکنند و به کلاس بالاتر میفرستند به علت کم کاری معلم و بی میلی به تدریس بیشتر دانش‌آموزان مدرسه تجدید یا مردود میشوند ،در ضمن علاوه بر توضیحی هم که در مورد وضع دانش‌آموزان این ده داده شد بوسیله چند عکس که از دوره سپاهی دانش گرفته‌شده میتوان صحت گفتار بالا را درك کرد ■

● ازاشنویه ...

اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان ایران تاریخ : ۱۹/ ۲/ ۱۳۸

دوستان عزیز :

کتابها وپیام ارسالی شما را با کمال خوشحالی دریافت داشتیم ،همانگونه که مطلعید کتابخانه "جمعیت دفاع از حقوق خلق کرد" در اشنویه توسط ضد انقلابیون ودست نشاندگان رژیم منفور ومخلوع پهلوی برای دومین بار به آتش کشیده شده است .

آیا با به آتش‌کشیدن کتابخانه‌ها ، ودوختن لبها میتوان جلوی حرکت تاریخ

لحظه‌ای به جای خویش می‌ایستم خموش
و آنگه دوان دوان خون درر گم به جوش
زی کلبه می دوم سوی تفنگ خویش
می گیرمش به دوش
انبوه توده‌ها فریاد مرده باد
نزدیک می شوند آباد جهاد

" فریدون "

خورشید انقلاب

آهنگ روستا
عصیان شهرها
فرمان توده‌ها
پیمان ارتقا
از بیکران یأس
مرغ خواندم بگوش
هنگامه امید
امید زندگی
تا وارهم ز درد
تا برکنم ز جا
بنیاد بردگی
شیوا بیان شوم
آتش زبان شوم
گویم ترانه‌ها
گیرم بکف تفنگ
با خلق همنوا
تا برکشم زبن
افسون جنگها
چون آذرخش تند
در خرمن ستاره‌ها
سازم شراره‌ها
رزم آزما شوم
آندم که کارگر با
خلق روستا
همراه و همصدا
با پتک و داس‌ها
خاندسرود رزم
خیل ستمکشان
در دشت‌ها رها
من در صفوف رزم
در سنگر نبرد
با هم‌ثنان خویش
پیمان خون کنم
رزم آزما شوم
در بستر زمان
در خون تپم چو صید
ب...ور زندگی
تا توده وارهد
از قید بندگی
تا بر کند نوا
فرزند کارگر
این است دور ما
زنجیرها گسست
پیمانها شکست
پیمانهٔ ستم
خالی زباده شد
وز شرق توده‌ها
تابیده سرکشید
خورشید انقلاب

گیرد و از دل خاک نان بیرون می‌کشد. پدرش را سال گذشته از دست داد پدرش هنگام جمع آوری چوب از کنار رودخانه در چمنزاری می‌خوابد مار پایش را می گزد و همانجا نمی‌ماند هنگام غروب که تقی با گوسفندها پس از آنجا می گذشته است او را می‌بیند و به ده می آید و مردم را صدا می‌زند همه بیرون می ریزند و صدای گریه به هوا بلند می شود و رجب که در حال آب دادن به درخت کوچکش بود به دنبال مردم راه می‌افتد و هرچه می پرسد چه شده کسی جوابش را نمی‌دهد و وقتی که به محل می رسند رجب ناگه پدرش را می‌بیند که به خواب ابد رفته است دنیا در نظر رجب تاریک می شود و یک لحظه مردد می ماند و به یکباره خود را روی جنازه پدر می‌اندازد و از حال می‌رود.

مردم رجب و پدرش را به ده می‌آورند. مادر رجب وقتی که جنازه شوهرش را می بیند پسر کوچکش را بر میدارد و به دنبال تابوت براه می‌افتد خود را تا قبرستان میرساند و خود را به قبری که برای جنازه کنده شده بود می‌اندازد و بی جان می شود. پسر کوچکش به خیال اینکه مادرش مرده جیغ می کشد و بروی مادرش می افتد و صدایش در گلویش خفه می شود. رجب تازه به هوش آمده و به سردی گریه می کند.

حالا وقتی آن روز بیاد رجب می افتد بی اختیار گریه می کند. حالا او نان آور خانه است. او هر روز صبح زود از خواب برمی خیزد و کمی نان می خورد و بیل بدست گرفته به طرف مزرعه براه می‌افتد

دیروز وقتی که از مدرسه باز می گشتم شنیدم که رجب مریض شده است به خانه شان رفتم حالش خیلی بد بود چند قدمی بیشتر با مرگ فاصله نداشت. رنگ از چهره‌اش پریده بود داشت از جهان پر رنجش وداع می گفت. مادرش را دیدم که بر بالین فرزند نشسته بود و آنقدر گریه کرده بود که دیگر یارای گریه کردن نداشت. می گفت " رجب جان نرو ... مادر تو تنها نگذار ... محمود ترا می خواهد ... رجب ... رجب ... رجب.

با ناراحتی و بیاد روزهایی که با رجب گذرانده بودم بطرف خانه براه افتادم مغزم جولانگاه سوالها شده بود که آن مادر پیر با آن فرزند صغیر چگونه زندگی خواهند کرد ؟ چرا باید آنها گرسنه بمانند ؟

از کوچه می گذرم دوستان رجب را می بینم که در کنار رودخانه بازی می‌کنند با تلخترین آهنگ به آنها میگویم " بچه ها رجب می میرد " با سراسیمگی مثل آنکه نمی خواهند باور کنند بلند می شوند و بطرف خانه رجب می دوند و با گریه برمی گردند ... رجب مرده ! !

فردای انقلاب

شیپور انقلاب پرجوش و پرخروش
از نقطه‌های دور می‌آیدم به گوش
می‌گیردم قرار می‌بخشدم امید
میاردم به هوش
فرمان جنبش است هنگامه نبرد
غوغای رستخیز روز قیام مرد
جان می‌پرد ز شوق خون می‌چکد ز چشم
دل می‌تپد ز درد
در تیره جنگلی انبوه و دور دست
بر طرف کوهسار در پای رود مست
نا چیز کلبه است برپا ز دیر باز
دیوار پر شکست
بر شاخ زبل‌ها در آن مکان تنش
آویخته ز سقف وارون پتی تفنگ
بر قنداقه پرتنبا را ز نشت نان و ماه
بی نور و تیره رنگ
این همدم من است که از روزگار پیر
بی کار مانده است بر جا یکا خویش
از جنت وار زشکار محروم و بی نصیب
افزوده تیر کیش
شیپور انقلاب پرجوش و پرخروش
از نقطه‌های دور می‌آیدم به گوش
می‌گیردم قرار می‌بخشدم امید
میاردم به هوش
می‌دانی بس ز دور فریاد توده‌ها
آید به دست باد سر کوش من رسا
غوغای کارگر هورای رنجبر
فریاد بی نوا
لختی به جای خویش می‌ایستم خموش
وآنگه دوان دوان خون در رگم به جوش

غرنده همچو سیل کوبنده همچو پتک
توفنده همچو باد
پاکیزه می‌کنم قنداقش ز خاک
گردش به آستین سازم زلوله پاک
پس بر کمر ز شوق بندم قطار خویش
کین جوی و خشمناک
من بی خبر ز خویش سرمست و بیقرار
در پیش آن گروه جویای کارزار
خوش می‌دوم دلیر کز روز نارخصم
خوش بر کشم دمار
فریاد می‌کشد پس با سری سپید
پیری از آن گروه با قلب پر امید
ای یاران به همرا ز همرزا به پیش
دشمن زره رسید
ستیزه‌های خصم در نور آفتاب
رخشنده می به چشم چون نهایر آب
نیروی دولت این لشکر عظیم
سرکوب انقلاب
رگبارهای تیر تا که ز هر سو
با ردبه رهگذر ریزد ز بام و کوه
غلطم من از میان در حمله نخست
در خون خود فرو
انبوه منقلب لیکن خوار تر شود
جوشش به کارزار همراه تر می‌شود
آرچنان هجوم ریزد چنان به خاک
تا چیره در شود
فردای انقلاب بر صحن کارزار
سیمای شما مرا می‌جوید اشکبار
من مرده‌ام ولی شادم که صد هزار
شادان‌اند و کامکار

" فریدون "

سازم سرا ره‌ها

بقیه "گزارش ..."

پیام به خلق قهرمان کرد

خلق کرد همگام و همانند دیگر خلقهای ایران ، شهدای بسیاری در راه آزادی زحمتکشان میهنمان ، از یوغ استعمار و استثمار اهداء نموده است . کردستان ، جوانان دلاور و آگاهی را در دامان خود میپروراند و به جبههٔ جنگ بین خلقهای زحمتکش و امپریالیسم جهانی میفرستد تا دیگر نه نامی و نه نشانی از استثمار انسانها و ظلم و ستم بر خلقها بماند . سالروز شهادت سعید معینی بهانه‌ای بود برای گرامیداشت دلاوریهای خلق کرد و جوانانش ، از آن جمله معینی شهید . سعید همچون برادران بزرگترش سلیمان و عبداله در جبههٔ جنگ ضد امپریالیستی شرکت جست و چه فاتحانه بازگشت ، سعید و سایر شهدای خلق کرد و دیگر خلقهای میهنمان با شهادت خود مهلک‌ترین ضربه‌ها را بر پیکر روبزوال امپریالیسم جهانی وارد ساختند و راه را برای دیگر رزمندگان آزاده ایران هموار کردند .

ما یاد شهید سعید معینی را که در روز سی و یکم خرداد ۱۳۵۷ در خاک کردستان عراق بدست عمال رژیم فاشیستی بعث عراق به شهادت رسید ، گرامی میداریم و به او درود میفرستیم که راه قاضی محمدها ، ملاآوارهها ، شریف‌زاده‌ها ، معینی‌ها ......را پیمود و میراثی از مبارزه و پیروزی برای ما بر جای گذارد .

زنده باد اتحاد خلق کرد و سایر خلقهای ایران و
جهان برضد امپریالیسم جهانی

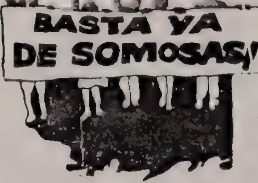
" اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان ایران "

داستانهایی از روستا (۴)

رجبعلی پسر کوچکی است اما آشنا به دردها و رنجهای زندگی . او نان مادرش را که در بستر بیماری افتاده است بدست آورد و برای برادر کوچکش که به مدرسه می رود مداد و دفتر بخرد . زندگی سخت به غنچه های نشکفته روستا فشار آورده است و می خواهد آنان را از رشد باز دارد اما این غنچه های کوچک مقاومت می‌کنند و تیغه خار بدست می گیرند و در برابر این دیو نابکار ایستادگی می کنند و با زخمهای کوچکی که به دیو وارد می‌کنند با آن پیکار می نمایند . آری رجبعلی بیل بدست می - گیرد و از دل خاک نان بیرون می‌کشد . پدرش را سال گذشته از دست داد پدرش هنگام جمع آوری چوب از کنار رودخانه در چمنزاری می‌خوابد مار نیش را می گزد و همانجا جان میدهد هنگام غروب که تقی با گوسفندها از آنجا می گذشته است او را می‌بیند و به ده می آید و

بگوییدببینم با من همعقیده هستید ؟"
گفتم : "بله تصدیق می‌کنم تقریبا همینطوراست
معمولامردم تصورمی کنندکه وظیفه ادبیات بطور کلی عبارت است از تجلیل شخصیت انسان وتلطیف عواطف او ...."سپس با لحن نافذی گفت ،
"می بینیدکه به چه امربزرگی خدمت می کنید"

. . . . .

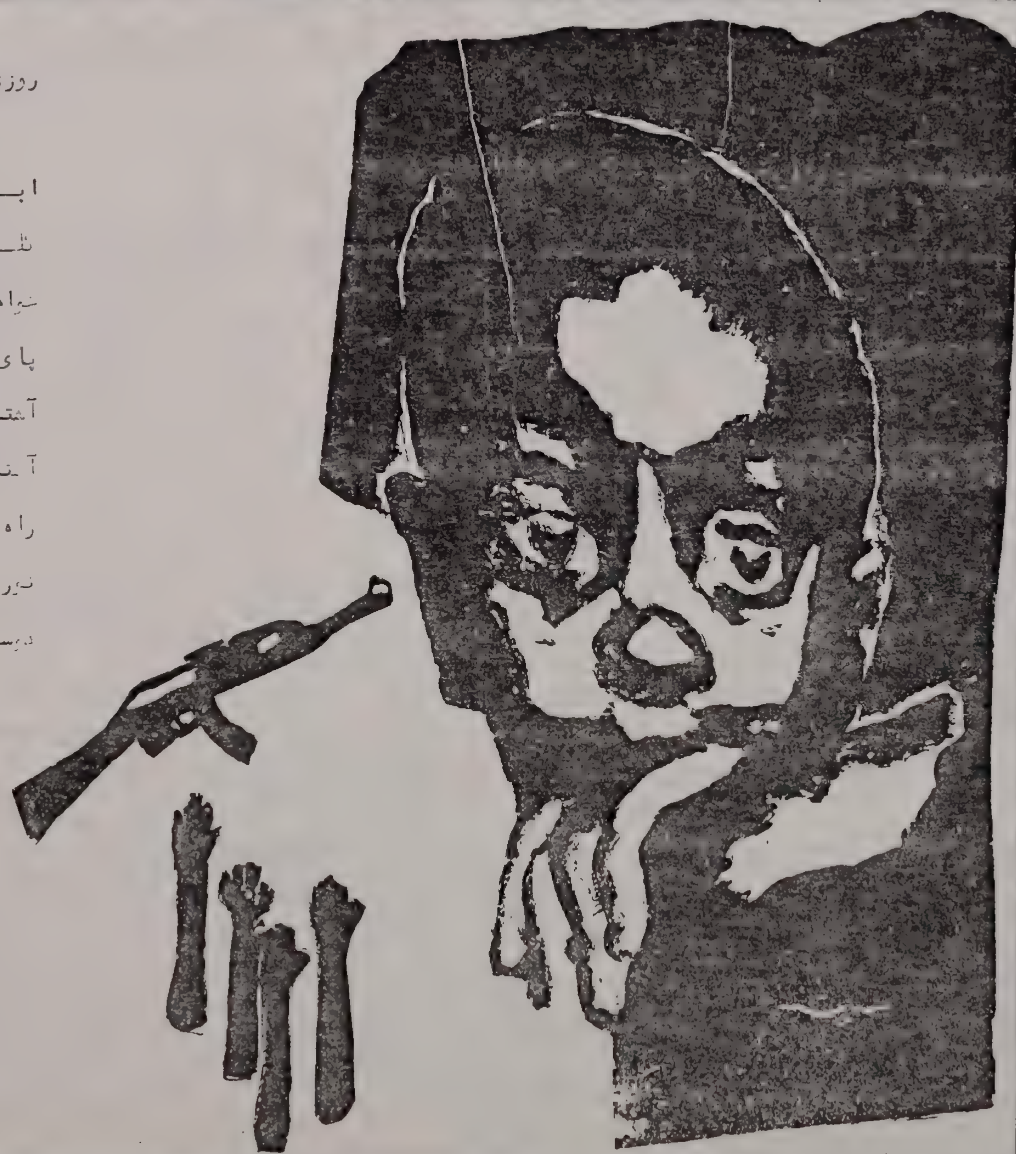


مرگ برساموزا

بیش از پیش رادیکال خواهد شد. " (پیغام
روز - صفحه ۷ - چهارشنبه ۲۳ خرداد) اما
بنا بسایروس ونس دیگر خلقهای نیکاراگوئه
دول کلکهای سیاسی شما را نخواهند
خورد. آنان همچنان که خلق ایران شاه خائن
را میشناخت ساموزای دیکتاتور را به

مواضع بیشتری را بدست میآورد و نیروهای گارد ملی ساموزای دیکتاتور را هر روز به عقب نشینی بیشتری وا میدارد.

هم اکنون چند شهر بزرگ این کشور (لئون و استلی و ماسایا) تقریبا



روزی،

خواهم آمد

ابررا پاره خواهم کرد

شدانها را آب خواهم داد

خواهم آمد، سر هر دیواری میخکی خواهم کاشت

پای هر پنجره‌ای شعری خواهم خواند

آشتی خواهم داد

آشنا خواهم کرد

راه خواهم رفت

نور خواهم خورد

دوست خواهم داشت

" علیرضا پناهی"

بقیه اقتصاد....

توزیع مساوی که تا حال بر روابط اجتماعی بطور اجباری حکمفرما بود (میگوئیم اجباری زیرا در غیر اینصورت کسی به تنهایی نمیتوانست غذا تولید و زندگی کند) اهمیت خود را از دست داده و دیگر پاسخگوی تکامل نیروهای مولد نبود. به این دلیل اصل تقسیم مساوی تغییر شکل یافت و جای آن اصل " هر کس محصول بیشتر تولید کند بیشتر دریافت مینماید" قرار گرفت. این تغییر انسانها را تشویق میکرد که به فعالیت در رشته‌های جدید و مهم بپردازند. سرانجام پیشرفت وسائل تولید و نیروهای مولد به جایی رسید که دیگر نه تنها کار دسته جمعی گروه بزرگی از افراد را بلکه از نظر اقتصادی غیر عملی مینمود. این شیوه تولید جوابگوی تکامل نیروهای مولد را نمیداد و بشر را به عقب بدون نه کار مشترک بر اساس کار فرد وسایل تولید قدیمی میکشاند. به این ترتیب میان مناسبات تولیدی و کار دسته جمعی گروه بزرگی از انسانها و توزیع مساوی فرآورده‌ها و سطح جدید تکامل نیروهای مولد (ابزار و وسایل فنی در کشاورزی و ...) تضاد و ناهماهنگی پدید آمد. این تضاد پایه و شالوده نظام اجتماعی نوینی شد.

ادامه دارد

ایجاد امکانات آموزش برای همه

بقیه "خلق نیکاراگوئه ..."

قهرمان نیکاراگوئه در سال ۱۹۷۰ میگوید:

" چیزیکه اینجا در حال توسعه است مبارزهٔ طبقاتی و مبارزهٔ ضد امپریالیستی است. در یک طرف بورژوازی (سرمایه‌داران)، مخصوصا بخشی از آنان که برای حفظ قدرت امپریالیسم با آن متحد شده است، و در طرف دیگر کارگران، دهقانان، خورده بورژوازی مترقی (دانشجویان، روشنفکران انقلابی ...) همراه با نیروهای انقلابی جهان قرار دارند. "

" سیلویو مایورکا " رهبر ساندنیستها در سال ۱۹٦٤ گفت:

" امیدوارم آنها که بعد از من مبارزه را ادامه میدهند، معنی کرانبهای جنگیدن برای آیندهٔ خلقمان، رهایی نهائیش و انجام اهداف قهرمانان و شهیدانمان را درک کنند. "

و براستی هم ادامه دهندگان راه او و خلق قهرمان نیکاراگوئه این معنی را بخوبی درک کرده‌اند. و به همین سبب است که میبینیم که مبارزات آنها هر روز بیش از روز پیش قوت میگیرد و تن به هیچگونه سازشی نمیدهند.

نیکاراگوئه ۲/۵ میلیون نفر جمعیت دارد و با داشتن ٦٥٠،٠٠٠ نفر نیروی فعال کار اقتصادی، که نیروی محرکه اصلی انقلاب این کشور میباشند، هر روز مواضع بیشتری را بدست میآورد و نیروهای گارد ملی ساموزای دیکتاتور را هر روز به عقب نشینی بیشتری وا میدارد.

هم اکنون چند شهر بزرگ این کشور (لئون و استلی و ماسایا) تقریبا در تسلط جبههٔ رهاییبخش ساندنیستهاست و همچنین نیمی از " مانا گوآ " پایتخت نیکاراگوئه هم اکنون به سنگر مستحکم نیروهای جبههٔ رهاییبخش خلق، تبدیل گشته است. هر چند که خمپاره‌ها و موشکهای ارتش دست پروردهٔ امپریالیسم ساموزا هر روز محلات فقیرنشین این شهر را بمباران میکنند، با این همه شکست ساموزا حتمی است و ساموزا پریشان حال و مضطرب، علنا آمریکا را بکمک میطلبد و در گفتگویی با شبکه تلویزیونی آمریکا چنین میگوید " من از مردم آمریکا میخواهم که من را یاری دهند. همچنان که من سی سال آنها را در جنگ علیه کمونیسم یاری دادم، من از مردم آمریکا میخواهم آنچه را که من در طی جنگ سرد به آنها دادم به من بازگردانند. " (کیهان - چهارشنبه ۳۰ خرداد صفحه ۱۱)

ولی نیروهای خلقهای خشمگین و مسلح نیکاراگوئه چنان عظیم است که آمریکا نیز دیگر یارای کمک مستقیم و نظامی را به ساموزای دیکتاتور ندارد. برای همین است که " سایروس ونس " وزیر خارجه آمریکا دربیانیهٔ خود چنین میگوید:

" ما به پرزیدنت ساموزا گفته‌ایم - برای حل این مسئله یک راه سیاسی لازم است. در غیر اینصورت تلفات بدن جامعه ادامه خواهند یافت و راه حل بین از پیش را دیگر ل خواهد شد. " (پیغام امروز - صفحه ۷ - چهارشنبه ۲۳ خرداد) اما جناب سایروس ونس دیگر خلقهای نیکاراگوئه گول کلکهای سیاسی شما را نخواهند ...

بهر لباسی هم که در آید بخوبی میشناسند و تا سرنگونی کامل او و در هم کوبیدن کلیه ارکان تسلط سیاسی امپریالیسم بر کشورشان، دست از مبارزه نخواهند کشید.

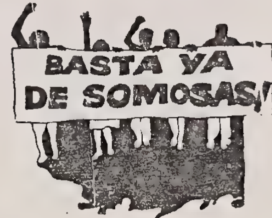
خلق ما نیز تا آخرین لحظه از مبارزات برحق مردم دلیر نیکاراگوئه بر علیه دشمن مشترکمان امپریالیسم آمریکا، پشتیبانی قاطع خواهد نمود و میداند که مبارزات خلقهای سرتاسر جهان پیوندی ناگسستنی با هم و با مبارزات زحمتکشان جهان دارد و تا نابودی کامل امپریالیسم نیز ادامه خواهد یافت.

پیروز باد مبارزهٔ انقلابی خلق قهرمان نیکاراگوئه.

مستحکم باد پیوند خلقهای مبارز - ایران و نیکاراگوئه

۱- نام ساندنیستها برای بزرگداشت نخستین رهبر جبهه آزادیبخش نیکاراگوئه قهرمان بزرگ این کشور " اگوستو سزار ساندنیو " انتخاب گردیده است.

"ساندینو " در سال ۱۹۳٤ بعد از پیروزی نسبی بر امپریالیسم آمریکا و بیرون راندن قوای نظامی، تسلط مستقیم آن، شهید شد و یکی از بزرگترین قهرمان ملی نیکاراگوئه میباشد.



هدف ادبیات چیست؟

"... - ولی از چه صحبت کنیم؟" - ماکسیم گورکی،

اونگاه دقیقی به صورت من انداخت وبا لحن خودمانی یک دوست قدیمی بانک زد " درباره هدف ادبیات" بفرمایید... هرچندکه حالا دیرشده است "...

"- اوه! نه برای شما هنوز دیر نشده است! ... " ازحرفهای او متعجب شده، ایستادم. ازآهنگ کلماتش اعتماد شدید وازلحن گفتارش کنایه مشهود بود. ایستادم وخواستم ازاو چیزی بپرسم ولی او دستمرا گرفت وگفت " نایستید زیرا من و شما راه خوبی را داریم طی می‌کنیم ... مقدمه بس است بگویید ببینم منظور ادبیات چیست؟ ... شما که خدمتگذار ادب و ادبیات هستید باید اینرا بدانید. "

گفتم: گوش کنید قبول بفرمایید آنچه بین ما می‌گذرد ... "

"ابتدا رای اساس وپایه درستی است باور کنید! آخر در دنیا هیچ چیزی بدون پایه واساس صحیح نمی‌گیرد ... تندتر برویم ولی نه به پیش بلکه به ژرفا ... "

من دوباره به جلو حرکت کردم واو به آرامی به دنبال من راه افتاد و گفت " مقصود شما را می‌فهمم تعریف هدف ادبیات برای شما کار دشواری است ولی من سعی می‌کنم این کار را انجام دهم" آهی کشید ولبخند زنان نگاهی به صورت من انداخت: "اگر بگویم هدف ادبیات این است که بانسان کمک کند که خودرا بشناسد وایمان به خودش را تقویت کند، میل به حقیقت ومبارزه با پستی‌ها را در وجود مردم توسعه دهد، بتوانند صفات نیک را در آنها بیابد، در روح آنها عفت، غرور وشهامت را بیدار کرده، با آنها کاری کند تا مردمی نجیب، بهروز، وقوی شده بتوانند حیات خودرا با روح مقدس زیبایی ملهم سازند، آیا شما قبول خواهید کرد؟ بدیهی است که کامل نیست فقط طرحی است ... با هرچیزی که ممکن است به زندگانی جان تازه‌ای ببخشد آنرا تکمیل نمایید. بگویید ببینم با من همعقیده هستید؟"

گفتم: "بله تصدیق می‌کنم تقریبا همینطور است معمولا مردم تصور می‌کنند که وظیفه ادبیات بطور کلی عبارت است از تجلیل شخصیت انسان وتلطیف عواطف او ..." سپس با لحن نافذی گفت،

"می بینید که به چه امر بزرگی خدمت می کنید."

زنان در نبردآوری خوراک به اندازه نان را بالا میبرد زیرا تقسیم کار به اندوختن تجارب و مهارتها و نیز به تکامل ابزار کار همه‌سازی کرد. با توسعه و بیشتر شدن نیروهای مولد دیگر همکاری دائمی عده‌ای از افراد ضروری بنظر نمی رسید. گروههای کوچکتر را که در آن از تعداد افراد کمتر بوده ابزار تولید. تکامل

تقسیم اجتماعی بزرگ ، با پیشرفت گله داری ، کشاورزی که از آن به بعد کار کشاورزی از گله‌داری جدا شد در تاریخ انجام گرفت.

در فاصله بین ٦ تا ٤ هزاره پیش از میلاد تحول بسیار مهمی در نیروهای مولد جامعه صورت گرفت. این تحول بر اثر استفاده از فلزات در ساخت ابزار بود.

رشد بیشتر تولید را هموار میکرد. اضافه تولید باعث میشد که دیگر لازم نباشد مانند گذشته بصورت گروههای بزرگ کار کنند.

تخصص یافتن در ابزارها و وسایل تولید و استفاده انفرادی از آنها جدایی این گروههای بزرگ را تندتر کرد. اینک دیگر

بقیه در صفحه ۳

رنج برده است. همراه با سایر کشورهای آمریکای لاتین ،نیکاراگوئه قربانی تسلط اسپانیائی ها بوده (تا زمان کسب استقلال از استعمارگران اسپانیائی بسال ۱۸۲۱) - همچنین از حکمرانی انگلیسیها در سرزمین های ساحلی آتلانتیک رنج برده است ،که این خود تا سال ۱۸۹۳ یعنی ۱۵ سال بطول انجامید در همان حال نیکاراگوئه یکی از اولین قربانیان تجاوز سیاسی ایالات متحده بشمار میرود. "

پرچم آزادی به قیمت عرق و خون خلقها از نسلی به نسل دیگر منتقل میگردد. خلق نیکاراگوئه در سالهای اخیر با شعار " یا مرگ یا ملتی آزاد " ، اساس محکمی را برای کسب آزادی تام و نهائی خود از زیر یوغ ستم و استثمار داخلی و خارجی بنا نهاده است.

ساندنیستها در آرمانهای عمومی انقلاب خود چنین میگویند:

"در هم شکستن حلقه‌های سلطه امپریالیسم طریقه رهائی ملی ما را مشخص میکند. در هم شکستن یوغ ستم و استثمار حاصل از طبقات مرتجع نیکاراگوئه طریقه رهائی اجتماعی ما را تعیین میکند. اگر چه بورژوازی (سرمایه‌داران) و نیروهای سازشکار سعی در متوقف کردن حرکت انقلاب را دارند ، حرکت ما نباید میان راه متوقف شود. مرحله "انقلاب دموکراتیک توده‌ای" باید وسیله‌ای برای آرمان ما جهت استحکام مواضع انقلابی و سازمانهای توده‌ائی ،برای رسیدن به جامعه‌ای فارغ از هر گونه استثمار قرار گیرد.

" ریکاردو مورالز" یکی از مبارزین

بقیه در صفحه ۳

بقیه " ماگر بخواهیم به کارگران و...."

... به ابزار ... کار ... ولی باید اینطور باشد باید برای کارگر ارزش قائل شد نه برای یک مرد ثروتمند کارگر میز و صندلی درست میکند ولی از آن خود استفاده نمیکند. کارگر رادیو و تلویزیون و وسائل الکتریسیته درست میکند ولی از آن خود استفاده نمیکند ... کار ... خسته و ناراحت به خانه میآید و فقط میتواند غذا بخورد و نمیتواند کمتر از آن کار ... چون نمیتواند ... را ... و از آنها شرمنده میشود ... نمیتواند ... ساعت زود به خانه برود و ... سالی بخواند.

وحید. ن

... سوم راهنمائی ، از شهرستان اردبیل. وحید هم کار میکند و هم درس میخواند.

جواب به دوست عزیز ما ، وحید. ن :

دوست خوب ما مقاله تو به ... از طبقه زحمتکش و رنجدیده ، دفاع و طبقه سرمایه دار را محکوم کرده است. ولی در قسمتی از نامه‌ات نوشته بودی که ، " انسانهای خونخواه سرمایه‌دار را ... آورده‌اند" ، اما

نمیتوان گفت که سرمایه‌داری بخاطر خونخواهی یک مشت آدم بوجود آمده ، بنا براین ما سعی میکنیم خیلی کوتاه علت علمی آن را بیان کنیم.

با گذشت هزاران سال و پیشرفت ابزار تولید (مثل تبدیل تبر سنگی به تبر آهنی) کم کم مالکیت خصوصی و به ترتیب نظامهای برده‌داری ،ارباب و رعیتی و بعد سرمایه‌داری بوجود آمد. بعد از اولین تقسیم کار که بین کشاورزی و دامداری بود ، صنعت دستی بوجود آمد. صنعتگران کم کم کار کشاورزی دامداری را کنار گذاشتند و به صنعتگری پرداختند. دومین تقسیم کار یعنی جدائی صنعت از کشاورزی سبب شد که شهرها بوجود آید و در دورانیکه نظام ارباب و رعیتی داشت تکامل مییافت کم کم شهرها توسعه پیدا کردند و صنعتگری هر چه بیشتر از کشاورزی و دامداری جدا گردید. خلاصه کم کم با پیشرفتهای فنی و تکامل ابزار کار ، پیشه‌وران کارگاههای خود را توسعه دادند و کارگران خود را زیادتر کردند. علم و صنعت پیوسته پیشرفت میکرد و ابزار تولید کاملتر میشد. در سراسر دوران ارباب و رعیتی بجز آسیای بادی و آبی ماشین دیگری وجود نداشت ، ولی

در دوره رشد پیشه‌وران و تشکیل نطفه سرمایه‌داری کم کم ماشین بخار و غیره هم اختراع شد. کارگاهها وسعت گرفت و کارگران زیادتر شدند و سرمایه‌داران با فروش کالاهائی که کارگران زحمتکش تولید میکردند سرمایه‌ها اندوختند یعنی به کارگران کمترین مزد را میدادند درصورتیکه کالا را به گرانترین قیمت به خود کارگران میفروختند و از این راه سود سرشاری بجیب زدند. بنابراین سرمایه سرمایه‌داران نه از کوشش و زور بازوی خودشان بلکه از عرق جبین کارگران حاصل میشود و سرمایه‌داران فکر میکنند که برای همیشه میتوانند به آقائی خود بر کارگران ادامه دهند و همیشه اربابان آنها باشند و به آنها حکومت کنند ولیکن نمیدانند که کارگر خلاصه روزی کارد به استخوانشان خواهد رسید و دمار از روزگار این دزدان در میآورند.

پروین - ص

عضو هیئت تحریریه

بقیه "خلق نیکاراگوئه ...."

حانئی پیش از چهل سال است که با دیکتاتوری نظامی خود ، دستگاه دولتی وابسته به امپریالیسم ... ایجاد کرده ، ... و ترور

بقیهٔ اقتصاد...

آتش به انسان امکان میداد تا در رژیم غذایی خود تغییر و تنوعی بوجود آورند. اختراع تیر و کمان و پیدایش کشاورزی در ۱۳ یا ۱۴ هزار سال پیش از میلاد گامهای بزرگ دیگری در راه تکامل نیروهای مولد بودند. با در نظر گرفتن تمام شرایط بالا میتوانیم نتیجه بگیریم که افزار و وسایل کار چنان ناقص و ابتدائی بود که انسان اولیه قادر نبود دست تنها علیه نیروهای طبیعی و حیوانات وحشی بجنگند. انسانها مجبور بودند بطور دسته جمعی با هم در کمونها (اجتماعات اولیه انسانی) زندگی کرده و مشترکاً وضع غذا و خوراک خود را سامان دهند. در آن هنگام مواد غذایی تا حدی که بدست میآمد بتساوی بین اعضای کمون توزیع میگردید. تکامل نیروهای تولید باعث شد که جامعه اولیه به گروههایی تقسیم شود که هر کدام از این گروهها در کاری [illegible] داشتند و در کار خود احتیاجات [illegible] را برطرف میساختند. بدین گونه [illegible] بیشتر و کاملتر بودند به شکار [illegible] پیران و سالمندان به [illegible] می آوردند و بعدها خوراکی میساختند. تقسیم کار همراه با فعالیت مردان در شکار و زنان در گردآوری خوراک بازده کار را بالا میبرد زیرا تقسیم کار به اندوختن تجارب و مهارتها و نیز به تکامل ابزار کار کمک بسزائی کرد. با توسعه و بیشتر شدن نیروهای مولد دیگر همکاری دائمی عده‌ای از افراد ضروری بنظر نمی رسید. گروههای کوچکتر را که در [illegible] از تعداد بیشتری یافته و تقسیم کار پیشرفت نموده طایفه اولیه گویند. جماعت انسانها دیگر با آن گله‌وار سابق فرق پیدا کرده شکل سازمان یافته و منظم دیگری بنام "طایفه یا کلان" بخود گرفت. گفتیم که با تکامل افزار تولید کار بین همه اعضاء کلان از زن و مرد و پیر و جوان تقسیم شد. از این زمان به بعد مردان وقت اصلی خود را صرف شکار می کردند در حالیکه زنان به گردآوری غذاهای گیاهی میپرداختند. در نخستین مرحله جامعه کلان نقش اصلی متعلق به زنان بود زیرا فعالیت زنان منبع قابل اعتمادتر و منظم‌تری برای زندگی بشمار میرفت. زیرا شکار که حوزه فعالیت مردان بود اغلب تصادفی بود و نمی‌توانست پیوسته خوراک افراد طایفه را تامین کند. وجود ازدواج گروهی نیز موجب تقویت بیشتر نقش زن در داخل طایفه گشته زیرا به موجب این ازدواج فقط مادر کودکان معلوم بود. همه این عوامل موجب تقویت نقش اجتماعی و برتری مادر شد. این طایفه را مادر سالار و این نظام اجتماعی را مادر سالاری خوانند. بعدها که نقش اصلی تولید بوسیله زراعت و دامپروری بدست مردان گشت پدرسالاری شد. نخستین تقسیم اجتماعی بزرگ، با پیدایش گله داری و کشاورزی که از آن به بعد کار کشاورز از گله‌داری جدا شد در تاریخ انجام گرفت.

در فاصله بین ۶ تا ۴ هزاره پیش از میلاد تحول بسیار مهمی در نیروهای مولد جامعه صورت گرفت. این تحول بر اثر استفاده از ابزارهای فلزی سطح نیروهای مولد را بالا برد و بر بازدهی کار بطرز چشمگیری افزود. اولین گام مهم در این راه کشف مس بود. مس فلزی است که زیر ضربات چکش براحتی تغییر شکل میدهد. انسان در ۶ هزاره سال پیش از میلاد در افریقا، آسیای صغیر و هندوستان طرز ذوب کردن فلزات و ساختن آلیاژهای مختلف مس را فرا گرفت. از طرف دیگر انسان میکوشید حرکات دستهای خویش را به ساده‌ترین دستگاهها منتقل کند. بدینگونه بود که چرخ کوزه گری و نخستین چرخهای بافندگی بوجود آمد. در این زمان انسان در بخش کشاورزی با بهره گیری از وسایل فلزی مانند کج بیل فلزی و ... و استفاده از تجارب خویش در ایجاد کانالهای آبرسانی سد بندی و ایجاد مخازن توانست زمینهای زیر کشت را گسترده‌تر سازد و بر مقدار محصولات بیافزاید. افزایش و بالا آمدن سطح تولید باعث شد که اعضای جامعه نه تنها از پس نیازهای اولیه‌شان برآیند بلکه میتوانستند مقادیری از محصول را انبار کنند. محصولات اضافه بر میزان احتیاج و نیاز برای بقای زندگی تولید کننده و خانواده‌اش را محصول اضافی و کار برای محصول اضافی را کار اضافی گویند. رسیدن به این مرحله راه رشد بیشتر تولید را هموار میکرد.

اضافه تولید باعث میشد که دیگر لزوم نباشد مانند گذشته بصورت گروههای بزرگ کار کنند.

تخصص یافتن در ابزارها و وسایل تولید و استفاده انفرادی از آنها جدایی این گروههای بزرگ را تندتر کرد. اینک دیگر

را بر علیه بخشهای مختلف خلقی، مخصوصاً طبقات دهقانی و کارگری بکار میبندند. این خشونت و ترور نظامی، بصورت قتل عام، شکنجه وحشیانه و فرستادن افراد به اردوگاههای کار اجباری صورت میگیرد. در این اردوگاهها زندانیان را برهنه و گرسنه زیر بارانهای شدید و شرایط سخت روزانه نگاه میدارند. در نیکاراگوئه قهر انقلابی تنها چاره باقیمانده برای کسب یک دگرگونی واقعی است. کارگران، روشن فکران، روزنامه نگاران و استادان دانشگاهها و کشیشهائی که بحمایت از خلق برخاسته‌اند نیز در ادارات پلیس امنیتی مورد شکنجه وحشیانه قرار میگیرند

مبارزات فعلی خلق نیکاراگوئه متحد و رهبری شده توسط جبهه ساندنیستها[1] برای رهائی ملی (F.S.L.N)، بیان یکی از دلیرانه‌ترین و انقلابی ترین مبارزات نیرومند تاریخی آنهاست. این مبارزات از پس سالها مبارزه با آمریکائی ها و تسلط امپریالیسم بر این کشور، هم اکنون به اوج خود رسیده است.

مبارزه خلقهای نیکاراگوئه تازگی ندارد همانطور که "کارلوس فونسه کا" رهبر سابق ساندنیستها اشاره میکند:

" نیکاراگوئه کشوری است که در طول بیش از چهار قرن از تجاوز و استثمار خارجی رنج برده است. همراه با سایر کشورهای آمریکای لاتین، نیکاراگوئه قربانی تسلط اسپانیائی ها بوده (تا زمان کسب استقلال از استعمارگران اسپانیائی بسال ۱۸۲۱) - همچنین از حکمرانی انگلیسیها در سرزمین های ساحلی آتلانتیک رنج برده است، که این [illegible] تا سال ۱۸۶۳ یعنی ۱۵ سال بطول انجامید [illegible] حال نیکاراگوئه یکی از اولین

کمتر رژیمهای سابق هیچگاه به وضع آنها رسیدگی نشده است. این اقشار و طبقات عمدتا زحمتکشان و تهیدستان شهر و روستا هستند. ما بر این اعتقادیم که رفاه پدر و مادر، تاثیر مستقیم و مهمی در زندگی فرزندشان دارد. هنگامی که پدر برای لقمه ای نان در آفتاب و گرما، سوز و سرما از صبح تا شام در بیرون خانه زحمت میکشد و مادر نیز برای کمک خرجی خانه در جای دیگر کار میکند، یا روزها در خانه دیگران رختشوئی میکند، کاملاً طبیعی است که بچه‌هایشان هم در کوچه و آبجوی بسازند [illegible] از هرگونه امکانات آموزشی [illegible] و محیط برای رشد [illegible] بهره‌مند شده [illegible] چنان [illegible] روزانه [illegible] که دیگر [illegible] و آسایش کودکان [illegible] امروز [illegible] این اجتماع [illegible] آنها سپرده میشود باید مورد توجه قرار گیرد و [illegible] پدر و مادر [illegible] کودکان [illegible] بیشتر [illegible] نمیتوانند تحصیل [illegible] مبارزات [illegible] قرار داده [illegible] میشود که قانون اساسی دیگر باید استثمار سرمایه‌داران را [illegible] و نوجوانان را [illegible] ما [illegible] بعد از [illegible]

[illegible] ملت را بوجود میآورند باید که از زندگی [illegible] شایسته [illegible] برخوردار [illegible] قانون اساسی باید بر اساس منافع آنها تعیین گردد و تنها این قانون مقدس خواهد بود. ■

[illegible] به کارگران و دهقانان زحمتکش کمک کنیم باید خیلی کتابهای علمی بخوانیم و باسوادتر شویم و فکر کنیم و بدانیم که سرمایه‌داری از کجا شروع شده است و سرمایه‌داری را چه کسانی به پا کرده‌

این کارگر بدبخت پول ندارد که به دکترهای بزرگ خبر بدهد باید به مطب دکتر برود و در صف آخر بایستد و اگر نوبت او رسید دکتر چه تیافه‌

بقیه در صفحه ۲



"[illegible] از وقایع مبارزاتی اخیر ایران [illegible] در خلق ما شور و شعف ایجاد کرد. این مبارزات نشان [illegible] عزم راسخ ملت ایران در نبرد علیه ستم و سرکوبی و برای دست یابی به آزادی است. [illegible] ما [illegible] نیکاراگوئه [illegible] دارد.

با آنکه هزاران کیلومتر از هم دوریم [illegible] ما را بهم [illegible] را بهم نزدیک میکند. ما [illegible] را [illegible] زنیم. [illegible] این نبرد [illegible] از جمله [illegible] ایران [illegible]

[illegible] از ما با اهمیت است. زیرا که ساموزای دیکتاتور همانند شاه از سنوتهای امپریالیسم آمریکا میباشد. پیروزی ما از آن شماست.

زنده باد نبرد خلقهای ایران و نیکاراگوئه

"جبهه رهائیبخش ملی ساندینیستا"

۲۲ سپتامبر ۱۹۷۸

آری! به هر گوشه‌ای از دنیا که نگر[illegible] فریاد خشم توده‌های ستم دیده و زحمتکشان مبارز است که پایه‌های کاخهای سرمایه‌داران [illegible] را بلرزه میاندازند. [illegible] ساموزای دیکتاتور [illegible] همانند شاه

بقیه در صفحه ۲

درباره اقتصاد (۲)

در نشریه شماره [illegible] درباره علم اقتصاد بطور کلی صحبت کردیم و دانستیم که علم اقتصاد روابط تولید موجود در جامعه را بررسی میکند و ما بوسیله تولید میتوانیم نیازهای حیاتی خویش را بر [illegible] سازیم. حال اگر بخواهیم تاریخ بشری را [illegible] بررسی کنیم [illegible] و مالکیت و سایر تولید [illegible] مالکیت و سایر [illegible] تقسیم کنیم میبینیم که:

با ساختن [illegible] کار ابزارهای ساده که حدود ۷۰۰،۰۰۰ سال پیش از میلاد میباشد، در میان انسانهای ابتدائی نیاز به برقراری ارتباط با یکدیگر در جریان کار و هنگام استفاده از ابزار کار بوجود آمد. زبان هم در [illegible] زمان [illegible] آمد.

[illegible] افراد انسان در حالتی نیمه [illegible] بسر میبردند و در مقابل نیروهای [illegible] زبون و ناتوان بودند. آنان دانه‌های [illegible] میوه‌ها [illegible] و [illegible] را [illegible] کرده و [illegible] ابتدائی با نوعی رژیم غذایی [illegible] زندگی میکردند. [illegible] از انسانها از ابتدا [illegible] در مبارزه با [illegible] داشته.

بقیه در صفحه ۲

مستحکم باد پیوند دانش آموزان و معلمان



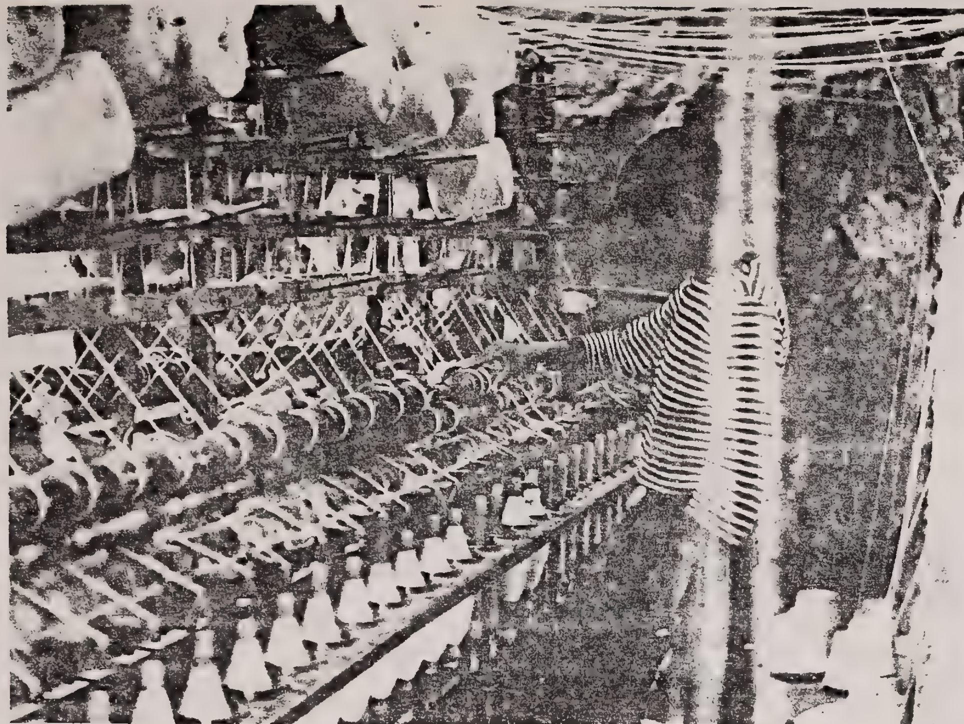
نشریه اتحادیه انقلابی دانش آموزان ایران

نیمه اول تیر ۱۳۵۸ شماره ۹

قانون اساسی باید به استثمار کودکان در کارخانه پایان بخشد.

... از مسائل مهم روز که توجه اکثر نیرو... و مردم به آن جلب شده قانون اساسی است. البته شاید عده‌ای از مردم و بخصوص زحمتکشان بخاطر کار زیادی که دارند به آن توجه لازم را نکنند و چیزی جدا از زندگیشان ندانند، دیگر باید به این بدبختیها خاتمه داد. ما باید در هر کاری شرکت جست و بقول معروف حساب را باید با دقت نگاه کرد و روی هر رقم انگشت گذاشت زیرا ما هستیم که باید پولش را بپردازیم. قانون اساسی از نظر ما باید حافظ منافع طبقات و اقشاری باشد که در رژیمهای سابق هیچگاه به نفع آنها ...

ملت، شاهدیم که باز کودکان و نوجوانان ۱۴ـ۱۵ ساله در پشت دستگاههای سودآور سرمایه‌داران وحشیانه استثمار میشوند. بجای اینکه مغز پویا و کنجکاوشان در پی یادگیری، لحظه‌ای آرام و قرار نگیرد و در خدمت سازندگی باشد در جهت منافع یک مشت غارتگر بکار گرفته میشود و بعد از ۲۰ـ۳۰ سال حتی سواد خواندن و نوشتن را نیز نداشته باشند. خلاصه کلام آنکه کسانی که پوشاک و غذا و همه احتیاجات ملت را برطرف میسازند و با کار خود آسایش و رفاه ملت را بوجود میآورند باید که از زندگی ...



"ما اگر بخواهیم به کارگران و دهقانان کمک کنیم باید خیلی باسوادتر شویم..."

نامه‌ای از یک دانش آموز

من میخواهم که با برادران و با همفکران خودمان و با کارگران و دهقانان برادر باشیم تا برای سرمایه داران فکری بکنیم! که آنان را نابود کنیم. ما میدانیم که این سرمایه داران، روز به روز ثروت و مالشان بیشتر میشود و کارگران روز به روز از کار میافتند و کارگری که هر روز پنجاه تومان مزد میگیرد، بیست تومان آن را برای اجاره خانه میدهد این بدبخت چطور میتواند به هدفهای آینده خود برسد. ما اگر بخواهیم به کارگران و دهقانان زحمتکش کمک ... باید ...

... اند. میدانیم که سرمایه داری را مردان خودخواه به پا کرده‌اند که کارگران و دهقانان بیچاره از صبح تا شب کار کنند. ولی برای من مایه افتخار است که دهقانان و کارگران کار میکنند و میتوانند با ماهیچه‌های مردانه خود کار کنند و پول دربیاورد و این مردان ثروتمند میخواهند که درآمد کارگران را خودشان ببرند اگر جوان و بچه ثروتمند بیمار شوند به دکترهای بزرگ خبر میدهند تا بچه‌شان را معالجه کنند. ولی این کارگر بدبخت پول ندارد که به ...

پیغام امروز ۲ تیر ۵۸

!جرائـی، در خدمت حاکمیت مردم ... شود. ...
وحکومت نظامـی، بصراحت منع شود و ارتشیان همچون دیگر
همروندان ازحق شرکت درفعالیتهای سیاسی واجتماعی برخوردار
باشند.

— ما میخواهیم درقانون اساسی آینده، هرگونه دست اندازی و تسلط صاحبان زر و زور بر منافع ملی، موسسات فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی عام المنفعه بصراحت منع شود.

آزادی و استقلال نظام خبررسانی تضمین گردد و اصل ملی کردن منابع طبیعی، سرمایه‌های بزرگ و وابسته و موسسات اقتصادی عام المنفعه و محدودیت مالکیتها بصراحت تسجیل شود.

— ما میخواهیم در قانون اساسی آینده، حاکمیت مردم بعنوان اصل و پایه نظام مملکتی شناخته شود و قدرت ناشی از ارادهٔ مردم باشد وبا پذیرش صریح و روشن اصل ایجاد و استقلال نهادهای شورائی و مردمی، به حاکمیت مردم امکان تجلی و تبلور داده شود.

- مامیخواهیم درقانون اساسی آینده، ازهر نوع تمرکز و تجمع قدرت دردست یك فرد یا یك دستگاه پرهیزشود واصل تقسیم قدرت میان مراجع ودستگاههای مردمی وتفوق مجلس نمایندگان بردیگر قدرتها تصویب وتثبیت شود.

- مامیخواهیم درقانون اساسی آینده، بمنظور جلوگیری از هرنوع تجاوز به پاسداری قانون وحفظ حقوق وآزادیهای فردی و اجتماعی استقلال کامل وبی خدشه دستگاه قضائی کشور بازشناخته شود.

- مامیخواهیم درقانون اساسی آینده ارادهٔ استقلال طلبانه مردم ایران تجلی وتبلوریابد، خصلت ضد امپریالیستی انقلاب ایران بصراحت بیان شود، هرنوع وابستگی اقتصادی، فرهنگی، نظامی، واجتماعی طرد ومحکوم شود.

ماشرکت کنندگان دراین گردهمائی اعلام میکنیم:

- قانون اساسی آینده باید بوسیلهٔ مجلس موسسان مرکب از نمایندگان منتخب مردم تدوین و تصویب شود.

— قانون اساسی آینده باید به آینده بنگرد.

آینده آزادی است، آینده استقلال است، آینده حکومت مردم است، آینده طرد ارتجاع وامپریالیسم است، مبارزه برای دموکراسی مبارزهٔ با امپریالیسم است.

۱۳۵۸/۴/۱

جبههٔ دموکراتیك ملی ایران

... چه اتفاقی می‌افتاد و چه کسی پاسخگوی عواقب آن بود؟ آیا اینست آن محیط تفاهم آزادانه‌ای که برای بررسی وتصویب قانون اساسی آینده ایران، این سند سرنوشت ساز ملت، لازم است؟ آیا اینست نتیجه حکومت اسلامی؟ آیا اینست آزادی وعدل و دادی که حکومت شما با الهام از آرمان‌های اسلام برای این ملت به ارمغان آورده است؟

هموطنان همه آنها که هشدارهای پی‌درپی ما را در ضرورت دفاع از آزادی بیان واندیشه وخطری که برخوردهای قشری ومستبدانه برای انقلاب ایران در بردارد، ندیده گرفته‌اند، اکنون باید به خود آیند و چنین رویداد تاسف انگیزی را که یادآور حیله‌ها و حمله‌های چماقداران آریامهری به اجتماعات مسالمت آمیز مبارزان راه آزادی و استقلال ایران است به‌درستی ارزیابی کنند. این رخداد تنها نشانه حادثه کوچك وکم اهمیت جلوگیری ازیك گردهمائی نیست، این اتفاق نحست، و حلقه‌ای اززنجیر بزرگ توطئه‌ها وآزادی کشی‌هائی است که در سرتاسر ایران آشکار و پنهان به دست هواداران انحصار و سرکوب وباهدف بازگرداندن جو اختناق گذشته، که ملت ما با نثار

میتینگ عملا به‌سختی مورد تهاجم قرارگرفته بودوبرگزار-کنندگان برای جلوگیری ازایجاد فاجعه بزرگتر تصمیم به‌ختم اجتماع گرفتندواعلام کردندکه سخنرانی نخواهد بود واز مردم خواستند متفرق شوند.

مهاجمان پس ازبهم‌ریختن جایگاه سخنرانی، شروع به راهپیمایی در محوطه دانشگاه کردندوباشعار «مرگ بر کمونیست» مجدداً به‌مردمی که اطراف جایگاه ایستاده بودند، حمله‌کردند. مهاجمان باکلمات رکیك، بخصوص زنان را مورد هجوم قرار می‌دادندومردم با خونسردی تمام، حملات را بی‌جواب می‌گذاشتند.

آشوب‌طلبان که درخیابانهای دانشگاه به‌حرکت درآمده‌بودند، حتی به‌کسانی که شعار آنها را تکرارنمی‌کردند، حمله‌می‌بردند.

حمله به پاسدار

در ساعت ۶ و ۱۰ دقیقه گروهی پاسدار به داخل دانشگاه آمدند وبرای جلوگیری ازاقدامات آشوب‌طلبان به تیراندازی‌هوایی پرداختند. یکی ازپاسداران که برای جلوگیری ازهجوم به زنان اصرار می‌ورزید وپی در پی با مهاجمان حرف می‌زد، موردحمله قرارگرفت. مهاجمان فریاد می‌زدند: «تفنگش را بگیرید، کمونیست است». پاسداران پیکر دوستشان را ازدسترس آنهاخارج کردند وبه‌پشت دربزرگ دانشگاه بردند. مهاجمان مجدداً می‌خواستند به‌پاسدار مذکورحمله کنند که این بار مردم حلقه‌ای دور او زدند و ازحملات مجدد جلوگیری کردند. هجوم ادامه داشت وپاسداران پی درپی تیراندازی‌هوایی می‌کردند. مردم فریاد می‌زدند: «نباید تفنگدار به دانشگاه بیاید... حرمت دانشگاه

... روحانیان، و منتخبان روحانیان به نام مجلس خبرگان درمدت نامحدود قانون‌اساسی تهیه شده ازروی الگوی قانون اساسی ژنرال دوگل را، بررسی کنند. وجبههٔ دموکراتیك ملی می‌خواست اعلام کند:

یك مجلس مؤسسان با مشارکت نمایندگان تمام گروهها وطبقات مردم، ولی با مدت محدود، به بررسی این قانون بپردازد. کدام‌یك دشوارتست؟ وکدام یك بامنطق بیشتر سازگار است؟ وچه ایرادی بربیان چنین عقیده‌یی می‌توان گرفت؟. آن گروههای سازشکار که سرزیر بال قدرت فروبرده‌اند چرانمی‌خواهنداحساس کنند، جای‌سایهٔ فرشتگان سایهٔ اهریمن انحصارطلبی وتعصب دارد روی سرشان کشیده می‌شود.

زدن، مجروح کردن وتشنیع مردمی که، مسالمت - جویانه، می‌خواهند حرف خودشانرا بزنند، نه در مذهب مجوزی دارد، نه در فرهنك اجتماعی ما، ونه در قاموس آزادی وانقلاب.

آن حزب که با این اعمال علیه روشنفکران و آزادیخواهان باشهامت وحق‌طلب جامعه، امروز چنین رویارو می‌شود، فردا، رفتاری که بادولت موقت انقلاب، وآقایان وجیه‌الملة خواهد داشت چیزی بهتراز رفتار کودتا گران ۲۸ مرداد بادکترمحمد مصدق نخواهد بود.

این هجوم، به فضای چمن دانشگاه تهران، بسیار گویاتر ازتمام سخنانی که قراربود آنجاگفته شود، تکلیف قانون اساسی وانقلاب وآزادی را روشن کرد.

آقایان! ازهر دسته وگروه اداری و حرفه‌یی که تدارك چنین هجومی را، در حزب خود دیده بودید. دست مریزاد، دست مریزاد!

مجاهدین خلق

بقیه از صفحه ۱

مهری دفاع میکردید مجددا ناگزیریم که از موارد جدید دستگیری و شکنجه‌ی مجاهدین خلق، شاکی شویم.

استمداد ما باین خاطر است که قریب دوماه پیش یکی از

مقامات مسئول نیز تاکنون دراین رابطه بی‌نتیجه مانده است.

تاسف ما بیشتر ازاین جهت است که چرا چنین اقدامات ونحوه برخوردهایی باید تحت نام مقدس اسلام صورت گیرد. همچنین به پخش مدارك مجعول و بی‌پایه و اساسی معترضیم که در چارچوب یك توطئه مشترك استعماری و ارتجاعی برعلیه مجاهدین خلق

مقامات مسئول تاکنون در این مورد نیز هیچ پاسخی دریافت نکرده‌ایم. همچنانکه تقاضاهای ما از دادستان کل انقلاب مبنی بر دیدار از مجاهد اسیر شکنجه شده که اکنون هفدهمین روز اعتصاب غذای خود را می‌گذراند معوق مانده و ایشان حتی از پذیرش تقاضای همسر مجاهد اسیر درمورد معاینه نامبرده توسط پزشك قانونی ... های ... فاصله ... از شکنجه

گروهی دیگر از مردم به پاسداران می‌گفتند: حالا که میتینگ را بهم زدند، آمدید؟ دیگران را می‌فرستید میتینگ رابهم بزنند وسپس خودتان می‌آیید؟

مردم زیرهجوم پی در پی آشوب‌طلبان می‌کوشیدندبامتانت ازدانشگاه خارج شوند ومهاجمین «پیروزمندانه» درزمین چمن اجتماع کردند.

صدای مرگ برفاشیسم، همه جای دانشگاه ودرخیابانها بلندبود

● درمراسم دیروز قرار بود نظر جبهه دموکراتیك درباره مجلس ... از ... شده ...

متن آن برای چاپ در اختیار مطبوعات قرارگرفت. دراین متن پیشنهاد شده‌است: به‌جای توصیه مجلس یا مجمعی کم نماینده با وقت نامحدود، مجلس مؤسسانی پرنماینده با وقت محدود، تشکیل شود. دراین متن همچنین آمده‌است: جا داردکه نگرانی عمیق خودرا از نحوهٔ برخورد عده‌ای از هموطنان که امروز در مواضع قدرت نشسته‌اند وازآن جایگاه بر نظرگاههای مخالف خود بی‌محابا یورش می‌آورند بیان کنیم.

متن این بیانیه در شماره آینده

پیغام امروز

قطعنامه گردهمائی

ما شرکت کنندگان در این گردهم‌آئی از دولت میخواهیم انتخابات مجلس موسسان را به‌نحوی ترتیب دهد که همه نیروهای مبارز و انقلابی جامعه امکان مشارکت در این مجلس را داشته باشند. «مجلس خبرگان» یا «موسسان محدود» نه تنها برآورندهٔ این منظور نیست بلکه میتواند سرآغاز نفی اصل حاکمیت مردم باشد.

از دولت و رهبری انقلاب میخواهیم به بهانه هائی از نوع «حساسیت موقع»، «تنگی وقت»، و «ضرورت تسریع در کار»، نخستین سنگ بنای اختناق را پایه ریزی نکنند و برای بحث و ارزیابی همه جانبه، و آزاد دربارهٔ اصول و مشخصات قانون اساسی جدید کشور، و از جمله بحث و نقد «طرح پیشنهادی دولت»، رسانه‌های گروهی خود خاصه رادیو و تلویزیون را در اختیار همهٔ گروهها و سازمانهای صنفی و دموکراتیک و احزاب سیاسی قرار دهد.

— ما میخواهیم در قانون اساسی آینده، کلیه حقوق و آزادیهائی که در میثاقها و منشورهای جهانی از جمله «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی»، و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به تصویب رسیده است به صراحت و روشنی منعکس گردد.

— ما میخواهیم در قانون اساسی آینده، برابر حقوق زن و مرد به نحوی صریح و آشکار قید شود و همهٔ تضمینهای لازم برای اعمال حقوق اجتماعی زنان پیش بینی شود.

— ما میخواهیم در قانون اساسی آینده، حق خودمختاری خلقها به‌صراحت شناخته شود و بدین ترتیب برای نخستین‌بار در تاریخ کشور و با اتکاء و براساس اراده لایزال خلقهای زحمتکش و ستمدیده، وحدت و تمامیت ارضی ایران تضمین گردد.

— ما میخواهیم در قانون اساسی آینده، حقوق طبقات زحمتکش و از جمله حق اعتصاب «این اسلحه انقلاب» بصراحت بیان و تضمین شود.

— ما میخواهیم در قانون اساسی آینده، حق برخورداری از آموزش عمومی و رایگان برای همگان بصراحت باز شناخته و استقلال نظام آموزشی و دانشگاهی از دستگاههای اجرائی تضمین گردد.

— ما میخواهیم در قانون اساسی آینده، ارتش بعنوان پاسدار امنیت کشور و نه آلت سرکوب و اعمال زور متعلق به دستگاه اجرائی، در خدمت حاکمیت مردم شناخته شود. اعلام هرگونه «حکومت نظامی» بصراحت منع شود و ارتشیان همچون دیگر شهروندان از حق شرکت در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی برخوردار باشند.

نتیجه حکومت

بقیه از صفحه ۱

اسلام دین منطق و عدالت و آزادی است گروهی معدود با شعارهای مذهبی که از قبل سازمان یافته و بسیج شده بودند با سوء استفاده از بردباری و شکیبائی مردم آزادیخواهی که خواهان درگیری و ایجاد تشنج و اختلاف نبودند، میتینگ جبهه دمکراتیک ملی ایران را در زمین چمن دانشگاه تهران (عصر جمعه اول تیر ماه ۱۳۵۸) که برگزاری آن از قبل به اطلاع سپاه پاسداران، کمیته‌ها و کلانتری منطقه رسیده و از آنها برای حفظ نظم درخواست کمک شده بود، برهم زدند و از ادامه اجتماع مسالمت‌آمیز انبوه مردم که در دانشگاه تهران گرد آمده بودند جلوگیری کردند.

در بیانیه پس از گزارش هجوم به میتینگ آمده است: ما ضمن ابلاغ حقیقت ماجرا به ملت ایران، مراتب اعتراض و انزجار شدید خود را نسبت به این گونه اعمال متجاوزانه اعلام می‌داریم و از دولت آقای مهندس بازرگان می‌پرسیم چاره این گونه تجاوزهای آشکار به آزادی های فردی و اجتماعی ملت چیست؟ دولت تا کی می‌خواهد با خونسردی شاهد پایمال شدن حقوق اساسی افراد ملت باشد و دامن خود را همچنان از مسئولیت مبرا بداند؟ آقای بازرگان، اگر دهها هزار نفر جمعیتی که برای برگزاری میتینگ در دانشگاه تهران جمع شده بودند صبر و بردباری خود را کنار می‌گذاشتند و با این گروه معدود متجاوز و بسیج شده درگیر می‌شدند چه اتفاقی می‌افتاد و چه کسی پاسخگوی عواقب آن بود؟ آیا [illegible]

خون‌های بسیار و مبارزه‌ای عظیم به‌شکستن و نابودی آن توفیق یافت، انجام می‌گیرد و اکنون می‌رود که زمینهٔ احیای استبداد و اختناقی مجدد را با دست‌های مشکوک کسانی که زیر پوشش علائق مذهبی عمل می‌کنند فراهم آورد. جلوگیری از این توطئه تنها با هشیاری و مبارزه آگاهانه همه نیروهای آزادیخواه ممکن است و در این میان مسلمانان آگاه و مترقی که می‌خواهند حکومت آزادی و عدل اسلامی را تجربه کنند مسئولیت خطیری به‌عهده دارند. از بهار آزادی، که خون بهای شهیدان به خون خفته خلق است، با همه نیروی خود دفاع کنیم و نگذاریم دستاوردهای انقلاب شکوهمند ضد استبدادی و ضد امپریالیستی ملت ایران اینچنین ملعبه دست گروههای متجاوز قرار گیرد.

افراد حزب

بقیه از صفحه ۱

توسط مردم از مهلکه نجات یافت. مردم پی‌در‌پی فریاد می‌زدند: مرگ بر فاشیسم!

مهاجمای دستگاههای پخش صوت را بهم‌زدند و به‌خبرنگاران عکاس که از هجوم آنها عکس می‌گرفتند حمله آوردند و با ضربات مشت و لگد، دوربین‌هایشان را گرفتند و شکستند.

یک خبرنگار خارجی را هم مجبور کردند که فیلمش را به آنها بدهد.

تیراندازی هوائی

البته کسانی که بازوبند انتظامات برگزاری میتینگ را بسته بودند، نیز از تعرض مصون نماندند.

میتینگ عملا به‌سختی مورد تهاجم قرار گرفته بود و برگزار-

هجوم به اجتماع دانشگاه

بقیه از صفحه ۱

آن زمان، ما و شما برادران همرزم بودیم و دشمن، دیو سفاک و جنایتکار، و حالا، آن کارها که دشمن می‌کرد، در مسجد جامع کرمان، و در صحن دانشگاه، عواملی به‌نام شما می‌کنند، و بنامش آزادی، و شما رهبران آزادی، و پیشوایان انقلاب!

ما، زبان شما را می‌فهمیم. اگر شما، در سطح رهبری، مردمان متعصب و خشک اندیشی نباشید، مردمی که، عادت کرده‌اند در همه حال بت‌پرست باشند، و پیام و ندای شما برای آنها حجت است، دسته‌های سنت‌گرا، به‌جان کسانی که نمی‌خواهند اسیر اراده و عقیدهٔ سیاسی دیگران باشند، نمی‌افتند. نگوئید، شما تماشاگر هستید. و شما خودتان هم، اگر خلاف اعتقاد این بت‌پرستان سنتی، سخن بگوئید، سنگسار می‌شوید. تا شما نخواهید و اراده نکنید، این دستها به‌گناه آلوده نمی‌شوند، این دهانها به‌فحش و ناسزا نمی‌گرایند، و این قدمها، به‌تعصب و تجاهل فرود نمی‌آیند.

شما می‌دانید که آنسو، در هر لباس، و در هر قالب چه عناصر نادرست و کافر مذهب صف کشیده‌اند، و با آنها کنار می‌آئید، و می‌دانید که این سو، چه مردمان صادق و سرشته از ایمان ایستاده‌اند، و اینان را به‌تهمت و ناسزا و تضییق و تشنیع و تهدید می‌بندید.

روگرداندن از انقلاب، درست به‌همین معناست، و مداومت در انقلاب، درین شرایط هست که شرف مبارزه را تازه می‌کند.

مگر جبهه دموکرات ملی، چه می‌خواست بگوید که از آن وحشت کردند؟. مگر بحث دربارهٔ قانون اساسی در حال تدوین و قدرتی که باید این قانون را تنقیح کند، حق تک تک مردم ایران نیست؟. مگر روشنفکران و آزادیخواهان به‌انحصار طلبان اعتراض کردند که چرا رادیو و تلویزیون، این دو وسیلهٔ ارتباط عمومی اصلی را در انحصار سخنان و تبلیغات خویش گرفته‌اند؟. مگر در آزادی، و انقلاب برای آزادی، جایی هم مشخص شده است که آزادی در انحصار عدهٔ معینی است، یا عدهٔ معینی حق ندارند از عقاید خود سخن بگویند؟.

و مگر جبهه دموکراتیک ملی، و گروه‌های هزاران نفری که به دعوت این جبهه جواب گفته بودند چه می‌خواستند بگویند که انحصار طلبان حزب معلوم تاب شنیدن نداشتند؟

آنها گفتند، طول زمان مانع تصویب سریع قانون اساسی است. و جمعیت زیاد که منتخب مردمان باشد، باعث اطاله بحث می‌شود، و رضا دادند که عده‌یی معدود، از میان روحانیان، و منتخبان روحانیان به نام مجلس [illegible]گان [illegible] مدت نامحدود قانون اساسی تهیه شده از روی الگوی [illegible]

توان دریافت که هرروز کتابخانه و کتابفروشی و کتابی در گوشه‌و کنار مملکت یابه آتش کشیده می‌شود یا جمع‌می شود که اگـــر بخواهیم یک‌یک این موارد را برشماریم ، خود جزوه‌ای خواهد شد که جایش در این مقال نیست ومافقط چند نمونه را ذکر می کنیم .

به‌آتش کشیدن بازارچه کتاب تبریزو کتابخانه‌دانشگاه‌لرستان، جمع کردن کتاب توپ مرواری صادق هدایت ، حمله به نمایشگاه‌های عکس و کتاب گروههای مختلف سیاسی ، بازجویی از یکی از کتابداران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و بالاخره به آتش کشیدن ماشین کتابفروشی درشوشتر که‌به مرگ غمگنانه کودک سه‌ساله کتابفروش در داخل ماشین منجر شد .

تاکی می‌توان به ضد انقلاب اجازه چنین فعالیت های آشکاری‌را داد ، یقین داریم آنکس که کتاب می‌سوزاند ، منطق ندارد و انقلابی نیست و بدون شك در صف‌ضد انقلاب جای دارد و هر کس که‌مدافع چنین اعمال باشدو یا از کنار این مسئله بی‌تفاوت بگذرد مدافع ضد انقلاب است . آنکس که حاصل اندیشه های بشر رابه خاکستر تبدیل می‌کند و یاآنهایی که با محاکمه صاحبان اندیشه محاکمه گالیله‌ها را برای ما تداعی می‌کنند ، منطق ندارند و انقلابی نیستند و اصلا از ملت ما نیستند . ملتی که تا دیروز در ورطه پرتلاطم انقلاب به هرعقیده و مرامی که برضد امپریالیسم و ارتجاع داخلی بوداجازه فعالیت می‌داد وبا او همصدا می‌شد ، امروز نباید در برابر ضد انقلاب بی‌تفاوت بماند . با پشتیبانی از آزادی در انتظار مرگ ضد انقلاب‌باشیم ودر این راه‌گام برداریم .

گروه کتابداران آزاد

پایگاه قابل اعتماد خلق گردد.

موازی با این‌آرزوها وامیدها، وقایعی در رابطه با ارتش جریان دارد که نمی‌تواند نگرانی‌آور نباشد. پدیده‌های عینی و مدارك زنده‌ی موجود حکم می‌کند که این وقایع را تصادفی و جدا از هم ندانیم بلکه آنها را به‌عنوان اطلاعاتی و امنیتی امـریکـا در شرکت‌های امریکائی در ایران مشغول بوده‌اند که گمان می‌رود بسیاری از آنان‌هنوز هم درخدمت مهیا قرار دارند». جـان کـلی فهرستی از این‌ماموران امریکائی ونیز سیاهه‌ای از عوامل ایرانی امریکا ـ نظامی و غیر نظامی‌ـرا مشغول برنامه‌ریزی توطئه است، از اعضاء و سوابق کارگردانان این نمایش پرده برمی‌دارد و شدیدا هشدار می‌دهد. همراه با فعالیت طراحان امریکائی کودتا و شورش،ما شاهد آرایش‌جنگی ناوگان پنجم امریکا در آبهای (رفراندوم) ازادند» (اینـدگان مورخ ۱۴ر۳ر۵۸). این «آزادی» هم که بزرگوارانه به افرادارتش «اعطاء» شده است عملا منتفی است زیرا محدود به مواردی است که هرچند نسل یکبارممکن است اتفاق افتد.

ع.ا. مجوبیان

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان‌ودوستان پیغام‌امروز منتشر می‌شود که‌درعین داشتن الفق مشترك با روزنامه‌ـدفاع ازآزادی‌واستقلال‌عقیده‌سیاسی ـچه‌بسابرداشتهای آنها از مسائل باسشی ما یکی نباشد و ما به‌حرمت آزادی عقیده، این نظرهارا منتشر می‌کنیم.

سانسورچی نظام شاهنشاهی، مدیر کل انقلابی!

نامه اعتراض‌آمیزی از طرف یکی‌ازگروه‌های تئاتری‌شهرستان رشت بدست ما رسید . در این نامه به وضع کنونی فرهنك‌وهنر وانتصاب از بالا اعتراض شده است . متن نامه به شرح زیر است :

در نظام شاهنشاهی همه‌ی‌راهها به فرهنك و هنر ختم میشد . فرهنك وهنر با جذب نیرو های هنری ، و آشتی‌دادنشان‌با...است فرهنگی رژیم ما میخواست هنر مترقی را سرکوب نماید . در گذشته با فرهنك و هنر به دو شکل میشد همکاری داشت :

۱ـ پذیرش کامل سیاست‌های فرهنگی رژیم، می خواست هنر منظور تائید ارزش های نظام .

۲ـ توسل‌از سنگروایس‌گرای فرهنك وهنر ، به‌منظور بقای‌هنر نمایش . درضمن مبارزه‌باسیاست های فرهنك وهنری به شیوه‌ای مسالمت‌جویانه .

درآن شرایط اگر گروهی با فرهنك وهنر قطع همکاری می‌کرد ، و یا بشکل علنی درمقابل سیاست دولت قرار می گرفت ، یا سانسور میشد ، ویااینکه‌راهی ساواك می گردید. ودرهرصورت چراغ تئاتر خاموش میگرفت .

به‌بعد سیری شدیدا،نزولی طی می‌کرد . و یاحتابه نابودی کامل میرسید، و یارسیده بود. دلایل این سقوط کاملا به سیاست های ضدترقی‌خواهانه‌ی فرهنك و هنر مربوط میشد . چرا که اکثر گروههای پیشگام یا بوسیلـه سانسور فرهنك‌وهنر متلاشی‌شده بودند ، ویا اینکه شکار ساواك گردیده بودند. گروه های‌معدودی هم که در فرهنك و هنر فعالیت داشتند ، دقیقا مجری سیاست‌های فرهنك وهنر بودند .

در چنین جوی گروه کادوس بکار پرداخت . با این هدف که سنگر فرهنك و هنر را ، ضمن حفظ استقلال نسبی خود . بکار بگیرد . و البته نه صرفا ازراست براند ، که تماشاگررابگریزاند، ونه‌باز چپروی ، عمل کند.چرا که هدف کادوس در درجـه‌ی نخست روشن نگهداشتن چراغ در حال خاموشی تئاتر رشت‌بود.

بدنبال انقلاب ایران گمان‌می رفت که فرهنك وهنر می‌باید به پایگاهی انقلابی در جهت اعتلای هنر پیشگام تبدیل شود . اما با اخباری که از تهران می رسد ، وبا وضعی که در فرهنك و هنر رشت ... آ... ، ... وهنر رشت اتفاق افتاده . اخیرا شخصی بعنوان مدیر کل‌برگزیده شده که این انتصاب با حیرت و انزجار گروه های تئاتری رشت مواجه شده است . چرا که این شخص در فروپاشی تئاتر رشت سهم عمده‌ای داشته است . در سالهای شاهنشاهی او کارشناس تئاتر بوده . در زمان تصدی این پست به شکل های زیر به تئاتر رشت زیان رسانیده است :

۱ـ تئاتر ، را در انحصار خود درآورده بوده ، و ازحرکت‌گروه های مترقی جلوگیری به عمل می‌آورده ، تئاتری را هم که‌خود اشاعه میداده در خدمت‌اهداف شاهنشاهی‌بوده،و در جشن های سلطنتی بنمایش در می‌آمده ، بازیگران پرسابقه‌ی رشت ، از هرنوع همکاری با این شخص خودداری میکردند . در نتیجه او از جوانان ناآگاه اما بااستعدادی کـه به تئاتر روی می آورند استفاده می کرد . که از این‌نظر هم به رشد استعداد این جوانان صدمه وارد میکرد .

۲ـ در ... زمان ، ... از نمایش های مترقی پرداخت .

بخاطر خوش خدمتی های‌این گونه‌ای بسرعت مدارج ترقی را پشت سر گذاشت . به تهران اعزام شد و شغل های بهتری در اختیار گرفت. مدتی‌هم سردبیری مجله‌ی دولتی فرهنك و زندگی‌را به عهده گرفت . مجله‌ای که در زمان سردبیری او بشکل کاملی بلندگوی سیاست های دولتـی شد .

پرونده های این شخص در فرهنك و هنر گیلان‌موجوداست.

در نتیجه او نمی‌تواند سوابق ضد مردمی خود را انکار کند . حالا همین شخص ، علیرغم سوابق‌اش ، خود را چهره‌ی راستین انقلاب ایران معرفی می کند . وبا توسل‌به حربه‌ی‌مذهب، میخواهد سانسور تازه‌ای را به گروه های تئاتری تحمیل نماید.

گروه کادوس انزجار خود را از انتخاب این شخص‌چه‌بردلایل سوابق گذشته ، وچه بدلیل‌نقش کنونی‌اش اعلام میدارد .

گروه کادوس تا زمانیکه این شخص ... کل فرهنك‌وهنر

یازده‌نفر را در ارومیه شلاق زدند

این نامه ازسوی گروهی ازاهالی ارومیه به‌دفتر روزنامه رسیده است:

«درطول هفته گذشته یازده نفر در ارومیه‌شلاق خوردند. این عده‌که دونفرشان دختر بود، به خوردن مشروبات الکلی ونیز انجام «عمل‌ضدانقلابی» متهم‌بودند.

دوهفته پیش نیز یك درجه‌دار ارتش را بعلت مشروبخواری درملاءعام‌شلاق‌زدند که اینکار بااعتراض شدید پرسنل پادگان ارومیه مواجه شد وجمعه‌گذشته بهمین خاطر اعلام راهپیمائی شده بودکه با مذاکره یکی‌ازروحانیون‌ارومیه بانظامیان‌اینکار انجام نگرفت.

... پادگان ارومیه‌خواستار مجازات‌عاملین ماجرا ... آنهامی گویند اگر به‌نظر می جرمی‌مرتکب شده ... در دادگاه نظامی محاکمه شود.

بهرحال، تماشای‌شلاق زدن‌مردم جزء‌برنامه‌های روزانه ... ارومیه ...

کتاب‌سوزان محکوم است

آنچه در طول تاریخ پرپیچوخم بشر همیشه به عنوان داغ ننگ بر پیشانی حکومتها و ملل فاتح و یا حکام باقی می‌ماند و این داغ هرچه به امروز بشر نزدیك باشد ننگین‌تر است، مسئله کتابسوزان‌هاست. ما هرگز معتقد نیستیم که تمام کتابهایی که در تاریخ اندیشه بشر نگاشته وچاپ شده است دارای هیچ عیب و نقصی چه ازنظر محتوا و چه‌بیان نیست ، امابراین اعتقاد هستیم که به‌جای سوزاندن کتابهای مبتذلی که منتشر و چاپ شده است بنابه خواست شخص یااشخاصی حداقل می‌توان کاغذهایش را در گاری پسرك لبوفروشی گذاشت تا بتواند لبویی گرم بر روی آن بگذارد وبه دست شما بدهد .

اما آنچه موردنظر ماست کتابسوزانهایی است که در برهه‌ای از زمان به وسیله فرد یا گروههایی به خاطر هدفهای سیاسی و ایدئولوژیك انجام شده است از جمله کتابسوزان هـای‌خوارزم، عبدالله‌بن طاهر ، اسکندریـه ، آنـدلس ، شام و فلسطیـن ، کتابسوزان ری بـه دست سلطان محمود ، مو بـه دست مغولان ،مزدکیه ،کتابسوزیهای ایران توسط اسکندروبه آتش کشیدن آثار ارشمیدس در رم و کتابسوزانهای دوران هیتلر و ... که تاریخ بشر سراغ دارد و همیشه این ننگ برای‌بانیان آن خواهد ماندوبس.

قدرمسلم این است که آنکس که کتاب را می‌سوزاند ، این توان را ندارد که با منطقش در مقابل منطق کتاب بایستد ، اگربه پیروزی اندیشه درست معتقدیم هرگز از اندیشه های دیگر که در کتابها ارائه می‌شود نگران نباشیم ، چرا که حقیقت‌پیروز است . ... ین نوع برخورد عقاید اینست که اگر به‌چیزی‌اعتراض داری ... ی تلافی به مثل کنی ، یعنی اگر به محتوای کتاب معترضی‌قلم به دست‌گیر و اعتراض را با قدرت قلم عنوان نماو دیگر نگران‌نباش، چرا که انسان قدرت انتخاب بهتر را دارد و شکی نیست .

براین عقیده‌ایم که انقلاب پرتوان ملت ایران باید ازچسباندن هر داغی برپیشانیش در امان‌بماند به همین دلیل‌می‌خواهیم مدافع آن باشیم و با تذکر به هموطنان مبارز خود بخواهیم از اینکه ضدانقلاب بتواند چنین داغی را برپیشانی انقلاب ما حك‌کند جلوگیری کنیم .

کتابسوزان را به‌هر عنوان مردود بدانیم ، سانسور را محکوم کنیم ، تفتیش عقاید را ازریشه قطع کنیم و هرگونه انحراف از خط انقلابی را متذکر شویم .

بایك بررسی کوتاه در متن روزنامه‌های دوسه ماهه اخیر می‌توان دریافت که هرروز کتابخانه و کتابفروشی و کتابی در گوشه‌و کنار مملکت یابه آتش کشیده می‌شود یا جمع می شود که اکثر ...

دارند چکمه‌ها را برق می‌اندازند (۱)

مقالات

قبلا، برای پیش‌گیری از تبلیغات عوام فریبانه‌ی‌متحصنین جمل و ترویج،باز هم تاکید داریم که همه‌ی احزاب و گروه‌هـای سیاسی رادیکال،و همه‌رزمندگان اندیشمند و قلم بر دست، همراه و همپا با توده‌های انقلابی،حامی و پشتیبان ارتش هستند، ولی نه آن ارتشی که حافظ ضوابط و روابط درونی «ارتش‌شاهنشاهی» است بلکه ارتشی که کالبدش‌به دست ملت شکل گرفته باشد، نیرویش از قدرت توده‌ها مـایه بگیرد و حرکتش بر خط منافع نهضت انقـلابی زحمت کشان ایران و جهان تنظیم گردد. در میان برادران ارتشی‌ما کم نیستند کسانی که چنین می‌اندیشند و چنین می‌خواهند. «نگـرانـی» محافظه کارانه‌ی نخست وزیر از وجود این نیرو، و «الدرم‌بلدرم» قزاق مآبانه‌ای که این روزها بگوش می‌رسد، نشان از آن‌دارد که‌عناصرخلقی و ضد امپریالیستی ارتش از قدرت و احترام‌بزرگی برخوردارند و در میان همکاران خویش نفوذ کلام کافی دارند. ما با احساسی سرشار از محبت‌و سپاس، بر این سربازان‌اونیفورم پوش انقلاب چشم امید بسته‌ایم تا تمامی امعاء و احشای‌طاغوتی این دستگاه را بیرون بریزند و به‌جایش چنان سیستم نوی‌طـرح کنند که ارتش به مطمئن ترین تکیه‌گاه انقلاب مبدل شود و در پیکار با توطئه‌های ضد انقـلاب، پایگاه قابل اعتماد خلق گردد.

موازی با این آرزوها وامیدها، ... نمودهای عارضی‌یك‌توطئه‌ی وسیع بشناسیم.

جان کلی، عضو فعال سازمان ضد جاسوسی امریکا، مردی‌که افشاگری‌هایش در رابطه با جنگ ویت‌نام به‌او شهرت‌جهانی‌بخشید، در حدود دوماه قبل‌دریك‌کنفرانس مطبوعاتی پرده‌ها را بـالا زد و رئوس برنامه‌های پنتاگون و سیا را در مورد ایران برملا ساخت‌و به همین جهت، خشم «اف. بی. آی» امریکا را علیه‌خودبرانگیخت. صد افسوس که ما از بـرکت توطئه‌ی سکوت هیئت حاکـمه‌ی ایران ، ناگزیریم به مستندانی از این دست تکیه کنیم. وزارت امور خارجه‌ی ایران آشکارا از رویاروئی‌با امپریالیسم جهـانـی فرار می کند و به جای لغو قرار- دادهـای اسارت‌آور و افشای مدلـول آنهـا، از مشی سیاسی امریکا «تشکر» می‌نماید. اگر چنین نبود. آگاهی مـردم ما از زدوبندها و توطئه های امپریالیسم در چنان سطح بالائی قرار داشت که افشاگری‌های جان کلی در برابرش امری کوچك می‌نمود. بهرحال، متن کنفرانس مطبوعاتی جان‌کلی ترجمه‌شده و درشماره- های ۱۲ و ۱۳ خرداد۵۸ روزنامه اطلاعات منتشر گـردیده است (اقدام مترجم و ناشر را گرامی باید شمرد). جان کلی شرح می دهد که چگونه بین ۵۰ تا ۱۷۵ نفر عضو تمام وقت سیا و نیز حد اقل ۱۰۰ متخصص بازنشسته‌ی اطلاعاتی و امنیتی امـریکـا در شرکت‌های امریکائی در ایران ... از اعضاء و سوابق کارگردانان ... افشاء می‌کند و می‌گوید: «برطبق اظهارات وزارت دفاع امریکا، از ۱۹۵۰ به‌بعد بیش از ۱۵۰۰۰ افسر و سرباز ایرانی در مراکز نظامی امریکا تعلیم دیده‌اند» و سپس با اتکا به فاکت‌ها ازوجود «تمایل بـه امـریکا» در ارتش ایران سخن می‌راند و نتیجه می‌گیرد که «اکثر این‌افراد طرفدار امریکا در حال حاضر در ارتش ایران مشغول خدمت هستند» و نیز «وسایل اعمال نفوذ سیا هنوز هم‌کمابیش در ایـران وجـود دارند. عده‌ی نامعلومی از اعضای برجسته‌ی سیا، اعضای معمولی‌و نیز عوامل ایرانی سیا، هنوزهم تحت‌نظر همان نیروها و در جهت همان منـافع سیاسی سابق در ایران مشغول کار هستند.» جان کلی از سفیرسابق هویزر(این که می گوئیم «سابق» به خاطر آنست که طبـق شایعـات منتشره در مطبوعات، هویزر پس از پیروزی انقلاب محرمانه به ایران آمده و گویا هنوزهم در ایران است- البته، طبق معمول، وزارت امور خارجه‌ی ما از تائیدیا تکذیب‌این خبر شانه خالی می کند)، جان کلی از سفر هویزر به ایران و برنامه‌هایش، از کمیسیونهائی که هم‌اکنون درسطوح‌بالای ارگانهای دولتی امریکا در رابطه با ایران مشغول برنامه‌ریزی توطئه است، از اعضاء و سوابق کارگردانان ...

نزدیك کشورمان هستیم، ناظـر تشکل سپاه مـزدور ولیان‌هـا، پالیزیها واویسیهامیباشیم ، خبر فراری دادن طوفانیان از زندان‌را می‌شنویم، مقامات رسمی‌سخن از یك میلیارد دلار سرمایه‌گذاری ضد انقلاب در ایجاد توطئه می- دهند . و در همان حال از وجود حرکات مشکوك در ارتش‌شواهد زیادی به چشم ما می‌خورد. این حرکات، در حال حاضر، بـطور عمده در دو جهت بسرعت پیش می‌رود . در یك جهت ما شاهد نوعی فتنه‌انگیزی و تحریك‌هستیم و در جهت دیگر ناظر امحـای شکوفه‌های نارس تمایلات خلقی در درون ارتش اینك دلائل ما :

۱- دادستانـی ارتش شرکت تمامی افراد نظامی را در مجامع سیاسی و راه‌پیمائی‌ها ممنوع‌اعلام نموده و در پی آن خبر می‌رسد که «دژبانی ارتش ماموریت‌یافته است که هـرگونه راه‌پیمائی و میتینگ پرسنل نظامی در داخل‌یا خارج‌پادگان را به شدت‌سرکوب نماید». طبق بخشنامه‌ی دژبانی «عضویت در احزاب و دسته‌های سیاسی از ارتشی‌ها سلب شده است و افراد ارتش تنها در دادن رای به قانون اساسی، انتخاب نمایندگان مجلس مـوسسان و اصولا تعیین نـوع حـکـومت (رفراندوم) آزادند» (آینـدگان مورخ ۱۴ر۳ر۵۸). این «آزادی» ...

پیغام امروز

شماره ۸۸ — دورهٔ جدید — سال پنجم — تکشماره ۱۵ ریال

شنبه ۲ تیر ۱۳۵۸ — ۲۸ رجب ۱۳۹۹ — ۲۳ ژوئن ۱۹۷۹

... دیروز دانشگاه ... خوبی برای جمهوری نبود
ملت ایران صدسال است قیم و سرپرست نمی‌خواهد
تیم تراشی برای ملت ایران یک حیله امپریالیستی است

افراد حزب معلوم با یورش فاشیستی، اجتماع دیروز دانشگاه را بهم ریختند

طرفداران مجلس موسسان بامتانت ومرگ بر فاشیسم گویان، دانشگاه را ترک کردند

میتینگ طرفداران تشکیل مجلس مؤسسان با هجوم افرادی که‌ازساعتهاپیش باتدارک قبلی محل اجتماع رادر محاصره گرفته‌بودند، بهم خورد. در این میتینگ که عصر دیروز بـــه دعوت جبهه دموکراتیک ملی ایران در زمین چمن دانشگاه تهران ترتیب‌یافته بود، هزاران نفرگردآمده بودند تا نظر جبهه دمکراتیک ملی و دیگر سازمانهای‌مترقی رادرباره قانون اساسی و تشکیل مجلس موسسان بشنوند.

مخالفان میتینگ ساعتی پیش از آغاز مراسم در اطراف محل سخنرانی جمع شده بودند. اینان برنامه خود را بــا شعار «چپ وراست نابود است، اسلام پیروز است» و با شعارهایی‌چون «دمکراتیك و ملی هر دوفریب خلق است» ادامه دادند. جوانی بلندگو بدست گرفته بود و از «فجایع» کمونیستها می‌گفت‌و اطرافیان‌باتکبیر تأئیدش‌میکردند.

آغاز هجوم

برگزار کنندگان مراسم در ساعت۵و۲۰ دقیقه‌تصمیم گرفتند مراسم را آغاز کنند. جمیشدبنان پشت تریبون رفت تااعلام‌برنامه کند، اما با سنگی که‌مهاجمان‌به بیضه‌اش زدند، بیهوش شد و او را به بیمارستان انتقال دادند. «جمشید بنان» هــم اکنون در بیمارستان بستری است.

دَر ساعت پنج و۴۵ دقیقه، عـــده‌ای از مهاجمان در اطراف زمین چمن به‌حرکت درآمدندوبا شعار «حزب فقط‌حزب‌الله» به‌مردم هجوم آوردند در ایـــن حین مـــردی کـــه بر اثر ضربات مشت‌ولگد آنها از حال‌رفته‌بود،

بقیه در صفحه آخر

جبهه دمکرات ملی:

نتیجه حکومت اسلامی اینست؟

دولت‌تاکی می‌خواهد با خونسردی شاهد پایمال شدن حقوق‌اساسی افرادملت باشد

به دنبال هجوم به اجتماع دیروز دانشگاه، جبهه دمکراتیك ملی طی بیانیه اعتراض‌آمیزی‌از دولت بازرگان پرسیده است: آیا اینست آزادی و عدل ودادی که حکومت‌شما با الهام‌ازآرمانهای اسلام برای این ملت به ارمغان آورده است؟

بار دیگر اجتماع مسالمت آمیز دهها هزار نفر از هموطنان ما مورد تجاوز گروهی عدو... قرار گرفت، درحالیکه ...

حالا که وزارت خارجه افشا نمی‌کند:

سندی از قراردادهای محرمانه‌شاه با اسرائیل وسندی از گزارشهای ساواك درباره‌افغانستان

باآنکه بیش‌از ۱۳۰ روز از قیام پردامنه ملت میگذرد،

هجوم به اجتماع دانشگاه

اینست طلیعه آزادی وقانون اساسی؟

دولت موقت‌انقلاب! خطاب‌ما باشماست. باکابینه‌یی که برای استقرار حکومت آزادی پس‌از ۲۵ سال‌دیکتاتوری وسلطهٔ میلیتاریسم کودتاگر، مأمور شده‌اید. باشما آقای بازرگان، که بیش‌از سی‌سال‌سابقهٔ مبارزه بارژیم خودکامهٔ سلطنتی پشت سردارید، و بـا یـک یک اعضای سرشناس دولت شما، که درجبههٔ مبارزهٔ ملی، به‌شهرت وقبول عام رسیده‌اند.

آزادی، در قاموس شما چیست؟ و آیا اینست آن آزادی‌که می‌خواهید در زرورق اسلامی به‌پیچید و به مردم ایران هدیه‌کنید؟، همین‌که دیروز در دانشگاه تهران، به مردم ارزانی داشتند؟ به‌زنان و مردانی کـه آزادی را و انقلاب را باور کرده‌اند. به‌زنان و مردانی‌که می‌خواهند فراتر از تلقین شبانه‌روزی دستگاه تبلیغاتی‌شماکه‌میراث شاهنشاهی گندیدهٔ پهلوی است، بیندیشند.

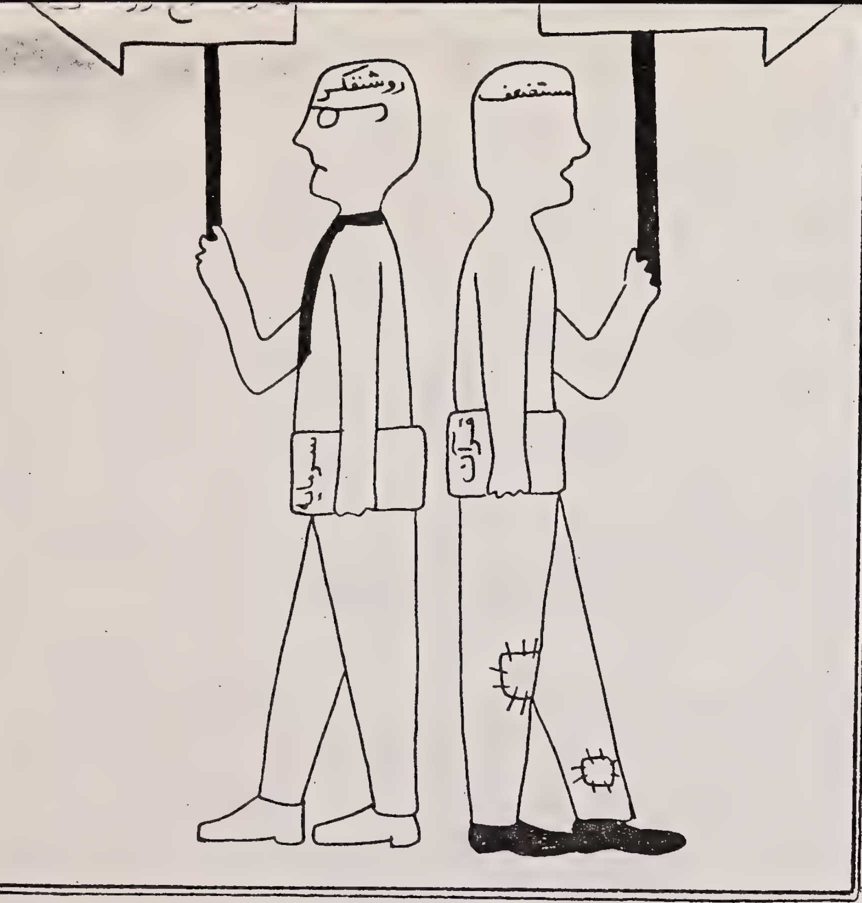
شلیک گلوله، پرتاب‌سنگ به‌سخنران، کشیدن‌چاقو به‌پشت مردمی‌که برای شنیدن نطق به فضای چمن دانشگاه تهران آمده بودند، زیر مشت و لگد انداختن خبرنگاران، شکستن و نابود کردن دوربین عکاسان و خبرنگاران، که از صحنه‌عکس می‌گرفتند، حمله وهجوم به‌زنان‌ودختران، مفاهیم جدیدی برای آزادی نیستند. بسیارکهنه‌اند، واین مفاهیم ... را، آنهاهم‌که، ما وشما باهم، و در صف واحد برای سرنگونی‌شان تلاش می‌کردیم، وخشم خودرا، در برابر جنایاتشان ...

را نیز نپیمایند در این هنگام با استفهام انکاری بشررا مخاطب قرار داده میفرماید (الم ترکیف فعل ربک بعاد ارم ذات العماد التی لم یخلق مثلها فی البلاد و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد وفرعون ذی الاوتاد) و مخاطب را به دوران تاریخ گذشتگان میبرد و بالعین و العیان از او سئوال میکند که آنچه را بر ۳ طاغی زمان قوم عاد و ثمود و فرعون گذشته نمی‌بینی که با وجود تمدنهای شایان وداشتن قصور زیبا و مجلل که مانندش در شهر ها نیست. و نیز قوم نمودی که خانه‌های خود را در دل سنگها بنا کرده و با استحکامات به ظاهر قوی خود را حفظ مینمودند و فرعونی که پایه قصر خود را با میخهای محکم استوار می‌نمود، چگونه با طلوع فجر نبوت انبیاء زمان خود به کیفر اعمال ناشایست رسیدند زیرا بنای مجلل آنها و خانه های استوار و بناهای محکم از استخدام و استعباد هزاران جوان مستضعف پایه گرفته است و هر سنگی که بر روی سنگی قرار گرفته استخوان هزاران جوانان زیر آنها خرد شده و هزاران نیروی جوان را در اثر شکنجه های سهمگین از بین برده اند. بنابراین روزی هم عذاب پروردگار بر آنها نازل میشود (فصب علیهم ربک سوط عذاب) تازیانه تربیتی عذاب پرورگار بطور دوام بر آنها نازل میشود و این تازیانه که بصورت صاعقه و غرق و طوفانهای هولناک فرود میآید مایه عبرت بندگان باید باشد که خداوند را در کمینگاه خود بدانند (ان ربک لبالمرصاد) و هر آن با نشان دادن گوشه‌ای از عذاب خود بندگانرا متوجه میگرداند در صورتیکه تعقل نمایند و از نور عقل بهره

الارض دکا دکا) و چنان تکانی میخورد که تمام نیروهای او از هم متلاشی میشود و قیامت بر پا میشود و انسان ها در مقابل حساب پروردگار قرار میگیرند (و جاء ربک والملک صفا "صفا") امر پروردگار در حالیکه فرشتگان در ردیف منظم قرار دارند برپا میشود و این بندگان سرکش و طاغی و سفیه و متظلم جز دوزخ پاداشی برای آنان نیست (و جئی یومئذ بجهنم یومئذ یتذکر الانسان وانی له الذکری) در این هنگام بطرف دوزخ کشیده میشوند و دراین حال عذاب پروردگار را حس میکنند و متوجه اعمال ناشایست خود که در دنیا انجام داده‌اند میشوند ولی این تذکرو یادآوری دراین موقع سودی نخواهد داشت. و با حسرت تمام میگویند (یقول یالیتنی قدمت لحیاتی) ای کاش برای این روز که زندگی دائمی دارد (ان الاخره لهی الحیوان) عملی انجام میدادم و پیش از خود میفرستادم ولی جز آه بتیم و فریاد مسکین و اشک مستضعفین چیزی ذخیره نکرده و یا اینکه خود را آلت و وسیله استکبار طاغیان قرار داده و عمل خود را برای رضای آنها انجام داده ام از اینجاست که هر دو طایفه به عذاب خداوند گرفتار میشوند (فیومئذ لایعذب عذا به احد) که چنین عذابی را جز اوکسی نمی‌چشد و هیچ مفری برای خلاصی از آن امکان پذیر نیست (و لایوثق وثاقه احد) و هیچ مایه اطمینانی در این دنیا که باید بر اوتکیه کند پیدا نکرده که در آخرت به اونتیجه دهد اما در این میان و در این دنیای پر از زرق و برق و تعدی و ظلم، افرادی یافت می شوند که جز اتکاء به خداوند و توجه به او چیزی در قلب آنان نمی‌آید و نه نعمت دنیا آنانرا فریب داده و مغرور میکند و از صراط

✱ امور تربیتی آموزش و پرورش تهران و حومه، برای دانش‌آموزان مسابقه مقاله‌نویسی ترتیب داده است و موضوع این مقاله نویسی " تداوم و استمرار انقلاب در رابطه با ظهور مهدی (ع)" میباشد.

جوایزی که برای برندگان در نظر گرفته شده، چاپ و انتشار بهترین مقاله، و مسافرت یک هفته‌ای برای نفرات اول و دوم هر ناحیه به شهرستان مشهد، و اردوی یک روزه در تهران برای نفرات سوم تا پنجم است. این مقالات نباید از دو صفحه کمتر و از پنج صفحه بیشتر باشد و منابع مورد استفاده ذکر شده و نام مدرسه و کلاس و ناحیه درج شود. ضمنا مقالات خود را حداکثر تا تاریخ ۵۸/۴/۱۲ به امور تربیتی نواحی آموزش و پرورش تهران و شهرستانهای کرج، ورامین، دماوند، ساوجبلاغ طالقان، گرمسار و شهریار ارسال دارند.



فعالیتهای هنری :

✱ گروه هنری سازمان دانش‌آموزان ناحیه ۶ حزب جمهوری اسلامی عصر روز پنجشنبه و جمعه گذشته نمایشنامه‌ای تحت عنوان (انتقام) با دو پیش‌پرده‌ای کمدی بنامهای (بی‌منطق) و (مالگیر) را در ساختمان پیش‌آهنگی واقع در ضلع جنوبی پارک شهر بروی صحنه آورد. این نمایشنامه‌ها بوسیله آقای صادقی تهیه شده بود که توام با دکلمه اشعار مناسب توسط آقای زکی‌خانی و آل احمد بود و بمیمنت سالروز میلاد با سعادت امام حسین (ع) و همچنین تولد گرامی فرزند او امام زین العابدین (ع) تدارک یافته بود.

نمایشنامه انتقام که در ۳ پرده اجرا شد نمایانگر استثمار سیاهان و بردگان بوسیله عده‌ای سفیدپوست بود که جهت بهره کشی بیشتر به هر نوع اهانت و تنبیه و شکنجه متوسل می‌شدند، ولی سرانجام آشنائی سیاهان ستمدیده با آئین مقدس اسلام و اتحاد و همبستگی آنها موجب سرنگونی استبدادگران و بهره‌کشان گردید.

✱ گروه هنری حراء به کارگردانی ابو باسم حیادار برای معلمین انجمن اسلامی نمایشنامه‌ای را در کتابخانه یک مسجد روبروی لرزاده ــ خیابان خراسان بمورد اجرا در آورد. این اجرا، نمایشی بود از رنجهای مستضعف ترین قشر جامعه و محرومیتهائی که بر ملت ستمدیده ما وارد می‌آمد.

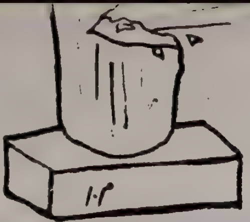
۴ـ (واللیل اذا یسر) قسم به شب‌که سپری میشود که با طلوع فجر و پیدایش نور بساط ظلمت شب برچیده میشود و با طلوع مکاتب انبیاء و پخش نور ایمان ظلمت شرک و الحاد و فساد مفسدین‌را از بین خواهد برد. پس‌ازذکر قسم‌های یاد شده خداوند صاحبان عقول (ذی الحجر) را مورد سئوال تقدیری قرار میدهد (هل فی ذلک قسم لذی حجر) که این قسم ها آیا بصیرتی برای صاحبان عقول‌بدید‌میآورد‌که‌بر‌پی پایه بودن تاریکی های ظلم وستم و عدم بقای فساد و الحاد واقف باشند که از خود کامگی و خودپسندی دست بردارند و در وادی حق و عدالت قدم گذارند و از عظمت این مخلوقات مورد قسم پی به‌کنه عالم وجود و رمز خلقت برند و از حضیض ذلت و خواری شهـوت بـه اوج قدرت معنویت برسند و تن زیر بار سلطه یاغیان‌وطاغیان‌ندهند‌وطریق ظلم وستمکاری را نیز نپیمایند در این هنگام با استفهام انکاری‌سرا مخاطب قرار داده میفرماید (الم تر کیف فعل ربک بعاد ارم ذات العماد التی لم یخلق مثلها فی البلاد و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد وفرعون ذی الاوتاد) و مخاطب را به دوران تاریخ گذشتگان میبرد و بالعین‌و العیان از او سئوال میکند که آنچه را بر ۳ طاغی زمان قوم عاد و ثمود و فرعون گذشته نمی‌بینی‌که با وجود تمدنهای شایان وداشتن قصورزیبا ومجلل‌که‌مانندش در شهر ها نیست. و نیـز قـوم نمـودی کـه خـانه‌هـای خـود را در دل سنگها بنا کرده و با استحکامات به ظاهر قوی‌خود‌را حفظ میمنودند و فرعونی که پایه قصر خود را با میخهای محکم استوار م‌ینمود، چگونه با طلوع فجر نبوت

[illegible] وما‌درمحروم‌مانده واز‌هرفردی بیشتر احتیاج به رعایت دارد هیچگونه توجهی نمی‌نمایند واگر در تنگدستی قرار گیرند (و لاتحاضون علی طعام المسکین) حاضر به صبر و شکیبائی نیستند و رغبت و میل به طعام کم نمی‌کنند وبااینکه‌در زمان وفور نعمت حاضر به تحریض و ترغیب به اطعام مساکین نیستند و هر چه اندوخته‌ای‌به‌آنها‌میرسد‌ومالی بدست‌میآورند بر روی هم انباشته میگردانند. (و تاکلون التراث اکلا "لما و تحبون المال حبا جما")و تمام ثمره‌کار بیچارگان را به عنوان میراث به خوداختصاص میدهند و با ولع هر چه تمامتر درجمع و انباشتن آن میکوشند و خود را به این جمال و زیبائی دنیای مادی و قصور و بناهای مجلل زمینی دلخوش‌کرده‌اند غافل از‌اینکه‌روزی‌زمین تکانی میخورد و هر چه در او هست درهم فرو میریزد (کلا" اذا دکت الارض دکا دکا") و چنان تکانی میخورد که تمام‌نیروهای‌او‌از هم متلاشی میشود و قیامت بر پا میشود و انسان ها در مقابل حساب پروردگار قرار میگیرند (و جاء ربک والملک صفا "صفا") امر پروردگار در حالیکه‌فرشتگان در‌ردیف منظم قرار دارند برپا میشود و این بندگان سرکش و طاغی و سفیه و متظلم جز دوزخ‌پاداشی‌برای‌آنان نیست (و جئی یومئذ بجهنم یومئذ یتذکر الانسان وانی له الذکری) در این هنگام بطرف دوزخ کشیده میشوند و دراین حال عذاب پروردگار را حس میکنند و متوجه‌اعمال ناشایست خود که در دنیا انجام داده‌اند‌میشوند‌ولی‌این تذکرویادآوری دراین موقع سودی‌نخواهد داشت. و با حسرت تمام میگویند (یقول یالیتنی قدمت لحیاتی) ای کاش‌برای‌این روز که زندگ[illegible] دائم[illegible] دارد (ان

[illegible] ثمره پیروی از حق و عدالت و آنست پاداش کفر و الحاد و طغیان....

دنباله دارد

بکوشش برادران شریفیان و آستانه



شب و صبح خدا

از: محمدرضا زکی‌خانی

شبست و آسمان زیباست، افق چون پهنهٔ دریاست
زسو سوی فروزان اختران، درنهایت دور
بسی صبح خدا.... پیداست. ولی ....
این موهبت از آن افرادی است، که دلهاشان
حقیقت یاب و چشم بازشان بیناست..!

بقیهٔ چگونگی...

ماده هشتم: ایجاددفتری‌جهت بهبود و بمنظورگسترش روح‌ایثار در جامعه انقلابی و متحول جمهوری اسلامی که در آن‌همکاری، همیاری‌ایثار کمک های نقدی و جنسی مثل کتاب ولوازم آزمایشگاهی و درمانی و بهداشتی ضروری است و در امر بهسازی مدارس موثر واقع خواهد شد.

اخبار انجمن

بقیه از صفحه ۱

* امور تربیتی آموزش و پرورش تهران و حومه، برای‌دانش‌آموزان مسابقهٔ مقاله‌نویسی ترتیب داده است و موضوع این مقاله نویسی " تداوم و استمرار انقلاب در رابطه با ظهور مهدی (ع)" میباشد.

جوایزی‌که برای برندگان در نظر گرفته شده، چاپ و انتشار بهترین مقاله، و مسافرت یک هفته‌ای برای نفرات اول و دوم هر ناحیه به شهرستان مشهد، و اردوی یک روزه در تهران برای نفرات سوم تا پنجم است. این مقالات نباید از دو صفحه کمتر و از پنج صفحه بیشتر باشد و منابع مورد استفاده ذکر شده‌و نام مدرسه و کلاس‌و ناحیه درج شود. ضمنا مقالات خود را حداکثر تا تاریخ ۵۸/۴/۱۲ به امور تربیتی نواحی آموزش و پرورش تهران [illegible]



در اسلام تمام افراد معلم و متعلم میبـــــاشند (امام)

بقیه تفسیرگونه‌ای از ...

ظاهر کننده انوار حق و عدالت و زایل‌کننده سستی ها و نیرو دهنده قلوب و عقول و ایمان و تقوی و کلید گشایش رازهای آفرینش و فجر نبوت که برطرف کننده بساط شرک و نفاق و گسترش دهنده نور علم و یقین است.

۲ – (ولیال عشر) قسم به شب های دهگانه اوائل ذی الحجه یا اوائل محرم که جمع کننده مومنین است در صحرای منی و عرفات و پیوند دهنده قلوب آنان در کنار بیت الله الحرام و بیاد آورنده صحنه های انقلاب حسینی و بالاخره لیالی نزول برکات خداوندی که برطرف کننده آثار شوم ظلم و ستم طاغیان است.

۳ – (والشفع والوتر) قسم به زوج و فرد

۴ – (والليل اذا يسر) قسم به شب‌که سپری میشود که با طلوع فجر و پیدایش نور بساط ظلمت شب برچیده میشود و با طلوع مکاتب انبیاء و پخش نور ایمان ظلمت شرک و الحاد و فساد مفسدین‌را از بین خواهد برد. پس‌ازذکر قسم‌های یاد شده خداوند صاحبان عقول (ذی الحجر) را مورد سئوال تقدیری قرار میدهد (هل فی ذلک قسم لذی حجر) گیرندولی عده ای از انسان ها حالاتی دارند که‌یامقهورو مغرور شهوات و قدرت کاذب‌خود بوده و یا گرفتار سفاهت و ضعف نیروی اراده میباشدوخداونددراین‌آیات شرح حال‌اینگونه انسانها را بیان مینماید (فاما الانسان اذا ما ابتلاه ربه فاکرمه و نعمه فیقول ربی اکرمن و اما اذا ماابتلاه‌فقدر علیه رزقه فیقول ربی اهانن) دسته ای از انسانها چنین هستند که اگرخداوند نعمت خود را برآنها ارزانی‌دارد مغرور گشته و میگویند که مستوجب و لایق‌این کرامت‌خداوندی میباشیم و دسته دیگر آنانکه اگر به تنگدستی مبتلا شوند میگویند خداوند به ما اهانت نموده است و ما را پست شمرده است‌زیرااین افراد جز ظاهر عالم و امورمادی چیزدیگری‌در اذهان آنها متصور نیست ولذا آنانکه‌در فراخی‌معیشت‌واوج قدرت بسرمیبرند وبه‌وظایف انسانی خود عمل نمیکنند (کلابل لاتکرمون الیتیم) یتیمی را که از محبت پدر ومادرمحروم‌مانده واز هرفردی بیشتر احتیاج به رعایت دارد هیچگونه توجهی نمی‌نمایند و اگر در تنگدستی قرار گیرند (و لاتحاضون علی طعام المسکین) حاضر به صبر و شکیبائی نیستند و رغبت و میل به طعام کم نمی‌کنند وبااینکه در زمان وفور نعمت حاضر به تحریض و ترغیب به اطعام مساکین نیستند و هر چه اندوختدای‌به‌آنهامیرسدومالی بدست‌میآورند عدالت منحرف میکند و نه تنگدستی آنانرا از مسیر مستقیم و راه خدا باز میدارد، بلکه به آنچه خداوند به آنان ارزانی داشته راضی بوده‌و صبر و استقامت مینماید و قلب خود را باایمان به‌پروردگارمطمئن داشته و با اطمینان کامل نه زیر بار ظلم و ستم میروند و نه بر کسی تعدی‌روا میدارند و خداوند با این افراد با خطابی پر از مهر و محبت در آن صحرای محشر مخاطب قرار داده و با ندای لطف و مرحمت میفرماید (یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی) ای نفوس مطمئن و کامل سوی پروردگارتان بیائید در حالیکه شما در دنیا به آنچه داشتید راضی بودید من هم دراین دنیا شما را مورد رضایت خود قرار میدهم‌پس‌جزای‌این عمل نیک خود را بگیرید و در صف بندگان خاص من داخل شوید و در کنار آنان در بهشت من قرار گیرید این است ثمره پیروی از حق و عدالت و آنست پاداش کفر و الحاد و طغیان .... دنباله دارد

بکوشش برادران شریفیان و آستانه



بقیهٔ چگونگی ...

شب و صنع خدا

از: محمدرضا زکی‌خانی

شب است و آسمان زیباست، افق چون پهنه دریاست

روز رفتیم به باغی در اطراف کرج و شب آنجا خوابیدیم ما هیچ خبر نداشتیم ولی، ابتدای شب بود که دیدیم چندنفر سیاهپوش که روی خود را پوشانده اند وارد باغ می‌شوند. بچه‌ها همه ترسیدند و اکثر افراد در گوشه و کنار سنگر گرفتند که آنها را بزنند و یا دفاع کنند. در همانحال که اضطراب داشتیم ناگهان یکی از آن سیاهپوشها مادرم را صدا زد و گفت من مهدی هستم ما خیلی خوشحال شدیم چون او مدتی بود که زندگی مخفی داشت و ما او را نمی‌دیدیم و خبری هم از او نداشتیم آن شب من خیلی خوشحال شدم ولی صبح زود قبل از طلوع آفتاب از خانه بیرون رفتند تا کسی آنها را نبیند.

س. مهدی اکنون چکار می‌کند و حالش چطور است؟

ـ الان فعالیت می‌کند در سازمان کار می‌کند همراه خواهرهایم ظاهراً "اورا که می‌بینی چیزیش نیست. ولی فقط کمی دست به‌شکمش می‌زنی فریادش در می‌آید. اینقدر او ناراحتی دارد ولی بروز نمی‌دهد و استراحتی هم نمی‌کند.

س: مادرتان چه احساسی دارد؟

ج: قبلاً" خیلی گریه می‌کرد و عکس برادر شهیدم را همیشه مقابلش می‌گذاشت و تماشا می‌کرد. ولی در مقابل مردم بروز نمی‌داد و حالا هم پس مردم خوشحال بنظر می‌رسد و روحیه خوبی دارد.

س: خودت و خانواده ات آینده انقلاب را چطور می بینید؟

ج: طرفدار اسلام زیاد است و حق هم با ماست یعنی اسلام خود حق است و در نتیجه با همه مشکلات سرانجام ما پیروز می‌شویم و انقلاب ما پیروز خواهد بود. بفرمودهٔ قرآن.

س: چه مسئله ای انقلاب را تهدید می‌کند؟

ج: تفرقه ـ تفرقه زیاد است و خطر وجود دارد ولی به امید خدا به نتیجه می‌رسیم با حفظ وحدت کلمه.

س: دولت چه باید بکند و چه انتظاری داری از دولت؟

ج: سعی کنند که تفرقه‌ها کم شود و از بین برود. باید به مردم برسند.

[illegible] باشد که مبین رفتار شخصیت، کیفیت تدریس و غیره باشد که درصورت عدم صلاحیت، به آسانی نتواند به نواحی دیگر یا شهری دیگر انتقال یابد. و در صورت، تشخیص افراد بی صلاحیت بیدرنگ به کارش خاتمه دهند.

ماده سوم. تجدید سازمان مدارس کشور خاصه مدارس خصوصی (ملی) باهمکاری هیئت امنا یا انجمن خانه ومدرسه. روسای اکثر این مدارس واجد صلاحیت نیستند. هیئت امنای فعلی ازمتنفذین محل زیر نظر خودشان است و تنها مأموریتشان افزودن تصاعدی و بی رویهٔ شهریه است.

ماده چهارم: علاقمند کردن اقشار مختلف جامعه، بهبود وضع مدارس و بی تفاوت نبودن ایشان در وضع مدارس و همکاری و همیاری کردن در کمبودهای فرهنگی منجمله ساختمان ایجاد وسائل ورزش، کارگاه ها، آزمایشگاهها، نه اینکه کمک مردم منحصر به زمانی باشد که فرزندانش در آنجا اشتغال به تحصیل دارند و نیز بطور کلی تدوین آئین نامه جدید برای انتخاب هیئت امنا یا انجمن خانه و مدرسه، یا اصلاح طرح های قبلی.

ماده پنجم: حذف مجتمع ها و مدارس مختلط.

ماده ششم: درانتخابات اولیای مدارس بخصوص مدیران از لحاظ اخلاق، میزان معلومات، تقوا، پذیرا شدن اسلام در نظر گرفته شود. حذف عناصر وابسته به رژیم سابق که موجب خدشه دار کردن انقلاب میگردد، و طرد عوامل مخرب که بقول علی (ع) در قالبهای قاسطین و مارقین و ناکثین هستند.

ماده هفتم: ایجاد تعادل بین هزینه های مدارس و همچنین تعادل بین تعداد شاگردان نه ۲۰، نه ۷۰ ـ بررسی کوتاهی به اینگونه مدارس (ملی) روشن خواهد ساخت که هیچ تعادلی بین شهریه دانش‌آموزان و حقوق معلمان نیست. شناسائی برخی از مسئولین غیر متعهد که جز به اجحاف و طمع وظلم بشاگرد و خوردن حق معلم و ساخت و پاخت کار دیگری نداشته اند.

بقیه در صفحه ۴



اساسا "زندگی چیست؟ "نان، آزادی، فرهنگ، ایمان، دوست داشتن!".

ص ۱۵۰ با مخاطبهای آشنا
از برادر شهید دکتر علی
شریعتی

دوست داشتن، انسانرا از مرزهای جماد وگیاه و حیوان، به مرز "شدن" عزیز و عالی انسانی گذر داده، و بدنیای بی نهایت و انسانی و خدایی وارد میسازد. و ایمان در مسیر "شدن" شاخص انسان اصیل و انسان پوشالی است. وفرهنگ، این گرانمایهٔ بزرگ، این شگرف جوهر سیال روانها و تن ها، این خون جوشان و پر تحرک و پر شوکت انسان، در حرکتهای ایمان و عشق و فرهنگ، دانسته تدبرها، تفکرها، تماشاها، و حرکت عظیم مغزها، چشمها، گوشها، زبانها، دستهاو.. در تجسم عینی ما و در زمانهٔ کوتاه "بودن هایمان که در مسیر "شدن" هستیم درمردی مرد آسا، که کلام سخنش، بیان فرهنگ عظیم مذهبش، و سرشار از ایمان راستین اسلامی‌اش و عشق سرشار خدائیش، در تنی عزیز تجلی یافته بود و چشمان حیران ما، دیدارش را گرامی میداشت و اکنون نیز عزیز میدارد. و حالیا این تجسم عزیز و خدایی در مسیر اندیشه های متعالی دین الهی سامی، ومسیر خونین شهادتش که بسوی "آزادی" و "نان" (رها بودن راستین و معاش واقعی انسان)، بتماشای تاریخ نشسته است و در این بهار پر خروش و پر شکوفه و پر شوکت و پر شعلهٔ آزادی، شهادت خویش را خمیر مایهٔ انقلاب اسلامیمان نهاده و میتوانیم به معنای راستین زندگی چیست؟ (نان، آزادی، فرهنگ، ایمان، دوست داشتن!) جامه ای نیکوبه تن ملتمان بپوشانیم و همیشه بیاد یاد آور عزیزکه معلم راستین خط سیر عزیز الهی ادیان سامی وقدسی ست باشیم و نامش را درانعکاس معنای عمیقش از زندگی در مسیر "شدن" خود به میعاد بنشینیم. نامش و یادش و شهادتش و شدنش جاودانه است.



نشریه "پیام معلم"
ارگان انجمن اسلامی معلمان ایران
زیرنظر: هیئت تحریریه ـ بخش تحقیقات وتعلیمات
تهران: پشت مسجد سپهسالار، شماره ۱۷۰ تلفن ۳۶۲۷۴۱ - ۳۶۱۰۳۶

و تمام خانه ما را بهم ریختند و بازجویی کردند .

درهمین موقع مادرم و خاله ام همراه مهدی واردشدند و همانجا مهدی را دستگیر کردند .

س: مهدی قبل از آن وقت چکار می‌کرد ؟

ج- حدود یکسال و نیم بود که زندگی مخفی را شروع کرده بود و آنروز بر حسب اتفاق وارد خانه شد و آنها هم آنجا بودند . بعد از گرفتن مهدی البته چند روز پدر و مادر و چند تن دیگر از افراد خانواده را به کمیته بردند و اذیت کردند اما آنها را برگرداندند ولی مهدی را نگه داشتند .

س : خاطره ای از آن زمان نداری ؟

ج : چرا ، یادم می‌آید مادرم خیلی ناراحت بود یک روز رفتیم به باغی در اطراف کرج و شب آنجا خوابیدیم ما هیچ‌خبر نداشتیم ولی ، ابتدای شب بود که دیدیم چندنفر سیاهپوش‌که روی خود را پوشانده اند وارد باغ می‌شوند . بچه‌ها همه ترسیدند و اکثر افراد در گوشه و کنار سنگر گرفتند که آنها را بزنند و یا دفاع کنند . در همانحال که اضطراب داشتیم ناگهان یکی از آن سیاهپوشها مادرم را صدا زد وگفت من مهدی هستم ما خیلی خوشحال شدیم چون او مدتی بود که زندگی مخفی داشت و ما او را نمی‌دیدیم و خبری هم از او نداشتیم آن شب من خیلی خوشحال شدم ولی صبح زود قبل از طلوع آفتاب از خانه بیرون رفتند تا کسی آنها را نبیند .

س. مهدی اکنون چکار می‌کند و حالش چطور است ؟

- الان فعالیت می‌کند در سازمان کار می‌کند همراه خواهرهایم ظاهرا "اورا که می‌بینی چیزیش نیست . ولی فقط کمی دست به‌شکمش می‌زنی فریادش در می‌آید . اینقدر او ناراحتی دارد ولی بروز نمی‌دهد و استراحتی هم نمی‌کند .

س : مادرتان چه احساسی دارد ؟

ج : قبلا" خیلی گریه می‌کرد و عکس برادر شهیدم را همیشه مقابلش می‌گذاشت و تماشا می‌کرد . ولی در مقابل مردم بروز نمی‌داد و حالا هم پیش مردم خوشحال بنظر می‌رسد و روحیه خوبی دارد .

س: خودت و خانواده ات آینده انقلاب را چطور می

طرح:

باز سازی مدارس کشور زیر نظر معتمدین و ساکنین هر بخش فرهنگی .

ماده اول : هر شهر به چند ناحیه فرهنگی تقسیم گردد . و تقسیمات متناسب با تعداد جمعیت محصلین در نظرگرفته شود . (عدد نوزده از نواحی نوزدگانه که مورد علاقه شاه‌مخلوع و بهائیان بوده و در همهٔ امور مثل انقلاب و غیره جریان داشت از میان برود) .

ماده دوم : یک فرد فرهنگی در یک منطقه یا ناحیه فرهنگی زیر نظر ادارهٔ فرهنگ و معتمدان بخدمت در آید و در مقابل آنان و امنای مدارس و انجمن خانه و مدرسه مسئول باشد . در صورت تقاضای انتقال برگ معرفی همراه داشته باشد که مبین رفتار شخصیت ، کیفیت تدریس و غیره باشد که درصورت عدم صلاحیت ، به آسانی نتواند به نواحی دیگر یا شهری دیگر انتقال یابد . و در صورت ، تشخیص افراد بی صلاحیت بیدرنگ به کارش خاتمه دهند .

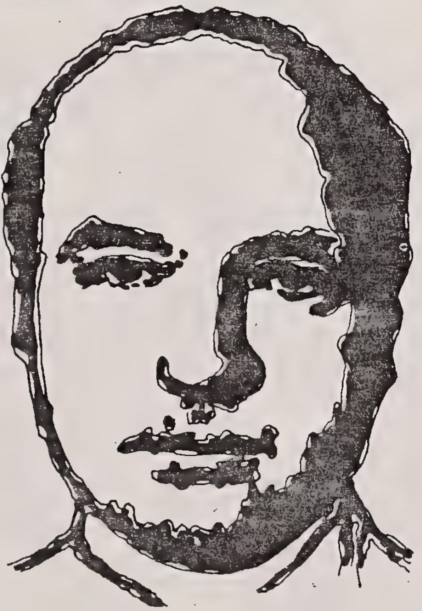
ماده سوم . تجدید سازمان مدارس کشور خاصه مدارس خصوصی (ملی) باهمکاری هیئت امنا یا انجمن خانه و مدرسه . روسای اکثر این مدارس واجد صلاحیت نیستند . هیئت امنای فعلی از متنفذین محل زیر نظر خودشان است و تنها مأموریتشان افزودن تصاعدی و بی رویهٔ شهریه است .

ماده چهارم : علاقمند کردن اقشار مختلف جامعه ، بهبود وضع مدارس و بی تفاوت نبودن ایشان در وضع مدارس و همکاری و همیاری کردن در کمبودهای فرهنگی منجمله ساختمان ایجاد وسائل ورزش ، کارگاه ها ، آزمایشگاهها ، نه اینکه کمک مردم منحصر به زمانی باشد که فرزندانش در آنجا اشتغال به تحصیل دارند و نیز بطور کلی تدوین آئین نامه جدید برای انتخاب هیئت امنا یا انجمن خانه و مدرسه ، یا اصلاح طرح های قبلی .

ماده پنجم : حذف مجتمع ها و مدارس مختلط .

ماده ششم : در انتخابات اولیای مدارس بخصوص مدیران از لحاظ اخلاق ، میزان معلومات ، تقوا ، پذیرا شدن اسلام در نظر گرفته شود . حذف عناصر وابسته به رژیم سابق که موجب خدشه دار کردن انقلاب مگردد ، و طرد عوامل مخرب

بیاد زنده یاد



اساسا " زندگی چیست ؟ " نان ،آزادی ، فرهنگ ، ایمان ، دوست داشتن ! ".

ص ۱۵۰ با مخاطبهای آشنا
از برادر شهید دکتر علی
شریعتی

دوست داشتن ، انسانرا از مرزهای جماد وگیاه و حیوان ، به مرز " شدن " عزیز و عالی انسانی گذر داده ، و بدنیای بی نهایت و انسانی و خدایی وارد میسازد . و ایمان در مسیر " شدن " شاخص انسان اصیل و انسان پوشالی است . وفرهنگ ، این گرانمایهٔ بزرگ ،

ها ، دانشها ، گواهی ها ، گزارشها ، تعمق ها ، تدبرها ، تفکرها ، تماشاها ، و حرکت عظیم مغزها ، چشمها ، گوشها ، زبانها ، دستهاو .. در تجسم عینی ما و در زمانهٔ کوتاه " بودن هایمان که در مسیر " شدن " هستیم درمردی مرد آسا ، که کلام سخنش ، بیان فرهنگ عظیم مذهبش ، و سرشار از ایمان راستین اسلامی‌اش و عشق سرشار خدائیش ، در تنی عزیز تجلی یافته بود و چشمان حیران ما ، دیدارش را گرامی میداشت و اکنون نیز عزیز میدارد . و حالیا این تجسم عزیز و خدایی در مسیر اندیشه های متعالی دین الهی سامی ، ومسیر خونین شهادتش که بسوی " آزادی " و "نان" (رها بودن راستین و معاش واقعی انسان) ، بتماشای تاریخ نشسته است و در این بهار پر خروش و پر شکوفه و پر شوکت و پر شعلهٔ آزادی ، شهادت خویش را خمیر مایهٔ انقلاب اسلامیمان نهاده و میتوانیم به معنای راستین زندگی چیست ؟ (نان ، آزادی ، فرهنگ ، ایمان ، دوست داشتن !) جامه ای نیکوبه تن ملتمان بپوشانیم و همیشه بیاد یاد آور عزیزکه معلم راستین خط سیر عزیز الهی ادیان سامی و قدسی ست باشیم و نامش را درانعکاس

از نور فضیلت نیرو میگیرد

گفتگو

با یک دانش آموز

فاطمه بخارائی یکی از ۱۰ فرزند خانواده‌ء مجاهد بخارائی است که حدود ۱۲ سال دارد و خواهر محمد بخارائی است که در جمعیت مؤتلفه اسلامی عضویت داشت و ترور انقلابی منصور، نخست وزیر را انجام داد همان نخست وزیری که بعدازکشتار ۱۵ خرداد ۴۲ دوباره قانون کاپیتالاسیون را در ایران برقرار کرد.

برادر دیگر او مهدی بخارایی است که عضو سازمان مجاهدین خلق ایران بوده است و اخیراً (زمان بختیار) از زندان آزاد شد در حالیکه ۸ عضو بدن او را ناقص کرده بودند.

فاطمه می‌گوید زمانیکه محمد را تیر باران کردند هنوز من به دنیا نیامده بودم ولی یادم می‌آید روزی که به منزل ما ریختند و برادرم مهدی را بردند.

س: می‌توانی برایم تعریف کنی که چطور او را دستگیر کردند؟

ج: بله من و خواهرم سر نماز بودیم زنگ زدند من رفتم درب را باز کردم چند نفر بشدت وارد خانه شدندو درب را بستند وقتی به خواهرم که سر نماز بودرسیدند بدون توجه بسرعت چادر را از سرش به کناری پرت کردند و تمام خانه ما را بهم ریختند و بازجویی کردند.

درهمین موقع مادرم و خاله ام همراه مهدی واردشدند

س: نقش‌دانش‌آموزان را در مقابل تداوم انقلاب در چه می‌دانی؟

ج: سعی کنند در مدارس تفرقه نیفتد و کمک کنیم تا تفرقه ها از بین برود به مستضعفین تا آنجا که در قدرت ما دانش‌آموزان هست کمک کنیم در تابستانی که در پیش‌داریم ما می‌توانیم به کشاورزان در برداشت محصول بخصوص برداشت‌گندم و جو کمک‌کنیم تاهم درسی برای خودباشدهم خدمتی به اجتماع. اردوهایی که حزب جمهوری اسلامی می خواهد تشکیل دهد درآنها شرکت کنیم. می‌توانیم در کتابداری مساجد شرکت کنیم و کار کنیم.

ترورها را کار چه کسانی می‌دانی؟ ساواکیها ــ تفرقه افکنان ــ کسانی که منافعشان در خطر افتاده است.

بقیه: چگونگی .....

بیشتری‌دردسترشان قرار دارد. در این مدارس معلم و مدیر بساز بچه های پولدار میرقصند. نمرات شفاهی در سال‌آخر دبیرستان‌یا دبستان بر روی رابطه پول گذاشته میشود. ولذا معدل شاگردان اینگونه مدارس بالا میرود. و اگر مختصات این مدارس‌راکه شخصاً" ناظرآن بوده ام و دهسال در یکی ازآنهاکارکرده‌ام شرح‌دهم مثنوی‌هفتادمن‌کاغذمیشود. دراین قسمت طرحی ارائه میشود آنهم بطور اختصار.

طرح:

باز سازی مدارس‌کشور زیر نظر معتمدین و ساکنین هر



بزرگوار مدتها در مدارس و دانشگاههای غربی تدریس میشده است. دریغ است اگر از خاندان نوبخت و بختیشوع که در مکتب بزرگ گندی شاپور پرورش یافته بودند و بیش از ۲۵ سال سرآمد پزشکی ایران بودند یادی نکنیم.

شرح عالیت های بزرگان و کارهای علمی آنان بقدری وسیع است که در چند مقال نمی گنجند. در نظر بیاوریم که بسیاری از کتابها و در حقیقت بخش عظیمی از ذخایر علمی و ادبی ما مفقود و یا نابود شده است. درزمان مامون خلیفه عباسی دانشمندان ایرانی توانستند حرکت وضعی و انتقالی زمین را حدس بزنند و قطر زمین را اندازه بگیرند.

طلبه های ما در حجره های حقیر در حقیقت پاسداران علوم و دانش ما بوده اند آنها بیش از هر کسی حتی در زمینه علوم اشتیاق نشان داده و میدهند.

بزرگان فلسفه و منطق از خواجه نصیر الدین طوسی گرفته تا فارابی، سهروردی، و غزالی (اگر خودش اجازه دهد که او را فیلسوف بنامیم) تا ملاصدرا حاصل همین حجره های بظاهر محقر است.

آری ما امروز در معابر مخصوص درمحافل روشنفکرانه ویا در راهروی دانشگاهها شاهد جوانانی هستیم که به انواع نسل رسیهای ماهوتی و دسته جاروئی و با هیئت های جه گوارائی و شلوار کابوئی مزین هستند و از اسم های مختلفی دفاع میکنند. اما براستی آنها چقدر میتوانند در زمینه علوم و اتکاء به نیروی خود، انقلاب را یاری دهند؟

امروز ما باید آموزش و پرورش خود را دگرگون کنیم و با بسیج همه جوانان و علاقمندان به میهن به یادگیری صحیح فنون و تکنولوژی مدرن بپردازیم تا بتوانیم ایرانی آباد و مستقل داشته باشیم. *

---

* ـ با استفاده از "طب اسلامی" ادوارد براون، "تاریخ علوم عقلی و" "در اسلام" دومینیک سوردل.

...کس این جهان و واقعیت دهنده به تمام کائنات را می‌خواهد و می‌طلبد والدین و مربیان نباید این حس خدا خواهی را نادیده بگیرند و گاهی هم بگویند خوش باشید بسن پیری که رسیدید توبه می‌کنید وراه مسجد و خدا را بگیرید. جوانانی که از قلمرو اسلام خود را خارج می‌دانند اگر بخواهیم علتش را دریابیم از جمله این است که احساسات مذهبی شان در دوران جوانی تربیت نشده است.

امام صادق علیه السلام میفرمایند ـ خطاب به والدین به مسئولین آموزش و پرورش و دولتها که با شتاب مبادرت نمائید به آموزشها و پرورشهای الهی جوانان قبل از اینکه دشمنان از شما پیشی بگیرند و آنها را در چنگال خود پرورش داده و از قلمرو خدا شناسی خارج سازند.

۲ ـ احترام والدین به شخصیت جوانان است. نسل جوان نیز مانند یک مهمان محترم تازه وارد یا یک مشاور حقوقی یا یک مشاور سیاسی یا اقتصادی و تجاری باید احترام بگذاریم، زیرا اگر به جوانان احترام بگذارید راحت ازهیجان شهوانی می‌گذرند اما اگر اهانت از شما ببینند لجبازی آنان اوج می‌گیرد و عصیان گری می‌کنند.

علی علیه السلام می‌فرماید. آنقدر جوانان راسرزنش نکنید که شعله های آتش لجبازی در نهادشان بیشتر زبانه می‌کشد.

۳ ـ از مسئولیت والدین نسبت به جوانان، تطبیق جوانان با زمان است. این سخن را بعضی از روشنفکران ما اشتباها "یعنی می‌کنند بعضی از دختران و پسران برای استفاده کردن از آزادی مفرط یعنی بی بند و بار بودن می‌گویند علی فرموده است فرزندانتان را برای زمان خودشان تربیت کنید وچون زمان ما زمان بی بند و باری است، پس پوشش اسلام به کنار و بدین ترتیب باید آنچه را در اسلام دستور داده کنار بزنیم، آیا علی بن ابیطالب برخلاف قرآن و آیات مربوط به آن سخن گفته است، گناهی بزرگ است که اگر کسی چنین بیاندیشد. البته افراد بی بند و بار هستند که بهر چیزی

برای شهیدان

در جبههٔ بزرگ نبرد ایستاده ام
آشفته و تپیده و خونین
همراه هرم آتش و امواج خون و دود
سرگشته همچو باد بهر سوی میدوم
از سینهٔ گداختهٔ "سینا"
تا شهرهای مشتعل "اردن"
تا تپه های سوختهٔ "شامات"
در جستجوی یک یک یارانم
سوزنده همچو خشم بهر دور، میوزم
سر میزنم به سنگر این سرباز
پا میهنم به بستر آن مجروح
فریاد میزنم که برادر ها!
در جبههٔ بزرگ نبرد ـ افسوس ـ
اینک برادرانم،
در خون تپیده اند
در جبههٔ بزرگ نبرد اینک
آرامشی تنیده بمیدانها
دریا دلان جبهه خموشند
در انتظار رستن توفانها

اینک غریو روح شهیدانند
این کولیان باد ـ که در صحنه های رزم ـ
فریاد انتقام دلیران را
تفسیر میکنند.

ن ـ میرزازاده

گرفته شود. بنظر میرسد بهتر است که در برنامه سالهای آینده تغییراتی داده شود تا اولا" برشته های علوم انسانی افراد کم استعداد را راه ندهند تا حداقل دانش‌آموز قدرت فهم برنامه‌را داشته باشد. و ثانیا" موادی در برنامه رشته های‌فیزیک، ریاضی‌وتجربی‌گنجانده شود. تا فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تجربی و فیزیک ریاضی مایهٔ لازم برای ورود برشته های قضائی و سیاسی و جامعه شناسی و مدیریت را داشته باشند. و ثالثا" روشی اتخاذ شود که دانش‌آموزان مستعد فقط‌بطرف‌رشته های‌نظری (فیزیک، ریاضی وتجربی) هجوم نیاورند. بطرف‌رشته های دیگر یعنی علوم انسانی‌هم متوجه شوند و استعدادهای مختلف، در سطوح مختلف تحصیلی منتشر شود.

چیستان

نعمت میرزا زاده

دیروز اگر می‌گفتی:
" از ما نیست "
می‌گفت:
" آن یک‌پاره‌ای‌ازماست ای خائن "
امروز اگر گویی:
" از آن ماست "
گویـد:
" خموش ای مرتجع!
آن پاره از ما نیست "

کرد آورده و ایشان را به ترجمه متون کیمیا گری (که به غلط با شیمی یکی دانسته) فرمان داد و کیمیاگر معروف عرب جابرحیان که در اروپای قرون وسطی به گبـــر شهـــرت داشت با این خلیفه مربوط بوده است و هم‌از محضر درس امام صادق استفاده کرده است. لازم به توضیح است که جابر حیان یکی از دانشمندان اسلام است و کتابی که از اودست آمده قدیمی ترین کتاب در مادهٔ شیمی است.

طب دراسلام بعلت تعالیم آن که افراد را دعوت به احیاء نفوس مینماید بیش از سایر علوم پیشرفت نمود. اولین پزشک عرب حارث بن کلده است وی از معاصرین پیامبر (ص) است و تحصیلات خود را در مدرسه طب گندی شاپور تکمیل کرد و بکار هم نزد خسروانوشیروان رسیده است.

دانشگاه گندی شاپور تا بعد از خلافت عباسیان نیز اعتبار خود را حفظ کرد.

رازی یکی از نوابغ پزشکی ایران و رساله های علمی چون "آبله" و دائرة المعارف علوم طبی بنام الحاوی" معروف است. او کاشف الکل و اسید سولوریک است.

ابن سینا نابغهٔ علوم نیز نیاز از معرفی است. وی با نوشتن "قانون"، "الحاوی" رازی را از اعتبار انداخت. کتب این دو حکیم بزرگوار مدتها در مدارس و دانشگاههای غربی تدریس میشده است. دریغ است اگر ازخاندان بوبخت و بختیشوع که در مکتب بزرگ گندی شاپور پرورش یافته بودند و بیش از ۲۵ سال سرآمد پزشکی ایران بودند یادی نکنیم.

شرح فعالیت های بزرگان و کارهای علمی آنان بقدری وسیع است که در حد مقال نمی گنجد. در نظر داریم که بسیاری از کتابها و در حقیقت بخش عظیمی از ذخایر علمی و ادبی ما مفقود و یا نابود شده است. درزمان مامون خلیفه عباسی دانشمندان ایرانی توانستند حرکت وضعی و انتقالی زمین را حدس بزنند و قطر زمین را اندازه بگیرند.

طلبه های ما در حجره های حقیر در حقیقت پاسداران علوم و دانش ما بوده اند آنها بیش از هر کسی حتی در زمینه علوم اسلامی نشان داده و میدهند.

بزرگان فلسفه و منطق از خواجه نصیر الدین طوسی گرفته تا فارابی، سهروردی، و غزالی (اگرخودش اجازه دهد که او را فیلسوف

همان ... تابلوئی را نصب می‌کنند در جای خالی که همه ببینند، جوانان در دورهٔ جوانی خود باید آنچنان عمل نمایند که افعال و اعمال دوران فراغتشان مانند تابلوئی در تاریخ زندگی آنان نمودار گردد.

پس بطوری کلی قدرتهایی وجود دارد که بالطبع نسل جوان را از سرکشی و طغیان و پرخاشگری باز میدارد، موانع طبیعی، تضاد و غرایز، قوانین و تعالی خواهی، تکامل‌طلبی.

اما اینها دلیل نمیشود که مسئولیت والدین فراموش گردد. دراینجا لازم میدانم این امر خطیر اجتماعی و دینی را مد نظر قرار داده و مسئولیت والدین را مورد بحث و بررسی قرار ده ... ح ذیل بیان می‌گردد:

۱ ـ مسئول ... ن تربیت احساسات مذهبی جوانان می‌باشد. که در دوران بلوغ تجلی می‌کند. حس علت‌خواهی خدا جوئی نوجوان جلوه می‌کند. اگر وضع و حالات جوانان ونوجوانان را در مواقع مختلف زندگی ملاحظه نمائید، مشاهده خواهید کرد که در نهادشان شعله ای زبانه می‌کشد و این شعله هالحظه به لحظه داغ تر می‌گردد و حقیقت این عالم، اصل این جهان وواقعیت دهنده به تمام کائنات را می‌خواهد و می‌طلبد والدین و مربیان نباید این حس خدا خواهی را نادیده بگیرند و گاهی هم بگویند خوش باشید پس پیری که رسیدید توبه می‌کنید و راه مسجد و خدا را بگیرید. جوانانی که از قلمرو اسلام خود را خارج می‌دانند اگر بخواهیم علتش را دریابیم از جمله این است که احساسات مذهبی شان در دوران جوانی تربیت نشده است.

امام صادق علیه السلام میفرمایند ـ خطاب به والدین ـ سبه مسئولین آموزش و پرورش و دولتها که با شتاب مبادرت نمائید به آموزشها و پرورشهای الهی جوانان قبل از اینکه دشمنان ازشما پیشی بگیرند و آنها را در چنگال خودپرورش داده و از قلمرو خدا شناسی خارج سازند.

۲ ـ احترام والدین به شخصیت جوانان است. نسل جوان نیز مانند یک مهمان محترم تازه وارد یا یک مشاور حقوقی یا یک مشاور سیاسی یا اقتصادی و تجاری باید احترام بگذاریم، زیرا اگر به جوانان احترام بگذارید راحت ازهیجان

را باعث‌گردد مسلما" به پرتگاه سقوط خواهند رفت. چنانچه خداوند در قرآن میفرماید:

ان الانسان لیفجر امامه ... این انسان ذاتا" می خواهد پیش برود و نیروهائی را که دارد مصرف کند و اگر جوانان این جنبه را در خودشان بخصوص با نیروی دین و ایمان محدود ننمایند متاسفانه امکان دارد دچار خطرات شوند. راهش در قناعت و ساده زیستن است، کمی توجه به خداوند موضوع را حل می‌کند، اما مسئولیت اساسی والدین راهنمایی آنها در این مورد خواهد بود، چنانچه رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

آزادی کجاست؟ آنجا که انسان برهد از بند بطن و عورت، و عزت یک آدم با ایمان در آن است که خود را بی نیاز از همهٔ انسانها و تنها نیازمند خداوند بداند پس آزادی کجاست؟ آنجا که انسان بتواند ساده زندگی کند، قناعت نماید و آزادی و عزت به دنبال داشته باشد، بالاترین برده گیها، بردگی وبندگی نفس اماره و خود خواهی و خودپسندی است.

برای شهیدان

در جبههٔ بزرگ نبرد ایستاده ام
آشفته و تپیده و خونین
همراه هرم آتش و امواج خون و دود
سرگشته همچو باد بهر سوی میدوم
از سینهٔ گداختهٔ "سینا"
تا شهرهای مشتعل "اردن"
تا تپه های سوختهٔ "شامات"
در جستجوی یک یک یارانم
سوزنده همچو خشم بهر دور، میوزم

... آموزان، افراد مستعد رشته های فیزیک، ریاضی و تجربی را برگزیدند. بطوریکه امروزه در اکثر دبیرستانها بندرت دانش آموز مستعدی در کلاسهای علوم انسانی و فرهنگ و ادب و صنعت و خدمات میتوان یافت.

خلاصه رشته های مهمی، مانند اقتصاد و بازرگانی و خدمات و فرهنگ و ادب و علوم اجتماعی که بایستی برای آینده این کشور صاحبنظران و متخصصان لازم مانند وزیر وکیل قاضی سیاستمدار دیپلمات تئوریسین مدیر رئیس جامعه شناس تربیت کند از استعدادهای خوب و ممتاز بی نصیب شده و میشود. این فاجعه ای است که در چند سال آینده با آن روبرو خواهیم بود.

این کار شاید از نظر رژیم گذشته غایت مطلوب بود. زیرا هر چه افرادی مانند وزیر، وکیل و ... بی اطلاعتر و بی مایه تر میبودند مطیعتر و بهتر میشدند ولی برای ایران اسلامی آینده این حادثه خیانت است و جنایت. لذا این مهم در خور توجه است که تا فاجعه روی نکرده جلو خطر گرفته شود. بنظر میرسد بهتر است که در برنامه سالهای آینده تغییراتی داده شود تا اولا" برشته های علوم انسانی افراد کم استعداد را راه ندهند تا حداقل دانش آموز قدرت فهم برنامه را داشته باشد. و ثانیا" موادی در برنامه رشته های فیزیک، ریاضی و تجربی گنجانده شود. تا فارغ التحصیلان رشته های علوم تجربی و فیزیک ریاضی مایهٔ لازم برای ورود برشته های قضائی و سیاسی و جامعه شناسی و مدیریت را داشته باشند. و ثالثا" روشی اتخاذ شود که دانش آموزان مستعد فقط بطرف رشته های نظری (فیزیک، ریاضی و تجربی) هجوم نیاورند. بطرف رشته های دیگر یعنی علوم انسانی هم متوجه شوند و استعدادهای مختلف، در سطوح مختلف تحصیلی منتشر شود.

چیستان

بقیه سرمقاله

ولی تعالیم اسلام چون آب زلال راه خویش را یافت. نیم نگاهی به گذشته اسلام یادآور تکاپوی دانشمندان اسلامی آن است.

پس از قرن اول هجری بود که مسلمانان از جنگ فراغتی یافتند و بتدریج به علوم توجه کردند. عمده توجه به علوم غیر دینی در قرن دوم هجری همزمان با ترجمه کتب فلسفی یونان منجمله از ارسطو ـ اقلیدس و بقراط از زبان سریانی بعربی آغاز گردید. در اینکه اول مرتبه چه کسی اینکار را کرده اختلاف است برخی مینویسند اینکار توسط حنین عیسوی (در بغداد) و ثابت بن قره صائبی درحران (بین النهرین) انجام یافت و برخی بر آنند که نخستین کسی که به نقل علوم باسلام پرداخت خالد بن یزید معاویه متوفی سال ۸۵ هجری بوده است. ولی بنا بر گفته یکی از علمای اسکندریه بنام "اصطفان القدیم" به نقل بعضی از کتب نجوم پرداخت که مقدمه یی برای نقل کتب بعربی بوده است و به این ترتیب نخستین انگیزه و محرک اعراب در تمایل به سوی علوم و معارف یونانی نیز همین شخص بوده است. خالد فلاسفه یونان را در مصر گرد آورده و ایشان را به ترجمه متون کیمیا گری (که به غلط با شیمی یکی دانسته) فرمان داد و کیمیاگر معروف عرب جابرحیان که در اروپای قرون وسطی به گبر شهرت داشت با این خلیفه مربوط بوده است و هم از محضر درس امام صادق استفاده کرده است. لازم به توضیح است که جابر حیان یکی از دانشمندان اسلام است و کتابی که از او بدست آمده قدیمی ترین کتاب در بارهٔ شیمی است.

آ کداداد

بقیة: جوانان و......

جلوه می‌کند، گاهی هم بشکل یادگیری علوم و در انتها شاید همین جنبهٔ تعالی خواهی بوده است که می‌بینیم در صدر اسلام جوانان بیشتر از بزرگسالان مصدر امور بودند و در جریان تمدن اسلامی نسل جوان نقش آفرینیشان بیشتر بوده است چه از لحاظ کیفیت و چه از نظر عدد و کمیت شاید در تاریخ نظامی جهان نیامده باشد که فرمانده لشگر ارتش سیاه پوست بر سفید پوست فرماندهی کند و سن وی زیر بیست سال باشد، ولی رهبر عالیقدر اسلام علی علیه السلام عمامهٔ بن زید را فرمانده ارتش اسلام قرار داد و برای دفاع در برابر ارتش نیرومند آنروز روم بسیج می‌کند و تخلف و سرپیچی از جیش عمامه را گناه بزرگی می‌شمارد. حس تکامل طلبی و تعالی خواهی در جوانان بشرطی که زنده شود، قدرتی است که تمایلات دیگر را محدود می‌کند، بهمین علت قرآن کریم فرمان می‌دهد به پیامبر عالیقدر: اذا فرغت فانصب الی ربک فارغب. آنگاهی که فراغت یافتی تازه کا ی ام بده که ترا در میان اجتماع نشان دهد. هما ـ تابلوئی را نصب می‌کنند در جای خالی که همه ببینند، جوانان در دورهٔ جوانی خود باید آنچنان عمل نمایند که افعال و اعمال دوران فراغتشان مانند تابلوئی در تاریخ زندگی آنان نمودار گردد.

پس بطوری کلی قدرتهایی وجود دارد که بالطبع نسل جوان را از سرکشی و طغیان و پرخاشگری باز میدارد، موانع طبیعی، تضاد و غرایز، قوانین و تعالی خواهی، تکامل طلبی.

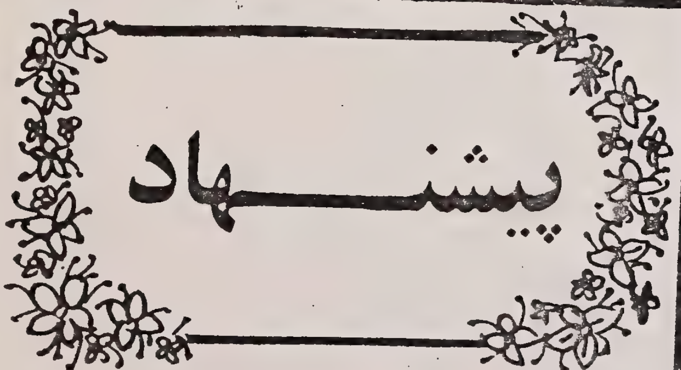
متوسل میشوند برای اینکه مجوزی پیدا کنند بر آلودگی. مفهوم فرمایش مولای متقیان اینست که اگر فرزندان شما در هزار سال قبل پالان دوزی را فرا می‌گرفتند امروز باید جت بوئینگ و سایر تعلیمات عالیه را فرا گیرند.

۴ ـ مسئولیت والدین و مراقبت در ساعات فراغت جوانان است.

بر والدین است که امکانات مشروع ایجاد کنند برای خواندن زبان مطالعهٔ کتب آســان در هر فصلی به مقتضای بهار، پائیز، زمستان و تابستان امکانات سالم مشروع برای دختران و پسران خود ایجاد کنند که آنها استفاده از غیر مشروع نکنند. امام علی بن ابیطالب میفرماید: جوانان و هر انسانی باید یک قسمت از ساعات زندگیش را با سرور و شادمانی بگذراند تفریحات سالم داشته باشد، زیرا موجب می‌شود که تلاش و کار بهتر انجام گیرد.

۵ ـ زیاده طلبی جوانان است که بعضی اوقات از حد خود تجاوز می‌نمایند دراینمورد علی بن ابیطالب میفرماید: نفوس سرکشی هستند که چون نیاز متراکم شده روح جوانان را مقهور می‌نمایند و باعث سرکشی آنها میگردد و اگر پیروی از آزادی خواهی بی‌اندازه و مفرط یعنی نوعی بی بند و باری را باعث گردد مسلما "به پرتگاه سقوط خواهند رفت. چنانچه خداوند در قرآن میفرماید:

ان الانسان لیفجر امامه ... این انسان ذاتا" می خواهد پیش برود و نیروهائی را که دارد مصرف کند و اگر جوانان این جنبه را در خودشان بخصوص با نیروی دین و ایمان محدود ننمایند متاسفانه امکان دارد دچار خطرات شوند راهش در قناعت و ساده زیستن است، کمی توجه به



پیشنهاد

وقتی که نظام جدید آموزش و پرورش مطرح گردید و دورهٔ تحصیلی به سه بخش ابتدائی راهنمائی و دبیرستان تقسیم شد در نظر بود که در دورهٔ راهنمائی استعدادهای دانش‌آموزان کشف و شناسائی و هر کس موافق استعداد خویش ادامهٔ تحصیل دهد و در رشته های مختلف علوم و فنون نوابغ ظهور کنند تا کشور از مستشاران خارجی بی نیازگردد ولی متاسفانه این طرح و نقشه در عمل طوری پیاده شد که نتیجه معکوس داد در دورهٔ راهنمائی استعدادها شناسائی نشد زیرا نه کارگاهی بود و نه کلاس درس بحد کافی وجود داشت و نه دبیر راهنمائی بقدر لازم پیدا می‌شد تا استعداد های نوباوگان شکوفا گردد و فقط از روی محفوظات دانش آموزان، افراد مستعد رشته های فیزیک، ریاضی و تجربی را برگزیدند. بطوریکه امروزه در اکثر دبیرستانها بندرت دانش آموز مستعدی در کلاسهای علوم انسانی و فرهنگ و ادب و صنعت و خدمات میتوان یافت.

خلاصه رشته های مهمی، مانند اقتصاد و بازرگانی و خدمات و فرهنگ و ادب و علوم اجتماعی که بایستی برای آینده این کشور صاحبنظران و متخصصان لازم مانند وزیر

. گاهی چهره یک انسان با ایمان که نه سیگار می‌کشد و نه لب به مشروبات الکلی آلوده است، نه دستهای خود را به‌آلات قمار چرخانیده و نه بسوی گناه و آلودگی قدم گذاشته در سنین مختلف حتی دوره کهولت و پیری، آنچنان مانند خورشید میدرخشد که گوئی فریاد از دوران جوانیش بلند است، ایمان و اراده وی موجب شادابی و حفظ جوانی اش شده است.

اما برخی از جوانان آنچنان در برابر فشارهای جسمی و روانی قرار گرفته اند که پیری زودرس دهها چروک در چهره شان ترسیم نموده، و چشمهایشان دیگر فروغ ندارد، رعشه‌های مداوم در پلکهای چشم و ابروان و گونه ها وزنخدان و دستهایشان دیده می‌شود.

عوامل تعدیل کننده حالات جوانان را میتوان عبارت دانست از:

۱ ــ فیزیک انسان اولین قدرتی است که می‌تواند کودتا کند علیه جوانی و سرکشی آنان.

۲ ــ تضاد و تمایلاتی است که در نهاد خود جوان‌پدید میآید، نفس از یکسو تمایلات جنسی او را بسوی سقوط میبرد و از سوی دیگر غریزه زیبا پسندی، غریزه و فطرت دوستدار بودن علم و دانش، عشق بر تفکر و اندیشیدن، مطالعه کتابهای سودمند، ورزش و نقاشی نمودن، تضادی با تمایلات وی پیدا می‌کند و تا اندازه ای می‌تواند اورا متعادل نماید.

۳ ــ قوانین اجتماعی است، گرچه یک جوان می‌خواهد سرکشی نماید ولی برخورد می‌نماید با مانعی بزرگ بنام قانون مملکتی ــ که طبعاً "یک جوان سرکش در برابر قوانین دادگستری و ضوابط قانونی محدود می‌گردد.

۴ ــ که البته از همه مهمتر است عشق به تعالی و تکامل است.

گاهی این حالت بشکل قدرت طلبی، شهوت خواهی

بقیه در صفحه ۲

اخبار انجمن

* طبق دستور رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی امام خمینی و با دعوت قبلی انجمن اسلامی معلمان شهرستان رودسر در روز پانزدهم خرداد ماه برای تجلیل از شهدای راه حق راهپیمائی با شکوهی از پل شرقی این شهرستان تا مسجد شهدا انجام شد. در این راهپیمائی چندین هزار نفری تمامی مردم مسلمان این شهرستان یک صدا پشتیبانی مجدد خود را از رهبری زعیم عالیقدر امام خمینی اعلام داشتند و با شعار (تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست) به جلوی مسجد رسیدند و در آنجا یکی از برادران سخنرانی مفصلی برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ایران ایراد نمود و بعد از آن یکی از روحانیون در بارهٔ روز تاریخی پانزدهم خرداد سخن گفتند.

انجمن اسلامی معلمان ایران ــ رودسر

* انجمن اسلامی معلمان ایران اقدام به تشکیل کلاسهای تقویتی رایگان برای سالهای چهارم ریاضی و تجربی و ششم طبیعی و ریاضی در نواحی جنوب تهران نموده است و سعی شده از معلمین مؤمن به انقلاب و دلسوز به خلق مستضعف استفاده شود. این کلاسها در مساجد تشکیل میگردد که تا این تاریخ در مساجد زیر کلاسها دایر گشته:

۱ ــ مسجد حضرت علی اکبر خیابان هاشمی.

۲ ــ مسجد رحمانی خیابان سینا خیابان نیکو.

۳ ــ مسجد حضرت سید الشهداء خیابان آرامگاه.

۴ ــ مسجد حضرت ابوالفضل خیابان رباط کریم.

۵ ــ مسجد جعفری خیابان رباط کریم.

۶ ــ مسجد حجتی خیابان سلسبیل بالاتر از چهار راه وثوق.

۷ ــ مسجد بازارچه جوادیه بازارچه.

۸ ــ هنرستان نظام معافی. سه‌راه آذری خیابان ولی عصر.

به ۴۳۰۰ نفر شاگرد بصورت رایگان در این کلاسها درس داده می‌شود.

کلاسهای تابستانی

* گروه تربیتی ناحیه ۵ آموزش و پرورش با همکاری انجمن اسلامی معلمان این ناحیه اقدام به تشکیل کلاسهائی جهت شناخت هر چه بیشتر ایدئولوژی اسلامی و کلاسهای تجدیدی و تقویتی برای کلاسهای پنجم دبستان، دوره راهنمایی و دبیرستان نموده که مورد استقبال دانش‌آموزان ناحیه ۵ قرار گرفته است، لازم به توضیح است که این کلاسها همراه با تفریحات سالم (کوهنوردی، شنا، اردو و ...) و نیز اسلحه شناسی و هنر (نقاشی، تاتر، فیلم، اسلاید و ...) می‌باشد.

بقیه در صفحه ۴

آموزگار

نهج البلاغه حضرت علی (ع).

آن کس که رشتهٔ تقدیر اجتماع به‌مشت گیرد اگر خویشتن نداند دیگران را نتواندبه دانش‌رهبری‌کند و اگر خود مردادب و فرهنگ نیست در پیراموی وی هرگز آموزش و پرورش صورت نخواهد گرفت.

آن بهتر که آموزگار کتابی جز از دفتر قلب خویش نگشاید و شاهدی جز از سیرت و روش خویش نیاورد. در این هنگام دیگر نه زبان را به گفتار نیازی باشد و نه درس را به تکرار حاجتی افتد.

آن آموزگار که هنوز کس را نیاموخته خویشتن آموخته باشد شایستهٔ تقدیس واحترام عمومی است.

جوانان و والدین

از: سید علی مهاجرانی

تذکر :

لازم به توضیح است که این نوشته بخشی از کتاب آسیب پذیری نوجوانان وجوانان است که در زمان اختناق به قیچی سانسور سپرده شده و از چاپ آن جلوگیری بعمل آمد. واینک ما بطور بسیار فشرده اقدام به چاپ آن در نشریه نموده ایم تا اینکه خود کتاب در نوبتی دیگر بصورت کامل به چاپ رسد.

گاهی چهره یک انسان با ایمان که نه سیگار می‌کشد و نه لب به مشروبات الکلی آلوده است، نه دستهای خود را به آلات قمار چرخانیده و نه سوی گناه و آلودگی قدم گذاشته در سنین مختلف حتی دوره کهولت و پیری، آنچنان

مانند خورشید میدرخشد که گویی فریاد از دوران جوانیش بلند است، ایمان و اراده وی موجب شادابی و حفظ جوانی اش شده است.

اما برخی از جوانان آنچنان در برابر فشارهای جسمی و روانی قرار گرفته اند که پیری زودرس دهها چروک در چهره شان ترسیم نموده، و چشمهایشان دیگر فروغ ندارد، رعشه‌های مداوم در پلکهای چشم و ابروان و گونه ها وزنخدان و دستهایشان دیده می‌شود.

عوامل تعدیل کننده حالات جوانان را میتوان عبارت دانست از :

۱ ـ فیزیک انسان اولین قدرتی است که می‌تواند کودتا کند علیه جوانی و سرکشی آنان.

۲ ـ تضاد وتمایلاتی است که در نهاد خود جوان پدید میآید، نفس از یکسو تمایلات جنسی او را بسوی سقوط میبرد و از سوی دیگر غریزه زیبا پسندی، غریزه و فطرت دوستدار

و تفاوت فاحش آن با مدارس دولتی بخصوص جنوب شهر، مشاهده میشود که عملا" مدارس اختصاصی مردم را بدو گروه متمایز و متخاصم تبدیل کرده اند:

۱ ـ گروه مستضعفین که بعلت نداشتن در آمد کافی در مدارس دولتی درس میخوانند. خصوصیات این مدارس واضح است. تعداد شاگردانش بسیارزیاد و گاهی بر اثر کثرت جمعیت در سه نوبت روزانه دائر میشود. معلمین دولتی ساعات رسمی کار خود را در این مدارس می‌گذرانند. امتحانات طبق برنامه وزارتی است.

۲ ـ متمولین: که تعداد ایشان را در هر کلاس به ۲۰ نفر میرسد. ایشان با دادن هزینه های سنگین و پرداختن هزینه جهت ایاب و ذهاب که جمعا" حدود ۴ تا ۶ هزار تومان میشود. در این مدرسه بسر میبرند. معلمین دولتی ساعات

تحت نظر کارشناس های خارجی اداره میشده وحتی افزارهای گران قیمت نظامی نیز مستثنی نبوده و حال ما باید خود اداره امور خود را بعهده بگیریم. آیا خواهیم توانست؟ پیروزی انقلاب در گرو جواب این سئوال است.

هجوم جوانان ما بخواندن کتابها در زمینه اجتماعی قابل تحسین و امیدواری است اما عدم چاپ کتاب در زمینه تکنولوژی و فیزیک و شیمی و دیگر علوم نمیتواند تاسف اهل نظر را برانگیزد. این اعلام خطری است بزرگ و هشداری است حیاتی به کلیه اهل فن که با بسیج جوانان این مرز و بوم برای حفظ استقلال کشور و انقلاب و برای ساختن ایرانی آزاد و آباد بکوشند.

در صدر اسلام گروهی سعی کوشیدند اسلام و علوم را رو در روی هم قرار دهند

بقیه در صفحه ۲



اخبار انجمن

* طبق دستور رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی امام خمینی و با دعوت قبلی انجمن اسلامی معلمان شهرستان رودسر در روز پانزدهم خرداد ماه برای تجلیل از شهدای راه حق راهپیمائی با شکوهی از پل شرقی این شهرستان تا مسجد شهدا انجام شد. در این راهپیمائی چندین

* انجمن اسلامی معلمان ایران اقدام به تشکیل کلاسهای تقویتی رایگان برای سالهای چهارم ریاضی و تجربی و ششم طبیعی و ریاضی در نواحی جنوب تهران نموده است و سعی شده از معلمین مؤمن به انقلاب و دلسوز به خلق مستضعف استفاده شود. این کلاسها در مساجد تشکیل میگردد که تا این تاریخ در مساجد زیر کلاسها دایر گشته:

۱ ـ مسجد حضرت علی اکبر خیابان هاشمی.

۲ ـ مسجد رحمانی خیابان سینا خیابان نیکو.

۳ ـ مسجد حضرت سید الشهداء خیابان آرامگاه.

۴ ـ مسجد حضرت ابوالفضل خیابان رباط کریم.

۵ ـ مسجد جعفری خیابان رباط کریم.

۶ ـ مسجد حجتی خیابان سلسبیل بالاتر از چهار راه وثوق.

۷ ـ مسجد بازارچه جوادیه بازارچه.

دانش آموزان ناحیه ۵ قرار گرفته است، لازم به توضیح است که این کلاسها همراه با تفریحات سالم (کوهنوردی، شنا، اردو و ...) و نیز اسلحه شناسی و هنر (نقاشی، تاتر، فیلم، اسلاید و ...) می‌باشد.

بقیه در صفحه ۴

آموزگار

نهج البلاغه حضرت علی (ع).

آن کس که رشتهٔ تقدیر اجتماع به‌مشت گیرد اگر خویشتن نداند دیگران را نتواندبه

ارگان انجمن اسلامی معلمان ایران

پیام معلم



دوشنبه – ۱۱/۴/۱۳۵۸ – سال اول – شماره ۳ ——— تکشماره ۵ ریال

سرمقاله

امر آموزش تکنولوژی و علوم به جوانان برای حفظ استقلال یک امر حیاتی است.

انقلاب اسلامی با پیروزی خود در ایران تمام حیثیت و موجودیت این دین را به بوته‌ء آزمایش گذارده است. بدیهی است که امپریالیست‌ها و وابستگان به آنها که سعی زیادی در غارت و چپاول منابع طبیعی و هر چه بیشتر وابسته کردن کشور ما در طی قرون کرده‌اند، ساکت ننشسته‌اند، عمده وظیفه آنها امروز انجام نمیپذیرد، بلکه نقشه های آنها در فردا و ماهها و سالهای آتی است.

تصور آنها بر این است کشوری که حتی برنج و گندم و میوه اش از خارج میآید و اغلب صنایع آن وابسته و مونتاژ است، بدون کمک های شرق و غرب نمیتواند روی پای خود بایستد.

این کشور ناچار است به یکی از دو ابر قدرت تکیه نماید یا دست رد رهبر و زعیم عالیقدر انقلاب ما به فرستاده های این عوامل چنان بر آنها گران آمده که عوامل آنها بیشرمانه در بعضی اوقات فریاد بر میآورند که آخر چرا این کمک ها را نمیپذیرند؟ بیهوده نیست رهبر انقلاب کشت پنبه را امری واجب برای کشاورزان میداند، چرا که ما اگر میخواهیم مستقل باشیم ناچاریم اول غذایمان را خودمان تهیه کنیم. اما در زمینه تکنولوژی وظیفه‌ء سنگینی بر دوش جوانان و بخصوص دانشجویان ما قرار دارد. در ذوب‌آهن، ما ۲۰۰۰ کارشناس روس داریم در یک بخش هلیکوپتر سازی فقط ۲۵۰۰ نفر کارشناس آمریکائی کار میکرده اند. این گویای اینستکه بسیاری از کارخانه های ما تحت نظر کارشناس های خارجی اداره میشده وحتی افزارهای گران قیمت نظامی نیز مستثنی نبوده و حال ما باید خود اداره امور خود را بعهده بگیریم. آیا خواهیم توانست؟ پیروزی انقلاب در گرو جواب این سئوال است.

[illegible]

چگونگی بالا بردن کیفیت آموزش و پرورش

از: مصطفوی

موضوع: پیرامون دولتی شدن مدارس ملی.

مقدمه: نگارنده معتقد است اجرای طرح دولتی شدن مدارس ملی به بسیاری از نابسامانیهای فرهنگی خاتمه خواهد داد. لذا نظرات خود را پیرامون این طرح بیان خواهیم کرد.

الف: اگر کیفیت تدریس در سطح کشور با اتخاذ تدابیر صحیح بالا برود فلسفه وجودی مدارس اختصاصی از میان خواهد رفت. واولیاء مجبور نمیشوند که احیانا" فرزندانشان را برای پیشرفت سریعتر تا پانزده کیلومتر از منازل خود دور تر به مدارس اختصاصی بفرستند و تا حدی نیز در امر ترافیک موثرواقع میشود. همچنین به ایجاد جامعه‌ء بی طبقه توحیدی کمک موثری خواهد شد. با توجه به وضع حاضر در مدارس ملی و تفاوت فاحش آن با مدارس دولتی بخصوص جنوب شهر، مشاهده میشود که عملا" مدارس اختصاصی مردم را بدو گروه متمایز و متخاصم تبدیل کرده اند:

۱ – گروه مستضعفین که بعلت نداشتن درآمد کافی



غیر رسمی کار خود را در این مدارس بسر میبرند. اوراق اضافی، کمک درس به محصل داده میشود. آزمایشگاهها، کارگاهها و در بعضی از آنها زمین ورزشها و بطور کلی اختیارات

بقیه در صفحه ۳

تفسیر گونه ای از: سورهٔ فجر

بسم الله الرحمن الرحیم

۱ – (والفجر) قسم به صبح صادق و فجری که شکافنده‌ء ظلمت شب ظلم و ستم و

بقیه در صفحه ۴

ناحیه ۶

درناحیه‌جمعی از دبیران‌جهت تدارک وبرنامه‌ریزی برنامه مخصوص تابستانی متشکل گردیده‌اند. اعضاء سازمان در این ناحیه ضمن همکاری فعالانه، با سایر همکاران، در جهت آموزش ایدئولوژیک همکاران که می‌خواهند در برنامه‌های تابستانی شرکت نمایند، اقدام نموده‌اند.

مطالعات آموزشی و فرهنگی

در دفتر سازمان، جلسه‌ای متشکل از اعضاءفعال دایرمی‌باشد. در این جلسه یک سلسله مطالعات عمیق و بنیادی برای تحلیل نظام آموزشی کنونی‌ویافتن راه حل‌های آن آغاز گردیده است.

این سلسله مطالعات و تحقیقات با رهنمودهای برادرمان دکتر عباس‌زادگان و برادرمان دکتر پیمان ادامه دارد.

دنباله از صفحه یک

معیارهای گزینش و استخدام معلمان

تأکید فراوان دارد و مراکز احتماعی، طبی و روانی‌نیز مربیان آموزشی را در حل مشکلاتشان یاری می‌دهند.

در مورد روشهای ارزیابی نیز امتحانات سنتی کنار گذاشته شده و ارزیابی مداوم توانائیهای دانش‌آموزان در کار خود – آزمائی مورد توجه خاص قرار گرفته است.

برنامه‌ریزیهای‌آموزشی در بلژیک، در کلیه‌سطوح تحصیلی با توجه به اصول زیر صورت می‌گیرد:

(الف) کمتر ولی بهتر آموختن

(ب) شکل دادن بحای مطلح ساختن

ب – آموزش مداوم برای معلمین شاغل.

ج – پژوهشهای آموزشی درسطح متوسطه وعالی.

آموزش مقدماتی (پیش از خدمت)

این دوره‌آموزشی درمورد معلمین‌آینده‌و بصورت سیستم‌واحدی اجرامی‌شود. دانشجویان، دروس‌اساسی آموزش و پرورش را گذرانده و به فعالیتهای عملی نیز می‌پردازند. فعالیتهائی نظیر مشاهده در کلاس، تمرین عملی‌تدریس، آشنائی با روانشناسی‌کودک، روانشناسی یادگیری، و جامعه‌شناسی از دیگر مواردی است که در برنامه مورد توجه قرار می‌گیرد. در طول نیمسال آخر، دانشجویان فرصت‌خواهند داشت تا مسائل عمیق‌تری نظیر ارزیابی، برقراری‌ارتباط در کلاس، و جامعه‌شناسی آموزش را فرا گیرند.

برنامه دیگری که در زمینه تربیت معلم درفرانسه مورد تجربه قرار گرفت از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱طول کشید و بعلت کمبودهای مالی ادامه نیافت. در این دوره دو ساله، ۱۲ نفر شرکت داشتند که ۶ نفر برای مدارس ابتدائی و ۶ نفر برای مدارس متوسطه داوطلب بودند. این گروه یک سال در مرکز تربیت معلم و یک سال بعنوان معلم شاغل فعالیت داشتند. کارهائی که دانشجویان در سال اول انجام می‌دادند بشرح زیر بود:

– آموزش عملی، سه نیمروز در هفته در مدارس.
– گذراندن دروس نظری و عملی در دانشگاه.
– فعالیتهای گروهی در مرکز تربیت معلم.

انگلستان

سیمای کلی تربیت معلم

خود بعضی از آموزشهای حرفه‌ای را نظیر کتابداری، خدمات اجتماعی و غیره نیز می‌بینند.

۲ – ادغام کالجهای تربیت معلم به‌منظورایجاد واحدهای بزرگتر با سطح آموزشی گسترده‌تر.

۳ – برقراری ارتباط و همکاری بین کالجهای تربیت معلم و یک دانشگاه.

اخیرا "در برنامه دروس تربیت‌معلم درانگلستان، تغییرات مهمی صورت گرفته و از الگوهای نوینی‌پیروی می‌کنند.

الگوی آموزش فشرده

در این الگو، دروس بنحوی در هم تنیده‌شده‌اند که دانشجو بتواند در رشته‌های مختلف نظیر برنامه‌ریزی درسی، زبان، ریاضیات، علوم وغیره تخصصهای لازم را کسب کند. این برنامه با تکیه بر نیازهای فرد و نه نیازهای یک دانشمند انجام می‌گیرد. دروسی که در جوار کارهای عملی بدانشجویان آموخته می‌شود به شرح زیر است:

– آموزش ریاضیات — مطالعات احتماعی
– آموزش زبان — کودکان عقب افتاده
– سازمان یادگیری — آموزش فرانسه
– آموزش اخلاقیات — مطالعات عملی
– شناخت محیط

الگوی دانشگاه کیل

دانشگاه کیل در جهت تربیت معلم، الگوئی به شرح زیر دارد.

در سال اول، همه دانشجویان موظفند دروسی مانند ریاضیات، انگلیسی، تربیت بدنی، تعلیمات

و نحوه مدیریت و . . می‌باشد. لذا برایمان مسائل شخصی و کوبیدن یک فرد مطرح نیست.

دینی، هنر و کاردستی، موسیقی و غیره را در ارتباط با نیازهای گروهی که بتدریس به آنها خواهند پرداخت، بگذرانند. دانشجویان همچنین در سال دوم و سوم، در زمینه‌های زیر را برای مطالعه انتخاب می‌کنند:

– علوم — هنرهای خلاق امروز
– شناخت محیط — تلاش بشر برای بقاء
– بشر در عصر تکنولوژی — رسانه‌های گروهی
– تربیت بدنی و استفاده از محیط

الگوی تربیت معلم علوم

در انگلستان در زمینه تربیت معلم علوم، پس از جمع‌آوری‌عقاید صاحبنظران‌کارآزموده، دروس‌زیربعنوان سرفصل‌های‌کلی مطالب‌برای تربیت‌معلم علوم‌انتخاب گردید:

دنباله در صفحه پنج

نشریه جهاد معلم و دانش آموز
شماره ۳
تیرماه ۵۸
زیر نظر: شورای انتشارات
آدرس‌جدید: خیابان بهارشمالی نبش خیابان نامجو (انجمن‌دوشیزگان و بانوان سابق)
۸۲۲۸۳۱
۸۲۳۹۸۲

معلمان سازندگان نسل فردای انقلابند

۱۵،۱۴،۱۳، ۳۰ و ۷ تهیه شده و در دست اقدام است. بمحض آمادگی شرایط لازم از نظرمکان ،و شرایط دیگر، ساعات و مکانهای کلاسهای آموزشی اعلام خواهند شد.

ناحیه ۱۳

تعدادی از اعضای سازمان در فعالیتهای تربیتی مخصوص تابستان شرکت فعالانه داشته‌اند. اگرچه سازماندهی نیروها در این ناحیه به نحومطلوب صورت نگرفته است.

در این ناحیه از طرف سازمان یک کلاس عمومی اسلام شناسی و دو کلاس غیر عمومی ایدئولوژیک دایر می‌باشد.

کلاسی درمسئله‌شناخت از دیدگاه مکاتب‌مختلف مطالعه و بررسی می‌نمایند این کلاس هم‌اکنون دوره" شناخت مارکسیستی را می‌گذراند.

کلاس دیگر در آموزشهای ایدئولوژیکی فعالیت می‌نماید.

ناحیه ۶

درناحیه‌جمعی از دبیران‌جهت تدارک وبرنامه‌ریزی برنامه مخصوص تابستانی متشکل گردیده‌اند. اعضاء سازمان در این ناحیه ضمن همکاری فعالانه، با سایر همکاران. در جهت آموزش ایدئولوژیک همکاران که می‌خواهند در برنامه‌های تابستانی شرکت نمایند، اقدام نموده‌اند.

مطالعات آموزشی و فرهنگی

در دفتر سازمان، جلسه‌ای متشکل از اعضاءفعال دایرمی‌باشد. در این جلسه یک سلسله مطالعات عمیق و بنیادی برای تحلیل نظام آموزشی کنونی‌ویافتن راه حل‌های آن آغاز گردیده است.

این سلسله مطالعات و تحقیقات با رهنمودهای برادرمان دکتر عباس‌زادگان و برادرمان دکتر پیمان ادامه دارد.

دنباله از صفحه یک

برداشت کلی

توجه به این سئوال که آیا مفهوم آموزش مداوم معلم در شرایط امروزی چیست دارای اهمیت زیادی است. در کشور فرانسه، مسئله تربیت معلم از نقطه‌نظر سنتی می‌تواند از دو زاویه نگریسته شود:

الف ـ آموزش آکادمیک برای کسب دانش

ب ـ شناخت مسائل آموزش و پرورش.

اما امروز مفهوم دیگری از تربیت معلم در مقابل ما قرار دارد و آن شامل طریقه فکر کردن، درک وفهم، احساس و رفتار معلم است.

برنامه تربیت معلم متوسطه در آی ـ دی ـ پی

آی ـ دی ـ پی، یک مرکز آموزشی در دانشگاه "پروانس" فرانسه است که سه نوع فعالیت مستقل‌دارد:

الف ـ آموزش نخستین و مقدماتی برای آنهائی که معلم خواهند شد.

ب ـ آموزش مداوم برای معلمین شاغل.

ج ـ پژوهشهای آموزشی درسطح متوسطه وعالی.

آموزش مقدماتی (پیش از خدمت)

این دوره‌آموزشی درمورد معلمین‌آینده‌و بصورت سیستم‌واحدی اجرامی‌شود. دانشجویان، دروس‌اساسی آموزش و پرورش را گذرانده و به فعالیتهای عملی نیز می‌پردازند. فعالیتهائی نظیر مشاهده در کلاس، تمرین عملی‌تدریس، آشنائی با روانشناسی‌کودک، روانشناسی یادگیری، و جامعه‌شناسی از دیگر مواردی است که در برنامه مورد توجه قرار می‌گیرد. در طول نیمسال آخر، دانشجویان فرصت‌خواهند داشت تا مسائل عمیق‌تری نظیر ارزیابی، برقراری‌ارتباط در کلاس، و جامعه‌شناسی آموزش را فرا گیرند.

برنامه دیگری که در زمینه تربیت معلم درفرانسه مورد تجربه قرار گرفت از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱طول کشید و بعلت کمبودهای مالی ادامه نیافت. در این

سازمان معلمان مسلمان ضمن عرض تبریک این اقدام‌انقلابی به امام‌خمینی و به دولت موقت‌مهندس بازرگان و به خلق مستضعف و قهرمان ایران، امیدوار است که ملی کردن بانکها سرآغاز مرحله‌ای تازه در مبارزات "ضد استثماری" انقلاب باشد که در آن‌مرحله صنایع، مزارع وابسته و سرمایه‌شرکتهای خارجی و . . . ملی اعلام گردند و از سرمایه‌داری وابسته خلع ید کامل بعمل آید.

سازمان معلمان مسلمان ـ ۵۸/۳/۲۰

در انگلستان تقریبا "سیزده دانشگاه وجود دارد که در زمینه‌های آموزشی دانشجومی‌پذیرند و دانشجویان آنها همانهائی هستند که در آینده معلم خواهند شد. در حال حاضر سه اقدام مفید در زمینه تربیت معلم صورت گرفته است:

۱ـ اتصال مراکز تربیت‌معلم به مراکز آموزشهای عملی: در این طرح‌دانشجویان براساس علاقه‌واستعداد خود بعضی از آموزشهای حرفه‌ای را نظیر کتابداری، خدمات اجتماعی و غیره نیز می‌بینند.

۲ ـ ادغام کالجهای تربیت معلم به‌منظورایجاد واحدهای بزرگتر با سطح آموزشی گسترده‌تر.

۳ ـ برقراری ارتباط و همکاری بین کالجهای تربیت معلم و یک دانشگاه.

اخیرا "در برنامه دروس تربیت‌معلم درانگلستان، تغییرات مهمی صورت گرفته و از الگوهای نوینی‌پیروی می‌کنند.

الگوی آموزش فشرده

در این الگو، دروس بنحوی در هم تنیده‌شده‌اند که دانشجو بتواند در رشته‌های مختلف نظیر برنامه ـ ریزی درسی، زبان، ریاضیات، علوم وغیره تخصصهای لازم را کسب کند. این برنامه با تکیه بر نیازهای فرد و نه نیازهای یک دانشمند انجام می‌گیرد. دروسی که در حوار کارهای عملی بدانشجویان آموخته می‌شود به

به آدرس کتاب فروشی شما نشریه را خواهیم فرستاد.

آبادان ـ خواهر دانش‌آموز ـ خانم زینب ـ ب

نامه شما بدستمان‌رسید. مسائلی که در رابطه‌با آزادی مطبوعات و احزاب مطرح کردید بیشتر عکس‌العمل‌های مردم بوده‌است و نه عملکرد دولت.

در مقاله‌هشدار به‌تمام‌معلمان مراد ما "صداقت انقلابی" بوده است نه برقراری "رابطه خصوصی" با ما!

ضمنا" شما برای آگاهی بیشتر از عملکرد نظامهای سوسیالیستی مطالعاتی راجع به وضع آزادی مطبوعات و احزاب در این کشورها بنمائید. تا برایتان روشن شود که نه در غرب و نه در شرق، هیچ کشوری، دارای این چنین فضای دمکراتیکی نمی‌باشد.

چندین نامه نیز در رابطه با گزارشی از یک مدرسه، به دستمان رسید. لازم بتذکر است که منظور ما ازسلسله مقالات "گزارش از مدارس" نفی شخصیت مدیر و معلم و . . . نبوده است بلکه قصد نهایی تحلیل نظام‌آموزشی و نحوه مدیریت و . . . می‌باشد. لذا برایمان مسائل شخصی و کوبیدن یک فرد مطرح نیست.

دینی، هنر و کاردستی، موسیقی و غیره را در ارتباط با نیازهای گروهی که بتدریس به آنها خواهند پرداخت، بگذرانند. دانشجویان همچنین در سال دوم و سوم، در زمینه‌های زیر را برای مطالعه انتخاب می‌کنند:

ـ علوم	ـ هنرهای خلاق امروز
ـ شناخت محیط	ـ تلاش بشر برای بقاء
ـ بشر در عصر تکنولوژی	ـ رسانه‌های گروهی
ـ تربیت بدنی و استفاده از محیط	

الگوی تربیت معلم علوم

در انگلستان در زمینه تربیت معلم علوم، پس از جمع‌آوری‌عقاید صاحبنظران‌کارآزموده، دروس‌زیربعنوان سرفصل‌های‌کلی مطالب‌برای تربیت‌معلم علوم‌انتخاب گردید:

دنباله در صفحه سه

اخبار سازمان

کلاسهای اسلام شناسی

ایجاد انقلاب فرهنگی در نظام آموزشی تنها از طریق ارتقاء سطح ایدئولوژیک و سیاسی و تاریخی و... معلمان امکان‌پذیر نبوده و نیست.

لذا سازمان در تحلیل خود از دست‌آوردهای کلاسهای آموزشی ایدئولوژیک، سیاسی، ... بدین نتیجه واقف گردید که در این شرایط حساس و فوق‌العاده کنونی باید جهت عمده کار را بر توده‌های دانش‌آموزی متمرکز شود.

بر همین اساس قرار است که در رابطه با ایام تابستان که فرصت بیشتری برای خواهران و برادران دانش‌آموز وجود دارد، کلاسهای اسلام شناسی و سیاسی و... دایر گردند.

طرحهای مقدماتی این کلاسها در نواحی ۶،۱۲، ۱۳،۱۴،۱۵، ۳۰ و ۷ تهیه شده و در دست اقدام است. بمحض آمادگی شرایط لازم از نظر مکان و شرایط دیگر، ساعات و مکانهای کلاسهای آموزشی اعلام خواهند شد.

ناحیه ۱۳

تعدادی از اعضای سازمان در فعالیتهای تربیتی مخصوص تابستان شرکت فعالانه داشته‌ودارند.

(ج) توجه به توانائی بجای دانش

(د) آموزش دادن برای زندگی کردن

بازآموزی معلمین متوسطه

به منظور ایجاد هماهنگی در تحولات جدیدی که در نظام آموزشی بلژیک روی داد لازم بود معلمین نیز بازآموخته شوند. این بازآموزی قبل از هر چیز در مورد محتوای مواد آموزشی و روشها بود که طی آن معلمین با روش تدریس دروس مختلف آشنا شدند و ضمن شرکت در سمینارهای گوناگون با دیدگاههای جدید نظام آموزشی آشنا شدند با توجه به اینکه‌رفتار معلم، بالاترین تأثیر را روی رفتار شاگرد دارد. و با آگاهی بر اینکه رفتار معلم ناشی از نگرش او نسبت به امر آموزش است، لذا سعی‌دیگری که در جهت تحولات آموزشی بعمل آمد در زمینه تغییر نگرش معلمان نسبت به مسئله آموزش بود. ارزیابی تغییرات حاصل نشان داد که هر چه اشخاص را از طریق انسانی‌تری آموزش دهیم. آنان نیز رفتاری انسانی‌تر نسبت به دیگران خواهند داشت.

فرانسه

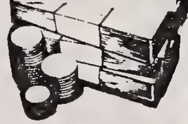
برداشت کلی

توجه به این سئوال که آیا مفهوم آموزش مداوم معلم در شرایط امروزی چیست دارای اهمیت زیادی است. در کشور فرانسه، مسئله تربیت معلم از نقطه‌نظر سنتی می‌تواند از دو زاویه نگریسته شود:

الف ـ آموزش آکادمیک برای کسب دانش

ب ـ شناخت مسائل آموزش و پرورش.

بیانیه سازمان معلمان مسلمان درباره ملی‌شدن بانکها



بسم الله رب المستضعفین

با پیروزی انقلاب خلق مستضعف ایران برهبری امام خمینی، تنها چنگالهای "نظامی" و "سیاسی" امپریالیسم جهانی از ایران قطع شد، اما چنگالهای اقتصادی، فرهنگی و... امپریالیسم قطع نشده‌است‌لذا از اساسی‌ترین و مهم‌ترین ضرورتهای پس از انقلاب، قطع چنگالهای اقتصادی و فرهنگی و... می‌باشد.

ملی کردن بانکها می‌تواند یک گام به پیش در راه قطع چنگالهای اقتصادی امپریالیسم جهانی باشد ملی کردن‌بانکها در صورتی می‌تواند یک‌قدم انقلابی محسوب گردد که موجب مصادره سرمایه‌ها و اموال سرمایه‌داران وابسته گردد. در این صورت این اقدام انقلابی و توحیدی مورد تایید تمامی معلمان و دانش‌آموزان متعهد و مبارز خواهد بود.

بنا بر اعتقاد ما باید برای تامین هر چه بیشتر استقلال اقتصادی و قطع کامل چنگالهای اقتصادی امپریالیستهای جهانی، مبارزه‌ای پیگیر و بی‌امان‌علیه سرمایه‌داری وابسته آغاز گردد.

سازمان معلمان مسلمان ضمن عرض تبریک این اقدام‌انقلابی به امام‌خمینی و به دولت موقت‌مهندس بازرگان و به خلق مستضعف و قهرمان ایران، امیدوار است که ملی کردن بانکها سرآغاز مرحله‌ای تازه در مبارزات "ضد استثماری "انقلاب باشد که در آن‌مرحله صنایع، مزارع وابسته و سرمایه‌شرکتهای خارجی و... ملی اعلام گردند و از سرمایه‌داری وابسته خلع ید کامل بعمل آید.

ستون: پاسخ به سئوالات

پاسخ به نامه‌های رسیده

تهران ـ برادر الف ـ ر، نامه شما بدست ما رسید. نکاتی که درباره "مدرسه‌ایی در محله‌بدنام" تذکر دادید، صحیح است، تصمیم داریم، بزودی گزارش مفصلی در این مورد تهیه کنیم، در این زمینه با ما همکاری کنید.

آبادان ـ برادر معلم ـ آقای حسین فردی نامه شما بدستمان‌رسید. همکاری خود را با ما ادامه‌بدهید.

تهران ـ آقای هدایت مرندی

تذکرات شما صحیح است و از لطف شما متشکریم. همکاریتان را با ما ادامه بدهید.

زاهدان ـ آقای علی نجفی

نامه و داستان شما بدستمان رسید، داستان شما کمی طولانی بود، سعی کنید، داستانهایی که برای ما می‌فرستید کوتاه و دارای جهت و هدف‌مشخصی‌باشند. به آدرس کتاب فروشی شما نشریه را خواهیم فرستاد.

آبادان ـ خواهر دانش‌آموز ـ خانم زینب ـ ب نامه شما بدستمان‌رسید. مسائلی که در رابطه با آزادی مطبوعات و احزاب مطرح کردید بیشتر عکس‌العمل‌های مردم بوده‌است و نه عملکرد دولت.

در مقاله‌هشدار به‌تمام‌معلمان مراد ما "صداقت انقلابی" بوده است نه برقراری "رابطه خصوصی" با ما!

دیگری نیز می‌بایست وجود داشته باشند . ما در ذیل به دو شرط بسیار اساسی اشاره می‌کنیم .

صداقت انقلابی



شرط اول : از مهمترین شروط برای شناخت ضعفها "از موضع صداقت" برخورد کردن با خصلتها می‌باشد . بدین معنی که در برخورد با ضعفها نباید به فکر "توجیه" و "دلیلهای" "منطقی" و "غیرمنطقی" تراشیدن بیافتیم و با هزار و یک دلیل وجود یک ضعف، یک خصلت غیرتوحیدی را انکار کنیم . خودمان را فریب ندهیم ، از برخورد رودررو با واقعیتها ، با ضعفها و نقص‌هایمان وحشت نداشته باشیم . البته باید توجه داشت ، قرار گرفتن در موضع صداقت در برخورد با ضعفها باید در طول یک برنامه خودسازی حاصل شود، و ما نمیتوانیم خلق الساعه و بدون هیچگونه مقدمه‌ای ، از فردا با ضعفهایمان برخورد صادقانه کنیم .

قرار گرفتن در موضع صداقت "مطلق" نیست ، و مسلما" نسبی است ، بدین معنی که هرروزی که می‌گذرد و ما با واقعیات ، باضعفها و خصلتهای غیرتوحیدی، برخورد صادقانه می‌کنیم ، برمیزان صداقتمان در این برخوردها افزوده خواهد شد .

شرط واقع بینی



شرط دوم . شرط اساسی و ضروری دیگری که برای شناخت صحیح و اصولی ضعفها و خصلتهای غیرتوحیدی مطرح است ، از موضع "واقع بینی" برخورد کردن با ضعفها می‌باشد .

موضع واقع بینی داشتن به چه معناست ؟ منظور این است که در تحلیل و جمع‌بندی ضعفها نباید شرایط مادی و رفاهی زندگی می‌کنند و در عین حال خود را یک موءمن واقعی میدانند ! ودر اسلام خود هیچ شکی هم ندارند !

درحالی که منطق و بینش انقلابی اسلام ، بیانگر نحوه‌ء زندگی یک مُسلمان واقعی است ، پیامبر اسلام در شرایطی که تمامی عربستان تحت قدرت او قرار داشت، خانه‌اش نهایت سادگی و بی‌پیرایگی را داشت و حتی وجود پرده‌ای را در خانه‌اش نپسندید و همواره بر روی حصیر می‌خوابید ، چندانکه آثار حصیر بربدنش ظاهر می‌شد .

مثال دوم : در خانواده‌هایی که وضع مادی نسبتا مرفهی داشته‌اند ، گاه فرزندانی را مشاهده می‌کنیم که به ایدئولوژی اسلام معتقد می‌شوند و در عین حال دارای بعضی وابستگی‌ها و خصلتهای "اشراف‌زدگی" هم هستند ، هر غذایی را نمی‌خورند یا هر لباسی را برازنده شخصیت‌شان نمی‌دانند و در هر جایی زندگی کردن را در شأن خود نمی‌بینند .

در مکتب اسلام ، شاگردانی پرورده می‌شوند که قدرت بریدن از بسیاری وابستگی‌ها را پیدا می‌کنند ، در تاریخ صدر اسلام " مصعب بن عمیر " از جمله این پروردگان مکتبی است . مصعب که در خانواده‌ای اشرافی بزرگ شده بود و در مکه به شیک‌پوشی معروف بود، چنین فردی با اینهمه وابستگی‌های اشرافیت آن‌هنگام که به اسلام ایمان آورد ، اندک اندک تمامی وابستگی‌ها را قطع نمود . هر روز از قید خصلتهای غیر توحیدی آزاد و آزادتر گردید . آنچنان در مبارزه با نظام باطل درگیر شده بود که لحظه‌ای فرصت رسیدن به خود را نداشت ، و عاقبت در یکی از جنگهای اسلام ، در

مثال دوم ...

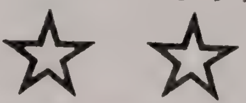
می‌کردیم که برایشان ماهیت رژیم روشن بود ، با این وجود ، دست به هیچ اقدامی علیه رژیم نمی‌زدند و هنگامی که علت را جویا می‌شدیم دلیل عمده فقط این بود که فرد با پربهادادن به نقصها و ضعفهای خود و یا مبارزین ، و احساس خود کم‌بینی شدید ، خود و انقلابیون را قادر به مبارزه در برابر رژیم تشخیص نمی‌داد ، از نظر این افراد هر اقدامی بر ضد رژیم با شکست مواجه می‌گردد این بود که به بهانه یک فکر اساسی و ساختن به اصطلاح خود و دیگران در یک جریان دراز مدت بی‌عملی خود را توجیه می‌کردند .

مثال سوم : گاه در برخورد با یک مشکل آنچنان خود را درمانده و ناتوان احساس می‌کنیم که دیگر فکر می‌کنیم حل این مشکل از محالات است و دیگر به‌هیچ روی امکان ندارد که این نقص حل گردد .

البته باید توجه داشت که این احساس‌ها و این ذهنیات را نظامهای حاکمه برای ادامهء سلطه خود ساخته و پرداخته بودند که با هر گروه و دستهء خاصی به شیوه‌ای برخورد کنند تا عملا" آنها در صحنه نباشند .

توده‌های مردم باید دچار احساس خود کم‌بینی می‌شدند و با ضعفها و نقص‌هایشان آنچنان برخورد می‌کردند که جرأت کوچکترین اعتراضی را بر سلطهء نظام حاکم نداشته باشند .

بر این اساس باید توجه عمیق و اساسی داشت که در شناخت ضعفها از تأثیرگذاری هر دو موضع تا حد امکان مصون و برکنار بود و خود را آنچنان که واقعا" هستیم ، ببینیم .



ادامه دارد

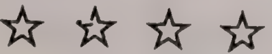
ثانیا باید کاملا هوشیارانه با احادیث و روایات برخورد نمود ، چرا که در طول ۱۴ قرن قلم‌های ناپاک فراوان در احادیث دست برده‌اند و صدها و هزاران حدیث جعلی را با مارک اصیل آن ساخته و پرداخته‌اند. تنها "ابو هریره" در زمان معاویه ، بیش از چند هزار حدیث برای دستگاه حاکمه می‌سازد! و به دیناری می‌فروشد !

در این مورد باید توجه داشت که معیار صحت و سقم احادیث نیز خود قرآن است و حدیثی که با قرآن و منطق صریح و آشکار آن در تناقض باشد باید آنرا به سینه دیوار کوبید .

ثالثا " : درباره تمام آیات و سوره‌ها تا آنجا که تحقیق شده است ، احادیث و روایت موجود نیست بدین معنی که هستند آیاتی که دربارهء آنها هیچگونه حدیثی در تفاسیر روایی موجود نیست .

شیوهء پنجم : مطالعه و بررسی تفاسیر موجود :

برای اینکه از دست‌آوردها وتجربیات دیگر مفسران غافل نمانده باشیم ، شایسته است که در بررسی یک آیه و یا یک سوره به تمامی تفاسیر موجود حتی‌الامکان مراجعه کنیم . البته باید توجه داشت که این مراجعه کردن به معنای پذیرش نظر هرمفسر نیست ، بلکه مراد مطالعه عالمانه و بدون تأثیرپذیری نادرستِ تفاسیر موجود می‌باشد . در خاتمه باید یادآور شویم که بکار- گیری یک روش ، یا یک شیوه تنها کافی نیست ، بلکه برای جامع تحلیل کردن قرآن ، ضرورت دارد که از هر دو روش و با بکارگیری تمام شیوه‌های قرآن را تحلیل و بررسی نمود .



هرمعلم پیامبری است که علیه فرهنگ استعماری مبعوث میشود

شناخت نادرست و غلط بوده است .

مثال ۱ : فردی که دریک‌خانواده‌مذهبی‌و سنتی زیسته است و کاملا "بامناسبات‌و روابط‌آن‌محیط‌تربیت شده است رفتارها و اعمال غیرتوحیدی او بدون اینکه کوچکترین قصد و عمدی‌درآن‌باشد ، مانند یک خصلت و یک عادت ، انجام می‌گیرد .

مثال ۲ : یک فرد در زمان خفقان ، ممکن‌بود‌به شیوه ناصحیحی دست به مبارزه می‌زد ، اگر این "غلط مبارزه‌کردن" تنها‌به‌علت‌عدم شناخت صحیح شرایط می‌بود ، و اگر این فرد میتوانست با شناخت صحیح شرایط با شیوهٔ درستی مبارزه را ادامه دهد ، در این صورت این ضعف یک ضعف معرفتی می‌بود . بایدتوجه داشت که تنها دانستن و حتی‌بکاربستن‌این‌سه مسئله، راهگشای ما در کشف و حل ضعف نیست ، بلکه شروط دیگری نیز می‌بایست وجود داشته باشند . ما در ذیل به دو شرط بسیار اساسی اشاره می‌کنیم .

صداقت انقلابی ☆

شرط اول : از مهمترین شروط برای‌شناخت‌ضعفها "از موضع صداقت" برخورد کردن‌باخصلتها می‌باشد . بدین‌معنی‌که در برخوردبا ضعفها نبایدبه‌فکر "توجیه" و "دلیلهای" "منطقی" و "غیرمنطقی" تراشیدن‌بیافتیم وباهزارویک‌دلیل‌وجودیک‌ضعف، یک‌خصلت‌غیرتوحیدی را انکار کنیم . خودمان را فریب ندهیم ، از برخورد رودررو با واقعیتها ، با ضعفها و نقص‌هایمان وحشت نداشته باشیم . البته‌بایدتوجه‌داشت ، قرار گرفتن در موضع صداقت در برخورد با ضعفها باید در طول یک برنامه‌خودسازی‌حاصل‌شود، و ما نمیتوانیم خلق‌الساعه و بدون هیچگونه مقدمه‌ایی ، از فردا با ضعفهایمان برخورد صادقانه کنیم .

قرار گرفتن در موضع صداقت "مطلق" نیست ، و مسلما" نسبی است ، بدین‌معنی‌که‌هرروزی‌که‌می‌گذرد و ما با واقعیات ، باضعفها و خصلتهای غیرتوحیدی، دارای شدت و ضعف خواهد بود .

بطوریکه گاه فرد چنان از موضع کم بها دادن با ضعفهایش برخورد می‌کندکه‌گویا اساسا" ضعف و خصلت غیرتوحیدی در وی وجود ندارد .

مسلم است‌که‌چنین‌فردی‌بایددرموضع خودخواهی وخودمداری قرار داشته باشد ، یعنی ممکن است ضعف اصلی و عمده فرد در این شرایط، ضعف "خودخواهی و غرور" باشد .

این چنین فردی ، چون‌درخود ضعف نمی‌شناسد و یا آنرا بسیار کم اهمیت می‌بیند ، طبعا" در جهت مبارزه با ضعفها هم قرار نخواهد گرفت و سرانجام در این موضع و باداشتن انبوهی از ضعفها و خصلتها از مسیر تکامل باز خواهد ماند .

مثال اول : افرادی را می‌بینیم که در بهترین شرایط مادی و رفاهی زندگی می‌کنند و در عین حال خود را یک مؤمن واقعی میدانند ! ودراسلام‌خودهیچ شکی هم ندارند !

درحالی که منطق و بینش انقلابی اسلام، بیانگر نحوهٔ زندگی یک مسلمان واقعی است ، پیامبر اسلام در شرایطی که تمامی عربستان تحت قدرت اوقرار داشت، خانه‌اش نهایت سادگی و بی‌پیرایگی را داشت و حتی وجود پرده‌ای را در خانه‌اش نپسندید و همواره بر روی حصیر می‌خوابید ، چندانکه آثار حصیر بربدنش ظاهر می‌شد .

مثال دوم : در خانواده‌هایی که وضع مادی‌نسبتا مرفهی داشته‌اند ، گاه فرزندانی را مشاهده می‌کنیم که به ایدئولوژی اسلام معتقد می‌شوند و در عین حال دارای بعضی وابستگی‌ها و خصلتهای "اشرافزدگی" هم هستند ، هر غذایی را نمی‌خورند یا هر لباسی را برازنده شخصیت‌شان نمی‌دانند و در هر جایی زندگی کردن را در شأن خود نمی‌بینند .

در مکتب اسلام ، شاگردانی پرورده می‌شوند که قدرت بریدن از بسیاری وابستگی‌ها را پیدا می‌کنند ، که در آن زیسته است ، احساس خود کم بینی به وی دست می‌دهد و اعتماد به نفس لازم را در برخورد با ضعفها و مبارزه با آنها را ندارد

این چنین افرادی ، بر حسب مواضعی که‌دارند- پربها دادن به ضعفها و احساس خودکم بینی -هیچگاه مسئولیتی را بر عهده نمی‌گیرند و گاه در شرایطی که صلاحیت آنان از دیگران بیشتر است ، خود را کنار کشیده و باعث ضربه‌پذیری کارها می‌شوند .

این‌چنین افرادی از استعدادهای فراوانی که‌در هر انسان وجود دارد ، بهره نمی‌گیرند .

مثال اول : افرادی را مشاهده می‌کنیم که حاضر به قبول هیچ مسئولیتی ، حتی مسئولیتهای جزیی هم نمی‌شوندوبا دلایل منطقی ! و غیر منطقی ! فراوان‌سعی در اثبات عدم لیاقت خود در مورد آنکار دارند .

مثال دوم : در زمان خفقان با افرادی برخورد می‌کردیم که برایشان ماهیت رژیم روشن بود ، با این وجود ، دست به هیچ اقدامی علیه رژیم نمی‌زدند و هنگامی که‌علت را جویا می‌شدیم دلیل عمده فقط این بود که فرد با پربهادادن به نقصها و ضعفهای خود و یا مبارزین ، و احساس خود کم‌بینی شدید ، خود و انقلابیون را قادر به مبارزه در برابر رژیم تشخیص نمی‌داد ، از نظر این افراد هر اقدامی بر ضد رژیم با شکست مواجه می‌گردد این بود که به بهانه یک فکر اساسی و ساختن به اصطلاح خود و دیگران در یک جریان دراز مدت بی‌عملی خود را توجیه می‌کردند .

مثال سوم : گاه در برخورد با یک مشکل آنچنان خود را درمانده و ناتوان احساس می‌کنیم که دیگر فکر می‌کنیم حل این مشکل از محالات است و دیگر به‌هیچ روی امکان ندارد که این نقص حل گردد .

البته باید توجه داشت که این احساس‌ها و این ذهنیات را نظامهای حاکمه برای ادامهٔ سلطه خود ساخته و پرداخته بودند که با هر گروه و دستهٔ خاصی به شیوه‌ای برخورد کنند تا عملا" آنها در صحنه

می‌توان چنین استنباط کرد : اساس [illegible]
زمین بر ماده‌های بی‌شکل و بی‌حجم [illegible]
و این‌همان ذرات و گازهایی‌است‌درمر[illegible]
سیارات و ستارگان که‌جهان هستی [illegible]
است .

شیوهٔ چهارم : توجه‌به احادیث [illegible]
پیامبر و امامان ما با منطق انقلابی قر[illegible]
دارند ، لذا توجه به احادیث و [illegible]
زمینهٔ تحلیل و تفسیر قرآن راه‌گشا [illegible]
این شیوه باید توجه اساسی [illegible]
تحلیل سخنان پیامبر و امامان [illegible]
نیست و خود این سخنان [illegible]
خاصی است که البته با [illegible]
می‌توان این مشکل را [illegible]

ثانیا "باید کاملا" [illegible]
برخورد نمود ، چرا که در [illegible]
فراوان در احادیث دست [illegible]
حدیث‌جعلی را با مارک [illegible]
تنها "ابو هریره" در زمان معاویه
حدیث برای دستگاه [illegible]
می‌فروشد !

در این مورد با [illegible]
سقم‌احادیث نیز خود [illegible]
و منطق صریح و آشکار [illegible]
به سینه دیوار کوبید .

ثالثا" : درباره تمام [illegible]
تحقیق شده است ، احا[illegible]
بدین معنی که هستند [illegible]
حدیثی در تفاسیر روایی [illegible]
شیوهٔ پنجم : مطالعه و [illegible]
برای‌اینکه از دست‌آ[illegible]
غافل نمانده باشیم ، شا[illegible]
و یا یک سوره به تما[illegible]

★ خودسازی انقلابی ★ (۲)

دنباله مقاله خودسازی انقلابی

در شماره پیش گفتیم که زمینه و استعداد ضعفها و خصلتهای غیرتوحیدی در همهٔ انسانها بطور ماهیتی و نهادی وجود دارد و حاکمت نظام ارزشی طاغوت، بهترین شرایط را برای بروز و ظهور ضعفها و خصلتهای غیرتوحیدی فراهم میآورد. برای شناخت ضعفها سه مرحله را مطرح کردیم:

مرحله اول: برخورد آگاهانه و مرحله دوم: تفکر و تشخیص و مرحله سوم: تحلیل و جمع بندی بودند. در مرحله سوم بیان شد که باتوجه به ارتباط علت و معلولی ضعفها، میتوان ضعف اصلی و عمده را مشخص کرد. در این مرحله است که میتوانیم تشخیص دهیم این ضعف در وجود ما ریشه "خصلتی" دارد یا ریشه "معرفتی".

مراد از "خصلتی" بودن یک ضعف این است که یک رفتار غیر توحیدی در روابط و مناسبات فرد با خانواده، با اجتماع و ... وجود داشته است، بنابراین مانند یک رفتار عادی و طبیعی تلقی میشود.

مراد از "معرفتی" بودن یک ضعف این است که انجام یک رفتار و یک عمل غیرتوحیدی سرچشمه اش یک شناخت نادرست و غلط بوده است.

مثال ۱: فردی که در یک خانواده مذهبی و سنتی زیسته است و کاملا "با مناسبات و روابط آن محیط تربیت شده است رفتارها و اعمال غیرتوحیدی او بدون اینکه ...

"پیشداوری"ها و ذهنیات از پیش ساخته، بتواند ما را از برخورد صحیح و اصولی با ضعفها و خصلتهای غیرتوحیدی بازدارد.

عملکرد پیشداوریها و ذهنیات

مسلما" تأثیر و عملکرد پیشداوریها و ذهنیات میتواند ابعاد مختلفی را شامل گردد ولی آنچه در اینجا مورد نظر است، دو بعد اساسی و عمده این تأثیرات و عملکردها میباشد.

کوچک‌بینی ★

الف: "کم بهادادن" به واقعیات: در این نوع برخورد، همواره ما واقعیت ضعفهایمان را نمی‌شناسیم، بلکه ضعفها را از لحاظ فرم و محتوی، کمیت و کیفیت، کمتر و بی‌اهمیت‌تر از آنچه که هستند، در نظر می‌گیریم. این کم بهادادن به ضعفها و خصلتها که عامل مستقیم تأثیر و عملکرد پیشداوریها و ذهنیات نادرست است، دارای شدت و ضعف خواهد بود.

بطوریکه گاه فرد چنان از موضع کم بها دادن با ضعفهایش برخورد می‌کند که گویا اساسا "ضعف و خصلت غیرتوحیدی در وی وجود ندارد.

مسلم است که چنین فردی باید در موضع خودخواهی

حالی که لباسهای ژنده و وصله‌دار بر تن داشت، به شهادت نایل گشت. در هنگام شهادت پیامبر چشمش به او افتاد، در حالی که می‌گریست گفت: مصعب چه "بود" و چه "شد".

مثال سوم: افرادی را می‌بینیم که هر چه به یک یا چند خصلت یا ضعف آنها انتقاد می‌شود در عملشان تأثیری نمی‌گذارد و با وجود تأئید آن انتقاد، عملا" تلاشی در جهت رفع آن رفتار نمی‌کنند یکی از عوامل مهم این مسئله کم بها دادن به ضعفها و خصلتها می‌تواند باشد.

بزرگ‌بینی ★

ب. پر بها دادن به ضعفها: اگر در برخورد با ضعفها، آنها را بزرگتر و مهمتر از آنچه که هستند ببینیم، می‌گوئیم که از موضع پر بها دادن، برخورد کرده‌ایم.

در چنین برخوردی برخلاف مورد قبل که گاه اساسا" ضعفی را فرد در خود نمی‌شناخت، در اینجا مسلما "فرد ضعفها را خواهد شناخت. لیکن ضعفها را عظیم‌تر و عمیق‌تر از آنچه که هستند، تصور می‌کند و براین اساس، هرگونه تلاش و کوششی برای اصلاح ضعفها و تبدیلشان به نقاط قوت، بیهوده و بی‌ثمر بنظر میآید. این چنین برخوردی، مستلزم احساس خود کم بینی در فرد است، فرد بر اثر تأثیرپذیری از روابط و مناسباتی که در آن زیسته است، احساس خود کم بینی به وی دست می‌دهد و اعتماد به نفس لازم را در برخورد با ضعفها و مبارزه با آنها را ندارد.

این چنین افرادی، بر حسب مواضعی که دارند — پربها دادن به ضعفها و احساس خودکم بینی — هیچگاه

تحلیل...

دنباله از صفحه دو

آن نیز عریش می‌گویند، پایه و اساس هر چیزی را عرش آن چیز می‌گویند ماء: به معنای ماده سیال و بدون شکل و بدون حجم است، به آب از آن جهت ماء می‌گویند که دارای شکل و فرم بخصوصی نیست، حالت سیال دارد. با توجه به عبارت ماقبل آن، در سوره هود: آیه ۷:



"و هو الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام وکان عرشه علی الماء" و او همان کسی که آفرید آسمانها و زمین را در شش مرحله، وبود عرش آن یعنی عرش آسمانها و زمین بر ماء.

باتوجه به توضیحات بالا درباره معانی این لغات می‌توان چنین استنباط کرد: اساس اولیه آسمانها و زمین بر ماده‌های بی‌شکل و بی‌حجم مشخصی استوار بود، و این همان ذرات و گازهایی است در مراحل ماقبل تشکیل سیارات و ستارگان که جهان هستی بدان صورت بوده است.

ظلم‌هایی که بر مستضعفان زمین رفته بود، و شهیدی برای هر نسل و هر دوره تاریخ، که اراده حرکت کنندو قالبهای تعیین شده هر زمانه را بشکنند و در پرتو انقلاب‌خونین‌شان، طلوع فجر و ظهور فلق را ونابودی تمام "خناس ها" را انتظار برند.

می‌گویند«بحار الانوار آمده است که مادرش دختر یزدگرد سوم بود که بساط جنایت و خیانتش را سربازان اسلام درهم کوبیدند، و او را به اتفاق خواهرش به‌اسارت کشیدند و به مدینه‌فرستادند و امام‌علی با وی به فارسی سخن گفت! وی امام‌حسین را به شوهری برگزید، تا هم از مرگ نجات پیدا کند و هم جلال پادشاهی ایرانی را، برای جاعلان حدیث، که خود ایرانی‌بودند، حفظ کند.

بعد این خانم در طول نزدیک به ۲۰ سال یعنی ازسالهای اوایل حکومت‌عمر تا سال ۳۶ که ولادت‌امام سجاد باشد، فقط یک فرزند بدنیا می‌آورد و بعد هم به روایت عیون‌الاخبار، بلافاصله پس از تولد، چون ماموریت ترکیب امامت با سلطنت ایرانی‌اش، به پایان رسید، درگذشت!

البته از " این شهر آشوب" نقل شده که وی در مسافرت کربلا بوده و خود را به فرات افکند.[۱] این روایت از نظر سند، بسیار ضعیف و غیر مستنداست و اگر با جهان‌بینی و منطق تشیع، بررسی‌اش کنیم، نتیجه‌ای جز تضاد با اسلام نمی‌گیریم.

آغاز امامت

امامت و رهبری امام سجاد از روز پس از عاشورا شروع‌می‌گردد، روز یازدهم محرم سال ۶۱کاروان‌اسیران که‌حامل، کودکانی جند از شهیدان و هم‌چنین زینب "پیامبر انقلاب حسین" و "ندای عدالت علی"، صلح شب آنجا رسیدند و منتظر استقبال و پذیرائی حاکم شهر شدند، فرمانده سپاه و کاروان در نامه‌ای به حاکم نوشت "شهر را آذین بندید و جشن بگیرند"، حاکم اطرافیان را طلبید، موضوع را مطرح کرد، همه مخالفت کردند. حاکم به مسجد جامع رفته و به مردم گفت که باید برقصند! و شادی کنند! که اکثریت مردم مخالفت کردند. حاکم طی نامه‌ای اطلاع داد "مسیرتان راعوض کنید، وارد شهر نشوید". بعد از موصل به "تکریت" رسیدند. این شهر مسیحی نشین بود و وقتی مردم از موضوع با اطلاع شدند، گفتند کسانی را که نوه‌پیامبرشان را کشته‌اند، پذیرائی نمی‌کنیم و مسلمانهای شهر هم اعتصاب کرده بودند و تظاهراتی داشتند. سپس به مکانی به نام " وادی تخته" رسیدند، شب را به صبح آوردند، خبری نشد و سپس به آبادی نسبتا "بزرگی به نام "مرزلبا" رسیدند، می‌خواستند آنجا خوش بگذارند که مردم عوام شورش کردند و با سنگ و چماق به استقبال‌کاروان مسلح حامل اسیران آمدند. ارتش۲هزار نفری، آبادی را محاصره و اهالی را قتل عام کرد. و خانه‌ها را ویران نمود. و از آن محل گذشتند. سپس به شهر "نصیبین" که شهر بزرگی بود، رسیدند. در این شهر افرادی از قبائل "اوس" و "خزرج" وجود داشتند، مردم شهر بر اثر اطلاع از موضوع شهادت، جشن‌گرفته و سرود پیروزی برای سربازان یزیدی می‌خواندند که ناگهان مردی فریاد کرد این سر پسر پیامبر است، این سر حسین بن‌علی است و... مردم مسلح شده و آماده شورش شدند، که سپاه کوفه وارد شهر نشده و از "کنار شهر گریختند، بعد به شهر "دعوات" رسیدند. در این شهر کوچک به آنها خوش گذشت! هیچ مقاومتی ابراز ویربلواترین‌استانهای حکومت‌اسلامی شد، که "بنی‌عباس" برای چاره این درد "پای‌تخت" خود شان را به عراق و بغداد آوردند، تا بتوانند بخوبی مردم عراق‌را کنترل کنند. سپس کاروان وارد دمشق شد.

پیام در دمشق

یزید در بارگاه عمومی افراد برجسته‌ٔ رژیم طاغوتی‌اش می‌گوید، خداوند "عبیدالله" را لعنت‌کند! که "حسین‌بن‌علی را کشت و خانواده‌اش را اسیر کرد، هنگامی که سر امام‌حسین وارد مجلس شد، یزید آیه‌ٔ اللهم مالک الملک.. را می‌خواند یعنی که خدایا تو به هر کس‌که خواسته باشی حکومت می‌دهی پس حال که حکومت در دست من است‌پس تو آن را به من عطاء فرموده‌ای! این روش همه جلادان یزیدی است که فرزندان معصوم و بی‌گناه خلق را که تنها جرم‌شان حقیقت‌گوئی و عدالت‌خواهی است، به خاک و خون می‌کشانند و سپس این جنایات را تقدیر خدا جلوه می‌دهند.

امام سجاد در این موقعیت که مجلس یزید از جمعیت لبریز گشته است، از یزید می‌پرسد راستی اگر پیامبر خدا، خاندانش را بدین وضع ببیند، چه‌خواهد کرد؟

امام‌می‌خواهد با طرح سئوال‌این مسئله را روشن سازد که اینان، این اسیران و شهیدان، خارجی‌وخرابکار نیستند، بلکه فرزندان رسول‌الله هستند. یزید پاسخ نمی‌گوید و اضافه می‌کند، می‌بینی خداوند با پدر تو چه کرد، و امام سجاد این آیه را می‌خواند. ما اصاب من‌مصیبته فی‌الارض... آنچه در این‌جهان ازمصائب در میان مردم ولوله افتاد، صدای گریه وزاری‌از مردم برخاست. همه مردم دیگر او را نه تنها خارجی، بلکه او را فرزند پیامبر شناخته بودند. از هر سو فریادهای اعتراض و همهمه‌ٔمردم برخاست که یزید دستور داد موذن اذان بگوید، تا با اذان و اسلام یزیدی، "اسلام حسینی" خاموش شود. همچنانکه معاویه، با قرآن، علی را کوبید! موذن گفت الله اکبر، امام سجاد فرمود، براستی که هیچ قدرتی بالاتر و قدرتمندتر از او نیست، اشهدان لااله‌الاالله. امام سجاد فرمود من هم گواهی می‌دهم به جز خداوند، هیچ اله و قدرت دیگری نیست. اشهدان محمدا" رسول‌الله‌امام در اینجا نسبتش را با پیامبر تکرار کرد.

نتایج افشاگری‌ها در دمشق

آن روز بر آشوب گذشت. امام با استفاده‌از بلندگوهای رژیم طاغوت و موقعیت همان رژیم، باتوجه به شرایط زمانی و مکانی آن جامعه، آگاهی و "پیام انقلاب" را گذارد، بدون اینکه نام از "علی" یا از "یزید" بیاورد. حق را ثابت کرده و باطل را رسوا نمود. حتی با توطئه اذان علیه اسلام و مذهب علیه مذهب‌یزید، مبارزه کرد و از آن نیز برای هر چه‌بیشتر رسوا کردن دشمن استفاده نمود. از طرف دیگر زینب این مظهر پیام انقلاب حسینی و پیامبرخون‌شهیدان، در میان‌توده‌های وسیع زنان شهر دست به تبلیغ زده و به تشریح استراتژی شهادت می‌پردازد و کیفیت این جنایت تاریخ را برای زنان شهر روشن می‌سازد، کم‌کم می‌رود تا دمشق پایتخت حکومت طاغوت آماده بلوا و شورش گردد.

ادامه دارد

بعد از بانکها، سرمایه‌داری وابسته ملی باید گردد

زندگانی امام سجاد

" زندگانی امام سجاد (ع) "

"علی‌بن‌حسین" درسال ۳۶ در مدینه بدنیاآمد و ۴ ساله بود که امام علی (ع) در سال ۴۰ بشهادت رسید . امامی که ۲۳ سال با تمامی جان‌بازی ، جهاد کرد ، ۲۵ سال با تمام سختی و رنج‌اش فلسفه سکوت را پذیرا شد تا در پنهان به کارهای دیگری ، مانند "فرد ـ سازی" و تربیت افرادی همچون "میثم‌ها" و "کمیل‌ها" و "حجرها" بپردازد و ۵ سال برای برقراری عدالت حکومت کرد . ۱۴ ساله بود که امام حسن مظهر "آخرین مقاومتهای اسلام صلح "در برابر اسلام شرک و نفاق‌به تحریک دشمن و با دست همسرش به شهادت رسید و ۲۴ ساله بود که ناظر جنایت تاریخ شد ، که تجلی همه ظلمها و ستم‌های طبقات حاکمه با تیغ سه‌گانه‌شان "زور زر ـ تزویر" . در برابر حسین مظهر تمامی طبقات محروم در سراسر تاریخ و گواهی بر همه ستمها و ظلم‌هایی که بر مستضعفان زمین رفته بود ، و شهیدی برای هر نسل و هر دوره تاریخ ، که اراده حرکت کنندو دالهای نعس شده هر زمان را بشکنند و در پرتو انقلاب‌خونین‌شان ، طلوع فجر و ظهور فلق را ونابودی تمام "خناس ها" را انتظار برند .

می‌گویند ، بحار الانوار آمده است که مادرش دختر یزدگرد سوم بود که بساط جنایت و خیانتش را سربازان اسلام درهم کوبیدند ، و او را به اتفاق خواهرش به‌اسارت کشیدند و به مدینه‌فرستادند و امام‌علی با وی به فارسی سخن گفت ! وی امام‌حسین را به شوهری برگزید ، تا هم از مرگ نجات پیدا کند و هم جلال پادشاهی ایرانی را ، برای جاعلان حدیث ، که خود ایرانی‌بودند ، حفظ کند .

بعد این خانم در طول نزدیک به ۲۰ سال یعنی ازسالهای اوایل حکومت‌عمر تا سال ۳۶ که ولادت‌امام سجاد باشد ، فقط یک فرزند بدنیا می‌آورد و بعدهم به

شده و کاروان اسیران را به اتفاق ۲ هزار مأمور مسلح بجانب دمشق پایتخت حکومت طاغوتی گسیل‌میدارد.

تاثیر انقلاب در شهرها

همراهی ۲ هزار مامور مسلح در داخل مرزهای مملکت‌که ظاهرا "امن و امان است و اندک مخالفان‌نیز به‌قتل رسیدند ، نشانه‌چیست؟ ترس رژیم‌های دیکتاتوری از انقلاب و گسترش آن به‌درون توده‌های مردم . اولین منطقه مهم بعد ازکوفه " قادسیه " بود ، در ۱۵ فرسنگی کوفه ، که مدت توقف در آن کوتاه بود ظاهرا "مردم‌این شهر کوچک (گویا دهی بوده‌است) ازجریان قیام‌اطلاع نداشتند . بعد از قادسیه شهر "موصل" قرار داشت که شب آنجا رسیدند و منتظر استقبال و پذیرائی حاکم شهر شدند ، فرمانده سپاه و کاروان در نامه‌ای به حاکم نوشت "شهر را آذین ببندید و جشن بگیرند" ، حاکم اطرافیان را طلبید ، موضوع را مطرح کرد ، همه مخالفت

کردند . حاکم به مسجد جامع رفته و به مردم گفت که باید برقصند ! و شادی کنند ! که اکثریت مردم مخالفت کردند . حاکم طی نامه‌ای اطلاع داد "مسیرتان راعوض کنید ، وارد شهر نشوید" . بعد از موصل به "تکریت" رسیدند . این شهر مسیحی نشین بود و وقتی مردم از موضوع با اطلاع شدند ، گفتند کسانی راکه نوه‌پیامبرشان را کشته‌اند ، پذیرائی نمی‌کنیم و مسلمانهای شهر هم اعتصاب کرده بودند و تظاهراتی داشتند . سپس به مکانی به نام " وادی تخته "رسیدند ، شب را به صبح آوردند ، خبری نشد و سپس به آبادی نسبتا "بزرگی به نام "مزرلبا" رسیدند ، می‌خواستند آنجا خوش بگذارند که مردم عوام شورش کردند و با سنگ و چماق ...

پابرجاست و زیارتگاه‌شده است . پس از این‌شهر کاروان اسیران به دمشق رسیدند . درطی این مسافرتها ، امام سجاد و زینب ، هر فرصت کوتاه را برای آگاهی دادن غنیمت می‌شمردند . ولی در طول راه کوفه تا دمشق ، فرصت تماس مستقیم با مردم برایشان پیش نیامد ، ولی صرف‌دانستن حادثه برای مردم باعث شورش وانقلاب آنان شد .

کار امام حسین بقدری دقیق و حساس انتخاب شده‌بود که فقط نقل ماجرا ، خود باعث تحریکاتی علیه رژیم یزید گردید . این بذرهای انقلاب با مخالفت شهرها و اهالی آنان و بعدها با قیام مختار و توابین و دیگران نتیجه داد و استان‌عراق ، یکی از پرشورترین وپربلواترین‌استانهای حکومت‌اسلامی شد ، که "بنی‌عباس" برای چاره این درد "پای‌تخت" خود شان را به عراق و بغداد آوردند ، تا بتوانند بخوبی مردم عـراق‌را کنترل کنند . سپس کاروان وارد دمشق شد .

پیام در دمشق

یزید در بارگاه عمومی افراد برجسته‌ٔ رژیم طاغوتی‌اش می‌گوید ، خداوند "عبیدالله" را لعنت‌کند ! که "حسین‌بن‌علی را کشت و خانواده‌اش را اسیر کرد ، هنگامی که سر امام‌حسین وارد مجلس شد ، یزید آیه‌ٔ اللهم مالک الملک . . را می‌خواند یعنی که خدایا تو به هر کس‌که خواسته باشی حکومت می‌دهی پس حال که حکومت در دست من است‌پس تو آن را به من عطاء فرموده‌ای ! این روش همه جلادان یزیدی است که فرزندان معصوم و بی‌گناه خلق را که تنها جرم‌شان حقیقت‌گو و عدالت‌خواه است ، به خاک و خون

اوصاف برجسته علویان که تجلی راستین تشیع هستند ، سخن راند ، ابتدا خاندان بنی‌هاشم را معرفی می‌کند و سوابق تاریخی‌شان را بازگو می‌سازد ، از حمزه تا جعفر طیار و از پیامبر تا علی را معرفی مینماید ، بدون‌اینکه رسما "از علی اسم بیاورد چرا که در شام به علی‌سخت حساسیت و کینه وجود دارد ، بعد اضافه می‌کند ، ای کسانی که مرانمی‌شناسید ، اینک مرابشناسید ، من‌فرزند مکه و منا هستم . پسر آن کس که حجرالاسود را نصب کرد ، پدرم رسول‌الله‌است . پسر کسی‌هستم که با دو نیزه جنگیده و در راه خدا و رسولش سالها مبارزه کرد (اشاره به‌۲۳سال جهاد امام علی) من پسر آنم که درجنگهای "بدر" و "احد" و . . . از اسلام و تشیع راستین دفاع کرد و . . . حتی یک‌لحظه کفر نورزید و دچارشک‌وتردید در مسیرش نشد .

پدر من کسی است که با ناکثین (دوستان‌طمع کار) وبا قاسطین (دشمنان‌مستقیم داخلی) و با مارقین (مقدس ماب‌ها) جنگید و آنان را در هم شکست . من پسر کسی هستم که او را در جنگ تشنه کشتند و . . .

در میان مردم ولوله افتاد ، صدای گریه وزاری‌از مردم‌برخاست . همه مردم دیگر او را نه تنها خارجی ، بلکه او را فرزند پیامبر شناخته بودند . از هر سو فریادهای اعتراض و همهمه‌ٔ مردم برخاست که یزید دستور داد موذن اذان بگوید ، تا با اذان و اسلام یزیدی ، "اسلام حسینی" خاموش شود . همچنانکه معاویه ، با قرآن ، علی را کوبید ! موذن گفت الله اکبر ، امام سجاد فرمود ، براستی که هیچ قدرتی بالاتر و قدرتمندتر از او نیست ، اشهدان لااله‌الله . امام سجاد فرمود من هم گواهی می‌دهم به جز خداوند ، هیچ اله و قدرت دیگری نیست . اشهدان محمدا "رسول‌الله‌امام در اینجا نسبتش را با پیامبر تکرار کرد .

نتایج افشاگری‌ها در دمشق

آن روز پر آشوب گذشت . امام با استفاده‌از بلندگوهای رژیم طاغوت و موقعیت همان رژیم ، باتوجه

از صفحه یک

۹ تیر ماه سالروز تولد امام سجاد است،بدین مناسبت مقاله‌ای را در زیر می‌آوریم تا روشنگر زندگانی امام سجاد باشد.

بسم الله رب المستضعفین

این مقاله نتایج یک مطالعه جمعی است. در زمان خفقان که اینک انتشار می‌یابد، مهم‌ترین هدفی که مورد نظرمان بوده است، شناخت تحلیلی زندگانی پیامبر و امامان است، چه اینان نمونه‌های عینی مکتب هستند و جز جز، رفتار و اعمال‌شان تجلی و تجسم ارزشهای توحیدی است و اینکه ما بررسی زندگانی امام سجاد را برگزیدیم، دلایل فراوانی داشت اما از مهمترین دلایل مبهم ماندن چهره انقلابی امام در طول تاریخ و ناشناخته بودن آن برای نسل حاضر است در شرایط کنونی ما برای اصیل‌تر نمودن انقلاب اسلامی ایران ناگزیر از شناخت اساسی و عمیق نمونه‌های عینی مکتب ـ امامان تشیع ـ هستیم.

"زندگانی امام سجاد (ع)"

"علی‌بن‌حسین" در سال ۳۶ در مدینه بدنیا آمد و ۴ ساله بود که امام علی (ع) در سال ۴۰ بشهادت رسید. امامی که ۲۳ سال با تمامی جان‌بازی، جهاد کرد، ۲۵ سال با تمام سختی و رنجاش فلسفه سکوت را

حسن و شهادت حسین است، و هم‌چنین حامل امام سجاد که اینک رهبری تشیع را بعد از این مراحل، به دست گرفته است، می‌باشد، کاروان وارد کوفه می‌شود مردم با دیدن سرهای شهیدان، که گواهان همیشه تاریخ‌اند، گریه‌می‌کنند. می‌گویند از اولین کسانی که بر این جنایت تاریخ گریه کرد "عمربن‌سعد" فرمانده کل سپاه کوفه بود و اولین‌کسی که وی را نهی‌نمود، زینب مظهر پیام انقلاب حسین بود. در این بین زینب از فرصت استفاده کرد و ندای حق را با فریادش بلند ساخت. هان: ای‌مردم کوفه، ای‌مردم جنایتکار وخیانت پیشهٔ کوفه! اکنون که بزرگترین جنایات تاریخ‌رامرتکب شدید، می‌گریید! از چشمانتان خون ببارد که مزدوران طاغوت هستید، گریه‌کنندگان بر جنایت دستهایتان هستید! ای مرگ بر شما باد.

زینب در این فریاد سعی داشت که مردم را آن چنان متأثر کند، تا که‌علیه رژیم وقت به شورش درآیند و هرگز خاطره این جنایت را فراموش نکنند. "ابن زیاد" با دیدن امام سجاد دستور کشتن وی را می‌دهد که با مقاومت زینب روبرو می‌گردد، که بایدوی را قبل امام سجاد بکشد، بعدا "وی از قتل امام منصرف

نشد. شهر بعدی "قنسدین" بود که همگی مردم باورود سپاه کوفه مخالفت کردند، دروازه‌ها بسته شدوجوانان شهر سنگر گرفته و آماده پیکار شدند. در شهر دیگری به نام "شیزر" پیر مردی مؤمن‌ومبارز، ندای مخالفت علیه فرمان حاکم شهر برداشت و مردم همگی آمادهٔ مبارزه و شورش شدند. درشهر "حماه" نیز چنین‌حالتی وجود داشت در شهر "حمص" حاکم شهر به خودجرأت داده و با عده‌ای به بیرون شهر برای استقبال از جانی‌های تاریخ رفتند. هنگام بازگشت دروازه‌های‌شهر را بسته‌یافتند. سپاه وارد این شهر نشد. بعد به‌قلعه‌ای به نام "کفر طلاب" رسیدند که از آنان آب خواستند. ولی مردم به سپاه کوفه آب ندادند. در شهر "سیبور" حتی آب رودخانه را بر سپاه کوفه بستند، در شهر "حران" که هجرتگاه ابراهیم نیز هست، ماجرای جالبی اتفاق افتاد. هنگام عبور کاروان از شهر مردی یهودی به نام "یحیی" پرسید این شهیدان کیانند؟ گفتند نوه پیامبر اسلام هستند یحیی ایمان آورده و مسلمان شده سپس درصدد رساندن غذا، پول و سایر وسائل به کاروان اسیران برآمد که با ماموران محافظ درگیر شده، و به شهادت رسید و مزارش هنوز

زندگانی امام سجاد

شده و کاروان اسیران را به اتفاق ۲ هزار مأمور مسلح بجانب دمشق پایتخت حکومت طاغوتی گسیل‌میدارد.

پابرجاست و زیارتگاه‌شده است. پس از این‌شهر کاروان اسیران به دمشق رسیدند. درطی این مسافرتها، امام

به شما می‌رسد، نتیجه و بازگشت اعمال خودتان است.

امام سجاد در حدود یکسال در دمشق، و در تحت خفقان و مراقبت شدید ماموران یزید بسر برد. در این مدت کسی حق تماس‌گرفتن با امام را نداشت و رابطه مردم را با امام و امام را با مردم، قطع کرده بودند. یکی از روزهای جمعه، که نماز جمعه خوانده می‌شد البته بوسیله جناب یزید! مظهر باصطلاح‌خلافت و جانشین پیامبر!

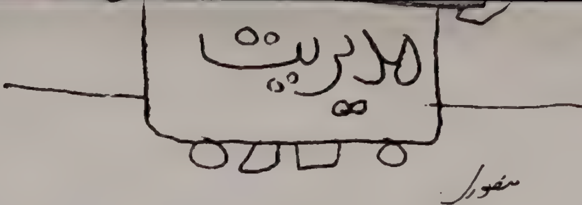
جماعتی بی‌شمار به مسجد آمده بودند. بعد از نماز اول خطیبی بر بالای منبر رفته ومطابق روال‌رژیم طاغوتی، شروع به اهانت و حمله به تشیع و چهرهٔ برجسته مکتب از علی گرفته تا ابوذر و غیره نموده و در خاتمه به جان یزید خائن، دعا کرد و سپس فرود آمد. امام هنگام‌پائین‌آمدن خطیب یزیدی بوی‌فرمود: وای بر تو که رضایت مخلوق‌را، بر رضای خالق برتری دادی و دوزخ را خریدی. امام بطور ضمنی جایگاه نهایی حکومت یزیدی و عمالش را نشان داد. سپس امام سجاد از یزید، اجازه صحبت خواست. یزید با اکراه‌پذیرفت، امام سجاد در آغاز سخنرانی‌اش، توحید و جهان‌بینی توحیدی را مفصلا "شرح می‌دهد و سپس ازصفات برجسته‌علویان که تجلی راستین تشیع هستند، سخن راند، ابتدا خاندان‌بنی‌هاشم را معرفی می‌کند و سوابق تاریخی‌شان را بازگو می‌سازد، از حمزه تا جعفر طیار و از پیامبر تا علی را معرفی مینماید، بدون‌اینکه رسما "از علی اسم بیاورد چرا که در شام به علی‌سخت حساسیت و کینه وجود دارد، بعد اضافه می‌کند، ای کسانی که مرانمی‌شناسید، اینک مرابشناسید، من‌فرزند مکه و منا هستم. پسر آن کس که حجرالاسود را نصب

است. بنابراین تقریبا "بدون تأمل گفتم بله... البته باید کتاب را هم ببینم، گفت: خودت میدونی، برو مدرسه، با مدیر صحبت کن.

اعتصاب در مدرسه

بعد از ماههای اول سال تحصیلی و اعتصاب مدارس، دانش‌آموزان مدرسه و همچنین معلمان همگام با سایر نیروها دست به اعتصاب زدند. در جریان این اعتصابات و تظاهرات از عمده‌ترین خواست‌های دانش‌آموزان و همچنین معلمان مسئول مدرسه، اخراج رئیس دبیرستان بوده‌است، بخصوص معلمان غیرمذهبی که تاکید فراوانی بر این مطلب داشتند باتوجه به‌اینکه در طی سالیانی که آنجا بودند، دقیقا" چهره او را می‌شناختند. در جریان انقلاب چهره مدیر بر من که اصلا" او را نمی‌شناختم، مشخص‌تر میشد، درعین حال از معلمان دیگر نیز در باره او پرس و جو کردم. او که میخواست نه از در بخورد و نه از تخته سعی میکرد با معلمان در مورد اعتصابشان سازش کند. در ظاهر با اعتصاب آنها و دانش‌آموزان موافقت میکرد. اما در واقع .... یکی از روزها که سرزده وارد دفتر شدم مشاهده کردم که مدیر با همکاری چندتن دیگر درحال نوشتن نامه‌هایی می‌باشند خوب که دقت کردم متوجه شدم که این نامه‌ها به‌اولیاء دانش‌آموزانی نوشته‌میشود که در تظاهرات نقش عمده‌تری را داشته‌اند.

مدیر و امثالهم، که فکر نمیکردند انقلاب به‌این زودی‌ها تمام بشود، بعد از باز شدن مدارس برده‌وار هرچه را که معلمان می‌گفتند، عمل می‌نمودند. درابتدا معلمان غیرمذهبی بچه‌ها را تشویق به این میکردند



منصور

جریان شدیم و چون میدانستیم این موضوع بدون علت مطرح نشده است و در نهایت قصدشان بدنام کردن دانش‌آموزان و معلمان مسلمان می‌باشد. پافشاری شدید کردیم که تا وقتی موضوع خوب حل نشود ــ چرا که از دید ما این برنامه کاملا" ساختگی بوده ــ ما از رفتن به سر کلاس خودداری می‌کنیم. درضمن باید بگویم که متاسفانه در این میان مسئول امور پرورشی بخش نیز اشاره به این کرده است که یکی از دانش‌آموزان را با شخصی دیده که در خیابان باهم راه! می‌رفته‌اند که این حرف دستاویزی برای مدیر شد. باتوجه به سوابق مدیر و کارشکنی‌هایش و جریان پیش‌آمده و بی‌نظمی‌های شدید مدرسه و بازکردن دفتر دمکرات، بدون نظرخواهی از شورای دانش‌آموزان ــ باتوجه به اینکه این شورا از ۲۵ دانش‌آموز مسلمان و یک دانش‌آموز غیرمسلمان تشکیل شده امکان باز کردن دفتر نبوده ــ ما از رئیس ناحیه خواستیم او را از سمت مدیریت پس‌ازگذشت ۳ ماه از باز شدن مجدد مدارس، عزل کند وگرنه توطئه‌های او یکی پس از دیگری بیشتر خواهد شد. رئیس ناحیه عزل مدیر را موکول به آمدن به مدرسه کرد. در مدرسه او پیشنهاد یک شورا را داد. باز ما یک گام خود را عقب کشیدیم و به ملاحظه‌اینکه اواخر سال است، رای به شورا دادیم ــ اما با کمال تاسف مشاهده کردیم که سه‌تن از کسانی که ازنظر ما صلاحیت ورود به شورا را نداشته‌اند ــ که یکی از آنها مدیر

از من معلم پیر
از من رفیق دیرین

مدرسه بود ــ عضو منتخب شورا شده است. ناگفته نماند که در این جریان روشنفکران مترقی! (غیرمذهبی ها چهره‌ٔ فرصت‌طلبانه‌ٔ خود را بخوبی نشان دادند بدین معنی که در پی زد و بندهایی قرار را بر این گذاشتند که به‌آن سه‌نفر کذایی رای بدهند. روشنفکرانی که در ابتدای شروع مدارس بچه‌ها را تشویق به‌اعتصاب و نرفتن به سر کلاس برای اخراج مدیر می‌کردند.

فردای آن روز که به مدرسه رفتم با چهره‌ٔ ناراحت بسیاری از بچه‌ها مواجه شدم، وقتی جریان را از آنها پرسیدم گفتند "راست است که معلم اسلام‌شناسی به یکی از دانش‌آموزان مدرسه...... ــ لازم بتذکراست که در مدرسه ما کلاس اسلام‌شناسی دائر بود ــ من با تعجب سئوال کردم، چه کسی این حرف‌را به‌شما زده؟ گفتند: ای خانم چه نشستی، مستخدم مدرسه درحیاط مدرسه بچه‌ها را بدور خود جمع کرده و در این باره صحبت می‌کند. گویی آب سردی به رویم ریخته‌اند. حدسم درست از آب درآمده بود ــ بالاخره مدیر کار خود را کرده بود. با سرعت خود را به دفتر رسانده و معلمان را در جریان این‌کار گذاشتم، و از آنها خواستم که اگر خود را مسئول میدانند تا بازخواست واقعی به سر کلاس نروند. دوباره مدرسه بهم خورد. اما من میدانستم که دیگر با این کارها نمیشود کاری‌از پیش برد. از این رو، با نظارت عده‌ای از معلمان نامه‌ای به وزارتخانه نوشته و جریان را بطور مفصل توضیح دادیم.

معلمان مسئول مدرسه از اینکه بعد از گذشت این

شماره۲۰ ــ خانه معلم ،

مدت با اخراج‌مدیر موافقت‌شد، خوشحال‌بودند. اما آیا براستی با بیرون رفتن مدیر همه‌چیز به پایان رسید!

مدتی از جریان نگذشته بود که یک روز مطلع شدیم نامه‌ای به بخش‌رسیده به‌این مضمون که "تعویض مدیر، از جانب عده‌ای ضدانقلابی صورت‌گرفته‌است"! و خلاصه "آموزش و پرورش و دیگران باید هوشیار باشند و.... ناگفته نماند که رونوشت این نامه به دفترامام و نخست‌وزیری و وزارتخانه نیز ارسال شده‌بود. بعلاوه در پیوست این نامه امضای تعداد زیادی از معلمان را در "تأئید مدیر" و "ضدانقلابی نبودن او" فرستاده بودند که البته قسمت دوم آن از جانب بسیاری از معلمان مورد اعتراض واقع شد چرا که قسمت دوم آن از جانب دست‌اندرکاران این‌برنامه اضافه شده بود!!

خلاصه... کار به آمدن بازرس وزارتی کشید، و نتیجتا" محکوم کردن چنین‌عمل "ضدانقلابی" و تأئید و تثبیت مدیر جدید. در این زمینه توضیحات اضافی نمیدهم، فقط‌نه‌تنها کلیهٔ معلمان‌را به‌داشتن‌هوشیاری انقلابی دعوت می‌کنم بلکه از مسئولان وزارتی و کلیه کسانی که در ارتباط با آموزش و پرورش، بعنوان یکی از اساسی‌ترین نهادهای جامعه ــ هستند درخواست می‌کنم که اصولی‌تر و منطبق بر یک مشی و روش و طرح خاص حرکت کنند. متذکر میشوم که تا هنگامیکه این‌چنین پیش می‌رویم مطمئنا" دچار گرفتاریهای‌بیش از این خواهیم شد. راستی چرا ما با اینکه همیشه میخواهیم "ضدانقلاب را بشناسانیم اما در جهت پیش‌گیری حقیقی آن بر نمی‌آئیم."

فرهنگ استعماری باید استقلالی شود

امام خمینی

امیدی در نا امیدیها

رفتم پیش رئیس متوسطه و در مورد مدارسی که میشود در آن تدریس کرد سئوال کردم او نیز با تاسف اظهار کرد که تمام مدارس تکمیل هستند. رفت و برگشت به بخش چند روزی طول کشید اما همیشه من بودم و همان جواب‌های سربالای قبلی.

وسط راهروی بخش در حالی‌که ناامیدی عجیبی به من دست داده بود ایستاده بودم پیش خود فکر میکردم که: خدایا ۱۶ سال درس بخوان آخرش هم این. حتی مفتکی هم نمی‌گذارند در یک مدرسه درس بدهی. تو حال خودم بودم که یکدفعه رئیس قسمت متوسطه‌صدایم زد وگفت!ـ(گویا متوجه‌ناراحتی‌شدیدم شده‌بود)ـ حاضری عربی‌های دوم وسوم نظری را درس بدهی‌پیش خود فکر کردم با اینکه‌صلاحیت‌برای‌تدریس درس عربی را ندارم اما با بچه‌ها‌بودن مهم‌تر از این است. بنابراین‌تقریبا "بدون‌تأمل‌گفتم بله... البته‌باید کتاب را هم ببینم، گفت: خودت میدونی، برومدرسه، با مدیر صحبت کن.

اعتصاب در مدرسه

بعد از ماههای اول سال تحصیلی و اعتصاب مدارس، دانش‌آموزان مدرسه و همچنین معلمان همگام با سایر نیروها دست به اعتصاب زدند. در جریان این اعتصابات و تظاهرات از عمده‌ترین خواست‌های دانش‌آموزان و همچنین معلمان مسئول مدرسه، اخراج رئیس دبیرستان بوده‌است، بخصوص‌معلمان‌غیرمذهبی

که تاکید فراوانی بر این مطلب داشتند باتوجه به‌اینکه در طی سالیانی که آنجا بودند، دقیقا" چهره او را می‌شناختند. در جریان انقلاب چهره مدیر بر من که اصلا" او را نمی‌شناختم، مشخص‌تر میشد، درعین حال از معلمان دیگر نیز در باره او پرس و جو کردم. او که میخواست نه از در بخورد و نه از تخته سعی میکرد با

... تا اینکه یکروز توسط یکی از معلمان‌خبردار شدیم که گویا تلفنی!! از کمیته‌ای!! به مدیر شده و گفته‌اند که به یکی از دانش‌آموزان تجاوز شده است و این دانش‌آموز را یکی از معلمان مدرسه (یعنی من) می‌شناسد. این جریان توسط مدیر مدرسه به رئیس بخش اطلاع داده میشود. برای ما واضح و مسلم بود که این جریان تنها به اینجا ختم نخواهد شد، بلکه پی‌آمدهای‌دیگری نیز دارد. لذا به اتفاق تنی چند از معلمان به بخش مراجعه کرده و خواستار رسیدگی به



جریان شدیم و چون میدانستیم این‌موضوع بدون‌علت مطرح نشده است و در نهایت قصدشان بدنام کردن دانش‌آموزان و معلمان‌مسلمان می‌باشد. پافشاری شدید کردیم که تا وقتی موضوع خوب حل نشود ـ چرا که از دید ما این برنامه کاملا" ساختگی بوده ـ ما از رفتن به سر کلاس خودداری می‌کنیم. درضمن باید بگویم‌که متاسفانه در این میان مسئول امور پرورشی بخش نیز اشاره به این کرده است که یکی از دانش‌آموزان را با شخصی دیده که در خیابان باهم راه! می‌رفته‌اند‌که این حرف‌دستاویزی برای مدیر شد. باتوجه به سوابق مدیر و کارشکنی‌هایش و جریان پیش‌آمده و بی‌نظمی‌های شدید مدرسه و بازکردن دفتر دمکرات، بدون نظرخواهی از شورای دانش‌آموزان ـ باتوجه به اینکه این شورا از

مدرسه بود ـ عضو منتخب شورا شده است. ناگفته نماند که در این جریان روشنفکران مترقی! (غیرمذهبی ها چهره‌ٔ فرصت‌طلبانه‌ٔ خود را بخوبی نشان دادند بدین معنی که در پی زد و بندهایی قرار را بر این گذاشتند که به‌آن سه‌نفر کذابی رای بدهند. روشنفکرانی که در ابتدای شروع مدارس بچه‌ها را تشویق به‌اعتصاب و نرفتن به سر کلاس برای اخراج مدیر می‌کردند.

فردای آن روز که به مدرسه‌رفتم با چهره‌ٔ ناراحت بسیاری از بچه‌ها مواجه شدم، وقتی جریان را از آنها پرسیدم گفتند "راست است که معلم اسلام‌شناسی به یکی از دانش‌آموزان مدرسه...... ـ لازم بتذکراست که در مدرسه ما کلاس اسلام‌شناسی دائر بود ـ من با تعجب سئوال کردم، چه کسی این حرف‌را به‌شما زده؟ گفتند! ای خانم چه نشستی، مستخدم مدرسه‌درحیاط مدرسه بچه‌ها را بدور خود جمع کرده و در این باره

مدت‌ با اخراج‌مدیر موافقت‌شد، خوشحال‌بودند. اما آیا براستی با بیرون رفتن مدیر همه‌چیز به پایان رسید!

مدتی از جریان نگذشته بود که یک روز مطلع شدیم نامه‌ای به بخش‌رسیده به‌این مضمون‌که "تعویض مدیر، از جانب عده‌ای ضدانقلابی صورت‌گرفته‌است"! و خلاصه "آموزش و پرورش و دیگران باید هوشیار باشند و.... ناگفته نماند که رونوشت این نامه به دفترامام و نخست‌وزیری و وزارتخانه نیز ارسال شده‌بود. بعلاوه در پیوست این نامه امضای تعداد زیادی از معلمان را در "تأئید مدیر" و "ضدانقلابی نبودن او" فرستاده بودند که البته قسمت دوم آن از جانب بسیاری از معلمان مورد اعتراض واقع شد چرا که قسمت دوم آن از جانب دست‌اندرکاران این‌برنامه اضافه شده‌بود!! خلاصه... کار به آمدن بازرس وزارتی کشید، و نتیجتا" محکوم کردن چنین‌عمل "ضدانقلابی" و تأئید

جوهر ذاتی، خود را بروز کن.
تا بیگانه درک کند قدرت ایمان
گر طالبی
آن اجنبی
آن بیگانه
آن متخصص، آن مستشاران
به هر نام
دیگر ایران نیایند،
تو را ضعیف ندانند،
خود را غنی بگردان،
از علم و تخصص،
با ابتکار و دانش،
با استعداد و بینش
بر اجنبی بفهمان
حتی بر او قبولان
چشم طمع بپوشند، دیگر ز ملک ایران

از من معلم پیر
از من رفیق دیرین

کلاسهای اسلام‌شناسی

۱ـ روزهای دوشنبه ساعت ۴½ بعدازظهر
مکان ـ خیابان کشاورز (بلوار سابق) خیابان لوسان ـ جلس دبیرستان تخت‌جمشید.

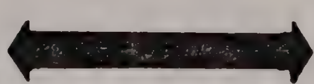
۲ـ روزهای یک‌شنبه ساعت ۵ بعدازظهر
مکان ـ نازی‌آباد چهارصد دستگاه خیابان فروردین درب جنوبی پیشاهنگی.

۳ـ روزهای شنبه ۵ بعدازظهر
مکان ـ میدان خراسان روبروی بی‌سیم کوچه عاصی مدرسه راهنمائی عاصی.

۴ـ روزهای سه‌شنبه ساعت ۵ بعدازظهر کلاس سیاسی
مکان ـ نازی‌آباد چهارصد دستگاه خیابان فروردین درب جنوبی ـ پیشاهنگی.

۵ـ روزهای یکشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر
آدرس ـ خیابان قزوین‌نرسیده به‌دو راهی قپان خزانه شماره ۲۰ ـ خانه معلم.

وابستگان دیروز، انقلابیون امروز



گزارشی از یک مدرسه نگارنده خانم "م - سارا"

وقتی ۳۱ شهریور ماه سال ۵۷ به مدرسه مراجعه کردم بدون هیچ دلیلی جملهٔ زیر را از زبان مدیر شنیدم: از طرف بخش دستور رسیده است که معلمان حق‌التدریسی در این منطقه دیگر درس ندهند لذا از پذیرفتن شما معذوریم "! با کمال تعجب سئوال کردم خوب چرا تابحال این را نگفتید؟ چرا در آخرین روز می‌گویید؟ با خونسردی جواب داد: از بخش به ما دستور داده‌اند، می‌توانید بروید از خودشان سئوال کنید. گفتم: آخر من دوسال دراینجا معلم بوده‌ام و به بچه‌ها عادت کرده‌ام، بچه‌ها نیز به من عادت کرده‌اند. اما یکی‌بدو فایده‌ای نداشت، یکراست رفتم پیش مسئول دوره راهنمائی، دوباره همان‌جواب‌ها راشنیدم. منتهی اینددفعه او از بالاترش دستور گرفته بود، پیش‌معاون رفتم او نیز سری تکان داد و همان الفاظ زیردستی‌های خودش را تکرار کرد انگار همه‌شان ماشین کامپیوتر بودند، خودکار، یک جواب بدون کم و کاست، و بدون دلیل موجه، آخر کار با معاون دعوایم شد بطوریکه به مستخدمش دستور داد که از اطاق بیرونم کند.

امیدی در ناامیدیها

رفتم پیش رئیس متوسطه و در مورد مدارسی که میشود در آن تدریس کرد سئوال کردم او نیز با تاسف اظهار کرد که تمام مدارس تکمیل هستند. رفت و برگشت به بخش چند روزی طول کشید اما همیشه من بودم و که تا مدیر اخراج نشده به سر کلاس‌ها نروند. اما ما می‌گفتیم: بدون اینکه این دو در رابطه باهم باشند می‌توانند در کنار هم صورت بگیرند. یعنی هم دانش‌آموزان به سر کلاس بروند و هم مدیر اخراج شود. این موضوع در شورای دانش‌آموزان نیز مورد تأئید قرار گرفت. اما ... مدیر وقتی دید چندان فشاری از طرف بالا بر او وارد نمیشود و فشار پائین را نیزمی‌تواند تحمل کند، رفته‌رفته قوت قلب بیشتری را احساس کرد. از این رو کارشکنی‌هایش را آغاز نمود. البته ناگفته نماند که این کارشکنی‌ها بیشتر به این علت‌بود که میدید شورای دانش‌آموزان، عملا" ورسما" او را به مدیریت قبول ندارد. و کارها را بدون مشورت با او انجام میدهد. وی ابتدا توسط مستخدم مدرسه جلوی فعالیت‌های دانش‌آموزان را میگرفت بدین‌معنی که ما بارها شاهد فحاشی‌های مستخدم مدرسه به دانش‌آموزان بوده‌ایم. اما با تمام این احوال ما به فعالیت خود ادامه میدادیم.

تلفن مشکوک

... تا اینکه یکروز توسط یکی از معلمان‌خبردار شدیم که گویا تلفنی!! از کمیته‌ای!! به مدیر شده و گفته‌اند که به یکی از دانش‌آموزان تجاوز شده است و این دانش‌آموز را یکی از معلمان مدرسه (یعنی من) می‌شناسد. این جریان توسط مدیر مدرسه به رئیس بخش اطلاع داده میشود. برای ما واضح و مسلم بود

شعر:

پیام یک معلم

شعر زیر سروده یک معلم است که با تغییر مختصری آنرا چاپ نمودیم

صبح امید،
صبح نجات،
بر پهنهٔ ایران دمیده است،
شب رفته است،
مظهر تاریکی رمیده است.
سازندگی شروع شده است.
ای جوان به پیش.
هشیار باش.
نوبت کوشش رسیده است
گر انقلاب و
پیام درون آن،
فهمیده‌ای ز جان.
پیش آ،
ابتکار کن، از خود نشان بده.
گر سازنده‌ای جوان،
جوهر ذاتی، خود را بروز کن.
تا بیگانه درک کند قدرت ایمان
گر طالبی
آن اجنبی
آن بیگانه
آن متخصص، آن مستشاران
از من تو را شناسند
قسم بدین اسلام
قسم بنام ایران
شایسته است، این پیام
از جان و دل بخوانی
دیروز انقلاب بود حماسه آفریدی
کشتی درخت نهضت به آزادی رسیدی
امروز وظیفه‌ات است که پاس آن بداری
چون با خون عزیزان گشته است آبیاری
این است ندای وجدان
گیرند اگر جوانان
الهام ز روح اسلام
با درک انقلابی
با درک ابتکاری
مسئولیت پذیرند
ایران شود گلستان ایران شود گلستان

۲۸ اسفندماه ۵۷ بهمن‌صولت‌بگانی

★ ★ ★ ★



کلاسها

کلاسهای اسلام شناسی

۱- روزهای دوشنبه ساعت ۴ بعدازظهر
مکان - خیابان کشاورز (بلوار سابق) خیابان لوسان - جلس دبیرستان تخت‌جمشید.

۲- روزهای یک‌شنبه ساعت ۵ بعدازظهر

معلم پاسدار دستاوردهای خونبار انقلاب است

هرگز. من‌میعادم باکسانیست که‌بطرفم آمده‌اند و می‌آیند. تمامی شهیدان تاریخ و جهان از آدم تا حسین و از حسین تا آخر الزمان.

من راه حسین را رفتم تا به حسین و الله‌برسم و رسیدم. حسین نزد من است. هابیل نزد من است.و خدا نزد من است که من خون خدایم.

اما پیامم را بشنو:

مبادا تزلزلی در راهت‌بوجودآید‌ای‌کارگر، ای‌دهقان، ای‌ستمدیده و ای‌مستضعف‌مبادافریب‌دشمنان‌و منافقین صفوف متحدتان را متفرق سازد.

چرا که خون من – که شاهد حقانیت و وحدت شماست – هنوز از آسفالت خیابانها پاک نشده و نخواهد شد، هنوز از داخل شکنجه‌گاهها پاک نشده و نخواهد شد، مگرخون‌حسین‌پاک میشود؟ مگرخون‌هابیل‌پاک میشود؟ پس‌بپاس‌خون‌ماشهیدان‌انقلاب، بدان‌که باید استقامت داشته باشی، بخاطر منافع شخصی و یا جاه و مقامی به اسلام و قرآن و مردم خیانت‌نکنی. بعدازپیروزی‌انقلاب و بعداز جهاد اصغر، جنگی‌دیگر، مهمتر و پرمسئولیت‌تر در پیش‌داری، با نفس خود باید بجنگی و بسوی خدا بشتابی. اخلاق خود را اسلامی‌وقرآنی‌کنی. "تقوا" یت هر روز افزونتر گردد. به‌هیچ‌زر و زور و تزویری فروخته نشوی، هدفت‌خدمت‌به‌خلق ورضای‌خدا گردد. راهت را با استقامت و بردباری‌ادامه‌دهی، درمصیبتها روحیه انقلابی‌ات‌راازدست‌ندهی که‌به‌نفع دشمن تمام‌میشود. از دنیا و شهوت بگریزی که آنی‌وفانی‌است. از نمازت حفاظت‌کنی وزکوه جان ومال‌وعقیده‌ات‌رابدهی‌از بهترین چیزها انفاق کنی. از بدی‌ها دورشوی و بسوی‌خوبی‌ها بشتابی، پیام شهیدرابشناسانی‌وراهش‌راادامه‌دهی، از

چند روزی در بازار بودیم. من و دوستانم را از جعبه بیرون آوردند و پشت ویترین برای نمونه قرار دادند تا بحال جای شلوغی مثل بازار ندیده بودم. کار ما فقط این بود که بازار و رفت و آمد آدمیزادها‌را‌تماشا کنیم. از صبح تا شب باربرها را می‌دیدیم که بارها را پشت کولشان یا روی چهار چرخ حمل می‌کردند. پشت سرهم صدای بپا بپا آقا، نفتی‌نشی و...... را از باربرها می‌شنیدیم. صورت‌اینهاهمیشه‌درهم‌بودوباعصبانیت‌به این طرف و آنطرف می‌رفتند. مثل‌اینکه‌ازکارشان راضی نبودند!!!......

گاهی دلالها و حاجی‌ها با بحث و جدل‌با همراهانشان از پیش ما‌می‌گذشتند. روزها‌می‌گذشت. تااینکه‌پیرمردی به مغازه‌ای که من در آن بودم، آمد و ما را ازفروشنده خواست.

پیرمرد، ما و چیزهای دیگری را که خریده بود، سوار یک وانت بار کرد و بسوی مقصدی حرکت کرد. در راه خیلی چیزها را می‌دیدیم. وانت از آنجایی که براه افتاد از خانه‌ها و ساختمانها و آپارتمانهای‌مجلل و چندین طبقه گذشت. تا بجایی رسیدیم که پراز خانه‌های کوچک گلی بود و خیابانهای ناصاف و پراز آشغال، جویهای‌سیاه و کثیف داشت و من را به یک دکان‌بقالی‌دادند من تا دو هفته در مغازه بودم. روزی مرد جوانی داخل‌دکان‌شد. کوکاکولا خرید و خورد. هنوز از مغازه بیرون نرفته بود که پیرزنی داخل شد و گفت: اگر کمی آب دارید به من بدهید بخورم. صاحب دکان یک شیشه خالی‌کوکاکولا‌را پراز آب کرده و به پیرزن داد.

روزی هم مرد شیک‌پوشی داخل‌مغازه‌شد ویک‌بسته سیگار وینستون خرید، هنوز ازمغازه بیرون نرفته بودکه پیرمردی عصابدست داخل‌مغازه‌شدودودانه‌سیگارهای

فروخت. از تو هم انتظار دارم تا با من چیزی بنویسی که در جامعات تحول و تکامل ایجاد شود.

اصغر صباغ‌پور

زیراکه اینها تا دیروز از عوامل‌مزدور رژیم‌سفاک بودند واینک‌درقالب وزیر لوای جمهوری اسلامی میخواهند خود را انقلابی نشان دهند ویامثلا" بعضی‌ازدبیران‌روشنفکرنماو وابسته به امپریالیسم شرق یا غرب در مدارس باعث آشوب میگردندکه بنظر من باید جلوی فعالیتهای غیرانقلابی‌آنان که باعث تضعیف انقلاب اسلامی و ملت‌میگردد، گرفته‌شودو باید درمدارس‌کلاسهای‌ایدئولوژیکی‌و اسلام شناسی گذاشته شود و اگر مدیران ودبیران ضدانقلاب را از یک مدرسه برمیدارند در مدرسه دیگری نگذارند که در اینصورت مثل همان نظام گذشته‌میشود. بایدبه‌آنان‌کارهایی دادکه‌واقعاقادر نباشندتابرضدانقلاب عمل‌کنند ومعلمهاومدیران بیشتر به حرف و دردشاگرد گوش فرا دهند و به وضع زندگی شاگردان رسیدگی شود.

۷ – آیا با دوستان دانش‌آموز خود سخنی دارید؟

سخنم بادانش‌آموزان مسلمان و با ایمان‌این‌است که سعی کنند واقعا" انسان باشند و انسانی‌رفتار نمایند و از حالت جمود و بی‌تفاوتی بیرون آیند وبیشتر مطالعه‌کنندوپابه‌پای‌دبیران‌ومردم‌کشورشان در راه استقرار جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی متعهد شده و کار و فعالیت‌نمایندوبیشتربه‌ایمان وآگاهی خودمتکی باشند. چشم و گوش بسته تحت تأثیر شعارهای بی‌محتوی‌قرارنگیرند. بلکه‌خودبدنبال هدفشان بروند و با تحقیق وبینش‌و آگاهی مکتب خود را شناسایی و برطبق آن عمل نمایند.

عقیده من باید افرادی صالح و با ایمان و معتقد به آرمانهای‌اسلامی‌جای این‌گروه‌از روشنفکرنماها در مدارس بگذارند – تا آنان‌رسالت خون‌شهید را همراه با شاگرد بگوش جهانیان برسانند. و البته این خود شاگرد است که میتواند دبیران خوب و صالح رااز‌دبیران‌بدو بی‌تفاوت تشخیص دهد.

۵ – آیا انتقاد و پیشنهادی در مورد دولت دارید؟

فکر می‌کنم دولت آنطوریکه باید و شاید انقلابی نیست و قاطعیت‌ندارد. بااینکه‌من‌وتمامی کسانی که آقای بازرگان را طبق گفته امام خمینی تأیید کرده‌ایم، قبولشان داریم و میدانیم که ایشان زحمات‌بسیاری‌برای‌ماکشیده‌ومی‌کشند. اما مسئله‌ای که در اینجا باقی میماند همان عدم قاطعیت در کارشان می‌باشد. من مصرا" از‌این‌دولت‌میخواهم که هرچه بیشتر قاطعیت‌وانقلابی‌بودن یک‌دولت انقلابی را عملا" نشان دهدوموضع انقلابی خود را در قبال دولتهای امپریالیستی ودست‌نشانده و همچنین در قبال نهضتهای آزادیبخش مانند فلسطین در عمل نشان دهد و تنها به‌حرف‌زدن اکتفا نکند. درضمن‌بایدبگویم‌کار بزرگی‌که‌دولت انجام داد و باعث‌تحسین‌همگان‌گشت "ملی‌کردن بانکها" بودکه‌همه‌از آن پشتیبانی‌کرده‌و می‌کنند و واقعا" این بزرگترین‌کار‌انقلابی‌بود که فراموش شدنی نیست و ما این عمل افتخارآمیزرابه آقای بازرگان تبریک می‌گوئیم.

۶ – چه انتقاد و پیشنهادی در مدارس دارید؟

انتقادم از مدارس این است که مدیران‌وبعضی‌از دبیران و کادر آموزشی باید حتما" تصفیه گردند

تیر ـ که ایران میدان تیر شده بود ـ در چاهها خفه‌ام کردند، در حال نماز کشتند و درماه رمضان. درصحنه جنگ و در خیابانها. . . . اما من نمرده‌ام، دررفراندم هم شرکت کرده‌ام. درتظاهرات و در عین‌شهادت‌رأیم را ریخته‌ام، من اول یکی بودم: هابیل. وبعددیگران شهدم را نوشیدند و شهادت را به آغوش گرفتند.

من تنها نیستم، شمانیزبا "من"اید، لاله‌های‌دیگر ـ که درخاکند و بیرون آمده‌اند و سرختر از خون من‌و برادرانم شده‌اند ـ نیز هستند. از من لاله‌ها روییده و می‌روید. من "ثار" الله هستم و پسر "ثار" الله، من یار خدایم و خون خدایم.

شما ای کسانیکه به من افسوس میخوریدومیگوئید جایشان خالی! جای ما خالی نیست، مگر ممکن است کسی بنیان گذار و پیشروانقلاب باشد وجایش خالی!! هرگز. من‌سعادم باکسانیست‌که‌بطرفم‌آمده‌اندو میآیند. تمامی شهیدان تاریخ و جهان ازآدم تا حسین و از حسین تا آخر الزمان.

من راه حسین را رفتم تا به حسین و اللهبرسم و رسیدم. حسین نزد من است. هابیل نزد من است. و خدا نزد من است که من خون خدایم.

اما پیامم را بشنو:

مبادا تزلزلی در راهت‌بوجودآیدای‌کارگر، ای‌دهقان، ای‌ستمدیده و ای‌مستضعف‌مبادافریب‌دشمنان‌و منافقین صفوف متحدتان را متفرق سازد.

چرا که خون من ـ که شاهد حقانیت و وحدت شماست ـ هنوز از آسفالت خیابانها پاک نشده و نخواهد شد، هنوز از داخل شکنجه‌گاهها پاک نشده و نخواهد شد، مگرخون‌حسین‌پاک میشود؟ مگرخون‌هابیل‌پاک میشود؟ پس‌پاس‌خون‌ماشهیدان‌انقلاب، بدان‌که باید استقامت داشته باشی، بخاطر منافع شخصی و یا جاه و مقامی‌به

اسلام و قرآن و مردم خیانت نکنی. بعدازپیروزی‌انقلاب و بعداز جهاد اصغر، جنگی‌دیگر، مهمتر و پرمسئولیت‌تر در پیش‌داری. با نفس خود باید بجنگی و بسوی خدا

روزی‌درخانه‌نشسته‌بودم وباخودنویسم ورمی‌رفتم. من خیلی‌خودنویسم‌رادوست‌داشتم. همینطورکه‌نگاهش می‌کردم، گفتم:

ای خودنویس، خودت‌می‌دانی‌که‌توراازرفیقم خریده‌ام، از وقتی که تو بدست کارگرها ساخته شدی، زندگی‌ات‌را برای من تعریف کن.

خودنویس شروع به صحبت کرد:

من در کارخانه‌ای بودم، اما خودنویس نبودم، تکه‌ای از من آهن و تکه‌ای پلاستیک بود. کارگرهامن‌رااز‌اجزاء کوچک ساختند. بیادم می‌آید وقتی را که روی من کار میکردند و به این دستگاه و به آن دستگاه‌می‌گذاشتند تا خودنویس شدم، اما نمی‌توانستم بنویسم. من‌ودوستان همشکل من را در یک قوطی گذاشتند و به بازارآوردند. چند روزی در بازار بودیم. من و دوستانم را از جعبه بیرون آوردند و پشت ویترین برای نمونه قرار دادند تا بحال جای شلوغی مثل بازار ندیده بودم. کار ما فقط این بود که بازار و رفت و آمد آدمیزادهاراتماشا کنیم. از صبح تا شب باربرها را می‌دیدیم که بارها را پشت کولشان یا روی چهار چرخ حمل می‌کردند. پشت سرهم صدای بپا بپا آقا، نفتی‌نشی و. . . . . را از باربرها می‌شنیدیم. صورت‌اینهاهمیشه‌درهم بودوباعصبانیت‌به این طرف و آنطرف می‌رفتند. مثل‌اینکه‌ازکارشان راضی نبودند!!! . . . . . .

گاهی دلالها و حاجی‌ها یا بحث و جدل‌با همراهانشان از پیش ما می‌گذشتند. روزها می‌گذشت. تااینکه‌پیرمردی به مغازه‌ای که من در آن بودم، آمد و ما را ازفروشنده خواست.

پیرمرد، ما و چیزهای دیگری را که خریده بود، سوار یک وانت بار کرد و بسوی مقصدی حرکت کرد. در راه خیلی چیزها را می‌دیدیم. وانت از آنجایی که براه افتاد از خانه‌ها و ساختمانها و آپارتمانهای‌مجلل و چندین طبقه گذشت. تا بجایی رسیدیم که پراز خانه‌های کوچک گلی بود، خیابانهای ناصاف و پر از آشغال، جوی‌های سیاه،

بیضی خرید. یک روز هم دوست تو آمد و من را خرید. راستش تا آن وقت من جز یک شیئی‌که‌بخرندیا بفروشند نبودم من را به خانه‌اش برد و به شکمم مرکب ریخت. خوشحال بودم برای‌اینکه‌حالا می‌توانم‌کاری‌انجام دهم. چند روزی گذشت امااز‌یک‌چیزناراحت بودم و آن اینکه دوست تو فقط با من مشق و یا حساب می‌نوشت. اما من علاوه براین انتظار داشتم که چیزی بنویسد که بدرد همسایه، دوست و شهرش بخورد. از من چیزی بنویسد که موءثر باشد.

چند روزی گذشت و از من خسته شد و مرا به تو فروخت. از تو هم انتظار دارم تا با من چیزی بنویسی که در جامعه‌ات تحول و تکامل ایجاد شود.

اصغر صباغپور

تجمل پرست و ظاهر فریب و ترسو و آدمهایی بی‌تفاوت بودند، انگار که اصلا" در این‌جامعه زندگی نمی‌کنند و هیچ اتفاق‌غیرانسانی‌نمی‌افتد و ازخدامیخواستندکه‌ماشاگردان‌هم‌مثل خودشان مورد استحمار فکری و اجتماعی بودیم. البته‌در این میان بودند کسانی که ازمرگ نمی‌هراسیدند و واقعا" انسان بودند زیرا که مکتب اسلام را میشناختند که اسلام یعنی جهاد درراه عقیده‌و درنتیجه‌مسئولیت‌خویش را به‌انجام‌میرساندند.

۴ ـ در حال حاضر معلمین چگونه هستند؟

هنوز هم زیاد عوض نشده‌اند و همان آدمهای بی‌تفاوت گذشته‌اند. آنموقع ترس‌از ساواک را بهانه حرف‌نزدن‌قرارمیدادند وحالا هم‌که خیال می‌کنند دیگر کاری ندارند که انجام بدهند. به عقیده من باید افرادی صالح و با ایمان و معتقد به آرمانهای‌اسلامی‌جای این‌گروه‌از روشنفکرنماها در مدارس بگذارند ـ تا آنان‌رسالت خون‌شهید را همراه با شاگرد بگوش جهانیان برسانند. و البته این خود شاگرد است که میتواند دبیران خوب و صالح رااز‌دبیران‌بدو بی‌تفاوت تشخیص دهد.

۵ ـ آیا انتقاد و پیشنهادی در مورد دولت دارید؟

فکر می‌کنم دولت آنطوریکه باید و شاید انقلابی نیست و قاطعیت‌ندارد. بااینکه‌من‌وتمامی کسانی که‌آقای بازرگان را طبق گفته امام خمینی تأئید کرده‌ایم، قبولشان داریم و میدانیم که ایشان زحمات‌بسیاری‌برای‌ماکشیده‌ومی‌کشند. امامسئله‌ای که در اینجا باقی میماند همان عدم قاطعیت در کارشان می‌باشد. من مصرا" ازاین‌دولت‌میخواهم که هرچه بیشتر قاطعیت‌وانقلابی‌بودن یک‌دولت انقلابی را عملا" نشان دهدوموضع‌انقلابی خود را در قبال دولتهای امپریالیستی و دست‌نشانده و همچنین در قبال نهضتهای آزادیبخش مانند فلسطین، در عمل نشان دهد و تنها به حرف

زیراکه اینها تا دیروز از عوامل‌مزدور رژیم‌سفاک بودند واینک‌درقالب وزیر لوای جمهوری اسلامی میخواهند خود را انقلابی نشان دهند ویامثلا" بعضی‌ازدبیران‌روشنفکرنماو وابسته به امپریالیسم شرق یا غرب در مدارس باعث آشوب میگردندکه بنظر من باید جلوی فعالیتهای غیرانقلابی‌آنان که باعث تضعیف انقلاب اسلامی و ملت‌میگردد، گرفته‌شودو باید درمدارس‌کلاسهای‌ایدئولوژیکی‌و اسلام شناسی گذاشته شود و اگر مدیران ودبیران ضدانقلاب را از یک مدرسه برمیدارند در مدرسه دیگری نگذارند که در اینصورت مثل همان نظام گذشته‌میشود. بایدبه‌آنان‌کارهایی‌دادکه‌واقعاقادر نباشندتابرضدانقلاب‌عمل‌کنند ومعلمهاومدیران بیشتر به حرف و دردشاگرد گوش فرا دهند وبه وضع زندگی شاگردان رسیدگی شود.

۷ ـ آیا با دوستان دانش‌آموز خود سخنی دارید؟

سخنم بادانش‌آموزان مسلمان و با ایمان این‌است

نامه‌ای از یك دانش‌آموز

این نوشته قسمتی از نامه‌ٔ دانش‌آموزی است که به‌دفتر جهاد معلم رسیده‌است و ما مبادرت به‌چاپ آن کرده‌ایم

من در این کاغذ کوچک نمی‌توانم دردها وظلم هایی که به مردم ما رفته است، بنگارم. ظلمی که به این ملت شده. بزرگتر و عظیم‌تر از آن است که در این نامه بگنجد. و من با این قلم "سیاهم" نمی‌توانم از خون "سرخ" شهیدان تحلیل کنم. اصلاً" مرا چه که از شهید سخن بگویم، که خودم به این افتخار نرسیده‌ام. بیایید به سخن شهید گوش فرا دهیم:

شهید همه جا حاضر

من شاهدم و حاضرم، در میان تك‌تك شما هستم، من یکی نیستم بلکه شصت‌هزارم بلکه هزاران هزار. . . .

من در صحنه‌های مختلف تاریخ حاضر بودم که: شهید یعنی همیشه حاضر، همیشه شاهد.

مرا به گونه‌ای که خواستند بخیال خام خود از بین برند: در اتاق مطالعه خفه‌ام کردند، زهرم دادند، با تیر دشمن و بافریب‌دوست، در شکنجه‌گاه و میدانهای تیر — که ایران میدان تیر شده بود — در چاهها خفه‌ام کردند، در حال نماز کشتند و در ماه رمضان. در صحنه جنگ و در خیابانها . . . . اما من نمرده‌ام، در ر فراندم هم شرکت کرده‌ام. در تظاهرات و در عین‌شهادت رأیم

پیام شهید

فساد و ظلم مهاجرت کنی و بسوی پاکی و عدل روی. هرکجا که داخل شوی برای خدا باشد، و هر دری راکه بزنی برای خدمت به خلق. و در آخر اینکه در خود "امتی" تشکیل دهی. آیا این سخن از انقلاب نیست؟ آری زیرا که جهاد اکبر است.

این پیام شهیدان است، درد شهید ان وخون شهیدان و راه شهیدان. پس ای کارگر و ای رنجبر: میدانیم که بالاترین ستمها بتو رفته است زیرا در رژیم گذشته نه تنها به تو ارزشی نمیدادند، بلکه مشکلترین کارها را در ازای کمترین درآمدها بعهده‌ات می‌گذاشتند اما تو ارزش خودت را نشان دادی زیرا توکارگری هستی که اعتصاب کردی، تظاهرات کردی و با مشتهای آهنین و گره کرده‌ات، شاه و دارودسته‌اش را بیرون کردی، و تو وارث حقیقی این انقلاب هستی که قرآن فرمود

ان نمن علی الذین استضعفوفی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین" و ما اراده کرده‌ایم تا بر تمامی مستضعفان زمین منت گذاریم و امام و وارث زمین شان گردانیم. میدانیم که مشکلات زیاد است و احتیاج به صبر انقلابی داریم پس بخدا توکل کن که قرآن میگوید: ومن یتوکل علی‌الله فهوحسبه و هرکس به خدا توکل کند برایش کافیست و کوشش کن تا انقلاب را به مراحل بالاتر آن برسانی و حقوق و امامت خود را بدست آوری و شمای ملت ایران که ستم دیده‌ای این انقلاب تازمانی که دنیا پابرجاست ادامه دارد زیرا انقلاب هم امری تکاملی است و کامل‌کننده‌ٔ انقلاب، شما و فرزندانتان هستید، بکوشید تارسالت خود را بشناسید و بدانید ضد انقلاب همیشه و همه‌جا حضور دارد و هرلحظه بشکلی در میآید چنانچه در زمان حکومت عدل گستر علی(۴) هم به سه شکل "قاسطین" "مارقین" "ناکثین" در برابر علی(۴) قرار گرفت. پس وظیفه ما و شما شناسائی ضد انقلاب وسرکوبی، و ادامه دادن انقلاب و مبارزه با مشکلاتی که سر راه آنست، می‌باشد

مصاحبه با یك دانش آموز

دنباله از صفحه یک

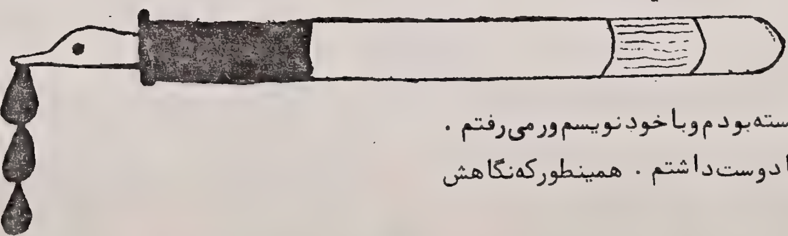
و متعهد و آگاه را که واقعا" محافظه‌کار نباشد و به حق عمل کند، در مصدر کار قرار دهند.

۲ — آیا بنظر شما آموزش و پرورش تغییری کرده‌است؟
تغییر زیادی نکرده است و فعلا" مثل گذشته طبق همان ضوابط و قوانین و آئین‌نامه‌های نظام گذشته عمل می‌نمایند که بنظر من باید هرچه زودتر در صدد چاره‌جوبی برآیند و از افراد ذیصلاح استفاده نمایند و دیگر اینکه به خواسته‌ها و کارهای دانش آموزان رسیدگی نمی‌نمایند.

۳ — بنظر شما معلمین در سابق چگونه بودند؟
واضح است که استعمارگران و دست‌نشانده‌های آنان نمیخواستند که دبیران و مدیران مسئول و انسان در مدارس باشند در غیراینصورت شاگردان را آگاه میکردند و شاگردان و دبیران باهم متحد میشدند و شاید اینده باهم آگاه‌تر و مصمم‌تر با این رژیم سفاک مبارزه میکردند و زودتر آنرا از بین می‌بردند. اکثر دبیران و کادر آموزشی آدمهای تجمل پرست و ظاهر فریب و ترسو و آدمهایی بی‌تفاوت بودند، انگار که اصلا" در این جامعه زندگی نمی‌کنند و هیچ اتفاق غیرانسانی نمی‌افتد و ازخدا میخواستند که ما شاگردان هم مثل خودشان

— اکثر دبیران انگارکه دراین جامعه زندگی نمی‌کنند
— آگاهی شاگردان و دبیران باعث می شدکه باهم متحد شوند و مصمم‌تر با رژیم گذشته مبارزه کنند

داستان خودنویسِ من



روزی درخانه نشسته بودم و با خودنویسم ور می‌رفتم. من خیلی خودنویسم را دوست داشتم. همینطور که نگاهش می‌کردم، گفتم:

شریعتی احیاءکنندهٔ فرهنگ اصیل توحیدی

می‌نمودند، این مسئله نه تنها سبب انتشار اسلام در بین جوامع خارج عربستان بود و مردم آن را با علاقه پذیرفتند بلکه موجب گسترش آموزش و فرهنگ اسلام نیز بود. در حقیقت در مورد اسلام می‌توان گفت که رابطهٔ بین عقاید اسلامی و عبادات آن از یک طرف و بین آموزش و فرهنگ آن از طرف دیگر بقدری قوی بود که انتشار اسلام در حکم انتشار آموزش آن بود. فرق عمدهٔ اسلام با قدرتهای مادی ازنظر پیشرفت و موفقیت درآن است که هدف قدرتهای مادی از فتح و جنگ و ستیز تسخیر منابع ثروت و تصرف سرزمین و کسب قدرت است ولی هدف اسلام کسب قدرت، تسخیر منابع مادی ثروت و تصرف سرزمین نبود بلکه هدف راهنمایی مردم به اسلام و گسترش آموزش و فرهنگ اسلامی بوده به این جهت ارتش اسلام پس از مدتی کوتاه قدرت را به مردم محلی واگذار می‌نمود و با منابع ثروت و سرزمین مردم محلی از ابتدا کاری نداشت. پرداخت مقدار کمی به‌عنوان جزیه در برابر معافیت از خدمت نظامی و حفظ امنیت از افرادی که حاضر به پذیرش اسلام نبودند نشان دهندهٔ این حقیقت است. با این ترتیب هدف اصلی اسلام تصرف دلها و گسترش آموزش و فرهنگ اسلامی بود. براساس همین اصل تساوی افراد و جوامع بود که آموزش اسلامی هرگز رنگ نژاد بخود نگرفت و از مجموع فرهنگهای ملل مختلف فرهنگ اسلامی را که رنگ ملیت کاذب محلی نداشت بوجود آورد.

جهان شمولی اسلام

۲ – جامعیت و شمول اسلام:

اسلام برخلاف بعضی ادیان دیگر هیچگاه جنبه‌های

است، شادی، سعادت، موفقیت، سلامت جسم و جان در زندگی مادی و معنوی و دینی و عقبی هدف اساسی آموزش و پرورش اسلامی را تشکیل میدهد و از مشخصات همه آن بشمار می‌رود. خداوند کسی است که آنچه بر روی زمین است برای بشر خلق نموده است (بقره ۲۹) و تمام نیروهای سماوی و اراضی را در قدرت بشر قرار داده است (جاثیه ۱۳) آسایش جسم و جان و سعادت دنیا و آخرت و رضایت خاطر مادی و معنوی به‌موازات یکدیگر. اهداف آموزش اسلامی ایجاد توازن و تعادل بین جسم و جان و خواستها و احتیاجات آن دو است و افراط و تفریط در هردو جانب بسختی مورد انتقاد قرار دارد. هدف تعلیم و تربیت اسلامی ساختن افراد و جامعه متعادل است که درآن جامعه کلیه احتیاجات و خصوصیات مادی و معنوی دنیا و آخرت در نظر گرفته شده باشد. به علت همین شمول و جامعیت اسلام بود که جوامع و سرزمینهای مختلف با خصوصیات طبیعی، جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی مختلف را تحت تأثیر قرار داده و آموزش و پرورش خود را بدون دشواری قابل توجهی در جوامع مختلف توسعه داد. نفوذ اسلام و آموزش و پرورش آن تنها معلول قدرت و برتری آن در برابر آموزش و پرورش و فرهنگهای دیگر در ابتدای امر نبود بلکه ادامهٔ نفوذ آن در طول ادوار مختلف و در شرایط و اوضاع و احوال مختلف نیز می‌تواند حکایت از اصالت آن نماید.

توافق اسلام با علم و تجربه

۳ – توافق و هماهنگی اسلام و آموزش و پرورش اسلامی با علم، عقل، تجربه و مبانی آنها:

اولین اوامری را که اسلام نسبت به تحصیل و فضیلت

پی‌برد. و این مسئله اولین اساس آموزش و پرورش اسلامی است.

باتوجه به همین آیات قرآنی و احادیث نبوی بسیار فراوان بود که اسلام باکمال علاقه دروازه‌های تمدن و علوم مورد قبول اسلام را از شرق و غرب باز کرد و با سرعت به تلفیق و تطبیق آن با مبانی اسلامی پرداخت و از مجموع آنها فرهنگ وسیع اسلامی را ساخت. آشنایی مسلمانان با فرهنگ شرق شبه‌جزیره عربستان (ایران) غرب آن (مصر و اسکندریه) در نیمه اول قرن اول هجری آغاز شد و در مدتی کمتر از دو قرن موفق به ایجاد فرهنگ و تمدن وسیع شدند که تا آن زمان کمتر سابقه داشت.

آزادی فکر در اسلام

۴ – آزادی اسلامی و فراهم نمودن مقدمات آمیزش فرهنگی به وسیله مسلمانان:

آنچه به‌نشر سریع فرهنگ و تمدن و علوم در سرتاسر جهان اسلام کمک شایان نمود احترامی بود که اسلام برای علم و عالم صرف‌نظر از دین و مذهب و نوع علم قائل بود. آزادی قابل ملاحظه‌ای که اسلام به علمای اقوام مختلف ارزانی داشت باعث شد که علما و دانشمندان غیرمسلمان در حوزه‌های علمی اسلامی در خدمت فرهنگ و تمدن اسلامی به نشر و ترجمه و تألیف کتب به زبان عربی بپردازند. آزادمنشی دینی و علمی اسلام تا حدی بود که آداب، عقاید، رسوم، فرهنگ، تمدن، آموزش و خصوصیات دیگر مللی که اسلام را می‌پذیرفتند، درصورتیکه مستقیماً "و رسماً" با مبانی اسلام مخالفت و تضادی نداشتند، نه تنها مورد تأیید اسلام قرار می‌گرفتند بلکه داخل در فرهنگ و تمدن ملل مسلمان می‌شوند و کم‌کم جزء فرهنگ

اسلام می‌گشتند ...
اختلاط و امتزاج ...
و آموزش ملل ...
مختلف گردید ...
اسلام دارای ...
پیدایش آموزش ...
دارای فرهنگ‌ها ...
جمع نموده بو ...
سوری، ترکی ...
[illegible]

(۱) سوره بقره – آیه ۱

... و شعور آن را ...
... عدم تعصب مسلمانان ...
... با غیرمسلمانان ...
... فرهنگها و ...
... مختلف مسلمان ...
... متفاوتی بود ...
... افکار و فرهنگهای ...
[illegible]
(ادامه ...)

جوامع مختلف خارج از عربستان به آن نیز گردید. در حقیقت بلال حبشی که برده‌ای سیاه پوست بود وسلمان فارسی و عمار یا سر، هریک نماینده تمایلات نژادی و ملیت خود به اسلام بودند ، بلال‌حبشی که‌طعم اخوت اسلامی و عضویت در جامعه متساوی الافراد اسلامی را چشیده بود میتوانست نمونه خوبی برای قاره افریقاکه منتظر "نظامی" بودتاآن راواز تبعیضات نژادی وبردگی نجات دهد ، باشد . این مسئله در مورد سلمان‌فارسی و سایر صحابه که از جوامع تحت امپراطوری دو قدرت بزرگ آن‌زمان‌آمده‌بودند صدق‌مینماید. امپراطوری‌ها یی که بازور و قدرت و استعمار و استفاده از دیگران‌ومعرف ثروت عامه درمصارف‌دلخواه‌وبراساس سیستم اجتماعی فئودالیسم اداره می‌شدند و اینک به جای این مسائل ، عدالت ، انصاف و برابری را در جامعه اسلامی‌مشاهده می‌نمودند ، این مسئله نه تنها سبب انتشار اسلام در بین جوامع خارج عربستان بود و مردم آن را با علاقه پذیرفتند بلکه موجب‌گسترش‌آموزش‌و فرهنگ اسلام نیز بود . در حقیقت در مورد اسلام‌می‌توان‌گفت که رابطهٔ بین عقاید اسلامی و عبادات‌آن‌ازیک‌طرف‌وبین‌آموزش وفرهنگ آن از طرف دیگر بقدری قوی بود که انتشار اسلام در حکم انتشار آموزش‌آن بود ، فرق‌عمدهٔاسلام با قدرتهای مادی ازنظر پیشرفت و موفقیت درآن‌است که هدف قدرتهای مادی از فتح و جنگ و ستیز تسخیر منابع ثروت و تصرف سرزمین و کسب قدرت است ولی هدف اسلام کسب قدرت ، تسخیر منابع مادی ثروت‌و تصرف سرزمین نبود بلکه‌هدف‌راهنمایی‌مردم به‌اسلام و گسترش آموزش و فرهنگ اسلامی بوده به این جهت ارتش اسلام پس از مدتی کوتاه قدرت‌رابه مردم محلی واگذار می‌نمود و با منابع ثروت و سرزمین مردم‌محلی از ابتدا کاری نداشت. پرداخت‌مقدارکمی به‌عنوان‌جزیه در برابر معافیت‌ازخدمت‌نظامی و حفظ امنیت‌ازافرادی که حاضر به پذیرش اسلام نبودند نشان دهندهٔ این حقیقت است . با این ترتیب هدف اصلی اسلام‌تصرف [illegible] آموزش و فرهنگ اسلامی بود . براساس

جسم به موازات جان ، و .... و همین‌طور مسایل دیگر مورد توجه اسلام قراردارند و در هیچ مورد یک‌طرف قربانی طرف دیگر نشده است ، آیات قرآنی متعدد و احادیث فراوان توازن و تعادل بین جنبهٔ مادی و روحی ، جسم و جان و غیره را در اسلام تأئید می‌نماید . "*وابتغ فیما اتاک الله الدار الآخرة ولا تنس نصیبک من الدنیا واحسن کما احسن الله الیک*" (سوره قصص ، آیه ۷۷)

"*یابنی آدم خذوا زینتکم عندکل مسجد وکلوا واشربوا ولا تسرفوا انه لایحب المسرفین* (سورهٔ اعراف‌آیه۳۱)،

این تعادل و توازن در مورد فرد و اجتماع نیز در نظر گرفته شده است . طبعاً " جامعیت و شمول خود اسلام موجب جامعیت آموزش و پرورش و فرهنگ اسلام شده است ، شادی ، سعادت‌موفقیت ، سلامت جسم وجان در زندگی مادی و معنوی و دینی و عقبی هدف اساسی آموزش و پرورش اسلامی را تشکیل‌میدهدواز مشخصات همه آن بشمار می‌رود . خداوند کسی است که آنچه بر روی زمین است برای بشر خلق نموده است (بقرهٔ ۲۹) و تمام نیروهای سماوی و اراضی را در قدرت بشر قرار داده است (جاثیه ، ۱۳) آسایش جسم و جان وسعادت دنیا و آخرت و رضایت خاطر مادی و معنوی به‌موازات یکدیگر . اهداف آموزش اسلامی ایجاد توازن و تعادل بین جسم و جان و خواستها و احتیاجات آن دو است و افراط و تفریط در هردو جانب بسختی‌مورد انتقاد قرار دارد. هدف تعلیم و تربیت‌اسلامی ساختن‌افرادوجامعه متعادل است که‌درآن‌جامعه کلیه‌احتیاجات‌وخصوصیات مادی و معنوی دنیا و آخرت در نظر گرفته شده باشد . به علت همین شمول و جامعیت اسلام بود که جوامع و سرزمینهای مختلف با خصوصیات طبیعی ، جغرافیایی ، اجتماعی و سیاسی مختلف را تحت تأثیر قرار داده‌و آموزش و پرورش خود را بدون دشواری‌قابل‌توجهی در جوامع مختلف توسعه داد. نفوذ اسلام و آموزش و پرورش آن تنها معلول قدرت و برتری آن در برابر آموزش و فرهنگهای دیگر درابتدای‌امر نبود بلکه ادامهٔ

تا شکرگزار باشید ، نحل ۷۸) [illegible] دارد در این که شنوایی ، بینایی وتعقل‌اسباب‌تحصیل علم می‌باشند عقل بطور مکرر در قرآن مورد توجه‌قرار گرفته است ، کلمه عقل و مشتقات آن در حدود [illegible] بار در قرآن آمده است‌واصطلاح‌اولوالالباب (صاحبان عقول) بیش از ده‌بار در قرآن تکرارشده‌است. باتوجه بااینکه استعمال کلماتی مانند عقل، علم ، حجت ، [illegible] قطع ، برهان ، الوالالباب ، اولی‌النعمی‌ودربرابر [illegible] کلمات متضاد با این کلمات به منظور تخطئه [illegible] قرآن فراوان است و با توجه‌بااینکه‌کثرت‌استعمال [illegible] می‌تواند گواه خوبی برتعیین ارزش واهمیت [illegible] از آن کلمات استنباط می‌شود باشد می‌توان به [illegible] علم ، عقل ، تجربه ، حس ، قطع ، برهان ، حجت [illegible] پی‌برد . و این مسئله اولین‌اساس‌آموزش‌وپرورش [illegible] است .

باتوجه‌به‌همین‌آیات‌قرآنی واحادیث‌نبوی [illegible] بود که اسلام باکمال علاقه دروازه‌های‌تمدن [illegible] قبول اسلام راازشرق و غرب‌بازکردوباسرعت [illegible] و تطبیق آن با مبانی اسلامی پرداخت و از [illegible] فرهنگ وسیع اسلامی را ساخت ، آشنایی [illegible] فرهنگ شرق شبه‌جزیره عربستان (ایران) [illegible] (مصر و اسکندریه) در نیمه اول قرن اول [illegible] شد و در مدتی کمتر از دو قرن موفق به [illegible] و تمدن وسیع شدند که تا آن زمان کمتر [illegible]

آزادی فکر در اسلام

۴ — آزادی اسلامی و فراهم نمودن مقدمات [illegible] فرهنگی به وسیله مسلمانان :

آنچه به‌نشر سریع فرهنگ‌وتمدن‌وعلوم [illegible] اسلام کمک شایان نمود احترامی بود که‌اسلام [illegible] وعالم صرف‌نظر از دین و مذهب و نوع [illegible] آزادی قابل ملاحظه‌ای که‌اسلام به علمای [illegible] ارزانی داشت باعث‌شدکه‌علما و دانشمندان [illegible] در حوزه‌های علمی اسلامی در خدمت [illegible]

دنباله از صفحه یک

و سنتها تحت تأثیر اسلام قرار گیرند هرچند آموزش و پرورش و فرهنگ اسلامی بنوبه خود از آنها نیزتاحد معینی متأثر گشت. بهرصورت اصول و مبانی اسلامی‌که در سطوح و موازین‌مختلف‌موجب‌انتشار آموزش‌وفرهنگ اسلامی در جوامع و ملل مختلف گردید عبارتند از:

عدم تعصب قومی

۱ــ فقدان هرگونه تعصب‌نسلگی، نژادی، ملی‌و غیره در اسلام و تساوی افراد ملل مختلف در برابر خدا و

مختلف حیات انسانی را نادیده نگرفته است. ترکیب طبیعی انسان‌از جسم، جان و روح و عقل‌موجب‌آن‌شده است که هریک ازاین قسمتها دارای احتیاجاتی باشد. اسلام در درجهٔ اول ترکیب را پذیرفته‌است‌ودردرجهٔ دوم‌احتیاجات‌جسم و جان و روح عقل را تأئید نموده است. اصولاً " ترکیب‌اسلام‌ازعقیده و عمل‌خود حکایت از آن دارد که جهات معنوی و مادی زندگی،معنوی و مادی انسان مورد توجه بوده است.احتیاجات جسم به موازات احتیاجات روح رعایت شده است و این دو در یکدیگر دخل و تصرف مستقیم دارند.

علم صادر نمود می‌توان درقرآن‌مجیدپیداکرد. اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شد در مورد علم بود.(اوائل سورهٔ علق) و سپس در مواردمکرر وبه‌عبارات‌مختلف اهمیت علم در قرآن مورد توجه قرار گرفت.

از طرف دیگر اسلام را دین یقین و علم معرفی نمود و مسلمانان‌رااز پیروی شک وگمان‌برحذرداشت و پیروی ظن را نکوهش کرد و مسلمانان را به متابعت از قطع و یقین امر نمود (یونس، ۳۶ و روم ۲۹۰)

تجربه و حواس را وسایل کشف‌و وصول‌به‌حقایق دانست بشرط‌آنکه با کمک دقتهای علمی همراه باشدواستفاده

آموزش وپرورش اسلامی

دکترعزتی

نست بیکدیگر. از نظر اسلام بشر دارای یک پدر، یک مادر، یک خدا، یک‌دین و یک رهبر است. خدای‌همه خدای یگانه، دین همیشگی ،اطاعت و تسلیم دربرابر خدا (اسلام) و رهبر همه فرستاده خدا در هر زمان و سرانجام برای همیشه حضرت محمد (ص) است.

این موضوع به‌همان‌اندازه‌که‌موجب‌سرعت‌گسترش اسلام و آموزش اسلامی در عربستان شد موجب علاقه ملل‌و جوامع مختلف خارج از عربستان به آن‌نیزگردید. در حقیقت بلال حبشی‌که‌برده‌ای سیاه پوست بود وسلمان فارسی و عمار یا سر، هریک نماینده تمایلات نژادی و ملیت خود به اسلام بودند، بلال‌حبشی‌که‌طعم اخوت

رابطه مستقیم جسم و جان و روح و عقل در اسلام از طرق مختلف مورد توجه قرار گرفته است وهمچنین در در قسمت شریعت، عبادات ،احکام‌ومعاملات‌نیزرعایت رابطه جسم وجان شده‌است. اخلاق به‌موازات‌مقررات، حقوق به موازات‌تکالیف، عدل به‌موازات‌انصاف،عرفان به موازات بهداشت و ورزش، صلح به موازات جنگ، عبادات به موازات معاملات، و بنا به موازات عقبی، جسم به موازات جان، و.......

و همین‌طور مسایل دیگر مورد توجه اسلام قراردارند و در هیچ مورد یک‌طرف قربانی طرف دیگر نشده است، آیات قرآ[illegible]

از حواس مختلف را تأئید کرد (عنکبوت، ۲۰) برای روشن شدن اهمیت و ارزش‌علمی‌حواس‌وتجربه‌در اسلام تنها یکی دو آیه از قرآن نقل میگردد: *الله اخرجکم من بطون امها تکم‌لا تعلمون شیئا " و جعل لکم‌السمع و الابصار و الافئده لعلکم تشکرون "* (خداوند شما را از بطون مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی‌دانستید و در شما شنوایی، بینائی و عقل قرارداد تا شکرگزار باشید، نحل۷۸). این آیه‌تقریباً "صراحت دارد در این که شنوایی، بینایی وتعقل‌اسباب‌تحصیل علم می‌باشند عقل بطور مکرر در قرآن مورد توجه‌قرار

یادی از

دنباله از صفحه یک

سخترین شرایط‌افشاند، آنچنانکه پس ازوی انقلابمان به‌ثمر رسید

پرچمداران اسلام ارتجاع و اشرافیت، در لباس دین و به نام اسلام دست در دست رژیم استبداد، علیه‌اش مبارزه‌ایی ناجوانمردانه را آغاز کردند.

زمانی‌او را "سنی"،گاه ماتریالیست و هنگامی "وهابی"، "بی‌مذهب" و "منحرف از "دین و اسلام "می‌خواندند

از سوی روشنفکران بی‌تعهد و بی‌درد نیز شریعتی مورد هجوم قرار گرفت. به‌نظر آنان معلم شهید از خرافات دفاع می‌کرد و میخواست‌ارتجاع‌را رنگ تجدد بزند و اسلام ۱۴ قرن پیش‌را بعنوان‌ایدئولوژی‌و‌مکتب مبارزه مطرح کند!

دسته‌ایی دیگر از روشنفکران او را "تئوریسین" می‌خواندندچرا که به نظرشان آن زمان وقت عمل و مبارزه بود نه وقت سخن گفتن وروشنگری‌ایدئولوژیک!

اما ابوذر زمان شریعتی، هیچگاه در مقام دفاع برنیامد، از راهش باز نایستاد. او همچنان میسوخت تا با شمع وجودش، کالبد فسرده و منجمد جامعه‌ای را به طپش‌آرد و آنرا حیات بخشد.

معلم شهادت و معلم شهید شریعتی هرگز نمرده و نخواهد مرد.

شریعتی نه تنها بسیاری از روشنفکران متعهد و مسئول میهن‌مان را بیدار ساخته و حیات بخشید، بلکه دربسیاری از کشورهای‌جهان، هر جا که مبارزه‌ای‌هست،

اینقدر غرق در بطن واقعیتهای اجتماعی خود باشند ،البته در اینجا باید حساب آنهایی را که با شرافت و علاقه و ایمان به کار خود می‌پردازند ونهایت سعی و کوشش خود را در جهت پاک نگه‌داشتن خود از این جریان اجتماعی بکار برده‌اند،جداکرد ولی این تعداد نسبت به کل جریان اندکند .و این مسئله باز همانطور که قبلا"هم ذکر شد در تمامی سازمانهای اجتماعی مصداق دارد که نمونهٔ بارز آن در آموزش و پرورش،قسمت اداری و نیمی از افراد کادر آموزشی‌اش دیده می‌شود .

۲ ــ وجه دوّم در رابطه با واقعیت‌های جامعه ایران همان کارناآمد بودن این افراد در جامعه است، بطوریکه با وجود هزارها وهزارها از این نوع‌کارمندان، ما باز هم محتاج بدافراد متخصص وارداتی بودیم کـه همگام با کالاهای اقتصادی از غرب به ایران سرازیر شده بودند و بطور کلی در قسمتهای برنامه‌ریزی کلیهٔ سازمانها حضور داشتند،حالا ما می‌خواهیم ببینیم در یک جامعه انقلابی باید با این دستگاه بوروکراتیک‌ورم کرده چه کرد ؟

کاغذ بازی و سلسه‌مراتب اداری

و مسئله مهمتر این است که کلیه تغییرات و اصلاحات‌بنیادی اقتصادی و عمرانی و کشاورزی جامعه انقلابی باید از فیلتر این افراد عبور کند و باصطلاح معروف سلسله مراتب اداری را طی نماید .ولی مسئلهٔ فوق‌العاده مهمی که مطرح است اینکه آیا می‌توان از افـراد محافظه کار که فقط پابند به"رتبه" و "مدرک تحصیلی" و "دریافت کردن حقوق اضافه‌تری" هستنـد انتظار انجام انقلابی امور را داشت؟ اگر توجه کرده مدرک‌تحصیلی و احیانا" وجیه‌الملة بودن و خوی‌آزاد منشی داشتن به نحوی که حتما"معاون اداره هم که از سابق مانده‌است ،دستورات رئیس را در اجرای‌کارهای موثر و قاطع به چیزی نمی‌گیرد ،یعنی به عوض افـراد انقلابی و مسلمان و با تقوی و کارآمد ،از چنین‌افرادی استفاده‌شده و نتیجهٔ ضروری این مسئله هم همان‌عدم تحرک مورد بحث است ،زیرا افرادی که بافت اداری‌را تشکیل می‌دهند این قابلیت و توانایی که خود را با جریان انقلاب در مرحلهٔ سازندگی تطبیق دهنـد ، ندارند و اگر موتور محرکه هم‌نداشته باشند که واویلا !

راحت طلبی و پشت میزنشینی

دولت می‌تواند با به اجرا درآوردن طرحهـای انقلابی در زمینهٔ بازسازی بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی ،افرادی را که از این ادارات و سازمانها تصفیه می‌شوند ،پس از یک آموزش کوتاه‌مدت درجهت انقلاب و فرهنگ انقلابی به کار گیرد و بطور مستمرهم همان مسئلهٔ آموزش انقلابی را در جهت ایجاد کردن معیارهایی براساس اخلاق اسلامی در ضمن کاربی‌گیری نماید تا هم روحیات و اخلاقیات این طبقه که گفتیـم اکثریتشان آرمان متعالی ندارند ،دگرگون شود و هم آن روحیهٔ راحت‌طلبی و پشت میز نشینی در آنها از بین برود و بیشتر به تحرک و فعالیت وا داشته شوند. و بجای افراد تصفیه شده‌افرادی صادق و مؤمن به اصول انقلابی اسلام ــ ،اگر چه از نظر مدرک و سابقهٔ کار در سطح پائین‌تری هستند ،ولی بعلت ابتکار و خلاقیتشان میتوانند خیلی از مسائل مبتلا به‌جامعه را حل کنند ،بکار گرفته شوند .

در پایان یکی از تجربیات گرانبهای انقلاب الجزایر را ذکر می‌کنیم و آن اینکه پس از پیروزی در رأس ادارات و سازمانها افراد مجاهد و انقلابی‌ای‌قرار گرفتند که سالها درگیر مبارزه بودند و آن صلاحیت لازم را کسب کرده بودند و تا حدی توانستند از آن فساد اداری و عدم تحرک نظام بوروکراتیک جلوگیری نماید .

و در این راه هم نباید دولت انقلاب که‌حمایت یک پارچهٔ خلق مسلمان ایران را در انجام کارهای انقلابی پشت سر خود دارد از هیچ برخورد و درگیری و ناراحتی و اعتراض و احیانا"بهم ریختگی ترس و واهمه‌ای داشته باشد ،که اگر جز این باشد باید در اصالت و عمق انقلابمان شک کنیم و دست‌اندر کار یک انقلاب تکمیلی دیگری باشیم .

مفهوم اصیل یک واژه باید آنرا در تمام قرآن و ازهمه ابعاد بررسی و تحلیل نمود .

بعنوان مثال اگر بخواهیم مفهوم اصیل و عمیق "صلوة"را از دیدگاه قرآن بفهمیم نباید در محدوده یک سوره مانند سوره بقره که در آن چند مورد از"صلوة" ذکر شده‌است،متوقف بمانیم ،چرا که این سوره کلا"جو مدنی‌دارد . بر این اساس باید موارد مختلف "صلوة"را از قرآن استخراج نموده و با مطالعه و تحلیل همه آنها به نظر جامع قرآن در مورد صلوة دست یافت .

شیوه‌های تحقیق در قرآن

روشهای فوق‌الذکر دو گونه طریق تحلیل کلی و عام است ،لیکن در هر روش می‌توان از شیوه‌های ذیل

شیوه سوم :متد لغت‌شناسی :در ادیان ابراهیمی غالبا"مسائل و دستورات‌مذهبی بگونهٔ سمبلیک ورمزی مطرح می‌شده است .

لذا در فرهنگ ادیان‌ابراهیمی کلمات دارای‌یک معنا و یک مفهوم خاصی نیستند. این مسئله بخصوص در رابطه با عمق زبان عربی که زبان قرآن است غامض‌تر و مبهم‌تر می‌شود .

از طرف دیگر ،قرآن چون آخرین کتاب ادیـان ابراهیمی است لذا باید طراح مسائل‌و موضوعاتی‌باشد که برای همه نسلها و عصرها و در هر زمانی قابل برداشت و رهنمود دادن باشد .بدین ضرورتها ، زبان قرآن در عین سادگی و فصاحت‌اش، بسیار رمزی‌و سمبلیک است .

لذا می‌باید در تحلیل یک آیه ،یک سوره دقیقا" به معانی یکایک لغات توجه داشت. علامهٔ مجاهد و معلم کبیر طالقانی در تفسیر انقلابی‌اش"پرتوی از قرآن" از این شیوه بسیار سود جسته‌اند و توانسته‌اند بسیاری از مفاهیم غامض و پیچیدهٔ قرآنی را با این شیوه پاسخگو باشند. بعنوان مثال چند مورد در قرآن این‌عبارت آمده‌است که :" کان عرشه علی‌الماء" : اگر بدون برخورد دقیق لغت شناسانه این‌عبارت را بررسی کنیم،مفهوم آن چنین خواهد بود :عرش(تخت قدرت و حکومت)خداوند بر مآء(آب)استوار بود . و حال‌آنکه اگر دقیقا" دو لغت "عرش"و"ماء"را بشکافیم به مفهوم عمیق‌تر و اصیل‌تری دست خواهیم یافت .

عرش:عریش از همین کلمه است به معنای پایه و عمود خیمه است به پایه‌های تخت و یا چیزهایی نظیر

دنباله در صفحه هفت

پیش بسوی تشکیل شوراهای اسلامی معلمان ودانش آموزان

یعنی باید ،آخور درست می‌کردند تا سرجوانان ما در آن فرو رود و کاری به‌جریانات ماوقع درپیرامون خود نداشته باشند ،که در این مورد تا حد زیادی موفق گردیده بودند .اگر یک برخورد انقلابی با قشر عظیم کارمندان دولتی و بخش خصوصی داشته باشیم به‌نتایج فوق‌الذکرمی‌رسیم ــوالبته به‌هیچکس‌هم نباید بربخوردزیراواقعیت باتمام صلابت ومحکمی‌خود ،رودر روی ما قراردارد. این‌طبقه‌معمولا "افرادی‌هستندعمدتا" راحت‌طلب ،به فکر اضافه حقوق ،دفتر خواربار و غیره و . . . ، معمولا "در آخر هفته هم یک تفریحی و یک گشت و گردی ،بدون هیچ آرمان عالی انسانی و بقول آل‌احمد یک قشر بی‌ریشه ،بی‌فرهنگ ،بی‌ایمان و بدون آرمان و هرهری‌مذهب و متمایل به چپ و راست، بدون اینکه مثمرثمری در بطن واقعیتهای اجتماعی خود باشند ،البته در اینجا باید حساب آنهایی را که با شرافت و علاقه و ایمان به‌کار خود می‌پردازند ونهایت سعی و کوشش خود را در جهت پاک نگهداشتن خود از این جریان اجتماعی بکار برده‌اند، جداکرد ولی این تعداد نسبت به کل جریان اندکند .و این مسئله باز همانطور که قبلا "هم ذکر شد در تمامی سازمانهای اجتماعی مصداق دارد که نمونهٔ بارز آن در آموزش و پرورش ،قسمت اداری و نیمی از افراد کادر آموزشی‌اش دیده می‌شود .

۲ ــ وجه دوّم در رابطه با واقعیت‌های جامعه ایران همان کارناآمد بودن این افراد در جامعه است، بطوریکه با وجود هزارها وهزارها از این نوع‌کارمندان، ما باز هم محتاج به‌افراد متخصص وارداتی بودیم که همگام با کالاهای اقتصادی از غرب به ایران سرازیر شده بودند و بطور کلی در قسمتهای برنامه‌ریزی کلیهٔ سازمانها حضور داشتند، حالا ما می‌خواهیم ببینیم در یک جامعه انقلابی باید با این دستگاه بوروکراتیک‌ورم کرده چه کرد ؟

معیار چیست؟

همانطور که ذکر شد دولت این مسئله را عنوان می‌کند که اگر بخواهیم عناصری از این مجموعه را تصفیه کنیم و یا از این حالت تورم اداری بکاهیم مسئله بیکاری بوجود می‌آید و موج اعتراض و انتقاد و آشوب را به همراه خواهد داشت .ما همه به این مسئله واقفیم ،اما مسئله و درد جای دیگری است و آن اینکه ما سعی‌نکرده‌ایم در ادارات و سازمانهایمان معیارهای استخدامی و خدمتی و سلسله مراتب را به هم بزنیم و به جای آن از ضوابط اسلامی که همان تقوی ،سعی ، کوشش و صلاحیت‌های اخلاقی ــ ایدئولوژیک است به کار گیریم ،در آموزش و پرورش این مسئله بیشتر از جاهای دیگری مشهود است و معمولا "معیار سابقه کار ــ مدرک‌تحصیلی و احیانا " وجیه‌المله بودن و خوی‌آزاد منشی داشتن به نحوی که حتما "معاون اداره هم که از سابق مانده‌است ،دستورات رئیس را در اجرای‌کارهای موثر و قاطع به چیزی نمی‌گیرد ،یعنی به عوض افراد انقلابی و مسلمان و با تقوی و کارآمد ،از چنین‌افرادی استفاده‌شده و نتیجهٔ ضروری این مسئله هم همان‌عدم تحرک مورد بحث است ،زیرا افرادی که بافت اداری‌را تشکیل می‌دهند این قابلیت و توانایی که خود را با جریان انقلاب در مرحلهٔ سازندگی تطبیق دهند ، ندارند و اگر موتور محرکه هم‌نداشته باشند که واویلا !

راحت طلبی و پشت میزنشینی

دولت می‌تواند با به اجرا درآوردن طرحهای انقلابی در زمینهٔ بازسازی بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی ،افرادی را که از این ادارات و سازمانها تصفیه می‌شوند ،پس از یک آموزش کوتاه‌مدت درجهت انقلاب و فرهنگ انقلابی به کار گیرد و بطور مستمرهم همان مسئلهٔ آموزش انقلابی را در جهت ایجاد کردن معیارهایی براساس اخلاق اسلامی در ضمن کاربی‌گیری

در پایان یکی از تجربیات گرانبهای انقلاب الجزایر را ذکر می‌کنیم و آن اینکه پس از پیروزی در رأس ادارات و سازمانها افراد مجاهد و انقلابی‌ای‌قرار گرفتند که سالها درگیر مبارزه بودند و آن صلاحیت لازم را کسب کرده بودند و تا حدی توانستند از آن

است و به همین خاطر است که قرآن به سوره‌های مختلفی تقسیم شده است .

براساس این روش، یک آیه را تنها می‌توان در جو سوره‌اش بررسی و تحلیل کرد . پس باید محور کارمان تجزیه و تحلیل سوره‌های قرآن باشد .

باید توجه داشت که گرچه موضوعات مختلفی‌در یک سوره مطرح می‌شوند ،ولی در مجموع تمامی آیات‌با هم ارتباط ارگانیک دارند .

ب :روش موضوعی :در این روش اعتقاد بر این است که برای بررسی یک واژه ،یک مفهوم قرآنی نباید در محدودهٔ یک سوره متوقف ماند ،بلکه چون قرآن تدریجا " نازل شده است و طبعا "یک واژه و مفهوم در هرموردی که بکار رفته‌است ،از دیدگاه و بعد بخصوصی بوده است ،لذا ضروری است که برای دست یافتن به مفهوم اصیل یک واژه باید آنرا در تمام قرآن و ازهمه ابعاد بررسی و تحلیل نمود .

بعنوان مثال اگر بخواهیم مفهوم اصیل و عمیق "صلوة"را از دیدگاه قرآن بفهمیم نباید در محدوده یک سوره مانند سوره بقره که در آن چند مورد از"صلوة" ذکر شده‌است،متوقف بمانیم ،چرا که این سوره کلا "جو مدنی‌دارد . بر این اساس باید موارد مختلف"صلوة"را از قرآن استخراج نموده و با مطالعه و تحلیل همه آنها به نظر جامع قرآن در مورد صلوة دست یافت .

شیوه‌های تحقیق در قرآن

روشهای فوق‌الذکر دو گونه طریق تحلیل کلی و عام است ،لیکن در هر روش می‌توان از شیوه‌های ذیل

چند آیه با هم بنظر نیاید .لیکن باید توجه داشت که قرآن یک کتاب ایدئولوژیک است و در این رابطه در پی طرح مسائل مشخص و طبقه‌بندی شده‌ای نیست ،بلکه می‌بایست در آن از هر چه که به انسان، جامعه ،تاریخ و جهان مربوط است ،حتی بطور عام و کلی هم که شده باشد ،سخنی بمیان آید .

این است که گاه از مسئله ماه رمضان به مسئلهٔ ازدواج می‌پردازد ،و در بحث جهاد و مبارزه به‌زندگی و جامعه اشاره می‌کند .

در تبیین مسئله"انسان شناسی" و"فلسفهٔ خلقت"، بناگاه وارد بحث"طلاق"می‌شود !لیکن اگر با توجه به ارتباط ارگانیک آیات ، با قرآن برخورد کنیم ، این مسائل بی‌ربط و نامربوط راکاملا "دریک‌مجموعه انسجام یافته و در ارتباط خواهیم دید .

شیوه سوم :متد لغت‌شناسی :در ادیان ابراهیمی غالبا "مسائل و دستورات‌مذهبی بگونهٔ سمبلیک ورمزی مطرح می‌شده است .

لذا در فرهنگ ادیان‌ابراهیمی کلمات دارای‌یک معنا و یک مفهوم خاصی نیستند. این مسئله بخصوص در رابطه با عمق زبان عربی که زبان قرآن است غامض‌تر و مبهم‌تر می‌شود .

از طرف دیگر ،قرآن چون آخرین کتاب ادیان ابراهیمی است لذا باید طراح مسائل و موضوعاتی‌باشد که برای همه نسلها و عصرها و در هر زمانی قابل برداشت و رهنمود دادن باشد .بدین ضرورتها ، زبان قرآن در عین سادگی و فصاحت‌اش، بسیار رمزی‌و سمبلیک است .

لذا می‌باید در تحلیل یک آیه ،یک سوره دقیقا" به معانی یکایک لغات توجه داشت . علامهٔ مجاهد و معلم کبیر طالقانی در تفسیر انقلابی‌اش"پرتوی از قرآن" از این شیوه بسیار سود جسته‌اند و توانسته‌اند بسیاری از مفاهیم غامض و پیچیدهٔ قرآنی را با این شیوه پاسخگو باشند . بعنوان مثال چند مورد در قرآن این عبارت آمده‌است که: "کان عرشه علی الماء"

دنباله از صفحه یک

پوروکراسی فاسد...

که ما سراغ داریم و ازنزدیک با افراد برخورد کرده‌ایم از مسایل مشروحه فوق مستثنی نبوده‌اند و نیستند و مهمترین‌مسئله همان نداشتن یک ایدئولوژی‌اجتماعی بود که ذکر کردیم ،باضافه اینکه در کشور ما این‌مسئله در رابطه با نظام‌دست‌نشاندهٔ امپریالیسم وجوددیگری هم دارد که ما دو وجه‌عمدهٔ آنرا ذکر می‌نمائیم .

نیروهای فعال و کار مفید و خلاق

۱ ــ نیروهای فعال و جوان یک کشور باید کار انجام‌دهند و درغیر اینصورت به تخریب می‌پردازند، در این مورد باید گفت قسمت اعظم تحصیل‌کرده‌های ما بدلیل ناهماهنگی نظام آموزشی و صنعتی کار فعال و نیربخش نمی‌توانند انجام دهند ،خوب حالا اگر این نیروی عظیم را یک جایی مانند آبی که در کویر هرز می‌رود ،هدر ندهیم ،خودبخود به جریان می‌افتد و مانند یک سیل بنیان کن هر چه که در سر راه خود قرار دارد،از جا می‌کند و مآلا "منجر به یک انقلاب می‌شود . پس در این رابطه باید چاره‌ای اندیشیدواین همان گسترش بی‌رویهٔ نظام اداری ما در سراسر کشور است .

یعنی باید ،آخور درست می‌کردند تا سرجوانان ما در آن فرو رود و کاری‌بجریانات ماوقع‌درپیرامون خود نداشته باشند ،که در این مورد تا حد زیادی ... برخورد انقلاب با قشر

باشیم ،در مقدمه گفتیم کـه اینها معمولا" متکی به ایدئولوژیی نیستند که بخواهند در تحقق آن‌بکوشند، و در همین ماههای بعد از انقلاب کارکرد اینها را با تمام حدّت و کثرتشان دیدیم تا جائی که امام خمینی در یکی از سخنرانیهایشان به‌استانداران و وزیر کشور گفتند:"شما از طریق کاغذبازی به جایی نمی‌رسید و جامعه روشهای نوینی را طلب می‌کند". خوب حالا تکلیف خلق مسلمان انقلابی‌مان با این دستگاههـای عریض و طویل چیست؟ دولت موقت از این می‌ترسد که دست به بافت اداری مملکت بزند مبادا که این مجموعه به هم بخورد و شیرازهٔ کارها از هم بگسلد ، گویا این افراد فعلا "مراجعات مردم را جواب می‌دهند و می‌توانند دردی را از مردم درمان کنند ، مدعایمان بر این گفته مراجعاتی است که پس از یکی دو بار کـه به ادارهٔ مربوطه صـورت گرفت و مرهمـی بر زخم افراد نهاده نشد یا به نخست‌وزیری و اگر خیلی با انصاف‌تر باشند به‌وزارتخانه‌مربوطه می‌روند و متحصن می‌شوند تا وزیر گرفتاری که سرش هزار جا گرم است به دادشان برسد وآنها را با وعده و وعید ،از تحصن‌باز دارد و روانه‌شان سازد. تعبیر دیگر قضیه این است‌که در تمام این سلسله مراتب یک فرد کارآمد مبتکروجود نداشته است و گرنه کار تا بدانجا نمی‌کشید. خوب اینها همهٔ مواردی بود که شاید بتوان گفت درد است اما چاره کار چیست؟

معیار چیست؟

همانطور که ذکر شد دولت این مسئله را عنوان می‌کند که اگر بخواهیم عناصری از این مجموعه را

دنباله از صفحه یک

روشها و شیوه‌های تحلیل قرآنی ...

می‌کند ،قرآن می‌باشد .پس قرآن را باید مطالعه کنیم، نه از برای کسب ثواب! و نه از برای حفظ معلومات! و بدست آوردن یک سلسله محفوظات!

بلکه باید قرآن را مطالعه‌کنیم برای مکتبی‌کردن مبارزه .مبارزه‌ای که باید تا سرنگونی کامل همه‌نظامهای ظلم و شرک ادامه یافته و منجر به برقراری حکومت جهانی توحیدی گردد .

قرار ما بر این بود که دنباله تحلیل سورهٔ مدثر را مطرح سازیم .اما با توجه به پیشنهادات وانتقادات مطرح شده ،تصمیم بر این شد که در این شماره روشها وشیوه‌های تحقیق در قرآن را طرح کرده و سپس مبحث شناخت جهان و دستیابی به جهان‌بینی خاص قرآن را طرح نمائیم .

روشها و شیوه‌های تحقیق در قرآن

برای تحقیق و دریافت منطق و بینش‌انقلابی قرآن ،دو روش کلی و عمومی وجود دارد :

الف :روش سوره‌ای ــ ب :روش موضوعی‌یا سوژه‌ای

الف :روش سوره‌ای:مبتنی بر این فرض است که هر سوره‌قرآن در مجموع دارای جو و آتمسفر مخصوصی است و به همین خاطر است که قرآن به سوره‌های مختلفی تقسیم شده است .

براساس این روش، یک آیه را تنها می‌توان در جو سوره‌اش بررسی و تحلیل کرد . پس باید محور

نیز کمک گرفت :

شیوهٔ اول : "توجه به شأن نـزول" .با توجه‌به اینکه قرآن در طول ۲۳ سال تدریجا" نازل شـده است و در رابطه با شرایط خاص زمانی و مکانـی ، جهت‌گیری و مواضع خود را مطرح می‌ساخته است . بنابراین هر آیه و هر سوره علاوه بر معنای کلی و هر زمانی‌اش ،در رابطه با یک شرایط خاص زمانی و مکانی بوده‌است ،لذا برای دریافت مفهوم عام و کلی آیات ، می‌توان از توجه به شأن نزول آیه سود جست .

در رابطه با این شیوه باید توجه داشت که اولا" آیات قرآن ،تنها یک مفهوم یک بعدی و مخصوص‌بیک شرایط خاص را ندارند ،بلکه ذارای مفاهیم عام و همه زمانی است .ثانیا" گاه آیات و سوره‌هایی را می‌بینیم که در اسناد و مدارک موجود در دسترس ما هیچگونـه شأن نزولی برای آن آیات و سوره‌ها وجود ندارد .

شیوهٔ دوم :توجه به آیات ماقبل و ما بعد هر آیه :

در هنگام تحلیل یک آیه بر این اساس‌که همه آیات قرآن دارای ارتباط ارگانیک و حساب شده‌ای هستند ،می‌باید مسلما "آیات ماقبل و مابعد را دقیقا" تحلیل نمود .در بکارگیری این شیوه باید توجه داشت که گاه ممکن است در یک نگاه سطحی و ابتدائی‌ارتباط چند آیه با هم بنظر نیاید .لیکن باید توجه اساسی داشت که قرآن یک کتاب ایدئولوژیک است و در ایـن رابطه در پی طرح مسائل مشخص و طبقه‌بندی شده‌ای نیست ،بلکه می‌بایست در آن از هر چه که به انسان،

نظام آموزشی وتربیتی ازاساس باید نوسازی ودگرگون گردد

بده است، از این لایه گسترده ردپایی می‌یابیم.

این طبقه مابین طبقهٔ سرمایه‌دار و کارگر قرار دارد و هیچگونه ایدئولوژی اجتماعی برای توجیه وجود خویشتن نمی‌یابد، البته این امر فقط مربوط به بخش دولتی نیست بلکه در سازمانهای بخش خصوصی هم روال کار بدینصورت است.

نداشتن یک ایدئولوژی اجتماعی این طبقه‌را در وضعیتی قرار می‌دهد که از یکطرف مورد استثمار واقع می‌شود و از طرف دیگر طبقهٔ زحمتکش و کارگر معمولاً "چنین فکر می‌کنند که بهرهٔ کار آنها صرف زندگی همین طبقهٔ متوسط می‌گردد. و این مسئله در مورد کلیه کشورها با تمام نظامها بد یک شکل اعمال می‌شود، یعنی در کشورهای با نظام سرمایه‌داری اینها عامل دست طبقه سرمایه‌دار هستند و در کشورهای سوسیالیستی هم به ضرورت ادارهٔ کارگاهها و سازمانها عامل اجرایی دولت می‌باشند و عجیب‌تر اینکه، درهر دو نظام اینها فساد اداری ببار می‌آورند. یعنی در نظام‌های سرمایه‌داری و سرمایه‌داری وابسته بیشتر حالتهای "رشوه‌خواری"، "دزدی" و غیره را دارند و در نظام سوسیالیستی هم، سطح درآمدشان، با درآمد طبقهٔ کارگر اصلاً "قابل مقایسه نیست و این خود یکی از بزرگترین مشکلاتی است که در جوامع سوسیالیستی رخ می‌نماید و بقول "میلوان جیلوس" طبقهٔ جدید را ایجاد کرده‌اند و تا به حال هم برای رفع این مشکل در این جوامع کاری صورت نگرفته است، زیرا ادعای احزاب رسمی دولتی سوسیالیستی بر این است که کارگران خود توانایی ادارهٔ امورشان را ندارند و توانایی مدیریت صنعتی و تکنیکی را به نحو جدیدی مطرح می‌سازند،

خودشان را انقلابی نشان میدهند مسئول کارهایی میشوند. درصورتیکه این اصلاً "درست نیست باید افراد را کاملاً "شناسائی نمایند، آنگاه انسانی مسئول

دنباله در صفحه چهار

یک اقلیت استثمارگر درآمد و در روند تاریخ، مبارزهٔ محرومان و مستضعفین علیه جباران و نظامهای حاکم آغاز گشت. ازطرف دیگر هرنظامی که حاکم می‌شد برای توجیه و تفسیر سلطه ظالمانه و یوغ حکومتش، فلسفه و یک جهان‌بینی می‌بود.

مبارزات انبیا علیه نظامهای "زور – زر – تزویر" همواره ازموضع مکتبی و ایدئولوژیک بوده است و تا زمانی که ساخت طبقاتی بر جوامع بشری حاکم است مبارزات "ضد استعماری"، "ضد استبدادی" و "ضداستثماری" در هر شکل و در هر بعد ادامه خواهد یافت.

این مبارزات اجتماعی برای طرح الگوهای یک جامعه ایده‌آل که در پی سرنگونی نظامهای حاکمه، تشکیل خواهد شد، می‌بایست دارای نظام ارزشی و یک ایدئولوژی باشند. برهمین اساس است که مبارزات اجتماعی، در شرایط کنونی جدای از مبارزات مکتبی نیستند.

در رابطه با ایدئولوژی اسلام، اصیل‌ترین منبع که جهان‌بینی خداوند و آفریدگار جهان را مطرح

دنباله در صفحه دو

معیارهای گزینش واستخدام معلمان

مقدمه

برای بدست‌آوردن سیمای عمومی آموزش وپرورش اسلامی بر مبنای اجتهاد، لازم است با برنامه‌های آموزشی سایر کشورها آشنائی کافی داشته باشیم. برای دست‌یابی به چنین مفهومی لازم است الگوهای مختلف آموزشی از هر نقطه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

از آنجا که سازمان تربیت معلم، بعنوان جزء مهمی از یک نظام آموزشی باید مورد ارزیابی جدی قرار گیرد در نوشته‌های ذیل به الگو های تربیت معلم در بعضی از کشورها نگاهی اجمالی شده است. هدف از عرضهٔ این چند برگ بدست دادن نمونه‌ای جهت‌کار و مطالعه برای یافتن یک الگوی تربیت معلم در نظام آموزش و پرورش اسلامی است. امید می‌رود که توفیق تکمیل نوشته‌ها به فضل الهی بدست آید.

بلژیک

سیمای کلی آموزشی در بلژیک

در کشور بلژیک بطور کلی دو ناحیه فرانسوی زبان و آلمانی‌زبان وجود دارد. طی تحولات گوناگونی که بطور پی‌درپی در نظام آموزشی بلژیک رخ داده، مدارس این دو ناحیه نیز بتدریج تحولات جدید را پذیرفته و به مرحله اجرا درآورده‌اند. هدف اصلی از این‌گونه تحولات، بوجود آوردن فرصتهای مساوی برای افراد است که از خدمات آموزشی بهره‌مند گردند. این نوآوریها بر محور پرورش توانائیها دور میزند. نظام جدید آموزش در بلژیک در زمینه توسعه حس مسئولیت و خلق روابط جدید انسانی بین دانش‌آموز و معلم

دنباله در صفحه هشت

مبانی اجتماعی آموزش و پرورش اسلامی

ازدکتر عزتی

آموزش و پرورش اسلامی در سرزمینها و جوامع مختلف مسلمان فعلی تاحدزیادی نتیجه مبانی اسلامی و تفکرات آن درصدر اسلام است.

البته جوامع و کشورهای مختلف مسلمان مخصوصاً "آنها که قبل از اسلام ازخود، دارای فرهنگ وتمدن ملی بودند بر آموزش و پرورش اسلامی افزودند و سنتهای تربیتی ملی و فرهنگ باستانی خود را در بسیاری موارد در آن وارد کردند. ولی نفوذ و برتری عمیق و وسیع اسلام نسبت به فرهنگهای ملی و سنتی موجب شد که این فرهنگها

دنباله در صفحه سه

اساس آن بتوانیم در مورد مسائل و مشکلات نظام اداری قضاوتی واقع‌گرایانه داشته باشیم.

از اوایل قرن ۲۰ به اینطرف در تکوین طبقات اجتماعی، طبقه‌ای نوظهور پا به عرصهٔ حیات اجتماعی گذاشت که‌ضرورت پیدایش روابط اجتماعی ـ اقتصادی بود که در بطن‌جوامع پیشرفته و تقریبا "صنعتی‌پدیدار شده بود. این طبقه که در اصطلاح جامعه‌شناسی آنرا "تکنوکرات ـ بوروکرات" می‌گویند شامل کلیه‌مهندسین و مدیران و تحصیلکرده‌هایی می‌شود که عامل اجرایی طبقه مسلط در یک جامعه‌اند و معمولا" یک لایهٔ اجتماعی وسیعی را درسرتاسر جامعه‌می‌پوشانند، یعنی هرجا که به ضرورت یک امر اجتماعی، سازمانی‌تشکیل شده است، از این لایه گسترده ردپایی می‌یابیم.

این طبقه مابین طبقهٔ سرمایه‌دار و کارگر قرار دارد و هیچگونه ایدئولوژی اجتماعی برای توجیه وجود خویشتن نمی‌یابد. البته این امر فقط مربوط بـه بخش دولتی نیست بلکه در سازمانهای بخش خصوصی هم روال کار بدینصورت است.

نداشتن یک ایدئولوژی اجتماعی این طبقه‌را در وضعیتی قرار می‌دهد که از یکطرف مورد استثمار واقع می‌شود و از طرف دیگر طبقهٔ زحمتکش و کارگر معمولا" چنین فکر می‌کنند که بهرهٔ کار آنها صرف زندگی همین طبقهٔ متوسط می‌گردد. و این مسئله در مورد کلیه کشورها با تمام نظامها به یک شکل اعمال می‌شود، یعنی در کشورهای با نظام سرمایه‌داری اینها عامل دست طبقه سرمایه‌دار هستند و در کشورهای سوسیالیستی هم به ضرورت ادارهٔ کارگاهها و سازمانها عامل اجرایی دولت می‌باشند و عجیب‌تر اینکه، درهر دو نظام اینها فساد اداری ببار می‌آورند. یعنی در نظام‌های سرمایه‌داری و سرمایه‌داری وابسته بیشتر حالتهای "رشوه‌خواری"، "دزدی" و غیره را دارند و در نظام سوسیالیستی هم، سطح درآمدشان، با درآمد طبقهٔ کارگر اصلا" قابل مقایسه نیست. او این خود یکی

مصاحبه

بایک دانش آموز

ـ آیا انتقاد و پیشنهادی از آموزش و پرورش‌دارید؟

من فکر می‌کنم باید آموزش و پرورش پاکسازی‌کامل گردد. در حال حاضر می‌بینیم‌که‌در مدارس‌یا در آموزش و پرورش هرکسی که مثلا" درانقلاب‌شرکت کرده بود، و یا چون ایدئولوژی اسلامی دارد ویا خودشان را انقلابی نشان میدهند مسئول‌کارهایی میشوند. درصورتیکه این اصلا "درست‌نیست‌باید افرادراکاملا" شناسائی‌نمایند، آنگاه‌انسانی‌مسئول

دنباله در صفحه چهار

روشها و شیوه‌های تحلیل قرآن

چرا باید قرآن را مطالعه کنیم

بنام خدا

آن هنگام که در "امت واحد" مردم، اختلاف و ستیز حاصل شد(۱) وعده‌ای بدون کار و تلاش شخصی، با استفاده از دسترنج دیگران، به زندگی خویش‌ادامه دادند، کم‌کم اکثریت هر جامعه‌ای به زیر سلطه‌وقدرت یک اقلیت استثمارگر درآمد و در روند تاریخ، مبارزهٔ محرومان و مستضعفین علیه جباران و نظامهای حاکم آغاز گشت. ازطرف دیگر هرنظامی که حاکم می‌شد برای توجیه و تفسیر سلطه ظالمانه و یوغ حکومتش، فلسفـه‌و منطقی می‌تراشید و یک نظام ارزشی و یک ایدئولوژی می‌ساخت که این ایدئولوژی مبتنی بر یک جهان‌بینی غیر واقعی و مخالف با واقعیات بود.۲ بر همین اساس مبارزات محرومان و مستضعفین در طول تاریخ دربرابر چنین نظامهایی باید مبتنی بر یک نظام اعتقادی و یک جهان‌بینی می‌بود.

مبارزات انبیا علیه نظامهای "زور ـ زر ـ تزویر" همواره ازموضع مکتبی و ایدئولوژیک بوده است و تـا زمانی که ساخت طبقاتی بر جوامع بشری حاکم است مبارزات "ضد استعماری"، "ضد استبدادی" و "ضداستثماری" در هر شکل و در هر بعد ادامه خواهد یافت.

این مبارزات اجتماعی برای طرح الگوهای یک جامعه ایده‌آل که در پی سرنگونی نظامهای حاکمه، تشکیل خواهد شد، می‌بایست دارای نظام ارزشی و یک ایدئولوژی باشند. برهمین اساس است که مبارزات اجتماعی، در شرایط‌کنونی جدای از مبارزات مکتبی نیستند.

در رابطه با ایدئولوژی اسلام، اصیل‌ترین منبع که جهان‌بینی خداوند و آفریدگار جهان را مطرح

دنباله در صفحه دو

معیارهای گزینش واستخدام معلمان

مقدمه

برای‌بدست‌آوردن سیمای‌عمومی آموزش وپرورش اسلامی بر مبنای اجتهاد، لازم است با برنامه‌های آموزشی سایر کشورها آشنائی کافی داشته باشیم. برای دست‌یابی به چنین مفهومی‌لازم است الگوهای‌مختلف آموزشی از هر نقطه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

از آنجا که سازمان تربیت معلم، بعنوان جزء مهمی از یک نظام آموزشی باید مورد ارزیابی جدی قرار گیرد در نوشته‌های ذیل به الگو های تربیت معلم در بعضی از کشورها نگاهی اجمالی شده است. هدف ازعرضهٔ این چند برگ بدست دادن‌نمونه‌ای جهت‌کار و مطالعه برای یافتن یک‌الگوی تربیت معلم در نظام آموزش و پرورش اسلامی است. امید می‌رود که توفیق مدارس این دو ناحیه نیز بتدریج تحولات جدیدرا پذیرفته و به مرحله اجرا درآورده‌اند. هدف اصلی از این‌گونه تحولات، بوجود آوردن فرصتهای مساوی‌برای افراد است که از خدمات آموزشی بهره‌مند گردند. این نوآوریها بر محور پرورش توانائیها دور میزند. نظام جدید آموزش در بلژیک در زمینه توسعه‌حس مسئولیت و خلق روابط جدید انسانی بین دانش‌آموز و معلم

دنباله در صفحه هشت

مبانی اجتماعی آموزش و پرورش اسلام

از: دکتر عزتی

جهاد معلم و دانش آموز

ارگان سازمان معلمان و دانش آموزان مسلمان

تیرماه ۱۳۵۸ زیرنظر شورای انتشارات قیمت ۱۰ ریال شماره ۳

دراین شماره:

بوروکراسی فاسد و دولت انقلابی ؟

برای انهدام پایگاه امپریالیزم نباید از مشکلات هراسید

بسم الله الرحمن الرحیم

حکومه‌سی‌توان انقلاب اداری را تحقق بخشید ؟

قبل از هر چیز باید یک تحلیل دقیق و علمی و تقریبا "جامعه‌شناسانه از خود نظام اداری و افرادی‌که در سازمان‌های اداری مشغول فعالیتند، بیابیم تا بر اساس آن بتوانیم در مورد مسائل و مشکلات نظام اداری قضاوتی واقع‌گرایانه داشته باشیم .

علیرغم اینکه ادعایشان بر این است که حکومتشان پرولتاریایی است .

بعد از این مقدمه برگردیم به نظام اداریمان در ایران ، در کلیه سازمانهای اداری و صنعتی هم تا آنجا

دنباله در صفحه دو

یادی از ابوذر زمان

معلم شهید شریعتی

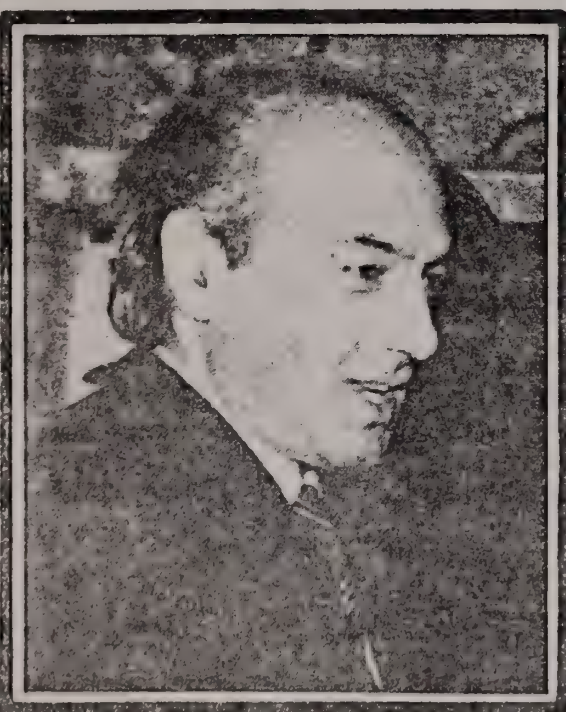
سالگرد شهادت ابوذر زمان دکتر علی شریعتی ۲۹ خرداد ، خاطره شهادت معلم شهید میباشد .

ابوذر زمان شریعتی در یکی از سیاه‌ترین دوران تاریخ استبداد و دیکتاتوری بپا خاست وچون‌شمعی که از جانش مایه می‌گرفت ، سوخت تا روشنگر راه مستضعفان و محرومان باشد .

معلم مجاهد شریعتی ، در فرصتی اندک ، تنهاو بی‌کس به تبیین ایدئولوژی اسلام پرداخت و موفق به زدودن خرافات و تحریفات اسلام صفوی و اشرافیت و ارتجاع از چهره‌ٔ راستین‌اسلام گردید .

آموزگار شهادت چه نیکو بذر انقلاب را در

دنباله در صفحه سه



نگاهی به زندگانی امام سجاد (۱)

صفحه شش

فعالیتهای آموزشی و پژوهشی [illegible]
توفیق دهد.

ماده سوم: نظام دانشگاهی باید به‌گونه‌ای استقلال فردی واندیشه افراد باشد تا بتواند از هستی و اعتبار [illegible] و استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه پاسداری کند.

ماده چهارم: نظام دانشگاهی باید درجهت شکوفائی فرهنگ راستین مردم و اقتصاد سالم و زنده جامعه گام بردارد و از خدمت به منافع خصوصی بدور نماند و با هر نوع سلطه و انحصارطلبی‌فرهنگی و اقتصادی مبارزه نماید.

مادهٔ پنجم: باتوجه به اینکه استقلال نظام دانشگاهی یکی از ارکان اصلی شکوفائی هر جامعه است لذا نظام دانشگاهی باید بدور از منافع خصوصی و امیال فردی و گروهی و رها از هرگونه‌مداخله دولت و دستگاههای اجرائی باشد و اداره و تمشیت دانشگاهها به جامعهٔ دانشگاهی سپرده شود.

مادهٔ ششم: منظور از استقلال نظام دانشگاهی تنها استقلال‌اداری علمی و فرهنگی دانشگاهها نیست بلکه بعلت ارتباط عمیق دانشگاه با نیازهای جامعه یکی از وظایفی که در رابطه با مرحله انقلاب ضد امپریالیستی ودموکراتیك در مقابل دانشگاه قرار می‌گیرد هماهنگی با نیازهای انقلابی خلقهای ایران برای ایجاد جامعه‌ای آزاد، آباد و مستقل است، لازمه چنین رسالتی قرار دادن دانشگاه در رابطه نزدیك با منافع توده‌های خلق است در غیر اینصورت هر مفهوم دیگری از استقلال دانشگاهها به‌جدائی دانشگاهیان از توده‌ها بعنوان یك‌قشر بوروکراتیك منجر می‌گردد.

مادهٔ هفتم: مدیریت دانشگاهی باید با مشارکت گروهی و همگانی، براساس اصول و مبانی دموکراسی بوسیله شورای منتخب ارگانهای دانشگاهی با توجه به رسالت این ارگانها صورت پذیرد و اصول دموکراسی در کلیه سطوح جامعه دانشگاهی باید تنها تعیین کنندهٔ ضوابط در روابط دانشگاهی باشد.

مادهٔ هشتم: تامین و دفاع از حقوق و منافع صنفی ارگانهای مختلف دانشگاهی باید ازطریق تشکیل‌اتحادیه‌های‌صنفی تحقق‌پذیرد.

مادهٔ نهم: زندگی دانشگاهی بایدبراساس آزادی پایه‌ریزی‌شود. آزادی اندیشه، آزادی گفتار، آزادی نشر عقاید و افکار و آزادی اجتماعات، از ارکان اصلی آزادیهای دانشگاهی است. آموزش و پژوهش باید در محیطی آزاد بدور از هرگونه نظارت و ممیزی‌آشکار و نهان صورت بگیرد.

مادهٔ دهم: امنیت شغلی ضامن اصلی تامین اجتماعی جامعهٔ دانشگاهی است. جامعهٔ دانشگاهی باید از شرایط کار و زندگی مناسب در چهارچوب عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها برخوردار باشد.

تبصره: نادیده گرفتن استقلال نظام دانشگاهی، منع جامعه دانشگاهی از تصمیم‌گیری در امور خود، پیروی از مقاصد و تلقینات دستگاههای اجرائی، نقض آزادیهای اساسی در دانشگاهها، تشبث به سیاست تهدید و تطمیع و خشونت، هتك حرمت استاد و دانشجو، اعمال اغراض شخصی از جانب هر فرد و مقامی و بازیچه انگاشتن موازین آموزشی، رونق آموزش و پژوهش جامعه را مانع گشته و ترویج و توسعهٔ انقیاد و از خودبیگانگی فرهنگی و علمی را موجب می‌گردد. بدیهی است که در چنین وضعی، نظام دانشگاهی از ادای رسالت صنفی خودو از برآوردن نیازهای جامعه بازمی‌ماند.

فصل دوم: آگیننامه اجرائی

مادهٔ یازدهم: به‌منظور استقلال دانشگاهها و موسسات آموزش عالی وکارآمد ساختن بیشتر آنها در اعتلای امور آموزش وپژوهش و فراهم ساختن مدیریت صحیح از طریق مشارکت گروهی وهمگانی، براساس اصول و مبانی دموکراسی بوسیلهٔ شوراهای منتخب‌ارگانهای دانشگاهی، از تاریخ تصویب این قانون، کلیهٔ دانشگاهها و موسسات آموزش عالی برابر مفاد این قانون و اساسنامه‌ای که به تصویب شورایعالی هماهنگی دانشگاهها وموسسات آموزش عالی و شورای مرکزی هر دانشگاه و موسسه آموزش عالی خواهد رسید، اداره خواهد شد.

امور دانشگاهها و موسسات آموزش [illegible] هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، در سطح کشورتشکیل خواهدشد و کلیهٔ وظایف و اختیارات وزارت فرهنك وآموزش عالی در زمینه‌های مسائل دانشگاهی به شورای مرکزی هر دانشگاه و شورایعالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی براساس مفاد این لایحه تفویض خواهد شد.

۲ـ برای گسترش و اعتلا و هماهنگی تحقیقات و سوق دادن آنها در جهت نیازهای ملی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موسسه تحقیقات وبرنامه‌ریزی سابق به «سازمان ملی‌تحقیقات علمی‌کشور» مبدل خواهد گشت که اساسنامه آن بطور جداگانه با مشارکت کلیه سازمان‌های تحقیقاتی کشور، دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی سابق و سایر وزارتخانه‌های ذینفع تدوین خواهد یافت.

۳ـ کلیهٔ امور فرهنگی و هنری وزارت فرهنك و آموزش عالی به‌وزارت آموزش و پرورش و یا در صورت لزوم به سازمان ذیصلاح و نوینی سپرده خواهد شد.

شورایعالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی

مادهٔ پانزدهم: ترکیب شورایعالی هماهنگی دانشگاهها وموسسات آموزش عالی کشور بشرح زیر خواهد بود:

۱ـ نخست وزیر یا نماینده تام‌الاختیار ایشان
۲ـ وزیر آموزش و پرورش
۳ـ وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه
٤ـ وزیر اقتصاد و دارائی
٥ـ روسای انتخابی دانشگاهها
٦ـ رئیس سازمان ملی تحقیقات علمی کشور
۷ـ نمایندگان انتخابی اتحادیه‌ها یا کانون‌ها. اعضای هیئت علمی دانشگاهها و سایر موسسات آموزش عالی به‌ازای یك‌نفرنماینده برای هریك از دانشگاهها

تبصره: درصورت نیاز از سایر مقامات ذیربط بعنوان مشاور و همچنین از نمایندگان سایر اتحادیه‌ها یا کانون‌ها سایر ارکانهای دانشگاهی برای شرکت و تصمیم‌گیری از شورایعالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دعوت بعمل خواهد آمد.

مادهٔ شانزدهم: شورایعالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور، بالاترین و ذیصلاح‌ترین مرجع تصمیم‌گیری و تعیین‌کننده سیاست هماهنگی آموزش عالی کشور خواهد بود و دارای اختیارات زیر میباشد:

۱ـ هماهنگی سیاست آموزش عالی کشور و امور مسائل دانشگاهی و موسسات آموزش عالی با توجه به سیاست تامین‌نیروی انسانی مورد نیاز برنامه‌های مصوب دولت ملی و منتخب مردم

۲ـ به‌منظور ایجاد تعادل بین داوطلبان کنکور و ظرفیت پذیرش دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، همچنین تامین نیروی‌انسانی متخصص مورد نیاز کشور، تدوین و تصویب طرح‌های جامع،تاسیس دانشگاههای جدید با توجه به نیازهای منطقه‌ای

۳ـ اظهارنظر درباره تعطیل یا انحلال یا ادغام دانشگاهها و موسسات آموزش عالی که از انجام رسالت و وظایف حقیقی خود بر‌اساس مفاد لایحه قانون استقلال دانشگاهها عاجز میباشند.

٤ـ تشکیل شوراها و کمیسیون‌های عالی جهت بررسی و هماهنگی امور آموزشی، پژوهشی، دانشجوئی، اداری و مالی و فنی و خدماتی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور.

٥ـ نظارت صحیح و مستمر بر اجرای دقیق مصوبات شورایعالی دانشگاهها و شورای مرکزی دانشگاهها برابر اساسنامه‌ای که به تصویب این شورایعالی خواهد رسید.

٦ـ بررسی و هماهنگی مقررات استخدام هیئت علمی و همچنین ارگان اداری و خدماتی دانشگاه و موسسات آموزش عالی کشور.

۷ـ تصویب حقوق بازنشستگی کلیه کارکنان دانشگاهی و موسسات آموزش عالی کشور

ادامه دارد

حقیقتاً نمی‌تو
سلطه خارج
اقتصاد این
یك اقتصاد
درصورتی
سودبخش با
کردن به‌یك
یك یا دو
بلکه کلیه
بزرگ، کلیه
بیمه، تجارت
تجارت خار
کشاورزی
دست مرد
همهٔ اینها

بررسی ام
دمکراتیك
انتشارات
خلق
۷۷ صفحه

«بر
مرکزیت
شك علی
تشکیلات
آموزش
که ازس
خلق منت
در
سازمان
خود مس
می‌کند
ناکامی
پیروزیم
با هم د
چنین
شکست
چطور خ
های خ
کرد و
که به
و در
تاثیر
واکنش
ضربه
تا اعد
و در
صورت
کنده
جز
۱ـ ت
ایجا
و با
شود
آمیز

طرحهای پیشنهادی استقلال دانشگاهها

- نظام دانشگاهی باید افراد را برای ایفای مسئولیت آماده سازد.
- نظام دانشگاهی باید هماهنگ بانیازهای انقلابی خلقهای ایران باشد.
- مدیریت دانشگاهی باید بامشارکت گروهی وهمگانی بوسیله شورای منتخب ارگانهای دانشگاهی صورت پذیرد.
- امنیت شغلی ضامن اصلی تامین اجتماعی جامعه دانشگاهی است.

- باتصویب لایحه استقلال دانشگاهها، وزارت فرهنگ و آموزش عالی منحل خواهد شد.
- تدوین و تصویب آئینامه‌های داخلی به عهده‌شورای عالی هماهنگی دانشگاههاست.
- شورای مرکزی دانشگاه عالی‌ترین‌مرجع تصمیم‌گیری در تمام امور آموزشی، پژوهشی و اداری است.
- رئیس و معاون دانشگاه و کلیه روسای دانشکده و مدیران گروههای آموزشی و پژوهشی بایدانتخابی باشند نه انتصابی.

لایحه قانون استقلال دانشگاهها

پس از سخنی که با ارگانهای چندگانه دانشگاهی داشتیم و از آنها بخصوص دانشجویان خواستار اظهارنظر در مورد لایحه استقلال دانشگاهها شدیم، پس از چاپ طرح پیشنهادی استقلال دانشگاهها ازطرف دانشگاه آزاد ایرانو دانشکده علم و صنعت. در این‌شماره به طرح پیشنهادی از طرف دانشگاه تبریز می‌پردازیم. این طرح توسط دکتر رزانی در سمینار استقلال دانشگاه‌ها مطرح شد.

ماده اول : والاترین هدف هر نظام آموزشی و از جمله نظام دانشگاهی، تامین شرایط مناسب برای‌رشد کامل شخصیت انسانی احترام به‌حیثیت انسانی واعتقاد به‌آزادی‌های اساسی و دفاع از آنهاست واین‌امر جز درجهت تکامل همه‌جانبه جامعه‌معنائی‌نمی‌تواند داشته باشد.

ماده دوم: نظام دانشگاهی باید افراد را برای القای مسئولیت موثر دریك جامعهٔ آزاد و شکوفان آماده سازد وباگسترش‌آزادانه فعالیتهای آموزشی و پژوهشی فرهنگی علمی و اقتصادی جامعه را رونق دهد.

ماده سوم: نظام دانشگاهی باید پشتوانه استقلال ذهنی واندیشه افراد باشد تا بتواند از هستی و اعتلای علمی و استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه پاسداری کند.

ماده چهارم: نظام دانشگاهی باید درجهت شکوفائی فرهنگ راستین مردم و اقتصاد سالم و زنده جامعه گام بردارد و از خدمت به منافع خصوصی بدور نماند و با هر نوع سلطه و انحصارطلبی‌فرهنگی و اقتصادی مبارزه نماید.

مادهٔ پنجم: باتوجه به اینکه استقلال نظام دانشگاهی یکی از ارکان اصلی شکوفائی هر جامعه است لذا نظام دانشگاهی باید بدور از منافع خصوصی و امیال فردی و گروهی و رها از هرگونه‌مداخله دولت و دستگاههای اجرائی باشد و اداره و تمشیت دانشگاهها به جامعهٔ دانشگاهی سپرده شود.

مادهٔ ششم: منظور از استقلال نظام دانشگاهی تنها استقلال‌اداری علمی و فرهنگی دانشگاهها نیست بلکه بعلت ارتباط عمیق دانشگاه با نیازهای جامعه یکی از وظایفی که در رابطه با مرحله انقلاب ضد امپریالیستی ودموکراتیك در مقابل دانشگاه قرار می‌گیرد هماهنگی با نیازهای انقلابی خلقهای ایران برای ایجاد جامعه‌ای آزاد، آباد و مستقل است، لازمه چنین رسالتی قرار دادن دانشگاه در رابطه نزدیك با منافع توده‌های خلق است در غیر اینصورت هر مفهوم دیگری از استقلال دانشگاهها به‌جدائی دانشگاهیان از توده‌ها بعنوان یك‌قشر بوروکراتیك منجر می‌گردد.

مادهٔ هفتم: مدیریت دانشگاهی باید با مشارکت گروهی و همگانی، براساس اصول و مبانی دموکراسی بوسیله شورای منتخب ارگانهای دانشگاهی با توجه به رسالت این ارگانها صورت پذیرد و اصول دموکراسی در کلیه سطوح جامعه دانشگاهی باید تنها تعیین کنندهٔ ضوابط در روابط دانشگاهی باشد.

مادهٔ هشتم: تامین و دفاع از حقوق و منافع صنفی ارگانهای مختلف دانشگاهی باید ازطریق تشکیل‌اتحادیه‌های‌صنفی تحقق‌پذیرد. [illegible]

مادهٔ دوازدهم: دانشگاهها و موسسات آموزش عالی موجود که به‌موجب قانون یا با اجازه‌مراجع قانونی‌تابحال ایجادشده‌اند و همچنین موسسات آموزش عالی که با رعایت قانون استقلال دانشگاهها و اساسنامه شورایعالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور تاسیس خواهند شد از زمان ایجاد، دارای شخصیت حقوقی و استقلال اداری، مالی و علمی می‌باشند.

مادهٔ سیزدهم: دانشگاهها و موسسات آموزش عالی که اساسنامه آنها براساس مادهٔ یك این قانون به تصویب می‌رسد از زمان‌تشکیل شورای مرکزی هر دانشگاه که مهمترین ارکان و بالاترین مرجع تصمیم‌گیری آن موسسه عالی آموزشی محسوب می‌شود، موسسه غیر دولتی و غیر انتفاعی شناخته شده و ارکان دیگر آن در این اساسنامه روشن گردیده است.

مادهٔ چهاردهم: با تصویب لایحه قانون استقلال دانشگاهها، وزارت فرهنگ و آموزش عالی منحل خواهد شد و وظایف و امور و اختیارات آن به مراجع زیر تفویض خواهد شد.

۱ـ جهت تعیین خط‌مشی و سیاست آموزش عالی و هماهنگی امور دانشگاهها و موسسات آموزش عالی شورائی بنام: شورایعالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، در سطح کشورتشکیل خواهدشد و کلیهٔ وظایف و اختیارات وزارت فرهنگ وآموزش عالی در زمینه‌های مسائل دانشگاهی به شورای مرکزی هر دانشگاه و شورایعالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی براساس مفاد این لایحه تفویض خواهد شد.

۲ـ برای گسترش و اعتلا و هماهنگی تحقیقات و سوق دادن آنها در جهت نیازهای ملی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موسسه تحقیقات وبرنامه‌ریزی سابق به «سازمان ملی‌تحقیقات علمی‌کشور» مبدل خواهد گشت که اساسنامه آن بطور جداگانه با مشارکت کلیه سازمان‌های تحقیقاتی کشور، دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی سابق و سایر وزارتخانه‌های ذینفع تدوین خواهد یافت.

۳ـ کلیهٔ امور فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و آموزش عالی به‌وزارت آموزش و پرورش و یا در صورت لزوم به سازمان ذیصلاح و نوینی سپرده خواهد شد.

شورایعالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی

مادهٔ پانزدهم: ترکیب شورایعالی هماهنگی دانشگاهها وموسسات آموزش عالی کشور بشرح زیر خواهد بود:

۱ـ نخست وزیر یا نماینده تام‌الاختیار ایشان
۲ـ وزیر آموزش و پرورش
۳ـ وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه
۴ـ وزیر اقتصاد و دارائی
۵ـ روسای انتخابی دانشگاهها
۶ـ رئیس سازمان ملی تحقیقات علمی کشور
۷ـ نمایندگان انتخابی اتحادیه‌ها یا کانون‌ها. اعضای هیئت علمی دانشگاهها و سایر موسسات آموزش عالی به‌ازای یك‌نفرنماینده برای هریك از دانشگاهها

تبصره: درصورت نیاز از سایر مقامات ذیربط بعنوان مشاور و همچنین از نمایندگان سایر اتحادیه‌ها یا کانون‌ها سایر ارگانهای دانشگاهی [illegible] از شورایعالی هماهنگی [illegible]

برقرار خواهد شد و پژوهشگران ... برای مذاکره رهسپار لیبی خواهند شد.

تحصن دانشجویان پزشکی بوعلی سینا

عده‌ای از دانشجویان دانشکده پزشکی بوعلی سینا در اعتراض به عدم امکانات علمی این دانشکده از دیروز در وزارت فرهنگ و آموزش عالی تحصن کردند.

این گروه خواستار انتقال بدانشکده‌های معتبر کشوراند.

یاد شهیدان راگرامی بداریم

معلمان پیشگام اعلام کردند: برای گرامیداشت خاطره رفیق رضا جلالی که در راه آرمان شکوهمند طبقه کارگر به جاودانگی پیوست بعدازظهر مراسمی بر مزار وی واقع در بهشت زهرا برگزار میشود. وسیله برای شرکت نیروهای مترقی در این مراسم اول خیابان فخررازی (روبروی در دانشگاه) مستقر خواهد بود.

تکذیب اظهارات آیت‌الله روحانی

ستاد پاسداران انقلاب اسلامی قم ضمن انتشار اطلاعیه‌ای اظهارات اخیر آیت‌الله روحانی در باره مضروب شدن دو تن از اعضاء جنبش ملی مجاهدین توسط پاسداران قم را تکذیب کرد

تیمسار امیر رحیمی

بقیه از صفحه ۱

دست آخر پیش امام برونده ... فرمان برکناری مرا از امام بگیرند ولی من گفتم که بهرحال تابع فرمان امام هستم.

فرمانده دژبان مرکز در مورد مخالفت‌هائی که با او میشود، جواب داد: فقط خائنین به مملکت مخالف من هستند، مگر من چه میگویم، من میگویم ارتش باید منظم باشد، من می‌گویم کشور باید امنیت داشته باشد. این چیزها کدامش خلاف است؟

سرتیپ امیر رحیمی در مورد نا امنی در برخی نقاط کشور گفت: من اعلام میکنم که افراد دژبان مرکز آمادگی کامل دارند تا در هرکجای مملکت ضد انقلاب را سرکوب کنند. من ارتش را بزرگترین پاسدار انقلاب می‌دانم و معتقدم که باید حفظ نظم را در مناطقی که ضدانقلاب است، ارتش بعهده داشته باشد.

... بی باید برخورد قاطعانه و ... با چنین عناصری بپروز د.

اما سرکوب بیرحمانه کسانی که خواستار آزادیهای اساسی بشری هستند. اعدامهای بی محاکمه در خوزستان، قتل عام مردم بیگناه مشگین شهر، مسلح ساختن فئودالهای کردستان و همکاری با مزدوران «قیاده موقت» جهت کشتار مردم مریوان «اعاده روابط فئودالی»، چه واکنشی جز برادرکشی، آتش سوزی و تخریب وانهدام و اتلاف منابع و ثروتهای ملی می‌تواند داشته باشد.

در شرایط بحرانی ما بهمه مسئولان ودست اندرکاران هشدار میدهیم که بی اعتنائی بحقوق مردم زورگوئی به آنها و استفاده از توپ وتانك برای خفه کردن فریادهای اعتراض هرگز نتوانسته حکومتی را سر پا نگهدارد. این تجربه تاریخ است. بخود آئید و بخواستهای زحمتکشان و به آرزوهای خلق‌های تحت ستم کشور ما بیندیشید و به آن جامه عمل بپوشانید، تا بهار آزادی به خزانی زودرس نیانجامد و درس عبرت انگیز تاریخ یکبار دیگر تکرار نشود.

راهپیمایی وحدت

بقیه از صفحه ۱

هرطرف محکوم است، اسلام پیروز است- چپ وراست نابود است، مرگ برسه مفسدین- کارتروسادات وبگین و...

جت‌های نیروی هوایی چندبار به مانور پرداختند و گروههایی ازنظامیان باالباس فرم راهپیمایی کردند.

این راهپیمایی با صدور قطعنامه‌ای در ۹ ماده پایان یافت.

در قطعنامه پس از تـأئید رهبری امام خمینی آمده است:

قانون اساسی منطبق بر اصول مترقی اسلامی ومورد تائید امام باشد. تشکیل مجلس خبرگان و تائید دادگاههای انقلاب، و خواستار دخالت مستقیم ارتش در سرکوب نمودن عوامل فاجعه آفرین هستیم، تجزیه طلبی محکوم به شکست است، مطبوعات وگروههای مختلف آزادی را با توطئه اشتباه ننمایند. دولت در برخورد با مسائل و مشکلات قاطعانه عمل کند- به توطئه گران اخطار می کنیم صبر مسلمانان را لبریز نکنند

خطر انحلال دوباره مدرسه عالی مدیریت گیلان و عدم توافق دانشجویان با مسئولین وزارت علوم اکنون باردیگر منجر به اعتصاب اساتید دانشجویان و کارکنان مدرسه عالی مدیریت گیلان شده است شورای هماهنگی مدرسه عالی مدیریت گیلان (لاهیجان) مرکب از استادان، دانشجویان و کارکنان در رابطه با اعتصاب نامه‌ی سرگشاده‌ای خطاب به مردم انتشار داده است.

در این اعلامیه پس از شرح مختصری ازسال تاسیس دانشکده -۱۳۴۹- و طرح استعماری رژیم در سال ۵۲-۵۱ برای سپردن دانشکده بدست سرمایه‌داران وابسته، و مبارزات دانشجویان در سالهای ۵۳ و ۵۶، سرکوب دانشجویان و همچنین بپاخاستن انقلابیونی چون جلال دهقان و کوروش فضل محمدی که بدست رژیم سابق به شهادت رسیدند، تاکید شده است که انحلال دانشکده اقدامی ضد فرهنگی و ضد مردمی است.

ضرورت های ابقای دانشکده

شورای هماهنگی به نقش پر اهمیت مدرسه عالی مدیریت گیلان (لاهیجان) در تربیت متخصصین ایرانی و همچنین تاثیر آن در وضعیت اقتصادی و فرهنگی منطقه اشاره کرده و اعلام نموده است که: «جذب نیروی بزرگی از فارغ‌التحصیلان گیلان و پرورش آنان چه از نظر تخصص و چه از نظر فرهنگ و دانش اجتماعی باعث ارتقاء سطح فرهنگ سیاسی و اجتماعی در منطقه میشود.»

در بخش دیگر این نامه می خوانیم:

«... باپیروزی جنبش وروی کار آمدن دولت موقت انقلابی امید دانشجویان، اساتید وکارکنان این موسسه آموزشی مبنی بر بازسازی و گسترش مدرسه عالی افزون گشت بخصوص با توجه به مشکلات دولت انقلابی ازنظر تعداد فراوانی از فارغ‌التحصیلان دیپلم بیکار که این مدرسه عالی می‌توانست در سطح منطقه قسمتی از این مشکل را حل کند و نیروی متخصص فراهم آورد. و درضمن به اقتصاد ضربه‌خورده شهر کمك نماید، انتظار میرفت که دولت هرچه سریع‌تر درباره بازسازی این مدرسه عالی اقدامی به‌عمل

سنندج ... شدگان انفجار بمب در شهرستان بانه تـا این ساعت هشت کشته و چهارده زخمی داشته است هنوز علت انفجار روشن نیست براثر شدت انفجار پـانزده باب مغازه چهار خانه بکلی منهدم وبه‌یك سینما آسیب‌هائی وارد شده‌است.

اعزام گروه پزشکی به‌بانه

در پی حادثه بانه سخنگوی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران عصر دیروز اعلام‌کرد ازسوی این جمعیت یك گروه کامل پزشکی مرکب ازجراح متخصص‌بیهوشی پرستار اتاق عمل بامقدار کافی دارو ووسائل پزشکی به‌بانه‌اعزام شد تا درعملیات درمانی مجروح شدگان حادثه امروز این شهر شرکت کنند.

● براساس آخرین گزارشهای رسیده از سنندج تلفات انفجار بمب دربانه ۸ تن وزخمیها ۱۷ نفر بوده‌است که ۴ نفرازخمی‌ها با هلی کوپتر به‌بیمارستان‌سنندج انتقال یافته‌اند.

طبق همین گزارشات انفجار ساعت ۵ر۱ بعدازظهردیروز در میدان اسلحه فروشی بانه روی داده و به‌احتمال زیاد تصادفی بوده است. طبق خبرهای‌رسیده در رابطه با انفجار روز گذشته بانه ۱۰ نفر دستگیرشده‌اند.

ازمحل اقامت

بقیه از صفحه ۱

آیت‌الله شبیرخاقانی صورت گرفت. درپی‌این‌راهپیمائی حدود ۱۷ نفر بازداشت شدند.

روزگذشته ناگهان شایع‌شد که آیت‌الله خاقـانی به قم رفته و در خانـه آیت‌الله شریعتمداری هستند. ولی این خبر دیشب از از سوی‌شیخ عیسی خاقانی تکذیب شد.

همچنین دیروزدرخرمشهراعلامیه‌ای پخش شدکه در آن برای‌بازگشت آیت‌الله خاقانی بـه خرمشهر ۲ روز مهلت تعیین کرده بودند.

وحدت درعمل مقدم بر وحدت در کلمه

پیغام امروز ۲۰ تیر ۵۸

سوموزا به امریکا گریخت

مردم نیکاراگوئه فرار ساموزا را جشن گرفتند

ساموزا دیکتاتور نیکاراگوئه پس از ماهها جنگ و خونریزی در این کشور ، سرانجام ازکشور فرارکرد وبه امریکا گریخت او بایك هواپیما به یك پایگاه نیروی هوایی امریکا در ایالت فلوریدا فرود آمد حدود ۴۰ نفر همراه ساموزا هستند.

دکتر فرانسیسکو اورکومالیانو رئیس مجلس سفلی آنکشور به جانشینی ساموزا انتخاب شد.

وی تارسیدن اعضای دولت موقت ساندینیست به ماناگوا قدرت را در دست خواهد داشت مردم نیکاراگوئه فرار ساموزارا جشن گرفتند و درسراسر کشور به رقص وپایکوبی پرداختند .

برقراری مناسبات سیاسی ایران و لیبی

سخنگوی وزارتخارجه اعلام کرد: مناسبات سیاسی بین ایران ولیبی برقرار خواهد شد و بزودی هیاتی برای مذاکره رهسپار لیبی خواهد شد.

تحصن دانشجویان پزشکی بوعلی سینا

عده‌ای از دانشجویان دانشکده پزشکی بوعلی سینا دراعتراض به عدم امکانات علمی این دانشکده از دیروز در وزارت فرهنك و آموزش عالی تحصن کردند .

این گروه خواستار انتقال بدانشکده‌های معتبر کشوراند .

یاد شهیدان راگرامی بداریم

معلمان پیشگام اعلام کردند : برای گرامیداشت خاطره رفیق رضا جلالی که در راه آرمان شکوهمند طبقه کارگر به جاودانگی پیوست بعدازظهر مراسمی بر مزار وی واقع دربهشت زهرا برگزارمیشود. وسیله برای حرکت نیروهای مترقی در این مراسم اول خیابان فخررازی (روبروی در دانشگاه) مستقر خواهد بود.

تکذیب اظهارات آیت‌الله روحانی

ستاد پاسداران انقلاب اسلامی قم ضمن انتشار اطلاعیه‌ای اظهارات اخیر آیت‌الله روحانی در باره مضروب شدن دو تن از اعضاء جنبش ملی مسلمانان توسط

خوزستان در آتش

بقیه از صفحه ۱

مردم درمیان تحریکات و فتنه انگیزی‌های دشمنان داخلی وخارجی چیزی نیست که بسادگی بتوان از آن گذشت .

بحق باید پرسید ملتی که با دادن هفتاد هزار شهید و یکصد هزارزخمی قیام شکوهمندی را پیروزمندانه به‌پایان رسانید چرا گرفتار برادرکشی است ؟ چرا همسنگران دیروز امروز بخون همدیگر تشنه‌اند؟ این سئوال پاسخی جز این ندارد که تحریکات دشمنان فتنه برمیانگیزد و اگر عوامل ارتجاع و استعمار و بازماندگان رژیم مغفور پهلوی درگوشه و کنار کشور توطئه می‌چینند ، زمینه توفیق این توطئه‌ها را ندانم کاری‌ها ، اشتباهات وبی‌اعتنائیهای حکومتگران به خواسته های مردم فراهم میکند.

چه کسی میگوید که دشمنان خلق ، عوامل رژیم سابق ، مزدوران بیگانه و متجاوزان به تمامیت ارضی واستقلال کشور را بسختی مجازات نکنیم . چرا که هیچ انقلابی بدون برخورد قاطعانه و بی‌امان با چنین عناصری پیروز نمی‌شود.

اما سرکوب بیرحمانه کسانی که خواستار آزادیهای اساسی بشری هستند. اعدامهای بی محاکمه در خوزستان ، قتل‌عام مردم بیگناه مشگین شهر ، مسلح ساختن فئودالهای کردستان و همکاری بامزدوران «قیاده‌موقت» جهت کشتار مردم مریوان «اعاده روابط فئودالی ، چه واکنشی جز برادرکشی ، آتش سوزی و تخریب وانهدام واتلاف منابع و ثروتهای ملی می‌تواند داشته باشد.

در شرایط بحرانی ما بهمه مسئولان ودست اندرکاران هشدار میدهیم که بی‌اعتنائی بحقوق مردم زورگوئی به آنها و استفاده از توپ وتانك برای خفه کردن فریاد های اعتراض هرگز نتوانسته حکومتی را سر پا نگهدارد. این تجربه تاریخ است. بخودآئید و بخواستهای زحمتکشان و به آرزوهای خلق‌های تحت ستم کشور ما بیندیشید و به آن جامه عمل بپوشانید ، تابهار آزادی به خزانی زودرس نیانجامد و درس عبرت انگیز تاریخ یکبار دیگر تکرار نشود.

برای جلوگیری از انحلال

استادان، دانشجویان و کارکنان مدرسه عالی مدیریت گیلان دست به اعتصاب نامحدود زدند

اساتید ، دانشجویان و کارکنان مدرسه‌عالی مدیریت گیلان (لاهیجان) درپی بی‌نتیجه ماندن مذاکرات شورای هماهنگی با وزارت علوم و مسئولین دانشگاه گیلان دست به اعتصاب نامحدود زدند .

طرح انحلال این دانشکده در رژیم گذشته همراه با تعطیل یك دسته از مراکز آموزشی ازجمله دانشگاه صنعتی تهران بدلیل شدت مبارزات دانشجویی و در پی سرکوب اعتصاب سال ۵۶ به دستور مستقیم شاه مخلوع ریخته شد . این طرح به سبب اعتراض شدید مردم و دانشجویان ، دولت شریف امامی را وادار به اعلام پذیرش مجدد دانشجو کرد .

خطر انحلال دوباره

خطر انحلال دوباره مدرسه عالی مدیریت گیلان و عدم توافق دانشجویان با مسئولین وزارت علوم اکنون باردیگر منجر به اعتصاب اساتید دانشجویان و کارکنان مدرسه عالی مدیریت گیلان شده است شورای هماهنگی مدرسه عالی مدیریت گیلان (لاهیجان) مرکب از استادان ، دانشجویان و کارکنان در رابطه با اعتصاب نامه‌ی سرگشاده‌ای خطاب به مردم انتشار داده است.

در این اعلامیه پس از شرح مختصری ازسال تاسیس دانشکده ـ۱۳۴۹ـ و طرح استعماری رژیم در سال ۵۲ـ۵۱ برای سپردن دانشکده بدست سرمایه‌داران وابسته ، و مبارزات دانشجویان در سالهای ۵۳ و ۵۶ ، سرکوب دانشجویان و همچنین بپاخاستن انقلابیونی چون جلال دهقان و کوروش فضل محمدی که بدست رژیم سابق به شهادت رسیدند ، تاکید شده است که انحلال دانشکده اقدامی ضد فرهنگی و ضد مردمی است .

ضرورت های ابقای دانشکده

شورای هماهنگی به نقش پر اهمیت مدرسه عالی مدیریت گیلان (لاهیجان) در تربیت

آورد. در تماسهایی که با وزارت علوم به عمل آمدوزیر علوم مسئله را به دانشگاه گیلان محول نمود که بعلت درگیری‌های داخلی دانشگاه گیلان باز هم مسئله پذیرش دانشجو معوق ماند».

خواستهای فوری که شورای هماهنگی در پی اعتصاب اعلام کرده عبارتند از:

۱ـ ابقاء دانشکده ۲ـپذیرش دانشجو ۳ـ رسمی‌شدن کارکنان

در انفجار بانه

بقیه از صفحه ۱

●دومین گزارش

خبرنگار خبرگزاری پارس درساعت هیجده وبیست دقیقه از سنندج گزارش داد که تعداد کشته شدگان انفجار بمب در شهرستان بانه تااین ساعت هشت کشته و چهارده زخمی داشته است هنوز علت انفجار روشن نیست براثر شدت انفجار پانزده باب مغازه چهار خانه بکلی منهدم وبه یك سینما آسیب‌هائی وارد شده‌است.

اعزام گروه پزشکی به‌بانه

در پی حادثه بانه سخنگوی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران عصر دیروز اعلام کرد ازسوی این جمعیت یك گروه کامل پزشکی مرکب ازجراح متخصص بیهوشی پرستار اتاق عمل بامقدار کافی دارو ووسائل پزشکی به‌بانه اعزام شد تا درعملیات درمانی مجروح شدگان حادثه امروز این شهر شرکت کنند.

● براساس آخرین گزارشهای رسیده از سنندج تلفات انفجار بمب دربانه ۸ تن وزخمیها ۱۷ نفر بوده‌است که ۴ نفراززخمی‌ها با هلی‌کوپتر به‌بیمارستان سنندج انتقال یافته‌اند .

طبق همین گزارشات انفجار ساعت ۵ر۱ بعدازظهردیروز در میدان اسلحه فروشی بانه روی داده و به‌احتمال زیاد تصادفی بوده است ، طبق خبرهای رسیده

..... وتواصوا بالحق و تواصوا با الصبر

یکی از شدید ترین نیازهای انقلاب ،پیگیری مداوم
برای ایجاد تغییرات و دگرگونیهای "بنیادی" است.
ما همچنین وظیفه داریم خود مانرا برای تحمل وپذیرش
نا ملایماتی که برسر راه دشوار و پر پیچ وخم قرار گرفته
اند آماده سازیم .

بها ۱۰ ریال

فاصله‌دارد . ولی ما با تمام اینها کمر همت به قیام در این راه بزرگ بسته‌ایم حتی اگر آماج ـ تیر جیره خواران وسیاهدلان باشیم . چراکه تنها خدا برای حسابرسی کافیست"وکفی باللـه حسیبا" .

واین نشریه قدم خیلی کوچکی است دراین راه . اما دراین راه امید ما به شماست . شمائی که دست در دست ما دهید وصف ما را آهنین تر و خروشانتر سازید . با یاری و همکاری شما عزیزان است که میتوان بااین اندک امکانی که برای سخن گفتن در دست داریم محتوای غنی‌تری بخشیم وزبان گویای مشکلات مردم رنجدیده‌مان وبویژه دانش‌آموزان گردد .

برای اینکه نشریه‌ای مفید درسطح دانش‌آموزی وبا محتوای اسلامی ـ انقلابی داشته باشیم نیاز به انتقادات وپیشنهادات و اظهار نظرهار همکاری صمیمانه شماداریم . بنابراین هر انتقاد وپیشنهاد ومطلب، مقاله، طرح، شعر، داستان، گزارش وعکس وخبری که‌دارید به‌آدرس موقتی ما": " دبیرستان منصور ـ کمیته نشریه مقداد" بفرستید واگر مایل به همکاری نزدیک باشید نوع همکاریتان را درنامه‌ای برای ما بفرستید ودر پخش و رساندن این نشریه به‌دانش‌آموزان ما را یاری دهید .

توجه :

* درصورت ارسال مطلب حتما نام و آدرس خودتان ومنابع استفاده مطالبتان را قید کنید .

"متشکریم"

سخنی باخوانندگان

برادر وخواهر دانش آموز

نشریه ای که اکنون در دست داری با امکانات ناچیز توسط عده ای از برادران وخواهران تو — تهیه وبدست تو میرسد . با وجود این آنچه مارا به ادامه کار امیدوار ومشتاق تر میکند این است که به سهم خود وتا آنجا که در توان داریم گامی هرچند کوچک در راه ارتباط با دانش آموزان در جهت انتقال آگاهیها ودانش سیاسی وایدئولوژیک تا حدود امکان برداریم . چیزی که هست این است که ما علیرغم خواست دشمن غدار خلق که از ما عروسکهای غربی ومرده ومنجمد وبیروح میخواهد چون صفی واحد با کسب آگاهیهای انقلابی وبا بازگشت به خویش وعمل انقلابی درمقابلشان بایستیم . بعنوان بخشی از نیروهای جوان وبالنده — انقلاب وبعنوان روشنفکر متعهد مسلمان که وظیفه اش روشنگری و آگاهی بخشیدن به توده های محروم ودربند است تا آنها را علیه بندهای اسارتشان بشوراند وآزادشان سازد مسئولیتی بس عظیم داریم که به بیان قرآنی همواره قائم به قسط وعدل باشیم وبسوی جامعه بی طبقه توحیدی درحرکت. مسئولیت نبردی سهمناک با دشمنان قسم خورده خلق . مسئولیت رویاروئی با امپریالیسم وارتجاع. مسئولیت مبارزه مکتبی ودرازمدت . می بینی چه وظیفه سنگینی بردوشمان سنگینی میکند. ؟ اما چه باک ! مگر نه اینست که ما تمام مشکلات را بجان خریده ووارد این راه شده ایم ؟مگر نه اینست که برای رسیدن به چنان هدف عالی همیشه باید انقلابی بود وانقلابی اندیشید ؟ مگر نه اینست که باید حتی به قیمت شکنجه وزندان و. . . دمی از رفتن در این راه پرشکوه توحید باز نایستاد وبا دشمنان خلق سازش نکرد ؟ وبالاخره مگر نه اینست که ما در این راه اسلام اصیل وانقلابی هدف والای توحیدی را پیش رو داریم ؟ اسلامی که همواره فریاد آزادی رنجبران ومحرومان بوده است و"نه" جاودانه اسلام راستین و تشیع انقلابی همواره بسساط قلدریها ودشمنان خلق ومردم داران زروزور و تزویر وتوجیه‌گران کاسبکار واستثمارگر را در طول تاریخ خونین خود — بهم ریخته است . اسلامی که فرسنگها با اسلام قدرتها واسلام سازش واسلام طبقاتی

۷ـ در جریان درگیریهای چند روزه مشکین شهر مسائل قابل توجهی بوقوع پیوست . رئیس کمیته مشکین شهر که اسلحه به ده خود برده بود وبه کمک اسلحه آب دهات دیگر را بدهات خود کشیده بود در شهر به کارهای غیرمنطقی وغیر اسلامی دست میزد . ایشان که ملا احمد همتی نام دارد واز روحانیون ظاهراً بزرگ مشگین است در برابراعتراض مردم به اعمال کمیته ـ وتحصن آنها مبنی براینکه شهر باید آب داشته باشد به دهات طرفدار خود نامه نوشته ومعترضین را کمونیست میخواند وکشتن مردم را واجب میداند . در پی این تحریک روستائیان وارد شهر شده درگیریهائی روی میدهد که با دخالت نیروی هوائی وپاسداران ظاهرا ـ آرامش بـه شهر بازگشت اما مردم همچنان از اعمال روحانی مزبور وکمیته ناراضی اند .

اخبار

۱ــ به قرار اطلاع به دانش‌آموزانی که باداد ن تعهد (تحصیل رایگان) د رد بیرستان صفا ثبت نام میمنند فرمی‌داده میشود ود رچندین ماده آن اشاره شده که هر گونه فعالیت سیاسی د ر مد رسه ونشر وپخش هر گونه اعلامیه ونشریه‌باید زیر نظر مسئولین وبا اجازه آنهاباشد .

۲ــبد نبال بخشنامه د ولت مبنی بر گرفتن شهریه از د انش‌آموزان نارضایتی اغلب دانش‌آموزان ازاین امر بیشتر شده نمونه اش گرد هم آئی دانش‌آموزان دبیرستان فرد وسی‌برای اعتراض به این تصمیم بود کـه بعدا معلوم میشود که د ر مد ارس د ولتی شهریه حد ود ۱۵۰ تومان‌است.

۳ــ د رروز راهپیمائی وحدت د ر تبریز نمونه‌ای د ید ه‌شد ه‌که نشریه‌مقد اد که توسط خواهران پخش میشد ه‌است بسبب د اشتن مطلبی‌راجع به سعادتی توسط فردی پاره شد ه‌است.

۴ــبد نبال اختلافات د ر انجمن د انشجویان مسلمان‌د انشگاه‌حنیفنژاد تبریزکه‌د ر اساسنامه این‌انجمن یکی از مواد عدم وا بستگی به هیچ گروه وسازمان وحزبی است واز طرف دانشجویان نقض‌شد ه‌است د رنتیجه این انجمن منحل وبرنامه‌ای ند ارد .بنظر میرسد مشکلات د انشجوئی د یگری د ر شرف تکوین است.

۵ــاحمد حنیفنژاد وحسین خسروشاهی از طرف سازمان مجاهد ین خلق‌ایران نامزد نمایندگی آذربایجان شرقی برای مجلس‌خبرگان شد ه‌اند . د ر همین رابطه دانش‌آموزان مسلمان تبریز "هواداران‌مجاهدین‌خلق " باانتشاراعلامیه‌ای پشتیبانی خود را از نامزدهای یاد شده ونظرات ارائه شده آنها اعلام‌کرده خواستار آزادی انتخابات واستفاده یکسان کاندیداها از وسائل ارتباط جمعی شد ند .

۶ــ د ستوری از د ادگاه صادر شد ه‌است که بموجب آن ۱۰٪ از مزد کارگران بایـد بـه مستضعفین‌تعلق گیرد !! وضمنا د ر همان د ستور آمد ه‌است اخلالگران را طبق این د ستور میتوانید اخراج کنید . بنا به این د ستور د ر کارخانه مهند س طیزاده تبریز یکنفر کـارگر مومن وآگاه را اخراج کرده اند .وی به اداره کار مراجعه کرده است ولی جـز جواب سر بالا نتیجه‌ای عاید ش نشد ه‌است.

این انتخابات باید در کمال آزادی انجام گرفته وطریقه استفاده از وسائل ارتباط جمعی بدون تبعیض وانحصار باشد. در غیر اینصورت یعنی انحصار طلبی چند حزب وگروه وجریان حاکم جز اینکه کمک کند تا یک جریان ارتجاعی بطور کامل در جامعه حاکم شود چیزی ندارد. که همین مسئله موجب میشود که خلق ما در مرحله‌ای دیگر از مبارزات برحقش در راه نفی استثمار وایجاد جامعه بی طبقه توحیدی قرار گیرد.

****

واسلامیتر آن باید کاری کنیم که مردم واقعا در سرنوشت خویش سهیم باشند اگر میخواهیم اصولی وقوانینی تصویب کنیم که مربوط به تمام اقشار مردم ومربوط به اقلیتها وخلقها با هر نژاد وزبان ومرام ومسلکی که باشند است. ناگزیر باید همانها را در تدوین وتصویب چنین — قانونی دخالت دهیم زیرا بنا به مکتب اصیل وتوحید یمان ونیز همه گیر بودن قیام اخیر وجود اقلیتها محترم است. علاوه براین اگر تمامی نمایندگان ملت در بررسی قانون اساسی دست داشته باشند. زحمتکشترین ووسیعترین طبقات جامعه یعنی کارگران و دهقانان در سرنوشت خود سهیم خواهند بود که این موفقیت بزرگی در راه انقلاب است چنانکه معلوم است تنها با تشکیل مجلس موسسان میتوان به چنین نتایجی رسید. در غیر این صورت اگر فقط گروه یا حزب ویا جریان خاص وحاکم در مجلس بررسی قانون اساسی شرکت کنند باتوجه به خصلت انحصار — طلبانه ای که آنها دارند مسلم است قانونی که تصویب میشود تنها منافع همان گروه خاص را برآورده میکند • واین درد رازمدت باعث بوجود آمدن نارضایتیها واختلافات عمیق بین حکومت وکسانی که حقوقشان پایمال میشود خواهد شد که حتی ممکن است به جنگ وخونریزی بکشد. بجاستکه در اینجا به اشکالاتی که از طرف گروههائی برای مجلس موسسان گرفته میشود اشاره کنیم. مطرح میکنند که زیاد بودن بیش از حد گروهها واحزاب باعث بوجود آمدن مشکلات در تشکیل مجلس موسسان میشود در اینجا باید یادآوری کرد که شوراهای محلی در شهر وروستا بخوبی میتوانند نمایندگان مردم را انتخاب کنند که متاسفانه همین اهمیت ولزوم شوراها به پیشنهاد آیت الله طالقانی وبه تصویب آیت الله خمینی رسید عملا اجرا نمیشود. اخیرا نیز — که قانون شوراها تصویب شده واقعا بیانگر رسالت شوراها نیست. اشکال دیگری که برای — مجلس موسسان گرفته میشود وقتگیر بودن وجنجال آفرین بودن آنست. در حالیکه همیشه برخورد غیر منطقی وغیر اصولی با مشکلات ومسائل جنجال می آفرینند نه حل قدم به قدم واصولی مشکلات.

با تمام این مسائل از تشکیل مجلس موسسان جلوگیری بعمل آمد وطرحی که مجلس خبرگان نام گرفته اجرا میشود.

مجلس خبرگان خود راه حل دیگری برای مسئله است که چگونگی اجرای آن مسائل بیشتری را روشن خواهد کرد که البته اشکالات زیادی مانند آنچه که قبلا گفتیم خواهد داشت. بهرحال

امپریالیسم به کار بگیریم زیرا تنها راه ادامه انقلاب خونبار خلق مبارزه ضد امپریالیستی است

با توجه به این مسائل ود رچنین شرایطی آیا میتوان شیوه های پارلمانی وتصویب قانون اسا سی امید داشت. بیشد نه. چراکه مبارزه ضد امپریالیستی به شیوه‌های قاطع وانقلابی احتیاج دارد . تاریخ کشور خودمان ونیز تجارب خلقهای دیگر این مسئله را ثابت کرده است .

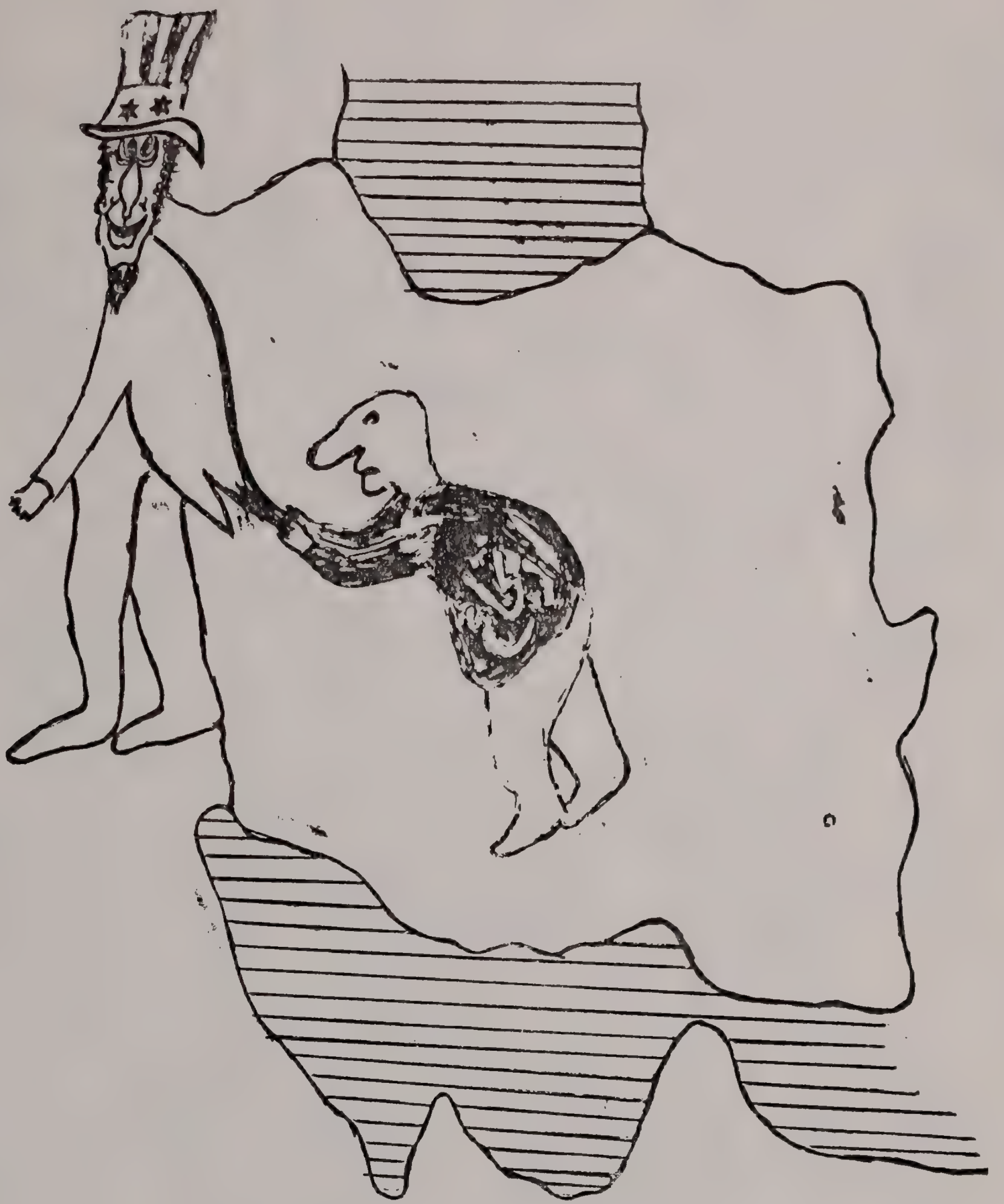
مثلا تجربه آلنده در شیلی یا مصدق در ایران که میخواستد ر شرایطی که تمام نهادهای امپریالیستی پابرجابود به مبارزه پارلمانی با استعمار بپردازد که دیدیم موفق نشد بر عکس انقلاب الجزایر بعداز پیروزی تا پایان مرحله ضد امپریالیستی دست به تدوین قانون اساسی نمیزنند وبه اینصورت مبارزه ای ضد امپریالیستی قانون اصلی میشود که تمام مسائل در رابطه ومقایسه بااین محور مشخص میشوند .بهاین ترتیب مبارزه در مسیر انحرافی هدایت نمیشود . البته انقلاب رشد بیشتری‌د رجهت اهداف وآرمانها میکند چون زمان شاه که تمام مردم متحد ویکپارچه‌روی خط مبارزه ضد دیکتاتوری حرکت میکردند اما متاسفانه بعدازپیر وزی سیاسی انقلاب این مسئله ادامه پیدانکرد . واقعیتاست که در جامعه‌ما تمام نیروها در این نظر موافق نیستند .در این مرحله مبارزه ضد امپریالیستی باید کرد ونیروهای ارتجاعی کهالبته جریان حاکم بر جامعه هستند در انحراف مبارزه ازمسیر اصلی سعی فراوان میکنند و در چنین وضعی است که مسئله تدوین قانون اساسی وانتخابات واستفاده‌از شیوه های پار لمانی مطرح وروی آن اصرار میشود .پس در شرایطی که فضای سیاسی حاکم چنین چیزی میخواهد لااقل باید بطریق اسلامی وانقلابی که لازمه‌اش شرکت تمام نمایندگان مردم میدر آنست صورت بگیرد . چون صحبت از تدوین وتصویب قانون اساسی یک کشور است . آری مسئله تدوین قانون اساسی یعنی اصول وقوانینی که‌نظام اجتماعی ،اقتصادی ،سیاسی‌بر اساس‌آن گزارده میشود مطرح است. قوانینی که روابط کلی وحقوقی مابین افراد جامعه‌و مردم را روشن میکند تمام مسائل وقوانین شرعی در رابطه بااین‌قانون ارزش‌پیدا میکنند .

برای پی بردن به اهمیت قانون اساسی کافی است بدانیم علاوه براینکه قانون اساسی وظایف حکومت ودولت ورابطه اش با ملت را معین میکنند اصولا سرنوشت ومسیر حرکت جامعه را نیز مشخص میکند . بدیهی است برای تصویب چنین قانونی‌که سرنوشت جامعه‌ما را روشن میکند باید روی اصولی که‌انقلاب برآن استوار بوده واصول مکتبی ما عمل کنیم .بله برای تدوین

مجلس خبرگان

برادران وخواهران دانش‌آموز:

با توجه به اهمیت مسئله قانون اساسی وچگونگی تصویب آن با توجه به اینکه در این مورد برای شما مسائلی مطرح شده وبیشک برای همه‌نیز حل نشده است بنوبه خود خواستیم مسائلی را هرچند گذرا در این مورد بررسی کنیم شاید که گوشه‌ای از مسئولیت خود را انجام داده باشیم وبه بررسی مسائلی مانند اهمیت قانون اساسی ونحوه تصویب آن ونیز اهمیت شرکت فعال مردم در تشکیل آن میتواند به ما کمک کند تا موضعگیری صحیحی در این مسئله داشته باشیم. پس بگذارید از اینجا شروع کنیم که آیا در شرایط فعلی تشکیل مجلس و تصویب قوانین بوسیله وکلا وروشهای پارلمانی میتواند روش درستی برای ادامه انقلاب مردم ایران باشد یانه؟ از بررسی اوضاع جامعه‌وانقلاب به این نتیجه می رسیم که در شرایط فعلی منافع امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق ما به‌خطر بزرگی افتاده‌است واستعمار وحشیانه درصدد نجات وحفظ منافع خویش دست به هر حیله‌ای میزند. امپریالیسم امریکا با استفاده از عوامل خویش از جمله ساواک وسیا واز طرف دیگر عوامل ارتجاعی میخواهد مبارزه را از مسیر ضد امپریالیستی خارج کند وبا مطرح کردن مسائل وتضادهای فرعی آن را در مسیرهای انحرافی بکشاند. زیرا درانصورت از یک طرف نهادهای اجتماعی اقتصادی فرهنگی ونظامی اش دست نخورده باقی می‌ماند واز طرف دیگر نیروها واقلیتها وخلقهای مختلفرا در برابر هم قرار داده وباعث برادرکشی و جنگ داخلی میشود که این مسئله‌همراه با عوامل ومسائل دیگر در مردم یأس وبی تفاوتی وناامیدی ایجاد میکند که زمینه خوبی برای روی کارآمدن رژیم طرفدار امپریالیسم میباشد. آری امپریالیسم به کمک ارتجاع سعی میکند انقلاب اسلامی ما را باحفظ نهادهای استعماری خنثی و بی اثر سازد. بنابراین [illegible] وظیفه ماست که‌برای پاسداری از دستآوردهای انقلاب که به بهای خون هزاران شهید بدست‌آمده تمام تلاش ومبارزه خود را در جهت مقابله وبا[illegible] نهادهای



را ماند

لايد

تکامل

از اینجا تا فراز گنبد دوار گیتی نردبان است
کز نهایت تا نهایت ایستاده
انسانها براه
روبه‌سوی قله می‌آیند

هر که والاتر
هر که انسانتر
هر که در رجانش کژی کمتر
هرکه در راه گذشت از خویش راغبتر
هرکه تسلیم و رضای بیشتر دارد
هست والاتر
راه بس لغزنده‌ای است این راه
لحظه ای دور از حقیقت افتادن
لحظه‌ای دل از جهاد خلق برداشتن
لحظه‌ای با دشمنان خلق پیمان داشتن
اوفتادن از فراز قله‌را ماند
لحظه‌ای حتی سکون لحظه‌ای درجا زدن لحظه‌ای با نفس خویش بودن
خرد گشتن زیر پای خلق را ماند

برفراز قله‌را بنگر، نگر آنجا چه می‌بینی
از افق نوری بسوی قله می تابد   که‌رنگ ارغوان دارد
وهر کس خواست بدان قله دست یابد   بباید پیکر خود را بخون خود بیالاید
که رنگ ارغوان دارد
که بیرنگی بسی پیداست آنجا
که بیرنگی بسی پیداست آنجا

بی سواد می‌مانند ؟ آیا همیشه بی آبی خواهیم داشت؟ آیا همیشه در کثافتها زندگی خواهیم کرد ؟ در رژیم گذشته میگفتیم طاغوت حاکم است ولی حالا که حکومت اسلامی شده چرا وضع ما اینجوری است؟

زن جوان خانه‌داری میگوید :"اصلا استاندار وشهردار هیچ کار نکرده اند چند بار مراجعه کرده‌ایم اما جواب نشنیده ایم. بعدها آبوبرق میدهند ما از دولت میخواهیم که به وضع ما رسیدگی کنند به وضع ماکه همیشه خانه‌هایمان گرد وغبار است. جنگلبانی پر از آب است ولی آب نمیدهند . مدرسه دور است بدانجهت بچه‌ها یک روز در میان به مدرسه میروند . معلمهایشان نیز خوب تدریس نمیکنند . یک بچه‌ام زفوزه شده است یک درمانگاه نیز وجود دارد ولی خوب رسیدگی نمکنند ." چرا مردم اینقدر نا راضی اند ؟ مردم از دولت خود انتظار ند دارند که به مشکلاتشان رسیدگی کنند ودردهای که در زمان شاه نمیتوانستند به زبان بیاور گوش دهند . حالا به‌حرفهای یک پسربچه گوش میدهیم تا ببینیم که‌چقدر انقلابمان در روحیه فرزندان خلق تاثیر گذاشته است: در کجا درس میخوانی ؟" در مدرسه‌بهزاد که حدود یک ساعت با پای پیاده راه است" در چه کلاسی درس میخوانی ؟ "در کلاس سوم درس میخواندم وامسال به کلاس چهارم میروم " قبلا در مدرسه به شما کیک میدادند حالا هم میدهند ؟ " نه حالا نمیدهند " چه کسی به شما کیک میداد ؟ چرا ؟ کار شاه بود برای اینکه میخواست سر ما را با این چیزها گرم کند " میدانی حالا چرا نمیدهند ؟" خوب معلوم است شاه تمام پولها را برده ودولت پول ندارد " پدرت چه کاره است؟" چینی فروش است ودر همین محل دکان دارد " چند خواهر وچند برادر داری؟" ۳خواهر و۶برادر دارم. ۴تا از برادرهایم کار میکنند ویکی درس میخواند ."

خواسته‌های حداقل اهالی از دولت این بود که ماشینهای آب را افزایش بدهند امیدواریم حرف این مردم زحمتکش ورنجدیده به گوش مسئولین برسد واقدامی بعمل آورند .

همانطوریکه از حرفهای اهالی برمی آید میبینیم که چقدر از نظر کیفی بالا رفته اند واین ضربه‌ای برپیکر امپریالیسم است .چراکه در نهایت آگاهی توده‌ها باعث ریشه‌کن شدن امپریالیسم از جوامع خواهد بود . حال چگونه میتوان دست استعمار امپریالیسم جهانخوار را از سر خلق کوتاه کرد .واین باآگاهی‌دادن به‌مردم وبسیج آنها امکان پذیر است.

در میان مردم

منطقه امامیه در قسمت جنوبی تبریز قرار دارد. این منطقه مثل بسیاری از مناطق حاشیه نشین دیگر مشکلاتی دارد. حاشیه نشینی یکی از عوارض نظام سرمایه داری است که با نیروی کار ارزان نیروی کار روستاها را برای بهره‌کشی هرچه بیشتر با انواع حیله ها وسیاستهای ضد مردمی به شهرها میکشانند از یکسو بازار مصرف وسیع برای کالاهای مونتاژ ووارداتی خود فراهم میکنند واز طرفی دیگر به خشکاندن زمینها وویرانی روستاها زمینه را برای وابستگی کشاورزی فراهم میکنند حاشیه نشینی هم از طریق قطع وابستگی حل خواهد شد و مشارکت مستقیم در این راه چاره ساز است.

مسئله مهمی که برای اهالی این منطقه‌مطرح است مشکل بی آبی است در قسمت پائین منطقه آب لوله کشی شده در منازل وجود دارد که هرروز فقط یک ساعت آب در دسترسشان قرار میگیرد وبالای تپه در بخش وسیعی از منطقه از آب لوله‌کشی خبری نیست. وعده‌ای از اهالی چاه حفر کرده‌اند وعده‌ای دیگر از آبی که ماشینهای شهرداری می آورند استفاده میکنند اما تعداد ماشینها کفاف تمام اهالی منطقه را نمیدهد گاهی اتفاق می افتد که خانواده‌ای با ۷ یا ۸ بچه دوروز بی آب می مانند. ازلحاظ برق اهالی تامین هستند. مشکلات دیگری که اهالی دارند به لحاظ دوری حمام ومدرسه ونبودن درمانگاه است. بچه‌های کوچک مجبورند یکساعت پیاده راه بروند تا به مدرسه برسند. برای رفتن به حمام ۴ ساعت باید معطل شد. چیزی که زیاد به چشم میخورد بچه های قدونیم قد را می بینی که با آبهای کثیف بازی میکنند. به این ترتیب در تابستان وضع اهالی منطقه هرچه بیشتر ازلحاظ بهداشتی به خطر می افتد. اکنون پای صحبت اهالی منطقه اسماعیل‌خان‌باغی می‌نشینیم' سخن مرد میانسالی که هفت بچه دارد وشغلش کارگری است:" اصل کار اینست که‌اول باید به ما آب بدهند. آب داریم. محله ماکه‌خاکی است رسیدگی کنند به‌شهرداری رفتیم ولی هیچ کاری نکردند. در این محل آیا همیشه وضع اینجور خواهد بود یا اینجور بچه‌های ما.

با تشکیلات برخورد کنند وبتوانند دیگران را تعلیم دهند ووظیفه امت نسبت به حاکم در اعتماد وضمنا انتقاد از او میباشد پس برای نیل به اهداف در هرکاری ایجاد تشکیلات منسجم ضروری است ودر سطح دانش‌آموزی ایجاد چنین تشکیلاتی با اصول ذکر شده است که میتواند موجبات ترقی وپیشرفت ونیل به اهداف را در مراحل مختلف فراهم آورد والا بافرد گرائی وقطبی بودن امکان رسیدن به نتایج مثبت خیلی کم است . تشکیلات قدرت بسیج تمام دانش‌آموزان را داشته وخود مبدل به نیروئی میشود که میتواند در صحنه سیاسی هم نیروئی فعال وقابل به حساب آید . وجود تشکیلات منسجم از کوچکترین کارها گرفته تا بزرگ ترین آنها مانع هرز رفتن نیروها وانحصاری شدن کارها میشود . وراه رسیدن به اهداف را آسانتر میسازد وهمینطور در رابطه با تشکیلات است که اصول حفظ میشود وروابط توحیدی شکل میگیرد وامید به تغییر وضع موجود بیشتر میشود .

****

اقتصادی سهیم باشند وفاصله طبقاتی بین آنها نباشد عدل ومساوات برقرار گردد . وتعلیمکم کیلا تجهلوا ، ویاد دادن به شما تا نادان نباشید . یکی از وظایف مهم آنها — ایجاد آگاهی در مردم است ایجاد آگاهیهای سیاسی ، اجتماعی واقتصادی وایدئولوژیکی که [illegible] یک تشکیلات است . ایجاد آگاهی در مردم است که مانع انحراف وکج روی میشود وحفظ اصول در همه شرایط مستلزم وجود آگاهی درسطح یک تشکیلات است وتادیبکم کیما تعلموا ، وتربیت نمودن شما تا بیاموزید . مهمتر از همه تربیت افرادی آگاه ومسئول که بتوانند تا حدودی به خود کفائی برسند ومسئولانه با کادر سطح تشکیلات روبرو شوند کادرهائی که بتوانند خود ، افراد دیگری را بیاموزند وتربیت کنند ورشد دهند . واما حقی علیکم فالوفاء بالبیعة . واما حقی که من بر شما دارم باقی ماندنتان به بیعت است .

در اینجا علی (ع) وظایف مردم را نسبت به خود برمی شمارد . وظیفه ای که درسطح یک تشکیلات افراد یا اعضا نسبت به مرکزیت دارند ، آن اعتماد کامل از مرکزیت است . اعتمادی که با نظر داشتن وظایفی که بعدا میگوید بدست می آید : والنصیحه فی المشهد والمغیب یا [illegible] واینجا مسئله نصیحت وانتقاد وانتقاد از خود را [illegible]

پس مسئله نصیحت مسئله ای دو جانبه بین حاکم وامت است وباید از طرف هردو رعایت شود انحراف حاکم موجب انحراف اعضا درسطح یک تشکیلات خواهد شد پس اصل انتقاد وانتقاد از خود یکی از مهمترین وظایف اعضا در یک تشکیلات است وباید مسئولانه با آن برخورد کنند و[illegible] باشند که آن مرد عرب داشت ، که در زمان عمر بر روی شمشیر کشید — وگفت که اگر منحرف شوی با این شمشیر به راه راستت می آورم ودموکراسی صحیح در این — است ، دموکراسی که اعضا بتوانند از مرکزیت انتقاد کنند وراه جلو گیری از رشد دیکتاتوری در [illegible] این وظایف بکلی اجرا شد : والاجابه حین ادعوکم والطاعه حین امرکم . واجابت من چون شما را بخوانم واطاعت وپیروی به آنچه امر میکنم . پس باید وقتی حاکم یا مرکزیت [illegible] انجام کاری دعوت کرد به اطاعت از خط مشیی فرا خواند دعوت او را اجابت [illegible] خلاصه وظیفه حاکم نسبت به امت نصیحت کردن [illegible] وتعلیم دادن وآموزش دادن وتربیت است . طوریکه خود مسئولانه

فرازهایی از خطبه ۳۴

بسم الله الرحمن الرحیم

انقلاب خلق ایران بعد از گذار از مرحله ضد دیکتاتوری و سقوط دیکتاتوری پا در مرحله‌ای جدید میگذارد که گام عملی در جهت محو آن بود . وآن چیزی جز مبارزه ضد امپریالیستی یعنی دشمن اصلی خلقها نیست. دشمنی که هر روز پیچیده تر عمل میکند ، هر روز با نقشه های جدید و پلید خود سعی در هرچه بیشتر زنده ماندن و به بند کشیدن خلقها دارد . دشمنی که مقابله برایش مطرح نیست به هر دست آویزی دست می یازد تا به اهداف شوم خود برسد ، گاهی با دیکتاتوری نظامی پلیسی ، وزمانی در سر کار آوردن حکومتهای به ظاهر ملی و ناسیونالیستی به کمک ارتجاع داخلی در صدد نفوذ واعمال قدرت است. وجلوی پای خلق بیش از دو راه برای مقابله نیست. یا اسارت است یا نبرد ، نبردی قهر آمیز که در جنگ مسلحانه توده‌ای ودرازمدت مکتبی متجلی میگردد وبقول یاسر عرفات سیاست ما در مقابل امپریالیسم از لوله سلاحمان بیرون می آید. واین مبارزه مستلزم وجود پیشتاز و سازمان یافته است که تشکیلات منسجمی داشته باشد که تحقق ایده‌ها واهدافی که براساس مکتبی معین استوار است به جز در قالب تشکیلاتی متناسب متصور نیست. مبارزات آزادیبخش قهرآمیز این حقیقت را تائید میکند . در این تشکیلات وظایف مشخصی برای افراد مختلف ایجاد مسئولیت میکند که علی (ع) در خطبه‌ای آنها را مشخص میکند . میفرماید : ایها الناس ان لی علیکم حقاً ولکم علی حق ای مردم مرا بر شما حقی است وشما را برمن حقی . علی (ع) با این جمله رابطه حاکم وملت در سطح یک کشور ویا در مقیاس کوچکتری رابطه ای بین مرکزیت واعضا را در سطح یک سازمان و تشکیلات چنین بیان میکند : فاما حقکم علی النصیحه لکم. اما حقی که شما بر من دارید نصیحت کردن شماست . یکی از حقوقی که حاکم یا مرکزیت بر ملت واعضا دارند اینست که آنها را نصیحت کنند بدین معنا که آنها مسئول رشد خصلتهای انقلابی ومحو خصلتهای ضد تکاملی وارزشهای حیوانی مردم براساس مکتب و اصول مشخص آن هستند . وتوفیر فیئکم علیکم . ورساندن غنیمت وحقوق به شما به تمامی استوهمچنین آنها مسئول تامین اقتصادی مردم از تمام جوانب هستند طوریکه تمام مردم بطور برابر از معاش وتامین

فجر صادق

شب پره‌ها

در ظلمتکده شب

همه جا سرک میکشند

"شمعها" را میکشند

"شمعدانها" را شمع آجین میکنند

"پیه‌سوز" ها را باصندلی برقی

اعدام میکنند

"گردسوزها" را سر میبرند

"فانوسها" را بدار می آویزند

و

"چراغ نفتی" ها نفی بلد میشوند

اما فردا

در فجر صادق

با "خورشید" چه میکنند ؟؟؟

"از مجموعه خون شهید"

همانهائی که سالها اسلام سنتی شان راه نجات بسوی پای مردم نگذاشته بود وامروز نور تابناک اسلام اصیل چشم کورشان را آزار میدهد بمقابله برمیخیزند . اسلامی که آزادی وقسط وعدل بشارت میدهد ، قربانی اسلام ارتجاعی وطبقاتی خود میکنند . ... اسلام آزاد یبهای مردم را میکوبند ومانع فعالیت گروههای انقلابی میشوند .

تازمانیکه تمامی جوانان وکودکان این مرز وبوم ازنعمت آموزش وتحصیل مجانی برخوردار ... درزمانی که فرزندان محروم که همواره زیرستم مضاعف از این نعمت هم محروم بوده‌اند ... تحصیل کردن را بدست آورند ، باز همان آئین نامه‌ها وقوانین منحط قبلی را بخشنامه ... مدارس ملی ، مدارس دولتی ، مشکل شهریه ، همان تمایزات وتبعیضات طبقاتی پیشین ... گویا از این به بعد هم آنکسی که ندارد باز باید همچنان نظاره گر بدبختی اش باشد ... وآنکه دارد همچون گذشته تحصیل کند وتمام امکانات واختیارات وتجهیزات ومد ... در دسترسش قرار گیرد .

وبدینسان تحصیل و تمام امکانات فعالیت در مدارس هم در انحصار کسانی باشد که ... سر در لاک خود فرو برده بودند وبقول خودشان انقلاب برایشان گران تمام شده ...

****

خوب شما چه فکر میکنید ؟ چگونه میتوان این انحصارات را شکست؟ چگونه میتوان از ... شدن آزادیهای دانش‌آموزان جلو گیری کرد ؟ در شماره بعد انشاءالله در این مورد ... صحبت خواهیم کرد .

انحصارگرانی بود که از خون وپوست مردم مستضعف تغذیه میکردند اما خروش یکصدا و
انقلابی خلق محرومان نشان داد که برای نابودی ساختن نظام دیکتاتوری وابسته [illegible]
پهلوی بپا خاسته است و [illegible] که انقلاب را تا [illegible] کامل بساط امپریالیسم [illegible]
ادامه دهند ونظامی انقلابی واسلامی جانشین آن سازند .

وتوده عظیم دانش‌آموز هم برای رهائی از این غدد سرطانی که گرفتارش کرده بودند وبا
امید به این انقلاب پرشکوه بپا خاست تا عامل تمام بدبختیهایش را به گورستان تاریخ
بسپارد وچه خوب در اولین قدم به آن تاخت . [illegible] امپریالیسم وارتجاع کلاسهای [illegible]
را تعطیل کرد . درسهای پوچ وبی‌محتوای استعماری را رها ساخت وکلاسهای درس را در
پهنه خیابانها ومیدانهای نبرد دایر کرد . کلاس ودرسی که دیگر در انحصار اقلیتی [illegible]
گروهی نبود . آخر انحصارگران از ترسشان سوراخ خود فرو رفته بودند . با پیروزی
انقلاب، دانش‌آموزان باامید اینکه نهادهای پوسیده وکهنه آموزشی دگرگون شده [illegible]
انقلابی ونوین جای آن را گرفته [illegible] کلاسهای درس رفتند وامید داشتند از مدارس [illegible]
سنگری برای ادامه نبرد ضد امپریالیستیشان بهره ببرند .

اما گویا هیچ تغییری در وضع داده نشده بود همان کلاس همان درس همان محیط و همان
سیستم فقط اسم عوض کرده بودند . همه در حرف انقلابی شده بودند اما تلقی شان از
انقلاب چیز دیگری بود [illegible] کارها نشان داد که جریان تدریجاً بطرف حاکمیت ارتجاع
پیش میرود . اول که نیروی عظیم انقلاب بترسشان انداخته بود چاره‌ای جز تسلیم وسکوت
در مقابل نیروهای انقلابی نداشتند اما چون ادامه فعالیت نیروهای انقلابی را باعث
نابودی وشکست خود دیدند از ترس آشکار شدن ماهیت ارتجاعی وپوشالیشان به دست
وپا افتادند تا [illegible] برخوردهای ارتجاعی [illegible] وارعاب واخراج
و... تمام امکانات را [illegible] از دست دانش‌آموزان وحتی معلمین [illegible] انقلابی
بگیرند وبساط [illegible]
محیط آموزشی [illegible]
[illegible]
وانقلابی [illegible]

آیا باز تحصیلات انحصاری؟

طرح این مسئله چه لزومی دارد؟ انحصار تحصیل یعنی چه ؟ ریشه ومنشاء این بدیده کجاست ؟

اولا چنانکه قبلا هم گفته [illegible] انحصار [illegible] دانستن ارتباط فعال با شما دانش‌آموزان است. وسعی خواهیم کرد [illegible] ارتباطات [illegible] وزبان داریم زبان دردمند شما باشیم ومشکلاتی که باآنها دست بگریبانید [illegible] وظیفه اسلامی وانقلابی خود میدانیم. چراکه معتقدیم دانش‌آموزان بعنوان بخشی ازنیروهای جوان انقلاب به سهم خود نقش مهم درانقلاب داشته ودارند. فریادها واعتصاب واعتراضهایشان گویای ستمی بود که دررژیم پوشالی وامپریالیستی پهلوی براو روا میشد. البته فقط دانش‌آموزان نبودند که تحت ستم بودند بلکه هیچ نقطه‌ای دراین مملکت حتی زیرسنگها هم از ستمشان درامان نبود. این ستمها نه تنها کشتن وسوزاندن واعدام بلکه نابودن تمامی سرمایه‌های فکری ـ اجتماعی ونابودی اقتصادی وهمه چیز مابود. همه نهادهای اجتماعی ـ سیاسی ـ فرهنگی ونظامی مانهادهای امپریالیستی بود. این شیطان درهمه جا چنان رسوخ کرده بود که جامعه ما راچنین جامعه‌ای جن زده ازخود بیگانه کرده ودست بسته تسلیم امپریالیسم کرده بود.

بیشک سیستم پوشالی ومحیط آموزش وپرورش هم ازاین بلا درامان نبود سیستمی که درآن دانش آموز را چون برده‌ای زبان بسته ودست بسته درجهنمی بنام مدرسه وکلاس مینشاندند وآنچه که میبایست درمغزش [illegible] بیمغز نبود مدارس ما مراکز مترسک سازی بود. مترسکهای ایرانی با [illegible] وآموزشهای آمریکائی !! چراکه امپریالیزم برای رسیدن به منافعش چاره‌ای جزاین [illegible] سیستم فرهنگی وآموزشی ما راهم با الگوی خودش بسازد.

بیسوادی [illegible] بلایی است که میتواند جامعه‌ای مارابه نابودی کشد و سلطه‌ی ارتجاع وامپریالیسم [illegible] وجهل وناآگاهی عمومی ازویژگیهای مهم جامعه‌ی مابود. جامعه‌ای بیسواد [illegible] کاخهای رفیع پادشاهان خونخوار برروی استخوانهایشان بناگشته بود. جامعه‌ای [illegible] وفاصله‌های عمیق طبقاتی وهمه چیز یکجا ودربست درانحصار طبقه حاکم. آن طبقه‌ای [illegible] درطول تاریخ مورد خشم وغضب خداوند گاران زمین بوده است. آن طبقه‌ای که ازخون وپوست [illegible] پادشاهان وتاراجگران استعمارگر واستثمارگر بالا رفته‌است. مسلم است [illegible] نظامی حتی اجازه امکان تحصیل هم ندارد. تحصیل ودرس وعلم وتکنیک وهمه چیز در [illegible] که ازخون وپوست این مردم مستضعف تغذیه میکرد ندا ما

فهـــــرست مطـــالـــــب

مقداد

سال اول [illegible] ۱۳۵۸ شماره ۳

نشریهٔ دانش آموزان مسلمان

تبریز

که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران (بگوئید جمهوری اسلامی) و یا رویه و مرام اشتراکی است و یا عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی شود که با یکی از مرام یا رویه‌های مزبور در ایران تشکیل شده باشد به سه تا ده سال حبس محکوم خواهد شد. سایر مواد این قانون هم در تائید همین ماده هستند.

است و قانون برحق آن است که از منافع توده‌ها حمایت کند.

قانون حفاظت ادارت

لایحه حفاظت سازمانها و ادارات هم از آن مقرراتی بود که رژیم طاغوتی برای کنترل و زیرنظر گرفتن

شهرداریها در قالب ماده ۱۰۰ ... سنگین را بکار انداخت و صدها خانه را بر سر فقرای جنوب شهر خراب کرد و حالا ظاهر شدن دوباره این قانون دلهای صدها نفر را که با فلاکت توانسته‌اند آلونکی بسازند لرزانده است. عوارض نوسازی نیز

ارتجاعی‌ترین قوانین رژیم گذشته نظیر قانون ... علیه امنیت داخلی کشور" که مظهر مداخله آشکار امپریالیست‌ها از طریق رژیم کودتایی وابسته به آنان بود احیا شده است"

برای ورود بدانشگاه:

رشته‌های تحصیلی را چگونه انتخاب می‌کنید؟

انتخاب رشته تحصیلی، اکنون بزرگترین مشکل داوطلبان ورود به دانشگاهها و موسسات آموزش عالیست.

در گزینش امسال، از ۵۴۸ هزار داوطلب ورود به دانشگاهها، تنها ۴۰ هزار تن به مراکز آموزش عالی راه می‌یابند. پیروز شدن در این مسابقه بزرگ به مسائل بسیاری ارتباط دارد. این مسابقه بی‌شک عادلانه نیست. کسانی در آن شرکت دارند که از شرایط یکسانی، در سراسر دورهٔ تحصیل برخوردار نبوده‌اند و یا امکانات خانوادگی و اختلافات طبقاتی و گونه‌گونی شرایط اقلیمی و کیفیت متفاوت مدارس و دبیرستانها، این امکان را به آنها نداده است.

بحث و ریشه‌یابی درباره مشخصات و کیفیت این مسابقه را به فرصت دیگری می‌گذاریم. اما اکنون آنچه که برای داوطلبان اهمیت دارد، انتخاب رشته و آنهم بگونه‌ای است که امکان پذیرش آنها را در یکی از مراکز آموزش عالی و سربلند برخاستن از این مسابقه را بیشتر کند. دقت و توجه کافی به همه نکات و مسائلی که داوطلبان هنگام انتخاب رشته باید در نظر داشته باشند، می‌تواند در موفقیت داوطلبان در این مسابقه نابرابر موثر واقع شود.

روزنامه‌ی "آزاد" تنها بر این اساس، توجه داوطلبان را به نکاتی که هنگام انتخاب رشته باید در نظر داشته باشند، جلب می‌کند.

چگونه رشته تحصیلی خود را انتخاب می‌کنید؟

هر داوطلب تنها می‌تواند حداکثر تا ده رشته شماره‌دار را از یک گروه آزمایشی که در آن شرکت کرده است، انتخاب کند. برای انتخاب رشته‌ها داوطلبان باید دفترچه راهنمای کنکور و بویژه ضوابط و شرایط رشته مورد نظر و مندرجات زیر جدولی را که رشته انتخابی داوطلب در آن نوشته شده، دقیقا مطالعه‌کنند. داوطلبان تنها وقتی می‌توانند رشته مورد نظر خود را انتخاب کنند، که حائز شرایط آن رشته باشند.

پس از انتخاب ده رشته تحصیلی مورد علاقه، داوطلبان باید با توجه به نمره کارنامه کنکور و ردیف خود در گروه آزمایشی و همچنین با توجه به علاقه‌شان به رشته‌های تحصیلی، آنها را به ترتیب تقدم، در برگ درخواست پذیرش بنویسند و به آدرس سازمان سنجش آموزش کشور با پست سفارشی بفرستند.

> ○ فقط ده رشته شماره‌دار از یک گروه آزمایشی را انتخاب کنید.
>
> ○ شرایط رشته‌های تحصیلی را به دقت بخوانید.
>
> ○ گواهی قبولی و یا دیپلم خود را همراه برگ درخواست پذیرش پست کنید.
>
> ○ داوطلبان رشته‌های ستاره‌دار نباید برگ درخواست پذیرش را تکمیل کنند.
>
> ○ هنگام انتخاب رشته به نمره کارنامه و ردیف خود در گروه آزمایشی توجه کنید.
>
> ○ شماره رشته‌ها را خوانا و روشن بنویسید.
>
> **۳۱ مرداد آخرین مهلت**
>
> **تکمیل برگ درخواست پذیرش است**

داوطلبان باید توجه داشته باشند که تکرار شماره یکی از رشته‌های انتخابی، نه‌تنها بر احتمال قبولی‌شان در کنکور نمی‌افزاید، بلکه این احتمال را ضعیف نیز می‌کند.

داوطلبان باید توجه داشته باشند که همراه برگ درخواست پذیرش، گواهی قبولی سال آخر دبیرستان و یا فتوکپی دیپلم خود را نیز همراه برگ درخواست پذیرش که ده رشته تحصیلی مورد علاقه داوطلب در آن درج شده، در پاکت مخصوص، به آدرس سازمان سنجش بفرستند.

بر اساس مندرجات دفترچه راهنمائی ورود به آموزش عالی، تنها داوطلبانی می‌توانند برگ درخواست پذیرش را تکمیل کنند که یا در سالهای قبل دیپلم گرفته و یا در امتحانات نهائی دوره کامل متوسطه امسال پذیرفته شده باشند. همچنین داوطلبان رشته‌های ستاره‌دار نباید برگ درخواست پذیرش را تکمیل کنند.

داوطلبان رشته‌های ستاره‌دار پس از اعلام شرایط این رشته‌ها از سوی مراکز آموزش عالی و از طریق درج آگهی در روزنامه‌ها رشته‌های موردنظر خود را انتخاب خواهند کرد. داوطلبانی که برگ درخواست پذیرش را تکمیل می‌کنند، باید توجه داشته باشند که برگ درخواست پذیرش تنها برای نیمسال اول سال تحصیلی ۵۹-۱۳۵۸ معتبر است و برای نیمسال دوم به هیچوجه اعتبار و ارزش ندارد.

داوطلبان پیش از تکمیل برگ درخواست‌پذیرش بهتر است، چند فتوکپی از آن تهیه کرده و رشته‌های موردنظر خود را به‌ترتیب تقدم در آن درج کنند و پس از اطمینان از شماره و شرایط رشته‌ها مجدداً آنرا به برگ درخواست پذیرش اصلی منتقل کنند تا اشتباهی رخ ندهد.

نمره کارنامه و ردیف داوطلب در گروه آزمایشی

داوطلبان هنگام انتخاب رشته باید به نمره کارنامه و ردیف خود در گروه آزمایشی که در آن شرکت کرده‌اند، کاملا توجه داشته باشند.

رشته‌های مورد علاقه داوطلبان، باید با توجه به تعداد کسانی که در گروه آزمایشی داوطلب شرکت کرده‌اند و ردیف داوطلب در آن گروه و نمره کارنامه انتخاب شود. داوطلبان اگر بی‌توجه به این نکات دست به انتخاب رشته بزنند، شانس کمتری برای ورود به دانشگاه خواهند داشت.

داوطلبان هنگام تکمیل برگ درخواست پذیرش باید توجه کنند که شماره رشته‌ها را درست و خوانا بنویسند. سازمان سنجش اعلام کرده است که به‌شماره‌هائی که ناخوانا نوشته شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد. همچنین مطالبی که در برگ درخواست پذیرش نوشته می‌شود درست باشد. در غیر اینصورت حتی‌ممکن است از ادامه تحصیل داوطلب علیرغم قبولی در کنکور جلوگیری شود.

بر اساس اطلاعیه‌ای که سازمان سنجش آموزش کشور انتشار داده است، داوطلبان فقط ده روز و حداکثر تا پایان ۳۱ مرداد ماه فرصت دارند که برگهای درخواست پذیرش را به آدرس سازمان سنجش ارسال دارند. این مهلت به‌گفته مقامات سازمان سنجش تمدید نخواهد شد و به برگهائی که پس از مهلت تعیین شده ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

عقب‌مانده‌های ذهنی را دریابیم

مرکز توان‌بخشی ازگل تعداد کودکان عقب مانده ذهنی را که در این مرکز نگهداری می‌شد از ۴۰۰ به ۸۰ نفر تقلیل داده است.

یک عضو انجمن کودکان عقب‌افتاده ذهنی ضمن بیان این مطالب گفت: هم‌اکنون پرسنل این مرکز از تعداد کودکان عقب‌مانده ذهنی تحت مراقبت، بیشتر است. قبل از انقلاب درحدود ۴۰۰ کودک در مرکز ازگل نگاهداری می‌شد ولی اینک این تعداد بسیار کاهش یافته است.

این عضو انجمن اظهار داشت. در حالیکه دهها هزار کودک بیمار ذهنی در کشور وجود دارد و صدها نفر در انتظار رسیدن نوبت هستند، تقلیل تعداد بیماران یک امر نسنجیده است و باید هرچه زودتر مسوولان این مرکز مورد بازخواست قرارگیرند. از طرف دیگر باید وزارت بهداری با برنامه منظمی، کودکان عقب‌مانده ذهنی را زیر چتر حمایت خود قرار دهد و خانواده‌های معلولان را از نگرانی نجات دهد.

فصل اول : کلیات

ماده ۱– والاترین هدف هرنظام آموزشی و از جمله نظام دانشگاهی تامین شرایط مناسب برای رشد شخصیت و اشاعه احترام به حیثیت انسانی و اعتقاد به آزادیهای اساسی و دفاع از آنهاست و این امر جز درجهت تکامل همه‌جانبه جامعه مفهومی نمیتواند داشته باشد.

ماده ۲– نظام دانشگاهی باید افراد را برای ایفای مسوولیت موثر در یک جامعه آزاد و شکوفان آماده سازد و با گسترش آزادانه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی زندگی فرهنگی، علمی و اقتصادی جامعه را رونق بخشد.

ماده ۳– نظام دانشگاهی باید درجهت شناخت و اعتلاء و گسترش دانش بشری در تمام زمینه‌های علمی، فنی و فرهنگی و انتقال تجربیات مربوط به آن به نسل‌های متوالی را شالوده برنامه‌ریزیهای خود قرار دهد.

ماده ۴– نظام دانشگاهی باید در راه پاسداری از فرهنگ راستین مردم و رشد و اعتلای نیروهای تولیدی و اقتصاد سالم و زنده جامعه گام بردارد و بدور از خدمت منافع خصوصی و امیال فردی و گروهی و بدور از مداخله دولت و دستگاههای اجرایی، جز در محدوده این قانون باشد.

ماده ۵– نظام دانشگاهی باید در ارتباط با خواستهای انقلاب باشد و حراست از دست‌آوردهای آن و هماهنگ کردن نیازهای خلق‌های ایران را برای ایجاد جامعه‌ای آزاد، آباد و مستقل در هدف‌های خود قرار دهد.

ماده ۶– نظام دانشگاهی باید در خدمت و در رابطه نزدیک با منافع توده‌ها و بدور از هرنوع نخبه‌گرایی، اشاعه دیوان سالاری و سلطه فرهنگی بوده و هدف‌های انقلابی و ضدامپریالیستی را سرلوحه کار خود قرار دهد.

ماده ۷– نظام دانشگاهی باید در فراهم‌ساختن محیطی آزاد ومردمی که در آن آزادی بیان، اندیشه و قلم و برخورد آراء و عقاید، اشتغال به تجربه و پژوهش تضمین گردد بکوشد و در امحای ستم فرهنگی، قومی، نژادی و منطقه‌ای هشیارانه عمل ...

ماده ۱۷– معاونان دانشگاه برحسب وظیفه از میان جامعه دانشگاهی ازطرف رئیس دانشگاه با تایید و تصویب شورای هماهنگی انتخاب خواهند شد.

ماده ۱۸– در هردانشگاه کمیته‌هایی برای اداره امور مالی، اداری، آموزشی، پژوهشی و دانشجویی تعیین میشود. ترکیب حدود اختیارات و وظایف این کمیته‌ها در اساسنامه‌های هردانشگاه تعیین میشود.

ماده ۱۹– اصل مشارکت و نظام شورایی در کلیه سطوح آموزشی وپژوهشی‌واداری‌اعم از گروه، واحد، دانشکده، موسسه و نظایر آن باید رعایت گردد. اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌های جداگانه نافذ بر این امر خواهند بود.

فصل چهارم : وظایف کلی شورای هماهنگی

ماده ۲۰– تعیین سیاست کلی و هدف‌های آموزشی و پژوهشی، اداری و مالی و دانشجویی براساس قانون استقلال دانشگاهها.

ماده ۲۱– انتخاب و تعویض رئیس دانشگاه و تایید و تصویب معاونان دانشگاه.

ماده ۲۲– تهیه و تدوین برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و تغییرات بنیادی در آنها براساس نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و مرتبط ساختن آنها با نیازهای عمرانی و اقتصادی کشور و منطقه مورد فعالیت.

ماده ۲۳– بررسی و تصویب طرح‌های پژوهشی در رعایت نیازهای اقتصادی، فرهنگی، صنعتی، کشاورزی، بهداشتی، سیاسی و اجتماعی در سطح منطقه مورد فعالیت و کشور.

ماده ۳۵– ترازنامه مالی دانشگاه در پایان هرسال تحصیلی تنظیم و به ضمیمه گزارش حسابرسان به وزارت دارایی و یا واحد تعیین‌شده دیگرفرستاده میشود.

ماده ۳۶– تحصیل در دانشگاه در تمام دوره‌ها رایگان است و تامین رفاه و تندرستی جامعه دانشگاهی برعهده دانشگاه است و چگونگی استفاده از آن در آیین‌نامه‌های داخلی هردانشگاه معین میشود.

ماده ۳۷– استخدام اعضای هیات علمی و فنی و اداری تابع مقرراتی است که توسط دانشگاه با رعایت ضوابط شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها تدوین میشود.

ماده ۳۸– ضریب حقوقی اعضای دانشگاههای مشابه باید یکسان باشد.

تبصره – در موارد خاص با تصویب شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها میتوان مزایای خاصی برای یک دانشگاه درنظر گرفت.

ماده ۳۹– تعیین ضریب حقوقی در مراتب اداری و آموزشی طبق ضوابط و شرایط معین با رعایت اصل عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها و با موافقت دولت توسط شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها انجام میگیرد.

ماده ۴۰– تغییر ضریب حقوقی برمبنای شاخص هزینه زندگی در سطح کشورانجام می‌پذیرد.

ماده ۴۱– ارتقاء پایه در کلیه مراتب درمورد کلیه اعضاء باید برمبنای ارزشیابی فعالیت علمی، اداری، فنی و خدماتی صورت گیرد.

و روسای کمیسیونهای مجلس، عضو شورای‌هماهنگی، شورای اجرایی را تشکیل می‌دهند. حداکثر تعداد اعضای این شورا بیست ویک نفر است. حدود وظایف و اختیارات شورای اجرایی را شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها تعیین می‌نماید.

تبصره ۲– شورا بهتر است بر حسب موضوع و موردی که مطرح میگردد از نمایندگان صاحب صلاحیت و افراد ذی صلاح و ذینفع از شوراهای ایالتی و ولایتی و واحدهای مختلف سازمانها ووزارت خانه‌ها و موسسات دیگر برای بررسی مسئله دعوت بعمل آورد.

ماده ۴۸ – شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها عالیترین مرجع تصمیم‌گیری در باب نظام آموزش عالی است.

فصل هشتم : وظائف شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها

ماده ۴۹ – تعیین هدف و سیاست‌های عمومی حاکم بر آموزش عالی.

ماده ۵۰ – هماهنگ کردن برنامه‌های آموزش عالی در سطح کشور و نظارت بر اجرای آنها.

ماده ۵۱ – تعیین نیازهای آموزش عالی در سطح کشور از طریق تبادل نظر با وزارت‌خانه‌ها، سازمانها، موسسات و شوراهای ایالتی و ولایتی و منطقه‌ای.

ماده ۵۲ – هماهنگ کردن برنامه‌های آموزش عالی با سایر مقاطع تحصیلی.

ماده ۵۳ – هماهنگ کردن ضوابط علمی پذیرش دانشجو.

ماده ۵۴ – تصویب بودجه تفکیکی آموزشی و پژوهشی و خدماتی و عمرانی هر دانشگاه.

ماده ۵۵ – ایجاد و اجازه تاسیس دانشگاههای جدید با توجه به نیازهای منطقه‌ای و تصویب پیشنهادات دانشگاهها در زمینه ایجاد گروهها و رشته‌های جدید آموزشی و پژوهشی.

ماده ۵۶ – اظهار نظر درباره انحلال دانشگاه یا یک رشته تحصیلی به پیشنهاد شورای آن دانشگاه و ادغام چند موسسه یا واحد آموزشی بمنظور ایجاد یک دانشگاه جدید.

ماده ۵۷ – اظهار نظر درباره تعطیل طولانی یک ...

طرح پیشنهادی سازمان ملی دانشگاهیان برای استقلال دانشگاهها

اداره دانشگاه، برپایه مشارکت و آزادی

براساس طرح پیشنهادی:

۰ دانشگاه توسط شوراهای منتخب جامعه ...

۰ تحصیل در دانشگاه در تمام دوره‌ها رایگان است ...

منطقه مورد فعالیت و کشور.

طرح پیشنهادی سازمان ملی دانشگاهیان برای استقلال دانشگاهها

اداره دانشگاه، بر پایه مشارکت و آزادی

براساس طرح پیشنهادی:

- دانشگاه توسط شوراهای منتخب جامعه دانشگاهی اداره می‌شود.
- **آزادی اندیشه، گفتار، اجتماعات و نشر افکار و عقاید از ارکان اصلی آزادیهای دانشگاهی است.**
- تصویب بودجه دانشگاه از اختیارات شورای هماهنگی است.
- **تحصیل در دانشگاه در تمام دوره‌ها رایگان است.**
- شورای هماهنگی مرکزی عالیترین مرجع تصمیم‌گیری درباره نظام آموزش عالی است.
- **تعطیل طولانی دانشگاه پس از تصویب مجلس قابل اجراست.**
- اعمال سیاست تهدید، تطمیع و خشونت در دانشگاهها ممنوع است.

خود قرار دهد.

ماده ۶ـ نظام دانشگاهی باید در خدمت و در رابطه نزدیک با منافع توده‌ها و بدور از هرنوع نخبه‌گرایی، اشاعه دیوان سالاری و سلطه فرهنگی بوده و هدف‌های انقلابی و ضدامپریالیستی را سرلوحه کار خود قرار دهد.

ماده ۷ـ نظام دانشگاهی باید در فراهم‌ساختن محیطی آزاد ومردمی که در آن آزادی بیان، اندیشه و قلم و برخورد آراء و عقاید، اشتغال به تجربه و پژوهش تضمین گردد بکوشد و در امحای ستم فرهنگی، قومی، نژادی و منطقه‌ای هشیارانه عمل کند و در برنامه‌ریزی خود علاوه‌بر رعایت نکات بالا شرایط اقلیمی و منطقه‌ای و نیاز مردم منطقه را هدف خود قرار دهد.

ماده ۸ـ استقلال نظام دانشگاهی تنها به مفهوم استقلال اداری، علمی و فرهنگی نیست بلکه مفهوم آن ایجاد شرایطی است که هدف‌ها و رسالت‌های مذکور در مواد بالا تحت‌آن شرایط امکان‌پذیر میگردد. هرمفهوم دیگری از استقلال به جدایی دانشگاهها از مردم بعنوان یک قشر نخبه و دیوان‌ـسالار منتهی میشود.

فصل دوم: استقلال دانشگاهی

ماده ۹ـ کلیه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی که در این طرح دانشگاه خوانده میشوند برابر مفاد این قانون واساسنامه‌های مربوط به آن اداره خواهند شد.

تبصره ۱ـ دانشگاه در این طرح مجموعه‌ای است از واحدهای آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های مختلف علوم و فنون وهنرها که حداقل نیمی از اعضای هیات علمی مورد لزوم آن تمام وقت بوده و به تنهایی بتواند در سطوح و مقاطع تحصیلات عالی به آموزش و پژوهش پرداخته و درجات تحصیلی (حداقل لیسانس) اعطا کند.

ماده ۱۰ـ دانشگاه در این طرح سازمانی است غیرانتفاعی عمومی و دارای استقلال مالی، اداری آموزشی و پژوهشی و شخصیت حقوقی.

ماده ۱۱ـ دانشگاه با مشارکت گروهی و همگانی بر پایه اصول و مبانی آزادی، دموکراسی و رعایت اصل انتخابی‌بودن مدیریت در کلیه سطوح و توسط شوراهای منتخب جامعه دانشگاهی مرکب از هیات علمی، دانشجویان و کارکنان اداره میشود.

ماده ۱۲ـ زندگی دانشگاهی باید براساس‌آزادی پایه‌ریزی شود. آزادی اندیشه و گفتار، آزادی نشر عقاید و افکار و آزادی اجتماعات ازارکان اصلی آزادیهای دانشگاهی است.

ماده ۱۳ـ جامعه دانشگاهی باید از امنیت شغلی، شرایط کارو زندگی مناسب در چهارچوب عدالت اجتماعی برخوردار باشد. منع جامعه دانشگاهی از مشارکت در امور خود و دورنگهداشتن

ماده ۲۴ـ ایجاد ارتباط و مبادلات علمی، فنی و پژوهشی بمنظور تامین نیازها با دانشگاههای دیگر از طریق عقد قراردادهای بینابین.

تبصره ـ عقد قرارداد با دانشگاههای خارجی باید بااطلاع و تایید شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها باشد.

ماده ۲۵ـ تصویب بودجه و رسیدگی به حسابهای سالیانه و تخصیص اعتبارات برای فعالیت‌های مختلف دانشگاهها.

ماده ۲۶ـ بررسی و تایید پیشنهادات دانشکده‌ها و واحدهای آموزشی و پژوهشی در زمینه ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید، ایجاد وتغییر گروههای آموزشی و تغییرات واحدهای اداری و نظایر آن.

تبصره ـ ایجاد گروه و واحدهای جدید آموزشی و پژوهشی رشته‌های مستقل باید بتصویب شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها برسد.

ماده ۲۷ـ تعیین ظرفیت و نحوه پذیرش دانشجو برمبنای نظرات و پیشنهادات واحدهای تابعه و رعایت نیازهای کشور و منطقه.

ماده ۲۸ـ تعطیل موقت و اضطراری دانشگاه حداکثر برای مدت یک نیمسال.

ماده ۲۸ ب ـ تصویب یا رد پیشنهاد رئیس دانشگاه درباره ورود قوای انتظامی به دانشگاه.

ماده ۲۹ـ تعیین و تصویب اساسنامه‌ها، مقررات، آیین‌نامه‌ها و ضوابط مربوط به کلیه امور دانشگاهی.

تبصره ـ شورا مکلف است ظرف مدت دوماه از تصویب این قانون اساسنامه‌ها، مقررات، آیین‌نامه‌ها و ضوابط را با رعایت این قانون و نظرجویی از ارکانهای دانشگاهی تهیه و تصویب کند.

ماده ۴۲ـ دانشگاه ازنظر بازنشستگی و حقوق وظیفه تابع قوانین استخدامی دانشگاه است.

تبصره ـ اعضای هیات علمی میتوانند با رعایت مقررات خاص دانشگاه و توافق طرفین سنوات خدمت و یا سن بازنشستگی را زیادتر از حدود مندرج در قوانین کشوری سازند.

فصل ششم: امور آموزشی و پژوهشی

ماده ۴۳ـ هر دانشگاه میتواند در حدود مقررات این قانون همانطور که گفته شد برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و فعالیت‌های مختلف خود را در زمینه‌ـهای فرهنگی، فنی و علمی تنظیم کند و راههای مناسب برای نیل به هدف‌های آموزش عالی کشور را آزادانه برگزینند.

ماده ۴۴ـ اعضای هیات علمی اعم از کموزشی و پژوهشی در بیان و نوشتن عقاید خود نسبت به وظایف‌آموزشی وپژوهشی، آزادی واستقلال‌دارند.

ماده ۴۵ـ جامعه دانشگاهی اعم از اعضای علمی، دانشجویان و کارکنان در اعلام نظرهای خود درباره مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تشکیل اجتماع و انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و سندیکاها آزاداند مشروط برآنکه سبب اختلال و توقف فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی نگردد.

فصل هفتم: شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها

ماده ۴۶ـ به منظور نظارت بر کار دانشگاهها و هماهنگ کردن برنامه‌های آموزشی و تعیین سیاست‌ـهای کلی آموزشی و پژوهشی حاکم بر نظام آموزش عالی در سراسر کشور شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها تشکیل میشود.

ماده ۴۷ـ شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها

دانشجو.

ماده ۵۴ ـ تصویب بودجه تفکیکی آموزشی و پژوهشی و خدماتی و عمرانی هر دانشگاه.

ماده ۵۵ ـ ایجاد و اجازه تاسیس دانشگاههای جدید با توجه به نیازهای منطقه‌ای و تصویب پیشنهادات دانشگاهها در زمینه ایجاد گروهها و رشته‌های جدید آموزشی و پژوهشی.

ماده ۵۶ ـ اظهار نظر درباره انحلال دانشگاه یا یک رشته تحصیلی به پیشنهاد شورای آن دانشگاه و ادغام چند موسسه یا واحد آموزشی بمنظور ایجاد یک دانشگاه جدید.

ماده ۵۷ ـ اظهار نظر درباره تعطیل طولانی یک دانشگاه به پیشنهاد شورای آن دانشگاه.

تبصره ـ تعطیل طولانی دانشگاه پس از تصویب مجلس شورای ملی قابل اجرا میباشد.

ماده ۵۸ ـ تعیین ضوابط مربوط به ارزشیابی مدارک علمی، فنی و هنری داخلی و خارجی.

ماده ۵۹ ـ تعیین ضوابط مربوط به ارزشیابی کار دانشگاه.

ماده ۶۰ ـ هماهنگ کردن مقررات استخدامی اعضای هیات علمی و کارکنان فنی، اداری و خدماتی دانشگاه.

ماده ۶۱ ـ تعیین ضوابط بمنظور ایجاد دانشگاه‌ـهای جدید.

ماده ۶۲ ـ تعیین نیازهای منطقه‌ای از نظر ایجاد واحدهای آموزشی، فنی و پژوهشی با نظرخواهی از شوراهای ایالتی و ولایتی.

ماده ۶۳ ـ کمک به ایجاد شورای آموزش منطقه‌ای بمنظور تخمین و تامین نیازهای منطقه و نحوه تربیت نیروی مورد نیاز با توجه به ضروریات منطقه و دادن اولویت‌ها به مناطق نیازمندتر.

فصل نهم: شورای هماهنگی پژوهش

ماده ۶۴ ـ به منظور تعیین سیاست‌های کلیه پژوهشی در سطح کشور با رعایت‌نیازهای عمرانی، علمی، فنی، فرهنگی، و منطقه‌ای و هماهنگ کردن آنها شورایی به نام شورای هماهنگی پژوهشی تشکیل می‌شود.

ماده ۶۵ ـ آیین‌نامه شورای پژوهشی توسط اعضای شورا تدوین و پس از تایید شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها قابل اجرا است.

فصل دهم: وظایف شورای عالی پژوهش

ماده ۶۶ـ بررسی و تدوین سیاست‌های کلی پژوهشی در زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و غیره و تدوین مقررات و هماهنگ کردن کار محققان.

ماده ۶۷ـ همگام کردن پژوهش با نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عمرانی منطقه‌ای در سطح کشور.

ماده ۶۸ـ کمک به ایجاد واحدهای پژوهشی در واحدهای آموزشی و تقویت توان پژوهشی آنها.

ماده ۶۹ـ جمع‌آوری و انتشار فعالیتهای پژوهشی در زمینه‌های علمی، فنی، و فرهنگی و ایجاد مرکز

تبصره ۱ـ دانشگاه در این طرح مجموعه‌ای است از واحدهای آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های مختلف علوم و فنون وهنرها که حداقل نیمی از اعضای هیات علمی مورد لزوم آن تمام وقت بوده و به تنهایی بتواند در سطوح و مقاطع تحصیلات عالی به آموزش و پژوهش پرداخته و درجات تحصیلی (حداقل لیسانس) اعطا کند.

ماده ۱۰ـ دانشگاه در این طرح سازمانی است غیرانتفاعی عمومی و دارای استقلال مالی، اداری آموزشی و پژوهشی و شخصیت حقوقی.

ماده ۱۱ـ دانشگاه با مشارکت گروهی و همگانی بر پایه اصول و مبانی آزادی، دموکراسی و رعایت اصل انتخابی‌بودن مدیریت در کلیه سطوح و توسط شوراهای منتخب جامعه دانشگاهی مرکب از هیات علمی، دانشجویان و کارکنان اداره میشود.

ماده ۱۲ـ زندگی دانشگاهی باید براساس آزادی پایه‌ریزی شود. آزادی اندیشه و گفتار، آزادی نشر عقاید و افکار و آزادی اجتماعات ارکان اصلی آزادیهای دانشگاهی است.

ماده ۱۳ـ جامعه دانشگاهی باید از امنیت شغلی، شرایط کارو زندگی مناسب در چهارچوب عدالت اجتماعی برخوردار باشد. منع جامعه دانشگاهی از مشارکت در امور خود و دورنگهداشتن آنها از تصمیم‌ها، اعمال سیاست تهدید، تطمیع و خشونت، هتک حرمت استاد و دانشجو و کارمند اعمال اغراض شخصی، نادیده گرفتن موازین آموزشی و پژوهشی سبب رکود و انقیاد و ازخود بیگانگی فرهنگی و علمی گشته و تباهی نظام آموزشی را سبب میشود.

ماده ۱۴ـ تامین و دفاع از حقوق و منافع صنفی جامعه دانشگاهی از طریق تشکیل اتحادیه‌ها و شوراهای صنفی تحقق‌پذیر است.

فصل سوم: سازمان مدیریت دانشگاه

ماده ۱۵ـ شورای هماهنگی دانشگاه عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری است این شورا متشکل از نمایندگان هیات علمی دانشجویان، کارکنان و نمایندگان شوراهای ایالتی و ولایتی است. ترکیب این شورا و روش انتخاب اعضای آن برطبق اساسنامه و آئین‌نامه‌های هردانشگاه مشخص میشود.

ماده ۱۶ـ شورای هماهنگی یک نفر از اعضای برجسته هیات علمی را که حداقل (پنج) سال سابقه دانشگاهی داشته باشد برای مدت دوسال به عنوان رئیس دانشگاه انتخاب میکند. رئیس دانشگاه در مقابل شورای هماهنگی مسوول است.

تبصره ـ تجدید انتخاب رئیس برای دودوره دوساله دیگر بلامانع است.

سالیانه و تخصیص اعتبارات برای فعالیت‌های مختلف دانشگاهها.

ماده ۲۶ـ بررسی و تایید پیشنهادات دانشکده‌ها و واحدهای آموزشی و پژوهشی در زمینه ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید، ایجاد وتغییر گروههای آموزشی و تغییرات واحدهای اداری و نظایر آن.

تبصره ـ ایجاد گروه و واحدهای جدید آموزشی و پژوهشی رشته‌های مستقل باید بتصویب شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها برسد.

ماده ۲۷ـ تعیین ظرفیت و نحوه پذیرش دانشجو برمبنای نظرات و پیشنهادات واحدهای تابعه و رعایت نیازهای کشور و منطقه.

ماده ۲۸ـ تعطیل موقت و اضطراری دانشگاه حداکثر برای مدت یک نیمسال.

ماده ۲۸ ب ـ تصویب یا رد پیشنهاد رئیس دانشگاه درباره ورود قوای انتظامی به دانشگاه.

ماده ۲۹ـ تعیین و تصویب اساسنامه‌ها، مقررات، آیین‌نامه‌ها و ضوابط مربوط به کلیه امور دانشگاهی.

تبصره ـ شورا مکلف است ظرف مدت دوماه از تصویب این قانون اساسنامه‌ها، مقررات، آیین‌نامه‌ها و ضوابط را با رعایت این قانون و نظرجویی از ارکانهای دانشگاهی تهیه و تصویب کند.

فصل پنجم: امورمالی، اداری و استخدامی

ماده ۳۰ـ اعتبارمالی دانشگاه در بودجه کشور، با توجه و رعایت ضوابط شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها بصورت یک قلم در اختیار دانشگاه قرار میگیرد.

ماده ۳۱ـ دانشگاه میتواند دارای درآمدهای اختصاصی از راه انجام خدمات پژوهشی و فنی باشد و کمکهای خصوصی و وقفهایی را که به دانشگاه عرضه میشود قبول کند. ولی بایستی صورت کامل اینگونه درآمدها و منابع را در بودجه و ترازنامه خود به دولت اعلام کند. همچنین دانشگاه میتواند برای انجام برنامه‌های خاص و ضروری وام بگیرد. گرفتن وام با تصویب هیات‌وزیران انجام میشود.

ماده ۳۲ـ امورمالی و معاملاتی دانشگاه تابع مقرراتی است که از سوی دانشگاه وضع میشود.

ماده ۳۳ـ دولت میتواند حسابرسانی را برای نظارت بر اجرای بودجه دانشگاه معرفی کند. این حسابرسان حق دخالت در امورمالی دانشگاه را ندارند ولی در جلسات امورمالی میتوان از آنها بعنوان مشاور و بدون حق رای دعوت کرد.

ماده ۳۴ـ حسابرسان میتوانند دفاتر و اسناد موردنیاز را بررسی کنند و لازم است در پایان هر سه ماه گزارش کار خود را به رییس دانشگاه‌ووزارت خانه‌های مربوطه بدهند.

ماده ۴۳ـ هر دانشگاه میتواند در حدود مقررات این قانون همانطور که گفته شد برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و فعالیت‌های مختلف خود را در زمینه‌های فرهنگی، فنی و علمی تنظیم کند و راههای مناسب برای نیل به هدف‌های آموزش عالی کشور را آزادانه برگزیند.

ماده ۴۴ـ اعضای هیات علمی اعم از آموزشی و پژوهشی در بیان و نوشتن عقاید خود نسبت به وظایف آموزشی وپژوهشی، آزادی واستقلال دارند.

ماده ۴۵ـ جامعه دانشگاهی اعم از اعضای علمی، دانشجویان و کارکنان در اعلام نظرهای خود درباره مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تشکیل اجتماع و انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و سندیکاها آزادند مشروط برآنکه سبب اختلال و توقف فعالیت های آموزشی و پژوهشی نگردد.

فصل هفتم: شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها

ماده ۴۶ـ به منظور نظارت بر کار دانشگاهها و هماهنگ کردن برنامه‌های آموزشی و تعیین سیاست‌های کلی آموزشی و پژوهشی حاکم بر نظام آموزش عالی در سراسر کشور شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها تشکیل میشود.

ماده ۴۷ـ شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها مرکب از اعضای زیر است:

۱ـ روسای منتخب دانشگاهها
۲ـ نماینده شورای عالی پژوهش
۳ـ نمایندگان اجرایی دولت (وزرا) در نظام آموزش کشور
۴ـ وزیر اقتصاد و دارایی
۵ـ وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه و یا واحد مشابه آن
۶ـ روسای کمیسیون‌های آموزشی، استخدامی و دارایی در مجلس شورای ملی
۷ـ یک نفر نماینده دانشجو از شورای هماهنگی هردانشگاه
۸ـ یک نفر نماینده کارکنان از شورای هماهنگی هردانشگاه
۹ـ یک نفر نماینده اعضای هیات علمی از شورای هماهنگی هردانشگاه
۱۰ـ یک نماینده از هرشورای ایالتی و ولایتی منطقه دانشگاهی

تبصره ۱: شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها در نخستین اجلاسیه خود، گروهی از روسای دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، اعضای هیاتهای علمی، دانشجویان و کارکنان را از میان خود انتخاب می‌نماید. این گروه بهمراهی وزیران

بمنظور تخمین و تامین نیازهای منطقه و نحوه تربیت نیروی مورد نیاز با توجه به ضروریات منطقه و دادن اولویت‌ها به مناطق نیازمندتر.

فصل نهم: شورای هماهنگی پژوهش

ماده ۶۴ ـ به منظور تعیین سیاست‌های کلیه پژوهشی در سطح کشور با رعایت‌نیازهای عمرانی، علمی، فنی، فرهنگی، و منطقه‌ای و هماهنگ کردن آنها شورایی به نام شورای هماهنگی پژوهشی تشکیل می‌شود.

ماده ۶۵ ـ آیین‌نامه شورای پژوهشی توسط اعضای شورا تدوین و پس از تایید شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها قابل اجرا است.

فصل دهم: وظایف شورای عالی پژوهش

ماده ۶۶ـ بررسی و تدوین سیاست‌های کلی پژوهشی در زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و غیره و تدوین مقررات و هماهنگ کردن کار محققان.

ماده ۶۷ـ همگام کردن پژوهش با نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عمرانی منطقه‌ای در سطح کشور.

ماده ۶۸ـ کمک به ایجاد واحدهای پژوهشی در واحدهای آموزشی و تقویت توان پژوهشی آنها.

ماده ۶۹ـ جمع‌آوری و انتشار فعالیتهای پژوهشی در زمینه‌های علمی، فنی، و فرهنگی و ایجاد مرکز اطلاعات پژوهشی و ایجاد امکانات برای استفاده از نتایج پژوهشات.

ماده ۷۰ـ همکاری با واحدهای اجرایی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی شهری، و روستایی، بهداشتی، دارویی، درمانی، اجتماعی و نظایر آن برای رفع نیازهای پژوهشی آنها و تعیین اولویتهای پژوهشی

ماده ۷۱ـ تنظیم و تقسیم مبادلات و همکاری‌های پژوهشی با موسسات پژوهشی داخلی و خارجی.

ماده ۷۲ـ پیشنهاد ایجاد و انحلال موسسه‌های پژوهشی دانشگاهها و واحدهای مستقل پژوهشی به شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها.

ماده ۷۳ـ توصیه در باب آموزش و پژوهش به شورای هماهنگی مرکزی دانشگاهها.

در تدوین این طرح از طرحهای مختلفی که توسط همکاران در دانشگاههای تبریز، علم‌وصنعت، تهران، آزاد، پلی تکنیک و گیلان تدوین شده سود برده شده است.

این طرح با همکاری نمایندگان دانشگاههای تهران، صنعتی تهران، پلی تکنیک، آزاد و ملی و زیر نظر هیات دبیران سازمان ملی دانشگاهیان ایران تهیه شده است ●

قائد: سوءتفاهم‌هائی که ایجاد شده بود با توضیحات پرهام برطرف شد. این سوءتفاهم مطرح نیست که چون روشنفکران به‌قدرت نرسیده‌اند پس دادوبیداد می‌کنند. زیرا ما با یك یا دو نفر یا صدنفر سروکار نداریم. اما در مورد فرمایشات دوستان دربارهٔ آسیب‌ناپذیری مسجد و نهادهای مذهبی، نباید از نظر دور داشت که این‌گونه نهادها هم از هجوم دولت برکنار نبودند. حسینیه ارشاد نمونهٔ خوبی است. به‌محض این که آنجا کانونی برای تبلیغ و مبارزه علیه رژیم شد، رژیم بیدرنگ دست به‌کار شد و تعطیلش کرد. اما در مورد عوامل مؤثر در حرکت اخیر، صرفنظر از آنچه دوستان در مورد نهادها و وسائل مبارزه و سندیکاها و احزاب گفتند، به‌اعتقاد من، موضوع شماره یك اجتماع، قدرت و ثروتی بود که در دست یك عده‌ای متمرکز شده بود. و عده خیلی زیادی که اکثریت جامعه بودند معترض بودند به‌این عمل. می‌خواستند این قدرت و ثروتی را که متمرکز شده بود در دست یك طبقه پس بگیرند. حالا در این جریانی که ما امروز داریم روشنفکران تا چه اندازه می‌توانند عمل کنند و اقدام کنند من عرض قبلیم را تکرار می‌کنم که یکی از ناکامی‌ها و ناراحتی‌های امروز روشنفکران این است که مسائل فرهنگی و مسائل پایه‌ای طبقات اجتماعی قدری درهم آمیخته و درهم شده که یك مقدار واقعاً احساس ناکامی ایجاد کرده. معلوم نیست که چطور حکومتی نمی‌تواند به‌مسائل و خواسته‌های اکثریت مردم برسد اما اکثریت مردم پشتیبانش هستند یعنی خیلی از روشنفکران معتقدند که ما می‌توانیم راه‌های بهتری ارائه دهیم و بنیادهای بهتری برای جامعه بدهیم اما به‌حرف ما توجهی نمی‌شود.

■

مستقل خودش، یا نهادهای فکری و اجتماعی مستقل خودش را نداشت چرا که رژیم هیچ نوع اقدام جمعی را، خارج از چارچوب سیاسی وابسته به‌خودش، تحمل نمی‌کرد. روشنفکران سنتی یعنی آن بخش مبارز روحانیت ما یك نوع سازمان موجود و گستردهٔ مردمی در اختیار داشتند که عملاً به‌نحوی در جامعه پراکنده بود که نمی‌شد با آن درافتاد. برای این که به‌ظاهر سیاسی نبود بلکه با اعتقادات و با افکار عمیق توده‌های مردم سروکار داشت. شما یك سندیکا را می‌توانید اشغال کنید یا داغان کنید و بکوبید و یا محل یك حزب را می‌توانید بکوبید اما جرأت نمی‌کنید بروید یك مسجد را خراب کنید و این نکته این قدر مهم است که شما در طول تاریخ سنتی ایران اگر نگاه کنید می‌بینید که تاریخ جامعهٔ ایرانی را به‌یك معنا در بستر مکانی آن، در چهره شهرها و آبادی‌ها آن، نمی‌توانید بخوانید یعنی شهر دوره به‌اصطلاح رضاخان با شهر دورهٔ قاجاریه کاملاً فرق می‌کند. چرا که قدرت سیاسی رضاخانی همه عناصر شهری مربوط به‌قدرت قبلی را نابود کرده است. یعنی کمتر عنصر فرهنگی که نمایندهٔ پراتیك اجتماعی حاکم در یك دوران باشد در قیافه شهرها و آبادی‌ها می‌بینید مگر در یك زمینه آن هم در زمینه‌های مذهبی یعنی سلسلهٔ بعدی که می‌آمد بر سر کار تمام آثار دورهٔ قبلی را خراب می‌کرد و از بین می‌برد ولی جرأت نداشت به‌مسجد و یا به‌نهادهای مذهبی دست برند برای این که این‌ها جزو نهادهای عام بودند و نهادهائی بودند که تودهٔ مردم به‌آن‌ها توجه داشت. دیگر آن که شکل بیان و ارتباط روشنفکران سنتی یعنی بیان مذهب بیانی است که در زیر سایهٔ آن میتند عمل کرد. شما نمی‌توانستید بیائید در خیابان ـ لااقل در آغاز کار ـ فریاد بزنید مرگ بر شاه ولی می‌توانستید بیائید در خیابان فریاد بزنید اللّه‌اکبر. نمی‌توانستید بیائید در خیابان و بگوئید که مثلاً ما برای خاطر سوسیالیسم مبارزه می‌کنیم یا نهضت ما نهضت سوسیالیستی است و یا فرض کنید که کمونیستی است برای این که بلافاصله گلولهٔ گرم جوابتان بود. اما می‌توانستید در خیابان راه بیفتید و بگوئید نهضت ما حسینی است برای این که کسی نمی‌توانست به‌این دلیل شما را سرکوب کند. هرچند وقتی که مسئله بر مرحلهٔ حاد خودش رسید رژیم آنقدر خشن و درنده‌خو شده بود که این را هم دیگر شروع کرد به‌سرکوب کردن منتهی وقتی شروع کرد که مکانیزم

عمل به‌حدی جلو رفته بود که دیگر کنترلش از دست رژیم خارج بود.

نکته دیگر این که ما مسئلهٔ روشنفکران را ازاین جهت مطالعه نمی‌کنیم که روشنفکران خواستار قدرت بودند و حالا چون به‌قدرت نرسیده‌اند بنابراین داد و بیدادشان بلند شده. بهیچ وجه چنین نیست. برعکس، مسأله روشنفکران را آن دسته‌ای طرح کرده‌اند که به‌قدرت رسیده‌اند. و دیگر خدا را بنده نیستند.

روشنفکرانی که امروز مورد بحث ما هستند اساساً به‌اعتقاد من خواستار قدرت نبودند آنان خواستار تغییر بنیادی در جامعه‌بودند خواستار این بودند که استبداد از بین برود و دموکراسی و آزادی جایش را بگیرد خواستار این بودند که روابط وابسته ما نسبت به‌امپریالیزم گسسته شود و ما استقلال ملی داشته باشیم اما خواستار این نبودند که وزیر شوند وکیل شوند و یا قدرت را به‌دستشان بدهند و هنوز هم به‌اعتقاد من نیستند. این خیلی جریان بسیار معنی‌داری است که شما به‌رادیکال‌ترین گروه‌های سیاسی ما هم که نگاه کنید کسانی را نمی‌بینید که همین الآن خواستار رسیدن به‌قدرت باشند آن‌ها هدف اعلام شده‌شان برعکس این است که بتوانند فعالیت کنند. بتوانند با توده‌ها تماس برقرار کنند. بتوانند مثلاً حزب و تشکیلات خودشان را درست کنند. و پس مسئله را از این دید مطرح نکنید که چون روشنفکران به‌قدرت نرسیده‌اند سروصدا می‌کنند اصلا چنین چیزی نیست.

شاملو: به‌عبارت دیگر شما مثلاً وقتی که می‌خواهید سوسیالیسم را تبلیغ کنید باید از الف و ب شروع کنید و شروع کنید به‌نفر گرفتن در حالی که روحانیت قبلاً تبلیغ کرده و لشگر خودش را آماده دارد. یعنی او فقط کافی است تحریك بکند در حالی که شما باید بروید از الف وب شروع کنید. و از آنجا که یك چنین سال‌های اختناقی را پشت سر گذاشته‌ایم اصلاً زبان شما با زبان توده یکی نیست و حرف شما حالیش نمی‌شود شما باید بروید انقلاب را به‌توده بیاموزید در حالی که او قبلاً از روحانیت آموخته. این که این‌ها آمده‌اند سرکار و قدرت را به‌دست گرفته‌اند علتش این بود و این معنایش مطلقاً این نیست که روشنفکر کار نکرده روشنفکر کار خودش را کرده ولی اگر زبانش با زبان توده‌های مردم دوتاست برای این است که هنوز فرصتی پیدا نکرده تا یك زبان مشترکی با مردم پیدا کند.

تمایز را در ذهن، همانطورکه در عین وجود دارد، قائل شویم. در این بیست و پنج سال گذشته روشنفکرهائی داشتیم که به‌تئوریسین (یا بهتر، به‌ایدئولوگ)های این مبارزه تبدیل شدند که رهبری‌اش به‌دست روحانیون افتاد. به‌نظر من آل‌احمد (جلال) تئورسیین این جنبش بود. بسیار چیزهائی که او اوّل گفت بعدها محتوای اصلی شعارهای سیاسی رهبران شد. اگر آل‌احمد زنده بود شاید خودش این نظر را قبول نمی‌کرد؛ امّا من در آل‌احمد آن روشنفکری را می‌بینم که این دورنما را عرضه می‌کرد. ضدغرب بود؛ و در غرب تمایز نمی‌دید؛ غرب مرتجع، غرب انقلابی را از هم جدا نمی‌کرد. البته پوشش مذهبی حرف‌های آل‌احمد اکنون بیشتر است. آل‌احمد روشنفکر در زمان حیاتش به‌آل‌احمد ایدئولوگ پس از مرگ بدل شده است.

پ: به‌نظر من اشارهٔ آقای شاکری در مورد تأثیر جلال آل‌احمد درتدوین جهان‌بینی نظام موجود **بطورنسبی** آن هم در بخشی از پراتیك نظام حاضر نه در تمامیت آن، معتبر است. این که آل‌احمد صحبت از غرب‌زدگی می‌کرد و حالا هم صحبت از غرب‌زدگی می‌کنند دلیل کافی نمی‌تواند باشد که ما آل‌احمد را **ایدئولوگ** نظم حاضر بدانیم. نظم حاضر ایده‌هایش را از سنتی می‌گیرد که بسیار وسیع تر و ریشه‌دارتر از نظری است که آل‌احمد در زمینهٔ برخورد ما با فرهنگ غرب مطرح می‌کرد.

شاملو: در زمینهٔ نقش روشنفکران اعتقاد عمومی اینست که روشنفکران ما از مردم جدا مانده‌اند. من فکر می‌کنم این جدائی نتیجهٔ اختناق حداقل بیست و پنج سال اخیر حکومت پهلوی بود. روشنفکر برای این که کار خودش را انجام دهد، برای این که حرف خودش را زند وسیله‌ئی نداشت. و اصلاً امکان حرف زدن وجود نداشت. در نتیجه مردم نمی‌توانستند رهبران فکری و عقیدتی داشته باشند. مردم نمی‌توانستند آموخته بشوند انقلاب یك مسئله‌ئی است که بدون سؤال مشخص و بدون برنامه مشخص اصلاً چرت است، بی‌معنی است، بی‌موضوع است. تبدیل به‌شورش می‌شود از آن به‌عنوان یك انقلاب سیاسی بهره‌برداری می‌شود. در حقیقت یك جور کودتا. اگر آگاهی نباشد هیچ چیز عوض نمی‌شود. مردم راه می‌افتند و کورکورانه به‌نوعی از نظام حکومتی رأی می‌دهند بی‌آن که اصلاً بدانند معنای آن چیست. این‌هامسائلی است که، به‌خلاف نظر آقای قائد، می‌شود

در مقابل روشنفکر گذاشت. روشنفکر باید توده‌های مردم را آگاه کند برای این که توده‌های مردم در وضعی هستند که حتی موقع طبقاتی خودشان را درك نمی‌کنند؛ مردم باید دریابند که رفتن و آمدن دیگری با اختیاراتی همانند وضع قبلی ـ چنان که در طرح قانون اساسی یا پیش‌نویس قانون اساسی می‌بینیم ـ هیچ چیز را عوض نمی‌کند. روشن کردن این مسائل برای مردم مستلزم ارتباط منظم، مستمر و طولانی با مردم است که درگذشته وجود نداشت. در طول دوران گذشته، نه مردم حق فکر کردن داشتند و نه روشنفکران حق گفتن و نوشتن.

ش: اگرمسئله اختناق را در نظر بگیریم و روشنفکرانی را که قاعدتاً از مدرسه و کتاب و دانشگاه و محافل خصوصی استفاده می‌کردند با روشنفکرانی که از مسجد استفاده می‌کردند مقایسه کنیم آن وقت می‌بینید که نوع اختناقی که بر کتاب و مدرسه و دانشگاه حاکم بود به‌مراتب شدیدتر از نوع اختناقی بود که بر مسجدحاکم بود. نمی‌خواهم بگویم که رژیم شاه برای آن‌ها تبعیض قائل می‌شد به‌هیچ وجه می‌خواهم بگویم نهادهای مذهبی نوعی بود که اختناق‌پذیری آن به‌مراتب کمتر بود. این یك امتیاز بود که روشنفکران سنتی بنظر من داشتند برای این که بتوانندکار تبلیغاتی خودشان را بکنند.

پ: من فکر می‌کنم بخشی از روشنفکران سنتی ما یعنی روحانیت مبارز هم که مسجد و منبر را در اختیار داشت به‌نوبهٔ خودش از طرف رژیم سخت سرکوب شد. به‌خصوص در دو سه سال اخیری که جنبش اوج گرفت. پس علت هدایت شدن جنبش در مسیر مذهبی این نبود، عوامل اساسی دیگر دست اندر کار بودند که شناخت آن‌ها فقط از طریق تحلیل نوع ساخت اجتماعی ایران و نوع جنبش‌های متناسب با آن امکان‌پذیر است. از لحاظ شکل‌های مبارزه، شکل‌هائی که روشنفکران غیرسنتی می‌توانستند از آن استفاده کنند یا نحوه‌بیانی که روشنفکران غیرسنتی می‌توانستند به‌کار گیرند، شکل و بیانی بود که دستگاه نسبت به‌آن حساسیت بیشتری داشت و پایه‌های مادی عملکرد آن‌ها را در جامعه درهم شکسته بود، یعنی از مطبوعات آزاد، از سندیکاها، احزاب، اتحادیه‌ها و انجمن‌ها در این مملکت خبری نبود. تنها طبقه کارگر نبود که حزب یا سندیکای خودش را نداشت. ما با رژیمی سروکار داشتیم که حتی بورژوازی هم دستگاه‌های

کلّ می‌گویند تا نقش طبقاتی خودشان را پنهان کنند. این‌ها البته خودشان علیرغم ادعاهای ضدتجربی‌شان، ضدانتلکتوئلیسم را از فرنگستان به‌سوقات آورده‌اند، مثلاً از فرانسه. در فرانسه و ایتالیا به‌علت این که غالب رُوشنفکران یا چپی‌اند یا متمایل به‌چپ، ارتجاع یك سیاست ضدروشنفکری دارد، مرتب علیه روشنفکران تبلیغ می‌کند. این‌ها هم این سیاست را از آنجا وارد کرده‌اند،امّا بعنوان کالای وطنی قالب می‌کنند.حالا چرا اینکار را می‌کنند؟ برای این که از نقش روشنفکر به‌معنای روشنگر هراس دارند، بویژه در جامعه‌ای مثل ایران که اهمیت این نقش به‌مراتب بیشتر است. عده‌ای طرفدار براندازی بودند و به‌نوعی حکومت دلخواه خودشان رسیده‌اند؛ امّا از افق دیگری که نوع دیگری از روشنفکران عرضه کرده و می‌کنند هراس دارند.این است که حالا روشنفکر را بعنوان عنصر «منفی» تبلیغ می‌کنند. و از اینجاست که این همه علیه کتاب و غیره تبلیغ می‌کنند. و این منحصر به‌آن نوع روشنفکر هم نیست. آن‌هائی هم که به‌نوعی حکومت «سوسیالیستی» می‌رسند روشنفکران را می‌کوبند. این‌ها هم به‌«مشروطیت» خودشان رسیده‌اند. این‌ها دیگرمعترض نیستند؛ مورد اعتراض‌اند. این‌ها جزئی از طبقه حاکمه‌اند. به‌ایدئولوگ‌های رژیم بدل می‌شوند.

ب: تصور می‌کنم کمی از موضوع بحث‌مان یا حداقل آن موضوعی را که من ابتدا مطرح کردم دور شدیم. و این دور شدن ما هم بدین دلیل است که بر سر این که روشنفکر چیست و توافق هنوز بین ما نیست جناب قائد اشاره کردند به‌این که صحبت از مقوله روشنفکر غلط است چرا که در مقابل تاریك فکر را به‌ذهن متبادر می‌کند و جامعه را به‌دو دسته تقسیم می‌کند. بنظر من مسئله را از این دیدگاه نباید مطرح کنیم. مسئله خیلی پراتیك و عملی است. خارج از هرگونه بحث روشنفکری و تاریك فکری یا تقسیم‌بندی کردن جامعه به‌این شکل که بحث پرتی است، واقعیت این است که یك عده آدم‌هائی وجود دارند که کارشان بهرحال بیشتر با تفکر است نه در زمینه‌های دیگر. این‌ها ضمناً کسانی هستند که با توجه به‌کار فکری که می‌کنند یك نوع برنامه یا یك نوع جهت یا یك نوع راه‌یابی جمعی را به‌جامعه ارائه می‌کنند. درست است که انجام هر فعالیتی به‌تفکری احتیاج دارد اما نقش روشنفکر یا آن گروهی که ما اسمش را

روشنفکر می‌گذاریم، این است که کار این گروه تعیین می‌کند که جامعه در مجموع نسبت به‌یك وضع چه خطی را باید طی بکند و چه برنامه عملی باید داشته باشد. به‌عبارت دیگر نقش روشنفکری را ما باید در سطح اقدام تاریخی جامعه مطرح بکنیم نه در سطح کارهای فردی و پراکنده هر فرد برای خودش. واقعیت اینست که تأثیر گروه موسوم به‌روشنفکران، در سطح اقدام تاریخی یا عمل تاریخی جامعه است. فعالیت فکری اینان، یك برنامه عمل یا یك دورنما به‌جامعه می‌دهد. و هنگامی که از اقدام تاریخی سخن می‌گوئیم، از تغییر، ازدگرگونی اساسی در وضع جامعه، سخن می‌گوئیم. بنابراین نقش روشنفکران را هم در همین رابطه باید سنجید. آنان که مدافع وضع موجودند در واقع در مقوله بحث ما داخل نمی‌شوند. صحبت ما از کسانی است که در اقدام تاریخی جامعه، یا دورنمای عمل به‌جامعه ارائه می‌دهند، و یا دورنمای موجود در حرکت اجتماعی را می‌بینند و به‌توده‌ها ابلاغ می‌کنند. در همین انقلاب که در عرض یکی دو سال اخیر به‌اوج خودش رسید. البته مقدماتش از قبل فراهم شده بود - بی‌شك بهترین تأثیر را از نقطه نظر عمل مستقیم و بیواسطه گروه‌های روشنفکران انقلابی داشتند اما گروه‌های دیگری از روشنفکران هم بودند که نقش خودشان را ایفا کردند. روزنامه‌نگاران نوشتند، نویسندگان مجامع مختلف تشکیل دادند، گویندگان در سخنرانی‌های مختلف حاضر بودند. هر جا اعتصابی یا آشوبی برعلیه رژیم گذشته در کار بود نویسنده‌ای، شاعری، گوینده‌ای، روشنفکری در آنجا حضور داشت که جماعت را در جهت حرکت بیشتر برای براندختن رژیم بسیج می‌کرد. بنابراین اگر مسئله را از این دیدگاه مطرح کنیم شاید بحث و گفت‌وگوی ما به‌روشن شدن جوانب قضیه بهتر کمك کند.

ش: من بیشتر با آنچه آقای آدمیت گفت موافقم، یعنی این که روشنفکری داریم که در عین این که متعهد است مبارز هم هست: یعنی فراتر از تعهد نظری‌اش می‌رود. یکی دیگرهم هست که وظیفه‌اش را این نمی‌داند که دست به‌عمل براندازی بزند. و این هر دو نوع را ما در این جنبش انقلابی دیدیم. یکی نمی‌تواند ـ توانش را ندارد؛ و اگر فراتر از توانش برود، خراب می‌کند. هر روشنفکر متعهدی ضرورتاً نمی‌تواند انقلابی مسلح هم بشود؛ و هر انقلابی مُسلحی هم البته روشنفکر نیست.من فکر می‌کنم ناچاریم این

این است که این تقسیم‌بندی جامعه به‌روشنفکران و غیرروشنفکران به‌یک معناتأیید رفتار نادرستی است که معتقدیم دارد با این جامعه می‌شود. تصور نمی‌کنم ما بتوانیم کسی را در جامعه پیدا کنیم که بشود به‌او گفت تاریک فکر. در وجه ظاهری و مجرد می‌توانیم کسی را در این معنا پیدا کنیم، مثل بابائی که مایل است زندگی مردم الان باید مثل زمان سلطان محمد خوارزمشاه باشد یا مثل زمان فتحعلی‌شاه. اما باز وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم فرد دارد در عمل از اصولی و اساسی دفاع می‌کند و بهیچ‌وجه از موضع بلاهت و نادانی یا از تاریک‌فکری حرکت نمی‌کند. او از منافعی دفاع می‌کند و پشتیبان‌هائی هم دارد. حساب و کتابش مشخص است که از کجا می‌خواهد به‌کجا برود. پس این که جامعه را به‌روشنفکران و غیرروشنفکران تقسیم بکنیم این تقسیم‌بندی نادرستی خواهد بود. من تصورم این است که در این گونه بحث‌ها یك مفهوم ایدئولوژی خاص از روشنفکر در نظر است. ظاهراً مقصود از روشنفکران، آن به‌اصطلاح عناصر آگاهی است که قرار بوده صرفنظر از منافع طبقاتی خودشان بروند به‌کمك به‌اصطلاح امروز مستضعفین، رنجبران، زحمتکشان یا هر تعبیری دیگر. اگر امروز ما می‌گوئیم که روشنفکران نتوانستند کاری بکنند و یا این که ایجاد تردید کردند یا به‌نفعشان عمل نکرده‌اند این می‌تواندناشی از این تصوّر باشد که قرار بوده جامعه را به‌دست روشنفکران بدهند در حالی که هیچ کس چنین قراری نداشته و هیچ جا هم چنین صحبتی نبوده. آنچه صحبت بوده این است که در کشاکش نیروها در جامعه برای کسب قدرت روشنفکران می‌توانستند موضع بگیرند همانطوری که شما فرمودید. اما این تصور که جامعه به‌دست روشنفکران داده شود اصلاً مطرح نیست و اگر ما هم چنین چیزی را بپذیریم و اعتراض بکنیم که آقا جامعه را نداده‌اید بدست روشنفکران تا درستش بکنند در واقع صحه گذاشته‌ایم روی اعمال کسانی که معتقد هستند که جامعه را بدهید بدست عقاید ما، بدهید بدست افکار ما. یعنی من معتقدم کسی که می‌گوید جامعه را باید داد بدست روشنفکران تا درستش بکنند در واقع وارد یك مبارزه قدرت بسیار محدود شده مثل این که فرض کنید علمای اعلام می‌گویند جامعه را بهما بسپارید تا از روی قرآن درست کنیم. آن وقت من هم خواهم گفت نه، به‌دست من بسپارید تا از روی افکار عالی خودم درست کنم. و حال آن که درعمل

می‌بینیم که اینطور نیست.

ش: من برای خودم چهار نوع سئوال مطرح می‌کنم. هنگامی که صحبت از روشنفکر می‌شود، باید پرسید کدام روشنفکر موردنظر است؟ چه وابستگی طبقاتی دارد؟ من در انواع روشنفکران جامعه انعکاس طبقات مختلف را می‌بینم. طبقاتی که مداوم در حال شکل گرفتن و در حال فروپاشی هستند. اولین سئوال این است که روشنفکری که از یك پروسهٔ فکری گذشته، و می‌گوید آقا باید کاری کرد، به‌چه نوع کاری روی می‌آورد؟ چه کاری را به‌عنوان راه طرح می‌کند؟ دوم، چه شیوه‌ای را برای کار پیشنهادی‌اش برمی‌گزیند؟ سوم، چه نهاد یا نهادهای اجتماعی را برای تأمین هدفش انتخاب می‌کند؟ و چهارم، که اهمیت‌اش از سه دیگر کمتر نیست، این که چه هدف اجتماعی را مدّنظر دارد، هدفش از براندازی چیست؟ اینجا برمی‌گردیم به‌مسئله وابستگی طبقاتی، یعنی مرادش از براندازی یك نظم معین استقرار چه نظمی است؟ پهلوی را برمی‌اندازد چه چیزی می‌خواهد جای او بنشاند؟ جمهوری؟ جمهوری دمکراتیك؟ جمهوری اسلامی؟ خلاصهٔ دورنمای طبقاتیش چیست؟ بنظر من نمی‌توان از «کل» روشنفکران در ایران صحبت کرد. باید از انواع روشنفکران از انواع وسایل، از گونه‌های مختلف برنامه‌ها و دورنماها که اینان در مقابل خودشان می‌گذارند سخن گفت. در مورد وسیله مثلاً می‌شود از مسجد صحبت کرد، از دانشگاه، از کتاب و روزنامه؛ از رادیو و تلویزیون و از اسلحه و یا از محفل‌های مخفی. در این جنبش انقلابی کشور که بیش از ۲۰ سال بطول انجامیده، همهٔ این نوع وسایل مورد استفاده قرار گرفته. نکته دیگر این است که رژیم پهلوی چه اثرات فرهنگی در این پنجاه و چند سال بر روشنفکران کشور گذاشته؟ این‌را هم بگویم که مراد من از روشنفکر، برخلاف آن چه معمولاً شنیده می‌شود، فرد با سواد، و مدرسه رفته نیست. من روشنفکر را کسی می‌دانم که عُصاره فرهنگی طبقه‌ای را عرضه می‌کند و افقی را مطرح می‌کند. روشنفکران انقلابی جامعه سرمایه‌داری، در افق سوسیالیسم را می‌بینند، معترض‌اند؛ ضدسوسیالیست‌ها هم نوعی دیگر از جامعه را عرضه می‌کنند. پویان و احمدزاده ارانی و آل‌احمد، بنی‌صدر و امثالهُم همه «روشنفکر»اند، مُنتها روشنفکران با تعلقات طبقاتی گوناگون و حتی متضاد. البته برخی روشنفکران طبقات معین خود روشنفکران را در

کسانی که کار آنها فکر کردن و اندیشیدن است، براساس پایگاه‌های اجتماعی خاص خودشان بناچار می‌بایست در برابر این اتفاق وضع بگیرند و وضع هم گرفتند. حالا این وضع گرفتن یا اندیشه‌ای بود، یعنی نوشتن، گفتن و روشن کردن، یا وضع گرفتن عملی بود یعنی شرکت کردن در یك جریانی که داشت اتفاق می‌افتاد. مسأله ما در حقیقت بررسی چند و چون همین قضیه است.

آ: به‌نظر من پایگاه روشنفکری عقل نقّاد است که پایه‌اش بر ادراك تجربی قرار دارد، و آن معیار سنجش مجموع مأنوسات ذهنی ماست شامل آنچه به‌صورت تلقین، تقلید، منقولات و دانش عینی در ذهن ما جای گرفته. روشنفکر در اعتبار این مأنوسات شك می‌کند، آن‌ها را به‌نقد می‌کشد، و معیارش در تمیز آن معانی عقل اوست. روشنفکر از جهان‌بینی خاصی برخوردار است که موضوعش شخصیت انسان و جامعهٔ انسانی است ـ و هدفش تغییر نظام موجود در راه تعالی است. از این رو روشنفکر لزوماً متعهد است و به‌اصطلاح پیشینیان به‌طریقیت قائل است. به‌تعبیر دیگر آن‌چه در جامعه می‌گذرد برای او علی‌السویه نیست، بلکه در مقابلهٔ با مسائل اجتماعی موضع می‌گیرد. دراین موضع‌گیری وجههٔ نظر روشنفکر به‌درجات رادیکال است یعنی در دایرهٔ فکر و عمل از نقطهٔ انتقاد و اعتراض گرفته تا حرکت انقلابی می‌تواند پیش برود. عنصر روشنفکر هیچ مطلقیتی را نمی‌پذیرد خواه فلسفی یا نابعدطبیعی و اجتماعی از این‌رو از دیدگاه او دولت مطلقه مردود است، استبداد فکری و سیاسی و دینی مطرود است، ادعای انحصار حقیقت‌بینی عین غلط‌اندیشی است، و بالاخره «سختگیری و تعصب خامی است». او هاتف آزادی است و معتقد به‌حیثیت ذاتی انسانی. پس، فاشیسم که تاب انتقاد و اعتراض ندارد ـ دشمن و بدخواه روشنفکران است و هر طعن و لعنی را بر آنان روا می‌دارد.

گروه روشنفکران جامعه را فقط آن عده از اهل دانش و فکر می‌سازند که مشمول آن ضوابط شناخته شدهٔ روشنفکری باشند.متفکر فاشیسم و منادیان حرکت قهقری جامعه را از روشنفکران نمی‌شناسیم. شاعر و نویسنده و اندیشه‌گر اجتماعی که در قلمرو فکر و عمل به‌مسئولیت مدنی خویش آگاه باشند و ایفای مسئولیت کنند، روشنفکران واقعی هستند. روشنفکران در هیأت مجموع ضمیر هشیار اجتماع‌اند ـ برمی‌انگیزند

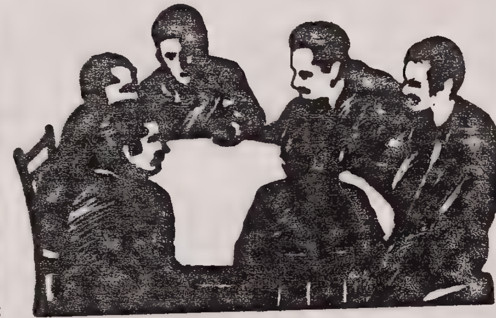
وبرمی‌انگیزانند.

اما رابطهٔ روشنفکران و انقلاب ایران: در این حرکت انقلابی افراد، گروه‌ها، رده‌هاو همه طبقات اجتماعی با وجهه‌نظرهای گوناگون در آن مشارکت جستند. به‌حقیقت کثرت آن گروه‌ها و تنوع موضع‌های سیاسی آنان در وحدت حرکت عام حضور داشت، و از این رو دقیقاً انقلابی ملی و مملکت شمول بود. بهمین سبب در تعقل تاریخی هیچ صفتی جز لفظ «ملی»ماهیت آن حرکت همگانی را به‌صحت و دقّت وصف نمی‌کند، و هر وصف دیگری تحریف تاریخی است. در تکوین حرکت انقلابی ـ نویسندگان اجتماعی و گروه‌های رزمنده مسئولیت و سهم عمده‌ای داشتند. از یکسو نویسندگان روشنفکر در نوشته‌های متنوع خود، در درون و بیرون مملکت برعلیه نظام فاسد جبار به‌اعتراض آمدند، و ماهیت آن را شناساندند. می‌دانیم که بسیاری از آن نویسندگان و حتی خوانندگان آثار ایشان به‌زندان افتادند. از سوی دیگر، قدرت مقاوم نظامی را برعلیه دولت دست‌نشاندهٔ ظالم گروه‌های مختلف رزمنده‌ای ساختند که مرگ بر کف نهادند و به‌پیکار و ستیز برخاستند. متفکران آن گروه‌ها که در آثار فکری خود ایدئولوژی رزم را پروراندند ـ در زمرهٔ روشنفکران بودند.کسانی که به‌صداقت عمل کردند. مجموع آن نوشته‌ها مهمترین لیتراتور انقلابی روزگار ما را می‌سازد.

ق: بنده تصورم این است که وقتی به‌این نحو صحبت از روشنفکران می‌شود، این وجه تمایز خواه‌ناخواه یك عده را به‌عنوان تاریك فکران یا افرادی که به‌اندازهٔ کافی روشنفکر نیستند در برابر روشنفکران قرار خواهد داد، و حال آن کزه تقسیم جامعه اساساً به‌روشنفکران و غیر روشنفکران تقسیم نادرستی است. اگر در گذشته این فقط یك به‌اصطلاح دریافت یا درك نادرست بود امروز منتهی به‌یك عمل نادرست دارد می‌شود. می‌بینیم کسانی هستند که علاقه‌مندند. جامعه را به‌دو دسته مسلمان و غیرمسلمان،بی‌ایمانان، و مؤمنان تقسیم کنند. ما این را رد می‌کنیم و می‌گوئیم که چنین چیزی نیست. زیرا اگر هم چنین چیزی باشد در یك طرف جامعه، در دستهٔ مؤمنان، ترکیب خیلی عجیب و غریبی از گروه‌ها و طبقات مختلف جا می‌گیرند و در دستهٔ غیرمذهبی‌ها یا به‌اصطلاح بی‌ایمان‌ها هم با عناصر کاملاً متضادی رو به‌رو خواهیم بود. عرض بنده

کتاب جمعه سال اول - ش. ۵
هشتم شهریور ۱۳۵۸

۱ روشنفکران و انقلاب



پ: با اجازه دوستان، نشست امروز را اختصاص می‌دهیم به‌بحث در موضوع روشنفکران و انقلاب. ـ من فکر می‌کنم که این مسئله را از دو نظر می‌توان مطرح کرد: یکی اینکه آیا روشنفکران مستقیم یا غیرمستقیم در تهیه مقدمات انقلاب یا در جریان عملی به‌ثمر رساندن آن شرکت داشته‌اند یا نه؟ دوم اینکه این مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم روشنفکران در انقلاب آیا در مجموع یك تأثیر آگاهی‌بخش و آگاه‌کننده از نظر شناساندن ماهیت واقعی انقلاب داشته یا برعکس، هیچ کمکی به‌درك معنا و مفهوم و مسیر حرکت انقلابی نکرده. نقش روشنفکران، از هر دو نظر، اکنون مورد تردید یا دست کم مورد سوآل قرار گرفته‌اند: خیلی‌ها معتقدند که روشنفکران هیچ کاری نکرده‌اند. قافلهٔ انقلاب راه افتاده و این‌ها خواب بوده‌اند و حداکثر کاری که کرده‌اند دنبالش راه افتاده‌اند. حتی برخی گفته‌اند ومی‌گویند که روشنفکران نقش مخرب داشته‌اند. همان داستان روشنفکر غرب‌زده و بقیه قضایا. عده‌ای هم، برعکس نظر دستهٔ اول، روشنفکران را درست به‌دلیل این که نقش مهمی در انقلاب داشته‌اند مورد ایراد قرار داده‌اند. می‌گویند شما مسئله را درست تشخیص نداده‌اید: چیزی را که داشت اتفاق می‌افتاد، ماهیت مسئله و رویدادی را که داشت پیش می‌آمد نشناختید، بعد با قلم‌هایتان، با حرف‌ها و سخن‌هایتان براساس این

شناخت نادرست و ناکافی یك نوع آگاهی دروغین به‌مردم دادید و مردم را به‌جائی کشاندید که الان از خودشان سؤال می‌کنند آیا آنچه اتفاق افتاده درست بود یا نه؟ بنابراین، به‌لحاظ این تردید دوگانه دربارهٔ نقش روشنفکران، من فکر می‌کنم ضرورت بحث دربارهٔ این مسئله وجود دارد. باید سعی کنیم این قضیه را بشکافیم و ببینیم که جنبه‌های مختلف آن چیست و چگونه می‌شود به‌آن پاسخ داد.

آ: بنده خیال می‌کنم اول باید تعریفی از روشنفکر بدهیم تا بدانیم که ما روشنفکر را به‌چه کسی اطلاق می‌کنیم. نویسندگان متعهد در درجه اول سهمی در روشن کردن افکار و در بلند کردن صدای اعتراض داشته‌اند. در این هیچ تردیدی نیست. اما صدای اعتراض تنها از طرف آن کسانی که ما روشنفکر عقلی می‌گوئیم نبوده است. کسان دیگری هم بوده‌اند که صدای اعتراض برداشتند اما شاید روشنفکر نبودند. از روشنفکر نمی‌شود تعریف خیلی دقیق علمی داد. همچنان که از خیلی از مفاهیم مدنی نمی‌شود تعریف خیلی دقیقی داد. امّا اگر بتوانیم ضابطه‌ای پیدا کنیم که منظورمان را از روشنفکرو نقش و فعالیت او مشخص کند شاید بهتر بشود بحث را ادامه داد.

پ: مقدمتاً می‌توان گفت وقتی صحبت از روشنفکر می‌کنیم آدمی را در نظر می‌گیریم که به‌اصطلاح به‌اعتبار فعالیت فکری، یا نوع شیوهٔ زندگی‌اش، کم و بیش مشخص است، آدمی که وجه بارز زندگی او، در درجه اول، فعالیت فکری، کارورزی اندیشه و فکر است، منتها در یك موقعیت اجتماعی یا در یك شرایط اجتماعی مشخص. منظورم از موقعیت و شرایط مشخص این است که فعالیت این آدم البته رابطه دارد با یك سلسله منافع، یا با یك پایگاه اجتماعی که هستی و موجودیت او را در جامعه تعیین می‌کند. اما تصور می‌کنم عنصر اساسی تعریف، در هر حال همین عنصر مربوط به‌نوع فعالیت باشد. و رابطه با وضع اجتماعی مشخص عنصر دیگری است که در واقع موقعیت اجتماعی روشنفکر را تعیین می‌کند نه موقعیت ذاتی‌اش را، یعنی چیزی که شما با مفهوم تعهد اشاره کردید. ما مسأله را از هر دو نظر مطرح می‌کنیم یعنی می‌گوئیم: روشنفکران و انقلاب. یك اتفاقی می‌خواست در این مملکت بیفتد و بعد هم افتاد. و

روبرو هستیم یعنی باز پس از این انقلاب داریم با چنین وضعی روبرو می‌شویم که هر حرفی هر کسی بخواهد بزند تصور می‌کنند که این بخاطر دشمنی و یا بخاطر این است که تیشه برداشته و می‌خواهد به‌ریشهٔ این دستگاه یا انقلاب بزند کاری را که ما داریم اینجا می‌کنیم همین بحث و گفت‌وگوها، شاید مقدمه‌ای باشد برای طرح خیلی از مسائل و دعوت از روشنفکران به‌تفکر درباره آن‌ها و ارائه نظرات و راه‌حل‌ها. این نکته را هم اضافه کنم که صحبت ما ازلزوم آزادی‌ها به‌هیچ وجه ناشی از ساده‌نگری درباره ماهیت دستگاه نیست. ما می‌دانیم هر قدرتی دنبال فرهنگ خاص خویش است و همان را به‌عنوان چارچوب حاکم بر جامعه مستقر می‌کند. اگر این چارچوب کلی در جهت نفی حقوق و آزادی‌های عام جامعه نباشد حرفی نیست. اعتراض هنگامی است که چارچوب حاکم واقعاً عمومیتش را از دست می‌دهد و شروع می‌کند به‌در افتادن با ارزش‌های عام و بنیادی بشر. در این اعتراض هم به‌هیچ وجه ساده‌انگاری وجود ندارد. معلوم است که این گونه دشمنی‌ها ناشی از چیست و از کدام ریشه‌ها و سرچشمه‌های اجتماعی و طبقاتی آب می‌خورد. می‌خواهم بگویم اگر به‌فقدان آزادی اعتراض داریم این یك اعتراض است نه یك گله‌گزاری از دستگاه یا از نظامی که ماهیتاً قادر به‌اعطای نوع دیگری از آزادی نیست. ما روی سخنمان با آن دستگاه نیست، روی سخنمان با جامعه و با مردم است، در جهت ایفای نقشی که در زمینهٔ آگاهی دادن و بیداری افکار برای خود می‌شناسیم. در هر صورت، بحث ما طولانی شد و گمان می‌کنم ازموضوع خودمان هم تا حدودی دور شدیم. اما انواع مسائل و مباحثی که مطرح شد نیز بی‌فایده نبود. امیدوارم در نشست‌های آینده بتوانیم مسأله را دقیق‌تر بررسی کنیم.



شرکت‌کنندگان در «میزگرد»:
فریدون آدمیت ـ باقرپرهام ـ خسروشاکری ـ احمدشاملو ـ محمدقائد



بر بامِ این سپیده

و آسمان زلال‌تر از جانِ من
در لحظه‌ی حریری‌ی عشق.

آیا خدا،
نَفَسی پیش،
بر بامِ این سپیده گذشته‌ست؟

اسماعیل خوئی
بیستم آبان ۵۶ ـ تهران

دیگر از همین مقوله است یعنی ما در مرحله‌ئی از تاریخ زندگی می‌کنیم که جماعتی با دید عقل تاریخی راه افتادند آمدند وسط. ولی پس از پیروزی مواجه شدند با سلطهٔ عقل ضدتاریخی. این یك جنبهٔ مسئله است که من اسمش را می‌گذارم به‌اصطلاح جنبه تئوریك یا جنبه ایدئولوژیکی دعوائی که الان مطرح است. مسئله دوم مربوط است به‌اشاره‌ئی که شاملو کرد این جنبهٔ اخیر ناشی ازتأثیر یا گرایش به‌تأثیر گذاشتن نیروهای سیاسی موجود است اعم از داخل یا خارج، به‌ویژه خارج. به‌عبارت دیگر یك انقلابی راه افتاده و هدفش ایجاد دموکراسی و استقلال و آزادی ملی و قطع رابطه با امپریالیزم بوده است خوب بدیهی است که آن بابائی که قرار بوده ضربه بخورد بیکار نمی‌نشیندو آن نیروهائی که می‌بایست به‌وسیله این انقلاب کنار بروند به‌هیچ وجه راضی نیستند به‌این که ما به‌چنین چیزی برسیم برای این که اگر به‌چنین چیزی برسیم به‌اعتقاد من هم به‌آزادی هم به‌استقلال ملی خواهیم رسید و هم به‌یك معنا اگر در غالب این استقلال ملی حرکت بکنیم به‌فرهنگ متعالی خودمان که آمیخته است با آن اسلامی که اسلام آزادگی و رهائی است خواهیم رسید هیچ کدام از این‌ها را آن نیروی امپریالیستی یا آن نیروی استبدادی که پشت سر رژیم قرار گرفته بود و وابستگانش هنوز هم دست اندر کار هستند قبول ندارند. بنابراین در جنبه عملی قضیه برخلاف آن جنبه ایدئولوژیکی و تئوریکی دعوا دعوای سیاسی و اجتماعی است و یك نیروهائی هستند که با ایجاد کردن حادثه، با ایجاد کردن سوءتفاهم، با ایجاد کردن انواع و اقسام انحراف‌ها کوشش می‌کنند آن چیزی را که دستاورد این انقلاب بوده و باید گسترش پیدا کند پس بگیرند. زیرا هم کسانی که با دید عقل ضدتاریخی می‌اندیشند و هم نیروهائی که به‌ادامه سلطه خود و وابستگی ایران دل بسته‌اند هر دو در ضدیت با آزادی و دموکراسی اشتراك منافع دارند. چون دموکراسی نفی هر دوی این‌هاست، دموکراسی، نتیجه‌اش گسترش فرهنگ و رسیدن به‌قدرت عقلی و ملی است که این با موجودیت ارتجاع و امپریالیسم ناسازگار است.

ش: من یك نکته را اضافه کنم و آن این است که بنظر من هم پوزیسیون یعنی دولت، و هم اپوزیسیون، که روشنفکران نماینده‌اش هستند، هر دو مقهور ضربه فرهنگی پهلوی هستند همانطوری که آقای بازرگان آن ساختمان‌ها را می‌بیند و مقهور و مجذوب آن‌هاست روشنفکر هم مقهور این جامعه است قادر نیست تحلیلی از آن بدهد. جفت‌شان قربانی فرهنگ گذشته‌اند.

من معتقدم که باید لایه‌ها قشرها و طبقات اجتماعی را که در حال افول یا شکل‌گیری هستند شناخت، منافعشان را تمیز داد و روشن کرد که تحت تأثیر چه نوع عوامل فرهنگی، تاریخی، مرامی و غیره علیه منافع خودشان حرکت می‌کنند. تحلیل فقط افشاگری نیست، بلکه همه این نکاتی را که گفتم باید در برداشته باشد.

پ: تحلیل دوجنبه دارد: یك جنبهٔ آن افشاگری و عریان کردن مسائل است و یك جنبه دیگرش ناظر برشناخت ریشه‌ها و عوامل دست‌اندرکار. برای تحلیل کردن احتیاج به‌آزادی تفکر است احتیاج به‌این است که شما وقتی حرفی زدید یك کسی نیاید در برابرتان بایستد و بخواهد که زبان‌تان را از پس حلقتان بیرون بکشد که چرا این حرف را زدید. درست یکی از دلائلی که استبداد پهلوی توانست بر این مملکت مسلّط بشود و این همه منابع ما را به‌هدر بدهد و این بلا را سر مملکت ما بیاورد بخاطر این بود که با زور و ضرب ارتش و ساواك و سایر قضایا اصلاً کوشیدند تا هر کاری که در این مملکت اتفاق می‌افتد راجع به‌آن بحث نشود هیچ‌کس نتواند بگوید آقا این برنامه اتمی را که تو می‌خواهی بیاوری آیا لازم است یا خیر، این برنامه پنج ساله را که قیمت نفت بالا برود و تو برداری فوراً درآمدها را دو برابر بکنی و حجم برنامه را دو برابر بکنی بعد هم مجبور بشوی بروی هرچه عمله و راننده و کامپیوتریست و پزشکیار و دندانپزشك از گوشه و کنار دنیا هست آن‌ها را بخری و بیاوری با حقوق‌های گزاف وارد این مملکت کنی تا بتوانی بزور این برنامه‌ها را اجراء بکنی که نمی‌توانی، اصلاً اجازه این که کسی این مسائل را حرفش را بزند و یا فکرش را بکند نمی‌دادند. و دردناك این است که ما همین حالا هم با یك چنین وضعی

حالا می‌کوشند آن دو جناحی را که به‌همدیگر نزدیك شده بودند از هم جدا کنند و چه کاری می‌شود کرد برای این که واقعاً این پیوند برقرار شده ولی بلافاصله گسسته بین این دو گروه یا دو دسته را به‌نحوی از نو برقرار کنیم.

ش: منظور من هم از مسجد در مقابل مدرسه و دانشگاه، کلیت نهادهـای مذهبی بود که شامل سنت‌ها، زبان و بیان و نحوه ارتباط با مردم می‌شود. شریعتی اثر و برد این مجموعه نهادها را تشخیص داد و برای برقرار کردن ارتباط با جامعه به‌مسجد روی آورد، و رفت حسینیه ارشاد. مراد من از مسجد همین بود، جامعیت این نهاد بود. ولی من فکر می‌کنم که یك نکته دیگر را هم باید بررسی کرد و آن این که ببینیم واقعاً چه چیزی سرنگون شده. این مطلب خیلی مهم است. به‌نظر من یك سری نهادهای سلطنتی دراین مملکت سرنگون شده و یك مشت آدم هم فرار کرده‌اند و یك مشتی از آن‌ها هم تیرباران شده‌اند. امّا آن چه اساسی‌تر از همه بوده هنـوز دگرگون و سرنگون نشده و آن نهادهائی است که پهلوی اول سوار آن شد و بعد تقویتش کرد یعنی یك نوع تفکر در جامعه. از جمله ایـن تفـکر نداشتن بردباری و شکیبائی در مقابل نظر مخالف است این تفکر که رضاخان تقویتش کرد و پسرش هم بیشتر تقویتش کرد هنوز باقی است و آن‌ها که بر سریر قدرت نشسته‌اند برمرکب‌این‌عدم شکیبائی در جامعه سوار هستند و این را می‌تازانند.

شاملو: فکر نمی‌کنید که یك چیزی پشت این جریان هست؟

ش: قطعاً این انگیزه دارد. زیرا اگر کسی از خودش مطمئن باشد چه هراس از طرف مخالف دارد. درست کسانی که از نظرشان مطمئن نیستنـد در مقابل نظر مخالف ناشکیبائی و نابردباری نشان می‌دهند.

آ: این که مسأله ناشکیبائی را حکومت رضاخانی بوجود آورده باشد قابل بحث است. اعتقاد به‌مطلقیت ناشکیبائی می‌آورد می‌خواهد دیانت نماینده آن باشد می‌خواهد حکومت عرفی نماینده آن باشد. در همه ادوار تاریخ چه در غرب و چه در شرق نهادهائی که قائم به‌ذات شدند خواه از نظر تعلیمات الهی و خواه از نظر تعلیمات عرفی این‌ها ناشکیبـا بودنـد. و

هدف‌شان برانداختن هر نوع فکری که موضع آن‌ها را ممکن بود مختل کند و این چیز تازه‌ای نیست به‌این جهت ناشکیبائی را باید در نهاد آن بنیادهای اجتماعی پیدا کرد که با منطق شکیبائی اساساً ناسازگار هستند و چون عنصر روشنفکر اساس تفکرش بر نسبیّت است و نه بر مطلقیت و همه جا معتقد است که مسائل را می‌توان از جهات مختلف بحث کرد و نسبت به‌هیچ مسئله‌ای، یك جواب واحد نداریم به‌این جهت خواه حکومت رضاخان آن را سرکوب کند یا حکومت غیرعرفی ماهیت یکی است. یك نکته را هم بنده باز عرض کنم برمی‌گردم به‌موضع اولی خودم و از این توضیح معذرت می‌خواهم.روشنفکری که از موضع عقلی در جهت تغییر برای ترقی حرکت نکند او را ما روشنفکر نمی‌گوئیم ممکن است مرد با سوادی باشد یاممکن است عالم درجه اولی باشد، ممکن است نویسنده و نمایشنامه‌نویس هم باشد و میلیون‌ها نسخه از کتابش هم به‌فروش برسد، اما روشنفکر نیست. نمونه‌ای که در اینجا یکی از دوستان ضمن صحبت نام برد به‌نظر من ازهمین مقوله است، یعنی نمونه یکی ازتاریك‌اندیش‌ترین آدم‌هائی که در این مملکت پیدا شدند.

پ: به‌دنبال مسائلی که درمورد عقل مطرح شد و اشاره‌ئی که آقای شاملو کردند که یك چیزی پشت همه این‌ها هست من مطلبی را اضافه کنم. فکر می‌کنم ما با دو پدیده یا پدیده‌ئی واحد که از دو جنبه خودش را نشان می‌دهد روبروهستیم: از یك جنبه یك کشاکشی بین عقلی که من اسمش را می‌توانم بگذارم عقل تاریخی و یك عقل دیگری که اسمش را می‌توانیم بگذاریـم ضدتاریخـی وجـود دارد. من فکر می‌کنـم روشنفکران یا آن مجموعه‌ای را که ما اسمش را می‌گذاریم روشنفکران و سروصداشـان ازنبودن آزادی‌ها بلند شده است نماینده این عقل تاریخی‌اند و آنچـه می‌خواهد بگوید که همین است و جز این نیست و در این مسیر حرکت کنید این نماینده آن عقلی است که در برابر عقل تاریخی قرار گرفته است. یك جنبهٔ مسئله ما این است و اشاره‌ئی هم که سرکار کردیدمبنی بر این که پایه‌های مادی این تغییـر یك چیز است ولی روبنای فرهنگیّ که می‌خواهند براساس آن استوار بکنند و یا بهرحال به‌مردم بدهند یك چیز

۲

روشنفکران و انقلاب



قائد: در مورد این که آزادی‌های دموکراتیك به‌روشنفکران داده نمی‌شود نباید دچار سوء‌تفاهم شد. چه فرهنگی چه آزادی‌ئی می‌تواند باشد به‌رسمیت شناخته شود، جز آن فرهنگ و آزادی که با منافع و خواسته‌های هیئت حاکمه مغایر نباشد؟ یعنی چون هیأت محاکمه یك چیز دیگری را می‌خواهد ما ناگزیریم یا بپذیریم فرهنگ و آزادی‌هائی را که هیئت حاکمه می‌دهد یا علیه آن جنگ و مبارزه کنیم. امروز ما یك مشکل بزرگ داریم که این جامعه از نظراقتصادی و اجتماعی و اداری خواهان یك پیشرفتی است خواهان یك آزادشدنی است خواهان یك بیشتر شدن پایه حکومتی است. بیشتر شدن رفاه و ثروت عمومی است. در عین حال فرهنگی که سوار بر این است ـ هر چند فعلاً عنوان موقت دارد ـ فرهنگی که همراه این است یك فرهنگ ارتجاعی است. یعنی فرهنگی است که به‌عقب برمی‌گردد. فرهنگی است که در جهت متضاد آن حرکتی است که جامعه می‌خواهد و این یکی از ناکامی‌های بزرگ است.

تا اینجا طبق تعاریف توافق کردیم و پیش رفتیم که روشنفکران در رابطه با قدرت‌ست که موضع خودشان را مشخص می‌کنند. آن‌هائی که می‌پیوندند به‌حکومت کاری به‌آن‌ها نداریم. با آن‌هائی کار داریم که طرفدار بهبود جامعه طرفدار پیشرفت و آزادی جامعه هستند. اگر امروز

سرزنشی هست از طرف فرض کنیم خود این‌ها و دیگران که چرا شماروشن نکردید و آگاه نکردید. یك مقدار من فکر می‌کنم برمی‌گردیم به‌همان موضوع. که جامعه ابزار ظاهریش و هیئت ظاهریش، ساختش، قرار است به‌طرف مسیری حرکت کند در حالی که در کنار آن فرهنگی که به‌جامعه تحمیل می‌شود یك فرهنگ عقب‌مانده و ارتجاعی است.

ب: شما به‌یك نکته اساسی اشاره کردید. در مورد مثال حسینیه ارشاد. آسیب‌ناپذیری مراکز مذهبی مانند مسجد ومنبرو این‌ها یك چیز مطلق نبود بلکه در رابطه دقیق بود باجریان مبارزه علیه قدرت. آن‌جائی که قدرت احساس می‌کرد که همین مراکز هم که حتی پایه‌های نفوذ خیلی عمیق دارند می‌خواهند در برابرش بایستند بی‌درنگ شروع می‌کرد به‌سرکوب کردن و بستن‌شان. اگر دیگران به‌کار خودشان ادامه می‌دادند در حقیقت برای آن بود که تا مدت زیادی کاری در جهت نفی منافع قدرت نمی‌کردند و این را نه تنها ما می‌توانیم تصدیق کنیم بلکه من فکر می‌کنم تا حد زیادی مورد اشاره رهبران مذهبی هم بود. من یادم می‌آید که بخش مهمی از سخنان و حرف‌های رهبران مذهبی ما خطاب به‌بقیه روحانیت بود که آقا اسلام فقط دین مسئله‌گوئی و ذکر مصیبت و این قضایا نیست. اسلام این است که شما از منبر و مسجدی که در اختیارتان است در جهت بسیج خلق و برای مبارزه برعلیه قدرت ظالم استفاده کنید پس آن‌جائی را که برعلیه دستگاه بود دستگاه درنگ نمی‌کرد. این نشان می‌دهد که بین روشنفکران، بین جناح سنتی روشنفکران و جناح غیرسنتی روشنفکران که حالا مورد شماتت وبه‌اصطلاح برکنارهستند، در مرحله‌ای از این جنبش یك نوعی پیوند ذاتی و عینی وجود داشت بخاطر ماهیت آن تغییری که می‌خواست ایجاد شود یا ماهیت آن اقدام تاریخی که قرار بود در جامعه ما صورت گیرد. یعنی آنجائی که این ماهیت کاملاً روشن می‌شد و پیونداین دو تا عملاً به‌جائی می‌رسید که هر دو در برابر قدرت قرار می‌گرفتند دستگاه هم آن وهم این هر دو را یکسان می‌کوبید دیدیم که در مرحلهٔ اخیر انقلاب تا وقتی که این پیوند کاملاً برقرار بود و عملاً همهٔ قشرها با هم در میدان بودند، به‌سرنگونی رژیم انجامید. پس سؤال این است که چرا

بازگشائی دانشگاهها و مدارس و صف بندی . . .

بقیه از صفحه ۱

... از اینکه تنگ نظری ولایت فقیه برای حاکردن حزب توده سرودست آن را هم ... هدکرد). سیاستهای اخیر حزب توده درباره اوضاع کشور، بیانگر ... برخوردگی و زبونی کریه و چندش آورکسی است که تمام تلاشهایش برای جلب ... حضرات ناکام مانده و با این همه باز هم در برابر این محافل سکوت را ... پیشه می کند.

شک نیست که حزب توده با این سیاستی که درپیش دارد در سال جاری ... سال گذشته و بخصوص سالهای قبل رشد کرده و اکثر مارکسیست های ماتوی ... دار شوروی را در خود جای خواهد داد.

اساس حرکت حزب توده بر فعالیت علنی نهاده شده است و در این راه حاضر ... به هرکاری تن دردهد، (که البته با توجه به پشتوانه قدرت نیروهای دموکرات ... مترقی (که در دانشگاهها مشخصا قابل ملاحظه است) و تضادهای درون رژیم و ... تنگی های ناشی از آن که امکان فعالیت علنی برای همه نیروها تا حدودی ... می تواند وجود داشته باشد، توده ای ها هم طبیعتا از آن منتفع خواهند شد و به ... حرکت خود همچنان ادامه خواهند داد. سیاست آنان از قیام تاکنون عمده ... کردن مبارزه علیه لیبرال ها و کوشش در جلب عطوفت و سازش با طرفداران ولایت فقیه بوده است و از آنجاکه نیروی عمده سرکوب چپ در شرایط فعلی نه لیبرالها ... که همین جناح قشری افراطی بوده است لذا توده ای ها عوامفریبانه کوشیده اند ... اعمال ضد مردمی، بر شخص قشری حاکم را در سرکوب آز... ، کشتار خلقها و غیره ... چشم مردم بپوشانند و آن را کار صهیونیستها و عمال مزدور امریکا معرفی کنند ... این آشکارترین نوع عوامفریبی است. بگذریم ... از این نظر ... تضادهای درونی ... توده برسر سیاست وی در برخورد با حاکمیت محتمل ترین آینده ای است که ... انتظار آنهاست.

ما همواره موظفیم موضع توده ای ها در دانشگاه و عواقب سیاست آنان را بطور ... سکامانه و دقیق برای نیروها تشریح کنیم. سیاستی که سمت اصلی آن ... تعمیق توده ها، پنهان کردن مرزبندی طبقات و عوامل اصلی نه شکست کشانیدن ... انقلاب، نیروی عمده سرکوب خلق در شرایط فعلی و کوشش بی دریغ برای تقویت ... جبهه ارتجاع است. حزب توده نظر به موضعی که در برابر حاکمیت ارتجاعی ... نیروی ... از دنبال درجنبش دموکراتیک خلق جایی ندارد. تجربه گذشته و ... پیش بینی آینده حاکی از آن است که انزوای حزب توده همچنان ادامه خواهد ... یافت. بگونه ای که این حزب قطعا موفق نخواهد شد با سایر نیروهای سیاسی ... اپوزیسیون از هر قبیل که باشد اتحاد نیرو کند.

تحلیل از سایر نیروها در شماره آینده تمام خواهد شد.

از نظر اسلام جامعه بی طبقه . . .

بقیه از صفحه ۱

کار به خودش برسد و به تعبیر حقوقی مالکان شود . . . و حدودی هم برای آن معین نکرده است که البته بعضی ها برای مالکیت حدودی مشخص کرده اند که اساس اصلا درست نیست"
(روزنامه کیهان ۲۵ شهریور)

و ساده تر بگوئیم از نظر ایشان (یعنی از نظر اسلام به روایت ایشان) برای مالکیت خصوصی هیچگونه حد و مرزی وجود ندارد وجود طبقات استثمار شونده و استثمار کننده کاملا طبیعی و ضروری و "اسلامی" است و استثمار زحمتکشان هم در جامعه مورد قبول ایشان کاملا آزاد است.

از سوی دیگر آقای بنی صدر ادعا کرده است که این آقایان یعنی امثال آقای آذری قمی **"لای کتاب اقتصاد توحیدی را نگشوده اند و یک کلمه از آن نخوانده اند و اصلا نمی دانند جامعه بی طبقه توحیدی چه صیغه ای است ... پس از نظر ایشان اقتصاد توحیدی حرف مفت است."**
(روزنامه انقلاب اسلامی ـ سه شنبه ۲۷ شهریور)

در این زمینه آیت الله طالقانی و افرادی مثل آقای بنی صدر و آقای سید احمد خمینی و همچنین از همه جدی تر سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمانهای مؤتلف آن معتقدند که اسلام خواهان از بین رفتن طبقات و برقراری جامعه بدون طبقه توحیدی است. این نیروها که شمردیم برخلاف آقای قمی معتقدند که اسلام برای مالکیت حد و مرز قائل است و به کمک همین حدود و با اتخاذ سیاستهائی که هرکدام پیشنهاد می کنند می توان اختلاف طبقات را کاهش داده و آن را به تدریج از بین برد.

اظهارات آقای قمی نه تنها پرده از ماهیت فوق ارتجاعی ایشان برداشت و نشان داد که واقعا چه عنصر مرتجعی در حساس ترین شرایط در رأس دادگاههای انقلاب اسلامی قرار گرفته بود.

بدین ترتیب اظهارات ایشان قبل از اینکه روشن سازد بالاخره "اسلام" طرفدار جامعه سرمایه داری است یا جامعه بدون طبقه و سرانجام این دعوای پوچ که بین جناح های مختلف ... مذهبی درگیر است ... نشان داد که دادگاههای انقلاب اسلامی ایران مدافع ... تحت نظام سرمایه داری حتی مرحله انحصاری آن و دشمن رهائی زحمتکشان است. او آنقدر مرتجع و کند ذهن است که حتی حاضر نیست همچون آقای بنی صدر سرمایه داری را لای زرورق بیجدوحای سوسیالیسم واقعی به مردم قالب کند.

اما درست این است که این دعوای پوچ را بدقت تعقیب کنیم. به این نظر که بالاخره در یابیم اسلام مدافع مالکیت محدود و مشروع است یا مالکیت در اسلام حدود ندارد. ملاک این نظر که است تحت خود ملاک موثری در تشخیص موضعگیری هریک از نیروهای مذهبی در مبارزه طبقات است. پاسخ هریک از جریانهای مذهبی به این سئوال نه تنها نشان توجیهی آن نیروی مذهبی را که حول مواضع نه عایت طبقاتی هریک از نیروها کشیده شده و از کل آنها چیزی به نام "مکتب اسلامی" ساخته است کنار می زند و ماهیت طبقاتی هر کدام را برملا می کند.

پیگیری در این مسئله در نهایت نشان خواهد داد چه کسانی تحت پوشش اسلام کمر به خدمت سرمایه داری انحصارگر بسته اند و کدام نیروها باز هم تحت پوشش اسلام از سرمایه های کوچک و اقشار متوسط که سرمایه محدودی دارند دفاع می کنند. اگرچه امروز بین قشریون مذهبی و سرمایه داران انحصار گرچه از نظر منشاء طبقاتی وچه از نظر اصول عقیدتی مورد قبول به نحو بارزی تضاد وجود دارد، اما باز هم به نحو بارزی ود ر عمل می توان مشاهده کرد که قشریون مذهبی از قبیل حضرات آذری قمی ها و امثالهم چگونه واقعا و ماهیتا همان سیاست و همان اقتصاد را می پذیرند که سرمایه داری انحصاری وابسته و امپریالیزم پذیرفته است، هرچند که تا مدتی ظهور ماهیت مشترک این دو به طول انجامید. اضافه کنیم که تصادفی نیست که آقای آذری قمی هم در سیاست به طرز وقیحی از سرکوب نیروهای انقلابی و تحکیم مجدد دیکتاتوری دفاع می کند و هم در اقتصاد از مالکیت نامحدود نامشروع گفته شود. از نحوی حق غارت نامحدود سرمایه داران پشتیبانی می کند و باز هم تصادفی نیست که جناح دیگر هم در سیاست از حق آزادی ها و تعدد و حق شرکت مردم در تعیین سرنوشت خویش دفاع می کند و هم در اقتصاد مدافع محدودیت در مالکیت است.

"اشکال مختلف مالکیت و شرایط هستی اجتماعی روبنای جامعی از احساس ها و پندارها و شیوه های ویژه تفکر پوشیده شده است. مجموع طبقه بر پایه شرایط مادی خود و مناسبات اجتماعی وابسته به آن، تمام این روبنا را بوجود می آورد و به آن شکل می دهد."
کارل مارکس ـ هیجدهم برومر ۱۸۵۲

بطور کلی باید گفت، همانطوریکه دادستان انقلاب اسلامی از دیدگاه مرتجع ترین اقشار مذهبی می گوید و همانگونه که در شماره بررسی وضعیت اقتصادی ایران به آن اشاره شده است واقعا هم "نظام توحیدی" حرف مفت است. و تنها در نظام کمونیستی است که جامعه بی طبقه مفهوم واقعی پیدا می کند.

بنابراین آن دسته از نیروهائی هم که از روی حسن نیت و به عنوان حمایت از توده های زحمتکش و رسیدن به یک "جامعه بی طبقه" می خواهند اقتصاد اسلامی را مبنا قرار دهند درک نمی کنند که این دلسوزی برای مردم زحمتکش که بیرحمانه مورد غارت و استثمار طبقات حاکم قرار گرفته اند هرگز به رهائی آنان از چنگ نظام طبقاتی منجر نخواهد شد. اوهام تخیلی که آنان برای تعدیل ثروت و از بین بردن طبقات و برقراری جامعه "توحیدی" اندیشیده اند تنها به این درهمی خورد که خونهای بی دریغی را که خلق زحمتکش در راه رهائی خود از بند ستم امپریالیسم و سرمایه داری بر زمین می ریزد، بر باد دهند و مانع از پیمان برداشتن طبقات و دست یافتن به عالیترین مرحله تکامل اجتماعی یعنی جامعه بدون طبقه، بدون ستم طبقاتی، بدون زور وظلم واجبار شوند.

تظاهرات وسیع خلق کرد . . .

بقیه از صفحه ۱

عامل اصلی معرفی می کند متن تلگراف خلخالی چنین است.

بسمه تعالی
"دفتر محترم امام خمینی دامت برکاته.

جریانات جانسوز" قارنه "دل هر انسانی را می سوزاند. ملا محمود مستورزاده که با قرآن به پیشواز مردم رفته عمال معبودی و سرگرد نجفی و عزیز قادری و ملاحسنی آنها را کشته اند و شصت وپنج نفر به طرز فجیع. اگر امام به این امر جانسوز رسیدگی نفرمائید پس کدام مقام رسیدگی کند.

با احترام ـ صادق خلخالی
۵۸/۶/۲۰

بطوری که در خبرنامه کردستان آمده است جنایت روستای "قارنا" در شرایطی صورت گرفت که.

روحانی تسنن روستا با قرآن پیش آنها رفته و خواسته بود که به ده حمله نکنند، ولی مهاجمان با سرنیزه قرآن را پاره کرده و روحانی ده را هم تا حد مرگ کتک زده و سپس به قتل رسانیده اند. چند تن از باقیماندگان جنایت هولناک "قارنا" از پنجشنبه ۲۲ شهریور در فرمانداری مهاباد متحصن شده و خواهان دستگیری و مجازات عاملین این جنایت شده اند.

واوان ـ ارتش، پاسداران را بجای مردم کرد اشتباه گرفت و آنها را با هلی کوپتر گلوله باران کرد که در اثر آن ۱۱ نفر پاسدار کشته شدند.

این پاسداران که برای سرکوبی خلق کرد لباس پیشمرگان کرد را پوشیده بودند می خواستند تحت این پوشش به مواضع مبارزین کرد حمله کنند ولی در بین راه مورد حمله ارتش قرار گرفتند و در حقیقت در دامی افتادند که خود گذاشته بودند.

جالب اینجاست که در چنین جنگهای سرکوبگرانه ای دشمن از اینگونه اشتباهات زیاد داشته است. در ویتنام ارتش امریکا بارها مواضع و پایگاههای خود را بمباران می کرد و یا دسته هائی از ارتش ویتنام جنوبی را به جنای ویت کنگها مورد هجوم قرار می داد. ارتش شاه جنایتکار نیز ضمن سرکوب خلق ظفار چندین بار نیروهای خودش را بجای ارتش آزادیبخش ظفار به گلوله بسته بود.

بانه ـ در بانه بیش از ده هزار نفر از اهالی شهر و روستا به عنوان اعتراض به رفتار پاسداران و نیز تیراندازی های پیاپی شبانه، در مسجد (حاج ماموستا) متحصن شده و خواهان خروج پاسداران و کنترل شهر به وسیله افراد محلی هستند.

مهاباد ـ مردم مهاباد از پاسداران نفرت دارند و هرجا که پاسداران قدم می گذارند مردم از آنجا دور می شوند. مثلا هنگامیکه پاسداران به اغذیه فروشی ها و قهوه خانه ها وارد می شوند مردم آنجا را ترک می گویند. در اغلب شهرهای کردستان فروختن جنس و حرف زدن با پاسداران تحریم شده است. این مسئله موجب بروز نارضایتی شدید در میان پاسداران شده است.

سردشت ـ تعدادی از پاسداران مستقر در سردشت که وجدانشان بیدار شده و انگیزه اصلی این جنگ را دریافتند به شهرهای خود بازگشتند. آنها هنگام خروج از شهر از مردم عذر خواهی و طلب عفو کرده و می گفتند ما از چگونگی این جنگ آگاه نبودیم و حال که همه چیز برایمان روشن شده حاضر به برادرکشی نیستیم.

یک عمل ارتجاعی

عوامل ارتجاع بنای یادبودی را که زحمتکشان سنندج برای قهرمان شهید خلق کرد "کاک اسماعیل شریف زاده" ساخته بودند خراب کردند. این بنا بهار گذشته در سالروز شهادت سکو ساخته شده و با یورش ارتجاع به کردستان آن را خراب کردند. (کوردلان و تنگ نظران مرتجع نمی دانند که قهرمانان در دل مردم زنده اند).

قرار گرفتن چمران در راس نیروهای مسلح . . .

بقیه از صفحه ۱

۲ـ بحران فزاینده و لاعلاجی که ... سرمایه داری وابسته ایران را در ... فرو برده که وجه بارز آن تورم و بیکاری ... است.

۳ـ سیر رشد یابنده اعتراض توده ... زحمتکشان و به ویژه کارگران به گرانی ... اخراج و بیکاری.

۴ـ بحران ناشی از ادامه نهضت ... در کردستان و اعمال قهر دلاورانه ... خلق کرد در برابر این فجایع.

اینها مجموعه عواملی هستند که ... ترمیم کابینه را توضیح می دهند.

جناحهائی از دولت همانند نزیه ... امیر انتظام و بازرگان که برای تقویت نظام ... سرمایه داری وابسته خبره تر هستند ... منتقد سیاستهائی که روحانیت در پیش گرفته است (مثل افتضاحاتی که خلخالی ... در کردستان به راه انداخت و تنفر و انزجار ... را برانگیخت یا اقدامات "ناشیانه" ... در شرکت نفت) فقط به سود ... سقوط آن حکومت تمام می شود. آنها ... بینند؟

"آخوند کمنمی تواند مملکت را اداره ... و روحانیت در جواب می گوید: اینها نمی گذارند اسلام تحقق ... کند." و در این میان جالب است هر ... دیگری را متهم می کند که سیاست تو... سود کمونیستها تمام می شود. ... ی که خود به روشنی هرچه تمامتر ... ماهیت ضد کارگری کل حکومت را به اثبات ... رساند. در اینجا دعوا بر سر این است ... سرمایه داری وابسته با پوشش ... "ترمیم" شود، یا ... ۴۰ سال به عقب برگردد و ولایت فقیه ... جامعه نامتکامل فئودالی تعلق دارد ... تحقق یابد؟ حکومتی که همان آرمان ... آل ... دیرینه دستگاه روحانیت حاکم ... ترین تامین کننده منافع آن است.

با رفتن نزیه و آمدن معین فر هیچ ... عادلی در این زمینه برهم نخورده و هیچ ... عوض نشده است. این کشمکش تنها ... باردیگر واقعیت تضادهای درون ... سیستم حاکم را برملا ساخت.

چمران دست پرورده امپریالیستهای امریکائی و یکی از عوامل کشتار خلق کرد

درمیان تغییراتی که در بخشهائی ... کابینه دولت موقت انجام شد، قرار ... گرفتن چمران در راس وزارت دفاع از همه ... بیشتر خشم توده های آگاه را برانگیخت. ... این انتخاب نشان می دهد که مرتجع ترین ... جناح هیات حاکمه، جناحی که کشتار ... خلق کرد را وسیله تحکیم موقعیت خود ... ساخته بود، حساسترین رکن قدرت سیاسی ... یعنی فرماندهی نیروهای مسلح را قبضه ... کرده است. چمران بالشخصه مطرح ... نیست. روی کار آمدن او چهره واقعی ... حکومت و سمت گیری آینده آن را نشان ... می دهد. تصادفی نیست که چمران ... تربیت شده دست امپریالیستهای ... دشمن شناخته شده خلق فلسطین امروز به مقام وزارت دفاع سرگرده می شود. این سرنوشت محتوم دولتی است که ترمیم خرابی های سیستم سرمایه داری وابسته را وجهه همت خود ساخته است. این سیر طبیعی وقایع است که پیش می رود.

آن بخش از روحانیت و دولت که درمجموع حکومت را در دست دارند، طبق نشانه هائی که در دست است درعین حال که به عواقب خطرناک جنایاتی که در کردستان به راه انداخته اند پی برده اند، بنا به ماهیتی که دارند سیاست ضدخلقی سرکوب و کشتار خلق کرد را ادامه خواهند داد و قرار گرفتن چمران جنایتکار، این مهره اصلی تحمیل و ادامه جنگ در کردستان در مقام وزارت دفاع و همچنین عوامفریبی وسیعی که برای در یاد آرمدنی رضاخان آینده، و یکی دیگر از عوامل سرکوب خلق عرب برای ریاست جمهوری صورت می گیرد، خود بیانگر این ماهیت حکومت است.

لشکر کشی به کردستان و به ویژه جنایات عظیمی که در آنجا صورت گرفت در رشد آگاهی مردم نسبت به ماهیت حکومت تاثیرات مثبتی از خود برجای نهاد. آن تب و تاب اولیه ای که میان گروههائی از مردم به حمایت از رژیم وجود داشت به میزان چشمگیری فروکش کرده است، بعلاوه رژیم با این روشی که در کردستان درپیش گرفت و بن بستهائی که بنا به خصلت های ارتجاعی خود ایجاد کرد خود را در باطلاقی فرو برده است که نجات از آن دیگر به این سادگی ها میسر نیست. ولی به هرحال آثار نگرانی از ادامه و رشد نهضت مقاومت در کردستان تمام لایه های حکومت را فرا گرفته است رژیم آشکارا در برابر اعمال ننگینی که در کردستان مرتکب شده است به موضع تدافعی افتاده و در برابر توده مردم کارهای خود و توسل به این جنایات را لاپوشانی و توجیه می کند.

با تغییرات در وزارت کار می خواهند افزایش ناچیزی را که قرار بود در حداقل دستمزدها به وجود بیاید مسکوت بگذارند.

تحت فشارها و مبارزات وسیع کارگران که عمدتا از طریق شوراها صورت می گیرد، وزارت کار مجبور شد به تعیین یک حداقل دستمزد معادل روزانه ۵۶۷ ریال تن دردهد. این حداقل بنا به محاسبه "کارشناسان" برای گذران زندگی یک خانواده با ۲ فرزند در شرایط فعلی ۱۳۳ـ ریال کمبود دارد و تازه با تورم سرسام آور فعلی و افزایش قیمتها، اثر هرنوع اضافه دستمزدی فورا خنثی شده و در عمل دستمزد واقعی کاهش می یابد و از حداقل سابق هم کمتر می شود. (هم اکنون دولت به دلایل مسخره و واقعا مضحک ۵۰٪ برنرخ لبنیات افزوده است) با این همه از آنجاکه این ... [illegible]

هم معوق گذاشت و تحت فشار میلیونها کارگر و تحت تاثیر تضادهای بین جناحهای حاکم داریوش فروهر وزیر کار برکنار شد. البته نباید تصور کنیم که داریوش فروهر به منظور تامین کردن منافع کارگران، روی افزایش حداقل دستمزد پافشاری نشان می داد، بلکه این دقیقا از ماهیت لیبرالیستی اش ناشی می شد که تصور می کرد با این وسیله می تواند از اعتلاء و گسترش مبارزات سراسری کارگران بکاهد و با توجه کردن ظاهری به خواستهای صنفی کارگران و بالا بردن مبلغ ناچیزی به درآمدشان آنها را از مبارزات بی امان علیه سرمایه داری باز دارد. اما حاکمیت موجود به گونه دیگری عمل می کند. او کودن تر و ارتجاعی تر از آن است که بتواند به بندبازی های بورژوازی اعتماد کند و ساده ترین مانورهای ... او را تحمل نماید. این ... [illegible]

لیبرال، نه تنها موقعیت خود را بیش از گذشته تثبیت کند بلکه با فشار بیشتری بر توده ها، خود را از این بحران نجات دهد. غافل از اینکه نه تغییر وزیر کار و نه هیچیک از تغییرات دیگر کوچکترین مسئله ای را حل نخواهد کرد. جنبش کارگری ایران روز بروز قوام و اعتلای بیشتری می یابد و مبارزه کارگران برای به دست آوردن ابتدائی ترین حقوق خود یعنی ۴۰ ساعت کار در هفته، حق داشتن کار مناسب و دریافت حقوق بیکاری تعیین حداقل دستمزدی که اولا حد اقل معیشت خانواده کارگر را تامین کند، ثانیا دائما مطابق با نرخ تورم ترمیم شود، کوبنده و پیگیر ادامه خواهد یافت.

علاوه بر این خواستها آنچه که در محیط های کار به مساله روز بدل شده است اخراج کارگران پیشرو است. رهبران اعتصابات دوران قبل از قیام، تمام کارگرانی که به نحوی سابقه مبارزاتی داشته اند، کارگرانی که اکنون به دفاع از طبقه خود در برابر سرمایه داران برخاسته اند، اکنون با توطئه کثیف ضد کارگری اخراج از کار روبرو شده اند. این سیاست به دستور دولت بازرگان و با پشتیبانی وسیع سرمایه دارانی که منافع خود را در خطر دیده اند اتخاذ شده و با تغییر کابینه احتمالا از طریق طرحهائی که برای کارگران ناشناخته است همچنان تعقیب خواهد شد. اما دولت از این غافل است که مبارزه کارگری و اتحاد کارگران به چنان سطحی رسیده است که نه تنها با اخراج کارگران، مبارزه آنها تخفیف نخواهد یافت بلکه اعمال این فشارها در مقایسه با ماههای قبل رشد بازهم بیشتر جنبش کارگری و اعتراضات کارگران در خوزستان، آذربایجان و منطقه تهران منجر شده است. اگر امروز مدیران و سرمایه داران، کارگران مبارز را از کار اخراج می کنند، دور نیست روزی که صف متحد کارگران با آموختن از کارگران کارخانه تراکتور سازی تبریز و سایر کارگران آگاه، مدیران و سرمایه داران مفت خور را از کارخانه ها اخراج کنند.

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



... مرتجعین می‌خواهند با ... مردم را از ... خبر ... نگهدارند. با روزنامه‌های دیواری و یا با هر وسیله دیگر مردم را از حقایقی که در میهنمان می‌گذرد، مطلع سازید.

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۵۸

سال اول ـ شماره ۳۳ — سازمان چریکهای فدائی خلق ایران — قیمت با ضمیمه ۲۰ ریال

سرمقاله

بازگشائی دانشگاهها و مدارس و صف‌بندی جدید نیروها

(قسمت دوم)

سرمقاله شماره گذشته را با بررسی موضع وصف بندی نیروهای ملی و مذهبی آغاز کردیم. در این شماره در ادامه آن موضع و موقعیت فعلی و آتی نیروهای چپ را ارزیابی می کنیم.

صف نیروهای چپ در دانشگاه همیشه فعالترین نیروهای دانشجوئی را در خود جای داده است. طی سالهای ۴۹-۴۲ مبارزات دانشجوئی تقریبا بطور کامل تحت هدایت نیروهای چپ اداره می شد. در آن سالها نیروهای مذهبی فعال نبودند و اگر هم حرکتی از آنها به چشم می خورد در حیات جنبش دانشجوئی اثر چندانی نداشت. تنها بعد از سال ۴۹ بود که جناح مذهبی از جناح چپ جدا شد. تا آن زمان اساسا صف بندی نیروها مثل امروز شکل نگرفته بود تا هر یک با هویت ایدئولوژیک خاص خود شناخته شوند.

صف بندی امروزین نیروهای چپ محصول مرحله معینی از رشد ایدئولوژیک جنبش کمونیستی ایران و شکل گیری عقیدتی آن است و درست به همانگونه امحاء این صف بندی در درون جنبش کمونیستی که متضمن بیرون راندن جریانهای انحرافی از آن، درون آنست به بلوغ بازهم بیشتر ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی جنبش کمونیستی ایران بستگی دارد، که این خود گام بزرگی به سوی تشکیل حزب است. امروز در عرصه این جنبش دیگر یقین است که نیروی عمده در جنبش کمونیستی ایران، یعنی جنین حزب طبقه کارگر ایران، سازمان ماو مسئولیت هرنوع کوتاهی و کج اندیشی در آن زمینه مشخصا برعهده ماست. چنانچه حرکت سازمان در ماههای اخیر را بررسی کنیم، درخواهیم یافت که این موقعیت بازهم بیشتر روبه تحکیم خواهد رفت (تنها با این شرط مهم که مبارزه ایدئولوژیک چه در سطح سازمان وچه در سطح جنبش به نحو پیگیر جریان داشته باشد).

درمیان سایر جریانات مدعی مارکسیسم دو خط سازمان یافته دیگر در سطح دانشگاهها حضور دارند که یکی هواداران حزب توده و دیگر نیروهای وابسته به کمیته وحدت است.

حزب توده که تا سال ۵۵ تقریبا مرده بود از آن زمان به بعد (بعد از جدا شدن گروه منشعب از سازمان) حرکت محسوس را در سطح دانشگاهها آغاز کرد. اکنون "فضای باز سیاسی" بسیاری از توده‌ای های واقعا بازنشسته و حتی به دشمن پیوسته را از نو گردهم آورده است. فضای سیاسی موجود و مشی دنباله روانه حزب توده و سماجت آن برای کسب حق حیات قانونی از ولایت فقیه، موجب شده است که حزب توده بتواند جمع دوستداران فعالیت علنی و قانونی را گرد خود آورد. حزب توده سیاست پذیرش بی قید و شرط رهبری آیت الله خمینی و تائید کامل آن را پیش گرفته است و می خواهد به هر قیمت از این جمهوری اسلامی ناسوتی، هم به اوبر...

بقیه در صفحه ۲

با قرار گرفتن چمران در راس نیروهای مسلح مرتجع ترین جناح هیات حاکمه قدرت سیاسی را قبضه کرد

● ترمیم مجدد کابینه نشان دهنده بحرانی است که قدرت سیاسی حاکم با آن روبروست.

● دعوا بر سر این است که سرمایه داری وابسته با پوشش "آبرومندانه" ترمیم شود، یا ایران ۱۴۰۰ سال به عقب برگردد و ولایت فقیه تحقق یابد.

ترمیم مجدد کابینه بیش از هرچیز نشان دهنده بحرانی است که قدرت سیاسی حاکم با آن روبروست.

۱ـ بحران ناشی از مبارزه سیاسی بین جناحهای مختلف هیات حاکمه مرتجعین مذهبی، لیبرالها و عوامل چهره عوض کرده رژیم سابق.

بقیه در صفحه ۲

بدنبال تصویب ولایت فقیه خیمه شب بازی در مجلس خبرگان وضع مضحکی به خود گرفته است

این روزها "خبرگان" مجلس بررسی قانون اساسی خیلی "زرنگ" شده‌اند و در هر جلسه سه چهار اصل به اصطلاح "قانون اساسی" سرهم بندی می کنند. گویا اولیای امور از نحوه جریان این مجلس قلابی هم چندان راضی نبوده و می خواهند هرچه زودتر سروته این خیمه شب بازی را هم بیاورند. شاید اگر می توانستند همه اصول قانون اساسی مورد نظرشان (طرحی را که آقای منتظری در کیهان منتشر کرد) را بصورت ماده واحده با یک قیام و قعود به تصویب می رساندند و به یکباره از شر همین جلسات

بقیه در صفحه ۷

چرا دستگاههای تبلیغاتی دولت اینهمه برای شوراها تبلیغ می کنند؟

این روزها خیلی از شورا صحبت می شود. رادیو را که باز می کنی، تلویزیون را می کنی، همه و همه دستگاههای تبلیغاتی دولت، از شورا صحبت می کنند و سعی دارند که روش می کنی. در سخنرانی های متعدد که از طرف سخنرانان مختلف به عناوین مختلف ایراد می شود، هر روزنامه‌ای را که باز شورا را (البته به آن صورتی که مورد نظر

بقیه در صفحه ۳

کنفرانس وحدت با موضعگیری سیاسی خود در کردستان با ارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه همصدا شده است. (قسمت دوم)

مساله ملی در کردستان از مبارزه طبقاتی خلق کرد جدا نیست

* حزب دموکرات کردستان یک جریان دموکراتیک با گرایش لیبرالیستی است که عمدتا متکی به اقشار متوسط خلق کرد است.

در صفحه ۶

دادستان انقلاب اسلامی:

"از نظر اسلام جامعه بی طبقه یک لفظ فریبنده است"

آقای آذری قمی دادستان کل انقلاب اسلامی پس از همه تک و بندها و دستوراتی که برای اعمال سانسور، تعطیل مطبوعات آزاد و برچیدن دفاتر سازمانها ی انقلابی و مبارز صادر کرد و پس از همه اقداماتی که به منظور محو کامل نهادها ی دموکراتیک انجام داد، در جریان استعفای خود که هنوز هم از چند و چون آن خبری نیست بالاخره حرف آخر را زد و پرده از روی دیدگاه خود نسبت به "جامعه بی طبقه" برداشت و ضمن اینکه با صراحت کامل اعلام کرد اساسا "جامعه بی طبقه" با "اقتصاد اسلامی" هیچ ... دارد ... ساخت را ... "جامعه بی طبقه" پوشیده نساخت. او در این گفتار نشان داد که نه تنها با برقراری "جامعه بی طبقه" و از میان رفتن استثمار نیروهای زحمتکش شدیدا مخالف است، بلکه باید گفت حتی تحمل شنیدن اسم آنرا هم ندارد. ... در ... "جامعه بی طبقه" ... اسلام و اقتصاد اسلامی گفت:

"بعضی ... گویند اسلام و اقتصاد اسلامی مبتنی بر جامعه بی طبقه است یعنی افراد از نظر دارائی و ثروت ... همه باید در عرض هم باشند این لفظ فریبنده است که ما سابقه از بعضی عمامه بسرها هم می شنیده‌ام... اسلام از این عرصه استفاده کرده که انسان کاری انجام بدهد و نتیجه‌ای ...

بقیه در صفحه ۲

علی محمد عرب "نماینده" کارگران ... را در مجلس "خبرگان" را بشناسیم

آقای علی محمد عرب با ارتجاعی ترین جناح مجلس به تبانی پرداخته تا برای درهم کوبیدن حتی ساده ترین ارگانهای صنفی کارگری اصول و قوانینی دست و پا کند.

... برابر بودگی ...

تظاهرات وسیع خلق کرد علیه ارتش و نیروهای ارتجاعی

* هرکجا پاسداران وارد می شوند مردم آنجا را ترک می کنند.

* عده‌ای از پاسداران پس از اطلاع از ماهیت جنگ با عذرخواهی از مردم کرد به شهرهای خود بازگشتند.

* ارتش تعدادی از پاسداران را به جای خلق کرد گلوله باران کرد و ۱۱ نفر از آنان را کشت.

فاجعه کشتار روستائیان "قارنا" به اندازه‌ای بزرگ بود که حتی صدای خود فاجعه آفرینان هم بلند شد. همه مردم جهان به خاطر دارند، امپریالیسم امریکا با تمام جنایاتی که در ویتنام مرتکب شد، زیر فشار افکار عمومی نتوانست نسبت به جنایاتی که عوامل مزدورش در دهکده مای‌لای مرتکب شدند، ساکت بنشیند و بود که برای فریب توده ها یک دادگاه نمایشی تشکیل داد و مزدوران خود را به محاکمه کشید و سروان کالی را که در اصل ... دستهای خودشان بود، بعنوان عامل اصلی این جنایت به دو سال زندان محکوم کرد.

و حالا سر صادق خلخالی، جلاد ارتجاع که به عنوان حاکم شرع به جنایات بی شماری در کردستان دست می زند، توانسته است زیر فشار نیروهای مبارز در مورد فاجعه "قارنا" سکوت کند، او برای فریب توده ها و در حالی که است تمساح می ریزد تلگرافی برای آیت الله خمینی ارسال داشته و ضمن آن چند نفر مرتجعین منطقه را که در راس آنها ملاحسنی جنایتکار از رمه ای قرار دارد به عنوان

بقیه در صفحه ۲

شاه دیگری رفت

بزرگداشت دکتر رشوند سرداری

هموطنان مبارز:

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که همواره به حمایت مردم ...

جنبش نویسندگان و روشنفکران ایرانی جنبشی اعتراضی و اجتماعی است که ضمن طرح مسائل **حرفه‌ئی** (حقوق نویسندگان، شاعران، مترجمان، پژوهشگران،...)، **سازمانی** (رابطهٔ ناشران و اهل قلم) و **نهادی** (رابطه با دولت و سانسور) مدافع هدفها و آرمان‌هائی است که اساساً ناظر برچگونگی **الگوی فرهنگی مسلط در کلیّت حیات اجتماعی** است. در این سطح، انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی که زندگی واندیشهٔ و امانت‌دار تکامل تاریخی جامعه است مطرح است، نه فقط حافظ این یا آن خواست حرفه‌ئی یا سازمانی مشخص. سخن بر سر حقوق و آزادی‌های بنیادی همهٔ گروههای اجتماعی در زمینهٔ تفکر، بیان و عرضهٔ آثار فرهنگی و اندیشگی در رابطه با هر نوع نظام حکومتی است. از آنجا که حرکت جامعه در زمینهٔ خلاقیت‌های فکری و فرهنگی حرکتی دائمی است که هیچگاه توقف پذیر نیست، بنابراین دفاع ازحقوق و آزادی‌های بنیادی در زمینه‌های فرهنگی و اندیشگی حرکتی موقت و تابع مقتضیات روز نمی‌تواند بود. جامعه به‌دلیل عوامل ذاتی خویش همواره در این خطر هست که آزادی اندیشه وتفکر وبیان وخلاقیت فرهنگیش به‌مخاطره افتد. بنابراین ضرورت جنبش اعتراضی برای مدافعه از این آزادی‌ها همیشه و در هرحال وجود خواهد داشت. چنین جنبشی که منشاء الهام آن همهٔ نیروهای مترقی جامعه، یا دقیق‌تر بگوئیم **ذات بالندگی جامعه** است و نه‌این یا آن گروه خاص اجتماعی، به‌دلیل ماهیت خویش همدست هیچ مرجع اجتماعی یا سیاسی معیّنی نمی‌تواند باشد. عناصر فعال این جنبش از افق‌های فکری و اجتماعی گوناگونند. مبارزهٔ آنها متوجه کلیه عواملی است که فعالیت‌شان مختل کنندهٔ حرکت آزادانهٔ نیروهای اجتماعی، این سرچشمهٔ الهام و تغذیه کنندهٔ آفرینش‌های فرهنگی جامعه است. چنین است جنبش نویسندگان ایران که گفتیم حرکتی است بر لبهٔ تیغ، تیغ ارتجاعی تیغ تعصب، و جزم اندیش‌های چپ‌گرایانه، و تیغ برّان قدرت حاکم روز. این حرکت دشوار بر لبهٔ تیغ، تنها با آگاهی و همت و ایمان به‌آرمان انسانی، این دستاوردهای تلاش خونین بشریت در طول تاریخ، و نیز با اعتقاد راسخ به‌توان بالندگی هرچه بیشتر انسان و جامعهٔ انسانی امکان‌پذیر است و بس. ■

باقر پرهام

مَسْتَك

ع ـ ا. احسانی

رمضان جفت گاو را هی می‌کرد و زمین شخم خورده را، روبه‌شیب، با فاصله دوپا ایشه می‌کشید جوی‌های باریکی که اسد آب را در آن‌ها می‌انداخت و زن‌ها و بچه‌ها نشاهای توتون را وجب به‌وجب کنارش می‌کاشتند. اسد می‌بایست آب را طوری در این ایشه‌ها تقسیم کند که خاك رانشوید و نبرد و تل‌های دوطرف، نرم نرم نم بکشد تا نشاها در آن بیگرند. اسد کم حوصله و درواقع گرسنه بود. صبح زود دو لقمه نانِ باقی مانده را جویده فقط دو پیاله چای روی آن سر کشیده بود و علی‌الطلوع آمده بود به‌توتون زار که وقتی زن‌ها سرِ کار می‌آیند لااقل یك وِجال۲ زمین را آب داده باشد که معطل نمانند. زن‌ها سر راه، نشاها را از تخم زار در می‌آورند و روپَل‌ها بسته بسته می‌چیدند. هوا هنوز سرد بود و شبنم به‌فراوانی رو علف‌ها نشسته بود. جنگل بهاره، سبز و سرزنده، تمام کوه دو طرف را می‌پوشاند. درخت‌های کوه شمالی در بخاری لطف فرو رفته بود. خاك نمور، به‌رنگ قهوه‌ای سیر و سوخته، در برابر گاوآهن چاك می‌خورد و آب در باریکهٔ جوی‌ها تقسیم می‌شد و مانند هزارپائی تنبل لابه‌لای هر چاله و زیر هر کلوخی سر می‌کشید و آن را می‌بلعید. نسیم ملایمی از درهٔ جنوبی می‌غلتید و از چاك پیراهن اسد داخل می‌شد، زیر بغلش می‌پیچید و تن عرق کرده‌اش را خشك و خنك می‌کرد. اسد حال خوشی نداشت. به‌زیبائی‌های طبیعت و سبزه‌زار، وزش نسیم و پیشرفت کار بی‌توجه بود و هر از چندی چشم به‌راه می‌دوخت. چندتائی از کومه‌ها، لای درخت‌های توتِ سرچشمه، در انتهای راه دیده می‌شد. سوت و کور و بی‌دودودم. اسد چشم به‌راه سیّد بود که می‌بایست نان بپزد و چای بیاورد. **که** ◀

الگوی فرهنگی مسلط جامعه همچنان حفظ کرد.

بودند کسانی که ناآگاه از معنای اجتماعی عمیق این حرکت، از برد سیاسی آن به‌وحشت می‌افتادند و همه تلاش خود را به‌کار می‌بردند تا اگر بتوانند فعالیت کانون نویسندگان ایران را در به‌قول خودشان «چارچوب هدفهای صنفی» و «حق‌التألیف‌های خوب» محدود کنند. آنان ظرف را دیده بودند ولی از مظروف، از محتوای عمیق حرکت، آگاهی درستی نداشتند. بهمین دلیل در همان نیمه‌های راه بهانه‌های جور واجور پیدا کردند و کناره گرفتند. نیز بودند کسانی که با محمل قرار دادن هدفهای بنیادی حرکت، به‌شیوهٔ تاجران بازار وارد میدان «مزایدهٔ سیاسی» شدند، با این امید که «ظرف» صنفی را پایگاهی برای هدفهای غیر فرهنگی و ایده‌ئولوژیکی خود کنند. اما در برابر آگاهی ضمنی ولی عمیقی که در مجموعهٔ حرکت نویسندگان نسبت به‌معنا و مفهوم اجتماعی آن وجود داشت میدان یکه‌تازی نیافتند. این هر دو دسته که صفات صنفی و سیاسی را هربار به‌دلخواه خویش و برای توجیه هدفهای محدود خود به‌کار می‌بردند ـ و هنوز هم به‌کارمی‌برند ـ دچار یك ابهام بنیادی بودند: ابهام در شناخت ماهیت حرکت روشنفکران ایران از دیدگاه مرفولوژی جنبش‌های اعتراضی. آنان از صنف، یعنی اتحادیه، یا از سیاست یعنی درواقع حزب، سخن می‌گفتند و حال آنکه کانون نویسندگان ایران نه اتحادیهٔ صنفی اهل قلم بود، و نه شکل سازمانی یك‌ایدئولوژی سیاسی معین، یعنی حزب. جنبش نویسندگان جنبشی اعتراضی بود که می‌بایست در چارچوب جامعه‌شناسی جنبش‌های اعتراضی طرح و بررسی شود.

هیچیك از جوامع تاریخی از جنبش‌های اعتراضی برکنار نبوده‌اند. منتها شکل سازمانی و نحوه بروز و شیوع این جنبش‌ها با مراتب تحول تاریخی جوامع و ماهیت و شیوه عمل نظام اجتماعی حاکم بر آنها رابطهٔ نزدیك دارد. جنبش‌های اعتراضی یا مربوط به‌استیفای حقوق حرفه‌ئی‌اند(۱) یا ناظر به‌تغییرهای سازمانی مطلوب(۲) یا خواستار تغییر نهادها و روابط اجتماعی بنیادی در مقیاس کل‌سازمان اجتماعی(۳) و یا خواهان نظارت بر حرکت کلی جامعه در مقیاس تاریخ(۴).

جنبش‌های اعتراضی نوع اول و دوم بیشتر در قالب اتحادیه‌های صنفی و سندیکاها شکل می‌گیرند و دارای هدفهای محدود و مشخص در ارتباط با یك

شغل یا حرفهٔ معین‌اند ـ مثلاً کارگران فلان صنعت خواهان بالا رفتن دستمزدها یا تغییر روابط مدیریت یا روابط مابین کارگر وکارفرماهستندبرای این منظور مبارزه می‌کنند. نوع سوم جنبش‌های اعتراضی بیشتر ناظر بر مبارزهٔ طبقات اجتماعی و یا گروه‌های ملی و قومی است که در قالب احزاب یا جبهه‌های سیاسی شکل می‌گیرد. درحالیکه نوع چهارم جنبش‌های اعتراضی را باید جنبش اجتماعی به‌معنای خاص کلمه دانست که شکل سازمانی آن منطبق بر هیچیك از شکلهای سازمانی قبلی نیست. در جنبش اجتماعی، مکانیسم‌های بنیادی جنبش، بیشتر از نوع فرهنگی‌اند و جنبش نمایندهٔ زندگی و حرکت دائمی و خلاق جامعه در مقطع تاریخی است. چنین جنبشی هرچند که ممکن است ازگروه یا جماعت معیّنی آغاز شود، نماینده گروه یا طبقهٔ اجتماعی معیّنی نیست بلکه برمحور خواست‌های اساسی و بنیادی که از یك رو مبتنی بر سطح تکامل فنی و فرهنگی کنونی جامعه و از سوی دیگر ملهم از ظرفیت حرکت و توان بالندگی آیندهٔ آن است حرکت می‌کند. بهمین دلیل جنبش‌های اجتماعی اگرچه نمایندگی مشخص طبقاتی ندارند نسبت به‌کشاکش و تعارض طبقات اجتماعی بی‌تفاوت‌نیستند. این‌گونه جنبش‌ها معمولاً در جهت هدفهای طبقات بالندهٔ جامعه حرکت می‌کنند. یك جنبش اجتماعی ممکن است عملاً در چنبر تأثیرهای ارتجاعی مهار شود اما به‌خودی خود نمی‌تواند هدفهائی ارتجاعی داشته باشد. دینامیسم محرك جنبش‌های اجتماعی را باید ناشی از ذات زندگی اجتماعی دانست که شکفتگی و توسعهٔ آزادانه و خلاّق آن ممکن است با ضرورت انباشت و نظارت اجتماعی تعارض پیدا کند. و حل این‌گونه تعارض‌ها جز با جنبش‌های اعتراضی دائمی که هدف‌های آن منبعث ازکلیت جامعه است و نه از محدوده یا بخشی خاص از آن، میسر نیست. البته، چنانکه گفتیم، کلیت هدفهای جنبش‌اجتماعی مانع از شکل‌گیری مشخص آن در محدوده‌های معین نیست. به‌عنوان مثال جنبش‌های دانشجوئی و روشنفکری، جنبش‌های اعتراضی در زمینهٔ دفاع از محیط زیست، جنبش‌های اعتراضی زنان و مانند این‌ها همه از انواع جنبش‌های اجتماعی‌اند که ضمن طرح مسائل مربوط به‌حرکت کلی و تاریخی جوامع بشری (الگوی فرهنگی مسلط، الگوی اقتصادی مسلط در بهره‌وری از منابع محیط زیست، الگوی حقوقی مسلط...) دربرگیرندهٔ محدوده‌های اجتماعی معیّن نیز هستند.

سیاسی آن ـ به‌مبارزه می‌طلبید و برداشتی دیگر از زندگی الگوئی دیگر از فرهنگ، را پیشنهاد می‌کرد. آزادی و خلاقیت، و ضرورت رشد آزادانهٔ فرد اجتماع، عناصر اصلی این فرهنگ جدید بود که نمی‌بایست به‌هیچ بهانه‌ئی به‌خطر افتد.

در نخستین بیانیه‌ئی که به‌امضای چهل و نه نفر از روشنفکران ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ خورشیدی منتشر شده و پایه و محور فعالیت برای تأسیس کانون نویسندگان ایران قرار گرفته بود گفته می‌شد که:

«... مردم و سازمان‌های عاملهٔ کشور، خاصه همه کسانی که با اندیشه و ابداع سر و کار دارند، باید بیاموزند که بیان و اندیشهٔ دیگران را، خواه موافق یا مخالف، تحمل کنند و آزادی را به‌خود محدود ندارند، دایه و قیّم و یا از آن بدتر گزمه نباشند. چه، آزادی اندیشه و بیان در فطرت آدمی است و هیچ جبر و تحکمی قادر بر محور آن نیست. آزادی اندیشهٔ و بیان تجمّل نیست، ضرورت است: ضرورت رشد آیندهٔ فرد و اجتماع ما»

و در نامه‌ئی که در خرداد ماه ۱۳۵۶ به‌مناسبت تجدید فعالیت عملی اخیر کانون و شروع اعتراض جمعی به‌سانسور و خفقان رژیم پهلوی با امضای چهل تن از نویسندگان به‌نخست وزیر وقت فرستاده شد در محکوم کردن الگوی فرهنگی مسلّط بر جامعه چنین آمده بود:

«... فرهنگ و خلاقیت فکری و هنری در جامعهٔ ما دچار توقف و رکود شده است وحتی به‌جرأت می‌توان گفت که نشانه‌های بسیار نگران کننده‌ئی از انحطاط فرهنگی نیز پیداست که‌ابعاد آن هر روز گسترده‌تر می‌شود. به‌عقیدهٔ ما این وضع ناشی از عوامل پیش پا افتادهٔ فنی و مالی در زمینهٔ نشر کتاب نیست که در مجامع رسمی و دولتی عنوان می‌شود بلکه در درجهٔ اول بسته به‌محدود بودن شدیدِ شرائط تفکر خلاق و آزادانه برای‌نویسندگان،شاعران،اندیشمندان و کلیهٔ کسانی است که در عرصهٔ فکر و هنر صلاحیتی بالفعل یا بالقوه دارند. سپس مربوط به‌ضوابط شدید سانسور است

که دستگاه‌های مختلف دولتی اعمال می‌کنند. و سومین مسأله در زمینهٔ‌مشکل کتاب ناشی از محدودیت‌های شدیدی است که در جهت مطالعهٔ کتاب برای مردم اهل مطالعه، بخصوص جوانان و دانشجویان، به‌وجود آمده است.»

درهمان بیانیه، الگوی مسلط رشد اجتماعی و اقتصادی کشور نیز به‌نحو زیر محکوم شمرده شده بود:

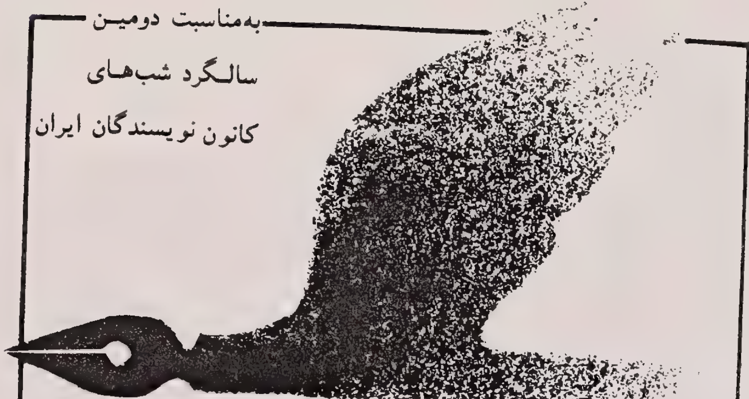
«... رشد اجتماعی و اقتصادی هرگز به‌تنهائی با افزایش ارقام و آمارمربوط به‌افزایش درآمد ملی از راه فروش و صدور منابع طبیعی کشور و افزایش درآمد سرانه همراه با یك نظام نامتعادل توزیع درآمد توجیه نمی‌شود، و با رشد خلاقیت فکری و توسعهٔ بنیادهای فرهنگی و گسترش فعالیت‌های علمی و ادبی و هنری رابطهٔ مستقیم دارد. توسعه، در درجهٔ اول یك پدیده اجتماعی و فرهنگی است که گسترش صنایع و تراکم بی‌بند و بار شهرها از راه مهاجرت روستائیان و ترویج اقتصاد دلالی جای آن را نمی‌گیرد...»

بدینسان آشکار بودکه اقدام کانون نویسندگان ایران اقدامی بود دربرگیرندهٔ کل حرکت جامعه، که از پایگاهی صنفی در رویاروئی با الگوی فرهنگی مسلط جامعه انجام می‌گرفت. به‌دنبال اقدام کانون، حرکت‌های صنفی دیگر با هدفهای عام و برد سیاسی در جامعهٔ ما آغاز شد: حقوقدانان و دانشگاهیان، معلمان و پزشکان، ناشران و مدافعان مطبوعات آزاد، و سرانجام هواداران آزادی و اعتلای قومی و فرهنگی اقوام و خلق‌های ایرانی، یکی پس از دیگری به‌میدان آمدند، و با حفظ تنوع افکار و عقاید سیاسی و اجتماعی در قالبی صنفی، هدفهائی عام و بنیادی را که ناظر بر چگونگی حرکت کلی جامعه بود مطرح کردند. این شکل جدیدی از مبارزه بود که جای خود را در جامعهٔ ما می‌گشود.

دستگاه حاکم که در آغاز کار تحمل موجودیت حرکت نویسندگان را حتی در قالب صنفی آن نداشت با گسترش دامنهٔ اعتراض بی‌میل نبود که محمل صنفی حرکت را بهانه قرار دهد و با دادن امتیازهای موضعی و با محدود کردن حرکت به‌هدفهای محض صنفی، جنبش آغاز شده را مهار کند. اما حرکت روشنفکران ایران که به‌هدفهای بنیادی خویش در مقیاس کل جامعه آگاهی کامل داشت در دام نیفتاد و ذات اعتراضی خود را در مقابله با

کتاب جمعه سال اول
۳ آبان ۱۳۵۸
ص ۱۲۰

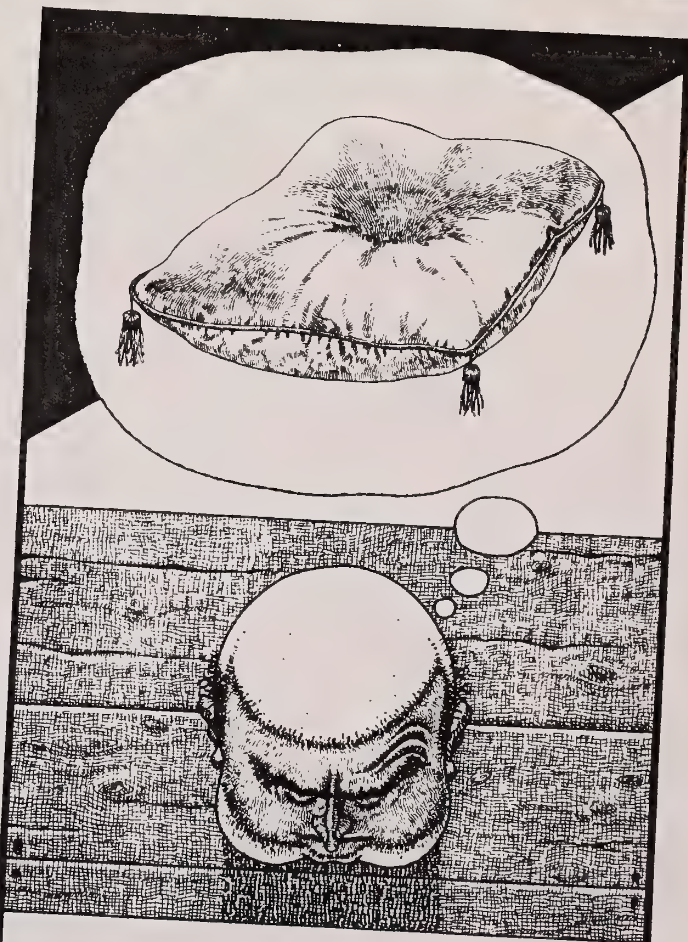
به‌مناسبت دومین
سالگرد شب‌های
کانون نویسندگان ایران

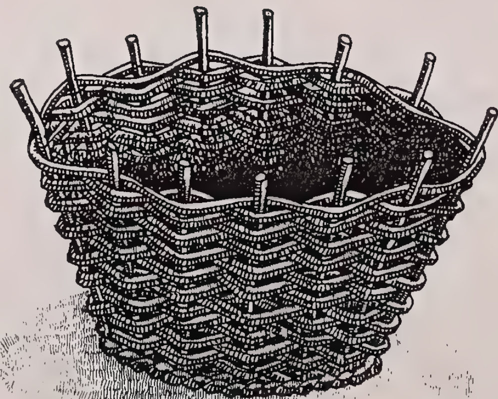


نگاهی به‌جنبش روشنفکران ایران

دو سال از **آزمایش** «شب‌های کانون نویسندگان ایران» در انجمن ایران و آلمان گذشت. می‌گوئیم **آزمایش**، زیرا این حرکت به‌راستی خطر کردن در نوعی آزمایش تازه بود، آزمایشی در رویاروئی دموکراتیک با نظام جبّار شاهنشاهی، در گشودن راهی از میان ظلمت سانسور، در حرکت بر لبهٔ تیغ.

نطفهٔ این آزمایش اجتماعی، پیش از «شب‌های شعر»، در فعالیت جمعی ولی محدود روشنفکران در «کانون نویسندگان ایران» بسته شده بود. اقدام به‌تأسیس «کانون نویسندگان ایران» خود آزمایش تازه‌ای در زمینهٔ جنبش‌های اعتراضی بود. هدف درواقع عبارت بود از پرداختن به‌مسائل عام و بنیادی جامعه از دریچهٔ تنگ پایگاه صنفی: پرشی اعتراضی از سکوی اهل قلم به‌بلندترین وعام‌ترین آماج‌های حرکت تاریخی جامعه، و طرح مسالهٔ فرهنگ و خلاقیت فرهنگی. به‌این اعتبار، اقدام کانون نویسندگان ایران، اگرچه در ظرفی صنفی انجام گرفت بعدی اجتماعی و عمیقاً سیاسی داشت چرا که درواقع الگوی فرهنگی حاکم را - با همهٔ لوازم و شیوه‌های اجرائی و





پیکار

شماره ۲۷
۷ آبان ۵۸

بقیه از صفحه ۱

اشغال هتلها ...

ساختن بیشتر توده‌ها به حقوق مسلم خویش عنوان شده است . اما سیاستهای دولت ضد - انقلابی که چیزی جزدفاع از سرمایه‌داری وابسته و بزرگ و رودرروئی با راه حل توده‌ای مسائل نیست ،مانع از برآورده‌شدن این اهداف گردیده‌است . در حل مسئله مسکن سیاست هیئت حاکمه مبتنی بر جمع‌آوری‌صدقات جهت خانه‌سازی و دیگر سیاستهای رفرمیستی و نیم بند بوده است ،که حاصلی جز ستم بیشتر برای زحمتکشان میهن ماندارد. اما در این میان توده‌های زحمتکش و بی مسکن ما نیز بیکار ننشسته‌اند .چندی پیش درتبریز شاهد مصادره زمینهای بزرگ و هجوم به انبارها و مغازه‌های احتکارگران‌از جانب زحمتکشان بودیم ودر تهران نیزدرچندمحله مردم دست‌به ابتکارهای مشابهی زدند.

اما هفته‌گذشته‌وروزهای اخیر ،دانشجویان قهرمان چند دانشکده موج دیگری از حرکت روبا‌عتلای مصادره توده‌ای را به‌نمایش گذاردند .دانشجویان فاقد مسکن چند هتل مجلل را درتهران و شهرستانها اشغال‌کردند و باردیگر راه حل انقلابی و توده‌ای بحران مسکن را که تا بحال از آن سخن رفته ،نشان دادند .

دانشجویان با اشغال محقانه‌وعادلانه هتلها عملا و بطرزی انقلابی ، حکم صریح دادستان انقلاب‌اسلامی مبتنی بر تخلیه‌کلیه ساختمانهای مصادره‌شده راپاره کردندو با اقدام خودبه جنبش‌توده‌ها بعد تازه‌ای بخشیدند. اینگونه اقدامات‌که در آینده گسترش بیشتری خواهد یافت‌یکبار دیگر شکست برنامه های رفرمیستی قدرت‌حاکم‌را در حل مسائل زحمتکشان که‌درست عکس‌خواستهای انقلابی توده‌ها میباشد نشان میدهد. دراین راه علیرغم سنگ‌اندازیهای رویزیونیستهای توده‌ای و مرتجعین مذهبی(که راه‌حلهای "قانونی" و "صبر کردن" را تبلیغ‌میکنند) توده‌های ستمدیده و مبارز ما بدون شک اینگونه اقدامات‌توده‌ای وانقلابی را با قاطعیت گسترش‌خواهند داد‌اما حتی برای لحظه‌ای فراموش‌نخواهند کردکه‌بحران مسکن تنها با مجموعه کاملی ازعملیات‌برنامه - ریزی شده‌درجهت تامین مسکن درشهرو روستا ، مصادره کلیه‌محلهای مسکونی خالی ومتعلق به سرمایه‌داران بزرگ ووابسته‌به‌امپریالیسم وبعهده گرفتن امر اجاره‌دهی ازطرف‌دولت - دولت‌نماینده زحمتکشان - و ازهمه‌مهمتر از بین بردن اختلاف‌بین شهروروستا امکان - پذیر است . اقداماتی که تنها درجمهوری دمکراتیک‌خلق ، و اعمال حاکمیت خلقهای ایران تحقق خواهد یافت .

هرچه‌گسترده‌تر باد‌ابتکارعمل انقلابی‌توده‌ها

راهپیمائی روزجمعه

راهپیمائی همبستگی " امام وامت " که از سوی " قشر ممتاز روحانیت " و قشریون جنگ- افروز به سرکردگی " حزب جمهوری اسلامی" ترتیب یافته بود ،با استفاده از توهم و احساسات مذهبی توده‌ها باشرکت میلیون- ها نفر برگزارگردید . شک نیست که بسیاری از زحمتکشان ما که درچند ماهه اخیر به تجربه دریافته‌اند که هیئت حاکمه نمیتوانند پاسخگوی مسائل آنان باشد ، در این راه- پیمائی شرکت نداشتند وشک نیست که با ز بسیاری از توده‌ها که به ماهیت ضدانقلابی دولت بازرگان تاحدودی پی برده‌اند ولی هنوز نمی توانند رابطه منطقی بین تمام جناحهای هیئت حاکمه برقرار کنند ،وازاین رو به غلط در وجود رهبری روحانیت، دنبال آرزو وآمال خویش میگردند ،دراین تظاهرات شرکت داشتند .

اما هدف برگزارکنندگان این راهپیمائی چه بود ؟ مسئله این است که پس‌از لشکر- کشی ارتجاع‌حاکم به کردستان ،وکشتار‌خلق کرد ،و متقابلا پایداری ومقاومت حماسه‌آفرین این خلق دلیر ،پس‌از یورش‌به مطبوعات مترقی و سلب‌آزادی از آنان ،پس‌از تهاجم به نیروهای کمونیست و سلب امکانات علنی از آنان ،که عکس‌العمل و مقاومت‌این نیروها و هواداران آنها را باعث‌گردیده است ، پس‌از تصویب اصل عقب مانده " ولایت فقیه " و بطور کلی رسوائی مجلس"خبرگان " و موج مخالفتی که بر علیه آن بوجود آمده است و بالاخره پس‌از اوجگیری جنبش‌بیکاران و..... در طی یکی دو ماه اخیر ،رژیم در گرداب عظیمی از سردرگمی و بحران فرو رفته است. برای نجات رژیم از این گرداب تلاشهای وسیعی از جانب نیروها و جریانهای‌مختلف صورت میگیرد (نامه مجاهدین به امام در مورد کردستان ،که در شماره قبل بدان اشاره کردیم ،سخنرانی آقای احمدزاده در چهلم درگذشت آیت الله طالقانی از جمله این تلاشهاست)

راهپیمائی روز جمعه پاسخی بود که انحصارطلبان‌وقشریون مرتجع وجنگ افروز به سرکردگی " حزب جمهوری اسلامی " به‌مسائل فوق دادند . آنها در این راهپیمائی نشان دادند که به اصول ارتجاعی وسیا - ستهای ضد انقلابی خویش‌وفادارند وهرگونه کمک نیروهای دمکرات مذهبی را رد میکنند . آنها بار دیگر خطکشی خود را بااین نیروها برخ‌کشیدند و نشان دادند که حاضرنیستند در حال حاضر سهمی دلخواه به‌این نیروها بدهند .

آنها ضمن اینکه بار دیگر دشمنی‌ونفرت خود را به طبقه کارگر باشعارهای ضدکمو - نیستی نشان دادند حمایت خود راازاصل ارتجاعی " ولایت‌فقیه " (۱) و رامحل جنگ در کردستان (۲) باعنوان"پاکسازی‌منطقه" اعلام‌کردند . و به نیروهای دمکرات مذهبی بشدت حمله کردند و آنهارا " توطئه گر"(۳) نامیدند (و این درحالی بود که دکتربهشتی وقیحانه از نیروها وکسانی که مخالف هستند و نظر دارند ،درخواست میکرد که بیایند وبنشینند و حرفهایشان را بزنند!)

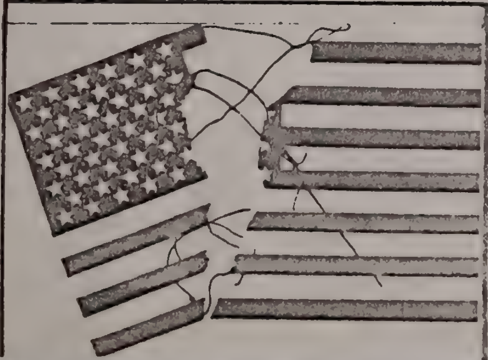
نیروهای دمکرات مذهبی با درک درست از مقاصد ارتجاعی و ضدانقلابی ترتیب- دهندگان این تظاهرات در آن شرکت نکردند . اما حزب توده با شرکت خویش در این تظاهرات عملاً برنیات شوم وارتجاعی " حزب جمهوری اسلامی " و همدستان وی صحه گذاشت و در پوشش" همبستگی باامام" عملاً بر " ولایت فقیه " ،بر راه حل جنگ در کردستان (که حتی با راه حل ادعائی‌اش جور در نمی آید) و حمله به نیروهای دمکرات مذهبی صحه گذاشت!!

---

(۱) ــ ما بار دیگر پیوند ناگسستنی و بیعت و ارتباط قلبی و عینی رابا امام امت تاکید کرده و تبعیت ازرهبری وی بر اساس اصل ولایت فقیه راتاآخرین قطره خونمان وبا تمامی امکانات وتوانمان اعلام‌می‌نمائیم .

(۲) ــ . . . از خواهران و برادران غیور کرد انتظار داریم همگان با برادران پاسدار و ارتشی به پاکسازی منطقه بپردازند .

(۳) ــ ما انزجار خود را از توطئه‌های اشخاص و گروههائی که مقاصد خود را در پوشش دلسوزی برای امام اعمال میکنند ابراز میداریم . (قطعنامه راهپیمائی)



منتشر شد :

جنبش دانشجوئی و مسئله "دانشجویان مبارز"

از انتشارات :سازمان پیکار درراه آزادی طبقه کارگر

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار ۲۷

دوشنبه ۷ آبان ۱۳۵۸ — بها: ۲۵ ریال

پیکار را بخوانید، در تکثیر و پخش آن بکوشید

اشغال هتلها: کاری انقلابی، ابتکاری توده‌ای

مصادره سرمایه ها و زمینهای بزرگ و امکانات حاصله از خون و رنج زحمتکشان که در انحصار سرمایه‌داران و زمین داران است یکی از اساسی ترین خواستهای توده ها در دوران انقلاب بود. پس از واژگونی رژیم شاه نیز این راه حل انقلابی همیشه ازسوی نیروهای انقلابی و کمونیستها، برای آشنا

بقیه در صفحه ۲

جنبش کارگری

گزارشی از تصرف "خانه کارگر"

خبری از فاستر ویلر

نفتگران مبارز، درمقابل طرح کار پنجشنبه ها، همچنان مقاومت می‌کنند

درصفحهٔ ۲۴

دربارهٔ راهپیمائی روز جمعه

درصفحهٔ ۲

حزب توده مشاطه‌گر بورژوازی

درصفحهٔ ۹

درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی (۴)

درصفحهٔ ۷



"ولایت فقیه" گشادترین کلاهی که بسر مردم ایران می‌رود! (۴)

درصفحهٔ ۵

دورنگی وحرکت درسمت باد متهم کند. چراکه‌چه‌دردوران‌اوج وچه پس از ضربات وچه قبل و چه بعد از انقلاب برراه‌خود بی‌هیچ خدشه‌ای استوارماندیم ، وبازهم خواهیم ماند. آری ماحیثیت تاریخی و مردمی مکتبمان راباهیچ‌منفعت‌ومصلحتی تعویض نمیکنیم .ودرهمین‌جااست که کسانی که توده‌ٔ مردم وتوده‌ٔ جوانان انقلابی راازاسلام گریزان‌میکنند ، خود بایستی دردنیا وآخرت پاسخگوباشند.

...ریالیستی نمیتوان ...ه‌ای صرفنظر کرد

یک مبارزه‌ٔ ضدامپریالیستی وباتوجه به اصلي بودن تضاد " خلق‌وامپریالیسم " میتوان-درشرایط‌کنونی انقلاب-به‌مبارزه بااپورتونیسم تحقق بخشید ؛ با تحلیلی دقیق ازجریان ضربه ،هم به‌مبارزه‌ٔ پیگیر وهمه‌جانبه‌بااپوتونیستهای چپ‌نماوحفظ مواریث سازمان پرداخت وهم ازافتادن درجریان خودبخودی یعنی "گرایش‌های ارتجاعی" پرهیز نمود. ودرسایه‌ٔهمین برخورد توانست شتاب بیشتری درمسیر رشد سازمان‌ایجاد کند.

باید ازسقوط درموضعگیریهای انعکاسی پرهیزنمود. زیراکه‌این اشتباه ازروشنفکر بخشودنی نیست

باتوجه به‌تجارب فوق ونمونه‌های بسیار دیگری که‌میتوان‌از تاریخ مبارزات خلقها بدست‌آورد ، باید دقیقا" بشرایط کنونی انقلاب توجه نمود ، تابتوان آگاهانه از سقوط درموضعگیریهای انعکاسی که بهیچ عنوان‌برای‌روشنفکران‌بخشودنی نیست ، پرهیز نمود.

درست بهمین دلیل همانقدر که تأیید یکپارچه نظام حاکم پس‌ازپیروزی انقلاب ضددیکتاتوری ، موضعگیری‌کاملا" انعکاسی وغلط‌ودرواقع نمایانگر برخوردارنبودن ازدیدگاه منسجم وواقعگرایانه بود، اکنون نیز با آشکارشدن "عملکردهای ارتجاعی نظام موجود" به یکباره به نفی مطلق افتادن ، دقیقا" یک‌موضع گیری غیراصولی است. این هردوموضع گیری ، علیرغم اشکال متفاوتش،بلحاظ محتوی ، نمایانگر دنباله‌روی کورکورانه‌ٔ روشنفکر از " جریانات اجتماعی " است.

هنوزلایه‌های پائین اقشار متوسط "صلاحیت" شرکت در مبارزهٔ ضدامپریالیستی را دارند.

برای روشن شدن‌این مطلب مسأله راقدری بیشتر میشکافیم :

میدانیم که‌کشورهای‌تحت سلطه‌ٔ امپریالیزم ، بدلیل بافت خاص طبقاتیشان ،درگیرانقلاب دموکراتیک‌هستند. وصرفاباتبعیت ازقوانین کلی‌این نوع انقلاب ، قادرخواهندبود خودرا به‌طور کامل ازقید سلطه‌ٔ امپریالیزم برهانند . درانقلاب دموکراتیک،هرچندطبقه‌ٔکارگر بلحاظ اجتماعي باید پیشاپیش صفوف انقلاب حرکت کند ، ولی این‌بدان‌معنی نیست که این طبقه‌تنها شرکت کننده‌ٔدر این انقلاب است. ماهیت تضاد خلق و امپریالیسم ، ابعاد گوناگون اجتماعی و تاریخی آن‌ایجاب‌میکندکه‌حتما "لایه‌های پائینی اقشار متوسط‌نیز سهم خودرادر مبارزه با امپریالیزم ایفاکند. به عبارت دیگر ، بدون تحقق این وحدت‌اجتماعی مبارزه‌ٔ ضدامپریالیستی به پیروزی نخواهد انجامید .

معني بیان فوق اینست که : هنوز لایه‌های پائین اقشار متوسط" صلاحیت" شرکت درمبارزه ، درجریان‌تکامل‌اجتماعی ، رادارند .

حال که چنین است ، هر چند روشنفکران انقلابی زمان مالامحاله باید برخوردارازدیدگاه عمیق " ضداستثماری" باشند ، و پایگاه اصلی اجتماعی خود را کارگران وکشاورزان بدانند ، ولی تعلق آنها به جریان انقلابی زمان ، هرگزنافی مسئولیتشان درسازمان دادن صفوف مبارزه نیست. صفوفی که دربرگیرنده‌ٔ تمام اقشار وطبقات اجتماعی‌یی است که بلحاظ ماهیتشان صلاحیت شرکت‌در مبارزه‌ٔضدامپریالیستی رادارند .

روشنفکر نباید مسئولیت خودرادرقبال نیروهای ضدامپریالیست فراموش کند

بلکه باید توجه کنند که نیروهای انقلابی درقبال سایر نیروهاکه‌درزمان ماصلاحیت قرارگرفتن درخط مقدم جبهه راندارند ، ولی هنوز میتوانند درصفوف مبارزه‌ٔ ضدامپریالیستی قرار گیرند ، مسئولیت سنگینی رادارند.وبایدبتوانند از تجزیه‌ٔزودرس صفوف‌خلق جلوگیری کنند. نگاهی به مبارزات دهه‌های اخیر خلق ایران روشنگر نقش لایه‌های پائین اقشار متوسط‌اجتماع ، درمبارزات ضدامپریالیستی و ضددیکتاتوری است :هر چند پیروزی‌درمرحله‌ٔمبارزه‌ٔ " ضد دیکتاتوری " طبیعتا " لایه‌های مرفه‌تر اقشار متوسط را ازصفوف‌انقلاب جدا میکند ، ولی آیامیتوان تصورنمودکه یکباره درعرض چندماه لایه‌های پائین قشر متوسط نقش تاریخی خود راازدست داده‌اند ؟" وآیا بواقع میتوان‌تصورنمود که " دراین مدت کم‌کارگران به چنان کیفیت ایدئولوژیک وسازمانی رسیده‌اند که‌بتوانند بارعظیم انقلاب رابه‌تنهائی بدوش کشند ؟" وآیا " اپورتونیستهای چپ نما" درآغاز بانفی همین " اصل وحدت نیروهای ضدامپریالیست" به مواضع اپورتونیستی نیفتادند ؟ .بنابراین‌نتیجه میگیریم که‌همانقدر که خیره شدن چشم درقبال پیروزیهای انقلاب میتوانست اشتباه باشد ، وروشنفکررا از ایفای نقش هدایت کننده ورهبری‌کننده‌ٔ حرکت خلق بازدارد ، وبه‌تأییدگرومدّاح هرآنچه تحقق میپذیردتبدیل نماید ،در شرایط‌کنونی نیز ، ناگهان دستخوش امواج خودبخودی بازتابهای عملکرد اجتماعی سیستم‌حاکم شدن وتضاد خود را مطلق کردن ، میتواند بهمانقدربرای تداوم انقلاب دموکراتیک ضربه زننده بوده ، ودرموضعگیریهای سیاسی‌منجربه نفی‌اصل‌وحدت‌درمبارزهٔضدامپریالیستی گردد. ودرابعاداجتماعی منجر به جدا شدن زودرس برخي لایه‌های‌اجتماعی که هنوز صلاحیت شرکت درانقلاب‌رادارند بشود .

نبایستی مضمون ضدامپریالیستی مبارزهٔ ضدارتجاعی را فراموش کرد

بدینسان میبینیم که : هر نوع موضعگیری سیاسی ، فقط وفقط آنگاه‌ابعاد واقعگرایانه خواهد داشت ،وبطوریکجانبه دریک مرحله " وحدت " و در گام بعد تضاد با نظام حاکم را مطلق نخواهد کرد ، که درآن به ماهیت‌مبارزهٔضدامپریالیستی‌وضرورت حل هرنوع تضادفرعی درچهارچوب اصل بودن تضادباامپریالیسم توجه شده‌باشد . والا بناگاه‌متوجه خواهیم شدکه‌بااصل‌کردن‌مبارزه‌باارتجاع - وبافراموش کردن چهارچوب‌واقع بینانه آن یعنی مبارزه با امپریالیزم- نه‌تنها خدمتی به‌انقلاب نکرده‌ایم بلکه آن‌را از مسیر اصولی به‌انحراف کشانده‌ایم .

ونتیجه‌میگیریم‌که : دانشگاه و دانشجو دراین مرحله ،ضمن‌آنکه‌همچنان باید بدون وقفه به‌مبارزه‌باارتجاع‌ادامه دهد .درعین‌حال‌بایدهشیارانه مضمون ضدامپریالیستی مبارزه‌با ارتجاع را نیز ازیادنبردواگر دراین‌مقطع تاریخی ،خود راجزو نیروهای انقلابی " نافی استثمار" ودرراس همه‌ٔآنها پیروان اصیل مکتب توحید میداند ، مسئولیت خویش را در حفظ‌وحدت ضدامپریالیستی و بسیج لایه‌های پائینی قشر متوسط‌که هنوز صلاحیت شرکت درمبارزه‌ٔ ضدامپریالیستی رادارند ، فراموش نکند .

سور) چنین میتوانیم :

" برای افکار عمومی این سؤال جداً مطرح شده که چرا برای این انتخابات مهم وسرنوشت ساز چنین مدتی کوتاه در نظر گرفته شده بود، وکار آنچنان با عجلـه صورت گرفت که نه مردم ونه احزاب و نه نامزدها توانسته باشند در این مورد توجیه شوند. وحتی صلاحیت بسیاری از نامزدها دوروز قبل از انتخابات ازطرف وزارت

هیچ شده خبرنگاران بیگناه را در داخل همین مجلس بباد کتک و ناسزا میگیرید، داعیه آزادیخواهی شمارا باورکنند؟ و بعد از آنهمه مبارزات ضد استبدادی مردم بازهم به چنین وضعیتی رای مثبت بدهند؟

بدیهی است که هر آدم حسابگری به این فکر می افتد که: وقتی در قلب "خبرگان" با خبرنگاران اینچنین معامله ای میشود پس وای بحال رفتار بعدی "ناشیان" آنهم در

چرا که چه در دوران اوج وحدت ... وچه قبل و چه بعد از انقلاب ... بی هیچ خدشه ای استوار ماندیم، و ... خواهیم ماند. آری ما حیثیت تاریخی ... مردمی مکتبمان را با هیچ منفعت ومصلحتی تعویض نمیکنیم. ودرهمین جاست کـه کسانی که تودهٔ مردم وتودهٔ جوانان انقلابی را از اسلام گریزان میکنند، خود بایستی در دنیا وآخرت پاسخگو باشند.

دانشگاه وانقلاب (۳)

دریک انقلاب مکتبی وضد امپریالیستی نمیتوان ازتوان انقلابی هیچ قشر وطبقه ای صرفنظر کرد

دیدیم که میهن ما در مرحلهٔ بسیار حساسی از تاریخ مبارزات خلق بسر میبرد. وبدلیل حاکمیت مستمر دیکتاتوری وضعف آگـاهی توده هـا، نقشی بـس حساس و مسئولیتی بس سنگیـن بـردوش روشنفکران وبویژه دانشجویان ماست. ونیز دیدیم که بدلیل همین متحوّل بودن اوضاع، هرنوع برخورد ساده گزینانه و ساده اندیشانه، میتواند، فاجعه آفرین باشد، مخصوصا "باتوجه به هوشیاری امپریالیسم وبرخورداری او ازتجارب ضد انقلابی.

روشنفکر چگونه ممکن است وظیفه سنگین خود را فراموش کند

حال ببینیم چگونه ممکن است قشر روشنفکر درمقاطع مختلف وظیفهٔ سنگین آگاه کردن توده ها وبردن ایدئولوژی بـه میان طبقات مختلف را فراموش کند، ویا از عهدهٔ انجام آن، برنیاید.

معمولا" توده های ناآگاه وروشنفکر‌ان درمقابل عینیـت های اجتمـاعی، انعکاسهای کاملا" متفاوتی نشان میدهند. هرچند تجارب عینی توده ها بسیار غنی است، ولی بدلیل برخوردارنبودن آنها ازچهارچوب فکری منسجم وواقع گرایانه، بهیچ عنوان جمعبندیها ودریافتهای کلی آنها رئالیستی نیست. وبالعکس، این روشنفکر است که بدلیل توان اجتماعی لازم جهت دستیابی به چهارچوب یک ایدئولوژی واقع گرایانه، ومخصوصا درک قوانین علمی حرکت جامعه، میتوانـد ضمن برخورد با عینیت های اجتماعی آنها را جمعبندی کند، ویک خط مشی مشخص سیاسی درقبال توده ها قرار دهد. ودرست به همین دلیل، اگر روشنفکران نتوانند از عهدهٔ این مهمّ برآیند، غالبا "دیدگاه توده های مردم بسادگی تحت تأثیر نظام حاکم قرار میگیرد، وباصطلاح بردهٔ فکری طبقات استثمارگر ودر زمان مـا "بورژوازی" میشوند.

نگاهی به تجارب سالهای اخیر انقلاب ایران، بخوبی میتواند مطلب فوق را روشن کند:

پس از سرکوب خونین ۱۵ خرداد موج یأس توده ها را فراگرفت. درحالیکه روشنفکرانی که توانستند با این مسالـه برخورد اصولی کنند نه تنها مأیوس نشدند، بلکه راهگشای شکل جدید مبارزه یعنـی "مبارزهٔ مسلحانه" گردیدند. با برخورداری از همین جمعبندی با مبارزه ای پیگیر حتی سدّ یأس وناامیدی را درمیان توده‌ها نیز شکستند. ولی درهمین مقطـع، گروههائی ازروشنفکران بدون آنکه خود متوجه باشند، بدلایل گوناگون وباشکلی تئوریزه شده، درست مانند توده های ملموس گرا مُبلّغ یأس گردیدند، وبابی‌عملی نقش خود را بطور کامل از دست دادند.

تجارب گرانقدری نیز، که سازمان ما ازضربهٔ "اپورتونیستهای چپ نما" بدست آورده، بوضوح روشنگر ضرورت برخوردی عمیق وآگاهانه، باحوادث و عینیّات اجتماعی است.

پس ازضربهٔ سال ۵۴ عـدهٔ کثیری از حتی روشنفکران مسلمان" به دلیل عدم برخورداری ازدیدگاه ناب توحیدی، اندیشهٔ خود را بدست امواج خودبخودی ناشی از "ضربهٔ اپوتونیستها" سپرده، وبدلیل اینکه این جریان ماتریالیستی بود، عمیقا" به مواضع "ضد مارکسیستی" افتادند. و درنتیجه آب به آسیاب ارتجاع ریختند. ولی سازمان مجاهدین بدلیل درک عمیقی که از توحید داشت ونیز میدانست که صرفا" درجریان یک مبارزهٔ ضد امپریالیستی وباتوجه به اصلی بودن تضاد "خلق وامپریالیسم" میتوان-درشرایط کنونی انقلاب-به مبارزه با اپورتونیسم تحقق بخشید، با تحلیلی دقیق ازجریان ضربه، هم به مبارزهٔ پیگیر وهمه جانبه با اپوتونیستهای چپ نما وحفظ مواریث سازمان پرداخت وهم ازافتادن درجریان خودبخودی یعنی "گرایش های ارتجاعی" پرهیز نمود. ودرسایهٔ همین برخورد توانست شتاب بیشتری درمسیر رشد سازمان ایجاد کند.

باید ازسقوط درموضعگیریهای انعکاسی پرهیز نمود. زیراکه این اشتباه ازروشنفکر بخشودنی نیست

باتوجه به تجارب فوق ونمونه های بسیار دیگری که میتوان از تاریخ مبارزات خلقها بدست آورد، باید دقیقا" بشرایط کنونی انقلاب توجه نمود، تابتوان آگاهانه از سقوط درموضعگیریهای انعکاسی که بهیچ عنوان برای روشنفکران بخشودنی نیست، پرهیز نمود.

درست بهمین دلیل همانقدر که تأیید یکپارچه نظام حاکم پس ازپیروزی انقلاب ضد دیکتاتوری، موضعگیری کاملا" انعکاسی وغلط ودرواقع نمایانگر برخوردارنبودن ازدیدگاه منسجم وواقعگرایانه بود، اکنون نیز با آشکارشدن "عملکردهای ارتجاعی نظام موجود" به یکباره به نفی مطلق افتادن، دقیقا" یک موضع گیری غیراصولی است. این هردوموضع گیری، علیرغم اشکال متفاوتش، بلحاظ محتوی، نمایانگر دنباله روی کورکورانهٔ روشنفکر از "جریانات اجتماعی" است.

● اصل اول منشور سازمان ملی دانشگاهیان: ماخواهان استقلال نظام دانشگاهی هستیم
● روسای موقت دانشگاهها محکمتر از هر رئیس غیرموقت برجای خود نشسته‌اند
● آخرین جلسه شورای رؤسای دانشگاهها برفکر استقلال دانشگاهها خط بطلان کشید

استقلال نظام دانشگاهی هستیم. سرنوشت نظام دانشگاهی ایران بایدبه جامعه‌دانشگاهی‌سپرده‌شود نظام دانشگاهی ایران‌بایدبراساس استقلال اداری، علمی و فرهنگی سامان یابد، استقلال‌دانشگاهی، بدور از منافع خصوصی و امیال فردی و رها از هرگونه مداخلات دولت ودستگاههای اجرائی‌امکان وجود می‌یابد و اگر جز این‌باشد نظام دانشگاهی در قید و بند سرکوب و ورشکسته خواهدبود، استقلال نظام دانشگاهی یکی از ارکان اصلی شکوفائی هرجامعه است و تجاوز به‌استقلال‌دانشگاه، تجاوز به گذشته، حال و آینده جامعه است.»

اما در عمل اصل استقلال دانشگاهها پس از مدتی مورد مخالفت گروهی‌ازامضاء کنندگان منشور قرار گرفت. این گروه‌که عده‌ای از آنها مقامهای‌دانشگاهی را در دست دارند و در نخستین ماههای بعد از قیام ۲۲ بهمن «جامعه اسلامی دانشگاهیان » را بنیاد نهادند، اظهار عقیده‌می‌کردند که در زمان دولت ملی استقلال دانشگاه مفهوم نخواهد داشت. با این استدلال آنها مدیریت انتصابی‌دردانشگاهها‌راپذیرفته‌اند.

یکی از آگاهان دانشگاهی در این زمینه می‌گوید:

«کسانی‌که بصورت انتصابی در راس دانشگاهها قرار دارند در مخالفت خود باشوراهای دانشگاهی که‌طبعا‌استقلال‌دانشگاه را درپی خواهد داشت از موضع طبقاتی خود عمل‌می‌کنند. شوراها به منافع آنها لطمه خواهد زد و طبیعتا از منافع اکثریت اعضای دانشگاه دفاع خواهد کرد و این

کرد که درحقیقت وجود ندارد، از اینها گذشته در بسیاری‌موارد حتی شکل و شیوه‌ی عملی‌شورا های هماهنگی دانشکده‌هادر خط شورای واقعی سیر نمی کند، کم نیست مواردی که مدیران دانشگاهی مصوبات‌شوراها رانمی‌پذیرند و می‌گویند: «ما تصمیم می‌گیریم و به شماابلاغ‌می‌کنیم.»

موفقیتهای نسبی

گوآینکه تنشهای دانشگاهی‌در کل، پیشرفت اصل دمکراسی را در مراکز علمی کند کرد اما در این ضمن تلاشهای استادان و دانشجویان و کارمندان در جهت دستیابی به هدف اولیه، یعنی برقراری و ایجاد شوراها ودخالت فعالانه در اداره امور دانشگاهها موثر افتاد. در زیر نظر مدیران انتصابی‌شوراهای‌هماهنگی‌دانشکده ها و دانشگاهها تشکیل شد و نمایندگان قشرها برای‌اداره امور خود وارد معرکه شدند. انتخابات شوراها و تشکیل جلسات‌مشترك نمایندگان استادان، دانشجویان و کارمندان برای نخستین‌باردر

ملی، نخست‌وزیر دو تن ازروسای دانشگاهها (تهران وپلی‌تکنیك)را با حکم خود منصوب کرد. چند روز بعد وزیر تازه آموزش‌عالی روسای چندین دانشگاه و مراکز آموزش عالی را به کارگماشت. این اقدام بامخالفت‌نیروهای‌مترقی در دانشگاهها روبرو شد و حتی به استعفای اعتراض‌آمیز گروهی از استادان دردانشگاهها انجامید.

در این هنگام‌نیروهای مترقی در دانشگاهها دراکثریت‌بودند وهنوز قدرت را دردست داشتند، اما بتدریج بر اثر فعل و انفعالات اجتماعی و جو کلی‌سیاسی‌نیروهای لیبرال از ترقیخواهان‌تحول‌طلب جدا شده و وضع‌موجود را پذیرفتند. این تغییر و تبدیل نیروها به نفع روسای انتصابی تمام شد و اقدامات مربوط به تشکیل شوراها حتی صورت نمایشی خود را از دست داد، و متوقف شد. این وضعیت درجهت مبارزه دانشگاهیان برای کسب استقلال اثر منفی گذاشت و

سوای جبهه‌گیری‌های‌مشخص در قبال مسائل جامعه در کنار همدیگر به تشکیل شوراها که منافع روسای انتصابی‌را به‌خطر می‌افکند پرداختندو گروههای دانشجوئی راستگراو حافظ وضع موجود در اقلیت قرار گرفتند.

در کل وقتی نظر می افکنیم روسای موقت دانشگاهها، محکمتر ار هر رئیس غیر موقت بر جای حود نشسته‌اند و ماموریتی را که در آغاز داشتند- یعنی‌ایجادزمینه برای انتخابات‌دانشگاهی (تشکیل شوراهای دانشکده و دانشگاه مرکب از استادان، دانشجویان و کارمندان بالاخره‌انتخاب‌رئیس دانشگاه) و فراهم ساختن‌امکانات استقلال دانشگاهها، از طریق انتخاب رئیس مورد اعتمادبه‌عنوان گام نخست و تنظیم لایحه‌استقلال دانشگاهها - عملا کنار گذاشته شده‌است.

آخرین جلسه‌شورای‌دانشگاهها که در مرداد ماه گذشته درکاخ وزارت آموزش عالی تشکیل شد

... تصویب شورای روسای انتصابی نگذشت.

در همین حال سازمان ملی دانشگاهیان نیز طرحی را تهیه و به منظور استقلال دانشگاهها به وزارت آموزش عالی تسلیم کرد. سازمان ملی دانشگاهیان در این طرح که با استفاده از طرحهای دانشگاههای تبریز - تهران - پلی‌تکنیك، صنعتی و آزاد تهیه شد پیش‌بینی کرده‌بود که‌شوراهای هماهنگی دانشگاهها بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در دانشگاه است و حق نصب و عزل رئیس را دارد. نمایندگان‌شوراهای‌هماهنگی دانشگاهها (روسای‌دانشگاهها) در وزارت‌آموزش‌عالی شورائی‌تشکیل می‌دهند و این بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای دانشگاههاست.دبیرشورای‌مرکزی هماهنگی دانشگاهها رابط دولت و دانشگاههاست دولت می تواند در شورای مرکزی هماهنگی دانشگاهها و نمایندگان خود را گسیل دارد. این نمایندگان باید وزرای‌آموزش عالی، آموزش و پرورش، اقتصاد ودارائی ورئیس سازمان برنامه و بودجه باشد. همچنین نمایندگانی از سوی ملت که در مجلس‌شورای ملی‌مسئولیت کمیسیونهای برنامه‌ریزی فرهنگی و بودجه را دارا هستند. در این شورا حضور پیدا خواهند کرد...

این طرح نظمی نوین به‌دانشگاههامی‌ریخت. اما شورای‌روسای دانشگاهها در مردادماه گذشته با آن مخالفت کرد. اکنون دانشگاهیان‌از خود می‌پرسند که هیات حاکمه‌ی جدید با اصل انقلابی استقلال دانشگاه‌هاچگونه برخورد خواهد کرد؟

م. سیفی اعلاء

دید بازرگان از انقلاب محدود بود

بقیه از صفحه ۲

چوب ایران آزاد وآبادمترقیانه‌تر از قدرت‌طلبان انحصارگر یا ...

...جلس خبرگان شدند. بازرگان ... ساخت و بالاخره قدرت‌طلبانی که ... اولا ... همه قشرها و ...

برآورده کنند و حاصل کارآنها درگیری با ارگانهای‌اجرایی بوده است که عملا موجب سلب‌قدرت ...

متین دفتری وهم‌چنین شیخ‌صادق خلخالی اظهار نظر فرموده‌اند چطور شده که درباره علت‌تغییر آقای شهشهانی این‌طور به‌کوچه علی‌چپ‌زده و بیراهه رفته‌اند. بقول فقها: در برابر صراحت‌دیگر اجتهادجایز نمی‌باشد.درصورتیکه خودشهشهانی به‌صراحت‌می‌گوید که علت برکناری من صدور دستور بازداشت‌شیخ‌محمدمنتظری است پس‌چرا جناب وزیرموضوع شیخ محمد منتظری‌را مسکوت گذاشته راه انحرافی را انتخاب فرموده‌اند.

مردم سئوال میکنند آقای‌شیخ محمد منتظری به چه دستگاهی وابسته و هیات حاکمه فعلی در پیش او چه‌گیری دارندکه‌اوهرچه دلش می‌خواهد انجام می‌دهد؟»

* * *

انقلاب درخطر است

سید محمود واسعی پیرمردی از تبریز درنامه‌ای به حضرات آیات عظام خمینی و شریعتمداری و نخست‌وزیر که رونوشت آنرا به خلق مسلمان فرستاده نوشته است که‌زنگهای خطر به صدا درآمده و اگر انقلاب دز انقلاب نشود همه در خطریم، اسلام‌علی در خطر است.

در این نامه آمده است که: «شما رهبران اگرکسانی با ایمان واقعی نداشته باشید که در بین مردم گشته و تمام حقایق‌راکشف و به اطلاعتان برسانند ازحقیقت بی‌خبر خواهیدماند درحالیکه‌ضد انقلاب بیکار ننشسته و به شکل های مختلف توطئه می‌چینند. مثلا در لباس تاجر مسلمان مایحتاج مردم را احتکار می‌کند و بطور سرسام‌آور گرانی بوجود می‌آورد و روحانی‌نماهایی که در مقابل این عمل غیر اسلامی قاطعانه‌عمل ...

رضوان و حسین قورخانه‌چی در نامه‌ای به‌عنوان دبیرکل حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان نوشته‌اند:

«ریاست محترم دبیرکل‌محترم حزب جمهوری‌خلق مسلمان ایران

بعد از تبلیغ عرض و سلام بدینوسیله اینجانبان .... ارادت خودمانرا بخدمت رسانده و ضمنا یك نقطه راجع به روزنامه خلق مسلمان و آنهم هر انتقادیکه در روزنامهٔ مزبور انتشار می‌یابد متاسفانه راه تصحیح را بیان‌نمی کنند که خواننده لااقل نتیجه گرفته و جوابگو باشد. در این صورت‌بدبینی‌ازخوانندگان‌گرامی مرتفع می‌شود.»

* * *

شکایت کارگران «پلسنگ سنندج»

کارگران شرکت پلسنگ-سنندج‌درنامه‌ای به‌آیت‌الله‌العظمی خمینی، شورای‌انقلاب‌و ملت‌مبارز ایران ازکارفرمای‌خودکه‌خواسته است حقوق اکثر کارگران را زیرپا نهد شکایت کرده و نوشته‌اند:

کارفرمای شرکت پس ازماهها ادعای پوچ و کارشکنی های بی‌نتیجه در تاریخ ۵۸٫۸٫۸ که قرار بود حقوق مهرماه و حق مسکن و خواروبار و حق اولاد معوقه‌یك ساله کارگران را بپردازد خطاب به نمایندگان شورای کارگاه می‌گوید: «حالا که شما حق اولاد و مسکن و خواروبار می‌خواهید باید ۱۲۹ نفر از شماکه نمایندگان کارگران (شورای کارگاه)نیزجزء آنهاهستندتسویه‌حساب کرده بروید. کارشمابرای ما صرف نمی‌کند. می‌خواهیم به جای شما از کارگرارزان که در بیرون فراوان است و برای کار التماس می‌کنند بیاوریم در غیر این صورت از حقوق مهرماه خبری نیست».

بررسی برخورد دولت سابق با موضوع نوسازی نظام دانشگاهی

۹ ماه پس از انقلاب نشانی از استقلال دانشگاهها نیست

سقوط نخستین دولت موقت رژیم انقلابی بر سر اشفتگیهای اداری وسیاسی کشور سایه ابهام رابر اوضاع مملکت واز جمله دانشگاهها انداخته است. تقریبا همه برنامه‌هائی که برای دانشگاهها چیده شده بود و از آنجمله برنامه استقلال دانشگاهها تقریبا به بوته فراموشی سپرده شده و دیگر سخن از این گونه پندارها نیست. زمانی «استقلال دانشگاهها» به‌مثابه تنها راه شکوفائی ارزشهای علمی و سیاسی مراکز اموزش عالی کشور و بسط زمینه‌های دمکراسی در این گونه مراکز میان خاص و عام مطرح بود و حتی امضاء کنندگان منشور سازمان ملی دانشگاهیان که به هزار تن سرزد استقلال دانشگاهها راسرلوحه همه برنامه‌هائی قرار دادند که از انقلاب توقع داشتند. اصل اول منشور سازمان ملی دانشگاهیان می گوید: «ماخواهان استقلال نظام دانشگاهی هستیم. سرنوشت نظام دانشگاهی ایران بایدبه جامعه دانشگاهی سپرده شود نظام دانشگاهی ایران بایدبر اساس استقلال اداری، علمی و فرهنگی سامان یابد، استقلال دانشگاهی، بدور از منافع خصوصی و امیال فردی و رها از هر گونه مداخلات دولت ودستگاههای اجرائی امکان

درست خلاف میل آن چند نفری است که در بالا نشسته‌اند.»

در هرحال هدف اولیه دانشگاهیان کسب ازادی و استقلال تمام در دوران انقلاب بود. دولت موقت اماده کردن زمینه برای انتخابات دانشگاهی را به عهده گرفت ولی پس از ۹ ماه هنوز اثری ازاقدام دولت به‌چشم نمی‌خورد.

در دانشگاههائی که روسای انتصابی به قدرت رسیده‌اند نشانه‌ای از تحول همه‌جانبه دیده نمی‌شود، دانشگاه تهران، دانشگاه ملی، پلی‌تکنیك، علم و صنعت، اصفهان، بوعلی‌سینا، سیستان و بلوچستان، جندی‌شاپور از این جمله‌اند. در یك دانشگاه می‌بینیم شوراهای هماهنگی دانشکده‌ها تشکیل شده، ولی هنوز شورای هماهنگی دانشگاه تحقق نیافته است. در دانشگاه دیگر برای نقش شوراها ارزش قائل نیستند.

دلیل چیست؟ مسلما مسئولان دانشگاهی به مشکلاتی اشاره خواهند

ایران حداقل دمکراسی را در دانشگاه ممکن ساخت اما به‌حد دنی نرسید. زیرا این امر متاثر از کل نظام دانشگاهی ایران بود که در راس ان وزارت اموزش عالی قرار داشت. وزارت آموزش عالی می‌بایست با تصویب اصل لایحه استقلال دانشگاهها، «استقلال دانشگاهها» را به‌رسمیت می‌شناخت زیرا تنها دراین صورت بود که حدود عملکرد شوراهای هماهنگی در امور دانشگاهها و دخالت آنها در مدیریت تعیین می‌شد. این کار صورت نگرفت و انتخابات روسای دانشگاهها (دانشگاه صنعتی، تبریز، شیراز، گیلان) و روسای دانشکده‌ها (دراکثر دانشکده‌های دانشگاهها) و انتخاب مدیران واحدهای اداری، در کنار شوراهای هماهنگی، قبائی شد نو، براندامی فرتوت.

جبهه گیری در دانشگاهها

این وضع چگونه پیش آمد؟ فردای روز پیروزی قیام مسلحانه

مخصوصا در این حین تزکیه و تصفیه در دانشگاهها پا گرفت و عده‌ای از استادان کنار گذاشته شدند. این کار مخالفت گروهی را که معتقد به ایجاد و بتدریج جبهه گیری در دانشگاهها شروع شد.

در این ضمن زمزمه‌هائی به گوش می‌خورد که گویا در شروع سال تحصیلی دانشگاهها مرکز تظاهرات و آشوبها خواهد شد. علیرغم همه این زمزمه‌ها و باوجود تقاضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از دولت برای تعطیل یك ترم دانشگاهی به منظور کمك به جهاد سازندگی، دانشگاهها مطابق برنامه سال تحصیلی را درمهرماه شروع کردند. ظاهرا آرام، ولی صف‌آرائی دانشجویان در داخل گروههای سیاسی به صورت بارزتری جلوه‌گر شد ونیروهای مترقی اکثر دانشجویان را در بطن خود متشکل ساخت. دانشجویان مسلمان وطرفداران دیگر گروههای سیاسی،

تقریبا بر فکر استقلال دانشگاهها خط بطلان کشید. در این جلسه اکثر روسای دانشگاهها که خود انتصابی بوده‌اند به اصل استقلال دانشگاهها رای منفی دادند، ولی بهرحال وزارت اموزش عالی در برابر قولی که درباره استقلال دانشگاهها داده بود از افشای این تصمیم خودداری کرد. طرحی را که شورای روسای دانشگاهها رد کرد، از سوی وزارت اموزش عالی تهیه و ارائه شده بود.

این طرح، توسط نمایندگان دانشگاهها و با استفاده از طرحی که دانشگاهها در اختیار وزارت آموزش عالی قرارداده بودنگاشته شده بود. برای تهیه طرح استقلال دانشگاهها وزارت اموزش عالی طی نامه‌ای به دانشگاهها خواستار شده بود که تا ۱۲ خرداد طرح خود را در اختیار آن وزارتخانه قرار دهند، بعد یك مهلت کوتاه دیگر در اختیار دانشگاهها گذاشته شد و ظاهرا طرح آماده گشت ولی از تصویب شورای روسای انتصابی نگذشت.

در همین حال سازمان ملی دانشگاهیان نیز طرحی را تهیه و به منظور استقلال دانشگاهها به وزارت آموزش عالی تسلیم کرد. سازمان ملی دانشگاهیان در این طرح که با استفاده از طرحهای

- **اصل اول منشور سازمان ملی دانشگاهیان: ماخواهان استقلال نظام دانشگاهی هستیم**
- **روسای موقت دانشگاهها محکمتر از هر رئیس غیرموقت**

حرفهای خوانندگان

خوانندگان خلق مسلمان در نامه‌هائی، درباره مطالب این نشریه و جریان‌ها و مسائل مملکتی اظهار نظر می کنند. از این پس گزیده‌ای از نامه‌های خوانندگان رادر این ستون می‌آوریم.

★ ★ ★

وزیر دادگستری چرا به محمد منتظری اشاره نکرد؟

ن. عبداللهی به مصاحبه احمد صدرحاج سیدجوادی وزیر دادگستری (دولت سابق) که در شماره پیش چاپ شده بود پرداخته و نوشته است که: «به نظر بنده و عده زیادی از مردم که باهم صحبت داشتیم نظر و اظهارات جناب وزیر درمورد بر کناری آقای شهشهانی دادستان سابق تهران خیلی خام و ناپخته بوده و برای مردم روشنفکر قانع کننده نمی‌باشد، نمیدانم جناب وزیر دادگستری که با آن شهامت و رشادت در مورد آقایان نزیه و متین دفتری وهمچنین شیخ صادق خلخالی اظهار نظر فرموده‌اند چطور شده که درباره علت تغییر آقای شهشهانی این‌طور به کوچه علی‌چپ زده و بیراهه رفته‌اند. بقول فقها: در برابر صراحت دیگر اجتهاد جایز نمی‌باشد. درصورتیکه خود شهشهانی به‌صراحت می گوید

تصادفی نیست، زنگهای خطر بصدا درامده است...

★ ★ ★

تقاضای کارگران «ایرا»

کارگران شرکت ساختمانی ایرا وابسته به بنیاد مستضعفین پیمانکار وزارت نفت پروژه محمودا باد ضمن تلگرافی به حضور ایت‌الله العظمی خمینی که رونوشت انرا به «خلق مسلمان» ارسال کرده‌اند نوشته‌اند که بدستور بی‌دلیل وزارت نفت هفتصد نفر کارگر بیکار شده و کارگاه تعطیل شده است. این کارگران به نمایندگی از طرف کارگران شرکت بی ای ام و شهبازی محمود آباد از آیت‌الله العظمی خمینی تقاضای دادخواهی و رسیدگی فوری کرده‌اند.

★ ★ ★

«خلق مسلمان» راه تصحیح را نشان نمی‌دهد

حاج آقا علی‌حسین عزیزی ـ حاج مهدی باقری، حاج زین‌العابدین رضوان و حسین قورخانه‌چی در نامه‌ای به‌عنوان دبیر کل حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان نوشته‌اند:

«ریاست محترم دبیر کل محترم حزب جمهوری خلق مسلمان ایران

بعد از تبلیغ عرض و سلام بدینوسیله اینجانبان .... ارادت خودمانرا بخدمت رسانده و ضمنا

[illegible]
حال حاضر ، این مسئولیت مضاعف میشود . و همین منظور است کهما
وی توبیخ ، ضروری ترین گفتنی‌ها را طی نامه‌ای بهاطلاع شورارسانده‌ایم
دقیقا " نمیدانیم که شورای انقلاب تاکنون درابطال جمیع قراردادها و
های استعماری ــ که وظیفه بلادرنگ نخستین روز پیروزی و سقوط رژیم
بود ــ دچار چه اشکالات و تنگدستی هائی بوده‌است ، لکن‌دراین هم
یم که ازاین پس حتی یک لحظه درنگ و تأخیر نیز روا نیست .
ین است مسئولیت عظیم مجموعه آقایان و افرادی‌که تک تک آنها در
وخلق وتاریخ‌ملت و همه جوانان جان‌برکفی که چه در درون وچه د ر
ارت گذائی خون شهیدان را پاس میدارند .ودرهمین‌رابطه‌شورارامتوجه
ظیم انقلابی و توده‌ای میسازیم ، که بی‌تردید درخطوط رهائیبخش ضد
ستی و مردمی واسلامی ازآن برخوردارند . مخصوصا " که امروز " امـــام
کلید بسیج و وحدت تمام نیروهای خلق رلکه همان مبارزهٔ متحد ضد
است ــ در کف آنها گذاشته است .
ازهم یا دآور میشویم که اگر شورای‌انقلاب درموضع واقعی‌خود بنشینـد
ست متعلق به تمام مردم‌وتمام نیروها ، صرف نظر از هر اختلاف عقیده
و بنابراین باشوراست که باهمگان بگفتگو بنشیند ،وخود را در هالـه
محصور نسازد . و خداکند که شورا ازاین‌آزمایش عظیم‌تاریخی روسفیـد
بیرون بیاید .

"دانشگاه وانقلاب" (۵)

رسی یک تاکتیک ضد امپریالیستی

ه بابرخوردی اصولی مضمون ضد استعماری حرکت اشغال سفارت آمریکا راتداوم وعمق بخشیده، به‌میان توده‌ها ببریم؟

من برای حفظ وحدت صفوف
دبود . طبعا " برخورداصولی،
طلبانه نیروهای مختلف
نقلابی ایجاب می‌کند که با
وارد قضیه بشوند . یعنی با
ضرورت شرکت دادن تمام
دامپریالیست ونیروهائی که
کله توان شرکت در مبارزه
یستی را دارند ، این نوع
روورتا" حاوی این اعتقاد
چیک از این نیروهاوطبقات
نمی‌توانند مبارزه ضد
ی را ادامه دهند .اینجاست
جدا کردن انحرافی صفوف
مرزهای وحدت میتواندفرقه
اب آید . البته این بدان
ت که سازمانهاوگروههای
نده دراین تاکتیک ضد
ی هویت خاص ایدئولوژیک ــ
د را کنار بگذارند . بلکه بر
اقعا " نیروی ضدامپریالیست
بدانند که حیات سیاسی
نیز فقط وفقط درگرو تداوم
امپریالیستی درجامعه‌است .
ت که جریانهای ارتجاعی‌که
برداریهای‌تاکتیکی‌هستند ،
درصدد تفرقه افکنی و
لبی برآیند . و ازعملکرد
ضدامپریالیستی خودبمثابه
کوبیدن سایر نیروها سود

اصیل باید باشرکت فعالانه و وحدت طلبانه خود ، صداقت ضدامپریالیستی خود رادر عمل به اثبات برسانند . و به این ترتیب حتی‌المقدور سمت‌صحیح "وحدت ضدامپریالیستی درجریان‌عمل" را پیش‌پای عناصر صادق قراردهندو صدمات‌ناشی از فرقه‌گرائی وانحصار طلبی رابه حداقل تقلیل دهند .

جریانهای ارتجاعی بالطائف‌الحیل درقبال مبارزهٔ ضد امپریالیستی مانع ایجاد می‌کنند

ج: مسئله دیگری که میتواند مانعی درمقابل یک تاکتیک ضدامپریالیسی ایجاد کند "وحشت ارتجاع ازگسترش توده‌ای دامنه این تاکتیک است".

بدین معنی که چون جریانهای ارتجاعی هرگز توان شرکت‌طولانی‌مدت درمبارزه ضدامپریالیستی راندارند لامحاله نمی‌خواهند این حرکتها عمق وگسترش توده‌ای پیدا کنند .وبالطایف الحیل درقبال آن مانع ایجادمیکنند .

نیروهای انقلابی بایک برخورد چپ‌روانه ازصحنه رانده خواهند شد

حال‌ببینیم نیروهای انقلابی درچه صورتی ممکن است از برخورد اصولی با تاکتیکهای ضدامپریالیستی‌بازبمانند :

همچنانکه گفتیم ماهیت مبارزه ضد امپریالیستی ایجاب میکند که تمام نیروهای خلق در آن شرکت نمایند .

[illegible] تعیین کننده نداشتند ، لیکن جایگاه طبیعی‌آنها در مبارزه ضدامپریالیستی در صدر است . ولی احراز این موضع گذار ازمراحلی را ایجاب می‌کند ، که چه‌بسا دراین‌مراحل‌ودربعضی حرکتهای ضدامپریالیستی ، سایر نیروهای‌مترقی آغازگر باشند ، اینجاست که نیروهای انقلابی اگر به‌شرایط عینی آماده جامعه و جوشش ضدامپریالیستی‌توده‌ها کم بها دهند ، واگر توجه نکنند که‌این جوشش ،نیروها راتجزیه وطیفهای مترقی تر را ازبخشهای عقب‌مانده‌جدا می‌نماید ،با یک برخورد چپ روانه‌از صحنه کنار خواهند ماند . درحالیکه با برخوردی واقع بینانه درهمین جریان ، ضمن اوج گیری مبارزه ضدامپریالیستی خودشان نیز ارتقاء می‌یابند .

تلاش برای کشاندن کارگران وتوده‌های بی‌چیزجنوب شهربه این حرکت

حال باتوجه به‌مطالب‌فوق‌میتوانیم وظایف دانشجویان انقلابی را دررابطه با این حرکت ضدآمریکائی و سایر تاکتیکهای مشابه مشخص کنیم .

۱ـ عمق بخشیدن به شعارهاومطرح کردن خواستهای محتوائی در رابطه‌با نفی وابستگی به امپریالیزم . ودرنتیجه جلوگیری ازمطرح شدن خواستهای کاملا" تاکتیکی که می‌تواندمانع تداوم مبارزه ضد آمریکائی باشد . مثلا" در این رابطه هرچند مسئله قطع روابط یک شعار تاکتیکی مناسب است ، ولی حتما" درکنار آن باید پافشاری‌کافی بر روی شعارهای استراتژیک مانندالغاء کامل قرار دادهای نظامی واقتصادی و . . . . نیز بعمل آید .

۲ـ تلاش برای هرچه توده‌ای‌تر کردن این حرکت ومخصوصا" کشاندن پای کارگران وتوده‌های بی‌چیز جنوب شهر به این حرکت .تا آگاهی ضد امپریالیستی آنها در این رابطه ارتقاء یابد . وبتدریج امپریالیزم‌آمریکابعنوان دشمن اصلی درجریان تحرک سیاسی مناسب در ذهن آنهاتثبیت شود . در این رابطه در درجه اول می‌توان با تبلیغات مناسب در مدارس مناطق فقیر نشین ، ازطریق دانش‌آموزان موج‌آگاهی ضدامپریالیستی را بداخل خانواده‌ها نفوذ داد .

۳ـ پیگیری وتداوم حرکت ضد امپریالیستی در صورت کوتاه‌آمدن‌سایر نیروها ، ونیز افشاگری در رابطه با نیروهائی که فرصت طلبانه در این تاکتیک شرکت کرده بودند . درتوضیح این مطلب باید گفت که :وقتی‌نیروهای گوناگون درحرکت ضدامپریالیستی شرکت می‌کنند اگر واقعا" محتوای‌اصیل ضدامپریالیستی نداشته باشند دریک مرحله متوقف خواهند شد . در این شرایط اگر نیروهای انقلابی بر تداوم حرکت وبرشعارهای مناسب اصرارورزند سایر نیروها یا درموضع طبیعی‌خودشان بدنبال نیروهای انقلابی‌حرکت‌خواهند کرد ،ویاباید تن به تجزیه بدهند . و بدین ترتیب جریانهای فرصت طلب

هراقدامی بانیت وجهت ومضمون اصولی درواقع ازآن خودماست

۴ـ حفظ هرچه بیشتروحدت‌صفوف نیروهای ضدامپریالیستی‌وپیشتاز در این وحدت . بدین معنی که همیشه دانشجویان انقلابی باید برای فشرده کردن‌صفوف مبارزه با امپریالیزم پیشتاز باشند و این اصل را فراموش نکنند که دریک تاکتیک ضد امپریالیستی هرگز حفظ وحدت نمی تواند به ضررنیروهای انقلابی باشد . بلکه برعکس باعث خواهد شد عناصر یاجریانهای مترقی‌تر را ازجریانهای عقب مانده یا فرصت طلب جدا نماید . فراموش‌نکنیم که‌یکی ازبرجسته‌ترین معیارهای اصالت وریشه دار بودن انقلابی ومکتبی هر گروه یا سازمان مردمی قابلیت پیشتازی آن در وحدت وهماهنگی با حرکت های‌اصولی است . درتشخیص صداقت و اصالت ایدئولوژیکی وسیاسی گروهها این معیار آنقدر مهم و آنقدر اساسی وحیاتی است که شرح آن نیازمند گفتارجداگانه ایست .

۵ـ مبارزه قاطع ایدئولوژیک و عملی باهرگونه خود خواهی‌های شرک آمیز گروهی و فردی ورقابت هاوچشم‌و هم چشمی هایی از این قبیل . چراکه ما معتقدیم هر اقدامی بانیت وجهت و مضمون اصولی ،درواقع از آن خود ماست . هم‌چنانکه پدرطالقانی نیز می‌گفت : "هرانقلاب علیه ظلم ، علیه استبدادو علیـه استثمار یک انقلاب اسلامی است"

اینجاست که بایستی فارغ ازهرگونه سود وزیان سوداگرانه‌گروهی ، تنگ نظری‌ها وکوته‌فکری ها را بدور افکنیم . وباتمام قوا به پشتیبانی وحمایت ازهر آنچه که انقلابی ، مردمی واسلامی‌است بپردازیم .ماهمیشه بر این اعتقاد بوده‌ایم که هیچ چیز برای انقلاب زیانبارتر از رهبری جویی‌ها ،فرصت طلبی هاوانحصارگری‌های شرک آمیز نیست .

دگماتیزم بلایی‌که‌تئوریهای مارادر میدان‌عمل‌بی‌اثرمیکند

به این ترتیب می‌بینیم که چه وظیفه سنگینی در قبال توده‌هائی که آماده شرکت درانقلاب‌ضدامپریالیستی هستند . برعهده دانشجویان انقلابی و درراس آنها معتقدین به "جهان‌بینی ناب توحیدی" است ،چراکه وقتی‌شرایط عینی انقلاب ضدامپریالیستی آماده باشد هیچگونه سستی وبی توجهی از طرف خدا وخلق وتاریخ نسلهای‌آینده بخشودنی نخواهد بود .

دگماتیزم : و دراین میان توجه داشته باشیم که دگماتیزم بلائی است که تئوریهای ما را در میدان عمل‌بی‌اثر می‌کند . و دراین شرایط که غلیان عظیم توده‌ای دگرگونیهای سریعی را درترکیب نیروها بوجودمی‌آورد،هرنوع برخورد سکون گرایانه باشرایط متحول وعدم توجه به تجزیه وترکیب سریع نیروها می‌تواند فرصتها را بسادگی بلا استفاده بگذارد ، فرصتهائی که ای بسا [illegible]

"دانشگاه و انقلاب" (۵)

بررسی یک تاکتیک ضد امپریالیستی

چگونه با برخوردی اصولی مضمون ضد استعماری حرکت اشغال سفارت آمریکا را تداوم و عمق بخشیده، به میان توده‌ها ببریم؟

این هفته شاهد اقدام ضد امپریالیستی اشغال لانه جاسوسی آمریکا از جانب دانشجویان بودیم. هرچند این اقدام به دنبال پذیرفته‌شدن شاه، این پادو آمریکا، درخاک آن کشور و نیز رهنمودهای ضدآمریکائی امام صورت گرفت، ولی بواقع استقبال گسترده‌ایکه از آن بعمل آمد محصول عینیت‌های اجتماعی است. یعنی درک توده‌های ما ازدشمنی آشتی‌ناپذیر آمریکا باخلقهای تحت سلطه وبویژه خلق ایران.

باز هم نمی‌توان شکی داشت که نیروهای ضدامپریالیست اگر بواقع عمق معنای شعار ضدامپریالیست‌بودن را درک کرده باشند، می‌بایست ازاین فرصت برای تصحیح مسیر مبارزه، یعنی سمت ضدآمریکائی دادن به آن استفاده کنند. ودر ضمن همین حرکت، گامی در جهت تضمین وحدت اصولی صفوف خلق یعنی وحدت تحول محور مبارزه با امپریالیسم آمریکا نیز بردارند.

برخورد شکلی وفرمالیستی حرکت ضدامپریالیستی را ازمسیر اصلی خود خارج می‌کند

ولی ما در اینجا در پی آنیم که با بررسی جوانب مساله، نحوهٔ برخورد اصولی را با این تاکتیک مطرح کنیم، واحیانا" ازمنحرف شدن آن ویاافتادن درکنار بهره برداریهای فرصت طلبانه ممانعت بعمل آوریم.

سوءال اینست:

چگونه وباچه برخوردهائی ممکن است این حرکت ضدآمریکائی از مسیر اصولی خارج شود؟"

الف: برخورد شکلی وفرمالیستی و عدم توجه‌بابعاداقتصادی ـ اجتماعی وسیاسی ـ نظامی نفوذ آمریکا واکتفا کردن به پاره‌ای شعارها که برآورده شدن آنها ضربه‌ای به ماهیت عینی و مادی نفوذ آمریکا نزنند" درتوضیح این مطلب بایدبگوئیم که بنظرما فقط نیروهائی توان به آخر رسانیدن انقلاب ضدامپریالیستی را دارند که آنرا بطور علمی، مقدمهٔ وصول به نفی کامل استثمارببینند. بنا براین جریانهای استثمارگر اگر فرصت میدان داری و رهبری جوئی پیداکنند، می‌توانندبه میزان ظاهربینی وقشریت خودشعارها رادرسطح قضایا نگاه دارند ودررابطه‌با توده‌های ناآگاه باختم "نیم‌بند جریان، صرفا" یک احساس رضایت کاذب بوجود آوردند. اینجاست که این حرکت آبی خواهد بود برشعلهٔ ناشی ازقهر انقلابی ضد آمریکائی توده‌های ما ـ بطور مشخص باید برای توده‌ها توضیح داده‌شودکه، هرچند ما بر روی مساله شاه خائن و استرداد آن تکیه می‌کنیم، ولی حتی به فرض بعید مسترد شدن شاه هیچگونه تغییر کیفی در رابطه ما با آمریکا بوجود نمی‌آید. بنا بر این باید دست بر روی خواسته‌هائی بگذاریم که واقعا" اگر برآورده‌شوند، ضربهٔ کاری به وابستگی باشند. مانندلغوقراردادهای مختلف نظامی واقتصادی یاافشای شبکه‌های جاسوسی سیا و یا وابستگان داخلی شبکه‌های سیاو... اینجاست که حتی اگر مسئولین رسمی پاسخی به این خواسته‌هاندهندلااقل یک‌سری شعارهای ملموس درقبال توده‌ها مطرح می‌شود، که خودضامن‌تداوم حرکت ضدآمریکائی خواهدبود.

هرنوع جداکردن انحرافی صفوف و گم‌کردن مرزهای وحدت، فرقه‌گرایی بحساب میاید

"ب" ـ سود بردن از این حرکت برای فرقه‌گرائی، موجه‌نمائی وتصفیه حساب باجناحهای گوناگون وبرخوردی انحصار طلبانه":

میدانیم که یک حرکت ضدآمریکائی اگر واقعا" بطور اصولی انجام شود، بهترین ضامن برای حفظ وحدت صفوف خلق خواهدبود. طبعا" برخورداصولی، و وحدت طلبانهٔ نیروهای مختلف مترقی و انقلابی ایجاب می‌کند که با این درک وارد قضیه بشوند. یعنی با توجه به ضرورت شرکت دادن تمام طبقات ضدامپریالیست ونیروهائی که دراین مرحله توان شرکت در مبارزهٔ ضدامپریالیستی را دارند، این نوع برخورد ضرورتا" حاوی این اعتقاد است که هیچیک از این نیروهاوطبقات به تنهائی نمی‌توانند مبارزهٔ ضد امپریالیستی را ادامهٔ دهند. اینجاست که هرنوع جدا کردن انحرافی صفوف وگم کردن مرزهای وحدت میتواندفرقه گرائی بحساب آید. البته این بدان معنی نیست که سازمانهاوگروههای شرکت کننده دراین تاکتیک ضد امپریالیستی‌هویت خاص ایدئولوژیک ـ سیاسی خود را کنار بگذارند. بلکه بر عکس اگر واقعا" نیروی ضدامپریالیست هستندباید بدانند که حیات سیاسی خود آنها نیز فقط وفقط درگرو تداوم مبارزهٔ ضدامپریالیستی درجامعه‌است.

اینجاست که جریانهای ارتجاعی‌که درپی بهره برداریهای‌تاکتیکی‌هستند، ممکن است درصدد تفرقه افکنی و انحصار طلبی برآیند. و ازعملکرد ظاهرا" ضدامپریالیستی خودبمثابه پتکی برای کوبیدن سایر نیروها سود برند. دراین صورت است که‌نیروهای اصیل باید باشرکت فعالانه و وحدت طلبانه خود، صداقت ضدامپریالیستی خود رادر عمل به اثبات برسانند. و به این ترتیب حتی‌المقدور سمت‌صحیح "وحدت ضدامپریالیستی درجریان‌عمل" را پیش‌پای عناصر صادق قراردهندو صدمات‌ناشی از فرقه‌گرائی وانحصار طلبی رابه حداقل تقلیل دهند.

جریانهای ارتجاعی بالطائف الحیل درقبال مبارزهٔ ضد امپریالیستی مانع ایجاد می‌کنند

ج: مسئله دیگری که میتواند مانعی درمقابل یک تاکتیک ضدامپریالیسی ایجاد کند "وحشت ارتجاع ازگسترش توده‌ای دامنهٔ این تاکتیک است".

بدین معنی که چون جریانهای ارتجاعی هرگز توان شرکت‌طولانی‌مدت درمبارزهٔ ضدامپریالیستی راندارند لامحاله نمی‌خواهند این حرکتها عمق وگسترش توده‌ای پیدا کنند. وبالطایف الحیل درقبال آن مانع ایجادمیکنند.

نیروهای انقلابی بایک برخورد چپ‌روانه ازصحنه رانده خواهند شد

حال ببینیم نیروهای انقلابی درچه صورتی ممکن است از برخورد اصولی با تاکتیکهای ضدامپریالیستی بازبمانند:

همچنانکه گفتیم ماهیت مبارزهٔ ضد امپریالیستی ایجاب میکند که تمام نیروهای خلقی درآن شرکت نمایند. درجامعهٔ مابطور خاص اگرچه گروههاو

۱ـ عمق بخشیدن به شعارهاومطرح کردن خواسته‌های محتوائی در رابطه‌با نفی وابستگی به امپریالیزم. ودرنتیجه جلوگیری ازمطرح شدن خواسته‌های کاملا" تاکتیکی که می‌تواندمانع تداوم مبارزهٔ ضد آمریکائی باشد. مثلا" در این رابطه هرچند مسئله قطع روابط یک شعار تاکتیکی مناسب است، ولی حتما" درکنار آن باید پافشاری‌کافی بر روی شعارهای استراتژیک ماننداالغاء کامل قرار دادهای نظامی واقتصادی و.... نیز بعمل آید.

۲ـ تلاش برای هرچه توده‌ای‌تر کردن این حرکت ومخصوصا" کشاندن پای کارگران وتوده‌های بی‌چیز جنوب شهر به این حرکت. تا آگاهی ضد امپریالیستی آنها در این رابطه ارتقاء یابد. وبتدریج امپریالیزم‌آمریکابعنوان دشمن اصلی. درجریان تحرک سیاسی مناسب در ذهن آنهاتثبیت شود. در این رابطه در درجهٔ اول می‌توان با تبلیغات مناسب در مدارس مناطق فقیر نشین، ازطریق دانش‌آموزان موج‌آگاهی ضدامپریالیستی را بداخل خانواده‌ها نفوذ داد.

۳ـ پیگیری وتداوم حرکت ضد امپریالیستی در صورت کوتاه آمدن‌سایر نیروها، ونیز افشاگری در رابطه با نیروهائی که فرصت طلبانه در این تاکتیک شرکت کرده بودند. درتوضیح این مطلب باید گفت که: وقتی‌نیروهای گوناگرن درحرکت ضدامپریالیستی شرکت می‌کنند اگر واقعا" محتوای‌اصیل ضدامپریالیستی نداشته باشند دریک مرحله متوقف خواهند شد. در این شرایط اگر نیروهای انقلابی بر تداوم حرکت وبرشعارهای مناسب اصرارورزنده سایر نیروها یا درموضع طبیعی‌خودشان بدنبال نیروهای انقلابی‌حرکت‌خواهند کرد، ویاباید تن به تجزیه بدهند. و بدین ترتیب جریانهای فرصت طلب افشامی‌شوند. وجریانهای مترقی‌تردر

[illegible]
سال اول - شماره ۱۰۵ - ۲۱ آذر ۵۸

«دانشگاه و انقلاب» (۵)

بررسی یک تاکتیک ضد امپریالیستی

چگونه با برخوردی اصولی مضمون ضد استعماری حرکت اشغال سفارت آمریکا را تداوم و عمق بخشیده، به میان توده‌ها ببریم؟

این هفته شاهد اقدام ضد امپریالیستی اشغال لانه جاسوسی آمریکا از جانب دانشجویان بودیم. هرچند این اقدام به دنبال پذیرفتن شاه، این یار و آمریکا، در خاک آن کشور و نیز رهنمودهای ضد آمریکائی امام صورت گرفت، ولی بواقع استقبال گسترده‌ای که از آن بعمل آمد محصول عینیت‌های اجتماعی است. یعنی درک توده‌های ما از دشمنی آشتی ناپذیر آمریکا با خلقهای تحت سلطه بویژه خلق ایران.

باز هم نمی‌توان شکی داشت که نیروهای ضد امپریالیست اگر بواقع عمق معنای شعار ضد امپریالیست بودن را درک کرده باشند، می‌بایست از این فرصت برای تصحیح مسیر مبارزه، یعنی سمت ضد آمریکائی دادن به آن استفاده کنند. و در ضمن همین حرکت، گامی در جهت تضمین وحدت اصولی صفوف خلق یعنی وحدت تحول محور مبارزه با امپریالیسم آمریکا نیز بردارند.

برخورد شکلی و فرمالیستی حرکت ضد امپریالیستی را از مسیر اصلی خود خارج می‌کند

ولی ما در اینجا در پی آنیم که با بررسی جوانب مساله، نحوه برخورد اصولی را با این تاکتیک مطرح کنیم، و احیانا از منحرف شدن آن و یا افتادن درکنار بهره برداریهای فرصت طلبانه ممانعت بعمل آوریم.

سوال اینست:

چگونه و با چه برخوردهائی ممکن است این حرکت ضد آمریکائی از مسیر اصولی خارج شود؟

الف: برخورد شکلی و فرمالیستی و عدم توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - نظامی نفوذ آمریکا و اکتفاء کردن به پاره‌ای شعارها که برآورده شدن آنها ضربه‌ای به ماهیت عینی و مادی نفوذ آمریکا نزند. در توضیح این مطلب باید بگوئیم که بطور قطع نیروهائی توان به آخر رساندن انقلاب ضد امپریالیستی را دارند که آنرا بطور علمی، مقدمه وصول به نفی کامل استثمار ببینند. بنا براین جریانهای استثمارگر اگر فرصت میدان داری و رهبری جوئی پیدا کنند، می‌توانند به میزان ظاهربینی و قشریت خود شعارها را در سطح قضایا نگاه دارند و در رابطه با توده‌های ناآگاه با ختم "نیم بند جریان صرفا" یک احساس رضایت کاذب بوجود آورند. اینجاست که این حرکت آبی خواهد بود بر شعله داغی از قهر انقلابی ضد آمریکائی توده‌های ما - بطور مشخص باید برای توده‌ها توضیح داده شود که، هرچند ما بر روی مساله شاه خائن و استرداد آن تکیه می‌کنیم، ولی حتی به فرض بعید مسترد شدن شاه هیچگونه تغییر کیفی در رابطه ما با آمریکا بوجود نمی‌آید. بنا بر این باید دست بر روی خواسته‌هائی بگذاریم که واقعا" اگر برآورده شوند، ضربه کاری به وابستگی باشند. مانند لغو قراردادهای مختلف نظامی و اقتصادی یا افشای شبکه‌های جاسوسی سیا و یا وابستگان داخلی شبکه‌های ساواک... اینجاست که حتی اگر مسئولین رسمی پاسخی به این خواسته‌ها ندهند لااقل یکسری شعارهای ملموس درقبال توده‌ها مطرح می‌شود، که خود ضامن تداوم حرکت ضد آمریکائی خواهد بود.

هرنوع جدا کردن انحرافی صفوف و گم کردن مرزهای وحدت، فرقه گرایی بحساب میاید

"ب" - سود بردن از این حرکت برای فرقه‌گرائی، موجه‌نمائی و تصفیه حساب با جناحهای گوناگون و برخوردی انحصار طلبانه".

میدانیم که یک حرکت ضد آمریکائی اگر واقعا" بطور اصولی انجام شود، بهترین ضامن برای حفظ وحدت صفوف خلق خواهد بود. طبعا" برخورد اصولی و وحدت طلبانه نیروهای مختلف مترقی و انقلابی ایجاب می‌کند که با این درک وارد قضیه بشوند. یعنی با توجه به ضرورت شرکت دادن تمام طبقات ضد امپریالیست و نیروهائی که دراین مرحله توان شرکت در مبارزه ضد امپریالیستی را دارند، این نوع برخورد ضرورتا" حاوی این اعتقاد است که هیچیک از این نیروها و طبقات به تنهائی نمی‌توانند مبارزه ضد امپریالیستی را ادامه دهند. اینجاست که هرنوع جدا کردن انحرافی صفوف وکم کردن مرزهای وحدت میتواند فرقه گرائی بحساب آید. البته این بدان معنی نیست که سازمانها و گروههای شرکت کننده دراین تاکتیک ضد امپریالیستی هویت خاص ایدئولوژیک - سیاسی خود را کنار بگذارند. بلکه بر عکس اگر واقعا" نیروی ضد امپریالیست هستند باید بدانند که حیات سیاسی خود آنها نیز فقط وفقط درگرو تداوم مبارزه ضد امپریالیستی درجامعه است.

اینجاست که جریانهای ارتجاعی که درپی بهره برداریهای تاکتیکی هستند، ممکن است درصدد تفرقه افکنی و انحصار طلبی برآیند، و ازعملکرد ظاهرا" ضد امپریالیستی خود بمثابه پتکی برای کوبیدن سایر نیروها سود برند. دراین صورت است که نیروهای اصیل باید با شرکت فعالانه و وحدت طلبانه خود، صداقت ضد امپریالیستی خود را در عمل به اثبات برسانند. و به این ترتیب حتی المقدور سمت صحیح "وحدت ضد امپریالیستی در جریان عمل" را پیش‌پای عناصر صادق قرار دهند و صدمات ناشی از فرقه‌گرائی و انحصار طلبی را به حداقل تقلیل دهند.

جریانهای ارتجاعی بالطائف الحیل درقبال مبارزه ضد امپریالیستی مانع ایجاد می‌کنند

ج: مسئله دیگری که میتواند مانعی درمقابل یک تاکتیک ضد امپریالیستی ایجاد کند "وحشت ارتجاع از گسترش توده‌ای دامنه این تاکتیک است".

بدین معنی که چون جریانهای ارتجاعی هرگز توان شرکت طولانی مدت درمبارزه ضد امپریالیستی را ندارند لامحاله نمی‌خواهند این حرکتها عمق وگسترش توده‌ای پیدا کنند. وبالطایف الحیل درقبال آن مانع ایجاد میکنند.

نیروهای انقلابی با یک برخورد چپ‌روانه از صحنه رانده خواهند شد

حال ببینیم نیروهای انقلابی درچه صورتی ممکن است از برخورد اصولی با تاکتیکهای ضد امپریالیستی بازبمانند:

همچنانکه گفتیم ماهیت مبارزه ضد امپریالیستی ایجاب میکند که تمام نیروهای خلقی درآن شرکت نمایند. درجامعه ما بطور خاص اگرچه گروهها و [illegible] کردن خواسته‌های محتوائی در رابطه با نفی وابستگی به امپریالیزم، و درنتیجه جلوگیری ازمطرح شدن خواسته‌های کاملا" تاکتیکی که می‌تواند مانع تداوم مبارزه ضد آمریکائی باشد. مثلا" در این رابطه هرچند مسئله قطع روابط یک شعار تاکتیکی مناسب است، ولی حتما" درکنار آن باید پافشاری‌هائی بر روی شعارهای استراتژیک مانند الغاء کامل قرار دادهای نظامی و اقتصادی و... نیز بعمل آید.

۲- تلاش برای هرچه توده‌ای‌تر کردن این حرکت ومخصوصا" کشاندن پای کارگران و توده‌های بی‌چیز جنوب شهر به این حرکت، تا آگاهی ضد امپریالیستی آنها در این رابطه ارتقاء یابد. وبتدریج امپریالیزم آمریکا بعنوان دشمن اصلی درجریان تحرک سیاسی مناسب در ذهن آنها تثبیت شود. در این رابطه در درجه اول می‌توان با تبلیغات مناسب در مدارس مناطق فقیر نشین، ازطریق دانش‌آموزان موج آگاهی ضد امپریالیستی را بداخل خانواده‌ها نفوذ داد.

۳- پیگیری وتداوم حرکت ضد امپریالیستی در صورت کوتاه آمدن سایر نیروها، ونیز افشاگری در رابطه با نیروهائی که فرصت طلبانه در این تاکتیک شرکت کرده بودند. درتوضیح این مطلب باید گفت که: وقتی نیروهای گوناگون درحرکت ضد امپریالیستی شرکت می‌کنند اگر واقعا" محتوای اصیل ضد امپریالیستی نداشته باشند دریک مرحله متوقف خواهند شد. در این شرایط اگر نیروهای انقلابی بر تداوم حرکت و برشعارهای مناسب اصرار ورزند، سایر نیروها یا درموضع طبیعی خودشان بدنبال نیروهای انقلابی حرکت خواهند کرد، و یا باید تن به تجزیه بدهند، و بدین ترتیب جریانهای فرصت طلب افشا می‌شوند. وجریانهای مترقی‌تر در [illegible]

[illegible] عملی ... کرده ... [illegible] امور گروهی و فردی ... هم چشمی هائی از این ... ما معتقدیم هر اقدامی ... مضمون اصولی، درواقع ... ماست. همچنانکه ... می‌گفت: "هر انقلاب علیه استعمار علیه استثمار ... اسلامی است".

اینجاست که بایستی ... سود ... ، سوداگرانه ... نظریه‌ها و کوته‌نگری‌ها را ... یا تمام قوا به پشتیبانی ... آنچه که انقلابی، مردمی ... برداریم. ماهیت ... بوده‌ایم که هیچ چیز ... زیانبارتر از رهبری جوئی ... طلبی ... و انحصارگری‌های ... نیست.

دگماتیزم بلایی که تئوریهای ... میدان عمل بی اثر میک...

به این ترتیب می‌بینیم ... وظیفه سنگینی در قبال ... آماده شرکت در انقلاب ... هستند. برعهده دانشجویان ... و دولتی آنها معتقدین به ... ناب توحیدی است. چراکه ... عینی انقلاب ضد امپریالیستی ... باشد هیچگونه سستی ... طرف خدا وخلق وتاریخ ... بخشودنی نخواهد بود.

دگماتیزم: و دراین ... داشته باشیم که دگماتیزم ... که تئوریهای ما را در میدان ... می‌کند. و دراین شرایط ... عظیم توده‌ای دگرگونیهای ... درترکیب نیروها بوجود می‌آ... برخورد سکون گرایانه با شرا... وعدم توجه به تجزیه وترکیب ... نیروها می‌تواند فرصتها را ... استفاده بگذارد. فرصتهائی ... برای تکرارش باید مدتها ... نشست.

... آن، نوع خلاقیت بکار رفته شده و تأثیر آن بر بیننده تا بامروز نظیر ندارد. آفیشهای مزبور تماماً" ساخته دانشجویان هنرهای زیبا نبود، بلکه باید ازدانشکده ...، دانشکده علوم، ... دانشگاههای ... [illegible] ... نام برد.

[illegible] ... بدانگاری ... [illegible] ... نیست ... [illegible] را ... دانستند، برای [illegible] ۶۷ [illegible] ... کردند، در ... بود

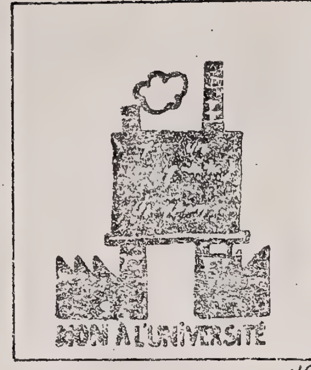
[illegible] ... با ابزار ساده؛ ... (... و ماله) ... این نوع چاپ (امکانات محدود و در نتیجه سادگی ... و پرهیز از ریزه‌کاریهای

... جهت‌گیری می‌کرد. اما انتخاب و بررسی موشکافانه شعارها و مضامین و بحث و گفتگو در مورد آنها به "آتلیه خلق" کمک می‌کرد تا نقطه نظرهای سیاسی خود را متحول سازد، و این کار انگیزه اصلی فعالیت بود. چرا که هرگز نباید از احتیاجات واقعی کارگران و واقعیت مبارزه‌شان غافل بود. بدین ترتیب شعارهایی‌که درجریان مبارزهٔ طبقاتی‌پدید می‌آید باتأثیری فوق‌العاده، درست به هدف می‌زند، و براساس این‌شعارها طراحان قادر خواهند بود پوسترهایی بوجود آورند که با روشی مؤثر از مبارزه‌خلق حمایت کنند.

امروزه نیز آفیشهای‌سیاسی و ساخت و ساز نشدهٔ بسیاری بر مبنای اصول و قواعد آن دوره طراحی‌وتکثیر می‌شوند. و کماکان دستاوردهای آن سبود بیانی خاص کاربرد ... دارد.

... فعالیتهای هنری و فرهنگی ... جریانان در جنبش مه ۶۸ منحصر به تهیه و تکثیر پوستر نبود، روزنامه‌های دیواری، تآتر خیابانی، نمایش عروسکی، اجرای کنسرت و ... نیز نمودهای











مطالب‌این‌مقاله با استفاده از کتابهای: جنبش ۱۹۶۸ فرانسه ـ انتشارات جنگل ـ Las 500 affiches de mai 68 و VASCO GASQUET. 1978 POSTERS FROM THE REVOLUTION. paris. May 68. تهیه شده است.



ترجمهٔ شعارهای پوسترها:

۱ــ مه ۶۸، آغاز یک انقلاب مستمر.

۳ــ کارخانه‌های اشغال شده: آری!

۴ ــ مرگ بر روال کار برزخی!

۵ــ دانشگاههای خلق آری.

۶- آغاز یک انقلاب مستمر.

۷ـ قدرت توده‌ای ـ (مخفف اسامی احزاب چپ فرانسه در پارلمان).

بقیه در صفحه ۱۵

تولید می‌شدند، اما هدف نمی‌توانست این باشد که از یک نقطه مرکزی تمام کشور غرق پوستر شود، باید از تشکیل "آتلیه خلق" [illegible] حمایت شود.

[illegible]

اگر کارها نمرهٔ [illegible]

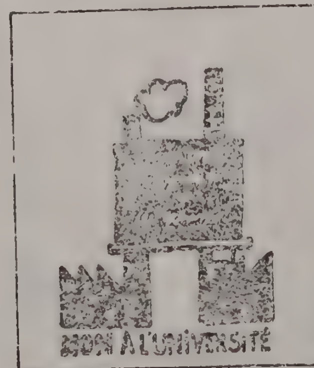
بیمورد و استفاده از یک یا دو رنگ در هر آفیش) پوسترهای ۶۸ هویت خاصی کسب کردند. اغلب پوسترها نتیجه تلفیق شعارهایی متفاوت با طرحی واحد هستند. که این شود در رابطه با شرایط ویژهٔ آن دوران و عاجل بودن شعارها توجیه می‌شود.

براساس تقسیم کار، گروهی – و اغلب کارگران – وظیفهٔ تعیین شعارها و مضامین پوسترها را بعهده داشتند. [illegible] این شیوه، از کارکردن [illegible] روی شعارهایی که از [illegible] انتخاب شده بودند، [illegible] کارگیری می‌کرد. اما انتخاب [illegible] دموکراتیک شعارها و [illegible] و بحث و گفتگو در [illegible] آنها به "آتلیه خلق" [illegible] می‌کرد تا نقطه نظرهای سیاسی خود را منتقل سازد، [illegible] کار انگیزه اصلی [illegible] بود. چرا که هرگز نباید از احتیاجات واقعی کارگران و واقعیت مبارزه‌شان غافل بود. بدین ترتیب شعارهایی که درجریان مبارزهٔ

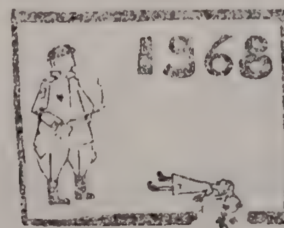
دیگر این فعالیت است. هنر نقش ویژه‌ای را در جنبش ایفا نمود.

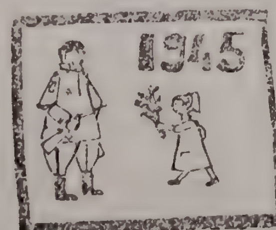
بالاخره در ۲۷ ژوئن "آتلیه خلق" نیز توسط پلیس تخلیه گردید. آخرین روزهای جنبش همانقدر غمگین و ملال‌آور بود که روزهای اولش قهرمانانه می‌نمود. پرچمهای سرخ ازفراز ساختمان دانشگاهها و کارخانه‌ها به پائین کشیده شد، اما امواج اعتراض جوانان تمامی اروپا، آمریکا و حتی قسمتهایی از آسیا نیز در [illegible] دیده بود.

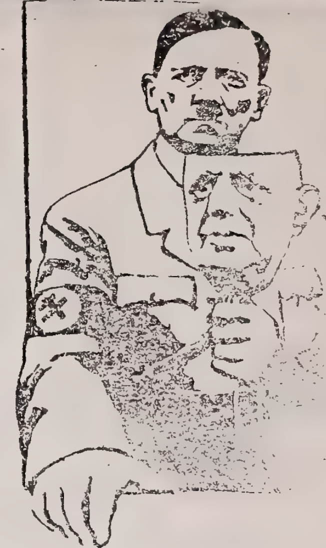


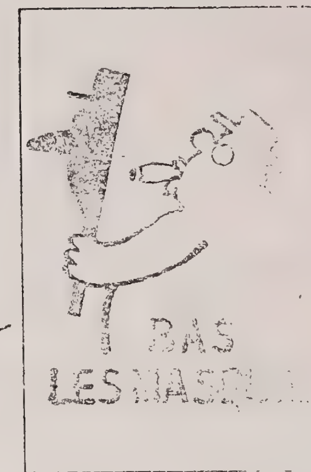














یک استودیو را اشغال‌کردند. و در بدو ورود به استودیو بر سر درآن نوشتند:

آتلیه خلق، آری!
آتلیه بورژوایی، هرگز!

ATELIER POPULAIRE

آتلیه‌خلق (ATELIER POPULAIRE) شروع به‌کارکرد. همراه با تهیه پوسترها بیانیه‌ای صادر شدکه نشان‌دهندهٔ خطوط اصلی اعتقادات‌دانشجویان‌اعتصابی ای بود که در این آتلیه مشغول به‌کار شده بودند:

"مخالفت با نظم موجود و فرهنگ بورژوایی که‌نیروهای ستمگر جهت جدا کردن هنرمندان از طبقه‌کارگر تبلیغ و جانبداریش می‌کنند، و با محبوس کردن هنرمند دربرج عاج هنر بورژوایی او را به دریچهٔ اطمینانی درمکانیزم جامعهٔ سرمایه‌داری تبدیل می‌نمایند. باید در پی‌تغییر خود وجامعه بود و دراین‌راه بازکردن چشم هنرمندان به روی و هیت مشکلات‌کارگران و لمس آنان‌کلیدقضیه است."

شده بود تا مقررات سختی برای ورود به آتلیه برقرار شود. (درواقع موانعی که برای ورود به آتلیه وجود داشت بیش از تمامی مشکلاتی بو دکه باید برای طی‌کردن تمام‌پاریس‌ورسیدن به آتلیه از پیش پا بر می‌داشتند). کارگران با پیشنهاد برای شعارها و مباحثه با هنرمندان ودانشجو یان و برای انتقاد از پوسترها به‌آتلیه می‌آمدند و همچنین به‌منظور پخش‌کردن آنها در محلات.

دانشجویان و هنرمندان انقلابی با پیوستن به‌کارگران در دیدگاههای خود تجدید نظر کرده و با عمل انتقاد و انتقاد از خود می‌کوشیدند عادات فردی بورژوایی را که آگاهانه یا ناخودآگاه برکارها تاءثیرمی‌گذاشت‌ازبین‌ببرند.

برای تائید یا رد هر پوستر، در کمیسیون خاصی، ساعتها بحث و گفتگو در می‌گرفت. و در این میان طراحانی بودند که تا قبل از آن در مورد کارهایشان به هیچ کس حساب پس نمی‌دادند. در نتیجه، این نحوه برخورد با آثار

بلافاصله دیوارهای سوربن پوشیده‌شد از چنین شعاری: "قدغن کردن، قدغن‌است!" گویی هیچکس نمی‌خواست به هیچگونه چهارچوبی تن‌در دهد. و این بزرگترین تناقض جنبش بود، در پی‌جامعه‌ای سوسیالیستی بودن، ساختن انسانی نوین [illegible] تن به نظم ندادن.

اما کارها [illegible] با شتابی [illegible] در محیطی سرشار از سرعت وتحرک، درنظم و بی‌نظمی، ولی در هرحال پیش‌می‌رفت.

در اوج شور والتهاب تهیه و تکثیر آفیشها، هنرمندان، دانشجویان کنجکاو و دیگر مبارزین در آتلیه‌می‌لولیدند و در ظاهر هرج‌ومرج بود و آشفتگی. گاه سه چهار نفر و گاه تعداد به‌دویست نفر می‌رسید. همه‌جا غرق در آمیش بود. به‌روی رشته‌های طناب، روی زمین، داخل راهروها و...

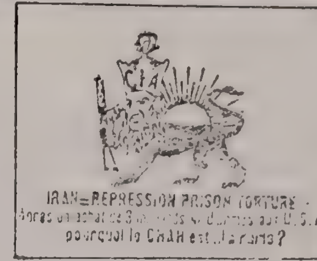
از موضوعهای مهم‌آفیشها "پلیس" و "خلق" است. پلیس" C.R.S " قدرتمند و سرکوبگر که‌گاه با علامت" S.S " نشان داده می‌شوند. قدرت کسور

کارگر، با علائم مشخص و کلاسیک آن است. وکارخانه‌ها نیز با بامهای دندانه‌ای‌شکل و دودکشهای بلند.

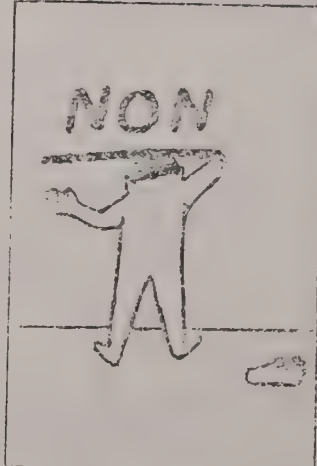
سادگی تصاویر علامت مشخصهٔ پوسترهای مه ۶۸ است. به‌نظر می‌آید قرار است هرچیز سمبلی داشته باشد. همهٔ قضایا تاجیل است. باید به‌سرعت واکنش نشان داد، [illegible] را به زبان [illegible] بیان‌کرد. [illegible] منتقل [illegible] بگذارد. خواب را از [illegible] دوگل و داروندسته‌اش [illegible] فحش بدهد و میخکوب‌کند. آنها جوانانی مودب و با نزاکت نبودند. نمی‌خواستند با کسی گفتگو و بحث کنند. فریادهاشان گوش تگل ـ گراوایتهای دولت‌سرمایه‌داری را کر می‌کرد.

پوسترها‌زبان‌جنبش‌بودند.

فرهنگ بیان مستقیمی از مبارزه طبقاتی است. به‌همین دلیل هدف "آتلیه خلق" محکوم کردن فرهنگ‌بورژوایی بود. البته محدود کردن تمامی مبارزه صرفا" درحوزهٔ فرهنگ‌فریبی بیش نیست، و گرچه پوسترها بیشتر و بیشتر



۲۴



۲۵



همه‌جا مباحثات وجدآور با شور هرچه‌تمامتر ادامه‌داشت، طرحهای مشابهی درهمه‌جا به چشم می‌خورد، عطش‌مشابهی برای‌آزادی فرهنگ وخصومت یگانه‌ای نسبت به‌رژیم‌حاکم، رژیم پشتیبان سرمایه‌داران و چماق سرکوب کارگران!

بنظر عموم مردم مسلط‌ترین شورشها، جنبش‌دانشجویان هنرهای زیبا بود.

۱۲ ماه مه. در پی‌گردهمآیی‌هایی، دانشجویان هنرهای زیبا به همراه دیگر دانشجویان و هنرمندانی‌که‌به آنها پیوسته بودند، جهت عملی ساختن برنامه‌ٔ مبارزه، یک استودیو را اشغال‌کردند. و در بدو ورود به استودیو بر سر درآن نوشتند:

آتلیه خلق، آری!

آتلیه بورژوایی، هرگز!

ATELIER POPULAIRE

آتلیه‌خلق (ATELIER

زمانی که در فرانسه ده میلیون کارگر اعتصابی بود، آنها که در "آتلیه خلق" کار می‌کردند بکارخانه‌ها، کارگاه ها و ساختمانهای اشغال‌شده توسط کارگران می‌رفتند تا از آنها بیاموزند که چگونه در خدمت پیشاهنگان مبارزهٔ طبقاتی باشند.

حالا دیگر تعدادکارگران، دانشجویان فرانسوی وخارجی و هنرمندانی که با شور و هیجان در تهیهٔ پوسترها شرکت داشتند بسیار زیاد شده بود. و ترس از پلیس، حملهٔ دست‌راستیها و یورش اوباش تحریک شده باعث شده بود تا مقررات سختی برای ورود به آتلیه برقرار شود. (درواقع موانعی که برای ورود به آتلیه وجود داشت بیش از تمامی مشکلاتی بو دکه باید برای طی‌کردن تمام‌پاریس‌ورسیدن به آتلیه از پیش پا بر می‌داشتند). کارگران با پیشنهاد برای شعارها و مباحثه با هنرمندان ودانشجو

طراحان مسائلی‌را نیز به دنبال داشت. در واقع‌تهیه پوسترها ناشی از یک‌حرکت خود جوش‌بود، همچنانکه تمامی‌حرکات دانشجویان. کمی از قبل برنامه‌ریزی‌نکرده بود. عکس‌العمل‌فی‌البداهه‌ای بود در قبال اوضاع‌واحوال.

بعد از به‌بحث گذاردن اینکه "ما باید ــ یا نباید ــ حاملان چه‌نوع ایدئولوژی باشیم؟" "آیا درست کار می‌کنیم؟" "آیا باید خود را و همدیگر راز از طریق یک عقیده سیاسی باز شناسیم؟" و... نتیجتاً" درچارچوب قرار دادن فعالیتهای هنری. بلافاصله دیوارهای سوربن پوشیده‌شد از چنین شعاری: "قدغن کردن، قدغن‌است!" گویی هیچکس نمی‌خواست به هیچگونه چهارچوبی تن‌در دهد. و این بزرگترین تناقض جنبش بود، در بی‌جامعه‌ای سوسیالیستی ... انسانی نوین ... تن به نظم نداد.

اما کارها ...

(C.R.S) بدون چشم و چهره فقط با عینک مخصوص و نقاب به‌مثابهٔ صرفا" یک وسیلهٔ سرکوب تصویرمی‌گردد.

تودهٔ مردم به‌طرق‌مختلف نشان داده شده‌اند واغلب در هیئت کلیتی جامع، به وسیلهٔ نقطه‌ها و لکه‌رنگها.

اغلب ابزارها عنصر مهم پوسترها هستند: آچار در مقابل باتوم. (کارگر در مقابل پلیس).

از دیگر مضامین مهم پوسترها "کارگر و کارخانه" است. کارگر ــ حتی بصورت منفرد ــ کلیتی محسوب می‌شود. او نمایانگر کل‌طبقهٔ کارگر، با علائم مشخص و کلاسیک آن است. وکارخانه‌ها نیز با بامهای دندانه‌ای‌شکل و دودکشهای بلند.

سادگی تصاویر علامت مشخصهٔ پوسترهای مه ۶۸ است. بنظر می‌آید قرار ... هرچیز سمبلی داشته باشد. همهٔ ... است. باید ... واکنش ... داد ... ‌های

بی‌هیچوجه متناسب خواستهای بورژوا منشانه‌شان نیست و حتی در جهت سی آن حرکت می‌کند.

آری، اینهم واقعیتی است.

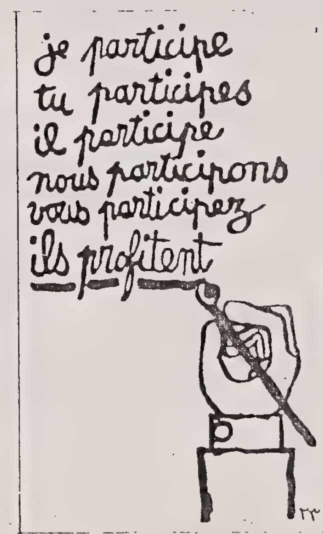
بهرصورت، ما با شکل نوینی از هنر در سیمای شهرهامان روبرو هستیم و در عمل ـ به‌دلائل مختلفی که شمه‌ای از آنها ذکر شد ـ بوضوح شاهد پائین بودن کیفیت این شکل هنری می‌باشیم.

طراحی و تهیه پوسترهای سیاسی ـ اجتماعی، به شکل فعال فعلی در کشور ما پدیده‌ای تازه و جوان است و بنتیجتا" هنوز هویت ویژه خود را کسب نکرده‌است. تجربیات زیادی (بخصوص از نظر کیفی) صورت نگرفته است. گرچه در دوران پر تحرک قیام، توده‌ها دراین زمینه خلاقیت زیادی ازخود نشان دادند که نتیجه تب و تاب و ضرورت حیاتی آن دوران بود، اما به‌تدریج مردم عادی ـ که بیشترین بار این فعالیت‌را بدوش می‌کشند ـ در تهیه پوسترها به‌سادگی از نمونه‌های عادی و معمولی آن که توسط دیگرمردم تهیه می‌شود تقلید می‌کنند و در است.

در این شماره ما باحاصل فعالیت‌ونحوهٔ کاردانشجویان مبارز و انقلابی‌ای که در جریان جنبش ماه مه سال ۱۹۶۸ فرانسه آثار باارزشی بوجود آوردند آشنامی‌شویم. بدیهی است غرض از این آشنایی مشاهدهٔ تجربیات آنهاست و نه الگوساختنشان.

سعی "کار و هنر" بر این است که در شماره‌های بعد بررسیهایی درباره نمونه ـ کارهایی‌که دردورهٔ اوجگیری قیام در ایران عرضه شده است بعمل آورد.





شورای دانشجویان بود. دانشجویانی که گویی می‌خواستند سرزمینی آزاد در میان امپراطوری "ژنرال دوگل" برپا گردانند.

فرهنگ‌جامعهٔ سرمایه‌داری غرب دستخوش بحران شده بود. بحرانی ناشی از ماهیت سیستم ضد خلقی سرمایه ـ داری، ناشی از کراهت چهره امپریالیزم و تمامی مظاهرش، در کنار سرکوب‌خلقهای تحت ستم و درکنار فسادی رشد یابنده و انحطاطی‌اخلاقی ـ و البته زائیده مناسبات‌جوامع سرمایه‌داری ـ که می‌رفت‌چون جزامی تمامی‌اجتماع را به عفونت‌سرمایه واستثمارآلوده کند. کوچکترین فریاد اعتراض، تهدیدگر وخطرناک در گلو خفه می‌شد و در این میان حزب کمونیست فرانسه که می‌بایست فریاد اعتراض باشد، بدل به‌نجواهایی گنگ و خفه شده بود، سران حزب به چانه‌زدن بامقامات! مشغول بودند و امیدشان: رفع مشکلات از طریق سهیم شدن در قدرت و بدست آوردن چند کرسی اضافه‌تر در پارلمان. و نتیجه؟ کارگران استثمار و سرکوب‌می‌شوند و نهادهای فرهنگی‌واجتماعی:

" ما بر علیه دانشگاه طبقاتی می‌جنگیم."

" ما نظامی‌را که در هر مرحله از تعلیم‌و تربیت، از ابتدا تا سطح دانشگاه به زیان فرزندان کارگران و دهقانان است محکوم می‌کنیم."

" ما بر علیه نقشی که سرمایه‌داران ازدانشجوانتظار دارند مبارزه می‌کنیم: نقش سگ‌پاسبان جامعهٔ سرمایه ـ داری."

" ما برعلیه استثمارمبارزه می‌کنیم."

(قسمتهایی ازقطعنامه مجمع عمومی‌دانشجویان. ۱۵مه).

و دانشجویان بر علیه مناسباتی که بین حرفه و آموزش وجود داشت: جدایی دانشکده‌ها از مسائل واقعی جامعه‌به‌پیکاربرخاسته‌بودند. ومی‌دانستند که‌نمی‌توانند این کار را به‌تنهایی انجام دهند، و تنها در کنار کارگران: قربانیان واقعی سیستم طبقاتی تعلیم و تربیت، می‌توان مبارزه را ادامه‌داد. ومبارزه بر علیه دانشگاه طبقاتی بایستی بطور ارگانیکی با مبارزهٔ تمام کارگران بر علیه سیستم استثمارگر سرمایه‌داری

اشغال سوربن به دیگر دانشگاهها، نیز کشیده شد. و همچنین کارخانه‌ها. کارگران به اعتصاب برخاستند و بر خلاف توصیه‌هایی که تا آن زمان حزب کمونیست فرانسه و اتحادیه کارگران می‌کردند، همانندعمل‌انقلابی‌دانشجویان کارخانه‌ها را اشغال کردند.

دولتی‌ها دستپاچه شدندو بلافاصله چماقشان رادرمقابل این حرکت علم کردند. (C.R.S) پلیس‌ضد شورشی، وارد عمل شد، با سپر، نقاب و باتوم. دانشجو یان در خیابانها عبور و مرور را مانع می‌شدند، شیشه‌هارا می‌شکستند، ماشین‌ها راآتش می‌زدند و به‌ایستگاه‌های‌پلیس سنگ می‌انداختند. همواره در پاریس سنگفرشهای کف خیابان دم دست‌ترین‌سلاح توده‌ها بوده‌است. اگر چه بعد از وقایع مه ۶۸ چیزی‌از آن باقی نماند تا احیانا" دوباره بکار گرفته شود!

سوربن تماشایی‌ترین محل اشغال شده توسط دانشجویان بود. ولی این صفت را در مورد تقریبا" تمام دانشکده ـ های پاریس و استانهای دیگر فرانسه می‌توان بکار برد. در

←

بهت‌زدگی– و حتما" با" اشمئزاز – فقط نظاره‌گر " مبتذل "شدن ! هنر" خیابانی" شدن‌هنر! ، در فضایی" نا آرام" ! و به‌توسط مردمی عامی ، با لباسهای کثیف و شاید بدنهای عرق‌آلود استحمام‌نکرده‌باشند ،مردمی که هرگز نقشی در آثار تر و تمیز و خوش‌رنگ و فرم و آوانکارد ! آنها در موزه‌های وسیع ، براق و نورانی ، نداشته‌اند .

شاید علت این‌است‌که‌آنها حاضر نیستند توانائیهاشان‌را به‌خدمت محتوایی درآورند‌که بیهوجه مناسب‌خواستهای بورژوا منشانه‌[illegible]ست و حتی در جهت [illegible] حرکت می‌کند .

آری ،اینهم‌واقعیتی‌است .

بهرصورت ، ما با شکل نوینی از هنر در سیمای شهرهامان روبرو هستیم و در عمل – به‌دلائل مختلفی که شمه‌ای از آنها ذکر شد – بوضوح شاهد پائین بودن کیفیت این شکل هنری

بسیاری موارد نوعی‌یکنواختی و مشابهت خسته کننده در پوسترها خودنمایی می‌کند ، و درحال‌حاضر باید سعی در جبران این نقیصه‌بشود .

آشنایی با نمونه‌های‌تجربه شده در کشورهایی‌باموقعیت‌های مشابه می‌تواند یکی از جنبهای غنی کردن کیفیت این شکل هنری در کشور ما باشد .

" کار و هنر" در محدوده امکانات‌خویش سعی‌دربررسی و معرفی نمونه‌هایی از این دست دارد . و در این راه نیازمند یاری و همکاری شما است .

در این شماره ما باحاصل فعالیت‌ونحوه‌ٔ کاردانشجویان مبارز و انقلابی‌ای که در جریان جنبش ماه مه سال ۱۹۶۸ فرانسه آثار باارزشی بوجود آوردند آشنامی‌شویم . بدیهی است غرض از این آشنایی مشاهده‌ٔ تجربیات آنهاست و نه الگوساختنشان .

سعی "کار و هنر" بر این است که در شماره‌های بعد

★ ★ ★ ★ ★ ★ ★

سال ۱۷۸۹ . اولین انقلاب بورژوایی – نقطه‌پایان نظام فئودالی‌وآغازسرمایه‌داری – درفرانسه بوقوع پیوست .

سال ۱۸۷۱ . اولین‌دولت کمونیستی به‌همت نیروی پر توان کارگران‌درپاریس‌تشکیل شد و با حکومت هفتادروزه‌ٔ خود سرمشق بزرگی برای انقلابات بزرگتری شد که پس از آن در جهان اتفاق افتاد .

سال ۱۹۶۸ . ازسیزدهم ماه مه شانزدهم ژوئن دانشگاه سوربن ستاد اصلی شورای دانشجویان بود . دانشجویانی که گویی می‌خواستند سرزمینی آزاد در میان امپراطوری " ژنرال دوگل" برپا گردانند .

فرهنگ‌جامعه‌ٔ سرمایه‌داری غرب دستخوش بحران شده بود . بحرانی ناشی از ماهیت سیستم ضد خلقی سرمایه – داری ، ناشی از کراهت چهره امپریالیزم و تمامی مظاهرش ، در کنار سرکوب‌خلقهای تحت

زیر یوغ سرمایه وسرمایه‌داری، خدمتگزار علایق پست‌بورژوا– ها . دانشگاهها بخوبی نقش تربیت و پرورش پیچ و مهره – های دولت سرمایه‌داری راایفا می‌کنند و ضرورتا " ازدانشجو انتظار می‌رود چون برهای آرام و سربزیر قدم به دانشگاهها بگذارد ، قوانین حاکم بر سیستم سلطه‌ٔ سرمایه را فراگیرد و سپس . . .

ولی دیگر تحمل چنین وضعی دشوار شده بود .دیگر دانشجویان نمی‌خواستند در مقابل نظام طبقاتی دانشگاه نیز سرتسلیم فرودآورند .

" ما بر علیه دانشگاه طبقاتی می‌جنگیم . "

" ما نظامی‌را که در هر مرحله از تعلیم‌و تربیت ، از ابتدا تا سطح دانشگاه به زبان فرزندان کارگران و دهقانان است محکوم می‌کنیم . "

" ما بر علیه نقشی که سرمایه‌داران ازدانشجوانتظار دارند مبارزه می‌کنیم : نقش سگ‌پاسبان جامعه‌ٔ سرمایه –

پیوند بخورد .

پرچمهای سرخ بر فراز دانشگاه به احتزازدرآمد . دیوارها با پرتره‌هایی از مارکس، لنین ، مائو، تروتسکی ، کاسترو و چه‌گوارا پوشیده شد . سوربن اشغال شده‌بود .

" سوربن یک دانشگاه عمومی ومستقل‌است ودرهای آن شبانه روز به‌روی کارگران باز است . "

(مجمع‌عمومی . ۱۳ ماه مه)

و این در واقع اعمال دمکراسی مستقیم در " عمل" بود و نه در "تئوری! "دامنه‌ٔ اشغال سوربن به دیگر دانشگاهها ، نیز کشیده شد . و همچنین کارخانه‌ها .کارگران به اعتصاب برخاستند و بر خلاف توصیه‌هایی که تا آن زمان حزب کمونیست فرانسه و اتحادیه کارگران می‌کردند ، همانند‌عمل‌انقلابی‌دانشجویان کارخانه‌ها را اشغال کردند .

دولتی‌ها دستپاچه شدندو بلافاصله چماقشان رادرمقابل این حرکت علم کردند .

جنبش دانشجویی مه ۱۹۶۸ و دانشجویان هنرهای زیبا

تهیه و تنظیم : ا-ح- اثباتی

تظاهرات ، بیان تنفر از . . . ، ابراز علاقه به . . . ، تجلیل از شهدا ، اعلام اعتصابات ، یادبود وقایع و . . .

همهٔ اینها شعارگونه، شعرگونه و یا تصویرگونه بیانگر حرکت یک ملت بود ، و این مجموعه ، گسترده‌ترین و کارا‌ترین ارتباط جمعی مردمی را شکل می‌داد ، ارتباطی که — لااقل در مملکت ما — هرگز وباهیچ تمهیدی چنین ابعادی بخود نگرفته‌بود .

آری، مردم خودرا و "زندگی واقعی" را به‌نمایش گذاشتند. فضاهای بعضا" تمیز و دلباز ولی بغایت دلتنگ کننده و خفقان آور را بد" محیط های تصاویر شهدا و . . . توسط گروههای مختلف تهیه می‌شود : گرافیستها، دانشجویان هنرهای تجسمی ، سایر دانشجویان و یا حتی مردم عادی: کسانی که شاید تا چندی پیش هیچگونه آشنایی با این شیوه بیانی نداشته‌اند ولی به ضرورت دراین امر فعال گشته‌اند . حاصل این فعالیت ، پوسترها وآفیش‌های متعدد زشت و زیبا ، صریح و گنگ ، با تکنیکهای پیشرفته‌یا ابتدایی و . . . بوده است که خود فصل نوینی را در تجربه‌های هنری و فرهنگی‌ما گشوده است ، و از همینرو برخورد همه‌جانبه با آن از

خاص آن هیچگاه پاسخگوی نیازهای ملموس و واقعی توده‌ها نبوده و طبیعتا "هنر" و آموزش آن نیز همواره‌مشمول این بی‌فایدگی بوده‌است .

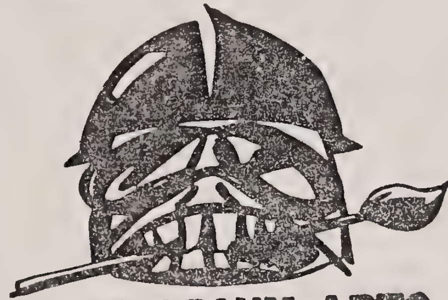
واقعیت‌اینست که برای آموزش هنری پویا و خلاق که جزئی از زندگی مردم باشد و آفرینش هراثرآن گامی در جهت‌شناخت دردهای‌جامعه ، عریان کردن تضادهای آشتی ناپذیر طبقاتی جامعه، محو طبقات ، تکامل اجتماعی و بالاخره دستیابی به‌جامعه‌ای انسانی مبتنی بر مساوات و سعی در محو هرگونه استثمار فرد از فرد باشد، باید نمونه‌های این نوع هنر را در

وابسته و "ضدخلقی" بشدت مغایر است ، وجود یکی نافی دیگری است و درست به‌همین علت کتاب های درسی و غیر درسی "هنری" در جامعه ما نه‌تنها در محتوای خود حاوی‌مسایلی زنده، پویا و عملی نبوده است بلکه درست برعکس، در جهت تخدیر مغز و روان محصلین و هنرآموزان طرح ریزی شده و در خنثی‌ترین حالت در حد تعلیم" خط درشت!" و کپی‌برداشتن از نقاشیهای باسمه‌ای — آنهم به‌روش " شطرنجی‌کردن" مدل! اعمال شده‌است .

بهرصورت ، تابحال ،مردم دمیک برخوردارند و"تکنیک" می‌دانند و سالهای اختناق تحمیل شده بر مردم میهنمان "عرصه‌ی جولان‌هنری" آنها بود ، به‌چشم می‌خورد .

البته از نظر ما کاملا" طبیعی است که بدعت‌گذاران تکنیکها و شیوه‌های بدیع هنری مورد تائید و خوش‌آیند مستقیم و یا غیرمستقیم " شهبانوی هنرگستر"! و " فرهنگ‌پرور"! چنان در برابر حرکت سریع وخروشان توده‌های مردم بهت‌زده وگیج بشوند که یا به محیطهای " آرام" و "هنرشناس"! و " فرهنگ‌پرداز"! غرب این موطن شایسته‌شان — پناه ببرند و یا در عین گیجی و

LA POLICE S'AFFICHE AUX BEAUX ARTS



LES BEAUX ARTS AFFICHENT dans la RUE

★ ★ ★ ★ ★

یکسال و چند ماه از اوجگیری قیام تودهای مردم گذشت.

ماههایی را پشت سر گذاشتیم که هر روزش خود بیان مجسم "تحرک" و "تحول" بود. و مشهودترین نمود ظاهری این حرکتها وتحولات در ودیوار شهرهامان است.

در ودیوارشهرهانمایشگاهی شد که دستمایه نمایش‌حضور همیشگی مردم در بطن وجود آن بود.

در ودیوار شهرها تبلور صوری عقاید ونظریات مردم و چگونگی حرکت آنها گشت:

اعلام اخبار، دعوت به تظاهرات، بیان تنفر از...، ابراز علاقه به...، تجلیل‌از شهدا، اعلام اعتصابات، یادبود وقایع و...

همهٔ اینها شعارگونه، شعر گونه و یا تصویرگونه بیانگر حرکت یک ملت بود، و این مجموعه، گسترده‌ترین و کار– اترین ارتباط جمعی مردمی‌را شکل می‌داد، ارتباطی که – لااقل در مملکت ما – هرگز ماهیه تعبدی، حسب ابداء...

سرشار از زندگی و واقعیت" – و البته شاید شلوغ و درهم! – تبدیل‌کردند.

و به‌این ترتیب بود که در ودیوار شهرها بگونه‌ای شکل صفحات قسمتی مهم ازتاریخ ملت‌را نیز بخود گرفت و میزان دقت این‌تاریخ‌نگاری گاه تاحدثبت مشخص‌لحظات در روز معین وحتی ساعت معین پیش رفت. بهرحال، این‌جریان پدیده‌ای مثبت بود که با افت و خیزهای خود تا به‌امروز ادامه‌داشته است و شاید بتوان گفت که ابعاد آن هر روز وسیع‌تر می‌گردد.

پوسترها، اطلاعیه‌ها، تصاویر شهدا و ... توسط گروههای مختلف تهیه می‌شود: گرافیستها، دانشجو– یان هنرهای تجسمی، سایر دانشجویان و یا حتی مردم عادی: کسانی که شاید تا چندی پیش هیچگونه‌آشنایی با این شیوه بیانی‌نداشته‌اند ولی به ضرورت دراین امر فعال گشته‌اند. حاصل این فعالیت، پوسترها وآفیش‌های متعدد، زشت و زیبا، ...

وظایف‌ضروری‌دست‌اندرکاران مسائل هنری می‌باشد.

واقعیت این‌است که مردم با حرکت خود بخودیشان و با بیان ساده اما صادقانهٔ این حرکت – همانگونه که‌شرح آن رفت – مرجع آموزشی بسیار غنی و پرباری را برای هنرمندانی که با تخصص در این زمینه‌ها (بیان تصویری، تهیه آفیش و پوستر و...) کار می‌کنند فراهم نمودند، اما بدلایلی، در بسیاری از موارد، حاصل کارشان فاقد برخی ارزشهای لازمه در این زمینه بوده است.

واقعیت این‌است که‌سیستم آموزشی در ایران و محتوای خاص آن هیچگاه پاسخگوی نیازهای ملموس و واقعی توده‌ها نبوده و طبیعتا "هنر" و آموزش‌آن نیز همواره‌مشمول این بی‌فایدگی بوده‌است.

واقعیت‌اینست که برای آموزش هنری پویا و خلاق که جزئی از زندگی مردم باشد و آفرینش هرآثر‌آن گامی در جهت‌شناخت دردهای‌جامعه، عریان کردن تضادهای آشتی ...

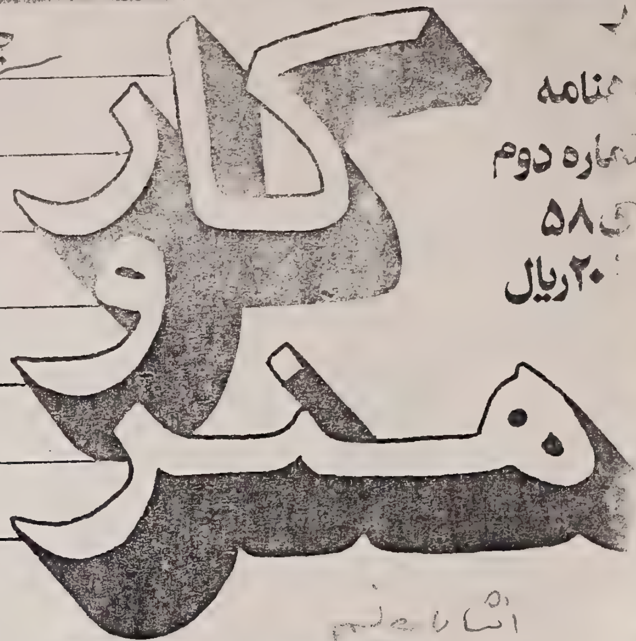
جوامعی که در این راه گام برداشته‌اند بررسی کرد و به این منظور باید علل بوجود آمدن این نوع هنر را درآن جوامع شناخت: باید زندگی در آن جوامع رابررسی کرد، سیستم حکومتی آن را بررسی کرد و آنگاه باید حاصل تمام این بررسیها را بطور همه‌جانبه با جامعه خودی مقایسه نمود و... تا بالاخره هنر نیز درجامعهٔ خودی بررسی شود... تا زمینه برای آموزش هنر خلاق، پویا و مردمی فراهم گردد.

و واقعیت اینست که چنین بررسیها و چنین آموزشهایی با فلسفه وجودی‌حکومت‌های وابسته و "ضدخلقی" بشدت مغایر است، وجود یکی نافی دیگری است و درست به‌همین علت کتاب های درسی و غیر درسی "هنری" در جامعه ما نه‌تنها در محتوای خود حاوی‌مسایلی زنده، پویا و عملی نبوده است بلکه درست برعکس، در جهت تخدیر مغز و روان محصلین و هنرآموزان طرح

(مردم عادی و حتی هنر– آموزان) بجز آنچه که دررونـد مبارزاتی خود و بنابه‌ضرورت دریافته و بیان‌کرده‌اند، از فرهنگ هنری آموخته‌ای بر– خوردار نبوده و نیستند و طبعا" این مسئله در آفرینش آثار توسط خود آنها و نیز در برخوردشان با آثارهنری تاثیر منفی‌دارد.

ازطرف دیگر اینهم‌واقعیتی است که این دورهٔ اوجگیری مبارزات مردم – و درشرایطی که ذکر آن رفت – کمترخبری از خیل رنگارنگ گرافیستها و هنرمندان حرفه‌ای، که‌احتمالا از تجربیات و تحصیلات آکا– دمیک برخوردارند و "تکنیک" می‌دانند و سالهای اختناق تحمیل شده بر مردم میهنمان "عرصه‌ی جولان‌هنری" آنها بود، به‌چشم می‌خورد.

البته از نظر ما کاملا" طبیعی است که بدعت‌گذاران تکنیکها و شیوه‌های بدیع هنری مورد تائید و خوش– آیند مستقیم و یا غیرمستقیم "شهبانوی هنرگستر"! و فرهنگ‌پرور"! چنان در

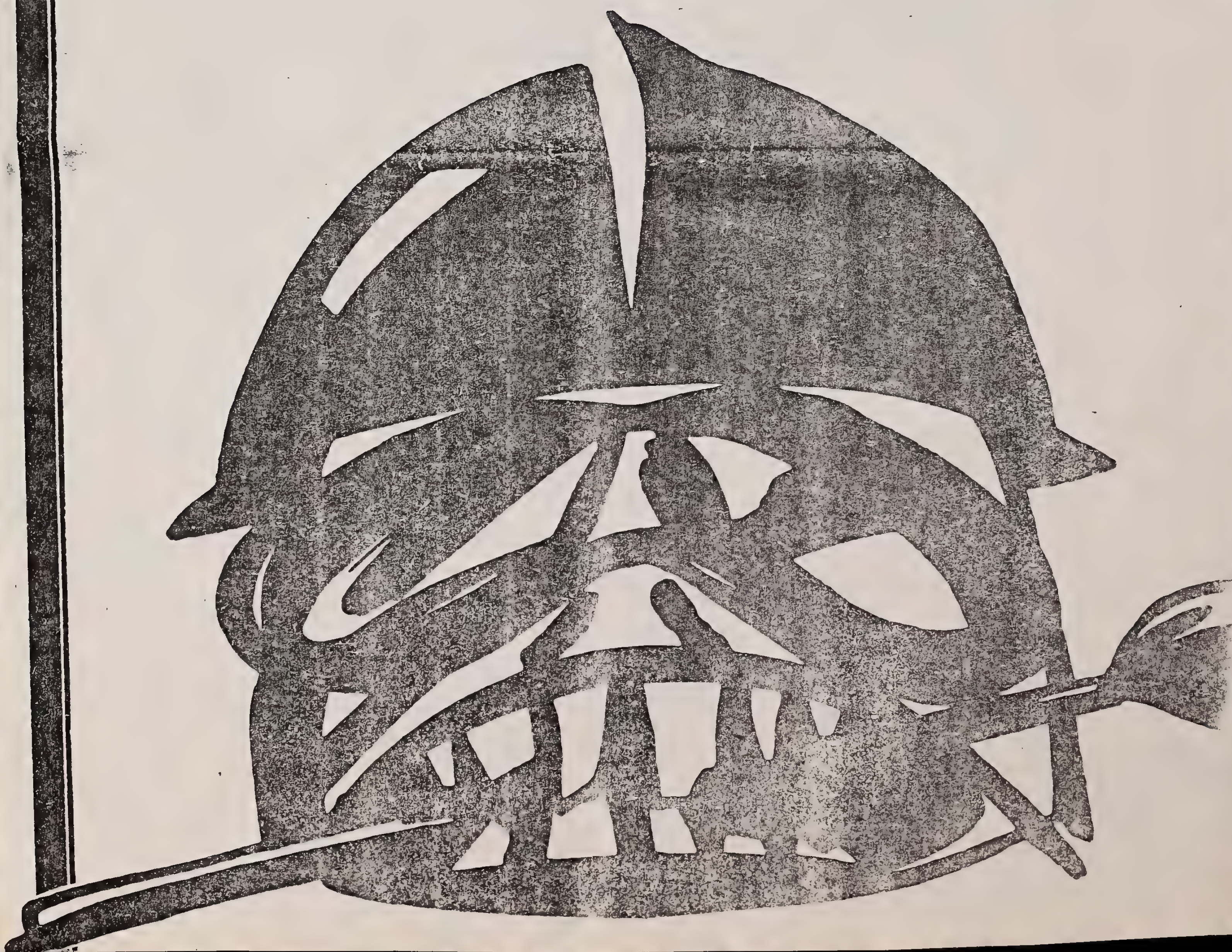


گاهنامه

شماره دوم

۵۸

۲۰ ریال



مذکور را در شیراز نموده است. سازشکاری وسروع بکار

مجدد انجمن ایران وامریکا در شیراز نیز مورد موافقت

وزارت امور خارجه قرارگرفته است لذا خواهشمند است

دستورفرمائید همکاری لازم در این زمینه معمول فرمایند.

احمد مقصودی

معاون امور سیاسی و اداری

نبود. اما ما کوشش کردیم تا با ارائه سند و مدرک و نیز شواهد و نمونه‌های متعدد این "درک کلی" را عمق و استحکام ببخشیم. آنگونه که خلق ما نیز در تجربه شخصی. ملموس و عینی خود به مسئله‌ای که توسط عناصر آگاه سازمانها و نیروهای انقلابی مطرح می شد پی‌ببرد.

بنا براین اگر نشود به مردم ایراد گرفت، مطمئنا به مقامات

گونه برخوردهاست:

با توجه به تاریخ سند ۵۸/۲/۱ مشاهده می‌کنیم که هنوز ۲ ماه از انقلاب در میهن ما نگذشته و هنوز خون بسیاری از شهدا بر سنگفرش خیابانها نخشکیده و هنوز زخمهائی که با گلوله‌های امریکائی ایجاد شده‌بود ترمیم نیافته‌است که "وزارت خارجه" دولت جمهوری اسلامی حکم به بازگشت امریکائیان می‌دهد

رسم همیشگیتان بوده است و درعوض این ده ماه بعداز انقلاب دیده‌ایم دقیقا" برخلاف دستور امام خمینی که گفته‌اند: برای مقابلهٔ با امریکا باید اختلاف مسلکی و سیاسی خود را کنار بگذارید، همچنان بطرح جنگهای صلیبی‌و دامن زدن به درگیریهای مسخرهٔ حیدر نعمتی دل مشغول داشته‌اید وبهمین جهت است که در اطلاعیه‌تان از گفتن صریحترین دروغها نیز هیچ واهمه‌ای ندارید.

ثالثا" :در مورد دخالت مادر

تا آنهمه دچار تناقض گوئی و دروغپردازی نشوید، بنحویکه بقول معروف: دم‌خروس از لای عبایتان بیرون بزندو آنوقت همهٔ قسمها و سوگندهایتان بی‌نتیجه بماند.

از این رو عین حکم صادر شده از طرف شما را که (تأکید می‌کنیم اینکار اصلا" در حوزهٔ مسئولیتتان نبود) در اینجا آوردیم تا معلوم شود چه کسانی بنام خمینی علیه خمینی توطئه می‌کنند.

هنوز زخمهای گلوله‌های امریکائی بهبود نیافته‌که وزارت خارجه خواستار بازگشت امریکائیها میشود

(بسمه تعالی)

دادسرای انقلاب اسلامی تبریز

شماره ۴۴۵۲

تاریخ ۱۳۵۸/۹/۳۰

پیوست

تلفن ۰۴۱ - ۳۴ - ۳۰۲۸۱

جنب بازداشتگاه تبریز

به مامورین گروه بازرسی ماموریت داده میشود که

به کونسلگری سابق امریکارفته وبه برادران مستقر

در آنجا اعلام کنند که مهلت دادگاه تمام شده محل

راتخلیه نمایند البته رویه مسالمت امیزرا حفظ نمایند ٪

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز

دادستان

انقلاب اسلامی

تبریز

حملهٔ ارتجاع به دانشجویان مسلمان مستقر در جاسوسخانه...

بقیه از صفحه ۶



میلیشیا در جاسوسخانه تبریز ـ تجلی اراده خلق

دانشجویان مسلمانی که کنسولگری آمریکا در اصفهان را اشغال کرده بودند می‌اندازد. براستی چرا سلاحهائی که باید به سمت آمریکا نشانه رود بر سر و روی دانشجو فرود آید؟ در جائی که امام فرمان میدهد همهٔ سلاحهایتان را به سوی آمریکا بگیرید، این سلاحها به چه سو نشانه رفته‌اند؟

در اطلاعیهٔ شمارهٔ ۲ دادسرای انقلاب اسلامی، برخی از دلایل اخراج دانشجویان از محل کنسولگری سابق را اینگونه برشمرده‌است:

۱ــ دانشجویانی که کنسولگری تبریز را اشغال کرده‌بودند، بر خلاف آنچه که ادعا کرده بودند، دانشجویان پیرو خط امام نبوده و وابستگان سازمان مجاهدین خلق بوده‌اند، که در همه حالات نقش "منافقین" را بازی کرده‌اند.

۲ ــ با تحریم صریح امام خمینی مبنی بر براه نیانداختن اعتصابات و هرگونه تحصن، دانشجویان فوق‌الذکر اعتصابات از طرف گروههای غیر مذهبی روشنفکرنما را تاییدکردند

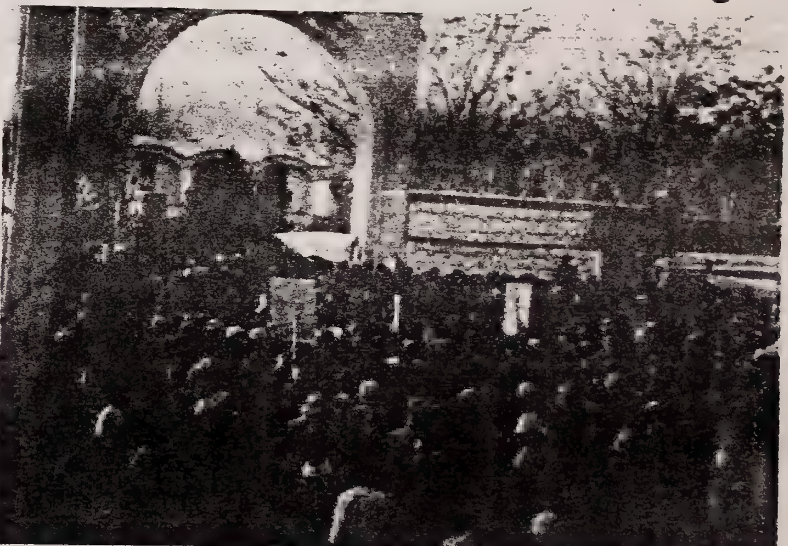
۳ ــ با تحقیق همه جانبه‌ای که در پیرامون عاملین وقایع اخیر تبریز که منجر به اشغال رادیووتلویزیون و وقایع دیگری گشت، نقش عده‌ای از این افراد محرز و مدارک آن در دادسرای انقلاب موجود است.

آفرینندگان اسطوره‌ها و ...

برای خواهر کوچولوی نازم در شب پیروزی انقلاب بامید اینکه روزی بزرگ بشی و مجاهد بشی - داداش رضا ۵۷/۱۱/۲۲

حمله ارتجاع به دانشجویان مسلمان مستقر در جاسوسخانه سابق آمریکا در تبریز

به دنبال تصرف لانهٔ جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام و آغاز موج نوینی از مبارزهٔ ضدامپریا- لیستی و گسترش سریع آن، همزمان در دیگر شهرهایی چون شیراز، تبریز و ... دانشجویان مسلمان در جهت گسترش و حمایت از حرکت برادران دانشجوی خود در تهران اقدام به اشغال مرکز جاسوسی نمایندگان امپر- یالیسم آمریکا می نمایند. دانشجویان مسلمان انقلابی تبریز با اشغال کنسولگری سابق آمریکا و با تبدیل آن به کانون تداوم مبارزات ضد امپریا- لیستی خلق قهرمان و با تکیه بر دشمن



حمایت مردم از عمل انقلابی دانشجویان در محل جاسوسخانه آمریکا

اصلی. امپریالیسم آمریکا سعی مینمایند رسالت انقلابی خود را در جهت بخشیدن به مبارزهٔ مردم. ایفاء نمایند بویژه در آشوبها و درگیریهای نفاق- افکنانهٔ چند هفتهٔ اخیر تبریز که جز در خدمت دشمن غدار خلقها نمی‌تواند باشد، سهمی در خور توانائی به عهده میگیرند .. اما متأسفانه طی گزارشات رسیده از تبریز، ظرف هفتهٔ گذشته از طرف رئیس دادگاه انقلاب تبریز دستور تخلیهٔ کنسولگری سابق (محل استقرار دانشجویان مسلمان) را به بهانه‌های مختلفی همچون تبدیل آن به کمیتهٔ مرکزی و ... صادر میشود که با برخورد منطقی دانشجویان روبرو میشوند. ولی علیرغم تمام تلاش دانشجویان در جهت اثبات ضرورت مبارزهٔ ضد امپریالیستی با تکیه بر رهنمودهای امام مبنی بر سمت گیری همهٔ قلمها و تفنگها به سمت آمریکا و بخصوص برای جلوگیری از برخوردهای تفرقه افکنانه که طبعاً بسود امپریالیسم است، مرتجعین عزمشان را جزم نموده بودند که به هر قیمت محل را تخلیه نمایند، و در نهایت با زور و اسلحه دانشجویان مسلمان را مجبور به تخلیه مینمایند.

البته لازم به یادآوریست که در موضوع تشکیل کمیتهٔ مرکزی (که از قرار معلوم تصمیم آن توسط مقامات مسئول گرفته شده بود) آنچه قابل توجه است انتخاب محل استقرار دانشجویان جهت این منظور است. اکنون برای توضیح بیشتر موضوع قسمتهایی از متن اطلاعیه دانشجویان مسلمان دانشگاه حنیف نژاد و اطلاعیهٔ دادسرای انقلاب اسلامی تبریز را می‌آوریم:

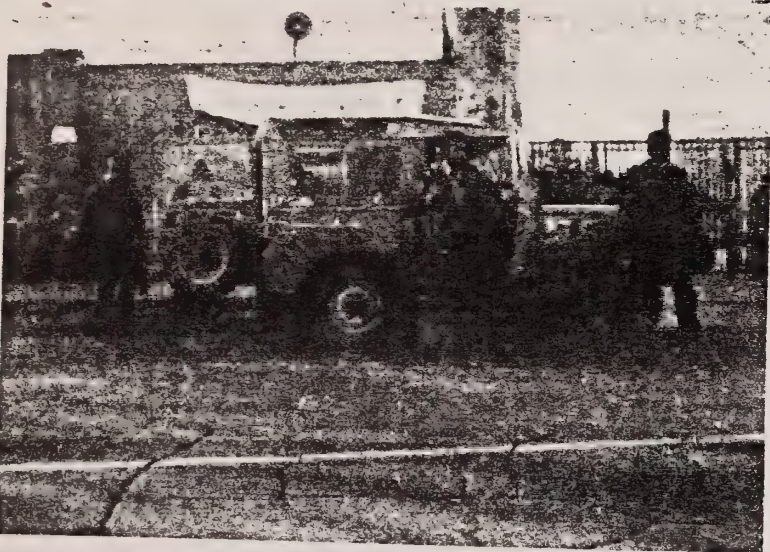
اطلاعیه انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه حنیف نژاد تبریز

پس از انقلاب ضددیکتاتوری خونین و قهرمانانهٔ خلقمان شاهد بودیم که ارتجاع چگونه با علم کردن مسایل فرعی سعی در خارج کردن مبارزه از مسیر اصلی و صحیح خود داشت. و دیدیم که با اوج گرفتن تفرقه‌ها و تشتتها روز بروز مسائل پیچیده‌تر میشد و دشمن اصلی ما امپریالیسم آمریکا در سایهٔ خوش خد- متیهای ارتجاع به فراموشی سپرده میشد. تا اینکه موضعگیری انقلابی امام و اشغال جاسوسخانهٔ آمریکا توسط دانشجویان خط امام ارابهٔ انقلاب را از سراشیبی انحراف و سقوط نجات داده و در خط صحیح و اصلی خود وارد ساخت. ما نیز در ادامهٔ حرکت برادرانمان در تهران و در جهت تأیید و تأکید بر خط ضد امپریالیستی امام و عمق بخشیدن واوج دادن این حرکت در منطقه دست به اشغال سیاسی کنسولگری آمریکا در تبریز زدیم. اما از همان ابتدا عواملی که منافعشان در مسیر مبارزه با امپریالیسم در خطر بود دست به اخلال و کارشکنی های مختلفی زدند و به لطایف‌الحیل سعی در جلوگیری از گسترش و اوج‌گیری این حرکت ضد امپریالیستی داشتند و بعنوان مثال از پخش اطلاعیه ها واعلامیه‌های ما از رادیو و دیگر رسانه‌های گروهی جلوگیری میکردند.

اما ما علیرغم همه کارشکنی‌های مرتجعین همچنان با ایمان به اهداف مقدس انقلاب سعی در بسیج و جهت دادن به مردم پرشور و مبارز شهرمان داشتیم و در این راه که در امتداد راه سرخ شهیدان قرار دارد، دمی نیاسودیم وازدرس و زندگی عادی خود گذشتیم تا در راه به‌ثمر رسیدن این انقلاب شکوهمند در حد توان خود قدمی برداشته باشیم و به حق مردم نیز با حمایتها و پشتیبانیهای خود در جهت ادامهٔ حرکتمان به ما امید و دلگرمی می بخشیدند، بطوریکه قریب هفتاد مورد حمایت از جانب گروهها و اقشار مختلف مردم بدست ما رسید و بارها گروهها و اقشار مختلف با راهپیمائی- های خود و حضور در مقابل کنسولگری حمایت بیدریغشان را از حرکت ضد امپریالیستی اعلام کرده و بر شعار وحدت در خط ضد امپریالیستی امام تاکید میکردند.

ما نیز در تمام این مدت با رفتن به مدارس، کارخانه‌ها و محلات جدیدترین اخبار و اتفاقات و گزارشات را به اطلاع مردم رسانده و با صحبت در مورد جنایات آمریکا و شیوه‌های صحیح مبارزه و توضیح و تشریح مواضع انقلابی امام سعی در روشنگری و آگاهی هرچه بیشتر مردم داشتیم. در ضمن تبدیل کنسولگری آمریکا به کنسولگری فلسطین به نشانهٔ حمایت از انقلاب فلسطین، گام دیگری در جهت مبارزهٔ با امپریالیسم بود که به اطلاع برادر هانی‌الحسن و دفتر فلسطین در تهران نیز رسیده بود.

ما مقصودمان فقط و فقط بسیج ملت بر علیه امریکا بود و بااینکه این‌عمل به مذاق بسیاری خوش نمی‌آمد از هیچ تلاشی در این جهت دریغ نمیکردیم و لحظه‌ای از تبلیغ و تاکید بر خط ضد امپریالیستی امام باز نمی‌ایستادیم



اولین لحظات هجوم به دانشجویان مستقر در سفارت

چنانکه بعد از تهدید نظامی آمریکا و فرمان امام مبنی بر لزوم آمادگی نظامی ما نیز با بسیج و آموزش نظامی برادران و خواهران آمادگی خود را برای مقابلهٔ نظامی باآمریکا اعلام داشتیم، ولی بازهم از سوی عواملی که هرقدم بر علیه آمریکا، بمعنی از دست دادن منافع حقیر شان محسوب میشود، تحت فشار قرار میگرفتیم، تلفنهای غیر رسمی و تهدید و ارعاب همچنان ادامه داشت و ما که عمق روزافزون مبارزه خلقمان را به مثابه حلقهٔ داری میدانستیم که روز بروز بر حلقوم ارتجاع محکمتر میشد، همچنان مصممانه به حرکت خود ادامه میدایم و شاهد به دست و پا افتادن مرتجعین و تلاشهای مکارانه شان برای به انحراف و به سکوت کشاندن خروش ضدامپریالیستی مردم بودیم. تلاشهائی به شکل تفرقه اندازیها و تشتتهای داخلی، و ایجاد انحراف صورت میگرفت. این بار بشکل فشار رسمی از جانب دادگاه انقلاب! خود را نشان داد و در ادامهٔ توطئه های سیستماتیک و گسترده‌ای که در سطح کشور برای منحرف ساختن نوک حملات به سمت داخل صورت میگیرد حکم تخلیهٔ کنسولگری فلسطین به دستور دادگاه انقلاب بدست ما رسید و ما که بخوبی از عواقب سیاسی و اجتماعی این عمل آگاه بودیم، به مقامات رسمی شهر مراجعه کرده و در این زمینه توضیحات لازم را دادیم و مقامات رسمی شهر نیز کما فی‌السابق از حرکت ما و از اشغال سیاسی کنسولگری حمایت کردند، اما متأسفانه روز بروز فشارها بیشتر شد. تا اینکه در روز ۵۸/۱۰/۳ افراد مسلح از دیوارها و بالای درب کنسولگری بداخل ریخته و مسلحانه وارد کنسولگری شدند و وقتی که عواقب سیاسی مسأله را توضیح دادیم و نتیجه مذاکرات قبلی خود را مطرح کردیم به ما جواب داده شد که بروید بگوئید چماقداران جمهوری اسلامی به ما حمله کردند و در نهایت با ضرب و شتم ما را از کنسولگری بیرون راندند.

براستی چه دستهائی در کار است؟ چه کسانی از اشغال جاسوسخانه‌ها هراس دارند؟ آیا از همان منابعی‌نیست که آقایان ایرانپور- های معلوم‌الحال (عضو کمیتهٔ اصفهان که اخیراً توسط دانشجویان مسلمان خط امام افشاء شد) را به جان

بقیه در صفحه ۸

ایران حگونه است؟

چشم‌انداز آینده

بطور دراز مدت و استراتژیک، از آنجا که اراده خدا و سنت خدشه ناپذیر تکامل و هستی بر پیروزی مستضعفین است، چشم‌انداز کاملا امید بخش است و شکستهای مرحله‌ای نخواهند توانست در این روند فتور و سستی ایجاد کنند.

اما بلحاظ کوتاه مدت و تاکتیکی انقلاب ما ضربه پذیر خواهد بود، الا و مگراینکه مرحله دوم مبارزه علیه شیطان بزرگ و پادشاه واقعی ایران یعنی امپریالیسم امریکا بطور قاطع و پیگیر دنبال شود.

بدیهی است که نبرد با امپریالیسم، نبردی است سخت و طولانی که از طرفی تصفیه هرچه بیشتر صفوف خلق از سازشکاران و مرتجعین و وابستگان به امپریالیزم را می‌طلبد و از طرف دیگر اتکاء هرچه بیشتر به توده‌های میلیونی کارگر و دهقان را ایجاب میکند.

بنابراین وحدت خلق متحقق نخواهد شد مگر بر بنیاد یک برنامه انقلابی که در برگیرنده حد اقل حقوق خلق و بالاخص طبقات کارگر و دهقان باشد.

در پرتو چنین برنامه‌ای کلیه نیروهای خلقی و انقلابی خواهند توانست با تاکید بر نقاط اشتراک راه پیروزیهای آینده را هموار کنند.

بی مناسبت نیست که خلاصه‌ای از برنامه حداقلی را که سازمان ما در تاریخ ۲۷/اسفند/ ۵۷ ارائه داد مطرح کنیم. قابل ذکر است که موضعگیریها و برنامه‌های دیگر ما در انتخابات خبرگان، در انتخابات ریاست

آمریقای جنوبی میشو
دوم آبان ۵۷
ارسنجانی خواستار
خارجی مشوند.
۱۴ آبان ۵۷
اجتماعی، آمریکائیها
را از محل کار خود
۲۲ آبان ۵۷
مخابرات تهران، کار
این شرکت را بیرون.
۳۰ آذر ۵۷
آمریکائی در جنوب کر
۴ دی ۵۷:
دخانیات با اعتراض
چهارم سیگار مصرف
آمریکا تامین میشود
کاران ایرانی بیکار ما
اعتصاب میزنند.
۶ دی ۵۷ ک
کشور طی اعتصاب
که از نشستن هواپیـ
اسرائیلی جلوگیری
۱۰ دی ۵۷:
انجمن ایران و آمریکا
انگلیس و منزل چند
را به ویرانی میکشند
۲۶ دی ۵۷:
هات ـ رئیس ستاد
تهران در منزلش واق
آویخته میشود (اطلاع
۲۹ دی ۵۷: لا
آمریکائی در مقابل
به گلوله بسته میشو
دیماه ۵۷)
درهمین روز فرزندا
جنگلی درلنگرود پر
میزنند.
۵ بهمن ۵۷:
سازی ایران وابسته
وزارت جنگ تهدید
خواستار اخراج ک
شدند.

زوی اصلی
ب

هم ... و
... و
مداکاری
مشرود و شور
گذشته

ـحش و ضد امپر-
جه با شرکت تمام
صورت گرفت ولی
طبقات محروم و
همواره با ایثار و
مرد، این سرزمین
حون زده‌اند.
روزی نبود که
علیه استثمار
وابسته و شرایط
زندگی خود اعتراض
آنان همواره در
رژیم انعکاسی
حنبش توده‌ای
در اوج شکوهمند آن
سیاسی رژیم را برهم
سز فرصتی یافت
سالیان دراز رنج و
صورت تظاهرات و
ی ـ سیاسی گسترده باز
ضد استثماری خودش را
یکتاتوری ـ ضد امپر-
موبا پیوند زند. حضور
روستا در متن
خلق به آن ویژگی
که نشاندهنده رشد و

بقیه در صفحه ۸

---

۶ ـ ارتش بیست میلیونی خلق.

۷ ـ برابری زن و مرد.

۸ ـ مساوات اسلامی تشیع و تسنن

۹ ـ زمین برای دهقان، کار برای کارگر.

۱۰ ـ مسکن، بهداشت و تحصیلات برای همه.

۱۱ ـ مبارزه با هرج و مرج، تامین آسایش اجتماعی همه‌ی مردم.

۱۲ ـ حمایت از تمام جنبشهای انقلابی ضداستبدادی، ضداستعماری و ضداستثماری خلقهای جهان.

***

باتوجه به مجموعه شرائط عینی و ذهنی ما معتقدیم برنامه فوق میتواند حداقل قابل قبولی برای مرحله‌ی ضد امپریالیستی و بعنوان گامی در جهت حرکت بسوی یک جامعه‌ی آزاد و عاری از ستم که در چشم‌انداز خود جامعه‌ی بی‌طبقه توحیدی را دارد، باشد. که لازمه‌ی رسیدن به آن وحدت کلیه‌ی نیروهای ضداستبداد، ضداستعمار و ضداستثمار می‌باشد همان شعاری که پدر طالقانی هم بر آن تکیه داشت.

درست بهمین منظور برادر مجاهد مسعود رجوی در مراسم ۱۰ بهمن در دانشگاه تهران از کلیه جمعیتها، گروهها و احزاب و سازمانهای اصیل و صادق حول برنامه فوق دعوت بعمل آورده و گفت: "ما حول این برنامه، حول این خطوط اسلامی، انقلابی و مردمی میگوئیم هر کس میخواهد بیاید، هرکس برایش واحد اهمیت است که تفرقه‌ها کنار بروند و تمام خلق رو بجلو برود چه بهتر".

...ه‌ٔ انقلاب

رابطه...

۳ـ احتراز از سرمایه‌گذاریهای
...ن در صنایع فوق‌العاده پیچیده و پر
...نه به‌نفع رشد صنایع متوسط و
...ک بویژه در حوالی روستاها به
...ور متعادل کردن بخش صنعتی و
...ش کشاورزی با توجه به اولویت
...ش کشاورزی...

تبعیت میکند یعنی اختلافات وحشتناک میان سرباز، افسر و امیر وجود ندارد. غذای همه یکی است، از جهت حقوق و سایر امکانات نیز اختلاف ناچیز است.

حق انتقاد برای همگان و بخصوص پائین‌ترین رده‌ها محفوظ است و در انتصابات نیز مورد مشورت قرار میگیرند، درعین اینکه انضباط آن نیز آهنین است.

میشتابد......

۵ـ تضمین آزادی کامل مطبوعات واحزاب واجتماعات سیاسی با هر عقیده و مرام به مصداق "*فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه*"... البته میان آزادی و دمکراسی انقلابی با لیبرالیسم و ولنگاری سرمایه‌داری مرزهای مشخصی وجود دارد که در هیچ نظام انقلابی نادیده‌گرفتنی نیست.

...ه دولت موقت در رابطه با زمین سکوت کرد!
...ود که اکثر درگیریهای گوشه و کنار جامعه‌مان
ریشه در مسئله ارضی داشت.

۴ـ بنیانگذاری ارتش مردمی...
...ی ارتشی که درآن جنگیدن بخاطر
...تاد و منافع مردم بر جنگیدن
...طر مزد و حرفه و امرار معاش بچربد.
... ویژگیهای اساسی ارتش مردمی به
...صار:
... اول: در ارتش مردم اطاعت کور
...نه و بدون چون و چرا وجود ندارد
... ایدئولوژی و خط مشی صحیح و
... مکفی سیاسی راهبر و راهنمای
...د آن است.
... دوم: ارتشی است ملی که در
...ت دفاع بوده، حامی مصالح تمام
... بر علیه تجاوز خارجی است. نه
...ه دست نشانده کشورهای بیگانه و
...یالیست باشد.
... سوم: در وحدت کامل با جامعه
...خصوص طبقات پائین جامعه‌است.
... چهارم: در مناسبات درونی
... نیز از یک روحیه وحدت‌گرا

مناسبات ارتشهای تحت فرماندهی پیامبر اسلام و علی علیه‌السلام با مردم معمولی و مناسبات درونی این ارتشها میتواند بخوبی سرمشق هر ارتش دیگری باشد. به گفته علی علیه‌السلام در فرمانش به مالک اشتر "به‌زیر دستان مهربان بوده بر زورمندان سختگیری و گردن فرازی نما"

پنجم: خدمت در ارتش مردم به هیچوجه اجباری و از روی اکراه نیست.

ششم: این ارتش به هیچوجه زیر نفوذ مستشاران نظامی (با آنهمه امتیازات چشمگیرشان) قرار نداشته و به هیچوجه مستشاران امپریالیست را بکار نمیگیرد.

هفتم: این ارتش نه تنها در هیچ جنگ ضد انقلابی (نظیر ظفار) شرکت نمیکند بلکه با آغوش باز بکمک جنبش‌های انقلابی (نظیر فلسطین)

۶ـ تامین کامل حقوق سیاسی و اجتماعی زنان.

۷ـ رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و تنوعات قومی و ملی وطنمان در کلیه استانهای کشور و تامین جمیع حقوق وآزادیهای فرهنگی و سیاسی برای آنها در چهار چوب وحدت و یکپارچگی تجزیه ناپذیر کل کشور...

بنظر ما نحوه برخورد با مساله "ملیتها" یکی از اصلی‌ترین معیارهای سنجش اصالت و مشروعیت انقلابی و مردمی و توحیدی یک حکومت است.

۸ـ ...اداره دانشگاهها و مدارس عالی تحت نظر شورای دانشگاه با مشاورت دانشجویان و کارمندان.

۹ـ لغو کلیه مقررات ضد کارگری و تدوین قانون جدید کار با نظر خود کارگران

ـ تامین‌مسکن برای کارگران

ـ لغو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات و بیمه و امثالهم از دستمزد کارگران.

ـ تامین هزینه‌های ضروری نظیر بیمه بازنشستگی توسط دولت از محل درآمد نفت

ـ اداره امور کارخانه توسط شورای کارکنان

ـ لغو کلیه مطالبات مالی رژیم پیشین وایادی آن از کارگران در کلیه زمینه‌ها.

ـ تهیه شیرخوارگاه و کودکستان برای کودکان کارگران.

ـ رسمی کردن کارگران پیمانی

ـ افزایش تصاعدی حق‌السهم کارگران از سود کارخانجات به‌نسبت افزایش کل سود.

۱۰ـ دهقانان محروم ایران نیز به هیچ مرجع دولتی نباید بدهکار باشند.

ـ عین زمین‌هائی که توسط رژیم سلطنتی از دهقانان غصب شده باید به آنها برگردانده شود و در صورت اشکال فنی معادل آن از املاک پهلوی به دهقانان مزبور داده شود.

ـ تامین وامهای بدون بهره کشاورزی برای دهقانان.

ـ هیچ پولی از دهقانان بابت مالیات زراعی نباید اخذ شود.

ـ ... تشکیل تعاونیهای خلقی و تقویت روحیه جمعی و شورائی در کشاورزان

ـ تامین مسکن برای روستانشینان

... بمنظور ممانعت هرچه بیشتر از مهاجرت به شهرها.

۱۱ـ قطع هرگونه تحمیل دولتی و شهرداریها به بازاریان و اصناف

ـ بدون تصویب شورای (واقعی) بازار و اتحادیه‌های صنفی هیچیک از اصناف و کسبه جزء را نباید وادار به پرداخت وجه یاانجام کاری بـر خلاف میلـشان نمود.

همانطور که در ابتدا نیزگفته‌شد برنامه‌فوق در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی در۲۷ اسفند ۵۷ بعنوان"برنامه حداقل و انتظارات مرحله‌ای‌مجاهدین خلق ازجمهوری اسلامی"ارائه‌گردید.

بر این مبنابرنامه کار دیگری در ۱۲ ماده تنظیم گردید که بر اساس‌آن برادر مجاهدمان مسعود رجوی وارد مبارزات‌انتخاباتی شد. برنامهٔ‌اخیر در مصاحبه مطبوعاتی کاندیدای مجاهدین خلق تشریح شد و رئوس‌آن از اینقرارند:

۱ ـ شوراهای مردمی.
۲ ـ وحدت ضدامپریالیستی‌تمام خلق.
۳ ـ استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت مردم.
۴ ـ آزادی کامل احزاب، عقاید مطبوعات.
۵ ـ حقوق ملیت‌ها.
۶ ـ ارتش بیست ملیونی خلق.
۷ ـ برابری زن و مرد.
۸ ـ مساوات اسلامی تشیع‌وتسنن
۹ ـ زمین برای دهقان، کار برای کارگر.
۱۰ ـ مسکن، بهداشت‌وتحصیلات برای همه.
۱۱ ـ مبارزه با هرج و مرج، تامین آسایش اجتماعی همه‌ی مردم.
۱۲ ـ حمایت از تمام جنبش‌های انقلابی ضداستبدادی، ضداستعماری و ضداستثماری خلقهای جهان...

بقیه از صفحه ۴

...حتی به کودکان سه چهار ساله‌شان
...ر مرگ بر شاه را یاد می‌دادند.

...۸ بهمن ۵۷: یک سرگرد نیروی
...ی آمریکا توسط گروهی از مردم
...ین بشدت مضروب میشود.
...۱۰ بهمن ۵۷: آمریکا از اتباع
...خواست که در صورت‌لزوم ایران
...ک کنند. این دستور پس از ترور
...مریکائی و کتک خوردن کنسول
... در ایران صادر شد.

طبق گزارش روزنامه‌ها، در همان روزها نظامیان و جاسوسان آمریکائی بیشرمانه مردم را بگلوله می‌بندند: "گروهی از جنگندگان (انقلاب)... در سر راه خود به زندان اوین، هتل هیلتون را محاصره کردند، اما هنوز چند دقیقه از محاصره هتل نگذشته بود که از طبقه ۱۵ هتل ناگهان بروی این گروه مسلح



متخصص‌مسائل امنیتی هستم. از این گروه تعدادی دستگاه فرستنده و گیرنده بی سیم بدست آمده است!" (کیهان ۲۴ بهمن ۵۷)

آری اینست عملکرد جهانخواران بیشرمی که حتی در لحظه شکوهمند خیزش مسلحانه خلق، اینچنین وقیحانه و آزادانه سینه جوانان انقلابی را بگلوله می‌بندند. مرگ بر امپریالیستها... ننگ‌بر هم‌پیمانانشان.

بی شک امروز نیز وحدت، یگانگی و استقلال ما در گرو مبارزهٔ یکپارچه و مستمر بر علیه این دشمن اصلی خلق است. تنها در پرتو این مبارزه است کـه فتـوت، مردانگـی و فداکـاری در پیکر واحد خلق جان میگیرد و شور بیمهتای نبرد ـ همچون گذشته ـ جانهامان را تازه میدارد...

زحمتکشان بازوی اصلی انقلاب

بقیه از صفحه ۴

بر مصر تحمیل کند، بلکه با بسازش کشیدن و بخیانت واداشتن سادات بود که توانست به هدفهای خود جامعهٔ عمل بپوشاند.

در کشور ما نیز اگر چه شیوه‌ها متناسب شرایط زمانی و مکانی متفاوت است، اما مضمون و هدف همیشه ودر همه جا یکی است.

آنچه در زیر میآید قسمتهائی از بیانیهٔ مجاهدین خلق ایران دربارهٔ رفراندوم قانون اساسی است که در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۷ (بتاریخ توجه کنید) یعنی زمانی که هنوز بیش از یکماه از پیروزی قیام بهمن نگذشته بود، خطرات احتمالی و نقشه‌هائی را! که امپریالیستها برای بانحراف کشاندن انقلاب تدارک دیده بودند افشا کرده است.

"... ابتدا با عَلَم کردن مسائل فرعی و حاشیه‌ای و دست گذاشتن بر نقاط اختلاف نیروهای مختلف، مبارزه را به کانالهای فرعی کشانده و از مسیر اصلی منحرف میکنند... آنگاه نیروهای مختلف را بجان هم انداخته و در این میان تا بتوانند با لکه‌دار کردن انقلابیون راستین، همان فرزندان سازش ناپذیر خلق، آنها را قلع و قمع میکنند... بهانهٔ این اقدامات نیز بطور جهانی از پیش استاندارد شده است و معمولا" زیر سرپوش "دفاع از دین و مذهب" یا "ترس از سلطهٔ کمونیسم و شوروی" یا "نگرانی از تجزیه‌طلبی" و.... امثالهم صورت میگیرد..."

یکبار دیگر این متن رابخوانید. بانگاهی به موضعگیری امپریالیستها و عوامل داخلی‌شان در طول یکسال گذشته، از یکطرف صحت بسیاری از آینده نگریها باثبات میرسد و از طرف دیگر پی خواهید برد که چه‌دستهائی در کار است تا در کردستان جنگ افروزی کند و خواسته عادلانهٔ مردم آن دیار را مارک تجزیه‌طلبی بزند. پی خواهید برد که منشاء اعلامیه‌های "گروه شمشیر وخون" که در آن مجاهدین را از ساواکیها بدتر میداند کجاست. پی خواهید برد که چماق بدستان باصطلاح حزب‌اللهی در خدمت چه کسانی هستند و تکثیر کنندگان اعلامیه‌های بی‌نام و نشان علیه برادرمان مسعود رجوی چه کسانی هستند.

و هم چنین متوجه خواهید شد که چرا کارتر حامی اسلام ضیاءالحق میشود و بایرانیان پند میدهد که دشمن اصلی شما شوروی است، نه آمریکا. با چنین تصویری از گذشته و با تجربه ای که از عملکرد یکساله در پیش روی داریم، چشم‌انداز و آینده انقلاب ایران چگونه است؟

چشم‌انداز آینده

بطور دراز مدت و استراتژیک از آنجا که اراده خدا و سنت خدشه نا- پذیر تکامل و هستی بر پیروزی مستضعفین است، چشم‌انداز کاملا امید بخش است و شکستهای مرحله‌ای نخواهند توانست در این روند فتور و سستی ایجاد کنند.

اما بلحاظ کوتاه مدت و تاکتیکی انقلاب ما ضربه پذیر خواهد بود، الا و مگراینکه مرحله‌دوم مبارزه علیه شیطان بزرگ و پادشاه واقعی ایران یعنی امپر- یالیسم امریکا بطور قاطع و پیگیر دنبال شود.

بدیهی است که نبرد با امپریا- لیسم، نبردی است سخت و طولانی که

کارنامه یکسالهٔ انقلاب

جمهوری و تاکنون در کادر همان برنامه حداقل بوده‌است.

طرح این برنامه در آن موقع مبنای بسیاری از مخالفتها و اتهامات نسبت بما شد. اما امروز صحت خود را در عمل نشان داده است.

****

این رابطه...

۳ـ احتراز از سرمایه‌گذاریهای کلان در صنایع فوق‌العاده پیچیده و پر هزینه به‌نفع رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی روستاها به منظور متعادل کردن بخش صنعتی و بخش کشاورزی با توجه به اولویت بخش کشاورزی...

در سال گذشته دولت موقت در را
و این در حالی بود که اکثر درگیریها
ریشه در مسئله ارض

رئوس برنامه مرحله‌ای و انتظارات حداقل مجاهدین خلق از جمهوری اسلامی

۱ـ خلع ید از سرمایه‌داری وابسته... بهاین منظور بایستی:

اولا: بساط چپاول کلیه بانکهای استعمارگر خارجی را برچید.

ثانیا: از آنجا که سرمایه‌داری وابسته به خارجی هزاران بار بیش از بهره‌وری قانونی مالکانه خود از این کشور و مردم آن بوده و تاراج کرده است، موسسات، کارخانجات و مزارع وابسته به آن را تماما به مالکیت عمومی مردم منتقل نمود و آنها را توسط شورای کارکنان اداره کرد...

۲ـ اعمال حق حاکمیت ملی بر جمیع منابع ملی و بویژه نفت و ابطال کلیه قراردادهای ننگین استعماری در

۴ـ بنیانگذاری ارتش مردمی... یعنی ارتشی که درآن جنگیدن بخاطر اعتقاد و منافع مردم بر جنگیدن بخاطر مزد و حرفه و امرار معاش بچربد. ویژگیهای اساسی ارتش مردمی به اختصار:

اول: در ارتش مردم اطاعت کور کورانه و بدون چون و چرا وجود ندارد بلکه ایدئولوژی و خط مشی صحیح و فهم مکفی سیاسی راهبر و راهنمای افراد آن است.

دوم: ارتشی است ملی که در خدمت دفاع بوده، حامی مصالح تمام ملت بر علیه تجاوز خارجی است. نه اینکه دست نشانده کشورهای بیگانه و امپریالیست باشد.

سوم: در وحدت کامل با جامعه و بخصوص طبقات پائین جامعه‌است.

چهارم: در مناسبات درونی خود نیز از یک روحیه وحدت‌گرا

نگاهی گذرا بر دلاوریهای خلق و...

مادران حتی به کودکان ...
شعار مرگ بر شاه را یاد ...

حرکات و عملیات قهرآمیزی که علیه امپریالیزم جهانخوار صورت میگیرد خود گواه بار شدید ضد امپریالیستی جنبش خلق‌است:

" ۲۸ مهر ۵۷ کارکنان وزارت دارائی، ضمن اعتصاب خود خواستار خروج کامل مستشاران خارجی و تحریم مبادلات بازرگانی ایران با اسرائیل و آفریقای جنوبی میشوند.

دوم آبان ۵۷ دو هزار کامیوندار ارسنجانی خواستار اخراج رانندگان خارجی میشوند.

۱۴ آبان ۵۷: کارکنان تامین اجتماعی، آمریکائیها (حدود ۴۰ نفر) را از محل کار خود بیرون میکنند.

۲۲ آبان ۵۷: کارکنان شرکت مخابرات تهران، کارمندان آمریکائی این شرکت را بیرون میکنند.

۳۰ آذر ۵۷: یک مستشار آمریکائی در جنوب کشور کشته میشود.

۴ دی ۵۷: کارگران شریف دخانیات با اعتراض به اینکه چرا سه چهارم سیگار مصرفی در ایران از آمریکا تامین میشود در حالی که توتون کاران ایرانی بیکار مانده‌اند، دست به اعتصاب میزنند.

۶ دی ۵۷ کارکنان هواپیمائی

۸ بهمن ۵۷: یک سرگرد نیروی هوایی آمریکا توسط گروهی از مردم خشمگین بشدت مضروب میشود.

۱۰ بهمن ۵۷: آمریکا از اتباع خود خواست که در صورت‌لزوم ایران را ترک کنند. این دستور پس از ترور سه آمریکائی و کتک خوردن کنسول آمریکا در ایران صادر شد.



ارابه انقلاب روی جاده‌ای که پیکرشهدا آ...
جلو میرود نه با"مذاکرات" ساز...

پاکسازی بنیادی و رادیکال جنبش از مرتجعین ، میوه چینان ، رفرمیستها و لیبرالهائی که در آخر کار و در آستانهٔ پیروزی بد انقلاب پیوسته بودند ؛ امکان پذیر نشد . و بعبارت دیگر صفوف عناصر سازشکاری که از انقلاب صرفا" رفتن شاه را در نظر داشتند ، با آنها که خواستارحاکمیت خلق ، استمرار مبارزه ضدامپریالیستی

استثمارگران،آنها که موحودیتشان در ارتزاق از ثمرهٔ جان دیگران بودد و بناحق "بالا" قرار گرفته‌اند بزیر کشیده شوند . و مستضعفین آنها که حیات از آنها سرچشمه میگیرد ، آنها که در انقلاب نیز بیش از همه سختی کشیده ، رنج برده و صدمه دیده‌اند موضع طبیعی "بالا" و برتر خود را بیابند .

انقلاب

د از پیروزی قیام خلق ، عناصر رتجع و سازشکار بر مراکز قدرت سیستم جدید مسلط شدند

در یکسال گذشته بجای وحدت شاهد رشد تضادها بوده‌ایم

و امحاء هرگونه رابطه استثمارگرانه بودند ، متمایز و مشخص نشد . همه انقلابی بودند و ماشاءالله ! !

بعد از پیروزی قیام خلق ، عناصر مرتجع و سازشکار بر مراکز قدرت سیستم جدید مسلط شدند .

در سمت راست این طیف کسانی بودند که امر انقلاب را خاتمه یافته تلقی میکردند . آنها میخواستند هرچه زودتر ارتش را سازمان داده ، دستگاه بوروکراسی را که بعلت اعتصابها فلج شده بود دوباره براه انداخته و . . . تا خلاصه "سرمایه‌ها بگردش افتد .

و در سمت چپ این طیف توده‌های میلیونی کارگر و دهقان با پیشاهنگ انقلابی‌شان بودند که ماهیتا" برداشت دیگری از انقلاب داشتند .

"انقلاب از دیدگاه این نیروها تحقق عینی این کلام علی است که

حتی‌یعود *اسفلکم اعلاکم* و *اعلاکم اسفلکم*

یعنی تا آنجا که ستمگران ،

چرا مشکلات اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، جامعه همچنان لاینحل باقی ماند .

اما یکسال گذشته چنین نشده ویا حداقل بسمت چنین هدفی نیز جهت گیری نشد . بعداز پیروزی انقلاب وعده وعیدهای بسیار داده شد و مردم محرومی که سالها در رنج و فشار زیسته بودند نیز چشم انتظار تحقق آنها بودند ، وعده آب و برق مجانی ، مسکن برای مستضعفین ، رسیدگی بوضع کشاورزی و . . .

اما هنوز چند روزی نگذشته بود که مقامات دولت موقت وعده‌ها را پس گرفتند و با انواع و اقسام استدلالات اقتصادی‌واجتماعی و روانشناسانه باین نتیجه رسیدند که مردم محروم ما شایستگی استفاده از آب و برق مجانی را ندارند !

در یکسال گذشته گودنشینان کماکان گودنشین بودند و در سراسر کشور میلیونها انسان از بی‌سرپناهی در حاشیه شهرها و درون زاغه‌ها و آلونک‌های چوبی و فلزی زمستان و تابستان را میگذراندند در حالیکه صد هزار خانه و آپارتمان که صاحبان بسیاری از آنها بخارج گریخته‌اند خالی مانده و بعداز آنهم که افرادی مانند آقای خسروشاهی و یاآقای حسن کروبی خواستند در این زمینه خدمتی انجام دهند وزیر مسکن و شهرسازی در مصاحبه‌ای در مرداد ۵۸ چنین پاسخشان را میدهد:

"مسئله ضبط خانه‌های خالی احتیاج به قانون دارد که باید لایحه آن تهیه و تدوین شود و به تصویب قوه مقننه برسد . باین ترتیب پیش بینی اینکه تا زمستان خانه‌های خالی به مستضعفین واگذارمی‌شود،درست در نخواهد آمد ."

در سال گذشته دولت موقت انقلابی ، در مورد زمین سکوت کرد و این درست در شرایطی بود که اکثر درگیریها در ترکمن صحرا و سایر نواحی روستائی ریشه در مسئله‌ارضی داشت . در مورد اقدامات اخیر آقای اصفهانی هم که شاهد انواع و اقسام کارشکنی‌ها هستیم .

در یکسال گذشته بیش از آنکه شاهد "وحدت" باشیم ، رشد "تضادها" و اختلافات را شاهد بوده‌ایم .

شور وشوق اولیه کاهش یافته است ، نگاهی به آمار شرکت کنندگان در هر رفراندوم گویای این مطلب‌است:

۲۰/۴میلیون ، ۱۵/۷۰میلیون ، ۱۳/۹۹ میلیون ! در کمتر از ۱۰ ماه ، ۷ میلیون نفر از شرکت‌در انتخابات و رای گیری کنار رفته‌اند . شاهد برادر کشی در مناطق گوناگون بوده‌ایم و . . .

چرا اینگونه شد ؟

آیا تصادفی است ؟ آیا نمیشد جلو اینهمه برادرکشی را گرفت ؟ نمیگوئیم اوضاع "عینا" مانندسابق است ولی این سئوال میماند که : آیا نمیتوانست وضعیت غیر از این باشد که هست ؟

جواب اینست که : بله ! میشدغیر از این باشد .

میشد جلو برادرکشی را درگنبد و کردستان و خوزستان و . . گرفت .

میشد بجای سیرنزولی ، شاهدسیر صعودی شرکت مردم در امور و کارها باشیم

میشد "وحدت" را استحکام بخشید و جدائی ها را کاهش دادمیشد گرانی و تورم سرسام آور را که‌توده‌های زحمتکش را به سختی میفشاردمهارکرد

میشد به صفهای طویل نانوائی‌ها تخم‌مرغ فروشیها و . . . خاتمه داد .

اگر بخواست عادلانه مردممان در کردستان در مورد حق تعیین سرنوشت بها داده میشد ، شاهد شرکت فعال مردم بودیم . اگر بنا بتوصیه پدر طالقانی ، آنها را از طریق شوراهائی واقعی در سرنوشت شان شرکت داده بودیم و . . . شاهد وحدت بودیم اگر احزاب و جریانهای انحصارطلب نمی‌خواستند با سوء استفاده از نام امام جز خودشان همه را زندیق و کافر و منافق بنامند و اگر خودشان را بر مقدرات مملکت تحمیل نمیکردند .

اوضاع غیر از این بود اگراداره هشتم ساواک با همان پرسنل بکار نمیافتادو اگر بسیاری از ساواکیهای سابق مجددا" بخدمت گرفته‌نمی‌شدند وضد اطلاعات در ارتش بازسازی نمیشد .

در تحلیل نهائی اوضاع غیر از این بود ، اگر و در صورتیکه گامهای بعد از پیروزی اولیه صحیح برداشته‌میشد .

بعداز خروش میلیونی خلق و بعد از قیام شکوهمند خلق در ۲۱ و۲۲ بهمن ۵۷ طبیعی و مسلم بود که توطئه‌ های امپریالیستی دیگر نمیتواند به صورت بازگرداندن شاه و استقرار رژیم سلطنتی باشد .

بلکه بعداز سقوط شاه دقیقا" از طریق همگامی و همنوائی ظاهری با نظام جدید و در واقع بمنظور منحرف کردن انقلاب متجلی میشد . بعبارت دیگر برای امپریالیزم مسئله مهم شکل و نام رژیم نبوده و نیست بلکه مهمترین هدف و بیشترین کوشش در این جهت بوده و هست که مانع تحول اساسی و بنیادی در جامعه شده و باعث حرکت بجانب سازش با امپریالیزم و تقویت عناصر و روابط سازشکار و غیر انقلابی شود .

کما اینکه بعنوان مثال تلاش امپریالیزم برای سلطه بر مصر این نبود که ملک فاروق یا ملک دیگری را

بقیه‌درصفحه۶

بقیه از صفحه ۳

ی آمریکائی ستی خلق بود.

۵۷ ، مردم مهاباد در مقابل توطئه رژیم که آنها را تجزیه طلب قلمداد میکند ، یکپارچه فریاد میزنند : " ما تجزیه طلب نیستیم " . در حمله مردم دلیر مهاباد به شهربانی این شهر

فرهنگ انقلاب همه‌جا رسوخ کرده است . توی خانه ، مادران حتی به کودکان سه‌چهار ساله شان شعار یاد میدهند . این زنان یک پای محکم انقلاب شده‌اند . از راهپیمائی‌های طولانی‌شان باکودک در بغل گرفته تا گلوله‌ها را استقبال کردن و تا کیسه شن به دوش کشیدن و سنگر سازی . در همه‌جا شرکت داشتند . روز ۲۱ بهمن ، باران سنگ این زنان از خم کوچه‌ها و بالای پشت بامها نیروهای وحشی گارد را گیج و مبهوت میکند . در متن انقلاب بسیاری از ارزشهای ارتجاعی در مورد زن تغییر میکند . زنان دیگر ملال آور کوچه‌ها یأس و هرزگی را جستجو میکردند اکنون عرصه را بر حاکمین شب تنگ کرده‌اند . پیرزنی میگوید : " پسرم خیلی عوض شده بود . . . هر روز فانوسقه‌ای می بست و زیرش را پر از اعلامیه و شیشه‌های بنزین میکرد ، سوار موتورش میشد و میرفت . هر روز که میرفت انگار روز وداع است . . . و بالاخره یکروز دیگر برنگشت . . . اینبار من به سراغش رفتم . . . توی بیمارستان با سینه‌اش پر از گلوله و موتورش تنها توی حیاط . . . مرکبی بدون سوار . . . "

مادر یک شهید می‌نویسد : "پسرم خواهران و بچهٔ من بخاطر یک اعلامیه به زندان نیفتند . سربازیش را توی مهاباد گذرانده بود میگفت : "مردم کردستان آه ندارند بخورند در عوض در پادگان آنها انواع سلاحهای مدرن وجود دارد . مردم کردستان در گرسنگی به سر میبرند در عوض با مالیات آنها ، جزیره کیش را به عیاشخانه دربار و سرمایه‌دارها تبدیل کرده‌اند . . . " شب ۲۱ بهمن تا صبح بخانه برنگشت . صبح که‌آمد خیلی بر افروخته بود . حمام رفت ، اصلاح کرد و لباس دامادیش را پوشید . آنروز را فراموش نمیکنم . . . همه‌اش توی اتاق قدم زد و فکر کرد . . . وقتی اعلام کردند که ساعت ۴/۵ حکومت نظامی است از خانه بیرون زد . . . آنروز میخواستند کلانتری ۱۴ را بگیرند . چندتن از چریکهای مجاهد او را به بالای پشت بام فروشگاه کوروش میدان خراسان میفرستند تا از آن بالا نظامیها را سرگرم کند . یک سه راهی میاندازد بین گاردیها و دو تا از آنها را هلاک میکند . وقتی سرش را بلند



بقیه از صفحه ۳

بالای خرده برژوازی متوسـط و در پایان چنین حرکتی بود که بامجموعه ای از بحرانهای سیاسی و اقتصادی روبرو شد.

کارگران دست از کار کشیده و در مقابل رژیم ایستادگی کردند زیرا دیگر نمیخواستند در فقر و گرسنگی بسربرند آنها در نابودی رژیم، پایان محرومیت خور را میدیدند. آنها چشم انتظار آینده‌ای بودند که بآنها تعلق دارد. آینده‌ای که بنابوعده الهی وارث‌زمین و بدست گیرنده سرنوشت خودباشند.

دهقانان در جنبش شرکت کردند زیرا در دوران شاه به فقر و فلاکت گرفتار شده بودند. گندم و برنج و مرکبات امریکائی و اسرائیلی‌باواسطگی مشتی انحصار گر بازارهای ایران را قبضه کرده و مزارع و باغات کشاورز ایرانی را بویرانه‌ای تبدیل نموده بودند. استثمار بانکهاتا اعماق روستا هم نفوذ کرده بود و روستائی را به ورشکستگی و کوچ به شهرها وامیداشت.

سرمایه داران وابسته به بهای فقر و گرسنگی، بیماری و غربت روستائیان بر سرمایه‌های خود و در تهران و خارج از کشور بر اندوخته‌های بانکی خود افزود. و مستغلات می‌خریدند.

بنا بر این انقلاب برای کشاورز نوید بخش این بود که دیگر بانکهااو را غارت نکنند، دیگر سلف‌خرها تولیدش را برایگان از چنگش در نیآورند و ژاندارم‌ها در قبال‌حرکتهای بحقش او را سرکوب نکنند.

خلاصه و در یک کلام: محصول زمین از آن خودش باشد و از طریق دولت نیز مورد حمایت قرار گیر د.

کسبه و پیشه‌وران جزٔ نیز در نظام دیکتاتوری درخطر ورشکستگی بودند، فشار اطاق اصناف و جریمه‌های سرسام آور همراه با هجوم سرمایه‌های بزرگ روز بروز عرصهٔ فعالیت و کار او را محدودومحدودترمی‌کرد.

بعبارت دیگر آنها خواهان نابودی رژیم شاهنشاهی بودند. زیرا صرفنظر از فشارهای اقتصادی هیچگونه شرکتی در حیات سیاسی جامعه نداشته و بر آنان ستم روا میشد.

سایر اقشار جامعه مانندکارمندان جزٔو صاحبان حرفه‌های آزاد نیز از ستم سیاسی و فرهنگی واز تبعیض، فشار زندگی، گرانی، کمبود مسکن. غارتگری بانکهاوغیره‌بتنگ آمده‌بودند.

عناصر آگاه و اندیشمند جامعه، روشنفکران، دانشجویان و دانش آموزان نیز با توجه به خصیصه آگاهی و آزادی خواهی در جهت استقلال و آزدای و کسب حقوق دمکراتیک فعالانه در خدمت انقلاب بودند.

پاکسازی بنیادی و رادیکال جنبش از مرتجعین، میود جینان، رفرمیستها و لیبرالهائی که در آخر کار و در آستانهٔ پیروزی بد انقلاب پیوسته بودند؛ امکان پذیر نشد. و بعبارت دیگر صفوف عناصر سازشکاری که از انقلاب صرفا" رفتن شاه را در نظر داشتند، با آنها که خواستارحاکمیت خلق، استمرار مبارزه ضدامپریالیستی

استثمارگران، آنها که موجودیتش ارتزاق از ثمرهٔ جان دیگران بناحق "بالا" قرار گرفته‌اند کشیده شوند. و مستضعفین آ حیات از آنها سرچشمه میگیرد که در انقلاب نیز بیش از همه کشیده، رنج برده و صدمه د موضع طبیعی "بالا" و برتر بیابند.

کارنامه یکسالهٔ انقلاب



بعداز پیروزی قیام خلق، عناص مرتجع وسازشکار برمراکزقدرت سیستم جدید مسلط شدند

دریکسال گذشته بجای وحدت شاهد رشد تضادها بوده‌ای

در یک کلام: با توجه به شرائط مساعد خارجی (سیاست جدید زمامداری کاخ سفید بعداز شکست مفتضحانه‌شان‌در ویتنام)، بلوغ و رشد تضادهای اجتماعی، همراه باقاطعیت انکار ناپذیر امام خمینی، مبتنی‌بر فرهنگ و ایدئولوژی انقلابی اسلام‌که درکوران ۷ سال مبارزه مسلحانه گداخته و آبدیده شد همه و همه دست بدست هم داده و بر سرعت شکل‌گیری تحولات بصورت دم‌افزا تاثیرگذاشت. سرعتی که هم دیکتاتوری و عوامل سرکوبگر ش (ارتش و ساواک و...) و هم اربابان امپریالیست شاه را مات و متحیر و غافلگیر کرد. و سرانجام‌بنیاد و ریشه دیکتاتوری ۲۵۰۰ ساله از این میهن کنده شد.

تضادها ومشکلات حل‌نا شده

هرچند که سرعت تحولات امر میمون و مبارکی بود ولی در بطن‌خود نطفهٔ بعضی تضادهای آینده را می‌بست. بدین معنی که تصفیه و امحاء هرگونه رابطه استثمارگرانه بودند، متمایز و مشخص نشد. همه انقلابی بودند و ماشاءالله!!

بعد از پیروزی قیام خلق، عناصر مرتجع و سازشکار بر مراکز قدرت سیستم جدید مسلط شدند.

در سمت راست این طیف کسانی بودند که امر انقلاب را خاتمه یافته تلقی میکردند. آنها میخواستند هرچه زودتر ارتش را سازمان داده، دستگاه بوروکراسی را که بعلت اعتصابها فلج شده بود دوباره براه انداخته و... تا خلاصه "سرمایه‌ها بگردش افتد.

و در سمت چپ این طیف توده‌های میلیونی کارگر و دهقان با پیشاهنگ انقلابی‌شان بودند که ماهیتا" برداشت دیگری از انقلاب داشتند.

"انقلاب از دیدگاه این نیروها تحقق عینی این کلام علی است که حتی‌یعود *اسفلکم اعلاکم* و *اعلاکم اسفلکم*

یعنی تا آنجا که ستمگران،

چرامشکلات اقتصادی اجتماعی، سیاسی، جا همچنان لا ینحل باقی ما

اما یکسال گذشته چنین نشد حداقل بسمت چنین هدفی نیز گیری نشد. بعداز پیروزی انقلاب وعیدهای بسیار داده شد و محرومی که سالها در رنج و فشار ز بودند نیز چشم انتظار تحقق بودند، وعده آب و برق مجانی، برای مستضعفین، رسیدگی ب کشاورزی و...

اما هنوز چند روزی نگذشته که مقامات دولت موقت وعده‌ها را گرفتند و با انواع و اقسام استدلا اقتصادی‌واجتماعی و روانشناسانه نتیجه رسیدند که مردم محروم شایستگی استفاده از آب و برق مج را ندارند!

در یکسال گذشته گودنشی

نگاهی گذرا بر دلاوریهای خلق و...

سنت انقلابی اعدام ژنرالهای آمریکائی الگوی حرکت های ضدامپریالیستی خلق بود.

تداوم انقلاب میترسند. ولی علیرغم خواست آنان عاقبت دستان منتظر مردمی که ماهها فریاد میزدند "وای به روزی که مسلح شویم" با قبضه تفنگ آشنا میشودو خو میگیرد. ارتش انقلاب ارادهٔ خودش را بر توطئه امپریالیست های جهانخوار و سازشکارانی که میخواهند همه‌چیز با خیر و خوشی تمام شده‌و قدرت به‌آرامی و "با سلام و صلوات!" به آنان منتقل گردد جدا ... کند. ارتش در هم میریزد و ...

طبق قرار قبلی با حمایت همه تعطیل شد." (از گزارش دانشجویان مبارز مسلمان دانشگاه تبریز ۷ اسفند ۵۶)

جائیکه صف متحد خلق علیرغم تمام اختلافات عقیدتی و ملی و... در مقابل دشمن مشترک می‌ستیزد جائی برای شعارهای تفرقه افکنانه باقی نمیماند. مردم ما در جریان انقلاب با شعارهائی چون "اتحاد اتحاد ضرورت انقلاب" و "تسنن تشیع پیوندتان مبارک" دهان نفاق افکنان

۵۷، مردم مهاباد در مقابل توطئه رژیم که آنها را تجزیه طلب قلمداد میکند، یکپارچه فریاد میزنند: "ما تجزیه طلب نیستیم". در حمله مردم دلیر مهاباد به شهربانی این شهر



بقیه از صفحه ۳

فرهنگ انقلاب همه‌جا ر کرده است. توی خانه، مادران حتی کودکان سه‌چهار ساله شان شعار میدهند. این زنان یک پای م انقلاب شده‌اند. از راهپیمائی طولانی‌شان باکودک در بغل گرفت گلوله‌ها را استقبال کردن و تا ک شن به دوش کشیدن و سنگر سازی همه‌جا شرکت داشتند. روز ۲۱ بهم باران سنگ این زنان از خم کوچه بالای پشت بامها نیروهای وحشی ک را گیج و مبهوت میکند. در انقلاب بسیاری از ارزشهای ارتجا در مورد زن تغییر میکند. زنان د

* سقوط رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی.

* شروع اعدامهای انقلابی، نظیر: اعدام نصیری، هویدا، سرهنگ زمانی، اعدام روحانی‌نمای مزدور غلامحسین دانشی.

* رفراندوم جمهوری اسلامی با شرکت بیش از ۲۰ میلیون نفر در سراسر کشور و پیروزی قاطع انتخابات

* تاسیس احزاب و سازمانهای گوناگون بعد از انقلاب نظیر حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، خلق مسلمان.

* گسترش کمیته‌ها در سطح شهر

* تاسیس سپاه‌پاسداران.

* تعطیل بسیاری از روزنامه‌ها بدستور آذری قمی دادستان دادگاه انقلاب در تهران.

* دیدار نماینده سلطان قابوس از ایران.

* عفوخوش‌کیش‌وشیخ‌الاسلام‌زاده

* تشکیل دادگاههای ویژه برای محاکمه روحانیون.

* عفو مهاجرانی روحانی‌نمای معروف.

* دستگیری سعادتی "مجاهد خلق" توسط کمیته مستقر در سفارت امریکا.

* اعلام غیرقانونی بودن کمیته مستقر در سفارت توسط مقامات کمیته مرکزی تهران.

* اعتصابها و تحصن‌های متناوب.

* تشکیل خبرگان بجای مجلس موٌسسان.

* جنگ در کردستان، خوزستان گنبد و...

* فاجعهٔ قارنا.

* فعال‌شدن‌چماق بدستان جدید (البته ازنوع باصطلاح حزب‌اللهیش).

* اشغال و حمله به مراکز سازمان های انقلابی، منجمله سازمان مجاهدین خلق ایران.

* ملاقات مقامات دولت موقت و منجمله آقای یزدی وزیر امورخارجه با برژینسکی مشاور امنیتی کارتر در الجزایر.

* بی‌نتیجه‌ماندن سرکوب نظامی کردستان و پیام تاریخی امام مبنی بر برسمیت شناختن ح[illegible]ق مردم کرد، ماموریت هیات ویژ[illegible]ای حل مسئله کردستان.

* اشغال لانه‌جاسوسی امریکا توسط دانشجویان مسلمان پیروخط‌امام

* استعفای بازرگان و سقوط دولت.

* افشاگریهای تلویزیونی دانش جویان خط‌امام.

* دستگیری عباس امیرانتظام، سخنگوی سابق دولت موقت و سفیر ایران در سوئد بدنبال افشاگری دانش جویان مستقر در سفارت باتهام جاسوسی وتماس با امریکا.

* دستگیری ایلیاوی معاون آذری قمی باتهام رشوه‌خواری چند میلیونی (البته بنا بادعای آذری قمی ایلیاوی مستخدم و مامور نمره‌دادن به مراجعین بوده!!)

* کاشف بعمل آمد که ایلیاوی مستخدم! دستور تعطیل مطبوعات را داده‌است.

* استعفای آذری قمی بعلت مریضی و مسافرت به عتبات عالیات.

* ساواکی از آب درآمدن معاون یکی از وزارتخانه‌ها.

* شهادت پدرطالقانی و بدنبال

در لانه جاسوسی.

* جبهه آزادیبخش عمان جزء دعوت شدگان به کنفرانس می‌باشد.

* اشغال هتلها توسط دانش جویان بدون خوابگاه.

* گسترش فعالیت حجت الاسلام حسن کروبی در جهت دادن خانه به مستضعفین.

* اعلام غیرقانونی‌بودن‌عملیات آقای حسن کروبی و خلع سلاح افراد وی توسط کمیته مرکزی.

* اشغال ساختمانهای خالی متعلق به سرمایه‌داران فراری توسط گود نشینان، واخراج آنها توسط ماموران کمتیه و...

* حمایت روستائیان از اقدامات رضا اصفهانی در مبارزه علیه فئودال‌ها.

* محاکمه سه تن از دانشجویان هوادار مجاهدین خلق در دادگاه انقلاب شیراز و صدورحکم اعدام برای دوتن از آنها

* دادگاههای انقلاب بمنظور رسیدگی به جرائم ضدانقلابی تاسیس شده و طبق قانون جرائم افرادعادی حتی جرائم جنائی بایستی در دادگاههای دادگستری صورت گیرد.

* اجرا نشدن حکم اعدام برادران عسگری در شیراز و انتقال به قم و اجرای حکم تیرباران در زندان قم

* تحویل ندادن شاه بایران توسط امریکا و رفتن وی به پاناما

* بلوکه کردن ذخائر ارزی ایران توسط امریکا

* قطع خرید نفت از ایران توسط آمریکا

* تهدید امریکا دائر بر مداخلهٔ نظامی برای آزادی گروگانهای سفارت.

* برقراری محدودیتهای گوناگون همراه با ضرب و جرح و قتل برای دانشجویان ایرانی که در آمریکا تحصیل میکنند.

* فرار ۶ تن از دیپلماتهای امریکائی از ایران از طریق سفارت کانادا

* اعلام دستگیری شاه درپاناما توسط وزارت امور خارجه ایران چند روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری

* عدم افشای لیست کامل ساواکی‌ها علیرغم درخواستهای‌مکرر

* عدم افشا و الغای تمامی قرار دادهای رژیم شاه با دول امپریالیستی

* رفراندوم قانون اساسی و شرکت ۱۵ میلیون ۷۵۸ هزار و ۹۵۶نفر

* شرکت ایران در کنفرانس امپریالیستی – ارتجاعی باصطلاح اسلامی که به سردمداری ضیاءالحق تشکیل شده بود

* انتخابات ریاست جمهوری

* شهادت عباس (ابوالفضل) عمّانی کارگر هوادار مجاهدین خلق بدست عوامل چماق داران در جریان فعالیت انتخاباتی بنفع کاندیداتوری مسعود رجوی

* کنار رفتن جلال فارسی کاندیدای حزب جمهوری اسلامی بعلت فاقد بودن شرط ایرانی الاصل بودن مبتنی بر قانون اساسی مصوب خبرگان

* حذف مسعود رجوی کاندیدای مجاهدین خلق برای ریاست جمهوری

* شرکت دریادار دکترسیداحمد مدنی در انتخابات

* حمایت حزب جمهوری اسلامی از یکی دیگر از کاندیداها

* مسعود رجوی کاندیدای مجاهدین خلق ؟؟

* در پی افشاگریهای دانشجویان پیرو خط امام میناچی دستگیر و سپس بوسیله آقای بنی صدر آزاد میشود.

آیا مشکلات، گرفتاریها و نارسائیهای یکسال گذشته طبیعی و جبری بوده است؟ بعبارت دیگر آیا هر انقلابی‌بعداز پیروزی اجباراً بایدوضعی مشابه ما داشته باشد؟

نگاهی گذرا بر دلاوریهای خلق و ...

مردم در جریان انقلا[ب]
مقابل عوامل نفاق اف[...]

ارتش ساعت ۴ بعد ازظهر توسط مردم به بیمارستان امام رضا (ع) انتقال می یابد. مردم کشته‌شدگان و مجروحان حادثه را بوی نشان می‌دهند. استوار در پاسخ این سوال که چرا به مردم تیراندازی کرده‌ای می‌گوید: "من مجبور بودم از دستور فرمانده‌ام فرمان برداری کنم. سپس وی را در حالیکه دست و پایش را بسته بودند به محوطه بیمارستان انداخته و بضرب چماق تکه تکه می‌کنند..." (آیندگان ۱۸/۱۰/۵۷). دو پاسبان، سه مامور آگاهی و دو دژبان نیز به همین بلا دچار می‌شوند.

توطئهٔ جدید آمریکا

خلق بر سر آنست که حسابش را برای همیشه با رژیم سرسپرده تصفیه کند. پتانسیل انقلابی توده جنبش را مستمرا بمواضع چپ‌تر و مترقی‌تر کشانده‌است. بسیاری از "رهبران" محافظه‌کار و سازشگر از صحنه بکنار رفته‌اند. جنبش می‌رود که در تداوم خودش بصورت مبارزه مسلحانه توده‌ای میدان رهبری را هرچه بیشتر بر سازش کاران تنگ کند و بر نیروهای انقلابی که توان ادامه چنین مبارزه‌ای را دارند میدان گشاید، و این بمثابه خطری بزرگ امپریالیسم را بوحشت‌میاندازد. سیاستمداران آمریکا، ژنرال هایزر را برای کنترل اوضاع به ایران می‌فرستند اکنون هایزر فرمانروای واقعی رژیم ایران است. مذاکرات پشت پرده بین "رهبران" سازشکار و فرماندهان رژیم در جریان است. هایزر دلال و برنده واقعی این معامله است. "رهبران" می خواهند خون مردم را حراج کنند. سرمایه‌داران آمریکائی نیز دست و دل بازند و سود خوبی به اینان می‌دهند! نتیجه مذاکرات و بررسیهای هایزر به اینجا می‌کشد که آمریکا با یک چرخش سریع دست از حمایت شاه برمی‌دارد. اگرچه که امپریالیستها در کنفرانس گوادولوپ به این نتیجه رسیده‌بودند که دیگر شاه قادر به ادامه حکومتش نخواهدبود و باید از ایران برود.

وزیر امورخارجه امریکا می‌گوید "کودتا درمان درد ایران نیست. شاه در آیندهٔ سیاسی ایران نقشی ندارد و باید خارج شود." (آیندگان ۲۳ بهمن ۵۷) ژنرالها هم به توصیه هایزر فکر کودتا را از سر بیرون می کنند و قول پشتیبانی از بختیار را می دهند. توطئه‌گران می‌خواهند با بیرون بردن شاه، عامل وحدت خلق و تداوم انقلاب را از بین ببرند. اما این بار نیز خلق جانفشان چون سدی بر سر راهشان قد می‌افرازد. مردم خشمگین فریاد می‌زنند: "ژنرال هایزر

و لیبرال[...]
که اساسا[...]
ندارند ه[...]
معیارها ف[...]
حاکمیت [...]
چنین ش[...]
خواهد آم[...]
وقتی[...]
دولت "انق[...]
مجاهدین [...]
نامیده ش[...]
شاهنشاهی [...]

از کشور ما [...]
خلاف "رهب[...]
بر سر یک مب[...]
همپالکی‌های [...]
یک چیز را [...]
کرده‌اند: ج[...]
انداز خلق ر[...]
بطن روابط [...]
زند و قالبها[...]
آقایان را د[...]
خودش را سر[...]
"رهبران" تح[...]
این که همین [...]
بود که آنان [...]
کشید و وقتی [...]
درجا می‌زدند[...]
بگوئیم بدنبا[...]
خودش سواریش[...]



آنطرف کشاند. آ[...]
از اینان پیش می[...]
حسابگریهای امپ[...]
می‌ریخت. و خوا[...]
کام آنان تلخ می[...]
این دیگر تقصیر[...]
و استثماری بالان[...]
چنین "عوام‌الناس[...]
کرده‌است که ق[...]
فرمایشی را نمی‌د[...]
"جنون‌آمیزشان!" [...]
آنکادر، آقایان را[...]
دیگر تقصیر خدا[...]
چنین عصیانگر و [...]
است!.

مرغ طوفان دی[...]
توده‌ها د[...]

بقیه از صفحه اول

تلخ داشت و بکبار دیگر ثابت شد که امکان ندارد با جاروجنجال و تبلیغات توخالی واقعیتهای سرسخت را نادیده گرفت. و خلاصه سالی که در خاتمه آن آغاز پایان عصر عوام‌فریبی فرا رسید. و مبارک باد. دو پیروزی و دو جشن بر ملت ما. جشن پیروزی بر طاغوت بزرگ و جشن شکست عوام فریبان‌ومرتجعان‌و سازشکاران. هرچند که این دومی تازه آغاز شده و طبعا راه بی‌دردسر و کم‌خطری هم نخواهد بود.

بی‌مناسبت نیست مقدمتا فهرست کوتاهی از بعضی تحولات یکسال گذشته را باهم مرورکنیم. البته تذکر این مطلب ضروری است که ما این فهرست را صرفا برمبنای تقدم و تاخر زمانی انتخاب نکرده‌ایم و فقط برای یادآوری بعضی نکات مهم می‌باشد.

مروری برمهم‌ترین‌وقایع انقلاب

* سقوط رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی.
* شروع اعدامهای انقلابی، نظیر: اعدام نصیری، هویدا، سرهنگ زمانی، اعدام روحانی‌نمای مزدور غلامحسین دانشی.
* رفراندوم جمهوری اسلامی با شرکت بیش از ۲۰ میلیون نفر در سراسر کشور و پیروزی قاطع انتخابات
* تاسیس احزاب و سازمانهای گوناگون بعد از انقلاب نظیر حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، خلق مسلمان.
* گسترش کمیته‌ها در سطح شهر
* تاسیس سپاه‌پاسداران.
* تعطیل بسیاری از روزنامه‌ها بدستور آذری قمی دادستان دادگاه انقلاب در تهران.

آن اوجگیری و طرح مسئله شوراها.

* اجرای ضربتی! طرح شوراها توسط دولت و عدم استقبال مردم از آن. شرکت حدود ۱۲٪ مردم در انتخابات شوراها.
* اعدام بخاطر فحشاء و مواد مخدر.
* شلاق‌زدن کاسبهای خرده‌پا بعلت گرانفروشی.
* دستگیری یکی از سران کمیته اصفهان در مرز در حال خروج میلیون ها ریال ارز و جواهرآلات.
* تشکیل کنفرانس سازمانها و جبهه‌های آزادیبخش در هتل قدس بدعوت و ابتکار دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی.
* جبهه آزادیبخش عمان جزء دعوت شدگان به کنفرانس می‌باشد.
* اشغال هتلها توسط دانش جویان بدون خوابگاه.
* گسترش فعالیت حجت الاسلام حسن کروبی در جهت دادن خانه به مستضعفین.
* اعلام غیرقانونی بودن عملیات آقای حسن کروبی و خلع سلاح افراد وی توسط کمیته مرکزی.
* اشغال ساختمانهای خالی متعلق به سرمایه‌داران فراری توسط گود نشینان، واخراج آنها توسط ماموران کمیته و ...
* حمایت روستائیان از اقدامات رضا اصفهانی در مبارزه علیه فئودالها.
* محاکمه سه تن از دانشجویان

* انجام انتخابات ریاست جمهوری، تعداد شرکت کنندگان ۱۴ میلیون و ۱۴۵ هزار .. از این تعداد ۱۴۹ نفر رای سفید یا بنفع کاندیدای حذف شده بود.
* مجموع ارای قابل شمارش ۱۳ میلیون و ۹۹۶ هزار
* نتیجهٔ انتخابات: ریاست جمهوری دکتر سید ابوالحسن بنی صدر با ۱۰/۷ میلیون رای
* دریاسالار دکتر مدنی ۲/۲ میلیون
* دکترحسن‌حبیبی‌با۶۷۴هزار...
* ....
* ....
* مسعود رجوی کاندیدای مجاهدین خلق ؟؟
* در پی افشاگریهای دانشجویان پیرو خط امام میناچی دستگیر و سپس بوسیله آقای بنی صدر آزاد میشود.

آیا مشکلات، گرفتاریها و نارسائیهای یکسال گذشته طبیعی و جبری بوده است؟ بعبارت دیگر آیا هر انقلابی‌بعداز پیروزی اجبارا بایدوضعی مشابه ما داشته باشد؟

کارنامه‌یکسالهٔ انقلاب

وقتی که امیرانتظام‌ها سخنگوی دولت انقلاب ! ! باشند طبیعی است که مجاهدین بایستی "منافق" و جاسوس نامیده شوند.

جواب اینست که:

البته‌بعداز هر انقلابی ،جامعه دچار عدم ثبات و ناهماهنگی‌هائی میشودواین توقع که یکشبه تمام‌مشکلات چندده‌ساله حل‌وفصل شودنیزنمیتواند منطقی و اصولی باشد.

اما صحبت بر سر سمت گیری و روند قضایا و میزان مشکلات و حرکت در خط اصولی در یکسال گذشته است. صحبت بر سر اینست که آیامیتوانستیم اکنون بعداز گذشت یکسال در موقعیتی غیر از این که هستیم باشیم‌یاخیر؟

وقتی که میوه چینان از راه‌رسیده بقدرت برسند، وقتی که سازشکاران و لیبرالها بخواهند امر "انقلاب" را که اساسا" و ماهیتا" بدان سنخیتی ندارند هدایت و رهبری کنند، وقتی معیارها فرو ریخته و تفکرات ارتجاعی حاکمیت پیدا کند، طبیعی است که‌در چنین شرائطی بر سر "انقلاب" آن خواهد آمد که‌آمدوميبينيم

وقتی که امیر انتظام سخنگوی دولت "انقلاب"! باشدطبیعی است که مجاهدین بایستی منافق! و جاسوس نامیده شوند، وقتی ژنرالهای ارتش شاهنشاهی تسبیح بدست و سجاده در بغل اسلام پناه شوند، طبیعی است که همافرانی که خواستار تحقق شوراها در ارتش اند ضدانقلاب خوانده شوند!!

و وقتی انحصار طلبی و ارتجاع ناب! خود را بجای "اسلام" راستین جامیزند طبیعی است که جنگ و برادر کشی را تحت عنوان جهاد به خورد جامعه بدهند. و اگر هم حرفی زدی و گفتی که مسئله ملیتها و منحصلا مسئله کردستان راه حل نظامی ندارد، منافق هستی و ...

چرا بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب، اختلاف ودرگیریها شروع شد؟

برای درک عمیقتر مسئله لازم است نگاهی کوتاه به علل و عوامل سقوط رژیم‌شاهنشاهی انداخته تا از آن طریق بدرک واقع گرایانه‌ای از نابسامانیهانائل آمده وسپس آن خط مشی و روش اصولی و انقلابی را که می‌بایست (ومی‌باید) در پیش گرفته میشد مشخص کنیم.

فشار دیکتاتوری چندین وچند ساله شاه همه اقشار و طبقات جامعه (ازرفرمیستهاولیبرالهای‌بیرون‌ازقدرت حاکم گرفته تا رادیکال‌ترین‌نیروها) را حول خواسته واحدی که در شعار "مرگ برشاه" متجلی میشد گردآورد (البته این شعار بر خلاف میل بسیاری از سازشکاران‌ودرجریان‌گسترش‌مبارزه‌مردم بر آنها تحمیل شده بود)

در این جنبش توده‌ای کلام مشترک همه مردم "مرگ بر شاه" بود مردم رژیم دیکتاتوری و وابسته شاه را عامل مستقیم داخلی فقر و فلاکت خود میدانستند. آنها دیده بودند که رژیم دیکتاتوری با زندان و شکنجه، با سرکوب و خفقان و با ارتشی که تا بن دندان به سلاحهای امریکائی و اسرائیلی مسلح‌بود و بالاخص با سازمان امنیتی که به مخوفترین وسائل شکنجه مجهز شده بود. همه صداهای مخالف را در گلو خفه میکند.

توده‌های محروم جامعه از یکطرف شاهد فقر روز افزون و خانه خرابی خود و در همان حال شاهد کاخهای سربفلک کشیده در شمال شهر بودند.

رژیم شاه آنچه توانست انجام داد از کشتار وحشیانه انقلابیون درکوچه‌ها و خیابانها و از پاره پاره کردن بدنهای آنها در شکنجه‌گاهها از فشار بر کارگران گرفته تا سرمایه داران خرده‌پا و حتی فشار بر اقشار

بقیه‌درصفحه

بقیه از صفحه

نگاهی‌گذرابردلاوریهای خلق و ...

مردم در جریان انقلاب چون پیکرهمبسته وواحدی بودند که در مقابل عوامل نفاق افکن وتوطئه‌گر شدیدا "مقاومت می‌کرد

شیراز، آب و برق منطقه‌ای کرمان، ۵ هزار کارگر معادن زغال سنگ دامغان، کارگران سیتروئن.

۲۴ مهر: اعتصاب ۲۷ هزار کارگر زن و مرد بخش دولتی و خصوصی در استان گیلان.

۲۶ مهر: اعتصاب کارگران آجرپزی‌تبریز، اعتصاب مجدد کارگران پالایشگاه آبادان و اهواز، کارخانه لوله و ماشین سازی ساوه، ۴۰ واحد وابسته به گروه صنعتی بهشهر.

۲۹ مهر: اعتصاب کارگران شرکت نفت لاوان، جهان چیت‌کرج، ماشین سازی اراک، کارگران‌ماهشهر

۲ آبان‌۵۷: اخراج کارگران اعتصابی دوشرکت پیمانکاری‌نفت (سدکووسدایران)

۲۲ آذر۵۷: بدلیل اعتصاب کارگران‌شریف نفت میزان استخراج نفت از ۶ میلیون بشکه به یک میلیون بشکه در روز رسید. رژیم کارگران زحمتکش را از خانه‌های سازمانیشان بیرون کرد.

۵ دی: بهمت نفتگران انقلابی صدورنفت بخارج کاملا" قطع شد.

۱۲ دیماه ۵۷: ۱۷ هزار کارگر معادن زغال سنگ کرمان بحمایت از اعتصاب فرهنگیان، دست از کارمیکشند.

اعتصاب طولانی زحمتکشان مطبوعات (ازآبان تادی)، علیرغم تمام دسیسه‌های رژیم، چهرهٔ‌اختناق دولت نظامی ازهاری را در جهان‌افشا می‌کند. اعتصابیون برای آنکه مردم را در جریان رویدادها قرار دهند دست به انتشار زیرزمینی یک بولتن خبری میزنند و مردم نیز با کمکهای مادی خود از یکطرف و تحریم خرید نشریاتی که قصد شکستن اعتصاب را دارند از طرف دیگر بیاری زحمتکشان مطبوعات می‌شتابند. انقلاب‌اینچنین دیوار ضخیم فاصله‌ها را شکسته و مردم را بهم نزدیک کرده است.

۳۰ دی‌۵۷: اتاق بازرگانی و صنایع اعلام میکند که ۳/۵ میلیون کارگر بدلیل اعتصاب بیکار مانده‌اند (تمام این آمار از "روز شمارانقلاب" آیندگان)

و این تنها گوشه‌ای از حرکات اعتراضی کارگران انقلابی‌است.

زحمتکشان شهر و روستا در اعتراضات خود خواستار تغییر بنیادی نهادهای اقتصادی ــ سیاسی جامعه هستند. آنان با درک پاک طبقاتی خود که زاده سالیـــان دراز استثمار و محرومیت است بخوبی میدانند که بدون چنین تغییراتی، آزادی و استقلال پایه و دوامی‌ندارد.

دهقانان دزفول در تظاهرات۲۳ دی خود شعار میدهند: "زمین مال دهقان است. نه ارباب و رعیتی نه شرکت کشت و صنعت". بسیاری از روستائیان، ازشعار فراتر رفته و در جهت تحقق خواستهٔ‌خود عملا" قدم برمیدارند، برای نمونه دهقانان یک روستا در آمل روز سوم بهمن۵۷ زمینهای خود را از چنگ اربابان در آورده و بین خودتقسیم می‌کنند. نظایر این حرکات در مناطق کردستان و ترکمن صحرا ــ که از سلطهٔ‌سالیان دراز فئودالیزم رنج میبرند ــ بطور خود جوش بوقوع می‌پیوندد که‌متاسفانه بدلیل عملکردهای ارتجاعی، جنگ ناخواسته و دردآوری را به خلق‌تحمیل می‌کند.

زحمتکشان ایران، بحق خواستار آن بودند که بطور فعال در ارگانهای سیاسی حکومت آینده، نقش‌انقلابی خود را ایفا کنند. برای نمونه‌کارگران انقلابی صنعت نفت که با اقدام



هرکوی و برزن سنگری

ارتش شاه الّحق که در سرکوب جنبش خلق مایه گذاشت و روی اربابانش را سفید کرد. از زمین وهوا انسانهای بیدفاع را بگلوله بست، مردم را زنده سوز کرد، مسجد و حرم و دانشگاه را بآتش کشید. با مسلسل های آمریکائی سینهٔ‌مردم را درید و با تانکهای انگلیسی از روی اجساد پاک شهدا رژه رفت. سران مزدور وسر سپرده‌اش‌قسم خوردند که بعداز شاه ایران را با خاک یکسان کنند و فرماند هانش با هر بوتهٔ‌خونی که بر سینهٔ خلق نشاندند ستاره‌ای و قپه‌ای بردوش خود بغارت بردند. مردم باینان گل هدیه می‌کردند و اینان در سینهٔ‌مردم بجای گل گلوله می‌کاشتند از ارتشی که علت وجودیش فقط سرکوبی خلقهای منطقه است جز این چه‌انتظاری می‌توان داشت؟ این ارتش سیستم و سازمانش، فرماندهی و روابطش، ایدئولوژی و حرکت سیاسیش، ابزار و سلاحش وحتی کفش و کلاهش آمریکائی است و کدام خلق است که از آمریکا و ارتش آمریکائی خاطره‌ای جزتوطئه کودتا و گلوله و ناپالم بیاد داشته باشد؟! البته مردم قهرمان ما خیلی زود باشیشه‌های آتشزا و بمب‌های دست ساخت، امنیت را از تانک نشینان و فرماندهان سرسپرده شان گرفتند. طوفان انتقام خلق خیلی زود یال و کوپال و شمشیر و حمایل پرزرق و برق این ارتش را بکناری زد و پیکر پوشالی و شکاف خورده‌اش را عیان ساخت. شکافی که از بافت طبقاتی و ارتجاعی این چنین ارتشی برمیخاست و دیگر با هیچ تهدید و تمهیدی‌قابل ترمیم نبود. کادرهای تحت ستم و پرسنل انقلابی‌ارتش از مدتها قبل به توده‌های زحمتکش این موطن اصلی‌شان پیوسته بودند. جنبش شکوهمند توده در تاریخ رنج‌آلودش پراست از حماسهٔ این فرزندان غیرتمند وطن که از ارتش ضدخلقی بریده و به لشگر توده‌ها پیوسته‌اند

۱۹ آذر ۵۷: سرباز وظیفه بنام محسن مباشر کاشانی استاندار همدان (خدایاری) را بگلوله‌می‌بندند و خود بشهادت میرسد.

۲۰ آذر۵۷ (عاشورا): سربازان پادگان باغشاه سر بشورش برمیدارند. صدای تیراندازی از پادگان بگوش میرسد. در همین روز سیصدسرباز از پادگان جی میگریزند و در پادگان لویزان یک سروان، یکستوان، دو گروهبان و سه سربازگارد به ناهار خوری پادگان حمله کرده و ۲۷ افسر بلندپایه و ۴۱ درجه دار و ۴سرباز رابقتل رسانده و ۶۰ تن دیگر را زخمی می‌کنند. گفته می‌شود عمل انقلابی این افراد برای جلوگیری از توطئه کشتار مردم در تظاهرات عاشورابوده

۲۸دی: ۲۳۰۰ نظامی در پایگاه هوایی تهران بازداشت می‌شوند.

۳۰ دی: همافران و درجه‌داران پایگاه نهم عباس‌آباد به پشتیبانی از پرسنل پایگاه شاهرخی و وحدتی به تظاهرات در محوطه پایگاه میپردازند.

۵ بهمن ۵۷: افسران و درجه داران و همافران نیروی هوائی در بوشهر دست به تظاهرات میزنند. در جریان تظاهرات ۸۰ تن از اینان دستگیر می‌شوند. در همین روز نزدیک ۵۰۰۰ تن از افسران و درجه‌داران پایگاه تدین شیراز (باخانواده‌هایشان) به پشتیبانی از قانون اساسی تظاهرات می‌کنند. آری ارتش شاهنشاهی شکاف برداشته است و از آن جز نامی پر طمطراق و فرماندهانی مزدور باقی نمانده‌است. همه میدانند که حالادیگر رژه کوماندوهای گارد شاهنشاهی‌لویزان در حضور عکاسان و خبرنگاران خارجی تاثیری ندارد. دنیا به این نمایش قدرت ارتش از هم پاشیده نیشخند میزند ــ اما افسوس که بیمن وجود "رهبران" سازشکار و در جهت طرح امپریالیسم آمریکا، پیکر متلاشی‌ارتش شاهنشاهی ــ که میشد از اجزاء آن در ساختمان یک ارتش مردمی‌استفاده کرد ــ دوباره‌ترمیم می‌شود و با همان ساخت و سازماندهی بر پا می‌ایستد. فرماندهان ارتش آب توبه بر سر میریزند و یکشبه ایمان می‌آورند. اما دم خروس "ارتش‌بانقلاب‌پیوسته"! وفرماندهان‌ایمان‌آورده ارتش" در تبریز نمایان می‌شود. نظامیان‌پادگان تبریز روزهای ۲۳ و ۲۴ بهمن بسختی خلق قهرمان تبریز را سرکوب می‌کنند. آتش نبرد هنوز در خطهٔ دلیرپرور آذربایجان گرم است. نظامیان تبریز از انتشارخبرکشتار مردم در بقیه جاها شدیدا" جلوگیری می‌کنند. اما بالاخره بپایمردی مردم، شهر از سلطهٔ‌ارتش وفادار رژیم آزاد می‌شود.

ستم چه‌زیبا و برازنده برامد و بربنیان ستم آتش زد. توصیف چنین روزهائی بس مشکل است. اگر ۲۱ بهمن را دیده‌ای پرتوی از قیامت را دیده‌ای، شعله‌ای ازحقیقت را دیده‌ای، شعله‌ای که جاودانه فروزان است و هر روز از حرارتش، آنکه در میدان کین است، گرما و توان میگیرد... توان میگیرد تا تفنگ شهیدان بخاک افتاده را برگیرد بوسه زند و بر هرچه تباهی و نابرابری و ستم است آتش افکند. هنوز طنین گرم و مضطرب گویندهٔ رادیو در گوشهایمان زنگ میزند: "این صدای انقلاب ایران‌است". "صدای انقلاب ایران"، در خطر تهاجم نیروهای گارد شاهنشاهی بود. گوینده، مضطرب و نگران از مجاهدین خلق و چریکهای فدائی خلق و سایر نیروهای رزمنده کمک می‌خواست. مجاهدین آنچه در بضاعت ناچیزشان بود همچون همیشه بپای خلق قهرمانشان ریختند، خلقی که خاطرهٔ جانفشانیهایش عرق شرم بر پیشانیمان می‌نشاند که خدایاتوان بیشترمان ده که در پای این خلق به بهائی ارزد.

صدای انقلاب ایران هنوز هم در خطر است. اینبار نه فقط از جانب گاردهای‌شاهنشاهی، بلکه از جانب نیروهائی که بنام انقلاب و اسلام‌وهر نام دیگری می‌خواهند خون هزاران شهید گمنام خلق را پایمال فرصت طلبی، سازشکاری و انحصار خواهی خودشان‌کنند وحتی از جانب مااگر لحظه‌ای ازتداوم مبارزه خلق‌غفلت کنیم. اگر لحظه‌ای از نثار ذره ذره امکانات و وجودمان در راه خلق کوتاهی کنیم. ضربهٔ ناپذیری صدای انقلاب ایران در گرومبارزه‌ای بی‌امان برای تحقق‌جامعه‌بی‌طبقه‌توحیدی است "جامعه‌ای آزاد، آگاه‌وبی‌طبقات (ازگل سرخ انقلاب مهدی‌رضائی) مبارزه‌ای که مقدمتا از کانال نفی امپریالیزم و عمال ارتجاعی و لیبرال وابسته‌اش میگذرد. خلق قهرمان مابخوبی‌نشان داده است که توان تداوم چنین مبارزه‌ای را دارد تا ما چه کنیم و به کجایش رسانیم، براستی جای شهدا خالی است همان ستمدیدگانی که فریاد گلوی پاره پاره‌اشان سربآسمان میسائید که: بعداز شاه نوبت‌آمریکاست و تا مرگ هر ستمگر نهضت ادامه‌دارد حتی اگر شب و روز بر ماگلوله بارد آری صدای انقلاب ایران را می‌خواهند در غوغای توطئه بخاک بسپارند. صدای انقلاب ایران ــ این فریاد خاموش ناشدنی خلق ــ کمک می‌طلبد بیاریش‌بشتابیم

کوبنــده باد فریــاد رهایــی خلــق

مرگ دیکتاتور

جو به جو
نهر به نهر
ده به ده
شهر به شهر
کوچه پس‌کوچه چراغان شده‌است
جاده‌ها گلباران
کودکان پاکوبان
دختران دست‌افشان
در زمستانی داغ
گل شیپوری آواز شکوفان شده‌است
شهر یکپارچه شور
شهر بازیچه آتش‌بازان
شهر دریاچهٔ نور
گونه‌سنگی (فردوسی) ازشدت شوق
اشکریزان شده‌است.

شورش شادیها
وحشت جاسوسان!
لانه موش‌گران!
بوسه ارزان شده‌است!
روز رقصیدن روحانی خندان‌شده‌است!
خلق بر سینهٔ دیوار زمان
با تفنگ غزل و موسیقی
تیرباران شده است!
شیشه پنجره را بازکنید
بشگنید اینهمه تنهائی را
و بریزید به شهر
و ببینید که طوفان شده‌است

ه ــ م رودسری

نگاهی گذرا بر دلاوریهای خلق وجنایات ضد خلق تا پیروزی قیام

بقیه از صفحه ۶

ارتقاء کیفی مرحله مبارزاتی خلق ماست:

۱۴ شهریور ۵۷: اعتصاب ۴هزار نفری کارگران فولاد اهواز به دلیل اعتراض به چپاول غارتگران.

۵ مهر: اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت خارک.

۱۶ مهر: آغاز اعتصاب کارگران راه‌آهن زاهدان.

۱۷ مهر: شروع اعتصاب کارگران ایرانیت شهر ری، گمرک جلفا، تراکتور سازی تبریز: ۸۰ واحد کارگری اصفهان ۴۰ هزار کارگر ذوب آهن اصفهان، ۶ هزار کارگر ذوب آهن بافق

۱۸ مهر: اعتصاب سه‌هزار کارگر گروه صنعتی بهشهر، دو هزار کارگر مس سرچشمه، ۲۵۰۰ کارگر ریسندگی و بافندگی ممتاز، سرم‌سازی حصارک

۲۰ مهر: اعتصاب کارگران کانادا، بنادر و کشتیرانی، کارخانه ایران کاوه.

۲۳ مهر: اعتصاب کارگران کارخانجات نساجی یزد، پالایشگاه شیراز، آب و برق منطقه‌ای کرمان، ۵ هزار کارگر معادن زغال سنگ دامغان، کارگران سیتروئن.

۲۴ مهر: اعتصاب ۲۷ هزار کارگر زن و مرد بخش دولتی و خصوصی در استان گیلان.

۲۶ مهر: اعتصاب کارگران آجرپزی‌تبریز، اعتصاب مجدد کارگران پالایشگاه آبادان و اهواز، کارخانه لوله و ماشین سازی ساوه، ۴۰ واحد وابسته به گروه صنعتی بهشهر.

۲۹ مهر: اعتصاب کارگران شرکت نفت لاوان، جهان چیت‌کرج، ماشین سازی اراک، کارگران‌ماهشهر

۲ آبان۵۷: اخراج کارگران اعتصابی دوشرکت پیمانکاری‌نفت (سدکووسدایران)

۲۲ آذر۵۷: بدلیل اعتصاب کارگران‌شرنف نفت میزان استخراج نفت از ۶ میلیون بشکه به یک میلیون بشکه در روز رسید. رژیم کارگران زحمتکش را از خانه‌های سازمانیشان بیرون کرد.

۵ دی: بهمت نفتگران انقلابی صدورنفت بخارج کاملا"قطع شد.

۱۲ دیماه ۵۷: ۱۷ هزار کارگر معادن زغال سنگ کرمان بحمایت از اعتصاب فرهنگیان، دست از کارمیکشند.

اعتصاب طولانی زحمتکشان مطبوعات (ازآبان تادی)، علیرغم تمام دسیسه‌های رژیم، چهرهٔ اختناق دولت نظامی ازهاری را در جهان‌افشا می‌کند. اعتصابیون برای آنکه مردم را در جریان رویدادها قرار دهند دست به انتشار زیرزمینی یک بولتن خبری میزنند و مردم نیز با کمکهای مادی خود از یکطرف و تحریم خرید نشریاتی که قصد شکستن اعتصاب را دارند از طرف دیگر بیاری زحمتکشان مطبوعات می‌شتابند. انقلاب‌اینچنین دیوار ضخیم فاصله‌ها را شکسته و مردم را بهم نزدیک کرده است.

۳۰ دی۵۷: اتاق بازرگانی و صنایع اعلام میکند که ۳/۵ میلیون کارگر بدلیل اعتصاب بیکار مانده‌اند (تمام این آمار از"روز شمارانقلاب" آیندگان)

و این تنها گوشه‌ای از حرکات اعتراضی کارگران انقلابی‌است.

زحمتکشان شهر و روستا در اعتراضات خود خواستار تغییر بنیادی

شجاعانه‌خود کمر رژیم را شکسته و پشت امپریالیزم جهانخوار را بلرزه انداخته‌اند، روز دهم بهمن ماه۵۷ اعلام می‌کنند که بایستی در شورای انقلاب‌اسلامی نماینده داشته باشند. این خواست برحق و طبیعی زحمتکشان است که بآنان امکان دهند تا حافظ و پاسدار انقلابی باشند که از رنج سالیانشان و از جوهر پاک وجودشان مایه گرفته است.

ارتشی بابافت وماهیت آمریکائی

است.

۲۷ آذر: ۱۵۰ تن از سربازان پادگان تبریز از تیراندازی بسوی مردم خودداری کرده و بآنان می‌پیوندند.

۲۱ دی ۵۷: یک همافر بسوی فرمانده هوانیروز کرمانشاه ومعاونش آتش میگشاید. در همین روز یک تانک ارتشی در مشهد از روی اتومبیلی با ۶ سرنشین عبور می‌کند.

۲۵ دی: ۲۸۰۰ همافر درپایگاه شاهرخی همدان دست بیک اعتصاب غذای سیاسی میزنند. بزودی تعداد اینان به ۶۰۰۰ تن میرسد.

۲۶ دی: در تظاهرات اهواز گروهی از ماموران شهربانی بمردم می‌پیوندند.



هرکوی و برزن سنگری

ارتش شاه الحق که در سرکوب جنبش خلق مایه گذاشت و روی اربابانش را سفید کرد. از زمین وهوا انسانهای بیدفاع را بگلوله بست، مردم را زنده سوز کرد، مسجد و حرم و دانشگاه را بآتش کشید. با مسلسل های آمریکائی سینهٔ مردم را درید و با تانکهای انگلیسی از روی اجساد پاک شهدا رژه رفت. سران مزدور وسر سپرده‌اش‌قسم خوردند که بعداز شاه ایران را با خاک یکسان کنند و فرماندهانش با هر بوتهٔ خونی که بر سینهٔ خلق نشاندند ستاره‌ای و قپه‌ای بردوش خود بغارت بردند. مردم باینان گل هدیه می‌کردند و اینان در سینهٔ مردم بجای گل گلوله می‌کاشتند از ارتشی که علت وجودیش فقط سرکوبی خلقهای منطقه است جز این چه‌انتظاری می‌توان داشت؟ این ارتش سیستم و سازمانش، فرماندهی و روابطش، ایدئولوژی و حرکت سیاسیش، ابزار و سلاحش وحتی کفش و کلاهش آمریکائی است و کدام خلق است که از آمریکا و ارتش آمریکائی خاطره‌ای جزتوطئه کودتا و گلوله و ناپالم بیاد داشته باشد؟! البته مردم قهرمان ما خیلی زود باشیشه‌های آتشزا و سمب‌های دست ساخت، امنیت را از تانک نشینان و فرماندهان سرسپرده شان گرفتند. طوفان انتقام خلق خیلی زود یال و کوپال و شمشیر و حمایل پرزرق و برق این ارتش را بکناری زد و پیکر پوشالی و شکاف خورده‌اش را عیان

۲۸دی: ۲۳۰۰ نظامی در پایگاه هوایی تهران بازداشت می‌شوند.

۳۰ دی: همافران و درجه‌داران پایگاه نهم عباس‌آباد به پشتیبانی از پرسنل پایگاه شاهرخی و وحدتی به تظاهرات در محوطه پایگاه میپردازند.

۵ بهمن ۵۷: افسران و درجه داران و همافران نیروی هوائی در بوشهر دست به تظاهرات میزنند. در جریان تظاهرات ۸۰ تن از اینان دستگیر می‌شوند. در همین روز نزدیک ۵۰۰۰ تن از افسران و درجه‌داران پایگاه تدین شیراز (باخانواده‌هایشان) به پشتیبانی از قانون اساسی تظاهرات می‌کنند. آری ارتش شاهنشاهی شکاف برداشته است و از آن جز نامی پر طمطراق و فرماندهانی مزدور باقی نمانده‌است. همه میدانند که حالادیگر رژه کوماندوهای گارد شاهنشاهی‌لویزان در حضور عکاسان و خبرنگاران خارجی تاثیری ندارد. دنیا به این نمایش قدرت ارتش از هم پاشیده نیشخند میزند- اما افسوس که بیمن وجود "رهبران" سازشکار و درجهت طرح امپریالیسم آمریکا، پیکر متلاشی‌ارتش شاهنشاهی - که میشد از اجزاء آن در ساختمان یک ارتش مردمی‌استفاده کرد- دوباره‌ترمیم می‌شود و با همان ساخت و سازماندهی بر پا می‌ایستد. فرماندهان ارتش آب توبه بر سر میریزند و یکشبه ایمان می‌آورند. اما دم خروس "ارتش‌بانقلاب‌پیوسته"! وفرماندهان‌ایمان آورده ارتش"در تبریز نمایان می‌شود. نظامیان‌پادگان

فریاد افشاگرانه نیروهای انقلابی، در توطئه تهمت و افترا، بجا نمیرسد. اینان را متهم می‌کنند ک قدرت یافتن مملکت مخالفند، انقلابند، وابسته بیگانه‌اند و. اما گذشت زمان حقایق را پس از دیگری روشن می‌کند. فرمانده کم و بیش افشاءمی‌شوندو ضرورت ار بیست میلیونی خلق در تداوم مبار ضدامپریالیستی برهمگان آشکارمیشو بی شک در آینده‌ای نه چندان مشت سازشکاران و توطئه چینان با خواهد شد و مردم در فردائی رو خادم و خائن را بهترخواهندشناخ آری فردا روشن است....

صدای انقلاب ایران درخطراست

براستی که ۲۱ بهمن ۵۷ تجلی قدرت خلق مسلح است، خداست.. روزی است که دست پرت خدا از آستین توده‌ای محروم و ت ستم چه‌زیبا و برازنده برآمد و بربن ستم آتش زد. توصیف چنین روزها بس مشکل است. اگر ۲۱ بهمن دیده‌ای پرتوی از قیامت را دیده‌ا شعله‌ای ازحقیقت را دیده‌ای، شعل که جاودانه فروزان است و هر روز حرارتش، آنکه در میدان کین اس گرما و توان میگیرد...توان میگیرد تفنگ شهیدان بخاک افتاده را برگ بوسه زند و بر هرچه تباهی و نابرا و ستم است آتش افکند. هنوز ط گرم و مضطرب گوینده رادیو گوشهایمان زنگ میزند: "این صد انقلاب ایران‌است". "صدای انقا ایران"، در خطر تهاجم نیروهای گ شاهنشاهی بود. گوینده، مضطر نگران از مجاهدین خلق و چریک فدائی خلق و سایر نیروهای رزه کمک می‌خواست. مجاهدین آنچه بضاعت ناچیزشان بود همچون هم بپای خلق قهرمانشان ریختند، خا که خاطرهٔ جانفشانیهایش عرق بر پیشانیمان می‌نشاند که خدایات بیشترمان ده که در پای این خلق بهائی ارزد.

صدای انقلاب ایران هنوز هم خطر است. اینبار نه فقط از جا گاردهای‌شاهنشاهی، بلکه از جا نیروهائی که بنام انقلاب و اسلام نام دیگری می‌خواهند خون هزار شهید گمنام خلق را پایمال فر طلبی، سازشکاری و انحصار خوا خودشان‌کنند وحتی از جانب ما لحظه‌ای ازتداوم مبارزه خلق‌غفا کنیم. اگر لحظه‌ای از نثار ذره امکانات و وجودمان در راه خ کوتاهی کنیم. ضربهٔ ناپذیری صد انقلاب ایران در گرومبارزه‌ای بی‌ا برای تحقق‌جامعه‌بی‌طبقه‌توحیدی ا "جامعه‌ای آزاد، آگاه‌وبی‌طبقات (از سرخ انقلاب مهدی‌رضائی) مبارزه‌ای مقدمتا از کانال نفی امپریالیزم عمال ارتجاعی و لیبرال وابسته میگذرد. خلق قهرمان مابخوبی‌نش داده است که توان تداوم چن مبارزه‌ای را دارد تا ما چه کنیم و کجایش رسانیم. براستی جای ش خالی است همان ستمدیدگانی فریاد گلوی پاره پاره‌اشان سرباس میسائید که: بعداز شاه نوبت‌آمریکا و تا مرگ هر ستمگر نهضت ادامه‌د

... (دانشگاه تهران) مأموریت داده شد که باهمکاری سه تن دیگر از اعضای این سازمان (دانشگاه تهران) بطورموقت سرپرستی و اداره دانشگاه را تا تعیین و استقرار وزیر علوم و همچنین تا تدوین مقررات استقلال دانشگاهها بعهده گیرد.

لازم بتوضیح است که این انتصابات بدون اطلاع و دخالت سازمان ملی دانشگاهیان ایران (دانشگاه تهران) صورت گرفته است واصولا این سازمان هیچگونه مسئولیت اجرائی نداشته ونخواهد داشت و سازمانی است مستقل که به هیچ حزب و گروهی بستگی ندارد.

منشورسازمان ملی دانشگاهیان ایران موضع این سازمان را در مورد استقلال نظام دانشگاهی و دمکراسی نظام دانشگاهی این چنین اعلام کرده است: سرنوشت نظام

دانشگاهی ایران باید به جامعهٔ دانشگاهی سپرده شود. نظام دانشگاهی ایران باید بر اساس استقلال اداری، علمی وفرهنگی سامان یابد... استقلال دانشگاهی یکی ازارکان اصلی شکوفائی هر جامعه است». «نظام دانشگاهی باید ... اساس دمکراسی بنیان گیرد ... کراسی باید در کلیه سطوح ... دانشگاهی تنها تعیین کنندهٔ ضوابط وروابط دانشگاهی باشد. کلیه مسئولان دانشگاهی باید به رای دانشگاهیان و ازمیان ایشان برگزیده شود.» از سوی دیگر سازمان ملی دانشگاهیان ایران (دانشگاه تهران) دربیانیه مورخ ۲۵ر۱۱ر۵۷ نظر خود را در بارهٔ چگونگی بازسازی نظام اداری ودولتی بدست مردم ودرخدمت مردم ازهم گسیختگی نظام اداری دوران پهلوی به‌یاری نیروهای ...

○ باید همچنان که عملا بادستگاه دیکتاتوری سیاسی می جنگیم، با دیکتاتور زدگی، باروحیه دیکتاتورمآب، با روشهای دیکتاتور پسند هم بجنگیم.

پرسش: بنظرشما از میان افراد یا دسته‌هایی که داوطلب تشکیل کابینه هستند و بعضی نام شماراهم درلیست خودذکر کرده‌اند کدام یك شانس موفقیت دارند، وآیا شما، شخصا، همکاری با چه نوع کابینه‌ای راصلاح می‌دانید؟

پاسخ: من معلم ساده‌ای بیش نیستم وبرای همکاری با هیچ کابینه‌ای شایستگی و آمادگی ندارم. ولی معتقدم که در وضع فعلی که گروههای سیاسی متعدد، صادقانه در کناریکدیگر مبارزه می‌کنند، فقط کابینه‌ای می‌تواند عملادرراه مصالح مردم گام بردارد که ازحمایت صمیمانه گروههای گوناگون بهره‌ور باشد و تردید نیست که شرط لازم تشکیل چنین کابینه‌ای ائتلاف گروهها وتشکیل یك جبهه همگانی یاملی است، با همه موانعی که دراین راه هست.

موانع اتحاد یاائتلاف

پرسش: چه موانعی؟

پاسخ: موانع فردی وجمعی فراوانی گروههای سیاسی ما راازائتلاف یااتحاد بازمی‌دارند.

و انسانیت را می‌زداید. ظلم هم ظالم وهم مظلوم را فاسد می‌کند. ظالم باظلم کردن، ومظلوم با ظلم پذیرفتن، ازانسانیت عاری میشود. ظالم برای ضبط دسترنج دیگران، دست به دزدی وکشتار می‌زند و خود را با آزمندی و فریبکاری می‌آلاید وخودبین ومتکبر وغافل می‌شود، ومظلوم برای حفظ برای حفظ خوددربرابرظالم، باچاپلوسی و دو روئی و حیله گری به ...

... بسازیم. همراهی وهمکاری پادزهر دیکتاتورزدگی است.

در وطن ما ــ چه در دوره فترت کنونی که هنوزحاکمیت ملی استوار نشده است وچه در دوره پس از آن که باید جامعه‌ای سعادت بخش پدید آید ــ بدون ائتلاف گروههای سیاسی چندان کاری از پیش نخواهدرفت. روشن است که معنی ائتلاف اتحادکامل نیست، ائتلاف گروههائی است که علیرغم اختلافات اصولی خود، درموردی معین مثلا برای برقرای نظامی نو، موقتاً با یکدیگر هماهنك می‌شوند. اگر مامردم درحد ائتلاف سیاسی، آزادمنشی به‌خرج ندهیم، درمقابل دشمنان ریشه‌دار خود، چگونه برآزادی دست خواهیم یافت و اگر دست یابیم ــ چگونه از آن پاسداری خواهیم کرد؟

این فرصت تاریخی رانبایدازدست داده. کمیته‌ها و شوراها را زنده نگهداریم ومسئولیتها رابه آنها واگذار کنیم تاراه بازگشت به‌دوران گذشته راببندیم، به پیراه‌ها نرویم زموجبات پیروزی پردوام انقلاب ...

سخنرانی محسن یلفانی دردبیرستان خوارزمی

عصردیروز محسن یلفانی، نمایشنامه نویس، دریك سخنرانی درمورد مسائل هنری شرکت کرد.

یلفانی به‌لزوم آزادی هنر اشاره کرد وتأکید داشت که این فقط توده‌های خلق هستند که معیار هنرمتعهد راتعیین می‌کنند نه هیچ دستورالعمل از سوی این یا آن دستگاه اداری. وی سخنرانی خود راباتاکید بر ... دواصل مهم: آزادی کامل هنرمند وتکیه برخواست توده‌های خلق پایان داد.

سخنرانی:

سخنرانی عباس سماکار، پیرامون مسائل حادجنبش، ساعت ۲ بعداز ظهر پنجشنبه ۱۰ اسفنددردانشسرای ...

شادباش

گروهی از دانشجویان آزادیخواه دیروز بدفتر روزنامه آمدند وشادمانی خودراازانتشار روزنامه‌ای آزاد بیان داشتند.

یاران دانشجو بخصوص پیگیری درحفظ شرائط دمکراتیك را خواستار بودند.

ما باتشکر ازاین یاران از همه همرزمان خود می‌خواهیم با گسترش همکاری خویش ما را در راه انتشار روزنامه‌ای پربار و حقیقت پژوه یاری دهند.

نمایشگاه:

مبارزات زنان ایران در چندده اخیراز تاریخ چهارشنبه ۱۲/۹ به مدت دوهفته ساعت ۲ تا ۶

اردوگاه ودونیرو، آنرا بسه نیروتقسیم کرده، صفوف خلق و ضدخلق را مخدوش می‌کند...

این تئوری باطرح «وحدت جهان دوم وسوم» بروی غارت و ... اما به مبارزه طبقاتی در میهن خود پشت نکرده‌اند جداست. که این جنبه قضیه‌باز ابهام آفرین است. بالاخره «سه‌جهان» ارتجاعی است یانه؟!

پیام جبهه آزادیبخش فلسطین

به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

جبهه آزادیبخش فلسطین بمناسبت هشتمین سالروز آغاز مبارزه مسلحانه درایران پیامی برای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فرستاد ودرآن ضمن اعلام همبستگی باسازمان چریکهای فدائی خلق ایران درسنگرمبارزه مشترك علیه امپریالیسم، صهیونیسم و مرتجعین داخلی اعلام کردند درراه عقب راندن ورهائی میهن اشغالی ازنوع صهیونیست‌های تجاوزگرتا به آخر به‌مبارزه ادامه خواهند داد.

درقسمتی از این پیام آمده است: رفقا! مادرهشتمین سال آغاز مبارزه مسلحانه درایران برپیوند خلق‌های ایران وعرب درنبرد مشترکمان علیه امپریالیسم و صهیونیسم ومرتجعین محلی، تاکید می‌کنیم. همچنین تاکید می‌کنیم که آزادی خلق‌های ایران وعرب جزازراه مبازه مسلحانه وجنك آزادیبخش توده‌ای امکان‌پذیر نیست».

جبهه آزادیبخش فلسطین در قسمت دیگری ازپیام خود ابراز داشته است: «بایسته خلق‌ماست که با مبارزه خود و با تقدیم خون بهترین فرزندان خود، طلوع نوینی رابرای خلق‌های منطقه به ارمغان آورند، طلوع سوسیالیسم را به پایان بهره‌کشی انسان از انسان را ودرهم کوبیده شدن زنجیرهای اسارت وستم خلق را»

نوید:

انقلاب ایران برسر دوراهی

هفته‌نامه نوید وابسته به حزب توده مسائل انقلاب ایران را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که سیرتکاملی جامعه بایددرجهت راه رشد غیرسرمایه‌داری باشد: «انقلاب ملی ودمکراتیك ایران برسریك دوراهی تاریخی ایستاده است. انتخاب هریك از این دوراه درچگونگی رشدآتی جامعه ما وسرنوشت یکایك افراد این سرزمین تاثیر همه‌جانبه و ...

داری است، مبارزه برای تعیین جهت رشد جامعه، محور تضادها وکشمکش‌های آشکاروپنهانی است که این روزها آثار و علائم آن درهمه‌جا مشهود است..

درجهان و زمانه ماعملا دو راه رشد بیشتروجود ندارد. هیچ کشوری درجهان وجود ندارد که بتواند ادعاکند راه سومی را می‌پیماید. یا باید درسیستم‌جها... سرمایه‌داری باقی ماند و بصورت ...

سخنی رفیقانه...

دراین صفحه ما بـه‌دانشگاه می‌رویم. دراین صفحه دانشگاه به«پیغام امروز»می‌آید. دراین صفحه ما به دیـدار احـزاب و گروههای سیاسی مـی‌رویم.در این صفحه‌ما احزاب‌وگروههای سیاسی‌را به‌روزنامه‌دعوت‌می‌کنیم. نظریاتشان را چاپ می‌کنیم. نقطه نظرهاشان‌را به‌نقدمی کشیم..:

ما اطمینان داریم که‌شما یاران دانشجو. شما مبارزان گروهها وسازمانهای سیاسی‌ما رایـاری خواهیدکرد. اخبار دانشگاهها را‌به‌ما خـواهیدداد. آخریـن اعلامیه‌ها تانرا برایمان‌خواهید فرستاد... هرروز دراین‌صفحه گفتگوی رفیقانه خود را ادامه خواهم داد. اطمینان‌داریم ... ایمان داریم ...

انتصابات مدیریت موقت دانشگاه تهران بی اطلاع سازمان ملی دانشگاهیان است

سازمان ملی دانشگاهیان، امروز، طی اطلاعیه‌یی‌که بطور ـ کامل نقل می‌شود اعلام کرد، انتخاب مدیریت دانشگاه تهران‌بی‌اطلاع این سازمان بوده است.

متن اطلاعیه:

درروز پنجشنبه سوم اسفند ازطرف جناب آقای نخست‌وزیر، یکی‌ازاعضای‌هیئت علمی‌دانشگاه تهران. عضوسازمان‌ملی‌دانشگاهیان ایران(دانشگاه تهران) ماموریت

آریانپور:

بدون ائتلاف گروههای سیاسی چندان کاری از پیش نخواهد رفت

نقش گروههای دینی در انقلاب کنونی

پرسش: در انقلاب کنونـی گروههای دینی‌چه مقامی‌دارند؟

پاسخ: مقام برجسته‌ای‌دارند و بهمین‌جهت توانسته‌اند محتوای سیاسی انقلاب جاری را درقالبی دینی‌بریزند. توفیق آنان معلول سه علت اصلی‌است: اولا درجامعه ماکه هنوز ساختـی نیمه فئودال دارد، مانند هـرجامعه فئودال دیگر، دین محور ایـدئولوژی اجتماعی‌است، وازاین روهرگونه جنبش‌اجتماعی ـ حتی‌اگردرجهت مخالف دین‌باشد ـ رنك دینی به خود می‌گیرد، همچنان‌که احتمالا محورایدئولوژی جامعه‌برده‌داری میتولوژی‌است، ومحورایدئولوژی جامعه سرمایـه داری، تجربه ـ گرایی‌است. ثانیاً در دودهه‌اخیر به سبب سختگیری هـای مهیب دیکتاتوری، مردم ایران نمی ـ توانستند درهیچگونه موضوعاتی دینی‌با آزادی نسبی‌سخن‌بگویند و سخنرانی‌بشنوند. ثالثا درسالهای اخیرقشر مبارز دستگاه دینی در پی آیت‌الله بـزرك، بـه شیوه دیرین‌تشیع، مـردانه دربرابـر بیداد مقاومت‌کردند.

بعضی به‌اعتبار زیادتی‌افراد خود وبعضی به‌اتکاء برخورداری از تشکل و انضباط بیشتر، خود راازائتلاف بی‌نیازمی‌شمارند. برخی به سبب‌آن‌که مرام خودرا خیـر مطلق، ومرامهای دیگران راشر محض می‌پندارند،وبرخی به‌بهانه آنکه باگروههای دیگر اختلاف اصولی دارند، ازهمکاری سیاسی طفره می‌روند.

پرسش: این موانع ازکجا ناشی شده‌اند؟

پاسخ: ازدیکتاتوری‌دیرینه. دیکتاتـوری چندان و چنان در تاروپود زندگی فردی وجمعی‌ما راه یافته است که متأسفانه عموم ما، حتی بسیاری ازما که درصف اول‌بادیکتاتوری‌سیاسی‌می‌جنگیم، خود دیکتاتوروار وازپس‌مقولاتی که دیکتاتوری کهن بما تحمیل کرده است، بفرد وجامعه وجهان می‌نگریم.

می‌دانیم که شالوده زندگی انسانی، همکاری است، و انعکاس ذهنی همکاری، محبت است. بنابـراین محبت ذات زنـدگی انسانی است. دیکتاتوری چون برظلم قائم است، محبت‌دامی کشد ناراستی می‌گراید و واخورده و زبون ودون همت می‌شود. ظالم و مظلوم، هیچیك از شخصیت سالم نصیبی نمی‌برند. شخصیت هردو آلوده و بیماراست.

انسانیت هـردوشکست بـرداشته است.

دراین‌صورت‌منطقاً باید انتظار داشت که در جامعه دیکتاتورزده ما گروه‌های سیاسی به‌یـکدیگر اعتمادنکنند. جـزم انـدیش و سختگیر باشند، از بلندنظری و آزادمنشی ومدارا برمند،نابخردانه به خود غره شوند، تکروی کنند وشکست‌های‌ناروا خورند.

راه ازمیان‌برداشتن‌عوارض دیکتاتوری

پرسش، از چه راه مـی‌شود عوارض‌فردی‌واجتماعی دیکتاتوری را از میان برداشت؟

پاسخ: ازراه‌تعلیم‌وتربیت، وبی‌تردید، تعلیم وتربیت‌سریع ومؤثر، تعلیم وتربیت عملی است، تعلیم‌وتربیت تجربی است، آنهم به‌صورت‌جمعی ودر دل جامعه. اگر می‌خواهیم‌از سموم انسان‌کش‌دیکتاتوری رهایی یابیم، باید همچنان‌کـه عملا با دستگاه دیکتاتوری سیاسی می ـ جنگیم، بادیکتاتورزدگی، بـا روحیه دیکتاتورمآب، باروشهای دیکتاتـورپسندهم عملا بجنگیم. باید عملا بلندنظری وآزادمنشی ومدارا را تمرین وتجربه کنیم. باید باتکاپوهای جمعی ـ بستگی های‌ملی‌وهمبستگی‌های بین‌المللی عملا خـود را بـرای آزادزیـ...

● فقط کابینه‌ای می تواند عملا در راه مصالح مردم گام بردارد که از حمایت صمیمانه گروههای گوناگون بهره‌ور باشد.

آشنائی باگروه‌ها و اندیشه‌ها

اتحادیه کمونیستها و تئوری سه جهان

چندی پیش شایع شده بود که‌بخش‌داخل«اتحادیه‌کمونیستهای ایران» بر سر تئوری «سه جهان» انشعاب‌کرده است. آخرین‌شماره «حقیقت دوره دوم» ارگـان «اتحادیه‌بخش داخل» ضمن‌رداین شایعه، مواضع سازمان را درقبال این‌تئوری، همان مصوبات‌آخرین شورای اتحادیه می‌داند.

بخش داخل اتحـادیه در «حقیقت» اشاره می‌کند که‌تحولات سریع‌جامعه دریکساله اخیرمانع از آن می‌شدکه ایـن سازمان در مورد مسائل خـارجی وتئوری «سه جهان» مقـالات کافی داشته باشد.

درآخرین شمـاره حقیقت درباره «سه جهـان» چنین می خوانیم:

«تئوری‌ایکه امروز بـه نام نام تئوری «سه‌جهان» درارزیابی از اوضاع جهـانی و خط مشی استراتژیك و تـاکتیکی جنبش بین‌المللی ارائـه شده است، تئوری‌است رویزیونیـتی‌که بـا زیرپا گذاردن موازین اسـاسی مارکسیـم ـ لنینیـم بمنـافع پرولتاریا پشت‌کرده وراه سازش وارتداد را به‌پیش می گذارد. این‌تئوری (که بطور سیستماتیزه درخبرنامه پکن‌شماره ۴۵ سال ۷۷ منعکس شده‌است) تضادهای اساسی جهان رانفی ووارونه کرده، وبه‌جای تقسیم‌طبقاتی جهان بهـ... چپاول امپریالیستهای‌اروپایی ودر کشورهای سه‌قاره سرپوش‌گذاشته وآنرا تأیید می‌نماید ... ایـن تئوری باقـرار دادن «سوسیـال امپریالیسم شوروی» بمثابه عامل اصلی جنگ افروزی وطرح‌حفظ تعادل زیر لـوای عقب انداختن جنك، به‌حفظ سلطه امپریالیسم امریکاکه‌آماج‌عمده‌مبارزه‌خلقهای ستمدیده جهان است یاری‌رسانده وپرولتاریا رادرمبارزه علیه‌جنك امپریالیستی خلع‌سلاح می‌نماید. این تئوری مزورانـه می‌کوشد خود را زیرلوای انـدیشه‌هـای مائوتسه‌دون پنهان‌کند و فرصت طلبانه برای اینکار به نقل قولی ازمائوتسه‌دون استناد می‌کند که‌از یکسو در نهایت به‌معـنای تقسیم بندی‌کشور های جهان از جهات مشخص از جمله میزان قـدرت سرمایه و فقروثروت و... بوده و ازسوی دیگر به‌هیچ رو به‌مثابـه خط‌مشی‌جنبش بین‌المللی کمونیستی طرح نگردیده است.

این تئوری با«مارکسیسم لنینیسم اندیشه‌مائوتسه‌دون» هیچ وجـه مشترکی نداشته ودرتضاد بـا آن می‌باشد...»

در پایان‌مقاله «حقیقت»اشاره می‌کند که‌حساب آنهایی که‌تئوری رویزیونیستی سه‌جهان را درعمل پذیرفته‌اند وبه‌منجلاب ارتجـاع افتاده‌اند، از آنهاکه این تئوری را در حد ... [illegible]

یه جنگلی ستاره داره جان جان
یه جنگلی ستاره داره
سراومد زمستون شکفته بهارون
گل سرخ خورشید باز اومد و شب شد گریزون
لبش خنده نور دلش شعله شور
صداش [illegible] آهوی جنگلی دور
توی کوهستون دلش بیداره
تفنگشو [illegible] داره میاره

سیاست آنان تفتیش عقاید، ایجاد اختناق، رودر رو قرار دادن دانش آموزان و بطور خلاصه اجرای نظم آریامهری است. نظمی که مردم ایران بر آن خط باطل کشیده و آن را واژگون کردند. مسئولین امور خواستهای واقعی دانش آموزان را ندایده می گیرند. و به جای حل مسائل هب سیاست «تهدید» و سرکوب دست می زنند، و معلمان و دانش آموزان انقلابی را به بهانه های گوناگون از مدارس اخراج می کنند. دانش آموزان خواستار بر پائی شوراهای واقعی در مدارس هستند. ولی سیاست آموزش و پروش نابودی شوراهای واقعی است. آنها تنها با تشکیل شوراهای فرمایشی موافقت می کنند. دانش آموزان خواستار تصفیه و برکناری بازماند گان رژیم سابق و عناصر ساواکی از آموزش و پرورش هستند. مقامات در این مورد خود را به کری زده و به جای آن معلمان مبارز و انقلابی را که سالها سابقه مبارزه با رژیم گذشته را دارند اخراج می کنند. دانش آموزان خواستار وجود جو دمکراتیک در مدارس و جلوگیری از تفتیش عقیده و متوقف شدن اخراج معلمان و دانش آموزان انقلابی هستند. دانش آموزان خواستار نابودی فرهنگ استعماری هستند. دانش ـــموزان می خواهند امکانات آموزشي به طور یکسان در همه مدارس تقسیم شود و... ولی مسئولین «حقی» برای دانش آموز و معلم قائل نیستند. همه این خواسته در جهت مبارزه ضد امپر یالیستی ـ دموکراتیک توده هاست. وزارت آموزش و پرورش بزرگترین مانع در راه تحقق این خواست هاست. و بدیهی است که دانش آموزان زیر بار تحمیل نمی روند. و برای تحقق خواستهای انقلابی خود به اشکال گوناگون مبارزه می کنند. مقامات آموزش و پرورش وقتی با اعتراض دانش آموزان روبرو می شوند و سیاست «نفاق افکنی» آنها شکست می خورد و «تهدید» و ارعاب به جایی نمی رسد، آنگاه به یکی دیگر از شیوه های مرسوم آریامهری متوسل مي شوند و آن تعطیل و انحلال مدارس، وثبت نام مجدد برای بر هم زدن اتحاد دانش آموزان و اخراج افراد مبارز است.

همه به یاد دارند که رژیم سابق این سیاست را در مورد دانشگاهها به کارمی برد. مقامات رژیم سابق نیز بارها دانشگاهها را تعطیل کردن و باها ثبت نام مجدد بعمل آوردند. و دانش جویان انقلابی را که به نظر آنها اخلالگر بودند اخراج کردند. و همه ما هم نتیجه اش را دیدیم. آقای رجائی آزموده ها را دوباره می آزماید. این سیاست ورشکسته است. و نتیجه ای جز رسوایی برا عاملین آن به بار نخواهد آورد.

آفتابکاران جنگل

سر اومد زمستون شکفته بهارون
گل [illegible] خورشید باز اومد و شب شد گریزون
[illegible] لاله‌ها بیدارن
تو کوها دارن [illegible] آفتابو میکارن
توی کوهستون [illegible] بیداره
تفنگ و گل و [illegible] داره میاره
[illegible] جان جان
[illegible] جان

سر اومد زمستون شکفته بهارون
گل سرخ خورشید باز اومد و شب شد گریزون
لبش خنده نور دلش شعله شور
صداش چشمه و یادش آهوی جنگلی دور
توی کوهستون دلش بیداره

وزارت آموزش وپرورش دستور انحلال دو دبیرستان تهران بنام‌های شهید سالاری و دبیرستان شریعتی (شاهدخت سابق) را صادر کرد.

دانش‌آموزان این مدارس بطور متشکل و یکپارچه در برابر این اقدام خلاف وغیرمسئولانه‌ایستادگی می‌کنند.

دانش‌آموزان دبیرستانهای شهید سالاری و شریعتی با انتشار بیانیه هایی بداین‌عدل اعتراض کرده وآن راه‌شابه اعمال رژیم گذشته‌می‌دانند.

هدف گردانندگان از انحلال دبیرستانهای مزبور، ثبت نام مجدد و اخراج دانش‌آموزان فعال است.

دانش‌آموزان این توطئه را با حرکت انقلابی ومتحد خود افشا کرده‌اند وهمچنان به‌تلاش ومبارزه ادامه می‌دهند.

تعطیل و انحلال مدارس سیاست جدید وزارت آموزش و پرورش

در مقالهٔ «نظم انقلابی آری — نظم آریامهری نه» در نبرد دانش آموز شمارهٔ های قبل نوشتیم که بازماندگان رژیم سابق وعناصر مرتجع مدارس را به هرج ومرج می کشند. نوشتیم که مسئولین امور تربیتی در ایجاد آشوب در محیط های آموزشی نقش اصلی را به عهده دارند، و وزارت آموزش و پرورش با روشی سازمانی یافته این سیاست را پیش می برد. سیاست آنان تفتیش عقاید، ایجاد اختناق، رودررو قرار دادن دانش آموزان وبطور خلاصه اجرای نظم آریامهری است. نظمی که مردم ایران برآن خط باطل کشیده وآن را واژگون کردند. مسئولین امور خواستهای واقعی دانش آموزان را نادیده می گیرند. وبه جای حل مسائل هب سیاست «تهدید» و سرکوب دست می زنند، ومعلمان ودانش آموزان انقلابی را به بهانه های گوناگون از مدارس اخراج می کنند. دانش آموزان خواستار برپائی شوراهای واقعی درمدارس هستند. ولی سیاست آموزش وپروش نابودی شوراهای واقعی است. آنها تنها با تشکیل شوراهای فرمایشی موافقت می کنند. دانش آموزان خواستار تصفیه وبرکناری بازماندگان رژیم سابق وعناصر ساواکی از آموزش وپرورش هستند. مقامات در این مورد خود را به کری زده وبه جای آن معلمان مبارز وانقلابی را که سالها سابقه مبارزه با رژیم گذشته را دارند اخراج می کنند. دانش آموزان خواستار وجود جو دمکراتیک در مدارس وجلوگیری از تفتیش عقیده و متوقف

خدمت سرمایه‌داران قرار دهند. رویزیونیستها یا تجدیدنظرطلبان درست مانند موریانه می‌خواهند بنای مارکسیسم را ذره ذره بجوند و آن را از درون پوك و بی‌معنی و جدا از جوهر کارگری خود، کنند. معمولا آنها کار خود را با شعار «خلاقیت آزاد» و «آزاداندیشی» و این سری عبارات زیبا ولی بی‌معنی شروع می‌کنند و به این بهانه اصول را زیرپا می‌گذارند. مثلا آنها می‌گویند «فلسفه علمی معتقد است تا زمانیکه جامعه طبقاتی وجود دارد، جنگ بین طبقات مختلف به اشکال گوناگون ناگزیر است. ولی این حرف مال سالها پیش است. شاید این جمله در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم صادق باشد ولی امروزه نه. امروز اگر بخواهیم آزاداندیشانه قضاوت کنیم باید بگوئیم بین کارگران و سرمایه‌داران نه تنها جنگ طبقاتی وجود ندارد بلکه آنها بنوعی سازش و تفاهم رسیده‌اند. آنچه که مارکس گفته است، برای امروز بی‌اعتبار است».

رویزیونیستها حرفهای خود را کارگران انقلاب کند. اگربخواهیم رویزیونیسم را دریك‌عبارت خلاصه کنیم اینست که آنها دشمنان قسم‌خورده اصول فلسفه علمی هستند.

ما در این مقاله به مثال‌های تاریخی رویزیونیسم نمی‌پردازیم و تنها طرزکار آنها را نشان می‌دهیم.

★★★

در شماره قبل از یك رهنمود بزرگ لنین صحبت کردیم. این رهنمود بما سرسختی در اصول همراه با نرمش تاکتیکی و عملی یاد می‌داد.

در همان شماره از دگماتیستها به عنوان افرادی که نرمش عملی و تاکتیکی ندارند اسم بردیم ولی تنها دگماتیستها نیستند که این رهنمود را نادیده می‌انگارند. رویزیونیستها به شکلی دیگر رفتار می‌کنند. آنها می‌گویند «این رهنمود بما نرمش عملی و تاکتیکی را می‌آموزد. پس باید نرم ومنعطف بود». ولی ببینیم این نرمش و انعطاف آنها تا کجا پیش می‌رود. آنها با سوءاستفاده از این رهنمود، به بهانه انعطاف و نرمش، اصول را فراموش می‌کنند. اگردگماتیستها

۱۰ سال از تولد «کمون پاریس» میگذرد. در سال ۱۸۷۱ طبقه کارگر موفق شد قدرت را بدست گیرد وپرچم خونین پرولتاریا را به اهتزاز درآورد. پیروزی کارگران مدت زیادی دوام نیاورد، «کمون پاریس» شکست خورد اما راه کمون ادامه یافت وبا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷، شکوفه‌های خونین آن به میوه نشست.

ما در شماره‌های بعد درباره اهمیت این رویداد بزرگ تاریخی سخن خواهیم گفت

«سرود انترناسیونال»

برخیز ای داغ لعنت خورده
دنیای فقر و بندگی
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند
وانگه نوین جهانی سازیم
هیچ بودگان هر چیز گردند
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها
برما نبخشد فتح و شادی
با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی‌امان
تا ظلم را از عالم براندازیم نعمت خود آریم بدست
دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتیکه آهن گرم است
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها
تنها ما توده جهانی اردوی بیشمار کار
داریم حقوق جهانبانی نه که خونخوران غدار
غرد وقتی رعد مرگ آور بر رهزنان و دژخیمان



آتیش‌بازی، منم بازی!!

تلفن به جهنم

بقیه ازصفحه ٤

صدای نازک: قربان دهنتان، قربان توصیه‌تان. آقایی کردید. تا ملت بیاید واین یکی را هم لوبدهد کلی کار انجام گرفته.

نصیری: لوبدهند. ازآنها اصرار ازشما انکار. اگرهم کاربالا گرفت بروید شکایت کنید که به شما توهین شده.

صدای نازک: کاش آنجا بودم وسرتان را می‌بوسیدم. سر نیست. جواهر است. شما نابغه‌اید. الان میفرستم دنبال «فردوست»...

نصیری: ساواک را که راه انداختید، مرا هم درجریان کارها بگذارید.

صدای نازک: حتماً، حتماً فعلاً قربان شما.

«آقارضا مچ گیر» بعدازنقل این ماجرا گفت:

پس ازاین مکالمه قطع شد ودیگر صدایی نیامد. به خودم گفتم، آقا رضا حقاً که خوب خبری گیرت آمد. حیف که موقعی که آن (صدای نازک) خودش را معرفی می کرد اسمش را نفهمیدی. ولی حتماً معلوم میشود. حتماً معلوم میشود.

کار تشکیلاتی — کار آموزشی (۱۳)

مار، بدون ستون فقرات

در جنگهای قدیم ، در زمانی که فتح یك قلعه به‌معنی شکست دشمن بود معمولا دو روش بکار می‌رفت. یکی آنکه قلعه را ازبیرون محاصره کرده و شب وروز بـه طرف آن تیراندازی می‌کردند . ایـن روش جنگی مردانه و شرافتمندانه تلقـی می‌شد ولی روش دیگری نیز بکار می‌رفت و آن این بود که عناصری را در درون قلعه پیدا می‌کردند که در موقعیتی مناسب به یـارانشان خیانت کرده و دروازه‌های قلعه را بسوی آنها بگشایند . ایـن روش دوم یعنی فتح قلعه از درون ، خیلی زود سرنوشت نبرد را معلوم می‌کرد و بسیار ساده‌تر از روش اول بود. همیـن مثـال گـویـای وضعیت رویزیونیستها است.

آنها کسانی هستند که می‌کوشند قلعه ایدئولوژی طبقه کارگـر را از درون متلاشی کرده و آنرا در خدمت سرمایه‌داران قرار دهنـد . رویزیونیستها یا تجدیدنظرطلبـان درست مانند موریانه مـی‌خواهنـد بنای مارکسیسم را ذره ذره بجوند و آن را از درون پوك و بی‌معنـی و جدا از جوهر کارگری خـود ، کنند . معمولا آنها کار خـود را بـا شعار « خـلاقیت آزاد » و « آزاداندیشی » و این سری عبارات زیبا ولی بی‌معنی شروع می‌کنند و به این بهانه اصول را زیرپا مـی‌گذارند . مثلا آنها می‌گویند «فلسفه علمی معتقد است تا زمانیکه جامعه طبقاتی وجود دارد ، جنگ بیـن طبقات مختلف به اشکال گوناگون ناگزیر است . ولی این حرف مال سالها پیش است . شاید این جمله در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن

در زیر پرچم فلسفه علمی می‌زنند. آنهامی‌گویند «باید جامعه سرمایـه‌داری زیر و رو شود ولی متاسفانه نیروی اصلی انقلاب سوسیـالیستی دیگر کارگران نیستند . کارگران کشورهای سرمایـه‌داری پیشرفتـه فاسد شده‌اند و اکنون باید بدنبال نیروی دیگری برای انقلاب‌گشت. این نیرو جوانان است» . آنها طبقه وهومی بهاسم جوانان را جایگزین طبقه کارگر می‌کنند و زیـرکانه فراموش می‌کنند که یك جـوان می‌تواند از طبقه کارگر و یـا سرمایه‌دار باشد و بصرف جـوان بودنش نمی‌توان استدلال کرد که او انقلابی است و می‌تواند بجـای کارگران انقلاب کند. اگربخواهیم رویزیونیسم را دریك‌عبارت خلاصه کنیم اینست که آنها دشمنان قسم‌خورده اصول فلسفه علمی هستند .

ما در این مقاله به مثال‌هـای تاریخی رویزیونیسم نمی‌پردازیم و تنها طرزکار آنها را نشان می‌دهیم.

★★★

در شماره قبل از یـك رهنمود بزرگ لنین صحبت کردیم . ایـن رهنمود بـا سرسختی در اصـول همراه با نرمش تاکتیکی و عملـی یاد می‌داد .

در همان شماره از دگماتیستها به عنوان افرادی که نرمش عملـی و تاکتیکی ندارند اسم بردیم ولـی تنها دگماتیستها نیستند کـه این رهنمود را نادیده می‌انگـارند . رویزیونیستها به شکلی دیگر رفتار

نرمش ندارند و از اینرو به گزاز شبیه‌اند، رویزیونیستها اصـول را نابود می‌کنند . آنها به مار لغزنده و پرپیچ وتابی شبیه‌اند که ستـون فقرات ندارند .

آنها هرجا که قدرت باشد بسوی آن روانه می‌شوند . خـواه ایـن قدرت از آن بورژوازی باشد، خواه از آن خرده بورژوازی ، برایشان فرقی نمی‌کند . آنها خواهان سهیم شدن در حکومتند و چه بـاك از اینکه در این رهگذر اصول نابود شود. صف مستقل طبقه کارگر برای همه با یك اصل است ، ولی برای

رویزیونیستها نه ! آنها نـه تنهـا تلاشی برای تشکیل چنین صفـی بعمل نمی‌آورند بلکه عملا سعـی می‌کنند تا طبقة کارگر را در مفهوم «مردم» جا دهند.

سالها پیش استالین به‌طرفداران فلسفه علمی توصیه کرده بود کـه آنها باید بند ناف مارکسیستی داشته باشند . یعنی از یك منبع وسرچشمه، از یك سری اصول تغذیه کـرده و حرکت کنند . اکنون بار دیگـر وقتی که این اصطلاح استالین را می‌خوانیم به درستی پی می‌بریم که رویزیونیستها این بندناف را ندارند و بهمین خاطر هرروز به این یا آن تئوری غیرمارکسیستی چنگ مـی‌زنند و می‌خواهند بداین یا به آن بهانهٔ طبقهٔکارگر را به‌سرمایه‌داران تسلیم کنند.

★★★

رویزیونیسم می‌تواند به اشکال چپ یا راست خود را نشان دهد و در هردوصورت آن، چه باسرخ‌ترین و ماجراجویانه‌ترین شعارها و چـه با تسلیم‌طلبی آشکار و علنـی در برابر سرمایه‌داران ، مـی‌توانـد ضربات مهلکی برجنبش کارگـری وارد سازد . می‌باید در برابر هردو شکل آن مسلح بود و خطر هردورا بخوبی شناخت.

در جریان کار آموزشی می‌باید اصول فلسفه علمی را فراگـرفت و برای دفاع ازاین اصول باتجدیدنظر طلبان جنگید . این گفته پـاولف دانشمند بزرگ‌را باید همیشه بخاطر سپرد: موفقیت من تنها در سایه سه چیز بوده است. اول اصول ، دوم اصول، سوم بازهم اصول!

کمون پاریس

۲۸ اسفند (۱۸ مارس)

۱۰ سال از تـولـد «کـمـون پاریـس» میـگـذرد. در سال ۱۸۷۱ طبقـه کـارگـر موفق شد قـدرت را بـدست گـیـرد و پرچم خـونـین پرولتاریا را به اهتزاز درآورد. پیروزی کارگران مدت زیـادی دوام نیـاورد، «کـمون پاریس» شکـست خـورد اما راه کمون ادامه یافت وبا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷، شکوفه‌های خونین آن به میوه نشست.

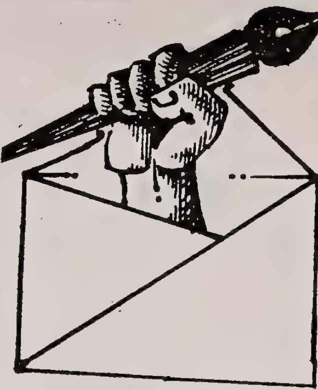
مـا در شماره‌های بعد درباره اهمیت این رویداد بزرگ تاریخی سخن خواهیم گفت




شوریده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند
وانگه نوین جهانی سازیم
هیچ بودگان هر چیز گردند
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها
برما نبخشد فتح و شادی
با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی‌امان
تا ظلم را از عالم بروبیم نعمت خود آریم بدست
دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتیکه آهن گرم است
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها
تنها ما تودهٔ جهانی اردوی بیشمار کار

«سرود انترناسیونال»

نامه‌هایتان رسید



* از اسلام‌آباد غرب:
دبیرستان خواجه نصیرالدین طوسی ــ بیژن. ك و ع. ح ، از دبیرستان دکتر علی شریعتی ــ ن. ك و م ، دبیرستان دکتر محمد مصدق ــ فریده تقی‌زاده

* ازکرند غرب:
مدرسه راهنمائی اشرف دهقانی ــ ش. کارگر

* از لاهیجان:
دبیرستان مهرگان ــ محمد پیروز ، دبیرستان بزرگمهر ــ فاطمه امینی، آبشارقصاب‌محله ــ قربانعلی سلیمانی ، مدرسه ماندانا ــ مرضیه پورسلیمی ــ روستای لسکوکلایه ــ ك. م. ك

* از تبریز:
مدرسه راهنمائی پناهی ــ ع. ی. ب. ی ، دبیرستان دهقان ــ ح. ع ، هنرستان برق و الکترونیك ــ ا. م. ی ، خیابان خمینی ــ ع. ی

* از مشهد:
مدرسه‌خیام ــ هما. م ، دبیرستان دانش وهنر ــ ج. ی ، عباس. ا ، کوهسنگی ــ آزاده شیرازی

* از شهرکرد :
ده هفشجان : بهرام سبزی‌پور ، حسین فتحی ، ف . دهکردی ، د... ستان نوربخش ــ فاطمه. ی

* از صومعه‌سرا :
یکی از بخش‌ها ، کاظم. ش ، دبیرستان شهرام طلوعی ــ حسینعلی داوطلب ، دبیرستان عارف ــ دانش آموز کلاس دوم نظری

* از سراب :
دانش‌آموزان پیشگام دبیرستان متحدین ، یك دانش‌آموز دبیرستان امام‌خمینی ، یك سرباز ــ ك. ا. طنین

* از لنگرود :
سوم راهنمائی . م . ر ، دبیرستان بامداد ــ امیرکمالی مقدم، دبیرستان محمد مصدق ــ عباس ، لات‌محله ــ غلامعلی. ش ، دبیرستان خدمات ــ م. ت ، ده گالشکلام ــ منیژه. ع

* از ساری :
دو دانش‌آموز مدرسه راهنمائی مفتاحی ، دبیرستان مشعل آزادی ــ ف. ع ، یك دانش‌آموز مدرسه مهدی رضائی

* از آغاجاری :
فرزانه. خ ، دبیرستان دکتر شریعتی ــ مسعود تنگسیری ، میانکوه ــ ع. م ، دانش‌آموز سوم راهنمائی

* از رضوانشهر:
مدرسه هفده شهریور ــ م. ش ، دانش‌آموز یکی از دهات ــ م. چ، دبیرستان بدیع‌زادگان ــ س. گ، ده دیناچال ــ مدرسه راهنمائی دانشیان ــ فرامرز خوشحال ، دبیرستان بدیع‌زادگان ــ س. گ

* از قزوین :
دبیرستان محمد بخارائی ــ محمود رهنما، دانش‌آموزان پیشگام مدرسه صدیقه رضائی ، مدرسه راهنمائی نوروزیان ــ علائی ، ده ارداق ــ ع. د ، دبیرستان خدمات ع. ص

* از زابل :
عده‌ای از دانش‌آموزان مدرسه راهنمائی پروین اعتصامی و حلیمه اسلامی

* از بروجرد :
دبیرستان نصیرالدین طوسی ــ عباس. ه ، ناهید. ا ، چالاپخولان ــ دبیرستان دکتر شریعتی ــ نصرت‌اله یاراحمدی

دبیرستان خمینی ــ ص. ر ، روستای کلاگر ــ دبیرستان صدیقه رضائی ــ م. ح

* از آمل :
م. س. ۴۱۲ ، مدرسه راهنمائی طالب آملی ــ محمدرضا. ی

* از قم :
دبیرستان پروین اعتصامی ــ ن. غ ، دبیرستان آذرمیدخت ــ فریبا شریفی

* از سمنان :
دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان مهرگان، یك دانش‌آموز از خیابان امام خمینی

* از شاهرود :
دبیرستان صدیقه رضائی ــ نسرین. م ، دبیرستان دکتر علی شریعتی ــ ع. ی

* از درگز :
دبیرستان دخترانه پروین ــ کلاس چهارم اقتصاد ، مدرسه راهنمائی فریدون ــ ف. رحیمی

* از بندر ترکمن :
دبیرستان مختومعلی فراغی ــ حاج‌محمد. ر ، مدرسه راهنمائی روستای سلخ‌ستار دهقان ــ ك. شهید

* از رامهرمز:
دبیرستان پروین اعتصامی ــ ش. د ، مدرسه راهنمائی امیرکبیر ــ یداله. ر

* از اندیمشك :
دبیرستان محبوبه متحدین : ف. م و م. گ ، دبیرستان مولوی ــ مراد. ب

* از چالوس :
بهروز رضوی ، دبیرستان سینا ــ ن. ن

* از زنجان :
مدرسه بینش ــ سوسن. ع ، دبیرستان دکتر علی شریعتی ــ م. ف ، پرویز

● از سنندج : محله گردی‌گرول. صفری

● از سرپل ذهاب : یك دیپلمه بیکار

گزارش فروش نبرد دانش آموز

«خودم نبرد دانش آموز می خرم و به بچه ها می فروشم»

حدود یک ماه پیش سر و کله یکی از بچه ها جلو مدرسه ما پیدا شد، دستش پر از روزنامه نبرد دانش آموز بود، من با خوشحالی رفتم یک روزنامه خریدم و بچه ها را تشویق کردم که روزنامه بخرند. مدیر مدرسه با پرخاش و گستاخی بطرف او آمد و به او گفت حق نداری اینجا روزنامه بفروشی ولی آن دختر دانش آموز بی اعتنا به کار خود ادامه داد.

روز بعد مدیر با عصبانیت سرصف گفت کسی حق ندارد از این دختر روزنامه بخرد، هفته بعد باز هم او را با دستهای پر از نبرد دانش آموز جلو مدرسه دیدم، یکدفعه مدیر و ناظم و مستخدم مدرسه آمدند و با خشونت او را «دوره کردند» و ما را سر کلاس فرستادند، هفته بعد از او خبری نشد، من ناراحت شدم. قدم می زدم و فکر می کردم، بالاخره تصمیم خودم را گرفتم، زنگ که خورد به طرف دانشگاه تهران راه افتادم. تعدادی نبرد دانش آموز خریدم و به مدرسه آوردم و به بچه ها فروختم.

برای فروش، تبلیغ کردم

یک روز داشتم نبرد دانش آموز می فروختم، یک دانش آموز می خواست «عکس برگردان» بخرد گفتم دوست عزیز چرا پولت را دور می ریزی، گفت: پس می گویی چکار کنم؟ گفتم پولت را بده چیزی بخر که از آن استفاده بیشتری ببری. گفت: چی بخرم. گفتم: این نبرد دانش آموز را بخوان دردها و مشکلات ما را نوشته و ما را آگاه می کند. او ۵ ریال داد و یک نبرد دانش آموز خرید، حالا هرهفته سراغ من می آید و از من روزنامه می خرد...

از درود ــ داود

رفقا و دوستان عزیز

نامه‌ها، خبرها و گزارش های خود را برای نبرد دانش آموز بفرستید.

آدرس ما: تهران (منطقهٔ ۱۴ پستی) خیابان انقلاب ــ خیابان ۱۶ آذر
سازمان دانشجویان پیشگام ــ بخش دانش آموزی

فراموش نکنید!
نام مدرسه، روستا یا شهر خود را حتما بنویسید. تاریخ وقوع خبر و فرستادن نامه را از یاد نبرید تمیز و خوانا و روی یک طرف کاغذ بنویسید.



مراسم پرشور دانش آموزان پیشگام بخاطر بزرگداشت سه دانش آموز شهید

روز چهارشنبه ۲۲ اسفند دانش آموزان پیشگام به یاد سه دانش آموز شهید پیشگام (بهروز آخوندی، محمود جنتی وداود امیراحمدی) که در شهرهای گنبد، بروجرد وتبریز به شهادت رسیدند، مراسم پرشوری بر پا کردند.

در این مراسم خانم مستوره احمدزاده و لطف اله پژمان سخنرانی کردند که با استقبال وسیع هزاران دانش آموز شرکت کننده روبروشد.

از طرف دانش آموزان پیشگام مدارس مختلف تهران پیام های پرشوری به این مراسم فرستاده شد. از جمله، دانش آموزان پیشگام مدارس آزادگان، آذرمیدخت. کیانفر خزانه، عاصمی، خاوران، الهام، انوری، ارم، به‌آذین، ابوذر غفاری، آذر شماره ۳، مرجان ودانش آموزان پیشگام میدان خراسان وبسیم نجف‌آباد.



نامه‌هایتان رسید

* از اسلام‌آباد غرب:
دبیرستان خواجه نصیرالدین طوسی — بیژن. ك و ع. ح ، از دبیرستان دکتر علی شریعتی — ن. ك و م ، دبیرستان دکتر محمد مصدق — فریده تقی‌زاده
* ازکرند غرب:
مدرسه راهنمائی اشرف دهقانی— ش. کارگر
* از لاهیجان:
دبیرستان مهرگان — محمد پیروز ، دبیرستان بزرگمهر— فاطمه امینی، آبشارقصاب‌محله— قربانعلی سلیمانی ، مدرسه ماندانا — مرضیه پورسلیمی — روستای لسکوکلایه — ك. م. ك
* از ساری :
دو دانش‌آموز مدرسه راهنمائی مفتاحی ، دبیرستان مشعل آزادی— ف. ع ، یك دانش‌آموز مدرسه مهدی
* از بابل
دبیرستان خمینی — ص. ر ، روستای کلاگر — دبیرستان صدیقه رضائی — م. ح
* از آمل :
م. س. ٤١٢ ، مدرسه راهنمائی طالب آملی — محمدرضا. ی
* از قم :
دبیرستان پروین اعتصامی — ن. غ ، دبیرستان آذرمیدخت — فریبا شریفی
* از سمنان :
دانش‌آموزان مسلمان دبیرستان مهرگان، یك دانش‌آموز از خیابان امام خمینی
* از شاهرود :
دبیرستان صدیقه رضائی — نسرین. م ، دبیرستان دکتر علی

گزارش فروش نبرد دانش آموز

«خودم نبرد دانش آموز می خرم و به بچه ها می فروشم»

حدود یک ماه پیش سر و کله یکی از بچه‌ها جلو مدرسه ما پیدا شد، دستش پر از روزنامه نبرد دانش آموز بود، من با خوشحالی رفتم یک روزنامه خریدم و بچه‌ها را تشویق کردم که روزنامه بخرند. مدیر مدرسه با پرخاش و گستاخی بطرف او آمد و به او گفت حق نداری اینجا روزنامه بفروشی ولی آن دختر دانش آموز بی اعتنا به کار خود ادامه داد.

روز بعد مدیر با عصبانیت سرصف گفت کسی حق ندارد از این دختر روزنامه بخرد، هفته بعد باز هم او را با دستهای پر از نبرد دانش آموز جلو مدرسه دیدم، یکدفعه مدیر و ناظم و مستخدم مدرسه آمدند و با خشونت او را «دوره کردند» و ما را سرکلاس فرستادند، هفته بعد از او خبری نشد، من ناراحت شدم. قدم می زدم و فکر می کردم، بالاخره تصمیم خودم را گرفتم،

افریقا، در امریکا و در خاورمیانه، در خاك به خون آغشته کشورهای سوسیالیستی ، همه جا .

خلقهای ستم‌دیده جهان هم‌چنان پیکار می‌کنند . و هرروز سنگرهای دیگری را فتح می‌کنند. امپریالیسم و سگهای زنجیریش درسراسرجهان سراسیمه عقب می‌نشینند . زمین زیر پای ستمگران به‌لرزه درآمده است . و دنیای ترك‌خورده کهن در حال زوال و نابودی است . سرود آزادی و استقلال ، سرود برابری انسانها و سرود حکومت جهانی کارگران و زحمتکشان ازچهارسوی گیتی شنیده می‌شود .

در میهن‌های آزاد شده برویرانه های دنیای کهن ، تلاش انسانها برای ساختمان جامعه‌ای نوین و فارغ ازستم ادامه‌دارد. وامپریالیسم خونخوار که جز خرابی وکشتار و فقر برای بشریت ارمغانی نداشته است ، در حال نابودی است. جامعه نوین و آزاد بشری از دل دنیای کهن سربرمی‌آورد ، و خورشید رهایی که در بخشهای وسیعی از و سه سال پیش طلوع کرد . و نور آزادی‌بخش آن برسراسر جهان تابیدن گرفت . از آن زمان تاکنون بشریت زحمتکش راه درازی را پیموده است و به‌قله‌های بلندی دست‌یافته. دراین‌فاصله امپریالیستها جنگ جهانی دیگری را به بشریت تحمیل کردند . نتیجه این جنگ مرگ و بی‌خانمانی بسیاری از زحمتکشان جهان بود . اما از دل خاکستر جنگ جهانی دوم اردوگاه سوسیالیسم سربرآورد . و از آن زمان به‌بعد آتش انقلاب با درخشش بیشتری زبانه می‌کشد . خلقهای بسیاری توانسته‌اند در نبرد با امپریالیسم رهایی خود را به‌چنگ آورند. خلقهای قهرمان کره ـ کوبا ـ ویتنام ـ لائوس ـ کامبوج ـ یمن جنوبی ـ موزامبیك ـ گینه ـ آنگولا زنجیرهای بردگی را بطور قطع گسسته‌اند .

در خاورمیانه انقلاب فلسطین پیکانی سوزان در قلب اسرائیل پایگاه اصلی امپریالیسم در خاورمیانه است .



در امریکای لاتین خلق قهرمان نیکاراگوئه در سالی که گذشت، به استقلال دست یافت واینك مردم السالوادور درگیر نبرد سهمگین با امپریالیسم و نوکرانش هستند . امریکای لاتین سرزمین چه‌گوارای قهرمان چونان مشعلی فروزان امپریالیسم را به‌هراس افکنده‌است.

خلق زیمبابوه به دنبال ۷ سال نبرد مسلحانه علیه امپریالیسم و بیش از بیست هزار شهید می‌رود تا نژادپرستی را به‌گور بسپارد ، و استقلال خود را بدست آورد .

کارگران و زحمتکشان ترکیه ، علیرغم حکومت نظامی و سلطه فاشیستهای وابسته به امپریالیسم مبارزه خود را در اشکال مختلف پیش می‌برند.

دلقک سال...!

امپریالیسم و نوکران آن در سراسر جهان به‌هراس افتاده‌اند.

نوروز برهمه رزمندگان جبهه انقلاب ، درکارخانه ، در مزارع ، در سنگرهای خونین مبارك باد . نوروز به همه اسیران انقلاب ، به رزمندگان زندانی که بخاطر رهایی خلقهای به‌بند افتاده‌اند مبارك باد. آرزو می‌کنیم که سال ۵۹ برای خلقهای جهان و همه رزمندگان انقلابی سال فتح و پیروزی باشد.

و در اینجا ، در آستانه سال نو به همه شهیدان انقلاب در هرکجای جهان که در راه آرمانهای والای انسانی و برای نجات مردم بپا خاستند، جنگیدند و به خاك و خون غلطیدند ، درود می‌فرستیم .



امیدواریم سال نو برای همه خلق‌های جهان، همه رزمندگان انقلابی، سال امید و پیروزی باشد



خورشید انقلاب در جهان می‌درخشد

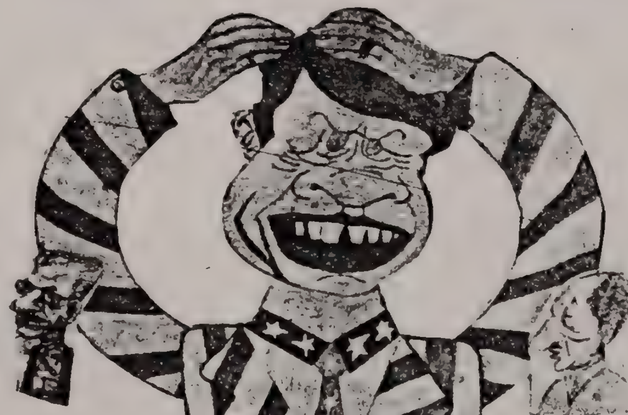
در آغاز سال ۱۳۵۹ هستیم . در آغاز فصل شکفتن‌ها ، فصل تلاش و کار ، فصل رستاخیز طبیعت با قلبهای سرشار از امید به سوی آینده رهسپاریم . و در این راه تنها نیستیم . قلبهای میلیونها کارگر و زحمتکش و روشنفکر انقلابی در سراسر جهان همراه ما می‌تپند . نوروز را با یاد شهیدان آغاز می‌کنیم ، به دشتها می‌نگریم . نوروز بر مزار شهیدان گل می‌روید ، گل سرخ .

آرامگاه شهیدان ما کجاست، در سرتاسر این خاک که هر وجب آن با خون انسان عدالتخواهی آبیاری شده است ، در دشتها و جنگلهای آسیای جنوب شرقی، در افریقا، در امریکا و در خاورمیانه. در خاک به خون آغشته کشورهای سوسیالیستی . همه جا .

خلقهای ستم‌دیده جهان همچنان پیکار می‌کنند . و هرروز سنگرهای دیگری را فتح می‌کنند. امپریالیسم و سگهای زنجیریش درسراسرجهان سراسیمه عقب می‌نشینند . زمین زیر پای ستمگران بلرزه درآمده است . و دنیای ترک‌خورده کهن در حال زوال و نابودی است . سرود آزادی و استقلال ، سرود برابری انسانها و سرود حکومت جهانی کارگران و زحمتکشان ازچهارسوی گیتی شنیده می‌شود .

در میهن‌های آزاد شده برویرانه های دنیای کهن ، تلاش انسانها برای ساختمان جامعه‌ای نوین و فارغ ازستم ادامه‌دارد. وامپریالیسم جهان طلوع کرده است همچنان می‌درخشد . و در همه جا روشنایی و تیرگی درستیزند . و این ستیز تا نابودی کهنه و غلبه کامل نو ادامه دارد . جنبشهای آزادیبخش در همه جهان هرروز مواضع جدیدی بدست می‌آورند. و هرروز سنگر جدیدی درگوشه‌ای از دنیای تحت سلطه بروی غارتگران و دشمنان مردم ، آتش می‌گشاید . بشریت زحمتکش چون «گویی رها شده در سراشیب» به سوی آزادی و به سوی نابودی ستم در همه اشکال آن پیش می‌تازد . کدامین نیرو می‌تواند ، این بهمن عظیم را متوقف کند.

خورشید انقلاب اکتبر در شصت و سه سال پیش طلوع کرد . و نور آزادی‌بخش آن برسراسر جهان تابیدن گرفت . از آن زمان تاکنون بشریت زحمتکش راه درازی را پیموده است و بقله‌های بلندی دست‌یافته. دراین‌فاصله امپریالیستها جنگ جهانی دیگری را به بشریت تحمیل کردند . نتیجه این جنگ مرگ و بی‌خانمانی بسیاری از زحمتکشان جهان بود . اما از دل خاکستر جنگ جهانی دوم اردوگاه سوسیالیسم سربرآورد . و از آن زمان به‌بعد آتش انقلاب با درخشش بیشتری زبانه می‌کشد . خلقهای بسیاری توانسته‌اند در نبرد با امپریالیسم رهایی خود را بچنگ آورند. خلقهای قهرمان کره — کوبا— ویتنام— لائوس— کامبوج— یمن جنوبی — موزامبیک— گینه—





دلقک سال...!

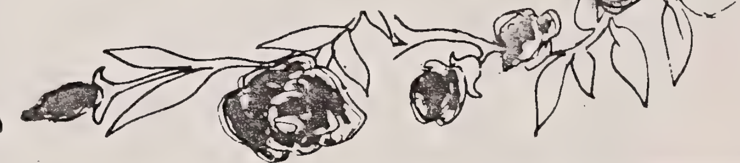
در امریکای لاتین خلق قهرمان نیکاراگوئه در سالی که گذشت، به استقلال دست یافت واینک مردم السالوادور درگیر نبرد سهمگین با امپریالیسم و نوکرانش هستند . امریکای لاتین سرزمین چه‌گوارای قهرمان چونان مشعلی فروزان امپریالیسم را بهراس افکنده‌است.

خلق زیمبابوه به دنبال ۷ سال نبرد مسلحانه علیه امپریالیسم و بیش از بیست هزار شهید می‌رود

امپریالیسم و نوکران آن در سراسر جهان بهراس افتاده‌اند.

نوروز برهمه رزمندگان جبهه انقلاب ، درکارخانه ، در مزارع ، در سنگرهای خونین مبارک باد . نوروز به همه اسیران انقلاب ، به رزمندگان زندانی که بخاطر رهایی خلقهای بدبند افتاده‌اند مبارک باد. آرزو می‌کنیم که سال ۵۹ برای خلقهای جهان و همه رزمندگان انقلابی سال فتح و پیروزی باشد.





جناب ارتشبد، خبر می دهم».

با خودم گفتم: آقا رضا واقعاً که تومچ گیر هستی. خوب گوش کن ببین برای چه از زمین به جهنم تلفن می کنند و نصیری را می خواهند. بعدازیکی دو دقیقه سکوت، صدای پیرمردی در تلفن پیچید.

– «الوالوبنده ارتشبد نصیری»

– صدای نازک: سلام عرض می کنم قربان. حالتان که انشاالله خوب است. کسالتی که ندارید

– نصیری: کسالت که نمی شود گفت فقط جای گلوله ها اذیت می کند...

– صدای نازک: باعث شرمندگی است. خودتان می دانید که این کارها دست من نبود، وگرنه کار به اینجاها نمی کشید...

– نصیری: می دونم، ولی سعی کنید که برای بقیه چنین وضعی پیش نیاید.

– صدای نازک: خیالتان راحت باشد، حتی نمی گذارم اسم آنها هم منتشر بشود.

– نصیری: خوب است. خوب است. بفرمائید چی شد که یادی از ما «طاغوتیان» کردید؟

صدای نازک: عرض کنم که نمی دونم در جریان هستید یا نه. این بالا

اوضاع ایران بدجوری درهم وبرهم شده. پاک حساب کارها از دستمان دررفته. خبر سفارت آمریکا را که دارید.

-- نصیری: بعله خبر دارم. آبرو ریزی است آقا، آبرو ریزی...

– صدای نازک: تقصیر ما که نیست:

– نصیری: تقصیر ما نیست یعنی چه آقا؟ پس شما چه کاره هستید؟

– صدای نازک: می دانید مردم ول کن نیستید.

– نصیری: مردم چه می فهمند؟ اگر یک روز امریکا نباشد، ایران می شود ایرانستان.

– صدای نازک: ماهم همین را می گوئیم ولی به خرجشان نمی رود.

– نصیری: پس ساواک چکار می کند؟

صدای نازک: انگار فراموش کرده اید، ساواک از هم پاشیده.

– نصیری: یعنی تا حالا درستش نکرده اید؟ مگر بدون ساواک میشود؟ ما حتی در جهنم هم ساواک درست کرده ایم.

صدای نازک: باورکنید خیلی از ساواکی ها الان سرکار هستند. حقوق میگیرند. ماهم مراقب هستیم که کسی از گل نازکتر به آنها نگوید. اما این تعداد کافی نیست.

نصیری: جاسوس تربیت کنید، از روش های ما کمک بگیرید. اسناد ومدارک که در اختیارتان است.

صدای نازک: این راه را هم امتحان کردیم. «چهارنفر زندانی» را به گلوله بستیم. عین شما که آن «۹ نفر زندانی» را کشته بودید.

نصیری: آفرین، آفرین! دارید پیشرفت می کنید.

صدای نازک: چه پیشرفتی. آبرویمان رفت. همه فهمیدند کار، کار خود ما بوده.

نصیری: خوب، بفهمند. مردم چکاره اند. به آنها چه مربوط است. به این حرفها اعتنا نکنید، آقا...

صدای نازک: این ملت، آن ملت سابق نیست. یک روز زمین میخواهد، یک روز ارتش خلقی یک روز مصادرهٔ اموال سرمایه دارها و... وسط این ها هم «یک ریز» به آمریکا بدوبیراه می گویند. وضع خطرناک شده، اگر کاری نکنیم، فردا بنده را هم می کشند پای میز محاکمه باسم اینکه من «جلاد تل زعتر» بوده ام...

نصیری: با کارتر مشورت کرده ای؟

صدای نازک: بله، گفت بهترین کار بازسازی ساواک وارتش است. دومی کار زیادی ندارد. من وچندتا از تیمسارها از عهده اش برمی آییم. فقط این اولی گرفتارمان کرده.

نصیری: یک نفر هست که بدرد شما میخورد.

صدای نازک: از مأموران ساواک است؟

نصیری: مأمور!... اختیار دارید... از افراد عالیرتبهٔ ساواک– مورد اعتماد شخص اعلیحضرت همایونی...

صدای نازک: جناب ارتشبد معدوم، قربان دهانتان، اسمش را زودتر بگویید بفرستیم دنبالش.

نصیری: اسمش نوک زبانم بود. اسم خوبی دارد. لعنت به این پیری. کلی باهم شام ونهار خورده ایم.

صدای نازک: نکنه مقام امنیتی را می گوئید؟

نصیری– ثابتی را میخواهید چکار. اوفقط بلد است ناخن بکشد واز این کارها که همین تهرانی هم از عهده اش برمی آید. این یکی خیلی مهمتر است... آهان. یادم آمد، «فردوست»، ارتشبد فردوست. زود بروید سراغش: بگویید نصیری سفارش ما را کرده. خیلی با تجربه است از پایه گزاران ساواک ورکن دوم ارتش بوده.

بقیه در صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی‌اش



ماجراهای نوروزی

تلفن به جهنم و ماجرای استخدام ارتشبد فردوست!!

«آقارضا مچ گیر» را که می‌شناسید؟ همان کسی که در شماره قبل با او آشنا شدید. «آقارضا» دیروز برای ما داستان جالبی را تعریف می‌کرد که عیناً آنرا برای شما نقل می‌کنیم:

چند روز قبل رفته بودم از تلفن عمومی به منزل یکی از دوستانم تلفن کنم. به مجرد آنکه شماره اول را گرفتم، صداهای عجیبی مثل صدای رعد و برق در تلفن پیچید و کلمات نامفهومی شنیده شد. به خودم گفتم بازخطها روی هم افتاده و اتصالی کرده است. «بکهو» صدائی از تلفن شنیده شد که می‌گفت: «بفرمائید، بفرمائید... اینجا جهنم است. طبقهٔ هشتاد ویکم، دفتر ارتشبد نصیری. بنده تهرانی منشی جناب ارتشبد هستم. جنابعالی؟»

از اینطرف سیم کسی با صدای نازک خودش را معرفی کرد که اسمش واضح نبود و نفهمیدم که او کیست. بعداز چند لحظه دوباره صدای تهرانی را شنیدیم که می‌گفت:

«سلام عرض می‌کنم قربان. از زمین تلفن می‌فرمائید؟ الان به جناب ارتشبد، خبر می‌دهم».

با خودم گفتم: آقا رضا واقعاً که تو مچ گیر هستی. خوب گوش کن ببین برای چه از زمین به جهنم تلفن می‌کنند و نصیری را می‌خواهند.

بعدازیکی دو دقیقه سکوت، صدای پیرمردی در تلفن پیچید.

— «الو الو بنده ارتشبد نصیری»

— صدای نازک: سلام عرض می‌کنم قربان. حالتان که انشاالله خوب است. کسالتی که ندارید

— نصیری: کسالت که نمی‌شود گفت فقط جای گلوله‌ها اذیت می‌کند...

— صدای نازک: باعث شرمندگی است. خودتان می‌دانید که این کارها دست من نبود، وگرنه کار به اینجاها نمی‌کشید...

— نصیری: می‌دونم، ولی سعی کنید که برای بقیه چنین وضعی پیش نیاید.

— صدای نازک: خیالتان راحت باشد، حتی نمی‌گذارم اسم آنها هم منتشر بشود.

صدای نازک: میخواستیم، اما راه و چاه کار را درست بلد نبودیم.

نصیری: با «سیا» تماس بگیرید. خودشان ترتیب کارها را می‌دهند.

صدای نازک: تماس گرفتن این روزها خیلی سخت شده تا تکان میخوریم افشاگری می‌کنند. از ترس، نامه پرانی هم نمی‌توانیم بکنیم. ممکن است «درز» پیدا کند، به تلفن هم اعتباری نیست، دوستان مورد اعتماد هم پشت سرهم لومیروند. بیچاره شده‌ایم...

نصیری: اینهمه زندان وسلول برایتان ساخته‌ایم. آخر اینها برای چیه؟ هرکس حرف زد یقه‌اش را بگیرید و بیاندازید توی زندان.

صدای نازک: به این سادگی‌ها نیست. تا یکی را بگیریم، بقیه میریزند توی خیابان و تظاهرات می‌کنند. نمی‌دونیم چکار بکنیم.

نصیری: مأموران ما مگر مرده‌اند. کلی ساواکی توی این مملکت داریم. بیاوریدشان سرکار.

صدای نازک: باورکنید خیلی از ساواکی‌ها الان سرکار هستند. حقوق میگیرند. ماهم مراقب هستیم که کسی از گل نازکتر به آنها نگوید. اما این تعداد کافی نیست.

نصیری: جاسوس تربیت کنید، از روش‌های ما کمک بگیرید. اسناد و مدارک که در اختیارتان است.

صدای نازک: این راه را هم امتحان کردیم. «چهارنفر زندانی» را به گلوله بستیم. عین شما که آن «۹ نفر زندانی» را کشته بودید.

نصیری: آفرین، آفرین! دارید پیشرفت می‌کنید.

صدای نازک: چه پیشرفتی. آبرویمان رفت. همه فهمیدند کار، کار خود ما بوده.

نصیری: خوب، بفهمند. مردم چکاره‌اند. به آنها چه مربوط است. به این حرفها اعتنا نکنید، آقا...

صدای نازک: این ملت، آن ملت سابق نیست. یک روز زمین میخواهد، یک روز ارتش خلقی یک روز مصادرهٔ اموال سرمایه‌دارها و... وسط این‌ها هم «یک ریز» به آمریکا بدوبیراه می‌گویند. وضع خطرناک شده، اگر کاری نکنیم...

و
دست‌های کار و آزادی را

الف– محسن کلاس چهارم نظری

امپریالیسم، ای پلیدی، ای ننگ...

درنامگذاری قدرتها
نام تو را
وحشی‌ترین می‌نامم
و به دستهای حقیر زنگ زده‌ات ،
ای آدم آهنی، می‌خندم
ازناوهای‌تو، خمپاره‌ها ومسلسلهایت
نمی‌هراسم
به‌پهناوری سلطهٔ تو
که برپایهٔ خون وجهل وجنگ
استوار است
تردید به‌خود راه نمی‌دهم
من به‌سقوط تو می‌اندیشم
زیراکه لباس رزم برتن دارم
وخشم‌ورزم توده‌های‌ستمدیدهٔ‌جهانی
پشتوانه ماست.
به تو هجوم می‌آوریم
چون آتش خشم
چون سیل خون
ای امپریالیسم، ای پلیدی، ای‌ننگ
تجسم ننگ ونفرت!
شکست نهائی نصیب توباد!
ای امپریالیسم، ای رسواترین
به‌انقلابم سوگند
که شکست، سرنوشت قطعی توست
به تو نمی‌اندیشم
به‌آبادی میهنم می‌اندیشم
به‌نیروی سرخ لاله‌های نو دمیده
به‌پاکی دریای خون وطنم
به صلابت قلبهای آکنده از خشم
وبه شکوه ایران آزاد
به‌روشنی ومهربانی فردا،
به ایرانم که برمی‌افرازد
پرچم سرخ پیروزی را

فومن – ط . ج

سعی می‌کردند فکر او را روشن کنند.
دیروز با او حرف می‌زدم. از همه‌چیز صحبت‌می‌کرد. از بالا رفتن هزینه زندگی، از انتخابات و... حالا با ما خیلی مهربان شده، و می‌داند ما برای چه مبارزه می‌کنیم. می‌گفت: من با پاره‌کردن اعلامیه مخالفم و دیگر هیچگاه این کار را نمی‌کنم، مدیر و ناظم می‌خواهند مرا سپربلا کنند و در برابر شما قرار دهند اما من زیربار نمی‌روم، شما مثل فرزند من هستید، ومن از روی شما خجالت می‌کشم.

* شیراز – ف – الف.
من ازهواداران سازمان مجاهدین خلق هستم، در دبیرستان زینت جدید درس می‌خوانم، مدیر مدرسه ما سابقاً همکار ساواک بوده‌ولی‌او با چرب زبانی سعی می‌کند خود را انقلابی جا بزند،دراینجا نمی‌گذارند نشریه‌های انقلابی بفروشیم، اگرکسی اعلامیه بزند، با زنجیر ومشت ازاو پشتیبانی می‌کنند. شورای دبیرستان هم زیر نفوذ مدیر است وتا حالا کاری به‌نفع دانش‌آموزان انجام نداده، وضع ما خیلی ناجوراست با اینحال ما فعالیت انقلابی خود را پیش می‌بریم، و با اتحاد خودپیروز خواهیم شد.

«من خودم شورا هستم!!»

ما دانش آموزان مدرسه راهنمایی پروین اعتصامی زابل مشکلات زیادی داریم، مشکل اصلی ما این است که رئیس مدرسه از خوانین ثروتمند است ومانند اربابها با ما رفتار می کند در کلاسها جاسوس گذاشته ومی گوید دانش آموزان حق دخالت در کارهای مدرسه را ندارند. یا اینکه من خودم شورا هستم. سال گذشته وقتی ما برضد شاه شعار می دادیم با خط کش توی سرمان می زد ومی گفت: شعار ندهید شما را اخراج می کنم. ما می پرسیم چرا به حساب ساواکیها ووابستگان رژیم طاغوت رسید گی نمی شود.

«ما فقط روزی دوساعت ونیم درس می خوانیم»

در روستای «ارداق» که نزدیک قزوین است، فقط روزی دوساعت ونیم به ما درس می دهند، می خواستند برای مدرسه ما نردبان بخرند. ازما پول گرفتند، هر وقت برف می بارد، ازمانفری ۱۰ ریال می گیرند تا پشت بام را پارو کنند. یکی ازبچه ها عکس صمد بهرنگی، دکتر شریعتی را به کلاس زد، مدیر آنها را کند و گفت: اینجا اگر دفعه دیگر ازاین چیزها بیاورید، گوشتان را می گیرم و می اندازمتان بیرون.

«اگر باهم متحد باشیم موفق می‌شویم»

* تهران دبیرستان فردوسی
بعد از تلاش زیاد موفق به‌نصب تابلو پیشگام وفروش آزادنشریه وکتاب شدیم ، هفته پیش ما ودانش‌آموزان مسلمان از مدیر درخواست «اتاق» برای فعالیتهای سیاسی کردیم. اما او وانجمن اسلامی‌دبیرستان مخالفت کردند، بعد ازاینکه به‌خواست ما رسیدگی نشد، بالکن سالن اجتماعات که هیچ استفاده‌ای ازآن نمی‌شد. را دوقسمت کرده وکتابها ونشریات خود را درآنجا گذاشتیم. اگر نیروهای مترقی باهم باشند، و اگر به‌دانش‌آموزان آگاهی بدهند، موفق می‌شوند.

* دانش‌آموزان مدرسه راهنمایی دکتر مصدق روستای قاسم‌آباد سفلی حومه رودسر گیلان، نبرد دانش‌آموز را با جدیت بین دانش‌آموزان وجوانان روستاپخش می‌کنند. هرهفته تعداد بیشتری نبرد دانش‌آموز در این روستا به‌فروش می‌رسد.

«شما چه کاری به‌این کارها دارید!»

می‌خواستیم نمایشگاه‌ضد امپریالیستی درمدرسه خودمان‌دبیرستان اتابیکی درجنوب تهران برگزار کنیم، مدیر مدرسه دهها سنگ جلوی پای ما انداخت، اومی‌گفت « شما چهارمی‌ها کاری به‌این کارها نداشته باشید، سعی کنیدنمره قبولی را بگیرید وازاین مدرسه بروید». اما با پشتکار خود توانستیم محلی برای برپایی نمایشگاه بگیریم، دو ساعت بعد عده‌ای عناصر وابسته به‌امپریالیسم وناآگاه حمله کردند و عکسها را پاره کردند.

ما حمله به‌نمایشگاه را محکوم می‌کنیم. می‌گوئیم، ارتجاع بااین کارها خودش را رسوا می‌کند!

* سمنان. در دبیرستان دانش به‌نیروهای انقلابی‌خیلی فشار می آورند، کار به‌جایی کشیده است که چندی پیش عده‌ای ازدانش‌آموزان ناآگاه وتحریك شده یکی ازدانش‌آموزان انقلابی راکتك زده ومجروح کردند .

«معلمان و دانش آموزان نباید مقابل هم قرار گیرند»

شهر کرد– ما دانش آموزان دبیرستان نور بخش شهر کرد، به اطلاع شما می رسانیم که یک دبیر اقتصاد به شهر ما آمده که کارش تفتیش عقاید و اهانت است، او به عقیده دیگران توهین می کند، می خواهد عقیده خودش را تحمیل نماید می گوید من خیلی قدرت دارم، صادق طباطبائی پشتیبان من است، وتا حالا چهارتا استاندار را بیرون کرده‌ام! درضمن یکی از دبیران مترقی و مذهبی را از دانشسرا بیرون کردند، که با اعتراض وسیع داش آموزان روبرو شد. چرا باید عده‌ای حرمت معلم را پائین بیاورند. علیه دانش آموزان توطئه وتحریک کننده مقام معلم بالاتر ازآنست که نقش سانسورچی را بازی کند. این توطئه است که معلمان و دانش آموزان را در برابر هم قرار دهند.

«با یاد پرشکوه شهیدان ترکمن»

قلب صحرا
پرخون است
وخون صحرا
دروسعت گندمزاران
درداس دهقانان
درپتک کارگران
درترانه‌های روستایی
عاشقانه
حماسهٔ فرزندان بزرگ خود را
خواهد سرود
تا نسل‌های بعد بدانند
صحرا را
چگونه اربابان داغدار کردند
تا نسل‌های بعد بدانند
قدرت اتحاد
و
دست‌های کار و آزادی را

الف — محسن کلاس چهارم نظری

امپریالیسم، ای پلیدی، ای ننگ...

درنامگذاری قدرتها
نام تو را
وحشی‌ترین می‌نامم
و به دستهای حقیر زنگ زده‌ات ،
ای آدم آهنی، می‌خندم
ازتناوهای تو، خمپاره‌ها ومسلسلهایت
نمی‌هراسم
.

---

* اسم من احمد اسماعیلی شیخی ساکن قریه حاجیکلاته ازتوابع علی‌آباد گرگان هستم.

من‌هم باید درس بخوانم وهم کارکنم تا خرج خود ومادر ویک برادر وخواهرم را بدست آورم، واکنون درکلاس دوم دبیرستان درس، می‌خوانم، من می‌پرسم چرا بعد ازانقلاب باید وضع عوض نشود. من انتظار دارم به‌وضع من رسیدگی شود. اگر خرج زندگی من تامین‌نشود نمی‌توانم ادامه تحصیل بدهم، این‌خواست من وخواست همه بچه‌هایی است که هم کار می‌کنند وهم درس می‌خوانند.

دولت باید زندگی مارا تامین‌کند تا ما بتوانیم درس بخوانیم.

«می خواهند مرا در مقابل دانش آموزان قرار دهند»

مستخدم مدرسه ما آدم زحمتکشی است. اول سال مدیر وناظم توی گوش اومی‌خواندند، واورا علیه دانش‌آموزان انقلابی تحریک‌می‌کردند. اوگاهی اعلامیه‌هارا ازدیوار می‌کند. وقتی به‌اواعتراض می‌کردیم، عصبانی می‌شد. و می‌گفت درودیوار مدرسه کثیف می‌شود، مدیر دستور داده، شما هم اعلامیه نزنید.

وقتی ما می‌گفتیم: این کار خوبی نیست وتو نباید اعلامیه‌ها را بکنی. حرفی نمی‌زد.

اما بچه‌های آگاه مدرسه به‌اواحترام می‌گذاشتند. و سعی می‌کردند فکر او را روشن کنند.

دیروز با او حرف می‌زدم. از همه‌چیز صحبت‌می‌کرد. از بالا رفتن هزینه زندگی، از انتخابات و... حالا با ما خیلی مهربان شده، و می‌داند ما برای چه مبارزه می‌کنیم. می‌گفت: من با پاره‌کردن اعلامیه مخالفم و دیگر هیچگاه این کار را نمی‌کنم، مدیر و ناظم می‌خواهند مرا سپربلا کنند و در برابر شما قرار دهند اما من زیربار نمی‌روم، شما مثل فرزند من هستید، ومن از روی شما خجالت می‌کشم.

* شیراز — ف — الف.

من ازهواداران سازمان مجاهدین خلق هستم، در دبیرستان زینت جدید درس می‌خوانم، مدیر مدرسه ما سابقاً همکار ساواک بودمولی‌او با چرب زبانی سعی می‌کند خود را انقلابی جا بزند،دراینجا نمی‌گذارند نشریه‌های انقلابی بفروشیم، اگرکسی اعلامیه بزند، با زنجیر ومشت ازاو پشتیبانی می‌کنندٔ شورای دبیرستان هم زیر نفوذ مدیر است وتا حالا کاری به‌نفع دانش‌آموزان انجام نداده، وضع ما خیلی ناجوراست
[illegible] و با اتحاد خودپیروز

«باید دیگران را هم آگاه کنیم»

من یک‌دانش‌آموز دوره راهنمایی هستم، در مدرسه نبرد دانش‌آموز می‌فروشم، خودم هم آنرا با دقت می‌خوانم. اگر چیزی را نفهمیدم سئوال می‌کنم، کتاب می‌خوانم و اعلامیه وکتابهای خوب به‌دوستانم می‌دهم، بعضی بچه‌ها درمدرسه به‌من ودوستانم متلک می‌گویند، بما زخم زبان می‌زنند، ومی‌خواهند با این‌کارها ما را دلسرد کنند. اما ما می‌دانیم آنها چون دراین باره چیزی نخوانده‌اند، این کار را می‌کنند. ما هدفهای پیشگام را برای آنها می‌گوئیم واز زخم زبان وکنایه هم باکی نداریم، خانواده ما شش نفر است وهمگی دریک اطاق زندگی می‌کنیم که هروقت باران می‌آید سقف آن چکه می‌کند، وما یک طشت زیرآن می‌گذاریم.

با عده‌ای از بچه‌های محل دوست هستم، با آنها بحث می‌کنم، کتاب «الدوز وکلاغها» را به یکی از همسایه‌هامان دادم، بعد ازخواندن بمن داده می‌گفت خیلی خوب بوده او هم الدوز و هم صمد بهرنگی را خیلی دوست دارد.

تهران — «شهریار»

«اگر باهم متحد باشیم موفق می‌شویم»

* تهران دبیرستان فردوسی

بعد از تلاش زیاد موفق به‌نصب تابلو پیشگام وفروش آزادنشریه وکتاب شدیم ، هفته پیش ما ودانش‌آموزان مسلمان از مدیر درخواست «اتاق» برای فعالیتهای سیاسی کردیم. اما او وانجمن اسلامی‌دبیرستان مخالفت کردند، بعد ازاینکه به‌خواست ما رسیدگی نشد، بالکن سالن اجتماعات که هیچ استفاده‌ای ازآن نمی‌شد. را دوقسمت کرده وکتابها ونشریات خود را درآنجا گذاشتیم. اگر نیروهای مترقی باهم باشند، و اگر به‌دانش‌آموزان آگاهی بدهند، موفق می‌شوند.

* دانش‌آموزان مدرسه راهنمایی دکتر مصدق روستای قاسم‌آباد سفلی حومه رودسر گیلان، نبرد دانش‌آموز را با جدیت بین دانش‌آموزان وجوانان روستاپخش می‌کنند. هرهفته تعداد بیشتری نبرد دانش‌آموز در این روستا به‌فروش می‌رسد.

«شما چه کاری به‌این کارها دارید!»

می‌خواستیم نمایشگاه‌ضد امپریالیستی درمدرسه خودمان‌دبیرستان اتابیکی درجنوب تهران برگزار کنیم، مدیر مدرسه دهها سنگ جلوی [illegible] شما چه کاری به‌این کارها نداشته

در جریان مبارزات صیادان بندر بوده «علی» را همراه چند تن ازصیادان

عاملین واقعی وقایع بندر انزلی هستند.

بدنبال ترور ناجوانمردانه رهبران خلق ترکمن و کشتار مردم گنبد، دانش‌آموزان پیشگام رشت به‌منظور اعتراض به‌این اعمال بمدت سه‌روز کلاسها را تحریم کرده و دست به افشاگری زدند. این اقدام دراکثر مدارس با پشتیبانی نیروهای انقلابی وتوده دانش‌آموز مواجه شد.

دراین سه روز دانش‌آموزان در حیاط مدارس اجتماع کرده و مقالات وسرودهای انقلابی‌خواندند از بیست وسه دبیرستان و مدرسه راهنمائی رشت گزارشهائی در این مورد به‌نبرد دانش‌آموز رسیده‌است.

بزرگداشت رهبران ترکمن

به‌دعوت دانش‌آموزان پیشگام شیراز عده زیادی از دانش‌آموزان این شهر وسایر مردم در دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز گردآمدند. دراین اجتماع ترو ررهبران خلق ترکمن توسط دانش آموزان محکوم شد.

و جمعیت شعارهایی‌مانند «فدایی ترکمن– شهادتت در زندان به‌دست سرمایه‌دار افتخارخلق‌ماست» دادند،

پشتیبانی دانش آموزان اراک از معلم مبارز

* دانش‌آموزان اراك برای اعتراض به‌اخراج یکی ز معلمان مبارز خود به‌مدت چند روزدراداره آموزش وپرورش دست به‌تحصن زدند، بیش ازهزارتن از دانش–آموان درای نتحصن شرکت‌داشتند. آنان برای اینکه صدای خودرا به‌گوش مردم برسانند با صفوف منظم در خیابانها راهپیمایی‌کردند. در قطع نامه راهپیمایی خواستاربازگشت معلم مبارز خود به‌سرکارشدند واعلام کردند تا تحقق خواستهایشان دست ازمبارزه نمی‌کشند.

چند خبرکوتاه

* مراسم بزرگداشت فدائیان خلق خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان ازسوی دانش آموزان دبیرستان ادب اصفهان برگزارشد.

* دانش‌آموزان مدرسه‌راهنمایی پروین «اوزفارس» نمایشگاهی به مناسبت سالگرد قیام برپا داشتند.

* شهرام پ – کلاس پنجم ابتدایی از خرم‌آباد مبلغ ۲۰۰ریال کمك مالی برای نشریه نبرد دانش آموز فرستاد.

* دانش آموزان پیشگام‌بجنورد در سالگرد قیام مایشگاه عکس و کتاب بمدت یك‌هفته برگزارکردند.

* **دانش‌آموزان دیرستان امیر کبیر گوراب زرمیخ (صومعه‌سرا)** قطعه زمینی را که متعلق به یك فیودال بود جهت ایجاد مجتمع آموزشی، مصادره نمودند، این‌عمل مورد استقبال دانش‌آموزان مدارس دیگر ومردم گوراب زرمیخ قرار گرفت.

مردم روستاهای اسدآباد فریاد می زنند:

مرگ بر خان

* در یکی از روستاهای اسدآباد همدان به نام «زیرش–خانی» مردم روستا به‌کوچه‌های ده ریخته وعلیه «خان» که مالك زمینهای روستا بود شعار دادند، وبعد زمینهای او را تقسیم کرده وساختمان بزرگ خان را به‌کسانی که خانه نداشته دادند، در یکی دیگر از روستاها بنام «چشم شاهقلی» مردم برعلیه «صادق‌خان» شعار داده وخواستار تقسیم زمینها شدند. دراین حرکات دانش‌آموزان پابه‌پای پدران ومادران زحمتکش خود فعالیت نمودند.

ورزش صبحگاهی در دبیرستان کیهان نو

دانش آموزان پیشکام دبیرستان کیهان‌نو تهران باتفاق «دانش–آموزان مسلمان» در مدرسه ورزش صحبگاهی انجام می‌دهند، هر روز تعداد بیشتری از دانش‌آموزان به جمع ورزشی آنان می‌پیوندند.

دانش آموزان ماسال:

در دفتر مدرسه ما عکس فئودال بزرگ را به دیوار زده‌اند

دهقانان ماسال وشهرهای استان گیلان سالهای سال زیر ستم فئودالها رنج برده‌اند. ما فرزندان دهقانان نسبت به‌فئودالها قلبی پر ازکینه داریم. در دفتر مدرسه ما عکسی ازامامقلی ماسالی فئودال بزرگ ماسال به‌دیوار نصب شده است. برسینه او دو مدال‌که شاه بخاطر جنایاتش به‌او داده است. دانش‌آموزان است، نام مدرسه ما هم به‌اسم این فئودال خونخوار است، دانش‌آموزان مدرسه می‌گویند عکس این فئودال باید برداشته شود واسم مدرسه عوض‌شود. مگر نه اینکه فئودالها دشمنان مردم هستند، چرا مقامات مسئول این همه به‌عکس ونام فئودالها علاقه دارند؟

اعمال ضد انقلابی بعضی از مسئولان آموزش و پرورش نازی آباد

تهران – همه کارکنان ناحیه ۷ (نازی‌آباد) خانم «آخوندزاده» را می‌شناسند، او ازهمکاران فعال رژیم گذشته درآموزش وپرورش بود. حتی بعد از قیام بهمن بعلت اعتراض معلمان ودانش‌آموزان کارش به‌کمیته هم کشید. ولی هم‌چنان برسرکار باقی ماند.

در دی ماه گذشته دانش‌آموزان عکسهای شاه مخلوع وخانواده‌اش را که توسط او نگهداری می‌شد، در مدرسه پیدا می‌کنند. موج مخالفت بالا میگیرد، جالب توجه‌است که خانم «افراز» که بعدا مربی پرورشی مدرسه شد ازاین حرکت استقبال نکرد. تازه مسئولین به فکر اخراج مدیر می‌افتند، اما مسئله دیگر عنوان می‌شود وآن اخراج دانش آموزان مبارز مدرسه است. این توطئه با مقاوت دانش–آموزان وپشتیبانی معلمان خنثی می‌شود. آقای «عباسی» معاون آموزش ناحیه ۷ دوتن ازمعلمان انقلابی را به‌اداره احضارمی‌کند و می‌گوید«ازاین به‌بعد شماحق رفتن‌به‌مدرسه را ندارید»، دلائلی که عنوان می‌شود اخلالگری، تحریك دانش‌آموزان، اعتصاب شاگردان و... وقتی با اعتراض‌جمعی معلمان روبرو میشوند آقای «طاهرخانی» رئیس ناحیه ۷ می‌گوید «ایدئولوژی شما مشخص است خانم، چون به‌توده بچه‌ها تکیه می‌کنید وازطبقه فقیر حمایت میکنید بنابراین شما می‌توانید تحریك‌کننده باشید» ، و آقای عباسی نیز چنین گفت «زنان موجوداتی کم‌عقل واحساساتی هستند» معلمان ودانش‌آموزان مدرسه با این اعمال مخالفت می–کنند. درهمان‌روز به‌مدرسه تلفن‌ناشناسی می‌شود ومی‌گوید «ما بیست نفر مامور تصفیه مدارس نازی‌آباد هستیم، برای شما دادگاه صحرایی تشکیل می‌دهیم و یك گلوله حرامت خواهیم کرد» . در ضمن یکی ازکارمندان مرتجع اداره هم به درخانه تعدادی ازدانش‌آموزان می‌رود. و دست به تحریك پدران ومادران می‌زنند.

آنان بدون توجه به‌خواست دانش‌آموزان و معلمان این مدرسه دوتن ازمعلمان را اخراج می‌کنند. دانش‌آموزان به میزان زیادی آگاهی کسب کردند و ماهیت مسئولان آموزش و پرورش را بهتر شناختند.

تفتیش عقاید در مدارس باید متوقف شود

خبرهای دانش آموزی

چهارشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۵۸ شماره سیزدهم– سال اول

چند مدرسه را در بندرعباس منحل کردند.

مدتی پیش کارگران بندرعباس برای تامین کار دراستانداری تحصن کردند، این عمل با پشتیبانی دانش آموزان روبرو شد، ماموران شبانه به تحصن حمله کردند وتعدادزیادی از کارگران ودانش آموزان را دستگیر وبه زندان اوین درتهران منتقل کردند، روز بعد همه دبیرستانهای بندرعباس بعنوان اعتراض به این عمل تعطیل شد، ودانش آموزان دست به راهپیمایی زدند. چند روز بعد رئیس آموزش وپرورش بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و گفت «اگر تا ۴۸ ساعت دیگر به کلاسها برنگردید، مدارس را منحل می‌کنم» دانش آموزان خواستار آزادی زندانیان سیاسی بودند وبه همین دلیل از حضور در کلاسها خودداری کردند. بعد ازپایان مهلت مقرردبیرستانهای طالقانی – جمیله بوپاشا، هفده شهریور و نوزده بهمن و مدرسه راهنمایی دوازده فروردین را منحل اعلام کردند. این را باید به حساب «هنر» رئیس آموزش وپرورش بندر عباس گذاشت که بجای اینکه مدرسه دائر کند، مدارس را منحل می‌کند!!

دانش آموز پیشگام بندر انزلی را آزاد کنید

یکی ازدانش آموزان پیشگام بندر انزلی بنام علی یعقوبی، کلاس چهارم دبیرستان فردوسی را اخیرادستگیر کردند اتهام او تحریک مردم شهر در جریان مبارزات صیادان بندر بوده «علی» را همراه چند تن ازصیادان و زحمتکشان بندر انزلی در یك دادگاه سری محاکمه و به یك سال زندان محکوم کردند.

دانش آموزان پیشگام بندرانزلی خواستار آزادی علی یعقوبی و معرفی عاملین واقعی وقایع بندر انزلی هستند.

پشتیبانی دانش آموزان اراک از معلم مبارز

* دانش آموزان اراك برای اعتراض به اخراج یکی ز معلمان مبارز خود به مدت چند روزدراداره آموزش وپرورش دست به تحصن زدند، بیش ازهزارتن از دانش‌آموان درای ن تحصن شرکت داشتند.

آنان برای اینکه صدای خودرا به گوش مردم برسانند با صفوف منظم در خیابانها راهپیمایی کردند. در قطع نامه راهپیمایی خواستاربازگشت معلم مبارز خود به سر کارشدند واعلام کردند تا تحقق خواستهایشان دست ازمبارزه نمی کشند.

چند خبر کوتاه

* مراسم بزرگداشت فدائیان خلق خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان ازسوی دانش آموزان دبیرستان ادب اصفهان برگزارشد.

* دانش آموزان پیشگام بجنورد در سالگرد قیام مایشگاه عکس و کتاب بمدت یك هفته برگزارکردند.

* دانش آموزان دیرستان امیر کبیر گوراب زرمیخ (صومعه‌سرا) قطعه زمینی [illegible] که متعلق به ملك

خواست‌های دانش آموزان خرم آباد

بدنبال حمله «چماق بدستان» به دبیرستان رفیعی خرم آباد ومجروح کردن عده‌ای از معلمان ، دانش‌آموزان مبارز ودانش آموزان کلیه دبیرستانهای خرم آباد ضمن ابراز انزجار از حمله چماق بدستان به محیطهای آموزشی اعلام اعتصاب کردند. خواستهای آنها به قرارزیر است.

۱– دستگیری ومجازات افرادی که به دبیرستانها حمله می کنند.

۲– تامین امنیت برای مدارس

۳– آزادی فعالیت سیاسی درمدارس

٤– دخالت نکردن افراد غیرمسئول در امور مدارس. ضمنا کارکنان و معلمان مدارس بخش چگینی نیز ازاین خواستها حمایت کردند.

* دورود لرستان – گروهی از دانش آموزان مدرسه راهنمایی مولوی دورود. روزنامه دیواری تهیه کردند. مسئولان از چسباندن آن به دیوار جلوگیری کرده وآنرا پاره کردند. دانش آموزان می‌پرسیدند چرا نشریه را پاره کردند وبچه‌ها برای آنها توضیح می‌دادند، دانش‌آموزان مبارز این مدرسه هدف خود را که آگاه کردن دانش آموزان بود جامه عمل پوشاندند.

* من از لسکو کلایه گیلان نامه می‌نویسم. کلاس دوم راهنمایی هستم. نشریه دیر به‌دست ما می‌رسد. اول نشریه را آزاد در مدرسه می‌فروختیم بعد جلو فروش نشریه را گرفتند، ولی ما پافشاری کردیم تا توانستیم فروش نشریه را آزاد کنیم.

* گیلان – بندرحسن کیاده – دبیرستان روشنك.

– وضع مدرسه ما خوب است، کتاب می‌فروشیم نشریه خودمان را آزادانه می‌فروشیم، بچه‌های مدرسه ما بحث‌های سازنده می کنند. یك تابلو برای نصب نشریه دیواری واعلامیه وپوستر داریم، گروههای دیگر هم همین‌طور، کسی مزاحم گروه دیگر نمی‌شود، بچه‌های مدرسه ما به سرودهای انقلابی خیلی علاقه‌دارند. درروزهای تاریخی، ما این سرودها را ازبلندگوی مدرسه پخش می کنیم. به امیدروزی که همه دانش آموزان انقلابی آزادانه با امپریالیسم وسرمایه‌داری مبارزه کنند به امید روزی که همه دانش آموزان انقلابی آزادانه با امپریالیسم وسرمایه‌داری مبارزه کنند. به امید نابودی امپریالیسم درمیهن ما، م. ح

پشتیبانی وسیع دانش آموزان رشت ازخلق ترکمن

بدنبال ترور ناجوانمردانه رهبران خلق ترکمن و کشتار مردم گنبد، دانش آموزان پیشگام رشت به منظور اعتراض به این اعمال بمدت سه روز کلاسها را تحریم کرده و دست به افشاگری زدند. این اقدام دراکثر مدارس با پشتیبانی نیروهای انقلابی وتوده دانش آموز مواجه شد.

دراین سه روز دانش آموزان در حیاط مدارس اجتماع کرده و مقالات وسرودهای انقلابی خواندند از بیست وسه دبیرستان و مدرسه راهنمائی رشت گزارشهائی در این مورد به نبرد دانش آموز رسیده‌است.

اجتماع مردم شیراز در بزرگداشت رهبران ترکمن

به‌دعوت دانش آموزان پیشگام شیراز عده زیادی از دانش آموزان این شهر وسایر مردم در دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز گردآمدند. دراین اجتماع ترو ررهبران خلق ترکمن توسط دانش آموزان محکوم شد.

و جمعیت شعارهایی مانند «فدایی ترکمن– شهادتت در زندان به‌دست سرمایه‌دار افتخارخلق ماست» دادند،

مردم روستاهای اسدآباد فریاد می زنند:

مرگ بر خان

* در یکی از روستاهای اسدآباد همدان به نام «زیرش‌خانی» مردم روستا به کوچه‌های ده ریخته وعلیه «خان» که مالك زمینهای روستا بود شعار دادند، وبعد زمینهای او را تقسیم کرده وساختمان بزرگ خان را به‌کسانی که

ورزش صبحگاهی در دبیرستان کیهان نو

دانش آموزان پیشگام دبیرستان کیهان‌نو تهران باتفاق «دانش‌آموزان [illegible]

دگرگون می‌شود زمین نفس می‌کشد. زمستان عبوس با شبهای دراز، با سرمای استخوانسوز، سپری می شود.

وبهار، با برگهای سبز درختان با شکوفه‌های بادام، با روئیدن سبزه و جوانه زدن دانه‌های گندم در دل خاک فرا می‌رسد، به صحرا می‌رویم. باد بهاری بر چهره ما می‌وزد. با خود بوی عطر گلهای وحشی را می‌آورد. در کوه‌پایه چشمه‌ها می‌جوشند، و نهرهای کوچک هیاهوکنان و کف برلب بر سنگهای کوه می‌تازند. ابرهای پراکنده در آسمان حرکت می‌کنند، به هم می‌پیوندند. آسمان می‌غرد و رگبار بهاری - گلها و سبزه‌ها طراوتی تازه می‌دهد. و لحظه‌ای بعد آفتاب دلچسب بهاری بر همه جا نور و گرما می‌افشاند. در دشتها بره‌های کوچک با پاهای نازک و ناتوانشان دنبال مادران می‌دوند، و از پستانهای پرشیر آنان غذا می‌نوشند. جهان زیبا شده است، امید، حرکت و لبخند همه جا دیده می‌شود.

مادرم در مقدم بهار «خانه‌تکانی» کرده است، و تدارک سفره رنگین نوروز را می‌بیند، وخواهر کوچکم هرروز سبزه‌اش را آب می‌دهد. در

پر کودکان هم می...

پدرم با جعبه شیرینی وبا لبخندی گشاده به خانه می‌آید، مردم همدیگر را می‌بوسند. بر چهره عبوس پدربزرگ لبخند می‌نشیند، و سکه‌های نورا کناری گذاشته، تا به ما عیدی بدهد.

نوروز روز آشتی کنان مردم باهم، روز کنارگذاشتن کدورتها، روز دوستی است، بساط نقل وشیرینی وچای همه جا برقرار است.

نوروز روز وحدت مردم است...

نوروز گذشته را بر خرابه‌های ستمکاری دوهزارو پانصدوساله شاهان پای کوبیدیم. ونگاه نبرد بزرگتری آغاز شد. جنگ با جهانخواره بزرگ امریکا. جویبارانسانی از کوچه‌ها جوشید، امواج بزرگ مردم در خیابانها به حرکت درآمد. «نه سازش نه تسلیم نبرد با امریکا»، این خروش توانای میلیونها مردم زحمتکش این مرزو بوم بود. مردم با مشتهای گره کرده و چهره‌های خشمگین خواستار ادامه انقلاب بودند. و امسال هم مبارزه بدون توقف ادامه خواهد داشت. جنگ ما با امریکا تا شکست کامل امپریالیسم امریکا ادامه دارد. ما پیروز خواهیم شد. زیرا خلقهای قهرمان میهن ما چنین اراده کرده‌اند.

عید بزرگ ما، عیدی که در آستان آن همه کودکان لباس نو می‌پوشند، روز مرگ

اراده و ایمان پیش می‌رویم.





نبرد دانش آموز

ارگان سراسری دانش آموزان پیشگام ایران

چهارشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۵۸ شماره سیزدهم — سال اول

۵ ریال

نوروز شما مبارک باد

در آستانهٔ سال نو هستیم، نوروز برهمه شما مبارک باد. بهار از راه می رسد. چهرهٔ طبیعت دگرگون می شود. زمین نفس می کشد. زمستان عبوس با شبهای دراز، با سرمای استخوانسوز، سپری می شود.

و بهار، با برگهای سبز درختان با شکوفه های بادام، با روئیدن سبزه و جوانه زدن دانه های گندم در دل خاک فرا می رسد، به صحرا می رویم. باد بهاری بر چهره ما می وزد. با خود بوی عطر گلهای وحشی را می آورد. در کوه پایه چشمه ها می جوشند، و نهرهای کوچک ...اهه کنان و کف برلب بر

کوچه کودکان باز بگوش ترقه ها را در کنار پای عابران می ترکانند. و هاوهوکنان، چونان گنجشگان پرگودنبال هم می دوند.

پدرم با جعبه شیرینی و با لبخندی گشاده به خانه می آید، مردم همدیگر را می بوسند. بر چهره عبوس پدربزرگ لبخند می نشیند، و سکه های نورا کناری گذاشته، تا به ما عیدی بدهد.

نوروز روز آشتی کنان مردم باهم، روز کنارگذاشتن کدورتها، روز دوستی است، بساط نقل و شیرینی و چای همه جا برقرار است.

نوروز روز وحدت مردم

امپریالیسم خواهد بود. و ما برای فرا رسیدن این روز بزرگ، برای فرا رسیدن نوروز بزرگ دست به دست هم با قلبهای سرشار از اراده و ایمان پیش می رویم.

بهاران خجسته باد

هوا دلپذیر شد
گل از خاک بردمید
پرستو بیازگشت و زد نغمهٔ امید
به جوش آمد از خون درون رگ گیاه
بهار خجسته باز خرامان رسید از راه
به خویشان، به دوستان، به یاران آشنا
به مردان تیز خشم که پیکار میکنند
به آنانکه با قلم تباهی دردرا به چشم جهانیان پدیدار میکنند
بهاران خجسته باد



...ن می شود « ایسمی » را اضافه کرد. ولی اگر منظور از ایسم فقط یك مکتب است، آنوقت میشود دنبال اسم هر کسی که حرفی زد میشود، ایسمی هم اضافه کرد. کهما چنین اعتقادی نداریم. مارکس در شرایط تولید بورژوازی، زمان وجود رقابت آزاد، سرمایه‌داری را از نظر فلسفی و اقتصادی و مبارزه طبقاتی تحلیل کرد. لذا یك مکتبی را بنیان گذاری نمود. بعد عصر امپریالیسم فرا می‌رسد، عصر انحصارات در سرمایه‌داری که استراتژی مبارزات بشکل روند جدیدی مطرح میشود. که لنین بر مبنای آن مارکسیسم عصر امپریالیسم را طرحریزی می‌کند، وتئوری مبارزه طبقاتی، دیکتاتوری پرولتاریا و غیره تدوین می‌کند. لذا ما با تکیه برتکاملی کهدر مارکسیسم صورت گرفته لنینیسم را باور می‌کنیم. اما مائوتسه تونگ، با توجه به رهنمود های لنین کبیر درمورد کشور های عقب مانده، کشور های نیمه فئودال، نیمه مستعمره، در کمنترین، از درون پراتیك مبارزات انقلابی چین اصولی را استخراج و تئوری انقلاب دمکراتیك نوین را تدوین می‌کند. که این تئوری درمورد کشور های نیمه فئودال، نیمه مستعمره مورد قبول خود کمنیترن هم واقع می‌شود. دوستان ما این خود حزب توده بود که در مقدمه کتاب «استراتژی مبارزات انقلابی» مائوتسه تونگ، نوشت: مائو بی‌گمان لنین خاور آسیاست، توانست این اصول را در شرایط ویژه چین پیاده بکند. این خود

به سیاست خارجی فعلی چین که چرا به فلان‌جا لشکر کشید و چرا با فلان‌کس دوستی کرد، سعی می‌کنند اندیشه‌ای را به شکل زیرکانه‌ای بکوبند و من صادقانه از کسانی که وابسته به حزب توده هستند یا به گونه‌ای آن را قبول دارند، می‌پرسم که اگر صداقت دارند چرا مثل جن و بسم‌الله از آثار مائو می‌ترسند. آثار مائو را بخوانند.

آیا آن دروغهای شاخداری که آقای جوانشیر در کتابش علیه اندیشه و افکار مائو مطرح می‌کنند ببینند وجود دارد یا نه. این جعل آشکار، این تهمت که خدمات تمامی رویزیونیستها و یك نوع فکر بورژوازی آثار مائو است. مسئله‌ای راخود زمانی تائید می‌کردند وحال که با آن در تضاد قرار گرفته‌اند شروع به کوبیدن می‌کنند. من کاری به چین فعلی ندارم، حرفم بر سر اندیشه مائو است.

شعار، مائوئیسم علف هر جنبش کارگری به راستی از کجا تدوین شده، چه کسی آن را تدوین کرده و هدف آنها چیست؟

آیا آوردن رفرمیسم به مبارزه است یا خیر. افکار و کتاب های مائو بطور کامل وجود دارد و هرکسی مخالف است می‌تواند مطالعه کند.

آگهی ابلاغ نسخه ثانی دادخواست و ضمائم جهت اطلاع آقای علی لشگریان

آقای هاشم فلاح به وکالت آقای شکراله سیارزاده دادخواستی بخواسته مطالبه مبلغ ۲۵۲۰۰۰۰ ریال بابت ...

شهرستان تهران ارجاع و به کلاسه ۲۶ – ۱۷۹ر۳۷ ثبت گردیده است چون محل اقامت شما غیر معلوم اعلام گردیده علیهذا مراتب بر حسب تقاضای وکیل خواهان ودستور دادگاه و اجازه ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی سه نوبت

و ضمائم به این دفتر مراجعه و نیز جهت رسیدگی به روز شنبه ۱۷ر۶ر۱۳۵۸ ساعت ۸ر۳۰ صبح در شعبه ۲۶ دادگاه شهرستان تهران حاضر شوید و درغیر اینصورت دادگاه غیابا رسیدگی خواهد نمود چنانچه بعدا ...

مربیان و کارکنان) و نیز شرکت نمایندگان دانشجویان مدارس عالی پرستاری درشوراهای هماهنگی و آموزشی.

۵ – ایجاد طریقه جدید و صحیح جهت گزینش دانشجو در رشته پرستاری.

یکی از دانشجویان معترض گفت: «اداره جلسه به هیچوجه دموکراتیك نبود و بکسانی که به نحوه انتخابات اعتراض داشتند، اجازه صحبت داده نمی‌شد و هنگامی که

آگهی حصروراثت

خانم خدیجه شیرازی به شناسنامه ۳ موالید بشرح دادخواست کلاسه ۵۵٤ر۵۷ این شورا توضیح داده شادروان عباس اسمعیل مکاری بشناسنامه ۱۷۷ در تاریخ ۲۸ر۶ر۱۳۵۷ در تهران محل اقامت دائمی خود برحمت ایزدی پیوسته وورات حین الفوتش عبارتند ازمتقاضیه همسر دائمی و آقای حجت اسمعیل مکاری بشناسنامه شماره ۳۶۷ وآقای عبدالحسین اسمعیل مکاری بشناسنامه ۳۱۲۳ و آقای احمداسمعیل مکاری بشناسنامه شماره ۷۷۸۱ پسران وخانم کبری اسمعیل مکاری بشناسنامه ۷۱۹۰ دختر متوفی و وراث دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادرخواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

شورای داوری حوزه ۱۳

تهران

م الف ۱۱۳۹ ۲ ۱–۳

آگهی ابلاغ دادخواست بیانو ماری لین بواسو

خانم ماری لین بواسو همسر شما دادخواستی بخواسته صدور گواهی عدم امکان سازش باستناد مدارك بدادگاههای شهرستان تهران تقدیم نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسه ۴۵ر۵۷ر۱۱۶۷ ثبت شده است و شمارا مجهول المکان اعلام نموده لذا بدینوسیله دعوت میشود که درجلسه روز ۱۵ر۳ر۵۸ ساعت ۹ صبح جهت هر گونه دفاع در این دادگاه حاضر شوید والا دادخواست ابلاغ شده محسوب و غیابا رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌نماید بعدا اگر نیازی به آگهی باشد یکنوبت درج و مدت آن ده روز خواهد بود.

مدیر دفتر شعبه ٤۵ دادگاه شهرستان تهران

م الف ۲۱۰۲٤ ۱–۳

... موقت داشته‌اند.

۲ – معرفا زمان لازم برای دعوت به انتخابات در دانشکده یکهفته می‌باشد. در حالیکه این دعوت، شتابزده و از دو روز پیش آگهی شده بود.

۳ – وظائف شورای دائم مشخص نگردیده و نیز در مورد اینکه انتخابات به چه صورت انجام گرفته رای – گیری بر چه اساس باشد (اکثریت نسبی یا تناسبی...) از سوی شورای دانشکده یا هیچ ارگان ذیصلاح تصمیمی گرفته نشده بود.

٤ – اداره جلسه دردست عده‌ای از دانشجویان با اعتقادات خاصی بود و به مخالفین اجازه سخن گفتن داده نمی‌شد.

۵ – نحوه رای‌گیری به صورت کاملا نادرستی بود و علاوه بر امکان تقلب بطور مستقیم انجام می‌گرفت نه مخفی.

٦ – هیچ مرجع بی‌طرفی بر انتخابات نظارت نداشت ومشخص نبود که آیا دانشجویان حاضر در جلسه دانشجوی حقوق هستند یا خیر!

دانشجویان معترض عقیده دارند که دانشجویان مذهبی بطرز مغرضانه‌ای عمل انجمن فعالیتهای فوق برنامه را در تحریم انتخابات شورای تحریف کرده و چنین وانمود کرده‌اند که گویا دانشجویان مخالف بازگشائی دانشکده‌اند.

گذاشتن زمان انتخابات در بعد از ظهر را هم به علت وانمود کردن تحریم کلاسها از جانب دانشجویان و جلب دانشجویان شبانه خوانده‌اند تا فرصت هر جریان گذاشتن ...

گفته میشود مهندس میر محمد صادقی عضو کمیته انقلاب اصفهان بوده و از جهت مخفی کردن شهیدی مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان دریافت کرده بود.

پیغام امروز – از کمیته انقلاب اصفهان درخواست میشود در مورد این گزارش برای روشن‌شدن اذهان عمومی در مورد این خبر، اظهارنظر کند.

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و نسخه ثانی دادخواست و ضمائم

باقای سید احمد سیف برابر ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی. بانك شهریار (شرکت سهامی عام) باوکالت آقای سید محمد بنی‌هاشمی دادخواستی بخواسته مطالبه مبلغ یکمیلیون ریال سفته واخواست شده بطرفیت شما و یکنفر دیگر تقدیم دادگاه شهرستان تهران نموده کهجهت رسیدگی باین شعبه ارجاع و بکلاسه ۵۳٤ر۵۷ ثبت گردیده نظر باینکه در نشانی تعیین‌شده از طرف خواهان طبق گزارش مامور شناخته نگردیده‌اید مراتب حسب تقاضای وکیل خواهان و موافقت دادگاه و بتجویز ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی در سه نوبت متوالی در یکی از جراید کثیرالانتشار و در روزنامه رسمی آگهی میشود که در جلسه‌دادرسی مورخه ۲۹ر۳ر۵۸ ساعت ۱۰ صبح جهت رسیدگی حاضر شوید والا وقت‌دادرسی و نسخه ثانی دادخواست و ضمائم آن ابلاغ شده تلقی و ازطرف دادگاه اتخاذ تصمیم قانونی بعمل خواهد آمد و چنانچه بعدا احتیاج بنشر آگهی ...

محمد ارسی:

مکتبی به‌نام مائوئیسم وجود ندارد

متأسفانه بعلت کمبود جا موفق بچاپ دنباله سخنرانی ارسی نشدیم

در پایان سخنرانی سئوالات متعددی عنوان شد که ما بعلت کمی جا تنها به یک سئوال که روشنگر بسیاری از مسائل میباشد، اکتفا می‌کنیم.

س - چنانکه از صحبت های شما معلوم است، شما مائوئیست هستید. نظرتان دوباره شعار:

مرگ بر مائوئیسم این علف هرز جنبش کارگری چیست؟

ج - ابتدا خوبست این مسئله را روشن کنم، که اصلاً بنام مائوئیسم وجود ندارد. ما اندیشه مائو داریم «ایسم»، در سوسیالیسم علمی وقتی مطرح میشود که دوره نوینی در جریان رشد سرمایه‌داری شروع شود.

یا اصلا دوره جدیدی در جریان تکامل اجتماعی پیش آید، و افرادی پیداشوند که تمامی استراتژی، اندیشه‌ها و افکاری را که برای تکامل جامعه انقلابی در آن شرایط بروز می‌کند جمعبندی نمایند و نیز انسجامی را بین افکار و عقاید مختلف به وجود آورند. تحت این شرایط میشود گفت که فردی مارکسیسم را در قسمتها و شاخه های مختلف تکامل داده است. لذا بدنبال آن می شود «ایسمی» را

بزرگ و انقلابی ویتنام بود که اظهار داشت که با تاثیر افکار مائو بر ویتنام، صدر هوشی‌مین توانست با استفاده از برنامه‌هایی که مائو در مورد چین پیاده میکرد، انقلاب ویتنام را به پیش ببرد. اما در سال ۱۹۵٦ رویزیونیسم خروشچف و دارودسته او مسیر خودشان را تغییر می‌دهند و با طرح دولت تمام خلقی بعد از دیکتاتوری پرولتاریا، مسئله گذار مسالمت‌آمیز اندیشه‌های رویزیونیستی بین‌الملل دوم آشکارا اعاده میشود.

مائو در مقابل آنها موضعگیری می‌کند. ما برنامه های مائو را در رابطه با انقلاب در کشور هایی نظیر ایران می‌پذیریم.

ولی آیا تائید یک برنامه‌ای به معنی قبول صددرصد تمام افکار، اندیشه، و تمام گفته های یک صاحب نظر سیاسی است. به هیچوجه، چرا که این خود مغایر مارکسیسم و اندیشه های مائوتسه تونگ است.

اما در مورد شعار: به گمان من این بدرد همان کسانی میخورد که تدوینش کرده‌اند. بی‌آنکه آثار مائو را بخوانند. صرفا با توجه به سیاست خارجی فعلی چین

خواست دانشجویان

نمایندگان دانشجویان ۱۷ مدرسه عالی پرستاری در سراسر ایران دیروز به وزارت علوم مراجعه کردند تا طی گفتگوی دسته‌جمعی با وزیر کار مسایل و مشکلات و خواستهای خود را با وی مطرح کنند.

کلاسهای این دانشجویان بعلت مشکلات موجود هنوز تشکیل نشده است و تا زمان تجدید سازمان این مدارس و رفع مشکلات دانشجویان کلاسها شروع نخواهد شد.

«صاحب اختیاری» یکی از نمایندگان دانشجویان خواست‌های دانشجویان را به شرح زیر اعلام کرد:

۱ - انحلال دوره فوق‌دیپلم و تبدیل آن به دوره لیسانس با تائید وزارت علوم و آموزش عالی.

۲ - تغییر سیستم آموزش پرستاری در سراسر کشور.

۳ - ایجاد مجتمع آموزش پرستاری و ادغام کلیه مدارس دریکدیگر (دانشگاه پرستاری) به دلیل پراکندگی بیش از حد مدارس پرستاری که هم از نظر مادی (اجاره ساختمان) و هم از نظر کادر آموزشی و نیز از جهت بالا بردن سطح دانش پرستاری و کیفیت والای مراحل پراتیک بیمارستانی.

۴ - ایجاد و تشکیل «شورای منتخب» درمدارس عالی متشکل از (دانشجویان، استادان، مربیان و کارکنان) و نیز

دانشجویان معترض دانشکده حقوق دانشگاه تهران:

انتخابات شورا بشکل غیردمکراتیک انجام گرفته است

انجمن فعالیتهای فوق برنامه دانشکده به نحوه برگزاری شورای دانشکده حقوق اعتراض کردند. این اعتراض بدنبال انتخابات شورا صورت گرفت.

در پی جلساتی که در دانشکده حقوق برای انتخابات شورای موقت برگزار شده بود چهار تن به عنوان شورای موقت بمنظور آماده ساختن شرایط برای بازگشائی کلاسها و طرح اساسنامه شورای دائم و تدارک انتخابات شورای دائم برگزیده شدند اما با اعلان انتخابات به وسیله دو تن از اعضاء شورا «دانشجویان مذهبی»، این اقدام از سوی دو تن دیگر از اعضاء شورا و همچنین از طرف انجمن فعالیتهای فوق برنامه دانشکده حقوق تقبیح و انتخابات شورا تحریم گردید.

علت تحریم، از سوی دانشجویان معترض، اقدام یکجانبه و بدون مشورت و اعلان انتخابات بدون تدارک قبلی اعلام شد.

دانشجویان مذهبی بدون پاسخ به اعتراضات، روز چهارشنبه ۵۷/۱۲/۲۴ انتخابات را برگزار کردند. این انتخابات از طرف دانشجویان معترض فاقد رسمیت شناخته شد.

یکی از دانشجویان

دانشجویان سال اول کوشیدند تا قطعنامه‌ای را که در جلسه صبح چهارشنبه تهیه و به نحوه عمل دانشجویان مذهبی اعتراض و شورا را تحریم کرده بودند قرائت کنند، با مخالفت گردانندگان جلسه روبرو شدند و جلسه بشدت متشنج گردید. جلسه وضع بسیار ناراحت‌کننده‌ای داشت و به کسانی که مخالف این عمل دانشجویان مذهبی بودند، اجازه سخن گفتن داده نمی‌شد. نحوه رای‌گیری هم غیردموکراتیک بود. چند تن از دانشجویان مذهبی دانشکده لیستی را که نام کاندیداها نوشته شده بود در میان جمعیت می‌گرداندند و افراد می‌بایستی حاوی اشخاص نامبرده ضربدری می‌زدند. مگر انتخابات دموکراتیک بدون رای مخفی می‌شود صورت بگیرد. علاوه بر آنکه رای مخفی نبود هرکسی می‌توانست با عوض کردن جای خود چندین باز در رای‌گیری شرکت کند. و بالاخره هیچ معلوم نبود تمامی دانشجویانی که رای می‌دهند دانشجوی دانشکده حقوق بوده‌اند یا نه.»

دانشجویان معترض دانشکده حقوق به این دلایل انتخابات شورا را غیر رسمی اعلام کرده‌اند.

۱ - دعوت به انتخابات از سوی تمام اعضاء شورای موقت دانشکده نبوده است. قابل ذکر است که دانشجویان طی تشکیل مجمع عمومی اجرای انتخابات را در صلاحیت شورای موقت دانسته‌اند.

چند خبر از اصفهان

اعتصاب دانش آموزان

در چهپاز اصفهان - روز ۱۴/۱۲ بدنبال نصب اعلامیه درخواست دموکراتیک از طرف دانش آموزان دبیرستانهای تهران در مدرسه حافظ دینان عده‌ای مسلح از طرف کمیته به دفتر مدرسه آمده و یکی از معلمان را بنام آقای ملکی به اتهام تبلیغات کمونیستی بازداشت و به درچه می‌برند. بدنبال این حادثه دانش آموزان کلاس سوم و چهارم راهنمائی همراه معلمین خود به علامت اعتراض به درچه میروند و خواستار آزادی معلم بازداشتی خود میشوند. بقرار اطلاع سه نفر از دانش آموزان به شدت کتک میخورند و از آن تاریخ دانش آموزان و معلمان از رفتن به کلاس خود داری می‌کنند و تا انجام خواسته‌های زیر از رفتن به کلاس خودداری خواهند کرد:

۱ - اعاده حیثیت و عذرخواهی از آقای ملکی در حضور اهالی.

۲ - عدم دخالت افراد غیر مسئول در امور مدرسه.

۳ - امور مدرسه و حل مشکلات مدرسه باید توسط شورای معلمین و دانش‌آموزان اداره شود.

بازداشت معاون ساواک

اصفهان - بگفته یکی از فعالین دانشگاه اصفهان شهیدی معاون ساواک اصفهان در خانه مهندس میر محمد صادقی بازداشت شده است.

آن را به دندان کشید (وخورد).

به همین دلیل وقتی صحبت از برخورد با طبقه‌ی کارگر می‌کنیم منظور ما فقط مشاهده‌ی حالات آنها نیست بلکه در جوهر قضیه منظور "شرکت در تغییر انقلابی طبقه کارگر" است. بدین معنا که فقط وقتی دانش ما در مورد طبقه‌ی کارگر واقعا ارتقاء خواهد یافت که پابپای دریافت‌های کلی و تئوریک از این طبقه به‌میان آنها برویم و به تبلیغ در میان کارگران بپردازیم و آنها را در جهت تشکل و ارتقاء مبارزات‌طبقاتی‌شان راهنمائی کنیم. در غیر این صورت یک پای شناخت ما می‌لنگد.

با توجه به مطالب فوق معلوم می‌شود که، هرچند دست‌یابی به تحلیل صحیح از وضع طبقه کارگر ایران و رسیدن به تحلیل مشخص از شرایط مشخص، بررسی تئوریک تمام مطالبی که در شماره‌ی قبل ذکر کردیم را ایجاب می‌کند، ولی این بدان معنا نیست که مدت‌های طولانی بنشینیم و مطالعه کنیم، تا "انبانی از تئوری" درباره‌ی طبقه‌ی کارگر شویم و تازه آن وقت برخورد عینی با این طبقه را شروع کنیم. بلکه شیوه‌ی صحیح این است که پس از کسب معلومات اولیه و داشتن حداقل لازم از آموزش‌ها به تدریج به میان کارگران برویم و ضمن شرکت فعال در تغییر انقلابی این طبقه، دریافت‌های طبقاتی خود را عمق بخشیم. در این صورت تئوری و عمل پا به پای هم رشد خواهند یافت و درک ما از طبقه‌ی کارگر "واقعا" عمق خواهد گرفت.

چه‌راه‌هائی برای برخورد عینی با طبقه‌ی کارگر وجود دارد؟

دست یافتن به دریافت‌های واقعی، شیوه‌های صحیح مبارزاتی را در برابر آنها قرار دهیم. غالبا موثرترین نوع تبلیغ در میان کارگران در جریان شرکت فعال در امر تولید امکان پذیر می‌شود.

ولی در بسیاری از موارد روشنفکران ممکن است به دلیل سایر اشتغالات سیاسی و تشکیلاتی نتوانند در جریان شرکت در فعالیت‌های تولیدی به هدف تغییر انقلابی این طبقه جامه‌ی عمل بپوشانند در این صورت باید درپی فرصت‌های دیگر برای برخورد عینی با کارگران بود.

در این حالت بهترین راه،شرکت فعال در فعالیت‌های صنفی ـ سیاسی کارگران است. این فعالیت‌ها ممکن است در محیط کارخانه و یا در سایر محل‌ها انجام گیرد مانند راهپیمائی‌ها و میتینگ‌های کارگری، اعتصابات و تحصن‌ها و... در این صورت باید فعالانه در گردهم‌آئی‌های کارگری شرکت کنیم و ضمن آن در فرصت‌های مناسب به بحث و گفتگو با کارگران بنشینیم و در همین جریان است که می‌توانیم ضمن جهت دادن به حرکت کارگران از آنها بسیاری چیزها را فرابگیریم. کما اینکه این روزها کارگران راه‌پیمائی‌ها، سمینارها و سایر مراسم خاص خود را دارند، وظیفه‌ی دانشجویان انقلابی است که از اخبار این گردهم‌آئی‌ها مطلع شوند و در آنها شرکت کنند. بدین ترتیب است که با تماس‌های تنگاتنگ با طبقه‌ی کارگر درک ما از استثمار ارتقاء خواهد یافت و معنی حرف‌هایمان را در مورد این طبقه خواهیم فهمید.

ب ـ شیوه غیر مستقیم: از آنجا که حتی اگر موفق شویم تماس نسبتا

در این زمینه را مورد مطالعه قرار دهیم، مخصوصا مطالعه نشریات ویژه کارگران که منعکس کننده مسائل کارگری، خواسته‌ها و طرز تلقی خاص کارگران از مسائل روز است، "حتما" باید مطالعه شود. همچنین باید اخبار کارگری را با علاقه دنبال کنیم و با جمع‌بندی آنها تغییرات عمومی طبقه کارگر را مورد بررسی قرار دهیم مثلا این روزها کارگران ما با تاکید بسیار در مبارزه‌ی همه‌جانبه برای پایه‌ریزی شوراهای واقعی کارگری، فعال هستند همچنین تلاش می‌کنند تا جلوی تدوین و تصویب هر نوع قانون کاری را که کارگران و نماینده‌های واقعی آنها در تهیه‌ی‌آنها نقش تعیین کننده نداشته باشند بگیرند، و نیز با خواسته‌ی صنفی روز یعنی مساله‌ی "سود ویژه" روبرو می‌باشند، دانشجویان انقلابی باید با دقت به مطالعه و پی‌گیری این اخبار بپردازند.

به این ترتیب ضمن آشنائی با مسائل ویژه‌ی کارگران از نزدیک تئوری‌های ما از شکل کلی و عام به صورت مشخص و خاص درخواهد آمد در چنین جریانی است که قادر خواهیم بود قضاوت‌های صحیح‌تری نسبت به مبارزات طبقه‌ی‌کارگر داشته باشیم.

اشکال عام مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر

می‌دانیم که در هر مرحله از مبارزات خلق‌ها برحسب ضرورت‌های خاص تاریخی و شرایطی که حاکم است شیوه‌های گوناگون و اشکال متفاوتی برای تحقق اهداف مبارزه‌ی علمی باید رعایت شود. طبقه‌ی کارگر از بدو شکل‌گیری در ستیزی دائمی با خصم

سیاسی و نابودی تام و تمام نظام سرمایه‌داری نزدیک نباشد. به همین علت در این مرحله مبارزه سندیکاها معمولا در محدوده‌ی خواستهای صنفی و افزایش امتیازات اقتصادی محدود می‌شود. البته این بدان معنا نیست که مبارزات سندیکائی کارگران جنبه‌ی سیاسی ندارد بلکه جنبه‌ی سیاسی مبارزات مغلوب، و در مقابل بعد اصلی یعنی بعد اقتصادی جنبه‌ی فرعی دارد. مثلا در جوامع صنعتی اروپائی و آمریکائی که سرمایه‌داری پیشرفته غرب در سایه‌ی استثمار و غارت وحشتناک زحمتکشان کشورهای زیر سلطه هنوز به عمر تاریخی خود ادامه می‌دهد. کارگران در سندیکاها و اتحادیه‌ی سندیکاهای کارگری متشکل می‌شوند.

ب ـ شورائی

شوراهای کارگری در واقع اشکالی از مبارزه کارگران را شامل می‌شوند که در حقیقت کارگران در فکر کسب قدرت سیاسی می‌باشند. البته باید متذکر شویم که منظور ما شوراهای واقعی است نه شوراهای قلابی و شکلی که این روزها نهادهای سرمایه‌داری و ارتجاعی سعی می‌کنند بر کارگران تحمیل کنند.

در شماره‌ی آینده به بررسی شوراها بطور خلاصه خواهیم پرداخت.

---

(۱) ـ در این‌بحث، ما مساله اشکال عام مبارزه‌ی طبقه کارگر را به طور کلی و خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم چرا که این موضوع در شماره‌های مختلف نشریه‌ی مجاهد و انتشارات بخش کارگری سازمان به طور مفصل بررسی شده است.

می‌کنند و مرگ شرافتمندانه، مرگ سرخ را استقبال می‌کنند و..." سخنان بالا قسمتی از پیام پدر طالقانی به مناسبت شهادت فرزند آگاه و رشید خلق، استادکامران نجات‌اللهی است براستی که خلق قهرمان ما حق دارد به داشتن و فداکردن چنین فرزندانی به خویش ببالد. استاد نجات‌اللهی یکی از درخشان‌ترین چهره‌های بخون طپیده میهن ما است. چهره‌هائی که تبلور شرف و آزادگی و عشق به رهائی خلقند. لیکن چیزی که به وی ویژگی خاصی می‌دهد، و چهره او را از سایر شهدا متمایز می‌گرداند، موقعیت خاص

انجام رسالت سنگین خویش را بدوش گرفت. تحصن قهرمانانه استادان موجی جدید در حرکت رو به‌تصاعد مبارزات ضد دیکتاتوری بود و خون استاد نجات‌اللهی این تحصن را در خدمت اعتلای هرچه بیشتر جنبش خلق قرار داد. فرزند دلیر خلق کرد با شهادت خویش بار دیگر پیوند اقشار مختلف را مستحکمتر نمود و خونش رهنمودی‌برای کسانی شد که در زیر چکمه‌های ارتش مزدور آزادی‌را فریاد می‌کردند.

براستی‌که "خوشا به‌حال انسانهائی‌که...

بقیه از صفحه اول

خواستهای قانونی مجاهدین خلق ایران از ریاست جمهوری و سرپرست...

قانونی به نجات این انتخابات قیام نموده و وسایل زندگی تفاهم‌بار شورائی و مسالمت‌آمیز کشور را در آینده فراهم نمایند:

۱ ـ یک مرحله‌ای کردن انتخابات.

۲ ـ دخالت فعال قضات منتخب ریاست جمهوری در کلیه‌ی مراحل انتخابات وبه‌ویژه‌در تشکیل هیئت‌های فرعی نظارت و گماشتن اعضاء صندوق‌ها.

۳ ـ منع دخالت عموم نیروهای انتظامی منجمله کمیته‌ها در تشکیل هیئت‌های فرعی نظارت و اعضاء صندوقها.

۴ ـ منتفی کردن بعضی جابه‌جائی‌ها و تصفیه‌های هفته‌های اخیر در وزارت کشور و فرمانداری‌ها که با تمایلات و حب و بغض های ویژه‌ی گروهی صورت گرفته است، مخصوصا" در رابطه با کارمندان بی‌گناه آن وزارت‌خانه.

بدیهی است که انتظار داریم شخص ریاست‌جمهوری وفرمانده‌ی‌کل قوا و همچنین سرپرست وزارت کشور، براساس بی‌طرفی و احترام به‌آراء همه‌ی اقشار و صفوف مردم، و با توجه به مسئولیت‌های قانونی‌شان به خواست‌های حقه‌ی فوق هرچه زودتر جامه‌ی عمل بپوشانند.

مجاهدین خلق ایران

۵۸/۱۲/۱۲

پیام سازمان مجاهدین خلق ایران به پیشگاه خلق قهرمان صحرا و رهبری انقلابی آن، جبهه پولیساریو

همان طور که قبلا" به اطلاع رسید به دعوت جبهه‌ی پولیساریو هیاتی از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران برای شرکت در مراسم سالروز اعلام تشکیل "جمهوری دموکراتیک عربی صحرا" عازم این کشور شد. این هیات پیامی به شرح زیر برای مردم صحرا و جبهه‌ی پولیساریو به همراه داشت:

به نام خدا

و

به نام خلق قهرمان صحرا و ایران

خواهیم ساخت. آمده‌ایم تا بر ضرورت هرچه بیشتر پیوند میان جنبش‌های آزادی‌بخش و انقلابی تاکید کنیم. و از رمز پیروزی در داخل و خارج مرزها که تنها و تنها در پناه جبهه‌ی واحد ضد امپریالیستی امکان پذیر است سخن بگوئیم. امروزدرمملکت ما علیرغم تلاش‌های مذبوحانه‌ی مرتجعین و سازشکاران لیبرال فریاد خروشان خلق: "مرگ بر آمریکاست".

خلق قهرمان ما خواستار ادامه‌ی پیگیر مبارزه با آمریکاست و مجاهدین خلق نیز از بدو پیروزی انقلاب با تاکید بر لغو کلیه‌ی مناسبات اقتصادی، سیاسی و نظامی با امریکا در جهت فراهم آوردن زمینه‌های عینی و عملی

جهان نمی‌باشد. و برهمین اساس در برنامه‌ی ۱۲ ماده‌ای و برنامه‌ی حداقل انتظارات مرحله‌ای خود از جمهوری اسلامی حمایت کامل و کمک مادی و معنوی از تمام جنبش‌های انقلابی وآزدی‌بخش را طرح کرده‌ایم. به عبارت دیگر جنبش های انقلابی در سراسر جهان همه اجزاء یک پیکر واحدند که بدون مدد یکدیگر قادر به ادامه‌ی حیات نمی‌باشند. همچنان‌که دشمنان آنها نیز یک صف واحدندومااز همان آغاز حیات سیاسی جدید ایران بر این نکته پای‌فشرده‌ایم که پیروزی انقلابمان بدون پیروزی دیگر خلق‌ها کامل نیست.

[illegible] طالقانی در دیدار با هیئت کوبائی می‌گوید:

بقیه از صفحه اول

وظایف دانشجویان انقلابی در قبال اقشار و طبقات اجتماعی

می‌گیرد که "در تغییر پدیده" شرکت کنیم.

علی (ع) با زیباترین بیان در مورد کسانی که از شناخت عمیق برخوردار نیستند می‌گوید: "لم یعض علی العلم بضرس قاطع" (خطبه ۱۷) هرگز بر دانش دندان تیز نفشرده است (تا به عمق آن دست یابد، آن را بچشد و لمس کند) به قول یکی از انقلابیون "برای شناخت گلابی باید آن را به دندان کشید (وخورد)".

به همین دلیل وقتی صحبت از برخورد با طبقه‌ی کارگر می‌کنیم منظور ما فقط مشاهده‌ی حالات آنها نیست بلکه در جوهر قضیه منظور "شرکت در تغییر انقلابی طبقه کارگر" است. بدین معنا که فقط وقتی دانش ما در مورد طبقه‌ی کارگر واقعا ارتقاء خواهد یافت که پابپای دریافت‌های کلی و تئوریک از این طبقه به‌میان آنها برویم و به تبلیغ در میان کارگران بپردازیم و آنها را در جهت تشکل و ارتقاء مبارزات‌طبقاتی‌شان راهنمائی کنیم. در غیر این صورت یک پای شناخت ما می‌لنگد.

با توجه به مطالب فوق معلوم می‌شود که، هرچند دست‌یابی به تحلیل صحیح از وضع طبقه کارگر ایران و رسیدن به تحلیل مشخص از شرایط مشخص، بررسی تئوریک تمام مطالبی که در شماره‌ی قبل ذکر کردیم را ایجاب می‌کند، ولی این بدان معنا نیست که مدت‌های طولانی بنشینیم و مطالعه کنیم، تا "انبانی از تئوری"

الف- برخورد مستقیم: بدین معنا که از هر فرصت ممکن برای تماس با توده‌های کارگر و لایه‌های مختلف آن استفاده کنیم. اصلی‌ترین شکل برخورد با کارگران همانا شرکت فعال در امر تولید، دوشادوش کارگران می‌باشد. با چنین شیوه‌ای ما از نزدیک با کارگران آشنا خواهیم شد مشکلات آنها را خواهیم شناخت و ضمن شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی‌آنها موفق خواهیم شد با دست یافتن به دریافت‌های واقعی، شیوه‌های صحیح مبارزاتی را در برابر آنها قرار دهیم. غالبا موثرترین نوع تبلیغ در میان کارگران در جریان شرکت فعال در امر تولید امکان پذیر می‌شود.

ولی در بسیاری از موارد روشنفکران ممکن است به دلیل سایر اشتغالات سیاسی و تشکیلاتی نتوانند در جریان شرکت در فعالیت‌های تولیدی به هدف تغییر انقلابی این طبقه جامه‌ی عمل بپوشانند در این صورت باید درپی فرصت‌های دیگر برای برخورد عینی با کارگران بود. در این حالت بهترین راه،شرکت فعال در فعالیت‌های صنفی - سیاسی کارگران است. این فعالیت‌ها ممکن است در محیط کارخانه و یا در سایر محل‌ها انجام گیرد مانند راهپیمائی‌ها و میتینگ‌های کارگری، اعتصابات و تحصن‌ها و... در این صورت باید فعالانه در گردهم‌آئی‌های کارگری شرکت کنیم و ضمن آن در فرصت‌های مناسب به بحث، گفتگو با کارگران

زیادی از نزدیک با کارگران داشته باشیم درک عینی ما، درمحدوده‌ی خاصی خواهد بود و با بخش محدودی از کارگران تماس خواهیم داشت، برای گسترش اطلاعاتمان در این زمینه می‌بایست به عینیت‌هائی که بطور غیر مستقیم قابل دسترسی است بهای کافی بدهیم.

به این منظور باید بطور مرتب صفحات کارگری نشریات مختلف را بخوانیم و نیز نشریات و کتب جدید در این زمینه را مورد مطالعه قرار دهیم. مخصوصا مطالعه نشریات ویژه کارگران که معکس کننده مسائل کارگری، خواسته‌ها و طرز تلقی خاص کارگران از مسائل روز است، "حتما" باید مطالعه شود. همچنین باید اخبار کارگری را با علاقه دنبال کنیم و با جمع‌بندی آنها تغییرات عمومی طبقه کارگر را مورد بررسی قرار دهیم مثلا این روزها کارگران ما با تاکید بسیار در مبارزه‌ی همه‌جانبه برای پایه‌ریزی شوراهای واقعی کارگری،فعال هستند همچنین تلاش می‌کنند تا جلوی تدوین و تصویب هر نوع قانون کاری را که کارگران و نماینده‌های واقعی آنها در تهیه‌ی‌آنها نقش تعیین کننده نداشته باشند بگیرند، و نیز با خواسته‌ی صنفی روز یعنی مساله‌ی "سود ویژه" روبرو می‌باشند، دانشجویان انقلابی باید با دقت به مطالعه و پی‌گیری این اخبار بپردازند.

به این ترتیب ضمن آشنائی با مسائل ویژه‌ی کارگران از نزدیک تئوری‌های ما از شکل کلی و عام به

خود یعنی سرمایه‌داری بسر می‌برد. این مبارزه در جوهر خود پیوسته نابودی نظام سرمایه‌داری را در نظر دارد؛ منتهی شکل مبارزه بر حسب شرایط تغییر می‌کند ولی می‌توان اشکال مبارزاتی طبقه کارگر را بطور کلی به دو دسته تقسیم کرد: (۱)

الف- سندیکائی

این نوع تشکل معمولا در جوامعی مناسب است که به هر دلیل هنوز طبقه‌ی کارگر به مرحله‌ی کسب قدرت سیاسی و نابودی تام و تمام نظام سرمایه‌داری نزدیک نشده. به همین علت در این مرحله مبارزه سندیکاها معمولا در محدوده‌ی خواستهای صنفی و افزایش امتیازات اقتصادی محدود می‌شود. البته این بدان معنا نیست که مبارزات سندیکائی کارگران جنبه‌ی سیاسی ندارد بلکه جنبه‌ی سیاسی مبارزات مغلوب، و در مقابل بعد اصلی یعنی بعد اقتصادی جنبه‌ی فرعی دارد. مثلا در جوامع صنعتی اروپائی و آمریکائی که سرمایه‌داری پیشرفته غرب در سایه‌ی استثمار و غارت وحشتناک زحمتکشان کشورهای زیر سلطه هنوز به عمر تاریخی خود ادامه می‌دهد. کارگران در سندیکاها و اتحادیه‌ی سندیکاهای کارگری متشکل می‌شوند.

ب- شورائی

شوراهای کارگری در واقع اشکالی از مبارزه کارگران را شامل می‌شوند که در حقیقت کارگران در فکر کسب قدرت سیاسی می‌باشند. البته باید متذکر

به‌یاد استاد شهید نجات‌اللهی

اخیرا به مناسبت آغاز کار کمیسیون تحقیق جنایات شاه خائن مادر استاد شهید نجات‌اللهی کتابی درباره‌ی او گردآوری کرده، و یک نسخه آن راهم برای سازمان ماارسال داشته است. ما نیز بدین وسیله یاد این فرزند دلیرخلق را بیش از پیش زنده نگه می‌داریم.

" خوشا به حال انسان‌هائی که برای رهائی‌انسان‌های زیر ستم بپا می‌خیزند، مبارزه می‌کنند، جهاد می‌کنند و مرگ شرافتمندانه، مرگ سرخ را استقبال می‌کنند و... " سخنان بالا قسمتی از پیام پدر طالقانی به مناسبت شهادت فرزند آگاه و رشید خلق، استادکامران نجات‌اللهی است براستی که خلق قهرمان ما حق دارد به داشتن و فداکردن چنین فرزندانی به خویش ببالد. استاد نجات‌اللهی یکی از درخشان‌ترین چهره‌های بخون طپیده میهن ما است. چهره‌هائی که تبلور شرف و آزادگی و عشق به رهائی خلقند. لیکن چیزی که به وی ویژگی خاصی می‌دهد، و چهره او را از سایر شهدا متمایز می‌گرداند، موقعیت خاص و مناسبت ویژه‌ی شهادت او بود. استاد در واپسین لحظات رژیم فاسد شاه خائن، و در اوج وحشی‌گری‌های سگ‌های زنجیری شاه و امپریالیسم به شرف شهادت نائل شد. ژنرال‌های فاشیست به‌عنوان آخرین برگ‌های شاه، قدرت را دردست گرفتند و با ادامه حکومت نظامی به کشتار گسترده فرزندان خلق پرداختند. دانشگاه که همواره به عنوان سنگرآزادی، مدافع آگاه توده‌ها و صدای اعتراض آنان بوده است بار دیگر به جنبش درآمد و انجام رسالت سنگین خوبش را بدوش گرفت. تحصن قهرمانانه استادان موجی جدید در حرکت رو به‌تصاعد مبارزات ضد دیکتاتوری بود و خون استاد نجات‌اللهی این تحصن را در خدمت اعتلای هرچه بیشتر جنبش خلق قرار داد. فرزند دلیر خلق کرد با شهادت خویش بار دیگر پیوند اقشار مختلف را مستحکمتر نمود و خونش رهنمودی‌برای کسانی شد که در زیر چکمه‌های ارتش مزدور آزادی‌را فریاد می‌کردند.

براستی‌که "خوشا به‌حال انسانهائی‌که..

بقیه از صفحه اول

خواستهای قانونی مجاهدین خلق ایران از ریاست جمهوری و سرپرست...

قانونی به نجات این انتخابات قیام نموده و وسایل زندگی تفاهم‌بار شورائی و مسالمت‌آمیز کشور را در آینده فراهم نمایند:

۱ - یک مرحله‌ای کردن انتخابات.

۲ - دخالت فعال قضات منتخب ریاست جمهوری در کلیه‌ی مراحل انتخابات وبه‌ویژه‌در تشکیل هیئت‌های فرعی نظارت و گماشتن اعضاء

مجاهد سال اول - شماره ۲۵ - ۵۸/۱۲/۱۴ -

کج‌فهمی‌ها و تمایلات ارتجاعی و انحرافی در عمل، قلب و تحریف، و سرانجام به وسیله‌ای برای موضع‌گیری علیه حق و حقیقت تبدیل شده است.

چنین بود که خوارج با شعار "لیس حکم الا لله" (حکومت جز برای خدا نیست) به جنگ علی (ع) رفتند.

چنین بود که معاویه شعار انقلابی "المال، مال الله" (مالکیت از آن خداست) را به وسیله‌ای برای غصب حقوق محرومان و مستضعفان تبدیل نمود.

و چنین بود که عمربن سعد، وقتی دستور حمله به جانب خیمه‌گاه‌های حسینی را صادر می‌کرد، دقیقا همان عبارتی را به زبان می‌آورد که پیامبر اکرم (ص) در جنگ بدر با آن مجاهدین را به نبرد ضد خلق و ضد تکامل فرستاد: "یا خیل الله ارکبی و بالجنه ابشری" (ای سپاهیان خدا، رکاب بکشید و به بهشت بشارت برید)

در مقابل، پیوسته مردان راستین راه خدا و خلق تلاش کرده‌اند تا توده‌های محروم را بر جوهر شعارهای خدائی و خلقی واقف نموده و بدین سان، سدی استوار از آگاهی در برابر چنین دستبردهایی به گنجینه‌ی عقیدتی و فرهنگی محرومان، برپا کنند.

نبرد میان دو اردوگاه، میان اسلام ریاکارانه و انحصارطلبانه، با اسلام پاک و بی‌غل و غش تا باماداد پیروزی بر هرگونه ستم و استثمار همچنان ادامه دارد

به راستی هم که غیر از این چگونه می‌توان وجدان و شرف عقیدتی محرومان را از دستبرد عوامفریبان، شیادان و انحصارطلبان مصون داشت . . .

و اکنون بر سر شعار "نه‌شرقی، نه غربی" همان می‌آید که بر سر بسیاری از مفاهیم و واژه‌های انقلابی اسلام. زیرا که نبرد میان دو اردوگاه، میان اسلام ریاکارانه و انحصارطلبانه، با اسلام پاک و بی‌غل و غش تا باماداد پیروزی بر هرگونه ستم و استثمار همچنان ادامه دارد.

و چنین است که می‌بینیم بازهم شعار "نه‌شرقی، نه‌غربی" همان شعار شهیدان، در دست‌های مرتجعان به چماقی برای اصیل‌ترین و قدیم‌ترین یاران شهیدان بدل می‌شود. همان انحصارطلبانی که اجداد عقیدتی‌شان "علی"ها را نیز کافر و منافق و "حسین"ها را نیز "خارجی" خواندند و از علی نیز می‌خواستند تا توبه کند!

این‌بار چنانکه در طول یک‌سال گذشته نیز به عینه شاهد بوده‌ایم خلاصه‌ی ماجرا چنین است:

خلقی در زنجیر، از فردای پانزدهم خرداد سال ۴۲، اصیل‌ترین، مومن‌ترین و پاکبازترین فرزندان خجسته خود را به نبرد با اهریمن، همان طاغوت دوران می‌فرستد. جوانان صدیق و پرشور از هیچ جانبازی دریغ نمی‌کنند، آنقدر که حتی در گوشه و کنار جهان، آبرویی برای رژیم قساوت‌پیشه‌ی شاه به جا نمی‌ماند. و دیگر چه به لحاظ داخل و چه به لحاظ بین‌المللی مشروعیت خود را تماما از دست می‌دهد و . . . سرانجام، توده‌های خلق به همت "امام" که برخلاف سالوسان، هیچ کوتاه آمدن و سازش و مذاکره‌ای را با طاغوت و طاغوتیان نمی‌پذیرد، سلطنت اهریمنی را واژگون

صرف‌نظر از کاستی‌ها و نواقصی که در آن بوده، نهضت ملی ایران از آن رنج می‌برد، جنبش ضداستعماری ملت ایران که مصدق بزرگ پرچم سرشار از تجاربی است که می‌تواند از هرجهت برای ما آموزنده و نجات‌بخش محسوب گردد. به راستی چگونه بود که مصدق طی دوران رهبری و زمام‌داریش

دانشگاه انقلاب (۱۵)

وظایف دانشجویان انقلابی در قبال اقشار و طبقات اجتماعی

درشماره‌ی قبل سرفصل آموزش‌های ابتدائی لازم برای برخورد آگاهانه و عینی با طبقه‌ی کارگر را ذکر کردیم، و گفتیم که در قسمت بعد به بررسی اشکال مناسب مبارزاتی طبقه‌ی کارگر خواهیم پرداخت. ولی برای تکمیل بحث قبل ابتدا باید یک مساله را یادآور شویم و آن رابطه‌ی "تئوری" و "عمل" است:

می‌دانیم که در روش عینی شناخت، "تئوری" و "عمل" به یکدیگر وابستگی دارند بدین معنا که در محدوده‌ی دانش بشری شناخت علمی، از برخورد با واقعیت‌های جهان خارج ناشی می‌شود و به‌همین‌دلیل "تجربه" پایه‌ی اصلی شناخت علمی است، و بدون آن فعالیت‌های ذهنی یا در سطح قضایا باقی می‌مانند و یا اصولا مسیر انحرافی و پندارگرایانه را می‌پیمایند.

با توجه به همین مطلب، شناخت ما از طبقه‌ی کارگر نیز نمی‌تواند مجزا از برخورد عملی و عینی با این طبقه، رشد یابد و عمق پیدا کند. منتهی می‌دانیم که منظور از برخورد با پدیده‌های جهان خارج صرفا نظاره به‌آنها نیست، بلکه شناخت آنگاه عمق

بقیه در صفحه ۶

اسامی احمدرضانعمتی، سیدرضاحسینی، اسدالله‌صمدی و عباس‌خاتونی که سه تن از آنها توسط گلوله و یکنفر به وسیله ضربه چماق مجروح شده‌اند بستری هستند.

عباس خاتونی سخن نگفت

در آغاز تصمیم داشتیم که با تمامی این فرزندان دلاور و فداکار خلق که حتی حاضر شده‌بودند تا پای جان و ایثار خون خویش از آرمان‌های توحیدی مجاهدین خلق در برابر حملات مرتجعین فاشیست دفاع کنند، به گفتگو بنشینیم، با آنها برای ما از صحنه های مقاومت و جان بازی‌شان در برابر هجوم‌ها و حملات ژ-۳ به‌دستان سخن بگویند، و لیکن متاسفانه برادرمان عباس خاتونی که هنوز پس از اصابت ضربه چوب به سرش بهوش نیامده، نتوانست با ما سخن بگوید.

بالاخره ما موفق شدیم که کمی با خود آنها و اطرافیانشان به گفتگو بنشینیم

برادرمجروح احمدرضانعمتی

ابتدا به سراغ برادرمان احمد

خاطر مخاطراتی که ممکن است وجود داشته باشد، گلوله‌ها را خارج ننمایند هنگامی که با او به گفتگو نشستیم از وی خواستیم که درباره‌ی مواقع جریانات و نحوه‌ی تیرخوردنش برای ما توضیح دهد. وی از تمامی صحنه‌هائی که خودش مستقیما شاهد حملات مرتجعین بود برای ما سخن گفت و آن زمانی را که‌مورد اصابت گلوله قرار گرفت این چنین تعریف کرد:

" روز بعد از برگزاری میتینگ سازمان در قائم‌شهر، یعنی روز جمعه من به همراه دیگر دوستانم برای محافظت از ساختمان ستاد به آنجا رفتیم، ما در اطراف ستاد حلقه زده بودیم که ناگاه دیدیم عده‌ای پاسدار و چماق بدست به طرف ما حمله کردند ما سعی می‌کردیم که پشت دیوارها سنگر بگیریم تا گلوله‌هائی که شلیک می‌گردد به ما اصابت نکند. ولی ناگهان تیری به پایم خورد و من به زمین افتادم، بچه‌ها مرا از زمین برداشتند تا با ماشین به بیمارستان برسانند. در همان حالی که بچه‌ها مرا با خود حمل می‌کردند، پاسداری دیگر با کشتن دومین گلوله رابه‌طرف من شلیک کرد، این گلوله از پشت به من

بقیه در صفحه ۱۲

در صفحات دیگر:

ایدئولوژی

خطبه‌ی ۱۷ نهج‌البلاغه

مفهوم صلاحیت از دیدگاه علی (ع) (قسمت آخر)

برای رهبری یک انقلاب تنها داشتن "حسن‌نیت" کافی نیست، بلکه آگاهی و بینش عمیق نیزلازم است.

لاملی والله باصدار ما ورد علیه، و لاهو اهل لما فوض الیه، لا یحسب العلم فی شئ مما انکره، و لا یری ان من وراء ما بلغ مذهبا لغیره"

(به خدا سوگند که چنین شخصی قدرت ریشه‌یابی قضایا و مسائلی را که با آنها مواجه می‌شود، ندارد و به طور

صورت محفوظات و انباشته‌های ذهنی است، حتی اگر فرض کنیم که این معلومات با حقیقت هم منطبق باشد، بازهم نمی‌توان به کمک آنها یک تحلیل واقع‌گرایانه و همه جانبه از مسائل که مبین عمق و ریشه قضایا باشد، ارائه داد؛ زیرا چنین دانش‌ها و محفوظاتی در جریان عمل و مبارزه‌ی

کار رود (مضمون از یک انقلابی‌معاصر)

یک "انقلابی" از بیخ‌وبن با آنهائی که فقط معلومات "کتابی" دارند، متفاوت است. او معلومات و تئوری‌هایی را که آموخته در عمل به کار می‌بندد. او تئوری را به طور مجرد و بدون هدف معین مطالعه نمی‌کند، بلکه آن را برای یافتن مواضع تئوریک، نظریات و اسلوب ـ هایی به منظور حل مسائل انقلاب فرامی‌گیرد. از قضا آنهائی که‌همه‌ی توجهشان را به معلومات و تئوریهای بی‌مغز و جدا از واقعیت معطوف



قطعنامه درباره تعطیل دانشگاه‌های ایران

کمتر کسی است که با تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی میهن ما آشنائی داشته باشد و نداندکه دانشگاههای ایران در طی سالهای سخت مبارزه همیشه یکی از مهمترین پایگاههای انقلاب بوده اند. دانشجویان ایران بمثابه آگاهترین بخش از جامعه ما همیشه در مقدمترین سنگر مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی زحمتکشان ایران قرار داشته‌اند. اگر شانزدهم آذر روز حماسه آفرینی دانشجویان آگاه و هوشیار ایران در برابر رژیم کودتا و امپریالیسم امریکا بوده، اگر صدها چهره انقلابی چون پویان، احمد زاده، رضائی و غیره را دانشگاه بجنبش انقلابی و رهائی بخش زحمتکشان ایران عرضه کرد و اگر صحن دانشگاه با خون رشیدانی چون شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا گلگون شده، در عوض زحمتکشان ایران، پابرهنه ها و همه آنکسانی که رهائی از چنگال اسارت و استثمار را طلیعه زندگانی خویش ساخته بودند و امروز نیز چون دژی تسخیرناپذیر در برابر ارتجاع حاکم ایستاده‌اند، میدانند که دانشجویان ایران همیشه و در همه لحظات پر تلاطم زندگانی اجتماعی خویش با خون و شهادت خویش پیوند "دانشجو، کارگر، پیوندتان مبارک" را بر جریده تاریخ تصحیف نموده‌اند.

زندگانی جنبش دانشجوئی ایران در امر پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی زحمتکشان ایران آنچنان تابناک است که تنها کوردلان بی بصیرت قادر بانکار آن خواهند بود.

با استقرار جمهوری اسلامی و با سیادت سیاسی خرده بورژوازی سنتی ارتجاع حاکم برای استقرار سلطه اهریمنی خویش همچون همه ارتجاعیون تاریخ در اول اردیبهشت سال گذشته با یورش بسنگر دانشگاه و با کشتار وحشیانه دانشجویان بست نشین که از حقوق دانشجوئی خویش در برابر ارتجاع دفاع مینمودند و از رژیم جدید میطلبیدند که دستاوردهای قیام پرشکوه بهمن ماه را قربانی خواستهای تنگ نظرانه خویش نسازد، آشکارا نشان داد که این تازه بدوران رسیده ها در دشمنی با دانشگاههای ایران و دانشجویان مبارز ضد امپریالیست و همسو با زحمتکشان ایران از رژیم خائن و سر سپرده شاه چیزی کم ندارند.

ارتجاع موتلفه که از ضعف و زبونی خویش برای جوابگوئی بخواسته های اقتصادی و اجتماعی توده ها آگاه گشته و مرگ را در طالع خویش منقوش میدید، با تمامی توان ارتجاعی خود بدانشگاهها، این سنگر حماسه و مقاومت حمله برد. آقای بنی صدر، رئیس جمهور رهبری این حمله راهزنانه را بعهده داشت و پس از آنکه چاقوکشان حزب الهی با قتل و جرح دهها دانشجوی مبارز محوطه دانش

جنبش دانشجوئی، ش ۱، فروردین ۶۰

گاه را فتح نظامی نمودند، رهبر کل قوا که در برابر ارتش پوشالی عراق جز عقب نشینی و بی همتی لیاقت دیگری از خود نشان نداده است، خبر فتح دانشگاه را بحضور "رهبر خمینی" تلگرافی مخابره نمودند.

اول اردیبهشت سمبل ادامه مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی جنبش دانشجوئی ایران در بطن جمهوری اسلامی است. اگر شانزدهم آذر روز مقاومت دانشجویان ضد امپریالیست ایران در برابر رژیم محصول کودتای شوم ۲۸ مرداد پهلوی بوده، اول اردیبهشت سال گذشته نیز نشانه ادامه سنت انقلابی دانشجویان ایران در برابر رژیم بازپسگرای خرده بورژوازی سنتی و بورژوازی غیر انحصاری ایران است. ارتجاع حاکم با حمله بدانشگاههای ایران و تعطیل این کانونهای فرهنگی که آینده جامعه ایران منوط بفعالیت خلاق آنست، عملاً چهره کریه ضد مردمی و دشمنی آشکار خود را با فرهنگ و دانش مدرن که پیش شرط رهائی زحمتکشان از چنگ استثمار و ستم طبقاتی را تشکیل میدهد، بثبوت رسانید.

اول اردیبهشت در عین حال نقطه آغاز حمله رژیم ارتجاعی بهمه اقشار و طبقات مبارز و انقلابی جامعه بود. سرکوب خلقهای ایران از این پس ابعادی وحشیانه و خائنانه یافت. ما با بزرگداشت این روز بزرگ پیوندخودرا با جنبش مترقی و ضد امپریالیستی ایران تجدید نموده و یادآور میشویم که دانشجویان مترقی ضد امپریالیست و ضد ارتجاعی ایران زمانی قادراند منافع واقعی خویش را تحقق بخشند که با جنبش انقلابی زحمتکشان ایران همسو گردند و با همکاسه شدن با جنبش انقلابی پرولتاریای ایران زمینه ایجاد جامعه بی طبقه را فراهم آورند. ما یادآور میشویم که تودههای دانشجوئی تنها با همسوئی با آگاهترین طبقه انقلابی جامعه ایران، یعنی همگام شدن با پرولتاریای ایران میتوانند مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خویش را به ثمر رسانند. بنابراین دانشجویان ایران باید بمبارزات ضد امپریالیستی خویش خصلتی ضد سرمایه‌داری دهند. خواستهای دمکراتیک خویش را بمضمون دمکراسی پرولتری بیارایند، زیرا تاریخ انقلاب اجتماعی ایران نشان داده است که در عصر جهانی گشتن امپریالیسم و نظام سرمایه‌داری هیچ قشر و طبقه‌ای جز پرولتاریای ایران نمیتواند مناسبات عادلانه اجتماعی را در بطن جامعه ما مستقر سازد. همه اقشار و طبقات دیگر تنها باین خاطر مبارزه میکنند که سلطه طبقاتی خویش را در جامعه مستقر سازند و این تنها طبقه کارگر است که با سیادت سیاسی خویش جامعه طبقاتی را نفی میکند و راه رهائی همه بشریت را ممکن میسازد.

اول اردیبهشت روز ادامه مبارزه بخاطر کسب حقوق دمکراتیک و آزادیهای اجتماعی دانشجویان ایران است. ما بمثابه بخشی از جنبش دانشجوئی ضد امپریالیست ـ ضد ارتجاعی و مترقی ایران با همه توان و نیروی خویش در جهت همسوئی با جنبش مستقل پرولتاریائی ایران گام برخواهیم داشت و مبارزه را تا سرنگونی رژیم ارتجاعی کنونی و استقرار جامعه بی طبقه ادامه خواهیم داد.

- مرگ بر دشمنان زحمتکشان و روشنفکران مترقی و انقلابی ایران
- دانشجویان تنها از طریق همسوئی با جنبش مستقل و آگاه طبقه کارگر ایران میتوانند حقوق اجتماعی خویش را تحقق بخشند.
- مبارزه بخاطر بازگشائی دانشگاهها یعنی مبارزه علیه ارتجاع بی فرهنگ.

گرامی باد روز اول اردیبهشت سمبل ادامه مبارزه ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی جنبش دانشجوئی ایران

خویش برخاک بلوچستان نوشت. یعنی هما نا خود- مختاری بلوچستان که حق مسلم ما ودیگرخلقها ست بی اهمیت جلوه داده ودرعوض با طرح مسائل فرعی ذهن توده ها را درجهت خواست امپریالیسم وارتجاع منحرف سازند.

اخیرا" درآستانه اولین سالگردجنگ تحمیلی ترکمن صحرا ، ارتجاع باردیگربا تحمیل جنگی دیگربه زحمتکشان آن دیارسعی برآن داردتا شوراهای واقعی زحمتکشان را که نخستین گام در راه تحقق خودمختاری خلقها است ، توسط گلوله- های امریکائی خویش نابودسازد. ارتجاع مرگ خویش رادرتحقق شوراهای واقعی زحمتکشان میبیندو

مختاری خلقها درچها رچوب ایرانی آزادودمکراتیک ونابودی کامل سلطه امپریالیسم ، پرچم خونین آنها را بردوش خواهیم گشید.

مرگ برامپریالیسم وارتجاع
برقراربادخودمختاری خلقها درچها رچوب
ایرانی آزادودمکراتیک
جاودانه بادخاطره شهدای بخون‌خفته خلق

اتحادیه‌انجمنهای دانش‌آموزان بلوچ
زاهدان ۵۸/۱۲/۹

متن زیر که هزاران نفر از دانش‌آموزان ترکمن صحرا آنرا امضاء نموده‌اند ، سند گویائی از وضع نابسامان مردم ترکمن صحرا است که با یورش فاشیستی ارتش ضد خلقی وپاسداران ارتجاعی و کشتار مردم بیگناه و ترور عناصر انقلابی بوجود آمده‌است. مسئولین مملکتی با بی تفاوتی این وضع را نظاره میکنند و دستگاههای تبلیغاتی نیز در رابطه با آزار و اذیت مردم و محیط وحشت و ترور حاکم در منطقه سکوت اختیار کرده و به دروغپردازی مشغولند.

حضور وزیر آموزش و پرورش جمهوری
اسلامی ایران

ما دانش‌آموزان دبیرستانها و مدارس راهنمائی ترکمن صحرا از روز شنبه ۵۸/۱۱/۲۰ به علت هجوم غیر منتظرهٔ ارتش و پاسداران به شهرها و روستاهای منطقهٔ ترکمن صحرا که منجر به شهادت تعداد بیشماری از مردم ستمدیدهٔ ما گشت و بعلت دستگیریهای پیاپی و محیط ترور و ارعاب که بوجود آمده عملا" ما قادر به رفتن به کلاسهای درس و ادامه امتحانات خویش نیستیم.

از آنجائیکه ادامهٔ این وضع باعث عقب‌افتادگی درس ما شده ، لذا اعلام میداریم که باید هرچه زودتر این محیط وحشت و ارعابی که با حضور ارتش و پاسداران در منطقه بوجود آمده از بین برود و دولت امنیت ما را تضمین کند تا بتوانیم به سرکلاسهای خود بازگشته وبه درس خود ادامه دهیم.

دانش‌آموزان ترکمن صحرا

رونوشت : مدیرکل‌آموزش و پرورش استان‌مازندران

جناب‌آقای ابوالحسن بنی صدر رئیس
جمهور اسلامی ایران

ما امضاء کنندگان زیر بدینوسیله اعلام‌میداریم که از زمان آغاز جنگ تحمیلی به مردم ترکمن - صحرا تا کنون وضعیت این منطقه به خصوص شهر گنبد کاملا" متشنج بوده و مردم به دلیل عدم وجودامنیت از شهر و خانه و کاشانهٔ خویش آواره شده اند و تا کنون موقعیت مناسب برای بازگشت به سر کار و زندگیشان بوجود نیامده است و همگی ما در نگرانی و ناراحتی بسر میبریم.

روی این اصل از جنابعالی بعنوان رئیس جمهور میخواهیم که با پاسخگوئی به خواستهای ما امضاء کنندگان که در زیر آمده است جهت از بین بر دن محیط ترور و ارعاب در منطقه و ایجاد شرایط مناسب برای بازگشت و شروع زندگی در شهر گنبد اقدام نمائید. خواستهای ما مردم ترکمن صحرا عبارتست از :

۱- تامین امنیت مردم منطقه بخصوص ساکنین شهر گنبد
۲- شناسائی ، محاکمه و مجازات عاملین جنگ - تحمیلی گنبد و ترور ناجوانمرادنهٔ چهار تن از رهبران خلق ترکمن
۳- آزادی زندانیان و بازداشتیهای جریانات اخیر
۴- شرکت دادن تراکمه ساکن شهر گنبد در - تصمیم گیریهای مربوط به شهر

امضاء :

دهها هزار نفر از مردم
شهرها و روستاهای ترکمن صحرا

دادستان انقلاب‌گنبد وباند جنایتکارش مسئول ایجاد شرایط تروروا ختناق در منطقه هستند. با اطلاعیه هائی ضدمردمی به سبک - اشغالگران ارتشهای استعماری وبشیوه ساواک آریامهری مردم بیدفاع را به فاشیستی ترین صورت تحت‌فشار قرارداده وبا تهدید به مصادره وسائل زندگی آنان که عمدتا از زحمتکشان شهری تشکیل میشوند میخواهد بزور سرنیزه و با ارعاب و تهدید مردم را به شهر بازگردانده آقای"دادستان" شما از چه کسانی دفاع میکنید؟ آیا بهتر نبود که بجای تهدید مردم بیدفاع وصدور اعلامیه های رنگارنگ توخالی و اذیت وآزار دهقانان و زحمتکشان که بیان کننده ماهیت شماست به جنایات سرمایه داران وزمینداران بزرگ این دوستان و نزدیکانتان رسیدگی میکردید؟ آیا بهتر نبود که بجای تهدیدمردم بیدفاع از دستگیریهای بی رویه ، بی قانونیها و ترورهای ناجوانمردانه دست بر میداشتید؟

مردم مبارز ترکمن صحرا بهیچ وجه زیربار اینگونه تهدیدها نخواهندرفت وبا ادامه مبارزه خویش مواضع ضدمردمی این عناصر به ظاهر انقلابی را افشاء و جنگ‌افروزی را محکوم مینمایند.

دادستان انقلاب‌اسلامی گنبد که خود یکی از- مسئولین ترورهای ناجوانمردانه اخیر گنبد است دادستان گنبد که عامل ایجاد تشنج و محیطی ناامن در منطقه بوده وبعناوین مختلف جنگ افروزی میکند باید هرچه زودتر بر کنار و محاکمه گردد.

ما اعمال ننگین وضدمردمی دادستان گنبد و- باند جنایتکاراورا محکوم کرده وبه قضاوت خلق ایران میگذاریم.

کانون فرهنگی وسیاسی خلق ترکمن

۵۸/۱۲/۲۶

مرگ برامپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکاو وابستگانش